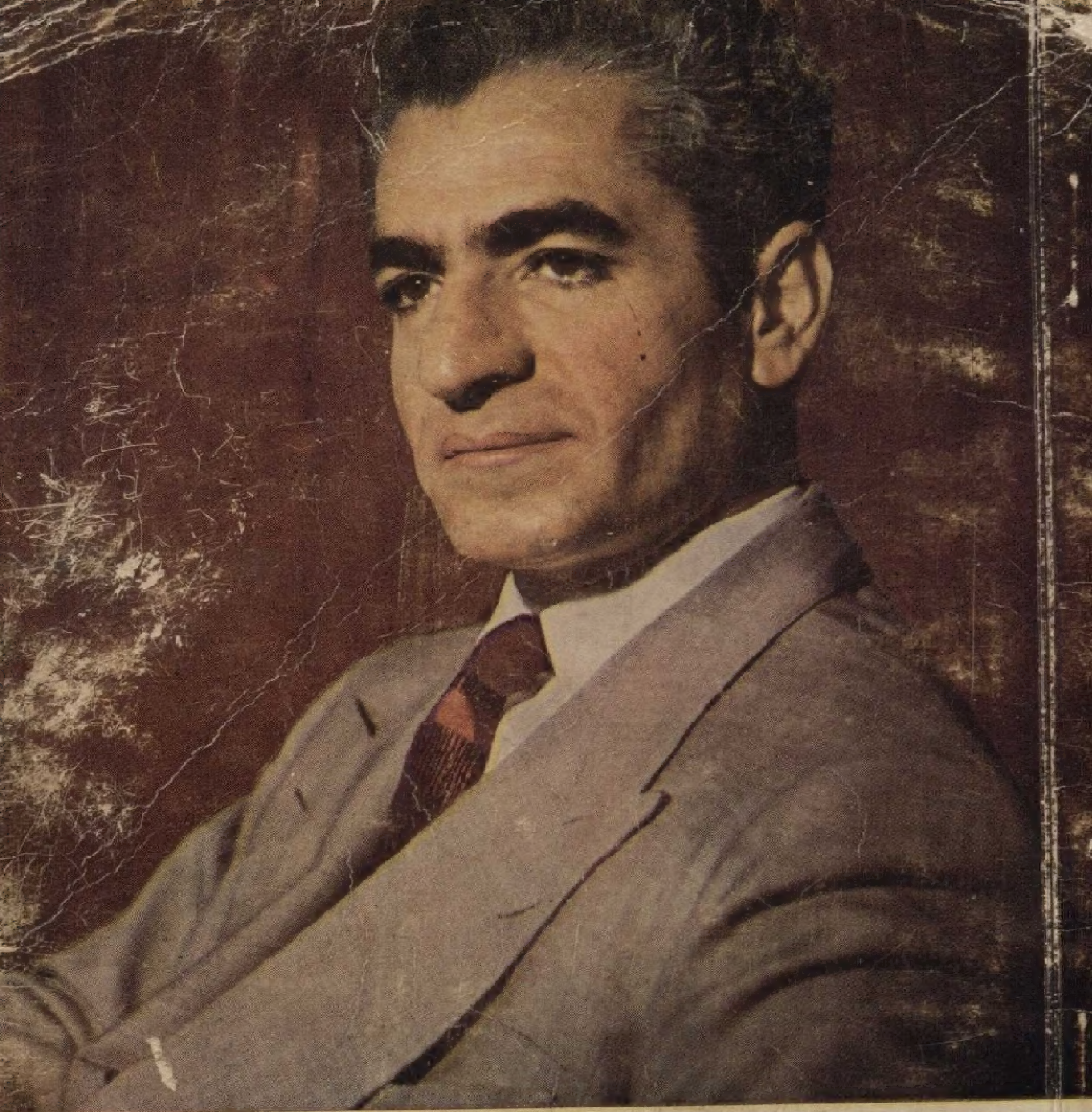


مأموریت برای وطنم

اثر

اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی

مأموریت برای وطنم

اثر

اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی

شاهنشاه ایران

چاپخانه ارمغان

فهرست مطالب

عنوان		صفحه
	دیباچه	۵
فصل اول	سرزمین قدیم وجدید ایران	۱۱
فصل دوم	تحولاتی که پدرم درایران ایجادکرد	۳۲
فصل سوم	دوران کودکی من	۵۵
فصل چهارم	تعلیم وتربیت شاه	۷۳
فصل پنجم	ایام پرآشوب وتشنج	۱۰۴
فصل ششم	ناسیونالیسم مثبت من	۱۴۲
فصل هفتم	مسئله اقتباس تمدن جدید	۱۷۲
فصل هشتم	نظرمن درباره دموکراسی	۲۱۳
فصل نهم	آیندهٔ امید بخش کشاورزی	۲۶۴
فصل دهم	زن ایرانی دراجتماع	۲۹۷
فصل یازدهم	فرهنگ وآینده ایران	۳۲۶
فصل دوازدهم	نفت ایران	۳۶۶
فصل سیزدهم	ایران وصلح جهان	۳۹۸
فصل چهاردهم	شاه وکشور	۴۳۶

دیباچه

این کتاب برای انجام منظوری که سالیان دراز ضرورت آن احساس میشد نگارش یافته است . تاآنجاکه اطلاع دارم از بیست وپنج قرن پیش که شاهنشاهی ایران بنیان گذاری شده است من نخستین شاهنشاهی هستم که شرح زندگانی خود را بطور مرتب و باتسلسل تاریخی تألیف و تدوین کرده ام .

البته در قرن شانزدهم میلادی یعنی دوهزار سال پس از آغاز شاهنشاهی ایران شاه طهماسب اول که یکی از سلاطین این کشور بود تاریخچه مختصر زندگانی خویش رابرشته تحریر درآورده و دویست سال بعد در دوره سلطنت شاه طهماسب دوم یکنفر کشیش فرانسوی شرح احوال مجملی بنام این پاشاده انتشار داد باین منظور که ثابت کند وی فرزند یکنفر فرانسوی بوده است .

در قرن نوزدهم نیز ناصرالدین شاه سفر نامهٔ دلچسبی دربارهٔ مسافرت خویش باروپا و مشاهدات و توجه خود بفهم رموز ترقیات دول باختری نگاشت ولی هیچ یك از سران تاجدار کشور من شرح زندگانی خویش را با روش مرتب و منظمی مدون نساختند این بود که تقریباً پس از چهارده سال سلطنت مصمم شدم که این کار نخستین بار بدست من انجام پذیرد . غرض تنها آن نبود که در میان شاهنشاهان این کشور در نوشتن شرح احوال پیشقدم باشم بلکه احساس کردم که نگارش چنین کتابی برای آشنائی بگذشته و راهنمائی آینده ایران بسیار ضروری است . درقرن اخیر ماکه درخاور میانه زندگانی میکنیم در فهم و ارزش حقیقی خویش کوتاهی کرده و اغلب در تهیهٔ نقشه ها و برنامه های صحیح برای ترقیات آینده کشور های خود بغفلت گذرانیده ایم . گاهی ازآنچه در کشور انجام یافته اطلاعات مبهمی داشته ایم ولی در تشخیص موانع تشکیلاتی و

غیر آن که مانع پیشرفت بوده است قصور کرده ودر تعیین هدفها و آمال و مقاصدی‌که برای آینده ما ضروریست باصل مسامحه توسل جسته ایم باین جهات بنظر من موقع آن بود که شاهنشاه ایران این نقیصه اساسی را جبران کند

نگارش این‌کتاب در سال ۱۳۳۷ آغاز و در اواخر سال ۱۳۳۹ پایان پذیرفت در طول این مدت هر چند وظائف خطیر دیگر اوقات مرا بخود مشغول میداشت اما هفته ای نمیگذشت‌که جز در ایام مسافرت ساعتی چند بنگارش این کتاب مصروف نشود وحتی در سفر ها نیز فکر تنظیم مطالب مندرج در آن از خاطر من بیرون نمیرفت

کتابی که اینک انتشار پیدا میکند با سایر کتب مربوط بشرح احوال یا خاطرات تفاوت بسیار دارد زیرا این کتاب در واقع تنها شرح زندگانی من نیست بلکه تاریخ احوال یك کشوری است

فصل اول این کتاب بتاریخچه مختصر میراث شگفت انگیز و سابقهٔ درخشان تاریخی کشور ایران اختصاص یافته و در فصل بعد ذکر خدمات شگرف‌وعقیده واستنباط من در باره شخصیت بارز پدرم که در تحولات اخیر خاور میانه از برجسته ترین افراد بود پرداخته شده است آنگاه بشرح دوران‌کودکی و دوره تحصیلات من در اروپا و توجه و مراقبت مخصوصی که پدرم در تربیت من داشت و مرا برای تعهد مسئولیتهای سنگین کنونی آماده میفرمود میپردازد و پس از آن بحرانی که در اثر جنك جهانگیر دوم پیش آمد وکشور ایران مورد تجاوز قرارگرفت و من در سن بیست و یکسالگی بجای پدر وظائف سلطنت را برعهده‌گرفتم شرح داده میشود

در این کتاب اطلاعات خود را در باره قضایای آن سالها که شخصی بنام مصدق کشور ایران را بطریقی که مخصوص خودش بود میگردانید و صنعت نفت ما بحال وقفه در آمد واقتصاد ما فلج شده و مشعل آزادی از نور وفروغ افتاده و تقریباً خاموش گشته بود شرح میدهم و خواهم گفت که چگونه آزادی را دوباره بدست آوردیم و چطور در پی آن کشور ما میدان واقعی جنك سرد انتخاب گردید و نیز توضیح خواهم داد‌که چطور در اثر آن تجارب تلخ

در من عقیدهٔ ناسیونالیزم مثبت بوجود آمد

دراین کتاب شمه ای از اصطکاك تمدن باختر باایمان و امیدواری در ایجاد یك نحو ارتباط جدید بین شرق و غرب سخن میرود و حدود و میزان توسعه و پیشرفتهای اقتصادی کشور و عقیده من در باره مراحل سه گانه دموکراسی و اقداماتی که برای ایجاد دموکراسی حقیقی در این کشور بعمل آمده است ذکر میشود در مسئله اصلاحات مالکیت ارضی و سایر قدمهائی که برای کمك بکشاورزانی که در پنجاه هزار قریه ایران زندگانی میکنند برداشته شده و از وظائفی که زنان ما در ایران کنونی دارند باختصار سخن بمیان میآید و عقیده کلی من در باره آموزش و پرورش در ایران شرح داده میشود ومسئله نفت ایران از لحاظ سیاسی و اقتصادی و فنی مورد بحث قرار میگیرد و موقعیت سوق‌الجیشی ایران در خاورمیانه و مکنونات قلبی من در شرایطی که برای استقرار صلح وآرامش در این بخش از جهان و در سایر نقاط گیتی ضرور است بیان خواهد شد و بالاخره در این کتاب بطور اختصار از طرز زندگانی و کار شبانه روزی خود و وظیفهٔ عملی که در این کشور تاریخی برعهده مقام سلطنت است سخن خواهد رفت

در طی تمام فصول این کتاب کوشش من همواره آن بوده است که در ذکر موانع ومشکلات تنها باجمال وبطور اشاره اکتفا نکنم مثلا مسئله درستکاری افراد چه در سازمانهای دولتی و چه در دستگاههای شخصی و حرفه ای و اجتماعات مختلف همچنان از مسائل دشوار ماست دستگاههای اداری کشوری با آنکه در سالهای اخیر از هر حیث خیلی بهتر از سالهای پیش است باز در بسیاری از موارد کهنه و فرسوده است وبیسوادی وفقر و بیماری هنوز در کشور ما ریشه کن نگشته است اما باید بخاطر آورد که ما میخواهیم پیشرفتهائی راکه در ممالك مترقی پس از چندین نسل و حتی چندین قرن بمرحله ایجاد رسیده است در ظرف چند سال بوجود آوریم .

امروز در تمام نقاط گیتی نسبت بخاورمیانه که کانون تضاد هاست ابراز توجه و علاقه میشود زیرا از یکطرف این ناحیه در تمدن جهانی سهمی بزرك داشته واز طرف دیگر همواره مهد حوادث وکانون

تشنجات بوده است. بعقیدهٔ من اوضاع برای تجدید حیات خاور میانه مساعد است و دلیلی ندارد که ایران چنانکه بار ها بشهادت تاریخ موجد اینگونه تحولات بوده است بار دیگر برای کمك بایجاد يك چنین تحولی ناتوان باشد

فصل اول

سرزمین قدیم وجدید ایران

از ایام صباوت ودوران ولیعهدی که درسویس تحصیل میکردم واقعه‌ای در خاطرم‌مانده است روزی‌شیر فروشی‌که هربامدادگاری‌پراز ظروف شیربدبیرستان میآورد ازمن پرسید ازکدام‌کشور بسویس‌آمده‌ام. گفتم ازپرشیا (ایران) میآیم‌گفت: آری، من پرشیاراخوب میشناسم‌که یکی از شهرهای امریکاست

سالها ازاین واقعه‌گذشت در این اواخریکی ازمستخدمین جوان دربار شاهنشاهی مسافرتی بامریکاکرد . در هنگام بازگشت‌واقعهٔ عجیبی راکه درآن‌کشور برای وی پیش آمده‌بود نقل‌کرد او میگفت قبل ازمسافرت بامریکا همواره آرزوداشتم‌که یکی ازسرخ پوستان امریکائی را بچشم ببینم وهنگامیکه به‌آن کشور رسیدم این آرزو رابا مهماندار امریکائی خود در میان نهادم. این شخص‌گفت انجام این خواهش بسیار آسان است وچون مسافرت بیکی ازنواحی‌که برای سکونت سرخ‌پوستان معین‌شده جزو برنامه است دیداریکنفر سرخ‌پوست میسرخواهد بود هنگامیکه بناحیه معهود رسیدیم بسیار متأسف شدم زیراسرخ‌پوستانی که در آنجا بودند آن سربندهای پرداری‌راکه هالیود در فیلم های خود بدنیا عرضه میکنند برسرنداشتند بالاخره میهماندار یکنفر سرخ پوست راکه بلباس بومیان ملبس وسربند پردار برسر داشت وچهره رابا رنگهای مختلف منقش کرده بودبمن معرفی نمودواین شخص بزبان فصیح انگلیسی ازمن پرسیداهل کدام کشورید؟ گفتم از کشور دوردستی می‌آیم‌که پرشیا یاایران نام دارد.

بمجرد شنیدن نام ایران چهرهٔ این سرخ پوست از شادی شکفت و بازبان فارسی فصیحی‌گفت «سلام علیکم ، حال شما چطور است!»

من ازاین برخورد بحیرت افتادم ولی بزودی دریافتم که این سرخ پوست درجنك جهانی جزوارتش امریکائی مأمور خلیج فارس بوده است که مقدار هفت میلیون تن مهمات وذخائر ازراه ایران بروسیه رسانده وشکست قوای هیتلر وپیروزی متفقین را تسریع نمود وآن سرخ‌پوست نه تنها خودزبان فارسی رافراگرفته بلکه بعده‌ای ازافراد عشیرهٔ خود یادداده واز تمدن وفرهنك باستانی مانیز اطلاعاتی کسب کرده است

ایکاش عدهٔ کثیری از مردم باختر زمین باندازهٔ آن سرخ پوست از کشور من اطلاعاتی داشتند ومیدانستند که ایران به پیشرفت تمدن بشری چه خدماتی کرده ودرآینده نیز چنانکه ایمان قطعی من است چه‌خدماتی بفرهنك ومعارف جهانی انجام تواند داد . گاهی که فکر میکنم چرا ایران درمیان کشور های خاورمیانه بهتر ازاین معروفیت ندارد دچار حیرت میشوم ، زیرااز هرچه بگذریم ایران سهمی بزرك درتمدن خاورمیانه داشته وثروت سرشاری ازذوق وهنر وادب وفلسفه بجهان غرب موهبت کرده است و بهمانگونه که‌ملت امریکا امروز بوسیله برنامه اصل چهارکمك‌های فنی بکشورهای دیگر میکند ما ازاوایل تاریخ‌صادرکنندهٔ فرهنك و هنر بجهان بشریت بوده‌ایم

باوصف این بایدگفت که درسالهای اخیر که کشور های خاورمیانه در صحنه سیاست جهانی قسمت مهمی پیداکرده‌اند مردم گیتی در هر گوشه وکنار نسبت بایران وکسب اطلاع نسبت بسرزمین‌ما وکشور کهنسال من بیشتر ازپیش ابراز علاقه میکنند

در نقشه های جغرافیائی عالم یا خاورمیانه ایران یاپرشیا بطور برجسته‌ای نمایان است این کشور ازکشورآلاسکا بزرگتر ومساحت آن دوبرابر ایالت تکزاس وازمجموع مساحت کشور های فرانسه وسویس وایتالیا واسپانیا وپرتقال وبلژیك ولوگزامبورك بیشتر است. وضع جغرافیائی ما طوری‌است که هزاران‌سال نقطهٔ اتصال خطوط یا چهارراه گیتی بوده‌ایم واین نکته همانقدرکه در روزگاری که مردم باکاروانها مسافرت میکردندصادق بودامروز نیزکه قرن هواپیماهای جت وموشك‌های هدایت شونده است صدق میکند

جمعیت ایران به نسبت‌هرکیلو متر مربع کم است ولی عدهٔ نفوس ماکه بیست میلیون است‌وبرابر جمعیت کشور قاره‌مانند‌استرالیاست

تهران که پایتخت من است یکی از شهرهائی است که‌دردنیا بسیارباسرعت توسعه پیدا کرده‌است بطوریکه جمعیت آن‌زمان جنگ دوم جهانی (که پانصد هزار جمعیت داشت) تا امروز سه برابر شده وبیك میلیون و پانصد هزار نفر بالغ گردیده است

البته یکی از علل ازدیاد نفوس تهران آن است همانطور که دربسیاری ازکشورهای گیتی پیش آمده عدهٔ کثیری ازمردم مساکن اصلی خویش راگذاشته ودر شهر توطن اختیار کرده اند ولی رویهمرفته جمعیت پایتخت‌ما بسرعت روبفزونی رفته‌است.

قسمت بزرگی‌ازکشورخشك وبی‌آب وعلف است‌ولی درقسمتهای‌دیگر مقدارباران سالیانه بسیار زیاد واز جنگلهای انبوه و مزارع‌برنج‌پوشیده است.آب قسمتهای نسبتا خشك کشور ازذوب‌آب برفهای کوهستانهاست که مانند حلقه‌ای گرداگرد فلات مرکزی ایران را احاطه کرده وغالب سلسله‌هائی هم با یکدیگر تقاطع میکنند جزدر ناحیه کویر درسایر نقاط ایران نقطه‌ای نیست‌که ازکوهستان‌فاصله بسیارداشته‌باشد آبی راکه ازکوهستانها جاری است بوسیلهٔ حفر قنات بمزارع‌و قراء میرسانند و اخیرا اقدام بحفر چاههای عمیق‌کرده‌ایم ومتخصصین میگویندکه‌برای رفع نیازمندی‌های جمعیتی‌که سه برابر جمعیت فعلی ایران باشد درایران آب‌بقدرکافی وجوددارد.

تفاوت آب و هوا در ایران زیاد است و در نقاط مختلف و فصول سال فرق میکند، هرچند بگمان من باید همین اختلاف‌آب وهوارا یکی از نیروهای موثر شمرد مردم کشور مادارای نیروی بدنی فوق‌العاده هستند وشاید این مسئله ازتصادفات نباشد که می‌بینیم مردم ایران درورزش هائی نظیر وزنه برداری وکشتی بسیار قوی هستند و در مسابقه های بین المللی ورزشکاران ما دراین رشته ها بیش ازحدتناسب جمعیت کشور بدریافت جوائز قهرمانی نائل گشته اند.

ازلحاظ هوش‌وسرعت انتقال ، مردم ایران چنانکه ذکر خواهدشد شهرتی‌بسزا دارند و با توسعه و تعمیم تعلیمات اجباری در سراسرکشور بنظر من میتوان امیدوار بود که درآینده نیز ایرانیان در علم و هنر وکشاورزی وصنعت وبازرگانی سهم مؤثر وذیقیمتی خواهند داشت.

از لحاظ معادن ایران دارای منابع گرانبهاست البته از حیث نفت مایکی ازتولید کنندگان بزرك جهان محسوب میشویم واز این لحاظ شهرت یافته ایم درخاور میانه صنعت نفت از ایران آغاز گردیده و طبق بررسی ها و تحقیقات علمی اخیر ،کشورمن مانندکشتی بزرگی‌است که روی دریای نفت قـرار گرفته باشد آنچه برای دیگران نسبتاً مجهول مانده اینست که مادارای معادن‌گرانبها وذیقیمت دیگرمخصوصاً ذغال‌سنگ ، آهن ، مس ، مانگانز ،کروم احجارکریمه وبسیاری‌ازاملاح شیمیائی مانند بورات و سولفات و نمك طبرزد هستیم که بمقادیر زیاد قابل صدور وجود دارد و هنوز استخراج و بهره‌برداری از آنها در مراحل مقدماتی است

خاك ایران تقریباً درتمام نقاط جز درناحیهٔکویر بزرك نمك‌که‌مانند کشوراسترالیا قسمتی‌بزرگ از فلات مرکزی ایران رافراگرفته‌حاصلخیز است هرجا آب بزمین قابل زراعت برسدانواع مختلف محصول‌مانند گندم و جو و ذرت وبرنج وپنبه وسیب زمینی و ماش و یونجه وچغندر قند ونیشکر وتنباکو وچای زراعت میشود وسبزی‌های‌خوردنی مانندکلم و شلغم وپیاز و بادنجان و خیار و غیره‌بعمل میآید

کسانیکه بایران‌آمده اند از میوه‌های پرآب ومعطر آن‌مخصوصا از سیب‌وهلو ، زردآلو،انگور ،گیلاس ، آلو،گلابی،انارومرکبات‌گوناگون ازلیمو و نارنگی وخرما وزیتون لذت برده‌اند .انواع‌خربزه‌وپسته‌وفندق و بادام در کشور میروید تربیت مواشی در ایران رونق بسزائی دارد وروستائیان وافراد عشایر ماکه لباس قبیله مخصوص بخویش رامیپوشند درکوهستانها وجلگه های‌کشوربه پرورش اغنام وسایر مواشی‌مشغولند. در چند سال اخیر مکانیزه کردن کشاورزی آغاز شده است ودر فصول بعد برنامه‌ای را که برای تقسیم املاك میان روستائیان و کشاورزان‌داریم واجرای آن‌آغاز گشته است شرح خواهم داد

ما معمولا مقدار نسبتاً قلیلی مواد غذائی وارد و مقـدار معتنابهی صادر میکنیم ومخصوصاً صادرات میوه‌وپسته وبادام مازیاد است قسمت عمده خاویاری‌که در بازار های جهان باسم خاویارروسی بفروش‌میرسد

از ایران‌میآید که‌بروسیه وامریکا وسایرکشورها صادر میشود .(یکی ازظرفا گفته است‌که ماهی خاویار ازنظر تفاوت عقیده از شمال بحر خزر بسواحل جنوبی آن مهاجرت کرده است. ولی حق اینست سالها پیش ازانقلاب روسیه این ماهی آبهای گرم سواحل جنوب‌بحر خزر یعنی سواحل ایران را برای توطن و تولید وتکثیر مرجح شناخته بود) شیلات ما دارای‌منابع بزرگی است که هنوزدست نخورده‌است .

از آنچه گفته شد معلوم است که هرچند مامحصولاتی که‌برای مردم کشور ما وسایر نقاط جهان مفید وذی قیمت است تولید میکنیم ولی تازه استفاده از منابع طبیعی وانسانی ایران را آغاز کرده‌ایم . مطابق آخرین گزارش رسمی که درکشور انگلستان انتشار یافته«ایران شاید یگانه کشور خاور میانه باشدکه برای توسعه و پیشرفت دارای بزرگترین امکانات است».

ایران درطول قرون بیشمار محل تلاقی‌باختر وخاورمیانه بوده است (وحتی بسیاری فراموش میکنند که‌کشور ما از لحاظ جغرافیائی قسمتی از قاره آسیاست) وکاروانهائی که از طریق مشهور براه ابریشم بین چین واروپا رفت وآمد داشتند بایران میآمدند ومرکز خود را در این کشور مستقر میساختند این کاروانها ابریشم وسنگهای قیمتی وسایر کالاهائی راکه از خاور دور خریده بودند درکشور ثروتمند ایران می فروختند ویا بکشورهای دیگر و مخصوصا باروپا میفرستادند

قرنها پیش ازکشف‌دنیای جدید که بسیاری از مردم اروپا غذای خودرا روی زمین ریخته وبادست تناول میکردند ایرانیها در ظروف شکیل وبا نقش ونگار کاشی با قاشق وکارد صرف غذا می کردند مردم کشور ما تمدنی داشتندکه باستثنای چین کهنه ترین تمدن مداوم وبدون انقطاع جهان بشمار میرود وشاید اگر بگوییم‌که دربعضی از موارد فرهنگ وتمدن‌ما از چین هم عالیتربوده است حمل برمبالغه نشود. قدمت این تمدن هرچه باشد دراین نکته هیچ جای انکار نیست که با تمدن باختری بیش از تمدن چینی ویا همسایگان عرب ماقرابت و خویشاوندی دارد ایران یکی از قدیمیترین سرزمین های نژادآریائی است‌که ریشه نژاد قسمت بزرگی ازامریکائیها وملل اروپائی شمرده

میشود ماازلحاظ نژادازاعراب که ازنژاد سامی هستند بکلی‌جدا هستیم واین نکته درزبان فارسی نیزصادق است زیرازبان ماازخانواده زبانهای هند و اروپائی است که ریشهٔ زبانهای انگلیسی وفرانسوی وآلمانی وسایر السنه مهم ملل باختری است.

البته ایرانیها در تمادی قرون با افراد سایر نژادها ازدواج کرده‌اند وپس از فتح ایران بوسیله اعراب عده معتنابهی ازلغات تازی درزبان ما وارد شده است ولی اصالت نژادی وخصوصیات زبان‌ما تغییر نیافته و برجای مانده است

بخاطرم هست که وقتی دریافتم که لاله وآسیای بادی اصلا ازایران بکشور هلاند رفته است درشگفت شدم این‌نکته را وابستهٔ فرهنگی هلاند که شخص دانشمندی بود بمن گفت وبنظر من اگر یکنفرهلاندی این موضوع را اذعان‌کند درحقیقت آن‌جای تردیدی نخواهد بود دانشمند مذکور پس ازمطالعات وبررسی های دقیق کشف کرده بودکه اصل لاله هلاندی یکنوع لاله خودروئی بوده است که درکشور مامیروید وآسیای بادی نیز ازروی آسیاهائی بوده است که درجنوب ایران کار میکرده ونخستین دسته بازرگانان هلاندی که بایران آمده اند آنها را را دیده وطرح آنهارااقتباس کرده‌اند

بازی نرد را ایرانیان اختراع کرده‌اند وچوگان بازی نیز بدواً در ایران پیداشده وسلاطین مابه‌آن علاقه مخصوص داشته‌اند. پسته نیزاز محصولات ایران بوده ویونجه نیز بدواً درایران برای تغذیه اسبهای اصیل ایرانی زراعت شده است هلو ازمیوه هائی‌است که درازمنه قدیم ایرانیان از جنگل های طبیعی چین بدست آورده و آنرا تربیت کرده‌اند وبتدریج نهال آن را بسواحل دریای مدیترانه واروپا برده‌اند. گل سرخ نه تنها هزاران سال است که باغهای ایران رازینت بخشیده بلکه نخستین باردرکشور ماغرس شده است چنانکه میگویند یاس کبود ونرگس ویاسمن نه‌تنها اصلا ازایران بنقاط دیگر رفته بلکه هنوز درزبانهای مختلف گیتی نامهای ایرانی خود را نگاه داشته‌اند شربت که درایران بشکل مایع ودرکشور امریکا وسایر نقاط بشکل منجمد مانند بستنی صرف میشود قرنها ازمشروبات گوارای ایران بوده است. اسم شراب معروف به «شری» ازکلمه شیرازمشتق شده واعراب

در قرون وسطی آنرا دراسپانیا رواج وطرز ساختن آنرا یادداده اند.
قدرت ابداع ایرانیها درامور علمی وهنری نیز بسیار آشکار بوده است چنانکه مثلا ساعت آفتاب را ایرانیان اختراع کرده واولین رصدخانه دراین کشور برپاگشته وصفحه ساعت شمارکه اینك شهرت عالمگیر دارد درایران اختراع شده است. هرچند درظاهر عجیب جلوه میکند، ولی شواهدی دردست است که ابن سینا که از دانشمندان و پزشکان مشهور ایران است ویکهزار سال پیش دراین کشور میزیسته بخواص پنی‌سیلین آشنا بوده وآنرا در معالجات خویش بکار میبرده است این دانشمندان درکتاب معروف خویش که درقرون وسطی دراروپا وسایر نقاط گیتی معتبرترین کتب طبی بشمار میرفت ونسخه های آن هنوز موجود است کپکی راکه روی‌نان بسته میشود برای‌التیام زخمهای دشوار تجویزکرده وبه پزشکان توصیه نموده است که روی نان مرطوب این کپك را تهیه‌کنند وپس ازآن بادقت ازروی نان جمع کرده وبرروی زخم بگذارند چندین قرن بعدازوی سرالکساندر فلمینك دانشمند انگلیسی این‌کپك راپنی‌سیلیوم نام نهاد وخواص طبیعی آنرا مجددا مورد مطالعه وآزمایش قرار داد وداروئی راکه اینك بنام پنی‌سیلین بمقادیر زیاد ببازار جهان آمده وجان میلیون ها ازافراد انسانی رااز مرك حتمی نجات بخشیده است تهیه نمود

بسیاری از مردم باختر زمین نمیدانندکه بیشتر شهرت ایران ، در راهنمائی جهان باصول مملکت داری وسازمان کشوری است استقرار روش تقسیم کشور به استانها که هراستان بوسیله یکنفر استاندار (شهربان) اداره میشد وبدون یك‌چنین تشکیلاتی ادارهٔ کشور پنهاوری امکان نداشت، درایران آغاز گردیده است

احداث راههای متعدد در عرض وطول کشور نیز نخستین بار در ایران بمرحله عمل درآمد و مدتها پیش از تشکیل امپراطوری روم ارتباط بین نقاط بوسیلهٔ چاپار منظم درکشور مابرقرار بود وچاپار خانه هائی درفواصل معین ساخته شده بود وپیکهای سلطنتی بااسبهای تازه نفس که درهر چاپارخانه عوض میکردند نامه‌ها را از یکسوی کشور پهناور ایران درمدت پانزده روز بسوی دیگر میرسانیدند

ترتیب رساندن اخبار بوسیله سریعتر تاچندین صدفرسنك مسافت نیز باساختن برجهائی در ارتفاعات کوهستانها وافروختن آتش در آنها ودیگر علامات اخبار میسر بود

ایران یکی ازنخستین کشورهائی است که بضرب مسکوك اقدام کرده است. سکه طلای دریك که داریوش کبیر ضرب کرده بوددردنیای قدیم بعنوان واحد پول معمول ورایج بود وجالب توجه اینستکه این سکه قدیمی از حیث وزن بالیره طلای انگلیسی مساوی وسکه نقره داریوش نیز باسکه یك شلینگی انگلیسی هموزن بوده است ما در توحید اوزان ومقادیر که امربازرگانی را درداخله کشور پهناور ایران وخارج آن آسان میساخت پیشقدم بوده ایم وهمچنین یك روش منظم ومتحدالشکل حسابداری را معمول کرده بودیم که سایر کشورها بتدریج ازما اقتباس نمودند

نخستین کشوری که امکان ادارهٔ امپراتوری پهناوری را بثبوت رسانید کشور ایران بود بسیار از خوانندگان این کتاب تاریخ امپراتوری روم را خوانده‌اند ولی قرنها قبل ازآغاز امپراتوری روم کشور پهناور شاهنشاهی ایران دراوج عظمت خود بود ودر طرز وصول مالیات واقدامات عام المنفعه وسازمانهای نظامی وسایر دستگاههائی که امروز اساس تشکیلات کشور های بزرك است طریقه صحیح ومنظمی را دنبال میکرد

کشور من مهد مذهبی بزرك یعنی دین زرتشت ومحل پرورش وقوام مذاهب دیگر ازجمله مذهب شیعه که یکی ازفرق بزرك دین اسلام است و من خود از معتقدین راسخ واستوار آن هستم ودراین کتاب کراراً درباب آن بحث خواهم کرد بوده است آئین زرتشتی را در قرن ششم پیش ازمیلاد زرتشت درایران بوجود آورد طبق عقیده ویلیام جاکسون یکی ازاستادان معتبر علم تطبیق ادیان «گذشته ازدین یهود ومسیحیت درجهان قدیم غیر ممکن است بتوان کیشی جزآئین زرتشت یافت که اینقدر راست وتاآن درجه شریف وبابزرگواری وتاآن حد درمسئله معاد جسمانی وبقای روح وآمدن منجی بشر وپاداش نیکوکاری وجزای بدی ارواح فناناپذیر چنانکه درکتاب مقدس وی اوستا مسطور است تسلی بخش فکر انسانی باشد .»

دیگر ازعقایدی که درایران رواج یافته کیش مانوی است‌که مانی درقرن سوم میلادی تعلیم داده است. مانی میخواست ازمیان همه عقاید مذهبی‌که پیش ازوی رواج داشت حقایق کلی وعمومی رابدست آورد ودرنتیجه دینی مخصوص بوجود آورد که براصول عقاید زرتشت وبودا ومسیح بنیان گذاری شده بود واحتمالا اولین کسی است‌که در قانون ادیان به تلفیق حقایق موجود درمذاهب مختلف پرداخته است.

گذشته از سهمی که روحانیون ایران در اشاعه حقایق دینی داشته‌اند ایرانیان درادبیات عرفانی ومخصوصا درآنچه بتصوف تعبیر میشود ودردوره پس ازاسلام باوج‌کمال خودرسید مشهور بوده اند.

آثار متصوفه توجه خاورشناسان مشهور مغرب زمین رابخود جلب کرده وروح صفا ومحبت راکه درآثارآنها نسبت بتمام مردم جهان در جلوه‌گری است ودر امثال وحکایات بازیباترین زبان ادبی بیان شده ستایش کرده‌اند. البته مادر جهان ازنظر شعروادب ومخصوصا آثار شعرای مشهور مانند فردوسی وحافظ وسعدی ومولوی وخیام ودیگر استادان بزرك شهره‌ایم. یکی ازفضلای دانشگاه کمبریج میگوید ثروتی که ازحیث حجم آثار ادبی درزبان فارسی موجود است درهیچ زبان دیگر نیست وسایر طلاب مغرب زمین نیز که آثارادبی ایران رابزبان فارسی خوانده‌اند عقیده ویرا تصدیق میکنند.

دراینجا شاید بی‌مناسبت نباشد که نظری اجمالی بتاریخ طولانی کشورمن انداخته شود. درعصرحجر مردم درکنارهٔ جنوبی بحرخزر وآن قسمتی که ایران کنونی را تشکیل می‌دهد زندگانی می کردند در نزدیکی تهران که پایتخت کشور من است آثار خرابه هائی پدیدار است‌که باستانشناسان آنهارا متعلق به ۲۰۰۰ سال قبل ازمیلادمیدانند. درحوالی کاشان که یکی ازشهرهای مرکزی ایران است آثار قریه‌ای بنام سیلك دیده میشود که متخصصین باستانشناسی آنرا مربوط به پنج هزارسال قبل ازمیلاد شناخته‌اند. معلوم است‌که درآن عصربسیار کهن ساکنین ایران ازوضع بدویت وصحرا نشینی وحرکت از نقطه‌ای بنقطه دیگر برای شکار حیوانات وتحصیل قوت وغذا بدرآمده ودرقراء سکونت اختیار نموده وبامر کشاورزی وپرورش اغنام و مواشی پرداخته اند.

درسال ۱۳۳۷ باستانشناسان ایرانی وامریکائی در نزدیکیهای قریه حسنلو که قریه‌ای درآذربایجان یعنی استان شمال غربی ایران است ، جام طلای بسیار شکیل وخوش نقش ونگاری را پیدا کردند که گفته میشود یکی از بزرگترین کشفیاتی است‌که از نظر باستانشناسی تاکنون بعمل آمد ه‌است. این جام وقلعه کهنه‌ای‌که جام درخرابه های‌آن پیداشده رازوجود ملتی راآشکار میکند که تاکنون کسی ازتاریخ آنها آگاهی نداشته درقرن نهم قبل ازمیلاد درنتیجهٔ حمله اقوام مجاور از میان رفته ومضمحل شده‌اند. بنظرمن این واقعه بما میفهماند که هنوز دربارهٔ دوره های اولیه تمدن ایران اطلاعات مابسیارناقص است.

احتمالا درحدود یکهزاروپانصد سال پیش ازمیلاد قوم آریاکه ملتی جدید بودند بسایر اسلاف ماکه درفلات ایران مسکن داشتند ملحق شده‌اند. هرچند این مطلب بطور قطع ثابت نشده ولی ممکن است‌که این مردم ازناحیه جنوب روسیه مرکزی بایران آمده باشند. بهر صورت این مردم اسم خودرا بکشورمن دادند وخاك ماایران یعنی خانه آریاها نامیده شد. آریاهائیکه بایران آمدند بدوگروه مهم یعنی مادها وپارسها که درتورات ذکری ازهردوگروه میرود منشعب شدند.

قسمت عمده مادها درشمال غربی ایران کنونی سکونت اختیارکردند، ولی پارسها درقسمت جنوبی‌تر متوطن گشتند. ازاین دوگروه آریائی نژاد تمدن مادها دربادی امر بیشتر ازپارسها بود ودارای اسب ومواشی وگله های گوسفند وبز وگردونه های چرخ دار وارابه نظامی وسلك پاسبان بودند وخواندن ونوشتن میدانستند. درقرن ششم قبل ازمیلاد وتقریبا یکصدو پنجاه سال پیش ازبنیان شهرروم، مادها امپراتوری پهناوری راتشکیل داده وپارسها ودیگر قبایل واقوام را به تبعیت خود درآورده بودند و پایتختی زیبا بنام هکمتانه در شمال غربی ایران نزدیك شهر همدان کنونی ساختند که درنقشه‌ای‌که دراین کتاب است دیده میشود

پارسها هرچند ازاتباع مادها بشمار می‌آمدند ولی برای خودپادشاه داشتند که یکی ازآنها سیروس اول یاکوروش سلسله هخامنشی رابنام قبیله‌ای‌که خود یکی ازافرادآن بود تاسیس نمود. کوروش کبیر که از سال ۵۵۹ تا۵۲۹ قبل ازمیلاد مسیح سلطنت کرد یکی ازمردان پرکار وزبردست تاریخ گیتی است. وی پایتخت مادهارا مسخرکرد ودولت

آنهارا برانداخت. آنگاه تمام نواحی ایران کنونی رادرتحت اطـاعت دولت واحدی درآورده یکی ازنخستین (وشاید چنانکه بعضی ها عقیده دارند نخستین) کشورهای مستقل جهان راتاسیس نمود. پس ازآنکه برایران تسلط کامل یافت عزم خویش رابایجاد یك امپراتوری وسیع جزم نمود وچنانکه تاریخ شهادت میدهد دردوران سلطنت او وپسرش کمبوجیه کشور شاهنشاهی ایران بزرگترین امپراتوری جهان گردید وتاآن تاریخ چشم جهانیان چنین امپراتوری پهناوری ندیده بود چنانکه دکترکن درکتاب خود موسوم به «کاروان» مینویسد: امپراتوری هخامنشی قدیمترین امپراتوری حقیقی گیتی است زیرا در این امپراتوری دولت هائی بودند که همه تحت اطاعت یك شاهنشاه کشور های مختلف را اداره میکردند هرچند دردوره مفرغ سلطنت های دیگری درکشور مصر وسومر وبابل وچین وغیرآنها وجود داشت ولی این کشورها فاقد آن تشکیلات فنی بودندکه ایرانیان برای تسریع درامر مواصلات وارتباطات بوجود آورده بودند ، ووجود یك چنین سازمان منظمی برای اداره قلمرو پهناوری از لوازم بود درکشور چین سازمانی نظیر آنچه ایرانیان داشتند سیصد سال پس ازآغاز دورهٔ هخامنشی بوجود آمد

اساس شاهنشاهی ایران که بدست کوروش کبیر پی ریزیگردید تنها برپایه جهانگشائی نهاده نشده بود بلکه برعدالت بین‌المللی ومدارا نیز مستقر بود حقوق تمام ملل تابعه محفوظ وقوانین وآداب ورسوم آنها مورد احترام بود. درحقیقت کیفیت نخستین امپراتوری ما تقریباً مانند سازمان ملل متحد بود که امروز پس از ۲۵۰۰ سال مجدداً در جهان بوجود آمده است

درمیان پادشاهان بزرك که جانشین کامبوجیه شدنددار یوش اول وخشایارشا راباید نام‌بردکه هردو دراداره‌کشور پهناورایران دارای آن نبوغ ولیاقت وروشنی فکری بودند که جهان متمدن آنرا ویژه مردم سرزمین ما میداند . در ۵۰۰ قبل ازمیلاد یعنی دراوج عظمت شاهنشاهی ایران حدود کشور باستانی ما شامل قسمت بزرگی از خاورمیانه امروزه (جز شبه جزیرهٔ عربستان) ونواحی وسیع دیگر بوده است حد شرقی آن به رودخانه سند درهندوستان وحد شمالی آن بجنوب روسیه میرسید ودر غرب شامل قسمت های ساحلی دریای مدیترانه یعنی قسمت

اعظم یونان امروزه وتمام ترکیه وقبرس ومصر بوده است

حدود کشور شاهنشاهی ایران مانند امپراتوری روم که در ۱۱۵ سال قبل ازمیلاد باوج عظمت رسید درطول زمان تغییر میکرد ولی تقریباً در طی دوقرن متوالی شامل قسمت اعظم دنیای متمدن آن زمان بود . مفهوم ومعنای شاهنشاهی واقعی را میتوان ازعبارات مندرج درروی سنك آرامگاه داریوش اول‌که ازمردان مشهور تاریخ است واز۵۲۱ تا ۴۵۸ قبل ازمیلاد شاهنشاهی کرد درك نمود .که نوشته شده است «من داریوش پادشاه بزرك ایران وشاهنشاه ملل گوناگون میباشم و مدت هاست براین دنیای بزرك عظیم‌که بنقاط دوردست میرسدسلطنت‌میکنم» درسال ۳۳۱ قبل ازمیلاد اسکندر مقدونی کشور ایران را مسخر کرد ولی هشت سال بعدکه مرك وی دررسید یونانیها نتوانستند شیرازهٔ حکومت نوین خودرا حفظ نمایند سلوکوس ازسرداران اسکندر موفق شد دریکی از قسمت های‌کشور شاهنشاهی دستگاه سلطنتی برای خود ایجاد کندکه ایران نیز جزو آن بود ومدت یك قرن دوام داشت.

هرچند این حکومت ازیك نظر بمنزله اشغال ایران بدست یونانی‌ها تلقی میشد ولی درواقع اینطور نبود زیرا این مهاجمین یونانی آداب ورسوم وسنن ایرانی را پذیرفته وبا زنان ایرانی ازدواج کردند ودر اداره کشور خود بایرانیان توسل می‌جستند وعاقبت تمدن وفرهنك ایران آنهارا درخویش مستهلك ساخت

درحدود سال ۲۴۸ قبل ازمیلاد پارت ها که از قبایل متمدن آریائی شمال شرقی ایران بودند دستگاه سلطنت جانشینان سلوکوس را برانداخته وبیش از چهار قرن بر ایران حکومت نمودند دراین نوبت نیز تمدن عالی ایرانی درآنها نفوذ کامل یافت چنانکه آداب ورسوم ایرانی را اختیار کرده وخدایان ایرانی را پرستیده وسنن دوران هخامنشی‌را معمول ساختند. دورهٔ پارتها عصر احیاء روح‌ناسیونالیزم درایران بود جنگهای بین ایران وروم دراین دوره بطور متناوب تقریباً سه قرن بطول انجامید رومیها سعی داشتند که امپراتوری خود را بسمت مشرق توسعه دهند ولی پارتها درمقابل آنها مقاومت میکردند ومدتها بعلت تربیت سواران سنگین اسلحه که درحقیقت سرمشق

شوالیه های اروپای قرون وسطی بوده‌اند برسپاهیان رومی کاملا برتری فنی داشتند عاقبت رومیها ناچار شدند از ابداعات پارتها تقلید کنند (البته این اولین باری نبوده است که رومیها از فنون نظامی ایـران تقلید کرده‌اند زیرا خشایارشا در جنك های خود با یونانی‌ها پلی راکه برروی قایق کشیده میشوه بکار برد وپس از چهار قرن این اختراع مورد استفاده قیصر و هانیبال قرار گرفت) . بطور کلی سرحد بین دو امپراتوری ایران وروم همان رودخانه فرات بود که ازکشورهای سوریه وعراق امروزه میگذشت

ایرانیها تنها ملتی بودندکه توانستند مدت نامحدودی در مقابل نیروی روم مقاومت نمایند ودر نتیجه رومیها با وجود جنگهای پی در- پی به تسخیر کشور توفیق نیافتند.

در حدود سال ۲۲٤ بعد از میلاد یکی از رهبران ایرانی بنـام اردشیر که پادشاه ایالات جنوبی ایران یعنی فارس وتابع پارتها بود برعلیه آنها برخاست وسلسلهٔ جدیدی تاسیس کرد وپس از سه نبرد بزرك با پارتها در پایان در سال ۲۲٦ بعد از میلاد دراثر سومین نبرد اردوان پادشاه پارت را درجنك تن بتن کشته وسلسله جدیدی را که همان سلسله ساسانیان است تاسیس نمود. سلسله ساسانی بیش ازچهارصد سال یعنی دوبرابر دوره تاریخ کشور های متحده آمریکا (ازمان پیاده شدن مسیحیان بدنیای جدید تا امروز یا از زمان سلطنت الیزابت ملکه انگلستان تاکنون) دوام داشت

در عصر ساسانیان افتخارات زمان هخامنشی تجدید گردید و هنر وتمدن ایران باردیگر باوج عظمت خود رسید واختراعات و پیشرفت هائی‌که شهرت خاصی بما داده است ازیادگارهای این دوره است همچنین مذهب زرتشتی که مذهب عمیق وبا روج دوران هخامنشی بود دوباره رونق گرفت ودین رسمی کشور ایران‌گردید.

ساسانیان ابنیه مستحکم بادوام میساختند وهنوز درنقاط مختلف ایران آثاری از کاخ های مجلل ومعابد و قلعه های آن عهد دیده می شود

خسرو انوشیروان (۵۳۱-۵۷۹ پس ازمیلاد)که یکی از بزرگترین پادشاهان ساسانی‌بود، راهها، پلهاوکاروانسراهای مستحکمی‌که قافله ها

شب را درآن میگذراندند در سراسر کشور ایران و آنسوی ایران بنا نمود . کشاورزی را بوسیله سدبندیهای عظیم وطرز نگاهداری آب در جویهای زیرزمینی که بقنات معروف است وآب کوهستانها را باراضی زراعتی میرساند توسعه داد

ساسانیان اغلب ارتش روم را شکست میدادند وشاپور اول والریان امپراتور روم را درجنگی اسیر وزندانی ساخت، ولی رویهمرفته مرز بین دوامپراتوری ایران وروم ازهمان حدودزمان پارتها تجاوز نمی کرد از طرف دیگر نوشیروان حدود قلمرو خودرا از شمال بداخله روسیه واز مشرق بداخله افغانستان فعلی توسعه داد . وی بهعربستان حمله کرد وارتش عرب را شکست داد وتا یمن کنونی که درانتهای شبه جزیره عربستان قرار گرفته پیشرفت نمود

پس از آنکه رومیان در قرن چهارم میلادی دین مسیحیت را پذیرفتند جنك بین ایران وامپراتوری روم شرقی جنبه مذهبی پیداکرد وخطهٔ ارمنستان مابهالنزاع دوامپراتوری قرار گرفت

درخلال این احوال قبائل ترك که روز بروز نیرومندتر میشدند گاهی با ایران وزمانی با روم اتحاد میکردند وسرانجام نیروی هرسه فرسوده گردید واز کار افتاد ودر سازمان کشوری ایران ودستگاه روحانی زرتشتی ضعف وفساد رخنه یافت تا روزیکه اعراب که دین اسلام را پذیرفته بودند بایران حمله کردند ودر سال ٦٤١ بعد ازمیلاد نیروی شاهنشاهی ایران را شکست دادند.

عربها مانند سایر مهاجمین پیشتر ازآنها دریافتندکه روح ایرانی تزلزل ناپذیر وغیرقابل شکست است چنانکه با وجود آنکه مذهب زرتشتی ازبین رفت وفقط عده قلیلی ازپیروان آن دین باقی ماندند تمدن وفرهنك ایرانی پیروزبود وچون همانطورکه دانشمندان عرب مانندابن خلدون ومسعودی اذعان دارند تمدن ایران برتمدن عرب برتر بود شگفتی نداشت که مامورین کشوری ودانشمندان وصنعتگرانایرانی مصادر امور مهم کشوری بشوند

درامور عقیدتی نیز ایرانیان کاملا تسلیم عرب نشدند وازنظر احساسات ملی کمکم درمقابل مذهب تسنن عرب مهاجم بمذهبتشیع گرویدند . شیعهها سه خلیفه اول را که بعقیده سنیها جانشین روحانی

حضرت محمد علیه‌السلام بودند قبول نداشتند بلکه معتقد بوده وهستند که جانشین پیغمبر اسلام داماد او حضرت علی‌ابن ابی‌طالب علیه‌السلام است‌که فرزند اوکه امام سوم شیعیان است با دختر پادشاه ایران‌که در حمله عرب مغلوب ودرآن گیرودار بقتل رسیده بود ازدواج نمود بطورکلی امروزه اکثریت بزرك ملت من شیعی مذهبند ولی ما سعی میکنیم که اختلاف فرق اسلامی را مورد اهمیت قرار ندهیم و برعکس خودرا عضو جامعه مذهبی اسلام که بیش از ٤٠٠ میلیون نفر پیرو دارد وبزرگترین خانواده مذهبی د نیا بعداز مذهب مسیحی بشمار میرود بدانیم

درطی ششصد سال یعنی از٦٥١ تا١٢٥٨ بعداز میلاد عربها اسما برایران حکومت میکردند ولی ایرانیها بتدریج برعلیه آنها برخاستند ودرنقاط مختلف ایران حکمرانانی پیدا شدندکه ظاهراً تابع خلفای عرب بودند ولی روزبروز براستقلال آنها میافزود چنانکه در حقیقت دوره حکمرانی عرب برایران از دویست سال تجاوز ننمود دراین مدت سلسله سلاطینی درایران پیدا شدند که برخی از آنها قدرت و شهرت یافتند مانند سلسله غزنوی که حدود سلطه آنها تا قسمت بزرگی از هندوستان توسعه داشت. برخی ازپادشاهانی که در طی این شش قرن درایران بسلطنت رسیدند از مشوقین وحامیان ادبیات پارسی بودند و توسعه وتجدید حیات زبان وادب پارسی به تشویق وحمایت آنها صورت پذیر گردید. فردوسی شاعر مشهور ایران از ستارگان درخشان این دوره است.

درقرن یازدهم ودوازدهم میلادی دردوره سلطنت سلسله سلجوقی (که از مردم آسیای مرکزی بودند) بار دیگر ایران بشکل کشور واحدی درآمد سلجوقی‌ها سوریه ومصر را تصرف نمودند و عظمت شاهنشاهی ایران را تقریباً بپایه دوران باستانی رسانیدند سلاجقه ازمشوقین بزرك هنر ودانش بودند ودردورهٔ آنها علوم وفنون درایران رواج ورونق یافت. شاعر وریاضی دان ومنجم معروف حکیم عمر خیام از جمله دانشمندان بیشمارآن عصراست‌که از حمایت و تشویق‌پادشاهان سلجوقی برخوردار بوده‌است در اواخر این دوره مغولهابایران حمله کردند و این حادثه یکی از بزرگترین بلایای تاریخی بود که‌بکشور

من و سایر کشورهای همسایه ما در خاور میانه روی آورد گاهی تعجب میکنم چرا مردم اصرار دارندکه چنگیزخان رئیس مغول را (که در حدود ۱۲۲۰ بعد از میلاد ایران را تسخیر نمود) بصورت شخصیت افسانه ای در آورند در صورتیکه ما هرگز نمیتوانیم شقاوتها وغارت و قتل‌عام های بیرحمانه او وسپاهیان ویرا فراموش کنیم زیرا آنها تمام شهرهای مترقی ما را نابود ساخته و بدون احساس هیچگونه‌پشیمانی صدها هزار نفر از مردان وزنان وکودکان بیگناه ما را قتل عام‌کردند

مغولها مدت یك قرن در ایران حکمفرمائی کردند پس از آنها هجوم تیمور لنك پیش آمد که از ترکان‌آسیای مرکزی و اصلا از نژاد مغول بود وبا اینکه ازاشخاص افسانه ای تاریخی بحساب آمده‌درجنایت از چنگیزپای‌کم نداشت مدت حکومت تیمور وجانشینان اودرایران تا تاریخ‌کشف امریکا بوسیله‌کریستف‌کلمب ادامه داشت درا ثر کشتار بیرحمانهٔ این قبایل جمعیت کشور ما میلیونها نفر تقلیل یافت ولی تمدن ما بطور معجزه آسائی دوام پیداکرد و علم و هنرپیشرفت نمود چنانکه رصدخانه هائی درایران بناشد علوم ریاضی توسعه یافته شعرای بزرگی مانند سعدی وحافظ آثار ادبی جاویدان خودرا بوجود آوردند و یکبار دیگر تمدن ما بر نیروی مهاجم فائق آمد و آنها را متمدن‌ساخت تا آنجا که از پشیمانی کردار قبلی خود حامی دانشمندان شدند و ساختمانهای مجللی بنا نمودند که‌آثار آنها هنوز باقی است زبان و ادبیات ما در هندوستان نیزنفوذ کرد و مدت پانصد سال زبان فارسی زبان ادبی آن دیار بشمارآمد و مردم بخواندن شاهکارهای ادبی‌مارغبت فراوان پیدا کردند. پادشاهان مغول هندوستان زبان فارسی را زبان رسمی درباری‌و اداری نمودند و تا زمان تسلط انگلیسها این وضع برقرار بود. زبان اردو نیزکه امروز میلیونها مردم درشبه‌قارهٔهندوستان بآن‌تکلم میکنند با زبان فارسی‌ارتباط نزدیك دارد واز آن مایه وتوشه فراوان برگرفته است

در سال ۸۷۷ هجری قهرمانان ایرانی مهاجمین بیگانه را منقرض ساختند ودوره سلسله‌مهم دیگری از سلاطین ایرانی یعنی‌دورهٔصفویه آغاز گردید بعضی ازدانشمندان معتقدند که صفویه از اعقاب‌پیغمبر

اکرم میباشند ولی مسلم آنست که این دودمان از آغاز سلطنت خود مذهب تشیع را مذهب رسمی ایران قرار داده واز تقویت ورواج آن فروگزار نکرده اند.

شاه عباس کبیر که از سال ۹۶۵ تا ۱۰۰۷ هجری سلطنت نمود معروف ترین سلاطین خاندان صفویه است دردورهٔ سلطنت این پادشاه ایران برفاه وآسایشی رسید که نظیرآن رادرطول چند قرن بخود ندیده بود. پایتخت مجلل او اصفهان درتمام دنیای متمدن شهرت یافت وامروز میتوان آثار همان عظمت رادرآن شهر مشاهده نمود وی صنعتگران ماهر را از داخل وخارج کشورگرد آورد وصنعت قالی بافی ایران را توسعه داد قالیهای ابریشمی ومخمل زربفت وفلزکاری وسفال سازی وکاشی ومخصوصاً سبك معماری دورهٔصفویه هنوز نظیرپیدانکردهاست شاه عباس راههای متعدد ساخت ومانند کوروش بزرگ پیش از وی و پدرم پس ازوی راهزنی وهرج و مرج را در سراسر کشور ریشه کن کرد. وی بامساعدت برادران شرلی انگلیسی اولین آرتش نوین را درایران تاسیس نمود ودرنتیجه بنیاد ملوك الطوایفی را برانداخت

شاه عباس پادشاه مقتدری بود ولی متاسفانه بخانوادهٔخود حسادت میورزید ونسبت بآنها بیرحمی و قساوت خاصی داشت نتیجه این حسادت آن بودکه فرزندان واعقاب وی برای زمامداری کشور ونگاهبانی تاج و تخت ایران رشد و تربیت نیافتند چنانکه در سال ۱۱۱۹ مهاجمین افغانی ایران را مسخرکردند و هرچند دیری نگذشت که ازکشور ما رانده شدند ولی تامدتی ایران را به یك انحطاط موقت دچارساختند

درسال ۱۱۱۳ یك سردار ایرانی که از خانواده های معمولی بودبنیاد متزلزل سلسلهٔ صفوی رابرانداخت و بنام نادرشاه سلسلهٔ افشار را تأسیس نمود

نادر شاه که بناپلئون ایران معروف است افغانها و ترکها و روسها را از نقاطی که بحیطهٔ تصرف خود آورده بودند بیرون راند و دولت مرکزی مقتدری ایجاد و باردیگر وحدت کشور را تثبیت نمود وی هندوستان رامسخر ساخته وتا دهلی پیش رفت ومظفرانه با یران بازگشت.

در دوره بعد یعنی دورهٔ زندیه ایران در آرامش و سکون بود تاآنکه در۱۱۷۲ یك نفر ایرانی از خانوادهٔ ترکهای ناحیهٔ مشرق دریای خزر سلسلهٔقاجار را تأسیس نمود

سلسله قاجار باوجود اینکه تاسال ۱۳۰۴ هجری بدست پدرم منقرض گشت متوالیاً برکشور فرمانروائی داشت یکی از ضعیف ترین سلسله‌های ایران بشمار میرود . پادشاهان قاجار در مقابل نفوذخارجیها درایران مقاومت بسیار ضعیفی داشتند وضعف سیاست‌آنان موجب شد که خارجیها را به مداخله درامور داخلی ماتشویق میکرد. این سلاطین بروحانیون اجازه دخالت و نفوذ بی اندازه در امور کشوری دادند ولی در مقابل راهزنان و عشایر اظهار ضعف میکردند و چند تن ازآخرین پادشاهان این سلسله در اثرنداشتن نقشه وهدف سیاسیو اسراف و تبذیر ومخصوصا علاقه بسفرهای خارج ازایران‌که هزینه‌گزاف داشت کشوررا بافلاس کشانیدند وبرای تامین هزینه های مسرفانه خود ناچار باستقراض ازاجانب‌گشته وخود را جیره خوار ومدیون آنها ساخته بودند .

من میل ندارم که نسبت به قاجاریه بیش از حد با تندی و حدت اظهار نظرکنم تا وانمودشود که از رفتاری که پدرم نسبت بآنها کرد طرفداری کرده‌ام. باعتقادمن بعضی ازسلاطین قاجار اشخاص برجسته‌ای بوده‌اند. مثلا آقامحمدخان مؤسس وسرسلسله قاجار سربازی لایق و دلیر بود که هرچند بسفاکی وخون آشامی معروف است بار دیگروحدت کشور ایران را تثبیت کرد .

ناصرالدین شاه اولین پادشاه کشور ایران بود که باروپا مسافرت کرده و سفرنامه ای نگاشته است که حاوی مطالب جالبی است. مثلا هنگامی‌که اولین‌بارچشمش به‌لوکوموتیوراه‌آهن افتادپیش خودتصورکرد اسبی را در جوف آن پنهان داشته اند که آنرا بحرکت میاندازد اما همینکه از رموز فنی آن آگاه گردید بدان اشتیاق فراوانی پیدا کرد وبلژیکیها را به‌کشیدن راه آهنی بطول نه کیلومتر میان تهران وشهر ری دعوت نمود و دستور داد زنان دربار با دامنهائی‌که بازیگران‌بالت می‌پوشند ملبس شوند ولی این سلیقه پسند واقع نشد .

چنانکه دیده‌ام. مورخان شرق وغرب اتفاق عقیده دارند که سلسله

قاجاریه از سلسله های برجستهٔ ایران نبوده است اما نباید ازنظر دور داشت که قاجاریه اولین سلسله‌ای بود که با رقابت سیاستهای استعماری روس وانگلیس مواجه گردید با آنکه انکار نمیتوان کرد که رضا شاه در مقابل تهدیدات امپریالیستی هوش و مهارت بیشتری نشان داد

همینطور باید اذعان کرد که در دورهٔ طولانی سلطنت قاجاریه که کشور های اروپا و امریکا بسرعت مراحل ترقی را میپیمودند ایران آنقدر متوقف مانده بودکه پنداشته میشد در سیر قهقرائی است .روزی که ایران نیازمند هم آهنگی باجهان متمدن وترقیات علمی و صنعتی آن بود سلاطین قاجار در وظیفه خویش بسیار قصورکردند

پدرم که مؤسس سلسلهٔ‌کنونی پهلوی است (واین نام سلسله‌پارتها واسم قدیم زبان فارسی است) بخوبی متوجه این ضرورت گردید ودر حیات اقتصادی واجتماعی ایران تحول اساسی بوجودآورد . پس‌ازآنکه‌در ۱۳۲۰ شمسی جانشین پدرم شدم‌من نیزهمان رویه‌رابا تغییرات مهمی‌که بعداً بدان اشاره خواهم‌کرد پیروی نمودم

امروز وطن من مظهر اختلاط تمدن شرق و غرب است . روزیکه در ۳۳۰ قبل از میلاد اسکندر تخت جمشید پایتخت مجلل ما را آتش‌زدو سپاهیانش ایران را تسخیر میکردند از زمان تأسیس اولین سلسلهٔ شاهنشاهی قرنها میگذشت اشخاصیکه خرابه های روم و تخت‌جمشید را مشاهده نموده‌اندبه عظمت وشکوه تخت جمشیدکه از روم قدیمی‌تر است اشاره کرده‌اند ولی امروز درکنار همین خرابه‌ها نشانه‌های‌زنده‌ای از پیشرفتهای ایران کنونی بچشم میخورد

در شیراز شهر زیبای جنوب‌مرکزی ایران که در حوالی تخت‌جمشید واقع‌شده میتوان در کنار گلزارهائی پراز سوری و بهار نارنج نشست و ازاشعار جاویدان حافظ‌که ششصدسال پیش میزیسته وهنوز شادابی وطراوت خود را از دست نداده مشام جان را معطر ساخت و در زیر آسمان نیلگون آن از آواز دلنشین بلبل‌که همیشه مورد علاقه واشارهٔ شعرای ما بوده است طربناکی یافت اما بموازات این مظاهرطبیعت‌که غذای روح‌محسوب‌میشود درشیراز یکی ازبهترین بیمارستانهای‌خاورمیانه را بنا نموده و تشکیلات آب تصفیه‌شده درآنجا تأسیس‌کرده‌ایم (باید

بگویم که در انجام این اقدامات مدیون یکنفر خیرخواه ایرانی هستیم که ثروت خویش رادرنیویورك بدست آورده ودرکشورخویش صرف این خدمات اجتماعی کرده است) همچنین برای شیرازدرنظر است دانشگاهی جدید بناکنیم که معماری آن مطابق ذوق معماری باستانی ما باشد وروش تعلیمی آن از دانشگاههای امریکا اقتباس گردد

دراصفهان پایتخت باشکوه شاه عباس هنوز غله را بوسیلهٔ چهارپایان آردمیکنند (مطابق رسم قدیم چشمهای چهارپایان را درموقع کار میبندند تا در هنگام چرخانیدن آسیا گیج نشوند) در آن شهر میتوان هنر صنعتگران قدیمی را در نقره کاری مشاهده نمود وبکمال معماری عالی میدان بزرگ اصفهان که بمیدان شاه معروف است و شاه عباس کبیر درآن بتماشای بازی چوگان میپرداخت نظراعجاب انداخت امروزدرهمین شهر کارخانه های متعدد ریسندگی وبافندگی بسبك جدیدوجود دارد که بوسیلهٔ مهندسین ومتخصصین خارجی اداره میشود ومیتوان اقداماتی را که برای آبادی و عمران شهر میشود مشاهده نمود درخارج شهر تهران هنوز قافله های شتر دیده میشود که کالاهای گوناگون را از نقاط دوردست به شهر میاورند درشبهای مهتاب عبور این قوافل وصدای زنگ شترها عالمی بسیار شاعرانه و فرح بخش دارد هنوز میتوان در باغهای خرم و محصور تهران که پراز انواع گل و میوه است نشست و درکنار جویهای آب روان باهنگ دلنشین مرغها وخروش آبشارها گوش فرا داد و بقلل پوشیده از برف البرز که از ماورای درختهای چناردیده میشوند نظر انداخت درهمین شهر هم میتوان در دانشگاه تهران که توسط پدرم بناشده و فعلا دارای ۱۱۰۰۰ دانشجو میباشد بامحصلین پزشکی در برابر پرده تلویزیون قرار گرفت و عملیات جراحی را در بیمارستان دانشگاه از نزدیك مشاهده کرد درموقعیکه باستقبال آشنائی به فرودگاه عظیم و جدید تهران که طبق مقتضیات عصر هواپیمای جت بین المللی ساخته شده میروید از خیابانهای عریضی که در طول آن مغازه‌ها ونمایشگاههای زیبا و جدید وجود دارد میگذرید و بابانوانی که عدهٔ زیادی از آنها بالبسهٔ آخرین مد پاریس و بعضی با چادر ملبس هستند برخورد خواهید کرد

در فصول آینده امید وآرزوی خود را در ایجاد کشوری که عظمت و فرهنگ و تمدن کهنسال خود را با ترقیات عصر امروز در آمیخته باشد شرح خواهم داد

بطوریکه قبلا گفتم ما دارای کهنسال ترین تمدن مداوم جهان هستیم وملت ما ازلحاظ نژاد وزبان باملل باختر مرتبط است وحتی میتوان بدون اغراق گفت پاره‌ای ازصول تمدن جدید غربی ازایران آغاز شده است.

امروز از روی کمال هوشیاری نتایج حاصل از تمدن جدید غرب را اختیار کرده وبه گنجینهٔ گرانبهای کشور میافزائیم واین امیدنامعقولی نیست که بایجاد یك ترکیب وامتزاج جدیدی از تمدن شرق و غرب توفیق یابیم ایران تنها ازلحاظ جغرافیائی درچهار راه شرق وغرب قرار نگرفته بلکه عوامل دیگر نیز این موقعیت را برای کشورما بوجود آورده است

فصل دوم

تحولاتی که پدرم در ایران ایجاد کرد

هرگاه به‌تاریخ باستانی وپرارزش‌کشور خود مینگرم بعضی‌نکات خاص‌توجه مرابخود جلب میکند مثلا اینکه ایرانیها همیشه بداشتن استقلال فردی معروف بوده اند من باشخاصی‌که رفتار بی‌قید وبند رانندگان تاکسی های تهران را مظهر این استقلال فردی میشناسند مخالفتی ندارم ، (روزیکه رانندگان تاکسی اعتصاب‌کردند شهرتهران مانندآن بود‌که دریك سکوت وخاموشی عظیمی فرورفته است) ولی شك نیست‌که درطی هزاران سال تاریخ‌کشورما این حس استقلال فردی در موارد بسیار بطرق عمیق‌تر تجلی‌کرده است وتهاجمات تاریخی و استیلای موقتی اجانب وسایر جریاناتی‌که براین‌کشور وارد شده هرگز نتوانسته است یك فرد معمولی ایرانی را ازابرآز نیات خویش مانع‌آید. از این جهت مادراین سجیه بفرانسویها (که رانندگان تاکسی آنها درنمایش استقلال فردی از رانندگان ماپای کم ندارند) شبیه هستیم،

تعجب‌آور نیست‌که ایران «فرانسه آسیا» لقب یافته باشد همچنین ما دراینمورد باملت امریکا وجه تشابه داریم ، وبهمین جهت‌است‌که ایرانیها وامریکائیها باهم سازگار میشوند چنانکه صدها نفر از دانشجویان ایرانی‌که هرسال بصوب‌امریکا عزیمت میکنند بدون استثنا ازاقامت وادامهٔ تحصیل‌خود درآن دیاربسیار راضی ومسرورند وامریکائی هائیکه درکشورمن‌کار میکنند نیز بطور آزاد وطبیعی درزندگی اجتماعی مردم وطن ما شرکت می‌جویند

ایرانیان همیشه درمیهمان نوازی‌شهرت بسزائی داشته اند وهر کس طالب‌تحقیق درروحیهٔ ملت ماباشد میتواند بامراجعه بکتابخانه‌های بزرك دنیاکه آکنده ازکتب راجع به‌ایران هستند (مانندکتابخانه‌موزه

بریتانیا وکتابخانهٔ کنگرهٔ امریکا) این خصیصه پرارزش ایرانی را در سفرنامه های سیاحان خارجی که درگذشته بایران سفرکرده‌اند درك نماید امروز بسیار شادمانیم که این سجیه باستانی نه تنها باگذشت زمان ازمیان نرفته بلکه نیرومندتر ازپیش حتی دردهات وقصبات وطن ما در جلوه گری است ۱

یکی از وجوه شباهت ایران وامریکا اینست که قرنهاست ایران از اختلاف طبقاتی ونژادی چنانکه دربعضی ازکشورها رایج است آزادبوده است راست است که افرادی درکشورما ازامتیازات زیادی برخوردار وعدهٔ دیگری فاقد آن امتیاز بوده‌اند وفاصله بین آنها بسیار زیاد است، ولی همانطوریکه درامریکا دیده میشود درایران نیز همیشه امکان داشته است که افرادشایسته ازطبقات پائین اجتماع بمقامات عالیه برسند وپدر من نمونهٔ بارزی ازاین موارد است ازآن گذشته صفحات تاریخ ایران مشحون از موارد بی‌شمار دیگری است که نشان می‌دهد بسیاری از سلاطین وسرداران ووزیران وعلما وشعرا ونویسندگان بزرك ازطبقات پائین اجتماع به مدارج عالیه شهرت رسیده اند

ما هرگز به تبعیضات نژادی و یا مذهبی یا تفاوت بین رنك پوست افراد اعتقاد نداشته ایم وبرعکس همواره بمدارا ومماشات نسبت به نژاد ها ومذاهب مختلف مشهور بوده وکشور خود را ملجاء ستمدیدگانی که ملیت دیگر داشته‌اند قرار داده ایم چنانکه کورش کبیر به پیروی ازهمین سنت پس ازفتح بابل درسال ۵۹۷ قبل ازمیلادمسیح یهودیانی راکه بخت‌النصر ازاورشلیم باسارت آورده بود آزادی دادکه بااشیاء مقدس خود به فلسطین بازگردند ومعابد خودرا دوباره برپاکنند این اسیران آزاد شده چنانکه درکتاب مقدس تورات مسطور است با عطایائی که از خزانهٔ کورش دریافت داشتند معابد ویران خویش رااز نوبنا نهادند

یزدگرداول شاهنشاه ایران درسال ۴۰۹ میلادی فرمانی صادرکرد که بموجب آن مسیحیان میتوانستند درتمام قلمرو کشور شاهنشاهی ایران بآزادی باجرای مراسم دینی خود بپردازند همچنین دردوره بعد وقتی رومیها وارد ارمنستان شدندکشورما پناهگاه مهاجرین ارمنی‌شد. اخیراً نیزهزاران نفرازروسهای مسیحی که هنگام انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و

پس ازآن دراثر حکومت ترور ووحشت بلشویکها زاد وبوم خودراترك گفته بایران آمدند مورد استقبال هموطنان ما قرارگرفتند

هرچند درگذشته گاهی دراثر تعصب بعضی افرادغیر مسئول نسبت بپاره‌ای ازاقلیت های مذهبی تعدیاتی شده است، ولی بطور کلی خیال میکنم مورخان مغرب زمین بامن هم‌عقیده باشند، که ازنظرحسن رفتار ومدارابااقلیت های مذهبی ونژادی ازبسیاری ازکشورهای باختری سابقهٔ درخشان‌تری داریم وبنظرمن این‌رویه مسالمت ومدارا نسبت بمذاهب و ملیت‌های مختلف مایهٔ تقویت فرهنك وتمدن ما بوده است

چنانکه قبلا اشاره‌کردیم هرچند ایران درتمادی‌قرون به‌سلحشوری معروف بوده‌است ولی امتیازات‌ما دربسط ونفوذ تمدن وفرهنك ازشهرت مادر سلحشوری بیشتر است و از لحاظ فرهنك و تمدن ملل غالب را همواره مغلوب ساخته‌ایم ، یعنی یا آنها را متمدن کرده ویا تحت تأثیر تمدن خویش قرار داده ایم بعبارت دیگر اگرگاهی ازلحاظ نظامی شکست خورده ایم ازلحاظ تمدن وفرهنك همواره غلبه وپیروزی باما بوده است

ازآن‌گذشته همانطورکه قبلاگفتم طی قرون متمادی در شئون مختلف زندگی مانند اداره عمومی مملکت وتشکیلات نظامی وتجارت و اقتصاد وعلوم وادبیات و صنایع ظریفه ومعماری مقام رهبری دیگران را داشته ایم وبعضی از پادشاهان بزرك ما ازطرفی بریك امپراتوری پهناوری حکومت میکردند واز طرف دیگر بهترین مشوق‌وپشتیبان توسعه علم وهنر وصنعت بودند

البته نباید ازنظر دور داشت‌که اساس این رهبری مبتنی برروحیهٔ مذهبی ونیروی اخلاقی ومعنوی‌ما بوده است زرتشت پیغمبر بزرك ایران قبل ازاسلام چنانکه در فصل اول اشاره‌کردم هنگامیکه ازجاودانی بودن روح کشمکش دائم بین نیکی وبدی سخن رانده است بعضی از اصول مسیحیت را تعلیم داده‌وبه پیروان خود پیروی رعایت سه‌اصل مقدس پندار نیك‌گفتار نیك وکردار نیك را دستور داده است

داریوش کبیر اهمیت راستگوئی و مذمت دروغ را پیوسته تأکید کرده ودرسال ۵۲۱ قبل از میلاد این سخنان جاودان را برزبان رانده است «من عدالت رادوست‌میدارم وازگناه متنفرم واز ظلم طبقات بالا

بطبقات پائین اجتماع خشنود نیستم »

اردشیر اول سرسلسله ساسانیان که قبلاً ازاو یادکرده ام میگوید «بدون ارتش قدرت بوجود نمیآید ، بدون پول ارتش نمیتوان داشت و بدون کشاورز پول فراهم نمیشود وبدون عدالت کشاورزی رواج نخواهد یافت

خسرو انوشیروان پادشاه بزرگ ساسانی هرچندگاهی بیش ازحد سختگیری داشت درداد گستری آنچنان بودکه درتاریخ لقب «عادل» یافته است. داستان نصب زنگ عدالت درخارج کاخ برای توسل واستمداد مظلومان وجریان دادخواهی چهارپائی راکه از تعدی صاحب خود بزنگ عدالت توسل جسته بوده همه شنیده‌اند این شاهنشاه نسبت بمسیحیان مدارای فراوان‌داشت ومدت چندین سال‌نیزعده‌ای ازفیلسوفان «اشراقی» بزرگ یونان راکه مورد تعدی امپراتوران روم قرارگرفته بودند در دربار خود پذیرفته واز مهمان نوازی خویش برخوردار ساخت وازآن‌پس ازامپراتور روم قول گرفت که بآن‌ها آزاری نرساند تابسلامت بکشور خویش بازگردند انوشیروان نسبت بمسیحیان نیزبا مسالمت و مدارا رفتار مینمود

از آنچه گذشت بنظر من این حقیقت معلوم میشودکه ماایرانیان درطول قرون خصال وسجایائی که جهان نیازمند آنست بعرض بروز و ظهور رسانیده ایم

باوصف این حقیقت بایدگفته شودکه دردوران قبل از سلطنت پدرم وطن ما روزهای بسیار سخت وپریشانی را میگذرانید ، ودیگرازآن مقام رهبری که درجهان در طرز کشورداری وتشکیلات مملکتی وعلم و ادب وهنر داشتیم اثری برجای نمانده بود ماديگر ازتعدی طبقات ممتازه اجتماع بطبقات زیر دست متأثر نمیشدیم ، واز وطن پرستی وشجاعت وتقوی ازمااثری ظاهرنبود، و دیگر براستگوئی نگرائیده واز دروغ پرهیز نداشتیم ازاین جهت برای درك اوضاعی که پدرم با آن مواجه بود وبا موفقیت بسیار آنرا دیگرگون ساخت باید نظری اجمالی بدورهٔ قبل اززمامداری وی انداخت . درآن دوره وطن ما پیوسته دچار دخالتهای روز افزون بیگانگان بود ورهبران مابا اتخاذ سیاست تزلزل آمیز وسوء اداره امور مملکت امرار حیات میکردند

درسال ۱۱۸۵ فتحعلی شاه قاجار بادولت فرانسه قراردادی منعقد کرد ناپلئون‌که در آن زمان امپراتور فرانسه بودامیدداشت‌که باعقد قرارداد میتواند از طریق ایران بهندوستان دست یابد دراین قرارداد مقرر بودکه دولت فرانسه بما اسلحه ومهمات بدهد وسربازان مارا بتعلیمات نظامی آشنا سازد تا بتوانیم در برابر روسیه تزاری‌که شش سال پیش از آن ایالت‌گرجستان رااز ایران منتزع ساخته بود مقاومت کنیم اززمان پترکبیرکه بین سالهای ۱۰۶۰ و ۱۱۰۳ هجری بروسیه فرمانروائی داشت دولت روسیه همواره سعی داشته است متصرفات خویش را بطرف جنوب بسط داده بآبهای‌گرم خلیج فارس و بنادر آن دست یابد اما ناپلئون باروسیه از درصلح وصفا درآمد واز نقشه تسخیر هندوستان دست‌کشید درخلال این‌احوال برای پس‌گرفتن گرجستان از چنك روسیه بیك اردوکشی که نتایج وخیمی ببارآورد مبادرت نمودیم ولی بموجب عهد نامهٔ‌گلستان‌که درسال ۱۱۹۱ بامضا رسید ناگزیر شدیم نه‌تنهاگرجستان رااز دست بدهیم بلکه هشت‌ایالت دیگر نیز ازکف مارفت وحق داشتن‌کشتی جنگی درآبهای ساحلی خودمان دربحر خزر نیزازما سلب‌گردید

روسها نیز بکشور هندوستان چشم طمع داشتند واین مسئله توجه انگلیسها را بایران که راه طبیعی سوق‌الجیشی روسیه بود جلب نمود . بنابراین درسال ۱۱۹۲ انگلیسها باماماهدهٔ بمبئی را منعقد نمودند باین منظورکه یك اتحاد دفاعی‌که عملا واصلا برای جلوگیری ازروسیه بود بوجود آورند بموجب این عهدنامه دولت بریتانیا متعهدشدکه در صورتیکه روسیه بدون جهت بایران تجاوز کند بما کمك نظامی یامالی بنماید

درسال ۱۲۰٤ باردیگر بین ایران وروسیه جنك درگرفت دولت بریتانیا در رسانیدن‌کمك لازم خودداری نمود ولی میان ایران وروسها بمیانجیگری اقدام کرد در این نوبت نیز ایران برای جنك وسائل کافی نداشت وحاضر نبود وناگزیر این جنك نیز باانعقاد معاهدهٔ شوم ترکمان‌چای خاتمه پذیرفت بموجب آن معاهده‌که درسال ۱۲۰۶ بامضا رسید نواحی دیگری ازخاك ایران بروسیه واگذارگردید و

مقرر شد که مبلغ هنگفتی بعنوان غرامت بروسیه پرداخت گردد و امتیازات تجارتی وغیر آن بروسیه داده شد .

چندی بعد درقرن نوزدهم روسیه ظاهراً نسبت بمارویه مسالمت آمیزی پیش گرفت وظاهراً برای مساعدت بما در اعادهٔ سلطه ایران بولایات شرقی که در مجاورت افغانستان قرار داشت ابراز تمایل نمود ومارا باعلان جنگ بافغانستان تشویق کرد درنتیجه بین ما وانگلستان که افغانستان راسپر دفاع هندوستان میدانست مخاصمه‌ای که مدت آن کوتاه بود درسال ۱۲۳۵ درگرفت. ضمناً روسها دراثرمعاهده ترکمانچای نه تنها برنواحی شمال کشور تسلط داشتند بلکه درنواحی شرقی ایران سلطه ونفوذ روز افزون پیدا کردند

ما بیش از پیش فدای رقابت بازرگانی وسیاسی روس وانگلیس شدیم وباید گفت که در این مورد تقصیر از خود ما بود پادشاهان قاجار برای تأمین هزینه های مسرفانه دربار امتیازات متعدد بازرگانی بخارجیان دادند یکی از عجیبترین امتیازاتی که داده شد امتیازی بود که سلطان وقت درسال ۱۲۵۰ به بارون ژولیوس دورویتر که به تبعیت دولت انگلیس درآمده بود داد بموجب این امتیاز بارون دورویتر حق انحصاری کشیدن راه‌آهن وتراموای رادرایران بمدت هفتاد سال تحصیل نمود وضمناً درمورد راه وامور مربوط بآبیاری ومعادن و کارخانه‌ها و خطوط تلگراف و جمع آوری حقوق گمرکی نیز اختیارات مخصوص بدست آورد اماطغیان افکار عمومی ازیکطرف وفشار روسها ازطرف دیگر شاه را بلغوآن مجبورساخت شاه برای اینکه ازرویتر دلجوئی کرده باشد بوی اجازه داد باسرمایه انگلیسها بانکی تأسیس کند و این بانك مدتها حق انحصاری نشر اسکناس ایران راداشت باضافه حق اکتشاف بسیاری ازمعادن وازجمله نفت بوی داده شد اگر چه این حق اخیر برای وی سودمادی پیدا نکرد

انگلیسها خطوط تلگراف ایران راکشیده وآنرا اداره کردند حق انحصار کشتیرانی رودکارون که تنها رودخانه قابل کشتی رانی ایران است نیز بآنها داده شد حق انحصار تنباکو وتوتون نیز بیکی از اتباع انگلیس داده شد ولی نظر بمخالفت شدیدی که مردم ومخصوصاً طبقه منورالفکر وروحانیون نسبت بآن کردند لغو گردید

درخلال این احوال روسها در کشور به بسط نفوذ خود ادامه میدادند ناصرالدین شاه بآنها اجازه دادکه یك بریگاد قزاق ایرانی تحت‌فرماندهی افسران روس تشکیل دهند این بریگادکه تحت اداره واختیارات دولت بیگانه بود چندی نگذشت که مؤثرترین نیروی جنگی ایران‌گردید در سال ۱۲۶۶ یکنفر ازاتباع روس امتیازی برای ماهیگیری درطول سواحل بحر خزرکه تعلق بایران داشت بدست آورد درسال ۱۲۶۹ بانك روس در تهران افتتاح یافت و مانند بانك انگلیس سابق‌الذکر حق‌انتشاراسکناس را نیز تحصیل نمود . بعلاوه روسها باین حدود اکتفا نکردند وباپرداخت یك سلسله وام بشاه به تحکیم این نفوذ پرداختند باین معنی‌که دادن قرضه را مستمسك قرار داده بگرفتن‌امتیازات تجارتی دیگر توفیق یافتند درهمین هنگام روسها وپس از آن سایر دول اصل کاپیتولاسیون را بایران تحمیل کردند و دولت ایران از محاکمه بیگانگان در مورد جرمهائی که درایران مرتکب میشدند ممنوع گردید

خود سری ولاقیدی پادشاهان قاجار بالاخره مردم را بعمل و اقدام وادار ساخت و جمعیت مشروطه طلبان تشکیل یافت در تیرماه ۱۲۸٤ قریب ده هزار نفر از بازرگانان و مشروطه طلبان درباغ سفارت انگلیس درتهران تحصن اختیار کردند و در حقیقت بشکل اعتصاب درمقابل سلطنت قاجاریه و فساد دستگاه سلطنتی قدبرافراشتند مقارن‌همین ایام عده‌ای ازروحانیون منور الفکر تهران از پایتخت خارج ودر شهر قم متحصن گردیدند شاه بناچار وعده اصلاحات داد و دو ماه بعد فرمان مشروطیت راصادرنمود

مشروطه طلبان‌گذشته ازاصلاحات داخلی‌قطع‌نفوذ وتحریکات‌روسهارا از دربار خواستار شدند بعضی‌ها استدلال میکنند که انگلیسها فقط از این نظرکه مشروطه طلبان بر ضد روسها بودند ازآنها تقویت میکردند ولی باعتقاد من انگلیسها علاقه صمیمانه‌ای هم بایجاد حکومت مشروطه در ایران داشتند . با وصف آن‌دیری‌نگذشت که درسال۱۲۸۵ بین‌روس وانگلیس معاهده‌ای راجع بحدود عملیات هریك‌درایران وافغانستان وتبت منعقدگردید واین معاهده مشروطه طلبان را بسیار دل‌سرد ساخت

بـا اینکه در قـرار داد مزبور وعده داده شده بود که تمـامیت ارضی

واستقلال ایران محترم شناخته شود آن قرار داد ایران را به مناطق نفوذ خارجی تقسیم میکرد . انگلیسها متعهد شدندکه درنواحی شمالی کشور که کلا منطقه نفوذ روسها معین شده بود امتیازات تجارتی نخواهند ودول دیگر را نیز ازگرفتن امتیاز درآن ناحیه مانع آیند روسیه نیز متقابلا همین تعهد را نسبت بناحیه کوچکتری در جنوب شرقی ایران که معناً باید منطقه نفوذ انگلیسها بشود بعمل آورد.

نسبت بناحیه بین این دو منطقه نفوذ این قرارداد حدودی برای هریك از دودولت معین نکرده بود و امتیازاتی که هریك دراین ناحیه داشتند (ازجمله امتیاز مهم نفت که به یکنفر انگلیسی تبعه استرالیا موسوم به دارسی درسال ۱۲۷۹ داده شده بود) بقوت خودباقی ماند. اما درعمل انگلیسها بیش ازروسها دراین ناحیه ای‌که اسم آنرا ناحیه بیطرف گذاشتند فعالیت داشتند

روس وانگلیس که بعداً در جنك جهانی اول با یکدیگر اتحاد کردند درآنموقع متوجه تهدید دولت آلمان که تازه نیرومندی یافته بود شده وامیدوار بودندکه قرارداد ۱۲۸۵ از شدت رقابت بین آنها کاسته وآنهارا درمقابله با دشمن مشترك خودکمك مینماید اما در نظر ایرانیان قرارداد مزبور نقشه‌ای برای بلعیدن کشور ایران بشمار میرفت. بهرحال قرارداد مزبور نظر روس وانگلیس راعملی نکرد و رقابت بین این دودولت درکشورما ادامه یافت درخلال این احوال ملیون ایران با یکدیگر ازدر مخالفت برآمدند و نتوانستند از مجلسی‌که درسال ۱۲۸٤ تشکیل یافته بود پشتیبانی کنند. مظفرالدین شاه نسبت بمشروطیت ایران تمایل ضعیفی داشت ولی فرزند وی دشمن سرسخت آن بود ومصمم شدکه بکمك روسها حکومت مطلقه واستبدادی را مجدداً برقرار سازد وسه نوبت برای انجام این منظور دست باقدام زد. در نوبت اول نقشه وی براثر مقاومت مسلحانه مشروطه طلبان منجر به شکست گردید. درنوبت دوم درماه خرداد سال ۱۲۸٦ فرماندهٔ روسی بریگاد قزاق ایران عمارت مجلس را بتوپ بست وشاه مجلس را منحل نمود اما شاه وعمال روسی او نیروی ملت ایران را سرسری و بی اهمیت گرفته بودند ومشروطه طلبان درسال بعد قوای بریگاد قزاق را شکست دادند. محمد علی میرزا بروسیه فرار کرد وفرزند یازده ساله او احمد شاه بجانشینی وی تعیین گردید درسنه ۱۲۸۹ که

آخرین تلاش محمد علی میرزا بود طرفداران وی از راه روسیه وسواحل بحرخزر بعزم تسخیر ایران حرکت کردند ولی این سومین و آخرین کوشش نیز بشکست وعدم موفقیت منجر گشت.

مشروطه طلبان موقتاً پیروز گشتند ولی روسها همانکاری را که پس از جنگ دوم جهانی کردند درآن هنگام نیز بعمل آوردند بدین‌معنی که قوای خودرا درقسمت شمالی کشورما نگاه داشتند.

درسال ۱۲۸۹ برای اینکه باوضاع آشفته مالیه ایران سروصورتی داده شود دولت ایران یکنفر آمریکائی را بنام مورگان شوستر بعنوان خزانه‌دار کل ایران استخدام نمود . شوستر اعتماد مردم را نسبت‌بخود جلب‌کرد ونزدیك بودکه دراصلاحاتی‌که درنظر داشت توفیق حاصل کند ولی درآخر همان سال روسها بایران اولتیماتومی دادند وضمن‌سایر چیزهائی‌که خواستند اخراج شوستر ازکار بود .

واضح بود که روسها میل نداشتند امور مملکت طوری منظم گردد که ایران دیگر به آنها محتاج نباشد. قوای روس بچندین شهر درشمال ایران حمله بردند وعده‌ای مردم دراین حملات تلف شدند و هرچند مجلس شورای ملی اولتیماتوم روسها را ردکرد ولی هیئت وزیران آنرا پذیرفت این وقایع را بتفصیل درکتاب معروف شوستر موسوم به اختناق ایران مطالعه میتوان نمود

درجنگ اول جهانی با وصف آنکه ایران بیطرفی خودرا اعلان کرده بود ولی آلمانها وترکها وروسها وانگلیسها درکشور شروع بفعالیت کردند . ترکها برای کمك به آلمانها بطرف تهران پیش آمدند وبالاخره از روسها شکست خوردند عمال آلمانی درکشور ما بجنب وجوش افتاده دربین عشایر ایران اقدام به تحریکات نموده وحتی سعی کردند که درافغانستان کشور همسایه ما قوائی تجهیز نمایند ولی موفق‌نشدند درجنوب ایران یاورپرسی سایکس که بعدا سرپرسی سایکس لقب یافت وکتابی در دو جلد راجع بایران نگاشت نیروئی بنام پلیس جنوب ایران تشکیل دادکه ناحیه جنوب‌کشور را تحت اختیار خود گرفت.

بعدازجنگ اول اوضاع داخلی‌کشور بیش از پیش آشفته و درهم ریخته بود . ضمناً انقلاب روسیه درسال ۱۲۹۵ پیش آمده بود و عدهٔ کثیری از قوای روس در استانهای شمالی ایران متوقف بودند وعده‌ای

از قوای اعزامی انگلیس به‌آنها حمله کردند ولی توفیقی نیافتند. درسال ۱۲۹۷ انگلیسها پیشنهاد عقد قراردادی با ما کردند که ازنکات مهمه‌آن دادن قرضه‌ای بایران وآوردن مستشاران اداری ومالی ورساندن مهمات وساختن راهها وراه آهن بود. اما ازآنجاکه نتیجهٔ چنین قراردادی ازدیاد تسلط بیگانگان برایران بود افکار واحساسات عمومی شدیداً با آن مخالفت کرد وهرچند دولت وقت قرارداد مزبور را پذیرفت ولی مجلس شورای ملی ایران ابداً آنرا تصویب ننمود

ضعف وناتوانی کشور دیگر بشدیدترین مراحل رسیده بود وپدرم وعدهٔکثیری از میهن پرستان دیگر ازسرنوشت شومی‌که تمدن باستانی ما دچار آن شده بود افسرده وخشمناك بودند.

پدرم درسال ۱۲۵٦ دراستان مازندران که نزدیك بحرخزر است پا بعرصه وجود گذاشت . او برخلاف پادشاهان قاجار که چنانکه گفتم ازنژاد ترك بودند از خانواده اصیل ایرانی بود وپدر وجدش درارتش ایران با سمت افسری خدمت کرده بودند جد او دریکی از جنگهای ایران وافغانستان از خود شجاعت ورشادت مخصوصی نشان داده و پدرش فرماندهی هنگی را که دراستان مازندران ساخلو داشت عهده‌دار بود. درایامی‌که پدرم که درآن اوان رضاخان نام داشت چهل روز بیش ازعمرش نگذشته بود پدرش جهان را بدرود گفت ومادرش مصمم شد فرزند کوچك خویش را به تهران بیاورد . دراین مسافرت درعرض راه ازشدت سرمای زمستان نزدیك بود فرزند خردسال وی تلف گردد.

وقتی پدرم چهارده سال بیش نداشت دربریگاد قزاق که درسال اول ولادت وی تشکیل یافته بود وارد خدمت شد و درآن هنگام اصلا سواد نداشت زیرا درآن زمان تعلیم وتربیت منحصر بفرزندان مردم متمول ومقتدر و روحانیون بودکه علم ومعرفت را مخصوص خویش دانسته از اشاعه و نشرآن درمیان مردم جلوگیری میکردند باین منظور که دراثر نادانی وجهل عمومی خود درمملکت مطلق‌العنان باشند و هرچه میخواهند بکنند

روزیکه پدر من تاجگذاری کرد طبق رسوم کهن وباستانی ایران عناوین شاهنشاه وظل‌الله «مؤید بتائیدات الهی» و «قبله عالم» ویژه وی گشت ولی درهمان هنگام سلطنت چه آنگاه که شخصیت های خارجی را

بارمیداد و یا آنگاه که بامن صحبت میکرد خوش داشت که خویشتن را سربازی ساده بشمارد

ترقی وپیشرفت پدرم دراثر سجایای ذاتی و شخصیت بارزی که داشت سریع بود درآن زمان ارتش ایران افسران جزء نداشت یعنی افسرانیکه ازمرحله سربازی صاحب درجه بشونددرارتش نبودودر نتیجه دردوره خدمت باید ازمقام سربازی دفعتا بمقام افسری جستن کند . معمولا این طرز ترقی درارتش ایران سابقه نداشت ولی درمورد پدرم شخصیت برجسته وی را نمیشد نادیده گرفت . او شانه هائی پهن وقدی کشیده وبلند وقیافه‌ای مردانه و با صلابت داشت واز تمام وجنات وی آنچه بیش از همه جلب توجه میکرد چشمان با نفوذ وی بود که تا باطن کسانی‌که باوی روبرو میشدند تاثیر میکرد ومردان نیرومند را میتوانست بلرزه اندازد . شنیده‌ام که افسران روسی که فرماندهی بریگادقزاق ایران راداشتند ازاوحذرداشتند وعملاازوی میترسیدند.

مسئله‌ای‌که پدرم را بترقی وپیشرفت بیش از همه چیز موفق ساخت عادت وی بمطالعه بود . با آنکه ازحیث سن وسال جوان نبود ازشروع بتحصیل وفراگرفتن خواندن ونوشتن احساس شرمساری نمیکرد وهر روز پس از فراغ ازخدمت نظامی با نهایت بردباری درسربازخانه وقت خودرا بکمك یکی از دوستان خود بخواندن ونوشتن می‌گذرانید . برای مطالعه از چراغ کم‌نور وضعیف سربازخانه استفاده میکرد ووقتی خسته میشد ازاطاق کوچکی‌که داشت بیرون آمده بچراغهای شهر تهران که از دور تلالؤ داشتند نظاره مینمود

درآن زمان کسی بزندگانی سربازی رغبتی نداشت وچون دولت در کشور دارای قدرت نبود ونمیتوانست مالیات معمولی را وصول‌کند واز عهده پرداخت حقوق عمال دولت برآید، سرباز هاگاهی به تخم مرغ فروشی وزمانی بهیزم شکنی ونظائر آن معاش خود وخانواده خود را تامین میکردند وهرگاه برحسب تصادف دولت میتوانست چیزی بعنوان حقوق به آنها بدهد غالباً مقداری آجر یا سایر وسائل ساختمانی بود زیرا معمولا پول نقد درخزانه دولت وجود نداشت . پدرم حکایت میکرد که روزی قرار بود وزارت امورخارجه یکنفر از شخصیت های مهم را

بشام بپذیرد وچون وزارتخانه پول نداشت ناگزیر از چند نفر کسبه بازار وجه لازم را وام گرفتند ووسائل پذیرائی را راه انداختند.

تشکیلات ارتش فرسوده واز هم پاشیده واسلحه و تجهیزات آن کهنه ومندرس (درتمام ارتش بیش از چند توپ کهنه وجود نداشت) و روحیه افراد بسیار ضعیف بود اما چیزی‌که درنظر پدر من از همه اسفناکتر بود این بودکه میدید افسران بیگانه بارتشی‌که او جزوآن بود فرماندهی داشتند وخوب میتوان حدس زدکه وقتی پدرم میدید که فرمانهائی‌که به او میدهند غالباً بجای اینکه ازپایتخت ایران صادرشود از پای تخت روسیه‌صدور پیدا میکندچه حالی‌داشته وبروی چه میگذشته است بعقیده من حس وطن پرستی وناسیونالیزم شدیدی‌که درپدرمن وجود یافته بود دراثر این بودکه معنی تسلط بیگانگان‌را بواقعی‌دریافته بود

پدرم در دوران سربازی وافسری خود درجنگ های متعدد مخصوصاً درمبارزه با عشایر خودسر و متجاسری‌که دربسیاری از نقاط ایران‌شهر ها وقصبات را معرض تعدی وتاراج قرار داده بودند شرکت کرده بود. تاریخ ایران نشان میدهدکه هروقت دولت مرکزی ضعیف وناتوان بوده است ایلات وعشایر ایران به قتل وغارت پرداخته وبالعکس هروقت‌دولت قوی بوده است وآنها را تحت فرمان خود آورده در تجدید بنای‌کشور سهمی مهم داشته‌اند. پدرم گذشته از ماموریت هائی‌که برای سرکوبی عشایر متعدی ایران پیدا میکرد با راهزنانی‌که غالباً دسته هائی بصورت قشون تشکیل داده ودر نواحی مختلف ایجاد ناامنی میکردند وپس از انقلاب روسیه با بلشویکهائی‌که به تسخیر کشور پرداخته بودند جنگ های متعدد کرده بود

داستان تأثر انگیزی که پدرم از احساسات خود درجنگ با یکی از دسته های راهزن برای من حکایت کرد هنوز بخوبی در خاطرم مانده است. پدرم میگفت دراثنای‌این مبارزه ناگهان آنقدرازاوضاع مغشوش ایران متنفر شدم‌که عمداً خودرا معرض گلوله دزدان قرار دادم . پدرم‌که درآنوقت اسب سفیدی سواربود برای دزدان هدف بسیارآشکار وآسانی بود ولی هیچیک از گلوله های دشمن باو اصابت نکرد .

باید دید این احساسات پدرم از کجا ناشی شده‌بود ؟ امروز میتوانم

اورا دربرابر دیدگان باطن خویش مجسم کنم که بر اسب سفید خودسوار و ازاوضاع اسفناك کشور آثار شرمندگی در چهره مردانه وباصلابت وی نمایان است براستی که در آن ایام خاك ایران را نمیشد بنام کشور خطاب کرد زیراین خاك پرافتخار حکومت مرکزی که شایسته عنوان حکومت باشد نداشت قسمتی بزرگ از نواحی ایران زیر پنجهٔ تسلط خوانین وروسای محلی بود که ظاهرا نسبت بشاه برای حفظ آبروی او اظهار وفاداری میکردند ولی در عمل مختار مطلق بودند و در ناحیه خود هرچه میتوانستند نسبت بمردم تعدی میکردند وبرفلاکت آنان میافزودند. در آن هنگام ارتش مجهز با وسایل و تشکیلات جدید وجود نداشت و نیروهای مسلحی هم که بودنسبت بایران تعهدوفاداری واطاعت نداشتند. نظم و امنیت از میان رفته و محاکم دادگستری غیر موجود و قضاوت بوسیله حکام شرع وخانهای عشایر اجرا میشد. درقسمت عظیم کشور قانون تسلط قوی برضعیف اصل مسلم بشمارمیرفت وهرکه دستش میرسید بتعدی واجحاف وآنکه توانائی نداشت بکشیدن بار زور و تعدی مشغول بود .

وضع امنیت بدرجه‌ای اسفناك بود که حتی در تهران یعنی پایتخت کشورمردم شبها پس ازغروب جز در مواقع فوق‌العاده برای آوردن پزشک که بزحمت پیدامیشد ونظائرآن ازخانه های خودبیرون نمی‌آمدند زیرا میدانستند که باحتمال قوی دچار اوباش غارتگر محله واقع میشوند وسائل ارتباط و مواصلات از زمان داریوش روز بروز بدترشده وغیر قابل اطمینان گشته بود بطوریکه مسافرینی که میخواستند ازتهران بمشهد بروند برای رهائی از دست دزدان و راهزنان عرض راه مجبور بودند از طریق روسیه مسافرت کنند برای رفتن بخوزستان که یکی از استانهای جنوب ایران است مردم ازراه ترکیه وعراق سفرمیکردند

چنانکه گفتم دراثر وجود کاپیتولاسیون اتباع خارجی را (ازجمله بلشویکهائی که عده زیادی از آنها وارد ایران شده بودند) نمیشد در محاکم دادگستری ایران نسبت بجرائمی که مرتکب میشدند محاکمه کرد وحقیقت اینستکه محاکم صاحب نفوذوصلاحیتی هم که بتواننداین وظیفه را انجام دهند وجود نداشت وطبعا فقدان محاکم صلاحیت‌دار یکی از معاذیر موجه بیگانگان برای ادامه کاپیتولاسیون بود در امور اقتصادی نیز

استقلال کامل نداشتیم زیرا سلاطین قاجار امتیازات اقتصادی گوناگون به بیگانگان داده بودند نیروی خارجی ودزدان متجاسر خانگی درسراسر کشور بمیل خودرفت وآمدداشتندومردم درفقروجهل وبیماری بسرمیبردندو بیچارگی وعدم رضایت وفلاکت همه را گرفته بود در میان این همه بدبختی که ملت ایران با آن دست وگریبان بود سلطان وقت تنها فکری که داشت این بود که سفر های پر هزینه ای باروپا بکند و بسرگرمیها وگشادبازیهای مخصوص خویش امرارحیات نماید. درچنین وضعی یکنفر میهن پرست حقیقی جزاحساس خجلت وسرافکندگی چه میتوانست بکند ؟

ظاهرا جبر زمانه وضرورت امور و تمایل ملت حکم میکند که درمواقع معین یکنفرمردتوانابرای رهائی مردم پیداشود. این چنین مردی سرنوشت کشور را تغییر میدهد وجریان تاریخ را دیگرگون میسازد در آن ایام شواهد بسیاری بود که ثابت میکرد پدر من یك چنین مردی تواند بود درسال ۱۲۹۸ افسران روسی هنوز فرماندهی بریگاد قزاق ایرانی راعهده‌دار بودند این افسران اسما همه از روسهای سفید بودند ولی بعضی از آنها خودرا به بلشویکها فروخته بودند وهنگامی که این بریگاد مامورشد باقوای روس سرخ که استانهای شمالی را گرفته بودند بعملیات خصمانه مبادرت نماید افسران بلشویك آشکارا بایران خیانت کردند روحیه ناسیونالیسم پدرم ویرا بطور قطع معتقد ساخت که ایران را باید ازشر تمام افسران روسی بریگاد خلاصی داد .

در ماه مرداد سال ۱۲۹۸ پدرم ندای وجدان خویش را پذیرفته و وسیله اخراج افسران روسی بریگاد قزاق را فراهم ساخت وخود فرماندهی آن رابعهده گرفت ودولت ایران بلافاصله اقدام پدرم را تأیید وتصویب نمود پدرم عقیده خویش را پنهان نداشت که باید بالمآل هرگونه نفوذ خارجی را در ایران بحد اقل رسانید

ازآن روز به بعد پدرم مراحل کسب اقتدار را بسرعت طی کرده وصاحب قدرت کامل گردید برای حصول این منظور با یکنفر جریده‌نگار فعال بنام سید ضیاءالدین طباطبائی اتحاد کرد . این شخص که فرزند یکی از روحانیون بود باکمال شهامت درباره اوضاع وخیم دولت وسایرامور کشوری

مقالات متعددی انتشار میداد و افکار انقلابی داشت و میتوانست درهمان هنگام که پدرم بوسیله قدرت نظامی پایتخت ایران را تحت فشار قرار میداد او نیز اولیای امور را تحت اعمال نفوذ سیاسی قراردهد

پدرم ازشهر قزوین که یکی ازشهرهای شمالی غربی ایران است نیروی خویش را بطرف تهران حرکت داد ودرماه اسفند ۱۲۹۹ ضمن یك کودتای بدون خونریزی حکومت ضعیف ومتزلزل ایران رابرانداخت. سیدضیاءالدین ریاست هیئت وزیران و پدرم سمت وزارت جنگ و فرماندهی کل قوا را بعهده گرفتند

دیری نگذشت که سید ضیاء الدین که از اصلاح طلبان تندرو بود شروع باجرای تصمیماتی نمودکه طبقه ثروتمند و محافظه کارکشور را با خود طرف نمود . بعقیده من پدرم باسیدضیاء الدین نه از نظر عقایدسیاسی واقتصادی بلکه ازنظر تشخیص موقع وطرز عمل موافقت نداشت چنانکه سه ماه پس از وقوع کودتا احمدشاه دیگری رابسمت ریاست وزراء منصوب نمود وپدرم بااین انتصاب مخالفت نکرد

پدرم درکابینه‌های متوالی مقام وزارت جنك راداشت ولی پرواضح بودکه یگانه مقام صاحب نفوذ درآن کابینه‌ها جز شخص اوکسی دیگر نبود تاآنکه درسال ۱۳۰۱ بمقام نخست وزیری رسید و بلافاصله احمدشاه که مردی مرددومتزلزل بودبرای مدت نامعلومی ازایران باروپا رفت

سال پیش ازآنکه پدرم نخست‌وزیر بشود ترکها دستگاه فرتوت خلافت رابرچیده وکمی بعدازآن تحت قیادت متهورانه کمال آتاتورك حکومت جمهوری را درآن کشور مستقر ساخته بودند بعضی ازمحافل ایرانی که تحت تاثیر وقایع ترکیه قرار گرفته بودند باین فکر افتادند درکشور من نیز حکومت جمهوری برقرار سازند وقطع دارم که پدرم نیز تامدتی تأسیس جمهوریت را مرجح میشمرد ولی افکار عمومی برخلاف این نظر باصل حکومت سلطنتی که درواقع ونفس‌الامر الامر هزاران سال ازسنن ایرانیان بود تمایل شدید داشت وبسیاری از مشروطه خواهان استانهای متعدد ایران نیز همیشه طرفدار اصل مشروطه سلطنتی بودند

روز دهم آذر سال ۱۳۰۳ پارلمان ایران احمد شاه‌را که دراروپا به گردش و مسافرت مشغول بود وبعدها نیز دراروپا وفات یافت ازمقام سلطنت خلع نمود وپدرم راشاهنشاه ایران اعلام‌کرد. روز چهارم اردیبهشت ۱۳۰٤ پدرم رسماً تاجگذاری کرد ودرهمان تشریفات من‌نیز بسمت ولایت عهد منصوب گردیدم

بنظر من باید دراین موقع بین وضع ایران آنروز وهمسایه ما ترکیه‌که پدرم درسال ۱۳۱۲ برای مشاهده ترقیات شگرفی‌که نصیب آن‌کشور شده بود وضمناً برای تحکیم مناسبات سیاسی وفرهنگی بین دوکشور بدانجا مسافرت نمود مقایسه‌ای بعمل آید. درهنگامی‌که دستگاه خلافت ازهم پاشیده‌شد ترکها که بکشورهای باختری نزدیک‌تر بودند دراقتباس اصول تمدن باختری ازما بسیار پیش افتاده بودند. تشکیلات ارتش آنها که بروش آلمان درست شده بودمنظم بودودانشگاههای نظامی وذخائر تخشائی وکادر افسران تربیت یافته خوب داشتند ودر جنك اول جهانی باشجاعت جنگیده واغلب پیروزیهائی دربرابر بهترین ارتشهای متحدین نصیب‌آنان شده بود. برخلاف حکومت ملوك‌الطوایفی ایران قبل از زمامداری پدر من ترکها دولت نیرومند مرکزی داشتند که‌کشور را اداره میکرد وبعلاوه دارای راه های آهن وبنادر و کارخانه ها وسایر مظاهر ملل متمدن بودند در صورتیکه ما تقریباً هیچیك ازاین تسهیلات رانداشتیم وپرواضح بودکه راهی‌که ایران‌برای اخذ تمدن درپیش داشت بمراتب ازترکیه درازتر بود .

پدرم دراتخاذ طریق حزم واحتیاط باصل مسامحه معتقد نبود و برای اتخاذ هرتصمیمی سرعت عمل رابامطالعه حقایق قطعی مربوط بهرمسئله باکمال آرامش ودقت وبدون آنکه تحت‌تأثیر واقع شود توأم میساخت چنانکه مثلا پنج روز پس ازکودتا دولت ایران و روسیه معاهدهٔ مودتی‌که درایران سابقه نداشت امضا نمودند این معاهده مدتهای طولانی در دست تهیه بود ولی پدرم همانطورکه درلشکرکشیهای نظامی خویش عمل میکرد در این مورد نیز بسرعت تصمیم نهائی را اتخاذ نمود و معاهده را بمرحله انعقاد رسانید

بموجب این معاهده روسیه ازمطالباتیکه داشت واز تمام اختیاراتی که درایران بدست آورده بود صرف نظرنمود وتأسیسات متعددی را

که درکشور من داشت ازقبیل بانك استقراضی روس وراه آهن کوتاه ازجلفا یعنی سرحد روسیه به تبریز وتاسیسات بندری انزلی (که اینك بندر پهلوی نامیده میشود) درساحل بحر خزر وراه شوسه و خطوط تلگراف بایران واگذار نمود همچنین حق کشتی رانی بازرگانی دربحر خزر بطور تساوی بایران داده شدکه آن حق راازز زمان انعقاد معاهده ترکمانچای تاآنروزنداشت. بعلاوه کاپیتولاسیون راکه موردنفرت ایرانیان بود ملغی الاثر اعلام نمود آنروزدر نظر ایرانیان انعقاد این معاهده علامت تغییر سیاست روسیه تزاری وهمچنین سیاستی که بعدآخودشوروی اتخاذ نمود بشمار میرفت

در همانوقت پدرم ودولت اولغو قرارداد ۱۳۹۷ ایران وانگلیس را اعلام کردند چنانکه سابقاً گفته شد این معاهده بامضا رسیده ولی هرگزمورد تصویب مجلس شورای ملی ایران واقع نشده بود. بموجب موادآن قرارداد نه تنها مستشاران نظامی انگلیس بلکه مستشاران دیگر بایران آمده ویك عده مهندسین انگلیسی نیز برای نقشه برداری ازراه آهنی که باید ساخته شود اعزام شده بودند ولی میهن پرستان ایران نسبت باین قرارداد مخالفت شدید داشتندکه عاقبت منجر بابطال آن گردید

آخرین دسته نیروهای انگلیس درسال ۱۳۰۱ از ایران خارج شدند. قسمتی ازنیروهای روس بدون اجازه ومیل ما درایران باقی ماند ومداخلات نظامی روسیه درکشورما خاتمه قطعی پیدانکرد واین نکته مهم رادر فصل دیگر بتفصیل بیان خواهم کرد

درضمن انجام مسائل فوق پدرم باتمام قوا باصلاحات داخلی ایران پرداخت. اولین تصمیم اوکه ازدیر بازمورد علاقه وآرزوی اوبود این بود که قسمت های پراکنده و ازهم گسیخته ایران رابادیگر بصورت واحد کاملی درآورد وبرای انجام اینمنظور بهارتش نیرومندی احتیاج داشت. ازهمان روزی که وزارت جنك وفرماندهی کل قوابوی محول گردید شروع کردکه بریگاد قزاق ایران وپلیس جنوب وژاندارمری وسایر عناصر ارتش را بایکدیگر پیوسته وارتش واحدی ازمجموع نیروهای ایران تشکیل دهد ترتیب غذای سربازان ورسیدن حقوق مرتب بآنها و تعلیمات نظامی جدید مورد توجه خاص اوقرارگرفت ودربالابردن روحیه

آنها که ازخدمت بکشور وایرانی بودن خود سرافرازی داشته باشند مساعی جمیله بکار برد.

آرتش ایران درسال ۱۳۰٤ مرکب بود ازپنج لشگر اصلی ویك هنك مستقل ویك سازمان مأمور حراست طرق وشوارع برای حفظ امنیت وجلوگیری ازدزدان مسلحی که درایران براهزنی میپرداختند. (پدرمن درنقاط خطرناك عرض راه‌های ایران برجهائی ساخت که عده‌ای از افراد ژاندارم درآنها دائماً اقامت کرده وبتأمین راه ها و حفاظت مسافرین میپرداختند) کمی بعد یك نیروی دریائی وهوائی کوچکی را نیز باین آرتش اضافه کرد درسال ۱۳۰۵ قانون نظام وظیفه بتصویب رسید ودر سنوات ۱۳۰٦ و ۱۳۱۱ اصلاحاتی درآن بعمل آمد ونیز به تأسیس دوآموزشگاه نظامی اقدام وعده‌ای ازجوانان را برای تربیت بفرانسه اعزام و عده‌ای مستشار نظامی فرانسوی برای ارتش ایران استخدام نمود

یکی ازدوستان نزدیك پدرم حکایت میکرد که کمی بعد از اینکه پدرم بانیروی خود به تهران وارد شده بود روزی باخود زمزمه ای داشت وناگهان باصدای بلند باخود گفت «کاش هزارقبضه تفنك یك جور داشتم» معلوم است که درآن هنگام فکر استقرار نظم وامنیت از خاطر او میگذشته است بهرصورت این آرزو وجمله‌ای که از دولب او شنیده شده است وضع اسفناك تجهیزات آرتش آنروز رابخوبی روشن میکند وعجبی نیست که دیری نگذشت که بایجاد یك کارخانه تفنك سازی ویك کارخانه مسلسل سازی ویك کارخانه دیگر برای ساختن فشنك جهت اسلحه کوچك اقدام نمود و این کارخانه هائی که بهمت او ساخته شده مانند سایرکارخانه های مهمات سازی و تخشائی هنوز مشغول کار هستند.

درضمن اشتغال باین امور مهم پدرم برای استقرار نظم و امنیت درسرتاسر کشور باردوکشی های متعدد اقدام نمود چنانکه نیروئی برای مبارزه بامیرزا کوچك خان که از طرفداران کمونیست ها بود و چندین سال استانهای ساحلی بحرخزر را مورد تعدی وتسلط خویش قرار داده بود روسها تاهنگام امضای معاهده ۱۳۰۱ علناً ازوی حمایت میکردند اعزام کرد. قوای اعزامی عده میرزا کوچك خان را شکست داده

وافرادش را متفرق کردند سایر رؤسای ایلات وعشایر که استانهای فارس و خوزستان وبلوچستان را به تقویت وحمایت انگلیسها تحت سلطه خویش اورده بودند وعلناً بدولت های وقت تمرد داشتند دچار همان عاقبت شدند .

درهنگامیکه پدرم دربریگادقزاق سمت افسری‌داشت یکبار با هنگ تحت فرماندهی خود ازتهران بهمدان آمده بود. این هنگ تنها یك اسب بیشتر نداشت وآنرا هم برای حمل بیماران‌اختصاص داده بودند. راههای آنروز بقدری‌صعب‌العبور بودکه حتی‌راه پیمائی پیاده هم‌بدشواری صورت میگرفت. وقتی‌پدرم‌که ازافسران کارکشته وسختی‌کشیده بود ودشواریها را بآسانی تحمل میکرد بمقصد میرسد ازشدت جراحات‌وارده وکوفتگی پاها ناچار بستری میشود . با این خاطره شگفتی نداشت‌که وقتی پدرم به سلطنت رسید پس ازمسئله استقرار نظم وامنیت مسئله‌ای که ازهمه بیشتر به‌آن اهمیت میداد همان ایجاد راه وارتباطات بود ودر حقیقت برای وی روشن شده بود که بدون وجودراه برقراری امنیت هم امکان پذیر نمیتواند بود

مهندسین تصدیق میکنندکه راه آهن سرتاسری ایران‌که پدرم در سال ۱۳۰۵ آغازودر سال ۱۳۱۷ بپایان رسانید شاید جالب‌ترین‌راه‌آهن طویلی باشد که باین سرعت ساخته شده است. ازنظرهنر مهندسی راه‌آهن سرتاسری ایران ازراه‌آهن معروف سویس نیز مهمتراست زیرا این راه ازروی ٤۱۰۰ پل واز میان ۲۲٤ تونل‌که مجموعاً ٥٤ میل‌طول دارد میگذرد. یکی ازتونل های این خط (دومیل) طول دارد و بعضی ازآنها‌که دربدنه کوهسارچند پیچ میخورد وپیچ وخم های آن برفراز یکدیگر قرار گرفته ازدرون صخره های سخت عبور میکند .

هزینه خط اصلی که ۹۰۰ میل طول آنست (امروز خطوط دیگری بدان افزوده شده وبنقاط دیگرکشورامتداد یافته است) بوسیله عوائدی که ازقند وشکر وچای دریافت میشد تأمین‌گردید. این مالیات بیشتر بر طبقه دهقان وکشاورز که قسمت عمده در آمد نقدی خودرا بمصرف قند وچای میرساندند تحمیل میشد ولی پدرم نسبت به قرضه خارجی بدگمان بود و صدماتی راکه اسلاف اواز وام خارجی کشیده بودند از خاطرش نمیرفت. با این وصف هرچند ازقرضه خارجی تحاشی داشت

ولی از روی کمال بیطرفی مهندسین خارجی را از چندین کشور وملیت مختلف برای تسریع در امر ساختمان راه‌آهن استخدام نمود

پدرم راههای شوسه مهمی نیز درکشور احداث وبنادر مهم بحرخزر وخلیج فارس را ایجاد نمود واولین خط هوائی بین‌ایران وسایرکشورها وخط هوائی داخلی را تاسیس کرد ودرسال۱۳۰۹ وسائلی راکه شرکت انگلیسی تلگراف هند واروپ در ایران تحت اداره خود داشت از حیطه اختیار آن شرکت خارج ساخت.

برای تامین استقلال مالی وپولی ایران حق انتشار اسکناس‌را ملی کرده وبانك ملی ایران را که بوسیله مأمورین لایق ایرانی اداره میشود تأسیس نمود ودستور داد برای کارمندان این بانك باشگاه وسفره‌خانه واستخر شنا ووسائل ورزش وبیمارستان وچاپخانه بسیار مجهزی بسازند دیری نگذشت که بانك ملی ایران شعب متعددی دربسیاری از نقاط کشور تاسیس کرد . نخستین بودجه جمع وخرج کشور نیز تنظیم گردید . برای اصلاح اوضاع مالی پدرم دکتر ارتر. سی میلیسپو تبعه دولت آمریکا راکه درامور مالیه تخصص داشت استخدام نمود . شخص مذکور در نوبت اول مدت پنجسال درایران بکار مشغول بود ویکبار دیگر نیز استخدام وی تجدید گشت ودراین دوسفر دوکتاب درباره تجربیات ومشاهدات خویش درایران منتشر نمود.

روزیکه پدرم قدرت را درکف کفایت خود گرفت کشور ایران جز چند کارخانه برق وکارخانه کبریت سازی وتصفیه خانه نفت که متعلق بخارجی ها بود صنایعی نداشت . سعی پدرم آن بود که کشور ایران بتواند حوائج صنعتی خویش را بدون نیاز به بیگانه در داخله مملکت فراهم کند ودر دوران سلطنت خویش کارخانه های پنبه وپشم وابریشم بافی ، چرمسازی ، کفش دوزی ، دکمه سازی ، برنج پاك‌کنی، قندوشکر ، چای ، سیگار ، روغن نباتی کنسروسازی کاغذ سیمان ، آجر ، شیشه ، داروسازی وغیر آن درکشور تاسیس یافت وچنانکه گفته شد کارخانه های اسلحه ومهمات سازی نیز احداث شده وبکار افتاده بود . بعضی ازاین کارخانه ها به سرمایه دولت وبعضی بشرکت دولت با سرمایه داران ایرانی و بعضی کلا بوسیله صاحبان سرمایه ایرانی تاسیس یافته بود مخصوصا

از نظر اینکه دولت روسیه شوروی نتواند با وارد کردن کالاهای مشابهی که قیمت آنها را با پرداخت کمك مالی بکارخانه ها ارزانتر از قیمت کالا های ایرانی کرده بود بازار های ایرانی راقبضه کند پدرم بایجاد یك سلسله انحصارات دولتی برای تجارت خارجی اقدام کرد ونخستین بازار وواحد پول ومقیاس ابعاد را بطور متحدالشکل درکشور ترویج نمود واوزان و مقیاس های قدیم را که حتی مستوفیان هم گاهی از محاسبه آن عاجز میماندند برانداخت

پدرم حتی دستور داد که در مکاتبات وروابط با دول بیگانه کلمه «پرشیا» که درنوشته های دول بیگانه استعمال میشد بکلمه ایـران تبدیل یابد بخاطر دارم که درجنك دوم جهانی وینستون چرچیل در حالی‌که خودرا ناراحت جلوه میداد ولی چشمکی شوخ مشربانه هم میزد میگفت که هیچکس نمی‌تواند اورا مجبور کندکه از «پرشیا» جز با کلمه «پرشیا» سخن بگوید اخیراً در اثر استدعای چندین نفر از رجال ودانشمندان کشور ، اینطور موافقت کرده‌ام که هردوکلمه «پرشیا» وایران درموارد مختلف مرادفاً بکار برود.

شاید تصور کنید که با توجه بمحیطی‌که پدرم دوران جوانی خودرا درآن گذرانیده بود باصلاحات اجتماعی وفرهنگی علاقه‌ای نداشت در صورتی‌که قضیه کاملا برعکس است وی درسال ۱۳۰۵ روش قضائی جدیدی که اساس آن با قوانین محاکمات ملل اروپائی ومخصوصاً فرانسه منطبق بود در ایران برقرار ساخت ومحاکم دادگستری تازه ایجاد وحل وفصل امور ودعاوی حقوقی را از چنك محاکمی که بوسیله روحانیون اداره میشد بیرون آورد . درسال بعد کاپیتولاسیون را رسماً الغاء نمود وبا وجود آنکه درکشور آموزگار ودبیر باندازه کافی موجود نبود بتعمیم تعلیمات اجباری مجانی مانند دول راقیه اروپائی وساختمان دبستانها ودبیرستانهای متعدد در تمام نقاط کشور اقدام نمود.

درسال ۱۳۱۲ دانشگاه تهران را درمحوطه‌ای بزرك با ابنیه وسیع بسبك جدید احداث نمود . قبل از سلطنت او عده معدودی از ایرانیان برای کسب معلومات بخارجه مسافرت میکردند ولی درزمان او برنامهٔ اعزام محصل باروپا با هزینه دولت صورت اجرا یافته وهرسال صدها نفر از جوانان ایرانی برای تحصیلات عالیه باروپا اعزام شدند.

این بود شمه‌ای ازتغییرات واصلاحات اساسی ودامنه داری که پدرم درتمام امور مملکتی بعمل آورد وی پایه وبنیان محکمی برای اقداماتی‌که من بعداز وی انجام داده‌ام بجای نهاد . نیت من آن نیست که بگویم پدرم دردوران سلطنت خود هیچ اشتباهی نکرد زیرا بشر هرکه باشد از خطا وزلل برکنار نیست وهر زمامدار بزرك مخصوصاً اگر مانند پدرم مرد عمل واقدام هم باشد ناگزیر از بعضی اشتباهات مصون نخواهد بود مثلا بعضی از کسانی‌که پدرم را مورد احترام و قدرشناسی قرار میدادند احساس میکردند که درتوسعه وبهبود وضع کشاورزی آن توجهی را که بتقویت صنایع کشور مبذول میکرد نداشت. همچنین از زمان تاجگذاری خود باینطرف پدرم مجلس شورای ملی را دائماتحت سلطه‌خویش قرارداده بودهرچندهرگزبانحلال آن اقدام‌ننمود.

با وصف آن برای سنجش خدمات پدرم بکشور خود باید درنظر داشت‌که ایران آنروز با ایران کنونی تفاوت بسیار داشت واگر پدرم بتوسعه صنایع بیش از کشاورزی اهمیت میداد برای آن بودکه درایران آنروز از صنایع وکارخانه تقریباً اثری نبود در صورتیکه کشاورزان‌ما هزاران سال بامر زراعت اشتغال داشتند ونیز اگرپدرم از روش دموکراسی وپارلمانی استفاده نمیکرد بخاطر آن بود که عده رای‌دهندگان باسواد که برای دموکراسی حقیقی لازم است تا دستگاه تقنینیه مؤثر ومفیدی را بوجود آورند بسیار معدود بود درحقیقت پدرم با توسعه دُستگاه فرهنگی وتوجه بتعمیم سواد راه را برای نمو دموکراسی حقیقی صاف وهموار ساخت

همچنین باید بخاطر داشت‌که شخصیت پدرم بامن تفاوت بسیار داشت وطینت و سجایای ذاتی وی اورا برای خدماتی که مصمم بانجام آنها بود کاملا مجهز ساخته بود ولی آن طینت وسجایا برای اوضاع امروز مناسب نبود . قطع دارم که اگر من درآن ایام بجای پدرم بودم نمیتوانستم کارهائی را که اوکرد بهمان خوبی انجام دهم ولی شاید شخصیت من برای اوضاع ایران‌کنونی از شخصیت‌پدرم مناسب‌ترباشد.

درهر صورت باید اذعان کردکه اوضاع زمانه و نیازمندی های روزگار افراد را برای هردوره‌ای به تناسب همان دوره تربیت میکند هرچند آدمی تنها مولود و نتیجه اوضاع زمانه نیست وعوامل دیگرنیز

درحیات او مؤثر است. چنانکه در فصل آینده خواهم گفت محیطی که درآن نشوونما کرده‌ام بوسیله پدرم برای من ایجاد گشته و شخصیت وی قسمت مهمی ازآن محیط را تشکیل میداد با وصف آن نفوذ معنوی و عمیق ، سرشت ما دونفر یکسان نگردید . اگر من درهمانروز که پدرم بدنیا آمده بود چشم بدیدار آفرینش گشوده (یعنی با وی برادر توأ بودم) ودرهمان شرائط واوضاع زندگانی کرده بودم قطع‌دارم که باز شخصیت مادونفر بایکدیگر تفاوت های بسیار داشت . دراین‌جا باید گفت تصادف تاریخ درحیات ما دونفر سهمی بزرك داشته است. سرشت و ذات پدرم درآنروز برای خدمت بکشور ایران از من بهتربود چنانکه سرشت من با همه احترام وتحسینی‌که نسبت بپدرم دارم برای امروز ایران مناسب تر است وقطع دارم که اگر امروزحیات داشت این نکته را تصدیق میفرمود.

بهرحال پدرم ما را بجای فرار از تمدن جهانی که مآلا به‌گمنامی ایران منتهی میشد بجهان باختر و تمدن آن توجه داد واو بود که ایرانیان را بدورهٔ جدید حیات ملی راهبری نمود و انقلابی که پدرم ایجاد کرد سلطنت دوهزار وپانصد ساله شاهنشاهی ایران‌را بمسئولیت های تازه‌ای متوجه ساخت .

فصل سوم

دوران کودکی من

درتمام اقطارگیتی پدر در رشد اخلاقی وفکری پسر تاثیر دارد .
من نیز ازاین قاعده برکنار نبوده‌ام وپدرم بیش از هرعامل دیگر در
رشد اخلاقی من نفوذ داشته است   البته همانطورکه گفته وخواهم
گفت من هرگز آئینه تمام نمای اخلاق پدرم نشدم ولی وی درمن از
جهات بسیار نفوذ مثبت ومنفی داشت وازاین جهت باید این فصل
را با ذکر بعضی از خصوصیات اخلاقی وشخصی او آغاز کنم .

بدون تردید همه کس حتی دشمنان پدرم معترف بودند که وی دارای
شخصیت بسیار عجیب وخارق العاده‌ای بود . درعین اینکه ممکن بود
پدرم نمونه خوش خلق ترین مردم جهان محسوب شود میتوانست
رعب‌آورترین افراد گیتی بشمار آید وچه بسیار مردان قوی‌الاراده و
مقتدری بودندکه ازیك نگاه او لرزه براندامشان میافتاد دروی نیروئی
عجیب درتعیین ارزش طبایع مردم وجود داشت وبا یك برخورد نقاط
ضعف وقدرت ودرستی ونادرستی اشخاص را چنان تشخیص میدادکه
گوئی از چشمانش اشعه‌ای مرموز تا اعماق قلب دیگران نفوذ میکرد
وبهمین جهت بسیاری از اشخاص قدرت نگاه کردن مستقیم بچشمان
نافذوی را نداشتند. پدرم برخلاف تصور مردم مردی مهربان ورقیق‌القلب
بود ومخصوصاً نسبت بخانوادهٔ خود محبت ومهربانی فراوان داشت و
هنگامکه درمیان خانوادهٔ خود بسر میبرد سختگیری وتندی او بمهر
وموانست و محبت خاصی تبدیل میگشت مخصوصاً با منکه بولیعهدی
خود برگزیده بود با مهربانی و خوشروئی رفتار مینمود وحتی گاهی
با شفقت فراوان بامن بازی میکرد وبرایم آهسته آواز میخواند اماهرگز
بیاد ندارم که در حضور دیگران چنین رفتاری کرده باشد.

از صفات مشخصه او سادگی وبیزاری از تجمل بود. بسیاری از
مردمی‌که به نیروی شخصی بمقامی رسیده‌اند میخواهند بوسیله نمایش

ثروت مادی خویش دیگران را تحت تأثیر قرار دهند ازآن گذشته سلاطین مشرق بطور کلی درپی سادگی نبوده‌اند. اما پدرم باکمال سرافرازی از تجملات مسرفانهٔ سلاطین قاجاریه پرهیز میکرد ودرتمام دوره سلطنت خود اغلب لباس سادهٔ نظامی میپوشید جورابهای او بافت ایران واز نوع متوسط وچکمه هایش کوتاه وکارکرده بود و محتویات جیبش معمولا ازیك دستمال ویك قوطی سیگار نقره که درآن سیگار های ایرانی میگذاشت تجاوز نمیکرد ودر نظافت وپاکیزگی دقت ومراقبت مخصوص داشت .

غذای او بعلت کسالت معده همیشه ساده بود برای صبحانه‌فقط چای مینوشید واصلا از نان وپنیر وتخم مرغ ومیوه که صبخانه اغلب ایرانیهاست پرهیز داشت وشام ونهار جز برنج وجوجه آب پز چیزی نمیخورد ودر اوقات کار بفواصل معین و در استکان معمولی چای مینوشید. اثاثیه دفتر وی عبارت بود ازیك میز خاتم بسیار زیبائی‌که هنوز مورد استفاده من است ویك صندلی ویك نیمکت ویك تخته قالی ویك نقشهٔ مفصل کشور ایران . درمنزل معمولا روی تشکی که برزمین گسترده میشد استراحت میکرد وهیچگاه ازتختخواب استفاد نمینمود. چنانکه من هم بسیار مایلم که بهمین نهج تمدد اعصاب کنم. برنامهٔ روزانه اونیز بسیار ساده بود معمولا ساعت پنج صبح از خواب برمیخاست وپس ازاستحمام وتراشیدن ریش که بسرعت انجام میگرفت برای صرف صبحانه (اگر بشود آنرا صبحانه نامید) سرمیز میرفت ودر همان وقت اخبار وگزارشهای روزانه کشور را که تا آن ساعت تنظیم وارسال گردیده بود مطالعه میکرد ودرست سرساعت هفت ونیم بدفتر کار خود میرفت . ابتدا رئیس دفتر مخصوص وبعد افرادی راکه احضار کرده بود می پذیرفت . پس ازآن مذاکره با وزیران وسایر مامورین آغاز میشد وتا ساعت یازده ونیم ادامه داشت درآن ساعت ناهار میخورد وتقریباً ازساعت دوبعدازظهر باز بکار مشغول بود و معمولا عصرها را ببازرسی دوائر مخلف ارتش ویا بررسی طرحهای عمرانی واداری میپرداخت . جلسه هیأت وزیران اغلب بعداز ظهرها در حضور اوتشکیل میشد وازساعت شش تاهشت بگزارشهائی‌که درعرض روز رسیده بود رسیدگی میکرد وسر ساعت هشت شام میخورد وساعت ده

رسیده بود رسیدگی میکرد وسرساعت هشت‌شام میخورد و ساعت ده شب استراحت میکرد وچنانکه خود میگفت در رختخواب نیزبفکرتنظیم نقشه ها واجرای برنامه های مختلف بود وباین ترتیب میتوان گفت‌که وی هیچگاه بکلی بیکار نبود

از توجه به‌برنامه‌ای‌که ذکر آن‌رفت کاملا معلوم میشودکه یکی از صفات مشخص وبرجستهٔ پدرم رعایت نظم وترتیب ودقتی بود که درکلیه اموروداشت. خوب بخاطر دارم هنگامیکه برای ادامهٔ تحصیلات عزم اروپا شدم پدرم دستور داد که برنامه درس‌فارسی خود راکه زیر نظر معلم خود فرا میگرفتم همه هفته باطلاع وی برسانم تا ازپیشرفت کار من مستحضر باشد. اتفاقاً یکبار پست تأخیر داشت وپدرم بقدری ناراحت شده بودکه فوراً تلگرافی بمعلم من‌مخابره نموده واورا از این تأخیرسرزنش نمود

جز اوقاتی که با خانواده خود بسر میبرد وقت دیگری برای استراحت و تفریح نداشت و در عرض سال فقط یکی دوبار چند ساعتی بشکار میرفت ورزش مخصوص اوراه رفتن بود وبخوبی بخاطردارم که پیوسته در دفتر کار خود قدم میزد ویا پیاده ببازرسی سازمانهای لشگری وکشوری میپرداخت وعصرها نیزگاهی درباغ‌کاخ اختصاصی خود راه میرفت وعموماً اشخاص را در حال راه رفتن بحضور میپذیرفت واین اشخاص باید همانطور در دنبال وی قدم بزنند در اوقاتی که رضاشاه پیاده حرکت میکرد معمولا مشغول فکر بود .

پدرم در معتقدات مذهبی نیز بسادگی و دوری از تظاهر پای بست بود وچون گروهی از روحانیون را مورد تعقیب قرار داده بود عده‌ای تصور میکردندکه وی پای بند بمبانی مذهبی نیست در حالیکه این قضیه حقیقت ندارد حقیقت اینست که وی بهیچوجه مایل نبود روحانیت بسیاست آلوده شود و بهمین جهت روحانیون را شدیداً از دخالت در امور سیاسی منع می‌کرد و معتقد بودکه در غیر این صورت نخواهد توانست برنامه های اصلاحی خود را با سرعت و شدتی که لازمهٔ زمان بود بموقع اجرا بگذارد وبزمان طولانی تری نیازمیافتاد.

اما این امر دلیل آن نبود که وجود روحانیون را بیفایده بداند یا نسبت به معتقدات دینی بی‌اعتنا باشد ، بلکه برای روحانیون روشنفکر

و ترقی خواه احترام بسیار قائل بود ویکی از نشانه های بارز اعتقاد وایمان وی علاقه‌ای بودکه بحضرت ثامن‌الائمه امام رضا(ع) داشت و بهمین جهت بنام اصلی تمام پسران خود کلمهٔ « رضا » را هم اضافه‌کرده بود وهرگاه فرصتی دست میداد بزیارت مرقد امام هشتم علیه‌السلام میشتافت همچنین وقتی قلباً خواهان اجرای یك برنامهٔ اصلاحی بود نام پاك خداوند ویا یکی از ائمهٔ اطهار را برزبان جاری میکرد و از آنها استمداد میجست

هیچ‌کس باندازه پدرم بوطن خود ایمان نداشت واین ایمان بدرجهٔ عشق شدید رسیده بودوبهمین جهت صمیمانه معتقد بودکه تمدن ایران از تمام جهات بر تمدن جهان برتری دارد وگاهی ترقیات کشور های دیگر را نا چیز میشمرد ولی در عین حال از روش جدید تعلیم وتربیت استقبال میکرد هیچکس مثل او برای پیشرفت و پرورش اجتماعی ایران اهتمام نداشت ودر عین آنکه‌گذشتهٔ درخشان وپر افتخار وطن خودرا بدیدهٔ تکریم واعجاب مینگریست وبحفظ آداب وسنن باستانی علاقه شدید داشت معتقد بودکه برای حفظ تمامیت واستقلال و تأمین سعادت ملت بایدکشور ما بسرعت هر چه تمامتر مراحل ترقی وپیشرفت راکه جهان غرب پیموده است طی کند

بهمین جهت با اینکه کمتر بخارج از کشور مسافرت کرده بود پیوسته فکرش متوجه ایجاد کارخانه‌های جدید دستگاههای مولدبرق سدها وتأسیسات‌آبیاری ، خطوط‌آهن وراه های شوسه، ساختن شهرها وایجاد آرتشهای نیرومند بود

با آنکه سر چشمهٔ اطلاعات و معلومات پدرم درباره پیشرفت های علمی و صنعتی جهان امروزه درست معلوم نبود ولی همیشه از آخرین ترقیات صنعتی و اقتصادی و نظامی جهان‌آگاهی داشت. بایدگفت‌که این اطلاعات را در نتیجه علاقه شدید به مطالعه و ولعی‌که در استفسار وپرسش در موضوعات دقیق فنی داشت بدست میآورد

پدرم تنها مردی باپشتکار و هوشیار نبود بلکه سرعت انتقال او از حد معمول تجاوز میکرد او کمتر صحبت می کرد و بیشتر میاندیشید و هنگام صحبت جمله های کوتاه و پر معنا ادا می کرد . سخنان او مربوط بموضوع و متضمن حقایق و واقعیات بود وبا اینکه

بحساب دانش و فرهنك امروز تحصیلات مرتب نداشت ولی بطور شگفت آمیزی نکات حساس هر مسئله دشواری را اعم از اشکالات فنی راه‌اهن سرتاسری ایران یا امور مربوط بسیاست خارجی بسهولت درك میکرد. از سخنان اوعزم واراده وروشنی تصمیم تراوش میکرد و بخوبی معلوم بودکه بآنچه‌که میگوید اعتقاد و اعتماد دارد و بهمین جهت سخنانش‌که ازقلب‌وی‌برخاسته بودبدون‌استثنادرقلب شنوندگانش می‌نشست ومؤثر میافتاد

وی بر اعصاب خویش تسلط بسیار داشت وبر خلاف تصور بعضی از اشخاص در دوران سلطنت خود هرگز بواقعی خشمگین نمیشد و اگر گاهی حالت غضب بخود میگرفت برحسب لزوم ومبنی برمصلحتی بود ولی همواره اعصاب خود را در اختیار داشت

یکی دیگر از خصائص شگفت انگیز پدرم وقت شناسی اودرامور سیاسی بود ومانند سیاست مداران بزرك میدانست چه وقت کاری را آغاز ودرچه هنگام از اقدامی اجتناب کند ومیتوانست درظرف‌یکدقیقه تصمیم مهمی اتخاذ نماید و یا در صورت اقتضا دهسال برای اجرای تصمیمی صبرو حوصله داشته باشد. غالباً افکار ونظریات خودرا بخوبی در ذهن خویش مورد بررسی قرار میداد و اطراف وجوانب آنرا می‌سنجید و آنگاه آنرا بموقع اجرا می‌گذاشت و شگفت آنکه همیشه وقت‌مناسب را برای اجرای نظریات خود تشخیص میداد و در این تشخیص هرگز اشتباه نمیکرد

پدرم از حیث پشت‌کار و استقامت جسمی نیز برافراد عادی برتری داشت. چنانکه تمام نیروی خود را بیدریغ در تجدید تأسیسات‌مختلف مملکتی بکار میانداخت واز دیگران نیز همین‌کوشش را توقع داشت. کلیه سازمانهای دولتی را براساس جدیدی بنانهاد وانضباط عجیب‌وعلاقه وی بخدمت بی‌شائبه درکلیه سازمانهای‌کشور اثر عمیق داشت. شیوهٔ او چنان بودکه اغلب بدون خبر وبطورغیر مترقبه از مؤسسات کشوری بازدید میکرد واین بازدید ها را بیشتر دراول وقت اداری انجام میداد تابوضع حضوروغیاب‌کارمندان نیزنظارت‌کرده باشد وهرگاه‌کارمندی‌دیر بمحل خدمت خود حاضر میشد از نظر وی برکنار نمی‌ماند. مثلا روزی رضاشاه اندکی پس ازآغازوقت اداری بوزارت دارائی رفت ودستورداد

درهای‌آن وزارتخانه را ببندند. چندتن ازکارمندان و از جمله وزیر مسئول‌که دیر بسرکار خود رسیدند خودراپشت‌دربسته یافتند ودرنتیجه ازکاربرکنار شدند. این قضیه نمونه‌ای از مبارزات فراوانیست‌که پدرم برعلیه کاهلی وسستی ومسامحه درامور مداوماً بعمل می‌آورد.

رضاشاه نه تنها راه‌آهن را درایران ایجاد نمود بلکه ساعت خروج و ورود قطار ها را معین میکرد وتخطی از آن را جائز نمیشمرد در این‌باره عکسی از پدرم موجود است که هر وقت بدان مینگرم مسرور میشوم واین عکس دریکی ازقطار های مسافری در حالیکه بساعت خود نگاه میکندبرداشته شده است وآثار مسرت ورضایت درچهرهٔ پدرم مشهود است زیرا مشاهده میکند که قطار درست بموقع وسرساعت معین وارد ایستگاه میشود .

در تاریخ ایران جدید پدرم نخستین‌کسی است‌که وقت‌شناسی را بمردم تعلیم داد و اهمیت آنرا دائماً گوشزد مینمود در اصل تنبیه و تشویق پدرم بیشتر به جنبهٔ تنبیه متمایل بود تا به تشویق وپاداش،زیرا باعتقاد اوکسی‌که‌کار خود را خوب انجام میدهد بوظیفهٔ خویش رفتار کرده است برعکس اگر میدید کسی درانجام وظیفه قصوری‌کرده یا بنادرستی عملی را انجام داده است چنان رفتار میکردکه خاطی تمام عمر را در پشیمانی بسربرد . رویه پدرم درکارهائی‌که باید انجام‌میگرفت حاکی ازآگاهی او بطبیعت مردم خاورزمین وبراساس قدرت آمرانهٔ استواربود ولی‌درسالهای اخیرکه جامعه ما باصول دموکراسی آشناتر گشته است اتخاذ رویهٔ دیگری غیرازشیوه پدرم برای حاضرکردن‌افراد بانجام وظائف ثمرات نیکوتری ببارآورده است

برای تحریص مردم بجانفشانی وکوشش پدرم‌بنیروی اخلاقی ومعنوی خویش تکیه داشت و نتیجه این اتکاء هرگز منفی نبود زیرا ملت‌ایران از نظر همین احترامی که بپدرم داشت وترس از سخط وی از نقشه ها و هدفهای او پیروی می‌نمود.

در آغاز سلطنت پدرم مردم از روی عشق وعلاقه بوی مینگریستند ولی در اواخر دوره سلطنت چون برای پیشرفت امورمجبور بود بفشار واعمال قدرت متوسل شود این عشق وعلاقه بحس احترام وتسلیم‌مبدل گشت ودر هر حال در تمام دوران سلطنت خود در کلیه افراد ملت نفوذ

معنوی شگرف داشت

پدرم دراحیای افتخارات باستانی ومجد وعظمت دیرین وطن ما کوشش بسیار داشت وهمیشه از ملت خود میخواست که میهن خود را چنانکه شایسته افتخارات گذشته آنست سربلند نگاهدارند ودرراه تجدیدعظمت دیرین ایران باوی گام‌بردارند . وی بدون آنکه یك برنامه جامع‌عمرانی مانند برنامه فعلی هفت ساله دوم ویا برنامهٔ سوم‌که اینك درشرف تهیه است داشته باشد پیوسته پس از اتمام یك طرح اصلاحی به طرح دیگر میپرداخت ولحظه‌ای از کوشش باز نمیماند تا مجموع این کوشش های سریع‌بشکل‌یك نقشه معقول اصلاحات درآید باتصدیق باینکه درمیان اقدامات او بعضی از طرحها دقیق‌ترو مفیدتر بودو با تصدیق باینکه رویهٔ او برای تحریص ملت بانجام آن نقشه های اصلاحی خالی از خشونت نبود باید اذعان کردکه پدرم بنتایج شگرفی رسید ووقتی کارهای او و خدماتی راکه بکشور کرده است جمعا حساب میکنیم مشکل است تصور کنیم که دورهٔ سلطنت وی بیش ازشانزده سال نبوده ودر مدتی باین کوتاهی به پیشرفتهائیکه درفصل سابق بآنهااشاره‌کردم نائل آمده‌است.

از نظر اخلاق شخصی پدرم مرد شوخ طبعی بود هرچند کسانی که خاطراتی از دوران سلطنت وی‌دارند این‌نکته را تکذیب خواهندکرد. اما حقیقت همین است‌که‌گفته شد واودرمحافل خانوادگی مخصوصاً با خود من در نهایت سادگی و محبت شوخی میکرد وحتی خارج ازمحافل خانواده نیز اغلب خنده پرصدای اوبگوش میرسید وتصور میکنم‌آنچه بیشتر او را بخنده میانداخت رویه مضحك ودر عین حال پر از وقار ظاهری‌کسانی بودکه ازبرخورد باوی میخواستند برچهرهٔ حقیقت پرده‌ای افکنده باشند

چنانکه قبلا هم‌گفته شد پدرم درفهم افکار درونی مردم زبردستی داشت و از نگاه و وجنات قیافهٔ مردم بآنچه در ضمیرشان میگذشت پی‌میبرد وبآسانی فریب نمیخورد

هنگامیکه میدید بعضی از درباریان یاامورین دولت ریاو چاپلوسی میکنند بآنها میخندید واز این‌کار لذت میبرد بنظر من نفرت پدرم ازریا وتظاهردرباریان ومامورین‌آن عصرکه با مبالغه وعبارات میان‌تهی وقت ذیقیمت را تلف مینمودند وباطن امور را فدای ظاهر آراسته

میگردند بسیار واجب و ضروری بود ، زیرا در ایران جمله معروف «دروغ مصلحت آمیز به از راست فتنه انگیز است » بیش از حده‌ورد استفاده قرارگرفته بود و تحمل این رویه با آن صراحت لهجه وصدق گفتاری‌که داشت برای وی غیر ممکن بود و از همین جهت وقتی میدید اطرافیان میخواهند باز همان روش را دنبال کنند از خنده و تمسخر خودداری نداشت

پاره‌ای تصور میکنند که وی در نتیجه زندگی سربازی‌خودبه‌شوخی یا تفوه بکلمات خشن راغب بود ولی این تصور بکلی غلط است، زیرا من هرگز ازربان او اینگونه سخنان‌نشنیدم واصلاجز من با هیچکس بخوش دآبی نمی‌پرداخت وکسانی‌که پیش‌وی میآمدند یا چنان رعب‌دلشان را فرا میگرفت‌که بدنشان بلرزه میافتاد ویا نسبت بوی احساس احترام وتکریم داشتند ودر هردوصورت امکان ارتباط خصوصی ومجال لطیفه گوئی هرگزپیش نمیآمد واین رویه حتی درمورد دوستان‌دیرین ونزدیك وی تفاوت‌نمیکرد. یاد دارم با یکی از عموهایم‌که باوی بسیار نزدیك بود همین رفتار را داشت وشخصیت بارزووقارذاتی پدرم‌مانع هرگونه حرکت نامعقول وابرازکلمات وعبارات غیرمؤدب بود

بهمین جهت‌گاهی پیش خود فکر میکردم که پدرم قطعآ در نتیجه اتخاذ این روش همواره احساس تنهائی میکندولی بزودی متوجه شدم که تصور من صحیح نیست زیرا خصوصیات اخلاقی اوچنان‌بودکه‌کمتر احتیاج بروابط نزدیك ودوستانه با افراد داشت‌وآشنایان وی نیزهرگز جرئت اینکه خویشتن را باوی مأنوس جلوه دهند نداشتند. اوهمواره با افکارخود وکارهای مهمی‌که میخواست انجام دهد سرگرم بود وآنها را دوستان واقعی ویاران یکدل خویش میدانست. با وصف‌این درسالهای اخیر سلطنت‌که دائره مشاورین وندمای وی تنگترشده بود تنی چنداز دوستان نزدیك ویرا با جهان خارج مرتبط میساختند

تقریبآ پنج سال پیش رساله کوتاهی درباره خصوصیات پدرم نگاشته‌ام که بصورت‌کتاب بچند زبان زندهٔ دنیا چاپ ومنتشرگردیده است . در آن کتاب ضمن شرح اخلاق ورفتار پدرم نوشته بودم که «امیدوارم این شرح موجب شودکه ملت ایران و علاقمندان باین آب

وخاك خصوصاً طبقه جوان بمرد بزرگی که زندگانی خودرا بیدریغ وقف سعادت وپیشرفت ورفاه هموطنان خودکرده است اندیشیده وشیوه پسندیده اورا درعلاقه وخدمت بوطن ومردم سرمشق قرار دهند وانجام وظیفه را از او بیاموزند وبدانند که وظیفه مردی ومردانگی آنها اقتضا داردکه ترس وبیم را مقهور شهامت وپشتکار داشته وحق وحقیقت را جانشین نا درستی و باطل کنند از خصائل ناپسند و ذمائم اخلاقی بپرهیزند از تنبلی وتن‌آسائی شرمگین باشند وکار شرافتمندانه را هدف عالی ووسیله افتخار خود قرار دهند واین نکته رانیك دریابندکه «کار وخدمت بزرگترین زینت روحانی آدمی وموجب سرافرازی اوست.»
این بود شمه‌ای ازخصال بارز پدرم‌که درتربیت من تأثیری بسیار عمیق داشت وذکر آنها برای‌آن است‌که خوانندگان این‌سطور پیش ازآنکه ازدوران‌کودکی من سخنی برود ازعواملی‌که در روحیه من مؤثر بوده است تادرجه‌ای آگاهی پیداکنند .
من درچهارم آبان سال ۱۲۹۸ درخانه ای‌کوچك وساده دریکی ازمحلات قدیم طهران چشم بدنیاگشوده‌ام درآنموقع هنوز شهر تهران حصار داشت واطراف آنرا خندق خشکی فراگرفته بود راه ورود بشهر از دروازه های متعددی بودکه شب هابرای حفظ شهر ازماجرا جویان و دزدان مسلح بسته میشد واین دروازه‌ها را دردوران رهبری پدرم ازنظر علاقه ای‌که بعمران وآبادی ونوکردن ایران داشت خراب‌کردند
چون دیری نگذشت‌که خانواده من نقل مکان کردند خاطره روشن وواضحی ازآن خانه قدیمی درذهن من نمانده وتنها چیزی‌که از آن دوران‌کودکی بیاد دارم منظره دلفریب سلسله‌کوههای مرتفع البرز است‌که تهران‌را دربرگرفته وهمیشه بمن ذوق والهام بخشیده است
همچنین هروقت درروزهائی‌که آسمان صاف بود بشمال شرقی شهر نظر میانداختم قله شامخ وباعظمت دماوند را میدیدم واین قله بلندکه فرق آن همیشه ازبرف مستور است مایه‌گشادگی خاطر من بوده است. بعدها دریافتم‌که این‌کوه‌با ۵٦۷۱ مترارتفاع‌خودازقله «من‌بلان» بلندتر وتقریباً یك‌برابر ونیم قله معروف فوجی یاماست .
دیگر ازخاطرات نخستین دوران کودکی من قیافه مردانه وقامت

بلند پدر است که درآن هنگام وزیر جنگ بود وهرروز درساعت معین بادرشکه بمحل کار خود میرفت ومراجعت میکرد آنانکه به‌تشبیه و مضامین ادبی علاقه دارند باید بگویندکه درآن روزگارکه کوههای مرتفع‌احساسات مراتکان میدادندپدرم که درشرف تعهدمقام نخست‌وزیری وشاهنشاهی ایران‌بود باآن همت‌بلند درشرف برطرف‌کردن دشواریهای کوه مانندکشور بود

درایام‌کودکی بنیهٔ من ضعیف بود خوب بخاطر دارم‌که یکروز درحمام زمین خوردم وکاسه سرم بشدت بزمین اصابت‌کرد فراموش نمیکنم‌که نگاه نگران وحالت مضطرب «آقاهاشم» خدمتکار وفادارما که اخیراً درگذشت بیش ازدرد بدن درمن تأثیرکرد

جالب ترین خاطره دوران طفولیت من‌روزی است‌که پدرم بامراسم بسیار باشکوهی بعنوان «رضاشاه پهلوی» تاج شاهنشاهی برسرنهاد و من نیز بولایتعهدی برگزیده شدم. مراسم مجلل وبی نظیر تاجگذاری در تالار قصرگلستان وتخت طاوس باشکوه وتشریفات باستانی انجام گرفت وابهت وعظمت آن منظره درمن‌که درآن ایام شش‌سال بیش نداشتم تأثیر شگرف داشت

من تازمان ولیعهدی بامادر و برادران وخواهران خود زندگی میکردم ولی بعد ازتاجگذاری بدستور پدرم ازآن‌ها جداشدم وپدرم‌دستور دادکه تحت تربیت خاصی‌که آنرا «تربیت‌مردانه» نام مینهاد قرارگیرم و برای قبول مسئولیت بزرگ آینده آماده شوم درهمین موقع نام من دردبستان نظام ثبت شد ودر حقیقت این مدرسه بخاطر من وچهار برادر دیگرم تأسیس شد ومن درکلاسی‌که جمعاً بیست ویك نفر دانش‌آموز داشت وهمه آنها ازبین فرزندان مأموران دولتی وافسران ارتش باکمال دقت واحتیاط انتخاب شده بودند مشغول تحصیل شدم وبرادرانم که کوچکتر بودند بکلاس های پائین‌تر رفتند دانش آموزان این‌دبستان لباس نظامی میپوشیدند وبرنامه درسی بسیار دشواری داشتند وزندگانی کودکی من نیز طبعاً درمحیط نظامی یعنی در تحصیل وتمرین های سربازی میگذشت. گذشته ازتحصیلات دبستانی پدرم یك‌معلمه‌فرانسوی برای تعلیم زبان فرانسه ونظارت برامور زندگی‌داخلی من استخدام‌کرده بود درنتیجه مساعی این بانوکه بمناسبت ازدواج بایك ایرانی بانو

ارفع نامیده میشد زبان فرانسه رادرکمال روانی وسلاست مانندزبان مادری خود فراگرفتم و دریچه‌ای برای مشاهده افکار باختری دربرابر ذهن من گشوده گشت

این بانوکه من همواره خودرا رهین‌وی خواهم دانست درسال ۱۹۵۹ درپاریس درگذشت

بااینکه درایام طفولیت بنیه نیرومندی نداشتم ولی بسیار چابك وبانشاط بودم وکمتر آرام میگرفتم وپیوسته درحال دویدن وپریدن و بالارفتن ازدرخت وسایر بازیهای معمولی پسران بودم درزمان کودکی کشتی گرفتن که یکی‌ازورزشهای بزرگ کشور ماست بسیار مورد علاقه من بود وبخاطر دارم که روزی بعلت کشتی گرفتن بعداز غذا موردمؤاخذه قرار گرفتم زمستانها نیزازبرف بازی خسته‌نمیشدم وازجمله بازیهای دیگرمن دراین ایام بود که درمسیر جویبار های کاخ ییلاقی سعد آباد باکمك دوستان خود باگل وسنك سدبندی میکردیم وتقریباً میتوان گفت که‌آن سدها نمونه کوچکی بود از سدها وکارخانه های الکتریسیته که فشارآب قوه محرکه آنست وامروز درکشور درچندین نقطه ساخته شده است همچنین درمجاورت نهرها خانه‌های چوبی وآجری بنا مینمودم ویاباساختن پل وعمارات بادستگاه کوچك بازیچه که داشتم میپرداختم

دردبستان نظام روزی دوساعت مجال استراحت داشتم ولی تمام این مدت صرف جست وخیز وبازیهای کودکانه میشد وبا اینکه در ایران رسم است که کوچك و بزرك بعد ازظهر ها مدت مختصری استراحت میکنند .من باین عادت عمومی تمایلی نداشتم چنانکه هنوز هم بخواب بعداز ظهر علاقه ندارم و فراموش نمیکنم که در آن موقع بجای استراحت بعدازظهر باتفاق عده‌ای ازهمدرسان خود با شور وشعف فراوان وسرو صدای زیاد به بازیهای دسته جمعی میپرداختیم و خواب رااز چشم بزرگترها میگرفتیم

یکی ازبازیهای مورد علاقه من در آن موقع بازی «دزدوپلیس» بود وبرای این بازی نفرات خودرا بدودسته دزد وپلیس تقسیم میکردم درجریان این بازی جالب تمام انبارها وزیر زمینهای مرموز کاخ را زیرپا میگذاشتیم ولی باید اعتراف کرد که درآنموقع دستگاه کشف

جرائم ما بسیار ناقص و بدوی بود. هنگامیکه بسن بلوغ رسیدم بیشتر باسب سواری و شکار میپرداختم و آقای آتابای که در حال حاضر میرشکار سلطنتی است دراین ورزشها با من همراه بود. از ورزشهای جدید بهفوتبال وبکس نیزبسیار علاقه داشتم وبخاطردارم‌که مربی بکس من همیشه عینکی بچشم میزد وروزی درحین تمرین عینکش ازچشمش افتادکه من‌آنرا ازژمین برداشتم وباو ردکردم‌که برچشم نهاد وباردیگر بتمرین ادامه دادیم بازی دیگرمن ودوستانم درآنموقع چوگان بازی با دوچرخه بودکه فوق‌العاده جالب توجه وهیجان انگیز بنظر میرسیدوتا آنجاکه اطلاع دارم اولین چوگان بازان دوچرخه سوار ایران بودیم ظاهراً با اینکه برحسب عادت ولیعهد باید تاحدی متکبر باشد و با افراد عادی نیامیزد ولی تا آنجاکه بخاطر دارم من در دوران ولیعهدی چنین صفاتی نداشتم وامیدوارم‌که درحال حاضرنیزچنین نباشم‌درآنموقع دوست صمیمی من پسری بود بنام حسین فردوست‌که پدرش ستوان ارتش بود حسین دردوران تحصیل درسویس هم بامن همدرس بود وبعدبا درجه‌سرهنگی سمت‌استادی دانشکده افسری‌را عهده‌داری میکرد و فعلا درگارد شاهنشاهی مشغول انجام وظیفه است

دردوران ولیعهدی همه روزه پدرم یکی دوساعت ازوقت خودرا با من میگذراند وازسن‌نه سالگی ناهاررا هم با اوصرف‌میکردم . منظوراوازاین برنامه منظم آن بودکه شخصاً ازوضع من باخبرشود ومن از جریان اوضاع‌کشور آگاه گردم .کمی بعدازتاجگذاری پدرم دچاربیماری حصبه شدم وچند هفته بامرك دست بگریبان بودم واین بیماری موجب ملال ورنج شدید پدرمهربانم شده بود. درطی این بیماری سخت، پابدایره عوالم روحانی خاصی گذاشتم‌که تاامروز آنرا افشاء نکرده‌ام. دریکی از شبهای بحرانی کسالتم مولای متقیان علی‌علیه‌السلام را بخواب دیدم درحالیکه شمشیر معروف خود ذوالفقار را دردامن داشت ودرکنار من نشسته ودر دست مبارکش جامی بود وبمن امرفرمود که مایعی راکه در جام بود بنوشم من نیزاطاعت‌کردم وفردای آنروز تبم قطع شد وحالم بسرعت رو به بهبودی رفت. درآنموقع با آنکه بیش ازهفت سال‌نداشتم

با خود می اندیشیدم که بین آن رؤیا و بهبودی سریع من ممکن است ارتباطی نباشد ولی در طی همان سال دو واقعه دیگر برای من رخ داد که در حیات معنوی من تاثیری بسیار عمیق بر جای نهاد

درنوران کودکی تقریباً هرتابستان همراه خانواده خود باامامزاده داوه که یکی از نقاط منزه وخوش آب وهوای دامنه البرز است میرفتم برای رسیدن به آن محل ناچار بودیم که راه پرپیچ وخم و سراشیب‌را پیاده ویا با اسب طی کنیم . دریکی ازاین سفرها که من جلوزین اسب یکی از خویشاوندان خودکه سمت افسری داشت نشسته بودم ناگهان پای اسب لغزید وهردو ازاسب بزیر افتادیم . من‌که سبکتر بودم با سر بشدت روی سنگ سخت وناهمواری پرت‌شدم وازحال رفتم. هنگامی که بخود آمدم همراهان من ازاینکه هیچگونه صدمه‌ای ندیده بودم فوق العاده تعجب میکردند ناچار برای آنها فاش کردم‌که درحین فروافتادن ازاسب حضرت‌ابوالفضل علیه‌السلام فرزند برومند علی علیه‌السلام ظاهر شده ومرا در هنگام سقوط گرفت واز مصدوم شدن مصون داشت. وقتیکه این حادثه روی داد پدرم حضور نداشت ولی هنگامیکه ماجرا را برای اونقل کردم حکایت مرا جدی تلقی‌نکرد ومن نیز با توجه بروحیه وی نخواستم با او بجدل برخیزم ولی خود هرگز کوچکترین تردیدی در واقعیت امررویت حضرت‌عباس‌بن‌علی(ع) نداشتم سومین واقعه‌ای‌که توجه مرا به عالم معنی بیش ازپیش جلب نمود روزی روی داد که بامربی خود درحوالی کاخ سلطنتی سعدآباد درکوچه‌ای‌که باسنك مفروش بود قدم میزدم . در آن هنگام ناگهان مردی را با چهره ملکوتی دیدم‌که برگرد عارضش هاله‌ای ازنور مانند صورتی‌که نقاشان غرب ازعیسی‌بن مریم میسازند نمایان بود . درآن حین بمن الهام شدکه با خاتم ائمه اطهار حضرت امام قائم روبرو هستم . مواجهه من باامام آخر زمان چند لحظه بیشتر بطول نیانجامید که ازنظر ناپدید شد. ومرا دربهت وحیرت گذاشت . درآنموقع مشتاقانه ازمربی خود سئوال کردم اورا دیدی ؟

مربی من متحیرانه جواب داد — «چه کسی را دیدم ؟ اینجا که کسی نیست !» اما من اینقدر بحقیقت واصالت آنچه که دیده بودم

اطمینان داشتم که جواب مربی سالخورده من کوچکترین تاثیری در اعتقاد من نداشت امروزکه این ماجرا را بیان میکنم شاید بعضی افراد خصوصاً غربی ها تصور کنند که من خیالبافی میکنم یا آنچه دیدمام یك حالت ساده روانی بوده است ، ولی باید بخاطر داشت‌که ایمان بعالم روح وتجلیاتی‌که بحساب ماده در نمیآید از خصائص مردم مشرق زمین است وچنانکه بعدها دریافتم بسیاری ازمردم باختر نیز همین ایمان واعتقاد را دارند وانگهی من درآن موقع هیچگونه دلیلی برای جعل این موضوع وبیان آن برای مربی خود نداشتم وامروز نیز انتفاعی از لاف زدن دراین قبیل مسائل نمیبرم وجز عده معدودی از نزدیکان من کسی تاکنون ازاین جریان مستحضر نبوده است وحتی پدرم که همیشه خودرا باو بسیار نزدیك وصمیمی میدانستم هرگز ازاین موضوع کوچکترین اطلاعی پیدا نکرد .

پس ازاین واقعه باوجود اینکه به بیماریهای سخت از قبیل سیاه سرفه دیفتری وچند مرض شدید دیگر مبتلا شدم هرگز مکاشفه دیگری برای من پیش نیامد. چنانکه درهشت سالگی مبتلا به‌بیماری جان فرسای مالاریا شدم وبا نبودن وسایل مداوای امروزی ازاین بیماری بسختی نجات یافتم ولی درطی هیچیك ازاین بیماریها رویائی مانندآنچه نقل کردم نداشتم

بهرحال ازسن شش یاهفت سالگی اعتقاد وایمان مداوم پیدا کردم که خدای بزرك مـرا پیوسته درکنف حمایت خود قرار داده و خواهد داد . ایمان باین امر رضایت قلب واطمینان خاطر خاصی برای من‌فراهم آورده است وازهمین جهت گاهی که اراده خودرا دربرابراراده باریتعالی می سنجم سخت نگران میشوم ومتحیرم که آیا اراده من مقهور است‌یا مختار وهرگاه مشیت ازلی ونیروی الهی درحفظ وحراست من است‌پس ناگزیر این مشیت مبتنی برعلت ومصلحتی است . شاید این قبیل اعتقادات در نظرکسانی‌که خود را رند وصاحب نظر میدانند چندان‌مطبوع نباشد ولی بنظر من خداوند بزرك درمخاطرات وبلایا حافظ وناصر من بوده ومرا بوحدانیت وعدالت خود مؤمن ساخته است وباین نکته مسلم سایر ملل راقیه نیز معترفند چنانکه انگلیسها ازبیان شعار معروف «خدا نگهدار شاه باشد» عار ندارند وامریکائیها عبارت «مابخدا ایمان

داریم» را برروی مسکوکات خود ضرب ونقش نموده‌اند.

مدتها پس ازاین وقایع دوران کودکی ، چهار حادثه دیگر برای من روی داد که هریك درحد خود حائز کمال اهمیت بوده و موجب شده است که ایمان وتوجه بی شائبه‌ای‌که در دوران کودکی بمبداء حقیقی داشته‌ام ادامه یافته وروز بروز مستحکمتر گردد اولین حادثه هنگامی روی دادکه برای بازدید سدی‌که تازه درشرف احداث بود بکوهرنك درحوالی اصفهان رفته بودم وهنگام مراجعت باتفاق یکی از امرای ارتش که سمت فرماندهی لشگر آن ناحیه را داشت بهواپیمای کوچك واختصاصی خودکه روی باریکه مسطحی قرار داشت سوارشدم وچون پروانه خلبانی دارم واز راندن هواپیمای شخصی خود ویا هر هواپیمای دیگر خوشم میاید شخصاً پشت فرمان نشستم . این هواپیما ازنوع یك موتوره سبك بود وپس از ده دقیقه پرواز ناگهان موتورآن خاموش گردید ومجبور بودم که اجباراً دریك ناحیه کوهستانی دردرهای سنگلاخ فرود آیم هرکس از فن خلبانی اطلاع داشته باشد میداندکه دراین موارد وقتی‌که کاسته شدن سرعت هواپیما ازحد معینی تجاوزکند هواپیما بدور خود میچرخد چون موتور خاموش بود ونمیتوانستم دریك چنین دره تنگی هواپیما را طوری بگردانم که بطور عادی فرودآید ناچار سعی کردم سرعت هواپیما را تا حدی حفظ کرده وهمانجا بزمین سقوط نمایم بنابراین پیش ازآنکه هواپیما بزمین برسد دسته آنرا کشیدم تا دماغه هواپیما روبالا رفته وسرآن بتخته سنگی که مستقیماً درجلو ما قرار گرفته بود اصابت نکند سرعت هواپیما آنقدر کاهش یافته بود که فرضاً اگر ازآن تخته سنك هم میگذشتیم ممکن نبود که ازسنك بزرگتری که پشت آن قرار داشت بگذریم . همینکه هواپیما بسنك اولی اصابت کرد چرخهای آن ازجا کنده شد وهمین امر هم موجب کاهش بیشتر سرعت هواپیما شد وبدنه آن روی زمین سنگلاخ بنای لغزیدن نهاد ولحظه بعد ملخ هواپیما بسنك صاف بزرگی برخورد و هواپیما روی زمین معلق زد وپشت بزمین وروبهوا متوقف گردید ولی ما بطور اعجاز آمیزی بدون کوچکترین صدمه درحالیکه باکمربندهای خودوارونه درجایگاه بازخلبان قرار داشتیم نجات یافتیم واین امر بقدری غیرمترقبه وباور نکردنی ودر عین حال جالب بودکه بی اختیار خنده‌ام گرفت ولی

افسر همراه من درحالی بودکه بهیچوجه نمیتوانست این واقعه را موجب خنده بداند .
باید دید که این واقعه ازحسن اتفاق وسازگاری بخت بود یا نیروی نامرئی دیگری این بخت وحسن اتفاق را بوجود آورده بود ؟
شاید خواننده این یادداشتها بهتر ازمن بتواند دراین باره قضاوت نماید ضمناً بد نیست اضافه کنم‌که ساختمان سد کوهرنك امروز تمام شده وزمینهای مزروعی آن نواحی را آبیاری میکند.
دومین واقعه رهائی استان زرخیز آذربایجان از تسلط اجانب بود. شرح این واقعه عجیب ونجات این استانرا که به تاییدات الهی وحس ناسیونالیزم ایرانی انجام یافت در فصل دیگری بتفصیل بیان خواهم کرد .
سومین واقعه عجیب وتلخ دوران سلطنتم دربهمن ۱۳۲۷ هنگامیکه در جشن سالیانه تاسیس دانشگاه شرکت میکردم روی داد. درآن روز لباس نظامی برتن داشتم وهنگامیکه از اتومبیل پیاده شده ودر شرف ورود بدانشکده حقوق ومحل انعقاد جشن بودم ناگهان صدای شلیك گلوله بگوش رسید وتیرهائی به جانب من شلیك شد . با اینکه بظاهر عجیب جلوه میکند ولی سه گلوله بکلاه نظامی من اصابت کرد وآسیبی به سرمن وارد نیامد ولی گلوله چهارم ازسمت راست گونه وارد وازلب بالائی وزیربینی من خارج گردید
شخصی‌که نسبت بمن سوء قصد کرده وبعنوان عکاسی به‌آن محل راه یافته بود دومتر بیشتر بامن فاصله نداشت ولوله طپانچه خودرا بسینه من قراول رفته بود. من واو هردو در روبروی هم قرار گرفته بودیم وکسی نزدیك ما نبود که بین ما حائل باشد وازاینرو میدانستم هیچ مانعی برای اینکه تیرش بهدف برسد درپیش نداشت . عکس‌العملی که درآن لحظه فراموش نشدنی از خود نشان دادم هنوز درخاطرم‌است فکر کردم که خودرا بروی او بیاندازم ولی فوراً متوجه شدم‌که اگر بطرف او جستن کنم نشانه گیری اورا آسان خواهم کرد واگر فرارکنم از پشت سر هدف قرار خواهم گرفت . ناچار فوراً شروع بیك سلسله حرکات مارپیچی کردم تا مطابق یك تاکتیك نظامی طرف را درهدف‌گیری گمراه کنم ضارب مجدداً گلوله دیگری شلیك نمود که شانه مرا

زخمی کرد آخرین گلوله در لوله طپانچه اوگیرکرد و خارج نشد و من احساس کردم‌که دیگر خطری متوجه من نیست وزنده‌ام ضارب با غضب بسیار اسلحه را برزمین زد و خواست فرار کند ولی ازطرف افسران واطرافیان من محاصره شد ومتاسفانه بقتل رسید و محرکین اصلی او درست معلوم نشدند بعداً معلوم شد که وی با بعضی از متعصبین دینی رابطه داشته ودر عین حال نشانه هائی از تماس او با حزب منحله توده بدست آمد. نکته جالب آنکه معشوقه او دختر باغبان سفارت انگلیس درتهران بود .

خون اززخمهای من مانند فواره می‌جست ولی بخاطر دارم که درهمان حالت میل داشتم بانجام مراسم آنروز بپردازم ولی ملتزمین من مانع شدند ومرا به بیمارستان بردند ودر آنجا به بستن زخمهایم پرداختند. چندی بعد لباس نظامی آغشته بخون من در باشگاه افسران تهرا بمعرض نمایش گذاشته شد وهنوز کسانی که بباشگاه میروند آنرا پیش چشم خود خواهند دید

این حادثه نیز ایمان مرا بمبداء حقیقی وحمایت ذات بیچون احدیت قویتر ساخت وپیوند ناگسستنی مرا با خدای بزرك مستحکمتر نمود.

قضیه چهارم که شرح آن دراین کتاب مندرج است معجزه بیست‌و هشتم مرداد سال ۱۳۳۲ بود که ایران را از چنگال مصدق رهائی داد. دکتر مصدق مردی بودکه امکان داشت رهبر سیاسی خوبی باشد ولی در اواخر حکومتش اسیر افکار افراطی‌خود وعده‌ای آزاطرافیان وتلقینات غیر مستقیم یك دولت خارجی قرار گرفته بود.

اعتقاد قطعی من اینست‌که سرنگون کردن دستگاه مصدق کار مردم عادی کشور من بود که دردلشان بارقه مشیت یزدانی میدرخشید

برمن مسلم است‌که کارهائی که دردوران سلطنتم کرده‌ام بیاری و اعانت یك نیروی نامرئی انجام گرفته است من دراظهار ایمان و اعتقاد قلبی خویش بمبادی دین خجلت نمیبرم ولی نباید تصور کرد که من میخواهم ازاین رهگذر خدای نخواسته مدعی شوم که فرستاده یا وسیله اجرای اوامر خداوند هستم ومیل دارم این نکته را بطور صریح وآشکار بگویم که برای خود چنین سمتی را قائل نیستم

از اوان کودکی دانسته‌ام که دست تقدیر مرا بسرپرستی یك کشور باستانی و دارای تمدن که مورد ستایش من است خواهدگماشت وباید دربهبود و وضع مردم کشور و مخصوصاً طبقه معمولی کوشش کنم مقدس کمك خوهد نمود وآنقدر خودبین نیستم که تصورکنم هرپیشرفتی احساس میکنم که ایمان واقعی من بخداوند مرا در انجام این منظور که دراین راه نصیب من گردد جز بیاری خداوند یگانه میسر تواند بود.

فصل چهارم
تعليم و تربيت شاه

چون پدرم مصمم بودکه اصول ترقی وتعالی دنیای غرب را درایران بکار اندازد بنابراین وقتی مرا باروپا فرستاد کسی ابراز تعجب نکره زیرا همه میدانستند که وی میخواست ولیعهد خودرا با تمدن‌مغرب‌زمین بیشتر آشنا ساخته وسر موفقیت ملل باختری را بروی آشکار سازد.

برای انتخاب کشوری‌که باید درآن به‌تحصیل اشتغال ورزم پدرم مدتها اندیشه و تامل داشت زیرا در عین آنکه آثار تمدن وترقی و تعالی غرب رابدیده تحسین مینگریست بطورکلی به‌بیگانگان اعتقاد و اطمینان نداشت وبالاخره پس از مدتها مطالعه تصمیم گرفت مرا بسویس بفرستد. بنظر من این انتخاب ازآن جهت بعمل آمد که پدرم میخواست تحصیلات من درکشوری انجام گیردکه از رنگها وتعلقات سیاسی برکنار باشد وچون سویس کشور کوچکی بود که همیشه درکشمکش های سیاسی اروپا جنبه بیطرفی را رعایت میکرد آن کشور برسایر نقاط ترجیح داشت ، ومشاورین وی محیط کشور سویس را برای کسی‌که جداً درپی تحصیل باشد مناسب تشخیص دادند.

من درماه اردیبهشت سال ۱۳۱۰ از دبستان نظام فارغ التحصیل ودر شهریور همان سال پس از گذرانیدن تعطیلات تابستانی آماده عزیمت بسویس شدم بامر پدرم یکی از پزشکان معروف بنام دکتر مؤدب نفیسی که درکودکی بیشتر بیماریهای سخت مرا معالجه ومداوا کرده بود بعنوان سرپرست وطبیب مخصوص من تعیین شد ومقررگردید که کلیه امور تحصیلی وشخصی من درسویس زیرنظر و بمسئولیت او اداره شود

آقای مستشار هم که قبلا معلم ادبیات فارسی من بود مقررشد با

من بسویس بیاید تا درآنجا نیز درس فارسی من ادامه یابد. ضمناً بصلاحدید پدرم قرار شد برادر و دو نفر از دوستان دبستان نظام نیز با من همراه باشند . انتخاب این دودوست بخود من واگزار شد ومنهم اول حسین فردوست(که قبلاهم ازاو نام برده‌ام) وبعد مهرپورتیمورتاش فرزند وزیر دربار پدرم را پیشنهاد کردم وپس ازآنکه مورد قبول قرار گرفت باتفاق آنها عزیمت نمودم (اما چند سال بعد چون وزیر دربار مورد بی مهری شدید پدرم قرار گرفت مهرپور اجباراً بوطن بازگشت)

دربندر پهلوی با پدر ومادر ودیگر اعضای خانواده‌ام که بمشایعت من آمده بودند وداع کردم وباتفاق دکتر نفیسی و آقای مستشار و برادرم و دوتن از دوستان فوق الذکر وارد کشتی شدیم وبطرف بادکوبه حرکت کردیم وبعد از عبور از لهستان وآلمان بسویس و شهر ژنو رسیدیم . لازم بذکر نیست که این سفر برای ما چهار جوان که تا آنوقت هنوز از موطن آسیائی خود بیرون نرفته بودیم بسیار جالب توجه بود درژنو مدت دوهفته در کنسولگری ایران اقامت کردیم وسپس در لوزان بیك مدرسه خصوصی وارد شدیم . درلوزان من وبرادرم دریك خانواده سویسی زندگی میکردیم . رئیس این خانواده مردی بود باسم آقای مرسیه که سه پسر ودو دختر داشت و من از اقامت و زندگی دربین این خانواده مهربان بسیار لذت میبردم دوستان ایرانی من درمدرسه بطور شبانه روزی بسر میبردند وبا ما زندگی نمیکردند یکسال از اقامت ما دربین این خانواده گذشته بودکه بصلاحدید سرپرست ودستور پدرم بیك مدرسه شبانه روزی بنام (له‌روزه) که بین لوزان وژنو قرار داشت منتقل شدیم وعلت این انتقال آن بود که پدرم میخواست تحصیلات من بشکل عادی ومنظم صورت گیرد واز نظر انضباطی که درمدرسه شبانه روزی وجود داشت برخوردارباشم. مدرسه سابق‌که روزانه بود تقریباً ۱۵۰ محصل پسر ودختر داشت ولی مدرسه اخیر یك برابر ونیم آن دانش آموزپسر داشت ودخترهارا نمی‌پذیرفت ضمناً ترتیبی داده شدکه چهاربرادر دیگر من نیزسال بعد دراین مدرسه تحصیل کنند

اقامت چهارساله من درسویس یکی از مهمترین ادوار زندگی من بوده است ومحیط دموکراسی وکاملا غربی‌سویس درروحیات و اخلاق

من پس از نفوذ معنوی پدرم بیش ازهمه تأثیر داشته است

پرورش سریع جسمی من دراین‌کشور موجب حیرت خودم و دیگران شده بود ، زیرا چنانکه قبلا اشاره کردم دردوران کودکی مزاجاً قوی نبودم ولی درسویس بسرعت رشدکردم وعضلات من قوت یافت دررشته های مختلف ورزشی مانند پرتاب دیسك ، پرتاب نیزه پرش ارتفاع، پرش طول ودو صد متر مقام قهرمانی یافتم وباخذ جوایز ورزشی نائل آمدم ودر فوتبال وتنیس هم بسمت رئیس دسته مدرسه برگزیده شدم ودر این دوره بودکه بارزش واهمیت ورزش درتعلیم و تربیت جوانان وقوف کامل یافتم

گمان‌نمیکنم این رشد جسمی دراثر برنامه غذائی‌مدرسه بود زیرا درایران نیز معلمه فرانسوی من مرا باغذاهای فرانسوی عادت داده بود وبا برنامه غذائی ما درسویس چندان تفاوتی نداشت شك نیست‌که هوای سویس سالم وفرح بخش است ولی‌هوای تهران نیزمانند سویس است بنظر من رشد جسمی من باید بارشد فکری من‌که دراین‌محیط تازه پیدا شده بود مربوط باشد

درتهران همیشه دردرس های خود نمره‌های بسیار عالی میگرفتم وواقعاً نمیدانم‌که درآنموقع این نمره ها رااز نظر لیاقت شخصی و استحقاق دریافت میداشتم یاموقعیت ومقام من درنمره گذاری تأثیر داشت ، ولی درسویس‌که موقعیت اجتماعی افراد چندان تأثیری دروضع نمرات تحصیلی آنها ندارد نیز نمره های عالی میگرفتم وفقط دردرس هندسه‌که مورد علاقه من نبود نمره خوب نداشتم وخودم هم نمیدانم چرا بهندسه مسطحه اینقدر بیعلاقه بودم درحالیکه به جبر و مقابله مثلثات وهندسه تحلیلی وعلوم طبیعی مانند فیزیك وشیمی دلبستگی داشتم بهرحال دربیشتر ازرشته های درسی نمرات ممتازی یافته وباخذ جوایزی نائل آمدم تاریخ وجغرافیا وعلوم طبیعی از جمله رشته های بسیار جالب ودلنشین درسی من بودند درزبان فرانسه نیز بسیار خوب پیشرفت کرده بودم واز مطالعه ادبیات فرانسه لذت بسیار میبردم

معلمین این مدرسه درکار خود بسیار زبردست بودند ولی هیچیك ازآنها نفوذ مخصوصی درروحیه من نداشته واز دوستان مخصوص من

نبوده اند وباید گفت که ازبرخی ازآنها نیز میترسیدیم محصلین مدرسه برای من ازنظر شخصیت خودم ونه از نظر موقعیت و مقام ارزشی خاصی قائل بودند واین امر درروحیه من بسیار مؤثر بود بخاطردارم که اطاق من پیوسته مرکز اجتماع محصلین بود ودرهمان موقع بود که ارزش معاشرت بیریا وآزادانه راکه از خصائص دموکراسی غربی است دریافتم وهمین آزمایش مرا برای دقت وکوشش درتحصیل تشویق میکرد درمطالعه یابازی وورزش ویا درانتخاب رفیق براز آزادی توأم با انضباط آشنا شدم و بخوبی دریافتم که انضباط بدون آزادی دموکراسی موجد دیکتاتوری است ودموکراسی بدون انضباط موجب هرج ومرج وبی نظمی است

باوصف این حال زندگی من در مدرسه ازسایر محصلین مجزا وبیشتر ازآنها مورد مراقبت بود زیرا اولا مواد درسی من سنگین تر از آنها بود وگذشته از برنامه معمولی مدرسه آقای مستشار برای من برنامه مفصلی درادبیات فارسی داشت واین برنامه بامر ودستور پدرم بودکه بتحصیلات من درزبان وادبیات فارسی اهمیت بسیار میداد ازطرف دیگر سرپرست من دکتر نفیسی در رفتار وکردار وفعالیتهای من نظارت شدید داشت دکتر نفیسی امروزه درقید حیات نیست ومن تاکنون ندانسته ام که این سختگیری ونظارت شدید اودررفتار من ناشی ازاوامر مستقیم پدرم بود یابعلت علاقه شدیدی بودکه آن مرحوم بمواظبت و تربیت من داشت بهرحال وضع من مانند یك زندانی بود وجز در مواقع خاص آنهم بمعیت سرپرست خود اجازه نداشتم ازمحیط مدرسه خارج شوم

مواقعی که دوستانم وقت آنرا داشتند باشادمانی بسیار برای گردش بشهر میرفتند ولی من اجازه نداشتم که باآنها همراهی کنم در ایام تعطیلات عید میلاد وسال جدید کلیه دوستان بانهایت خوشدلی و آزادی بمجالس شب نشینی ورقص میرفتندوسال جدید راجشن میگرفتند ومن تنها دراطاق خودبسرمیبردم. تنها وسیله سرگرمی من دراین مواقع یك رادیو ویك گرامافون بودکه باآنهمه وسایل تفریح وخوشگذرانی که دوستانم دراختیار داشتند قابل مقایسه نبود بنظرمن این رویه صحیح نبودواگرخود دارای پسری بشوم حتماً اورابدین ترتیب تربیت نخواهم

کرد بهرصورت خیال میکنم دوری وکناره گیری اجباری ازتفریح و خوشگذرانی مرا خیلی جدی وشاید بیش ازحد جدی ساخته باشد و امروز نیز آثار آن عزلت در روحیه من باقیمانده است من درمقابل حوادث وخطرات وسایر مواقع آرام وملایم هستم وکمتر اختیار اعصاب خودرا ازدست میدهم وبنظر خودم ازخوش طبعی بی‌بهره نیستم ولی دربروزاین خصلت ازسایرمردم معتدلتروآرامترم

من ازشوخی بجا ومناسب وکاریکاتورهای سیاسی وغیر آن لذت میبرم ازگفتگو باشخاص عادی وطبقات معمولی احساس مسرت و خرسندی میکنم وکودکان مورد علاقه فراوان منندوازبازدیددبستان ها و سخن گفتن با اطفال خرد سالی که نسبت بمن رفتار ساده وبی‌پیرایه دارند لذت می‌برم

هنگام اقامت خود در سویس اغلب درباره مسئولیتهای آینده‌خود می‌اندیشیدم. بین‌من وپدرم هرهفته ارتباط مکاتباتی برقراربودولی‌بمادر وبرادران و خواهرانم کمتر کاغذ مینوشتم تصور میکنم‌که آرزوی قلبی من‌دراینکه درآینده خردمندانه سلطنت‌کنم مرا وادار ساخت‌که در امر تحصیل ومطالعه وکسب دانش وفضیلت بیش ازآنچه ازجوان محصل انتظارمیرودکوشش وجدیت داشته باشم وبواسطهٔ همین آرزودر انتخاب مواد درسی دقت‌فراوان داشتم وتشخیص دادم‌که تحصیل‌رشته‌های علوم طبیعی مرا برای فهم مسائل دشوار صنعتی که برنامه توسعه منابع طبیعی‌کشور درپیش خواهد آوردآماده خواهد ساخت

در فصل پیش راجع به پرورش روح و معتقدات دینی خود سخن رانده‌ام در دوران توقف در اروپا در مدت دو سال اول‌که با محیط جدید آشنا میشدم مجال تفکر درباره عقاید مذهبی خود نداشتم دیری نگذشت‌که این مسائل بیش از پیش مورد توجه وعلاقه من قرار گرفت وباداي فرائض یومیه پرداختم ودر طی سه سال آخر اقامتم در سویس این فریضه وراز ونیاز بدرگاه باریتعالی را با خلوص نیت وتوجه قلبی انجام میدادم زیرا عزمم آن بودکه وقتی بسلطنت رسیدم درکلیه امور چراغ ایمان را فرا راه خویش قرار دهم .

در آن موقع نسبت بسیاست و اصولی‌که میخواستم پس‌از رسیدن بمقام سلطنت اتخاذ کنم اندیشه میکردم. علاقه‌من نسبت بمردم عادی

کشور و مخصوصاً طبقه‌کشاورز ایران در همانموقع مشهود بود ودرآن ایام صباوت فکری برای من پیش‌آمده بودکه وقتی بسلطنت برسم‌مدت دو یاسه سال‌کشاورزان املاك سلطنتی را از پرداخت سهمی‌که ازدسترنج خودباید بدهند معاف وطوری‌کنم که هر خانواده دهقان مبلغی اندوخته پیداکنند وبتوانند برای خویش خانه و وسائل‌کشاورزی فراهم بسازند ویا بکارهای لازمی که بدون داشتن سرمایه برای وی صورت‌پذیرنیست اقدام‌کنند. نتیجه این فکر ایام جوانی نقشه‌کنونی تقسیم املاك سلطنتی میان کشاورزان است که در فصل دیگر بتفصیل بشرح آن خواهم پرداخت

فکر دیگری که درآن روزها در ذهن من میگذشت آن بودکه در زمان سلطنت یك صندوق شکایت عمومی ترتیب‌دهم تاهرکس تظلمی‌دارد بدون آنکه درکیفیت آن اندیشه کند بدان وسیله دادخواهی نماید و این صندوق ها زیر نظر مستقیم خودم باشد تا از حوائج ومستدعات و نگرانیهای افراد ملت‌آگاه گردم وبنظرمن آنچه مرا باین فکر متوجه ساخت همان داستان زنگ عدالت نوشیروان است‌که در فصل سابق‌ذکر آن رفته است

هنگامیکه دوره سلطنت من آغاز گردید آن فکر ایام دانش‌آموزی در من قوت گرفت در بادی امر بذهنم رسید که قسمت عمده اوقات خود را در اختیار افراد عادی قرار دهم تا هرکس دشواریهای خود را حضوراً با من درمیان نهد ولی‌متوجه شدم‌که ملاقات باتمام افرادعملی نیست زیرا درساعات شبانه روز باید هشت ساعت وقت من صرف‌امور جاری وملاقاتهای رسمی بشود وهشت ساعت دیگر بخواب وخوراك و امور شخصی مصروف‌گردد ودر هشت ساعت‌بقیه طبعاً ممکن نبود بدون اینکه موجب رنجش یا دلسردی اشخاص فراهم‌گردد بتوان بیش ازده تا پانزده نفر را پذیرفت. از این جهت مصمم شدم ترتیب دیگری اتخاذ کنم‌که بآن وسیله هرکس بدون توجه بمقام و منزلت خود بتواند از طریق دفتر مخصوص درباره امور خصوصی و شخصی خود با من مکاتبه نماید. این رویه تاکنون ادامه داشته وهر نامه وعریضه‌ای‌که بنام من برسد از طرف هر کس که باشد از دهقان تا نخست وزیر بنظر من میرسد درهرماه چندین صد نامه و عریضه میرسدکه تمام ویا خلاصه

آنرا که ازطرف اعضای دفتر مخصوص تهیه شده وضمیمه اصل است مطالعه میکنم وبکلیه آنها جواب میدهم واگر مطلبی باشد که بکمك من یا دستگاههای دولت نیاز باشد ترتیب آن داده میشود ادارات دولتی موظفند که نتیجه اقدامات خود را بمن گزارش دهند وتا آنجاکه امکان داشته باشد رضایت فرستندگان نامه‌ها فراهم گردد . برای تامین همین نظر سازمان بازرسی شاهنشاهی را تشکیل داده‌ام که ازجمله وظایف آن رسیدگی به شکایات عامه مردم کشور است شرح مفصل این سازمان را درفصل بعد خواهم نگاشت

باری دربهار سال ۱۳۱۵ موفق باخذ دیپلم شدم وهنگام بازگشت بمیهن فرا رسید خانواده من دربندرپهلوی که از من مشایعت کرده بودند باستقبال فرزندی آمده بودند که درظرف چند سال چنان تغییر کرده بود که حتی برای پدر نیز شناختن وی درآن وهله دشوار بود. در آنموقع احساس کردم که در وضع عمومی بندرپهلوی تغییرات فراوان روی داده وبهیچوجه باوضع زمانی که‌از آنجا باروپا رفته بودم قابل‌مقایسه نیست زیرا یك ده ایرانی بیك شهر اروپائی تبدیل شده بود . اندکی بعد متوجه شدم که این بندر نمونه‌کوچکی از اقدامات عمرانی است که در کشور بعمل آمده ودامنه آن بتمام نقاط‌کشور بسط یافته است .

پس از گذراندن تعطیلات تابستانی ودیدار خانواده به دانشکده افسری تهران وارد ومشغول تحصیل شدم . پدرم مایل‌بود دوره تحصیلات عالیه رادر دانشکده‌افسری بگذرانم وضمنا زیردیدگان بصیروی رموزشاهنشاهی را فرا گیرم این میل و آرزوی او برای من ناگوار نبود زیرا همیشه بفراگرفتن نکات ودقایق تعلیمات نظامی علاقه داشتم بعلاوه برای آشنا شدن با مسئولیتهائی که پدرم داشت اقتضا داشت که بیشتر در مصاحبت او باشم و تصمیم او از این جهت بسیار عاقلانه بود .

در آن زمان مستشاران نظامی فرانسوی در دانشکده افسری ما که مطابق دانشکده افسری معروف «سن‌سیر» فرانسه تشکیل یافته وبهمان طرز اداره میشد خدمت میکردند امروز از وجود مستشاران نظامی امریکا استفاده میکنیم ودانشکده افسری ما از رویه دانشکده افسری «وست پوینت» امریکا پیروی میکند ودوره تحصیلی آن هم از دوسال بسه سال افزایش یافته است در دانشکده افسری علاوه بر برنامه

عادی و مقرر دانشکده یك دوره اختصاصی سوق‌الجیشی وتاکتیك را نیز فراگرفتم و بالاخره در بهار سال ۱۳۱۷ با درجه ستوان دومی فارغ‌التحصیل شدم وبلافاصله بعنوان بازرس در ارتش شاهنشاهی مشغول خدمت گردیدم در انجام این وظیفه هر روز دو بار صبح و عصر برای بازدید وضع سربازان و واحد های ارتش بتأسیسات و ادارات نظامی سرکشی میکردم ودر مانور ها شرکت مینمودم ودرعملیات افراد نظارت مستقیم داشتم وحتی مشق سربازان را زیر نظرمیگرفتم وگاهی شبها هم بمانور های نظامی میرفتم این برنامه سنگین بود وزندگانی را یکنواخت میکرد ولی چون بارتش علاقه بسیار داشتم ودر تجدید و تشکیل ارتش نوین‌خدمتی بعهده‌من محول بود احساس خستگی‌نمیکردم. در همان موقع بودکه بمرحله زناشوئی وارد شدم وبا یك شاهزاده خانم مصری (والاحضرت فوزیه) ازدواج کردم که تفصیل آن در فصول‌آینده نگاشته میشود

علاوه بروظایف نظامی‌که برعهده داشتم مجبور بودم هرروز پدرم را ملاقات کنم واین ملاقات هاگاهی صبح واغلب نیم ساعت قبل‌ازظهر صورت میگرفت ودر موقع صرف ناهار در حضور وی بودم و چه بسا اتفاق میافتادکه بعد ازظهرها نیز برای پاره‌ای از امور احضار میشدم و در تمام این ملاقات های روزانه درباره اوضاع جاری وسیاست داخلی وخارجی کشور مذاکره میکردیم در مسافرت هائی‌که پدرم بنواحی مختلف ایران میکرد نیز با او همراه بودم زیرا پدرم علاقه داشت‌که مرا با خود بنقاط گوناگون مملکت برده و با وضع عمومی مردم و موقعیت جغرافیائی کشور و مسائل مربوط بهر ناحیه آشنا سازد. ودر طی این‌مسافرتها هم راجع بجزئیات امور با من مذاکره میکرد ولی باید دانست‌که کلمه مذاکره دراین مورد کاملا بمعنای واقعی خود استعمال نشده است زیرا اصولاکلیه مأمورین دولت و مسئولین امور کشور در هنگام صحبت بقدری مرعوب وی واقع شده وجانب تکریم وادب را نگاه میداشتند که مجال مذاکره بمعنای واقعی‌کلمه باقی نمیماند. من هم اغلب با اشاره واختصار عقاید ونظریات خود را بدون اینکه جنبه

مذاکره ومباحثه داشته باشد بسمع اومیرساندم، با وصف این درآن سن نوزده سالگی گاهگاه هم عقاید خود را صریحاً در مسائل مختلف بوی عرضه میداشتم وعجب این بودکه او همیشه نظریات وعقاید مرا با دقت و حوصله استماع مینمود وپیشنهادات مراکمتر رد میفرمود مثلا در اثر شفاعت مصرانه من بسیاری اززندانیان سیاسی‌آزادی‌یافتند. شاید جای افسوس باشد ولی یکی از افراد دکتر مصدق بودکه بعداً در دوره زمامداری خود چیزی نمانده بودکه کشور را بافلاس‌بکشاند و سلسله‌ای راکه پدرم بنیاد نهاده بود براندازد. باآنکه مصدق بار ها گفته بودکه من جان ویرا از خطر مرگ نجات داده‌ام همه دیدند که این دین را بچه طریق عجیبی اداکرد وچگونه از من حق شناسی نمود!

پدرم مصدق را باتهام همکاری با یك دولت خارجی و توطئه برعلیه دولت ایران توقیف‌کرده بود و نمیدانم در فکر وی چه میگذشت که مخالفین خود را بهمکاری با خارجیها مخصوصاً انگلیسها متهم میکرد. مصدق بنقطه دور افتاده و بدآب وهوائی تبعید شد و چون پیر و علیل بود باحتمال قوی ازاین تبعید سلامت باز نمیگشت ولی من از اوشفاعت کردم و وی پس از چند ماه آزاد گردید در فصل آینده شرح خواهم دادکه از این آزادی چه استفاده‌ای‌کرد. گاهی که دراین باره فکر میکنم در صحت اقدام آن روز خود وشفاعت از وی مردد میشوم ولی نسبت با غلب کسانی که در اثر شفاعت وکوشش من‌اززندان آزاد شدند احساس مسرت وخرسندی میکنم

واقعه جالب دیگری در اثر روابط صمیمانه خود وپدرم درآن روزگار بخاطرم مانده است دراین واقعه حق بجانب پدرم بود ومن در اشتباه بودم روزی در معیت او از ناحیه‌کلاردشت دیدن میکردم و هنگامی که برای رفع خستگی بچادری که برای ما ترتیب داده بودند رفتیم پدرم در حالی که در چادر قدم میزد در ضمن صحبت‌گفت «میل دارم دستگاههای دولتی‌کشور را طوری اصلاح‌کنم‌که اگر روزی چشم از جهان پوشیدم امور مملکت بدون نظارت مستقیم مقامات بالا جریان عادی خود را طی کند ».

این سخن پدرم بمن که در آنموقع هنوز جوان حساسی بودم‌ورشد فکری‌کامل نیافته بودم گران آمد وآنرا وهن آمیز تصور نمودم زیرا

فکر می کردم منظور او آنست که بعد از وی من قادر بانجام تکالیف خود نیستم وبدرستی نمیتوانم جای او را بگیرم این تصور مرا افسرده ساخت ولی بروی خود نیاوردم تا آنکه در اثر وقایع شهریور ۱۳۲۰ پدرم مجبور باستعفا شد و پس از عزیمت او سازمانهای مملکت بهرج ومرج عجیبی دچار گردید. در همان موقع بود که بیاد پیش بینی ونگرانی همیشگی او دراینمورد افتادم واز اینکه آرزوی او در زمینه ایجاد دستگاهها وسازمانهای منظمی که منظورش بود صورت عمل بخود نگرفته بسیار متأثر شدم

در مورد اشغال ایران در طی جنك بین‌الملل دوم نظریات ناصواب وگمراه کننده‌ای اظهار شده است. برای آگاهی ازسوابق امر باید گفت که پدرم با دولت آلمان روابط اقتصادی و فرهنگی نزدیك برقرارکرده بود و تا سال ۱۳۱۷ یعنی یکسال قبل از آغاز جنك دوم در اروپا ، آلمان در تجارت خارجی ایران مقام اول را حائز بود و روسیه در مرتبه دوم قرار داشت آلمانیها از ما بیشتر پشم خام و پنبه میخریدند ودر مقابل ماشین آلات صنعتی و لوازم فنی میفروختند ضمناً عده زیادی از مهندسین ومتخصصین فنی آلمان درکشور ماکار میکردندو در توسعه تأسیسات صنعتی وفنی مانند احداث و توسعه راه آهن وایجاد بنادر و تأسیس کارخانه ها بماکمك مینمودند. بهمین جهت دربیشتر تأسیسات صنعتی کشور ما از وسائل و آلات فنی آلمانی استفاده میشدو برای ایستگاه رادیو تهران نیز فرستنده‌های آلمانی نصب گردید .پس از اتمام ساختمان وبکار افتادن کارخانه‌ها متخصصین آلمانی مدتی‌برای اداره دستگاهها درایران توقف میکردند وبسیاری از صاحبان‌کارخانه‌ها ومؤسسات بازرگانی آلمانی درایران نماینده داشتند عده‌ای‌ازایرانیان نیز بمنظورتحصیل بآلمان میرفتند واستادان آلمانی دردانشگاه تهران تدریس میکردند وریاست دانشکده‌های کشاورزی و دامپزشکی را عهده دار بودند.

نازیها مجموعه بزرگی از نشریات تبلیغاتی و کتابهای مختلف دیگر بکتابخانه ملی ایران اهداء و برنامه‌های وسیع تبلیغاتی رادیوئی برای ایران تنظیم واجرا نمودند و نماینده خبرگزاری رسمی آنها نیز در ایران بروزنامه های ما اخبار میرسانید ودر اینجا مرکز تبلیغاتی دائر

کرده بودند. اینکه پدرم باآلمان روابط بسیار نزدیك‌اقتصادی برقرار کرد تعجبی نداشت زیرا اشیاء ساخت آلمان و تبحر متخصصین آن در تمام دنیا شهرت بسزا داشت ومقررات بازرگانی آنها هم بسیار سهل‌و ساده بود. بعلاوه این‌کشور هیچگونه سوابق استعماری درایران نداشت. ودر امور داخلی ما بندرت مداخله‌کرده وبا دودولت بزرك امپریالیستی که مدتها موجبات زحمت ما را فراهم ساخته بودند مخالف بود

از طرف دیگر آلمانیها نیز از اصل وحدت نژاد آریائی دو ملت ایران و آلمان استفاده تبلیغاتی میکردند ملت ایران هم با روش حکومت مقتدر خو گرفته بود و غافل از این بود کـه هیتلر نیز در پایمال کردن آزادی بشریت از استالین پای‌کم ندارد

گذشته از این پدرم برای ادامه برنامه های عمرانی و صنعتی خود وتقویت ارتش احتیاج فوری به لوازم فنی و متخصصین کارآزموده آلمان داشت. وقتی متفقین بردریا ها تسلط یافتند وجریان ورودکالاهای‌آلمانی بایران بمیزان قابل توجهی تقلیل یافت انگلیسها پیشنهاد وام عمده‌ای بایران کردندکه بوسیله آن احتیاجات خود را از منابع متفقین تأمین کنیم ولی وزارت دارائی این پیشنهاد را ردکرد زیرا متفقین اشیائی را که مورد احتیاج ما بود خود لازم داشتند وبدین‌جهت تازمانی‌که متفقین کشور ما را اشغال کردند ورودکالای آلمانی بایران از طریق خشکی ادامه داشت

از طرف دیگر بر خلاف عقیده برخی از تاریخ نویسان پدرم ازهیتلر خوشش نمی‌آمد. زیرا در سال ۱۹۳٤ که به ترکیه مسافرت نموده بود داستانهائی از نخوت و غرور آلمانیها که در جنك اول جهانی باترکیه متحد بودند شنیده بود واز سال ۱۹۳۰ باین طرف نیز همان رفتار را از هیتلر و پیروانش مشاهده مینمود بعلاوه سیاست جهانگیری هیتلر در اروپا پدرم را از اینکه اجازه دهدکشور ایران تحت نفوذآلمان در آید برحذر میداشت وبالاخره چون خودش تمایلات دیکتاتوری داشت وجود دیکتاتوردیگری مانند هیتلر برای وی تحمل ناپذیر بود

روزیکه آتش جنك دوم در اروپا زبانه کشید ایران بیطرفی خود را اعلام داشت زیرا پدرم بهیچوجه میل نداشت‌که‌کشورش دچار جنك بشود از اینرواعلام داشت‌که دولت ایرن در برابرهرگونه عملی که

از طرف دول محور ویا دول متفق پیش آید قدرت حفظ بی‌طرفی خود را دارد. سیاست پدرم در این جمله خلاصه میشدکه بیطرفی باید با قدرت توأم باشد. پس از حمله هیتلر به‌کشور روسیه‌که در روز ۲۲ ژوئن ۱۹٤٠ رخ دادکشور ایران بیطرفی خود را مجدداً تأیید وتأکید کرد

حمله عظیم آلمان بشوروی بر همه کس ثابت‌کردکه جز با کمك سریع انگلیس وامریکا بقای روسیه ممتنع است. با توجه دقیق به‌نقشه جهان دشواری متفقین درانتخاب راه عملی برای رساندن این کمك آشکار میشود زیرا «ولادی‌وستك» وسایر بنادر شوروی در خاور دور تحت مراقبت شدید نیروی دریائی ژاپن بودکه عملا در ماه سپتامبر ۱۹٤٠ با آلمان همدست و متحد شده ولی هنوز وارد جنك نشده بود بعلاوه مسافت این بنادر از جبهه غربی روسیه بسیار زیاد بود متفقین از طریق بندر «مومانسك»که درکرانه اقیانوس منجمد شمالی واقع شده است بروسها کمکهائی میکردند این راه دریائی بسیار خطرناك بود زیرا کشتی‌های حامل مهمات بآسانی مورد حمله زیر دریائیهای آلمان که در کرانه های نروژ در کمین بودند قرار میگرفتند. بعلاوه تجهیزات و تسهیلات راه‌آهن وامکانات بندر مورمانسك بسیار محدود وغیر کافی بود و ممکن نبود بسرعت این بندر را برای این امر مهم حاضر ساخت از لحاظ فرضی (تئوری) راه مدیترانه ودریای سیاه برای کمك بروسها عملی بنظر میآمد ولی خطر دریای مدیترانه برای کشتیرانی متفقین هر روز افزایش مییافت بعلاوه ترکیه که سعی داشت بیطرفی خود را مانند ایران حفظ نماید تنگه داردانل را بسته بود و چون عرض این تنگه در بعضی نقاط از یك میل هم‌کمتر است با زور داخل شدن بآن هم با مقاومت شدید ترکها مواجه میشد وباحتمال قوی موجب مداخله آلمانها که یونان و بلغارستان را در تصرف داشتند میگردید. نتیجه این مشکلات‌آن شدکه متفقین یگانه راه عملی رابرای انجام منظورخود درنظرگیرند وآن‌طریق خلیج‌فارس وراه‌آهن سرتاسری ایران بود و از طعنهٔ تقدیر روس و انگلیس نه تنها وطن عزیز پدرم را اشغال‌کردند بلکه ضربه‌ای دردناك هم برروح وی وارد آوردند بدین کیفیت که راه‌آهن سرتاسری ایران راکه تازه بنای‌آن تکمیل شده

ومورد علاقه شدید وی بود بعملیات خود انحصار دادند.

در آن زمان دستگاه تبلیغاتی انگلیسی و روسی میگفتندکه علت ورود متفقین بایران این بودکه پدرم نقض بیطرفی‌کرده وحاضرنشده‌است آلمانهای مقیم ایران را اخراج کند. ولی این دلیل بسیار سطحی و کودکانه بودزیرا اولا درآن موقع تنها متخصصین‌آلمانی درایران نبودند بلکه عده زیادی هم از اتباع متفقین درکشور ما اقامت وتحت حمایت قانون ایران قرارداشتند. ثانیاً با توجه بآنچه‌که درفوق‌گفته شد خطری که متفقین را تهدید میکرد خیلی بزرگتر از قضیه جزئی اقامت تنی‌چند از اتباع آلمان در ایران بود وامروز همه با من‌هم عقیده‌اند که اگر متفقین راههای ایران را برای رساندن مهمات ضرور نداشتند باحتمال قوی‌کشور مرا در جنك دوم جهانی اشغال نمیکردند. این‌نکته را هم باید درنظرداشت‌که اگر آلمان ها خط دفاعی روسیه را درقفقاز در هم سکسته بودند چنانکه در حمله بهارسال ۱۹۴۲ نزدیك بود باین‌کارتوفیق یابند بدون تردید به پیشروی خود در داخله ایران ادامه میدادند زیرا همه‌کس میداندکه طبق طرح معروف بطرح روزنبرك هدف‌نازیها آن بود که فتوحات خود را در خاور نزدیك تا حدود خلیج فارس امتداد دهند و بهندوستان نزدیك شوند. واز آن گذشته علل دیگری آنها را برسیدن بخلیج فارس وادار میکرد زیرا در ضمن اینکه میخواستند نفت قفقاز را بخود اختصاص داده وروسها را از آن محروم سازندآرزوداشتند که نفت ایران وپالایشگاههای آن راتصرف‌نمایندودست‌انگلیسها را از آن‌کوتاه سازند .آلمانها بخوبی میدانستندکه نیروی دریائی‌انگلیس ونیروهای زمینی وهوائی متفقین سوخت خود را از نفت ایران تأمین میکنند وکوشش میکردندکه یگانه راه رساندن کمك متفقین رابروسها ازکار بیاندازند.

در این موقع رابطه علت و معلول قضایا را باید در نظرآورد اگر متفقین از راه ایران آنهمه مهمات بروسیه نمی‌رسانیدند احتمال میرفت که حمله آلمان ها درسال ۱۹۴۲ به پیروزی منتهی گردد وکشور من‌را نیز مسخرکنند شاید بعضی از هموطنان ازاین پیروزی که موجب محو نفوذ روس وانگلیس بود استقبال میکردند ولی دیر یازود زندگانی زیر تسلط هیتلر آنها را مأیوس میساخت بهرحال وقتی ازگوشه وکنار

خبر انعقاد قرارداد سری روس وآلمان که بموجب آن روسها حق تسلط برکشورایران را بدست آورده بودند بگوش آنها رسید تغییر عقیده دادند زیرا این قرار داد از قرار داد سال ۱۹۰۷ روس و انگلیس خطرناکتر و مضرتر بود. درسال ۱۹۴۱ پیروزی آرتش‌های آلمان درروسیه واحتمال پیشروی آنها از طریق قفقاز بطرف جنوب انگلیسها را بیش از پیش نگران ساخت که مبادا هندوستان و کانال سوئز ومناطق نفت خیز خاورمیانه بمخاطره افتد

در آخرهمین سال روسها حمله بزرك خود را آغازکرده و برنامه تعرضی آلمانها را بهم زدند وچند ماه بعد حمله بهاری آلمانها را در هم شکسته وپیشرفت آنها را متوقف ساختند وبا وصف آن متفقین چندان به نتیجه امر اطمینان نداشتند چنانکه چرچیل درکتاب خاطرات جنك دوم خود چنین مینویسد

« حتی دراوت ۱۹۴۲ پس از مسافرت بمسکو وکنفرانسی که در آنجا منعقد گردید ژنرال بروك که همراه من آمده بود عقیده داشت که نیروهای آلمان ازکوههای قفقاز گذشته وحوضه دریای خزررا تصرف خواهندکرد . بهمین جهت ما نیز خود را بطور کامل وکافی آماده جنك تدافعی در سوریه نمودیم . . »

متفقین بغلط یاصحیح عقیده داشتندکه روابط دوستانه وملایمی که آلمانها باایران برقرار ساخته بودند مقدمه تسخیرایران است زیرا آلمانها دراثر تجاربی که درطی فتوحات خود دراروپا اندوخته بودند طرز نفوذ بکشورهای مختلف جهان وتضعیف داخله آنهارا تکمیل کرده وحمله برق‌آسارا فقط برای اضمحلال نهائی کشورها بکار میبردند. متفقین آثار تبلیغات آلمانهارا درایران مشاهده مینمودند وخیال میکردند که خرابکاران آلمانی میتوانند درکمال سهولت براه‌آهن سرتاسری ایران دست یابند وحتی اگر ضرورت ایجاب کندبه راه آهن وپلهای بزرك وتونلهای آن خسارات عمده وارد کنند ومنهدم شدن يك پل یايك تونل بزرك، راه آهن ایران راماهها ازکار میانداخت. تاسیسات نفتی و پالایشگاه های آن نیزبرای بمباران هدفهای خوبی بشمار می‌آیند و متفقین احساس میکردند که ممکن است میدانهای نفت جنوب ایران آلمانهارا باقدام چنین امری تحریص نماید. شاید ذکر این نکته بیفایده

نباشدکه که هشت‌کشتی باری آلمانی وایتالیائی دربندر شاهپورتوقیف شده بود وهرچند این‌کشتی ها تحت نظر ومراقبت دائم دوناو جنگی ایران قرارداشتند ولی ملوانان آنها درداخل کشتیها متوقف بودند و متفقین میترسیدند که مبادا یکی ازاین کشتیها ازکوچکترین غفلتی استفاده کرده خودرا عمدا درشط‌العرب غرق نماید ومدخل منحصربفرد لنگرگاههای پالایشگاه عظیم آبادان رامسدود سازد. شاید این وحشت متفقین زیادهم بیجا نبود زیرا تصور میرفت‌که بعضی از کشتی های مزبور حامل مواد محترقه باشند وبعید نبودکه برای انجام چنین مقاصدی بکار بروند. چنانکه وقتی نیروهای انگلیس واردجنوب ایران شدند ملوانان دوکشتی آلمانی دست بانفجار کشتیهای خود زدند و یکی ازآن کشتیها بشدت متلاشی وغیرقابل استفاده گردید ولی این عمل درنقطه ای ازشط اتفاق افتاده بودکه راه عبور ومرور شط را مسدود نساخت .

از اواسط سال ۱۹٤۰ نگرانی انگلیسها نسبت بنفوذآلمان درایران افزایش مییافت وچندبار بطور دوستانه بدولت ایران دراین مورد اخطار وپیشنهاد نمودند که تعداد متخصصین و مستشاران مختلف آلمانی وملیت های دیگر درکشور مامحدود گردد ولی پدرم خاطرنشان ساخت‌که تعویض متخصصین آلمانی اشکال دارد وآلمانها چنین عملی رابنقض بیطرفی ایران تفسیر خواهند کرد. ضمنا پدرم اطمینان دادکه دولت اوبخوبی قادر است‌که از هرگونه عمل ناروای آلمانها در ایران جلوگیری نماید. اینک‌که جنگ دوم جهانی خاتمه یافته و بگذشته مینگریم این حقیقت باید گفته شود که تاآنجائیکه اطلاع دارم دردوران جنگ حتی یک فقره خرابکاری مؤثر ومهم درتاسیسات راه آهن وصنایع نفت ایران رخ نداد. من مدعی نیستم که تمام این موفقیت مدیون کوشش پدرم ویاخودم ویادولت های ماباشد ولی این سابقه روشن وزبانداری است. ضمنا انصاف اینست که بگوئیم تاهنگام ورودنیروی متفقین بکشورایران احتمال میرودکه آلمانها نقشه های خرابکاری خودرا بتعویق انداخته بودند بدین امیدکه خودشان ازطریق قفقاز وارد خاک ایران شده وراههای ارتباطی وتاسیسات نفت ماراقبضه وتصرف‌کنند.

در ۲٦ ژوئن ۱۹٤۱ یعنی چهارروز پس از آنکه نیروهای هیتلر

بروسیه حمله کرد روسها نیز با انگلیسها همداستان شدند وبدولت ایران اعتراض کردند و ضمن ابراز نگرانی از اقامت آلمانها در ایران مدعی شدند که برحسب مدارکی که دردست دارند مأمورین دولت آلمان درایران مشغول طرح نقشه کودتائی هستند.

در۱۹ ژوئیه همان سال دولتین روس وانگلیس یادداشت مشترکی بمقامات رسمی ایران تسلیم ودر ۱۶ اوت یادداشت شدیداللحن‌تری ارسال نمودند ولی جوابهائی‌که دولت ایران میداد بنظر آنها قطعی نمیامد زیرا متأسفانه هیئت وزیران که با متفقین اتصالا در مذاکره بودند جرئت نداشتند پدرم را متوجه کنند که متفقین مصمم هستند که اخطارهای خود را با قوه قهریه تایید نمایند.

در ۲۵ اوت دولتین انگلیس و روس یاد داشت های مجددی بدولت ایران تسلیم وطی آن اظهار داشتند که دیگر ناگزیرند رویه شدیدتر وصریح‌تری اتخاذ کنند ودر همانموقع کشور ما مورد تجاوز وتعرض نیروهای مهاجم روس ازطرف شمال وانگلیس ازطرف جنوب قرار گرفت

چند ساعت بعد ازاین واقعه پدرم بنمایندگان سیاسی روس و انگلیس در ایران اظهار داشت‌که حاضر است منظور دول متبوع آنها را بپذیرد ولی جواب دادندکه نیروهای دوکشور به پیشروی های خود ادامه خواهند داد

آرتش ایران کاملا غافلگیر شده بود وسربازان ما درسربازخانه ها مورد بمباران قرار گرفتند ونیروی دریائی ماراکه چندان بزرگ نبود بدون اطلاع قبلی غرق وتلفات زیادی برما وارد ساختند جای تعجب نیست که پدرم وسایر ایرانیان بگویندکه متفقین بکشور ما نیرنك زده وخیانت کردند درحقیقت پدرم هیچگاه تصور نمیکرد که متفقین بدین آشکاری برحاکمیت واستقلال ما تجاوز نمایند وی میدانست که برای متفقین بانیرو ووسائل زیادی که داشتند آسان است که بخاك وطن عزیزش تعدی وتجاوز کنند ولی تا دقیقه آخر معتقد بود ازنظر اخلاقی واحترام بقوانین ومقررات بین المللی کاررا تا این مرحله نخواهندکشاند. دربرابر این هجوم مقاومت ارتش‌ایران جز درچند مورد کوچك کاملا بی اثر بود وپس ازآنکه اولین مرحله هجوم سپری شد ارتش ما دریافت‌که حریف قوی‌تر ازآن است‌که

بتوان درمقام مقابله باآن برآمد وراستی آنستکه سربازان ما درجبهه شمال فقط با تفنك‌های مشقی مسلح بودند.

سه روز بعد نخست وزیر ازمقام خود استعفا داد وجانشین او به نیروهای ایران دستور ترك مقاومت داد ولی درحقیقت قبل ازصدور این دستور هرگونه مقاومتی پایان یافته بود.

در۹ سپتامبر نخست وزیر جدید موافقت پارلمان را برای قبول درخواست های متفقین کسب کرد . درآن هنگام متفقین نیروهای‌خود را درمسافتی دور از پایتخت مستقر کرده بودند ولی چند روزبعد بعنوان اینکه دولت ایران دروفای بعهد خود تعلل میورزد اعلام داشتندکه قوای آنها بعداز ظهر روز ۱۷ سپتامبر وارد حومه تهران میشود

صبح روز ۱٦ سپتامبر درمجلس شورای ملی ایران اعلام شدکه پدرم ازسلطنت استعفا کرده است ودرهمان روز من جانشین او و عهده‌دار مقام سلطنت ایران گردیدم بدین ترتیب متفقین بهدف خود نائل آمده پدرم را ازمیان برداشته وراه را برای حمل مهمات بروسیه از طریق کشور ایران بازکردند و بدون پرده باید بگویم که عمل آنها بسیار تأسف انگیز بود وبدست خود بذر اختلاف ودشواری های آینده را کاشتند

اینك‌که بگذشته مینگریم باید دید متفقین بجای عملی‌که کردند چه نحو دیگر میتوانستند اقدام کنند ؟ بنظر من پاسخ این پرسش بسیار ساده است . دراین مورد اول باید اظهارات مستر چرچیل راکه درتاریخ جنك دوم جهانی مندرج است وبطور خلاصه نظر متفقین را تشریح کرده است نقل کنم

«بازکردن راهی از طریق کشور ایران برای ارتباط کامل باروسیه اهمیت فوق‌العاده داشت زیرا از یکطرف فرستادن اسلحه ومهمات گوناگون به شوروی از طریق اقیانوس منجمد شمالی دشوار وازطرف دیگر لازم بود امکانات سوق‌الجیشی آینده را نیز درنظر بگیریم. من درمسئله اردوکشی جدیدی به خاورمیانه بدون نگرانی نبودم ولی دلائلی که برای این اقدام آورده میشد ملزم کننده بود. چاههای‌نفت ایران عامل مهم واساسی جنك محسوب میشد واگر روسیه شکست

میخورد ما بایستی آماده تصرف آنها باشیم .

«مسئله تهدید هندوستان هم درکار بود. درهم شکستن شورش عراق واشغال سوریه ازطرف نیروهای انگلیس وفرانسوی که بازحمت بسیار وتلفات سنگینی انجام‌گرفت نقشه هیتلر را درخاورمیانه‌بکلی برهم زده بود ولی اگر روسها شکست میخوردند ممکن بود که باز نقشه دیگری را پیش بکشند یك هیئت آلمانی که عده افراد و فعالیت آنها زیاد بود در تهران مستقر شده وحیثیت آلمان در ایران بسیار قابل ملاحظه بود. پیش ازآنکه بمسافرت پلاسنتیا مبادرت ورزم (خلیج پلاسنتیا درنیوفوندلنداست ودر آنجا چرچیل اولین بار درروز ۹ اوت ۱۹۴۱ با روزولت ملاقات کرد) کمیسیون مخصوصی تشکیل دادم تا درباره عملیات نظامی علیه ایران طرح‌ریزی نموده وامور را هم‌آهنك نمایند ودر غیبت من نتیجه کارهای خود را بوسیله تلگرام بمن گزارش دهند . این عمل انجام گرفت وگزارش مزبور که مورد موافقت کابینه جنك قرار گرفته بود بمن رسید . معلوم شدکه دولت ایران با اخراج جاسوسان واتباع آلمانی مقیم ایران موافقت نمیکند وباید به قوه قهریه متوسل گردیم. درتاریخ ۱۳ اوت مستر ایدن آقای مایسکی را دروزارت امورخارجه پذیرفت ودرباره نکاتی که باید دریادداشت های جداگانه دودولت به ایران مندرج باشد موافقت بعمل آوردند روز ۱۷ اوت یادداشت مشترکی از طرف دولتین انگلیس وروس بایران تسلیم گردید وچون پاسخ مثبتی به آن داده نشد مقرر گردید که نیروهای انگلیس وروس روز ۲۵ اوت بایران وارد شوند.»

من با بعضی ازنکاتی‌که چرچیل بعنوان حقایق ذکر میکند موافق نیستم ولی نکته اساسی این است که برفرض آنکه تمام اظهارات چرچیل صحیح باشد راهی راکه متفقین دراین باره اتخاذ کردند بعقیده من غلط وناصواب بود . درمرحله اول باید متفقین با پدرم بیشتر با صداقت رفتار میکردند اخیراً یادداشت های اعتراضیه متفقین راکه درآنزمان بدولت‌پدرم تسلیم کرده‌اند مورد مرور ومطالعه قرار دادم ومتوجه شدم که بسیار کودکانه ومربوط بامور جزئی است وتقریباً یگانه تکیه‌کلام آنها روی وجود اتباع آلمانی درکشور ایران است واز مقاصد بزرگتر خود از قبیل برقراری راه وارسال

مهمات بروسیه وجلوگیری از ورود نیروی آلمان به مناطق نفت خیز خاورمیانه ویا کشور هندوستان هیچگونه اشاره‌ای نکرده‌اند.

پدرم مرد هوشیار وآشنا بفنون‌سوق‌الجیشی بود. هرگاه انگلیسها وروسها منظور های حقیقی خودرا بی پرده بوی اظهار میداشتندبکنه مطلب پی میبرد اما متفقین هدف خودرا تنها اخراج آلمانیهای‌مقیم ایران قرار داده واین موضوع را اتصالا تکرار میکردند. چنانکه‌ذکر کردم اکثر آلمانیها در ایران مشغول خدمت درکار های اساسی صنعتی بودند وبموجب آمار موجود عده آنها با درنظر گرفتن افراد خانواده حداکثر به ۴۷۰ تن میرسید . برفرض تصدیق باینکه شاید چندنفری هم بی‌اجازه وبدون دردست داشتن پروانه اقامت دراین کشور بودند جای تعجب نخواهد بود که پدرم ازفشار متفقین برای اخراج این عده خشمناك گردد متفقین میدانستندکه پدرم دراین مورد بسیار حساس بود ومعتقدم که یادداشت های آنها ازجنبه ریا خالی نبود ومقصود اصلی آنها بجای سازش وموافقت آن بودکه بهانه‌ای برای تجاوز بکشور ایران دردست داشته باشند.

رضاشاه متوجه شدکه متفقین منظور خودرا بطور صریح اظهار نمیدارند وناگزیر برخلاف شئون سلطنتی ازوزیر مختار خود مقیم لندن خواست که مقصود ومنظور حقیقی متفقین واحتیاجات آنها را جویا شود ولی دیگر کار ازکارگذشته بود. پدرم به وزیرمختارآلمان مقیم تهران ابلاغ کرده بود که دولت ایران مصمم است بقیه‌آلمانی هائی راکه در ایران میباشند اخراج‌کند و ترتیب اعزام آنها نیز از طریق کشور ترکیه فراهم شده بود ولی وقت این اقدام هم باعملیات عجولانه متفقین منقضی شده بود .

متفقین نه تنها باید با پدرم باصداقت وصراحت رفتار میکردند بلکه باید پیشنهاد اتحاد سیاسی محترمانه باو مینمودند . شایدبعضی ها این نظریه را ردکنند وبگویند که عقاید سیاسی رضاشاه مانع ازچنین اتحادی بود ولی برمتفقین فرض بود که پیش ازآنکه بحق حاکمیت واستقلال کشورما تجاوز کنند اقلا دراین مسئله نیز کوشش کرده باشند ومن مطمئنم که رضاشاه یا به پیشنهاد متفقین تن درمیداد ویا باتفویض تخت وتاج بمن اجازه میداد که این عمل بدست

من انجام گیرد.

دراینجا موضوعی را فاش میکنم که شاید تاکنون کسی از آن آگاهی نداشته باشد وآن اینکه پدرم چندسال قبل از استعفای رسمی خود درنظر داشت شخصاً از سلطنت بنفع من کناره‌گیری‌کند. البته او دراین مورد هیچوقت بامن صحبتی نکرده بود ولی بعداً یکی از محارم ومشاورین او مرا ازاین امر آگاه کرد. وی درنظر داشت سلطنت را بمن واگذاشته وخود بعنوان سیاستمدار مجرب و ارشد در مواقع لزوم مرا از اطلاعات وتجربیات خود برخوردار سازد اماقبول این امر هنوز هم برای من مشکل است زیرا برای شاهنشاهی باآن اقتدار چنان اقدامی بعید بنظر میرسید با تمام این احوال بعقیده من وی درنظر داشت‌که درحدود سال ۱۹۴۰ یاکمی بعد ازآن‌ازسلطنت کناره‌گیری نماید

من نمیگویم که متفقین باید ازافکار واسرار پدرم وقوف داشته باشند سخن من اینست‌که متفقین پیش ازاینکه بنابرشیوه هیتلری بخاك ایران تجاوز نموده وهمان اصولی راکه برای حفظ آن جنك میکردند زیرپا بگذارند وظیفه داشتند که بذل مساعی‌نموده وبارضاشاه اتحاد محترمانه‌ای منعقد سازند

بهرحال چون چند ماه پس از تجاوز آنها این اتحاد برقرارمیگشت بهتر بود که پیش از آن واقعه این اتحاد صورت گیرد تا خونی ریخته نشود وبین مردم کشور من و روسها و انگلیس ها بغض وکینه بوجود نیاید

از این گذشته هرگاه متفقین از آمدن قوای آلمان بایران نگران بودند چرا بوسیله عقداتحاد نظامی‌یاسیاسی ازماکمك نظامی نخواستند؟ بعضی‌ها ممکن است تصورکنند که با علاقه رضاشاه به حفظ بیطرفی کامل چنین درخواستی بهیچوجه معقول نبود. پاسخ من باین موضوع اینست‌که پدرم مرد منطقی ومنصفی بود وترقی وسعادت کشور ورفاه مردم ایران را برهرچیز ترجیح میداد اگر متفقین از سخن‌گفتن در پرده وابهام خودداری کرده ووضع حقیقی سوق‌الجیشی خودرا با در نظرگرفتن منافع ایران برای رضاشاه مجسم‌کرده بودند بدون تردید

بمطلب آنها پی برده بود وهمچنین عقیده من اینستکه یا پدرم پیشنهاد های متفقین را قبول مینمود ویا اینکه خود بکنارمیرفت و انجام آنرا برعهده من واگذار میفرمود ومتفقین هم دیگر احتیاجی نداشتند که نیروئی راکه درنقاط دیگر لازم داشتند بایران گسیل دارند وماهم از هرج ومرج و وهنیکه تجاوز وتصرف‌کشور بوجود آورده بود مصون مانده وزودتر درنبرد عمومی برعلیه ستمکاری های هیتلر شرکت جسته بودیم

پس از پیشنهاد یك اتحاد سیاسی ونظامی اعم از اینکه نتیجه‌ای میبخشید یا مثمرثمری واقع نمیشد متفقین باید مسئله ارسال‌مهمات را با مقاصد وهدفهائیکه درآغاز جنك اعلام کردند وحفظ آزادی و استقلال ملل‌کوچك را متعهد شدند هم‌آهنك میساختند.

اولیای مسئول متفقین باید با پدرم ویا با من اگر جانشین اوشده بودم وارد مذاکره شده ومیگفتند:

«ما مجبوریم مقدار زیادی مهمات جنگی بکشور روسیه که سخت درمضیقه است برسانیم واز لحاظ جغرافیائی ومنطقی‌کشور ایران‌تنها طریق حصول این منظور است . ما حاضریم درازای استفاده ازبنادر وراه‌آهن سرتاسری ایران وجاده های این‌کشور مبلغ منصفانه‌ای پرداخت‌کنیم وهیچگونه تجاوز وتخطی به بیطرفی واستقلال کشور ایران نخواهیم‌کرد نیروی نظامی بخاك ایران گسیل نمیداریم وفقط اگر موافقت کنید متخصصین امور حمل ونقل بایران اعزام میداریم تا درحمل ونقل مهمات و حفظ نقاط حساس راه کمك کنند. ارسال مهمات از راه ایران برای ما امرحیاتی است وترجیح میدهیم که این‌کار بوسیله عقد قرارداد دوستانه با شخص اول کشور یعنی شاه انجام گیرد.»

باید بخاطر داشت‌که هیتلر هم چنین قراردادی با دولتین سوئدو سویس برای حمل مهمات از طریق‌آن‌کشور ها داشت ونظر اصلیش هرچه بود بیطرفی آن‌کشور ها را محترم شمرده وحتی این حق را برای خود نخواست که نگهبانان ومتخصصین امور حمل ونقل خودرا به‌آن کشور اعزام دارد آیا متفقین قادر نبودندکه بدین ترتیب بیطرفی مارا محترم شمارند؟

اگر درآن موقع من بسلطنت رسیده بودم پیشنهاد های آنها را بنحوی که ذکرکردم قبول مینمودم وتصور میکنم اگر رضا شاه هم از سلطنت کناره‌گیری نکرده بود اوهم قبول مینمود زیرا با اطلاعی‌که ازروحیات پدرم دارم تصور میکنم که هرچند درباطن ازعاقبت چنین پیشنهادهائی نگرانی پیدا میکرد ولی پذیرفتن آنهارا براشغال‌کشور ایران ترجیح میداد. درآنصورت زمان بسلطنت رسیدن من‌هم‌بتاخیر میافتاد ولی برای من اهمیتی نداشت زیرا کشور من از مشکلات وسختی های بسیار رهائی می‌یافت ومنافع متفقین هم بیشتر وبهتر تامین میشد ودیگر الزامی نداشتند که نیروی عظیمی را دراین‌کشور معطل نمایند.

ولی وقایع بطرز دیگری جریان پیدا کرد گاهی گفته میشود که علت استعفای پدرم علاقه او بحفظ تاج وتخت ایران برای‌فرزندش بوده است ولی این سخن گمراه‌کننده است زیرا مراقبتی‌که او در تعلیم وتربیت من مبذول میداشت بخوبی حاکی ازاین بودکه مسئله جانشینی من همواره درذهنش بود وارتباط بزمان خاصی نداشت.علت اساسی استعفای پدرم این بودکه وی مردی نبود که بماند واشغال وطن را بدست نیروهای اجنبی ودخالت آنها را درامور داخلی ایران مشاهده‌کند واین نکته را باکلماتی‌که از احساسات وعشق نهائی او حکایت میکرد بمن فرمود

« مردم همیشه مرا شاهنشاهی مستقل وصاحب اراده و نیرومند و حافظ منافع خود وکشور شناخته‌اند وبا این حیثیت وحسن اعتماد و اطمینانی‌که مردم بمن دارند نمیتوانم پادشاه اسمی‌کشوراشغال شده‌ای باشم وازیك افسر جزء انگلیسی ویا روسی دستور بگیرم» دراین موقع ذکر این نکته را لازم میدانم که وقتی من بسلطنت رسیدم با هیچیك از نمایندگان متفقین جز سران دولت ها وسفرای‌کبارآنها وارد مذاکره نشده وکسی را نپذیرفتم

بهرحال خارجیها خوب میدانستند که همکاری با پدرم برای آنها امکان پذیر نیست چنانکه پدرم نیز بهیچوجه نمیتوانست باآنها کار کند. صحیح است‌که‌اورا برای استعفای ازسلطنت وترك وطن‌درفشار گذاشتند ولی عجیب آنست‌که میل خود او همین‌بود وبنابراین‌میتوان

گفت که اعلیحضرت فقید باموافقت متقابل بین اوومتفقین ازوطن‌خویش دوری گزید

آخرین نگاهی‌که پدرم بمیهن عزیزش انداخت ازعرشه یك‌کشتی انگلیسی بودکه ویرا بجزیره موریس میبرد. اول‌قرار بودکه بامریکای جنوبی رهسپار شود ولی درعوض اول بجزیره مزبورکه واقع درمشرق ماداگاسگار واز مستعمرات انگلیس است عزیمت نمود واز آنجا نیز بژوهانسبورك در افریقا رفت وسه سال‌بعد (یعنی درسال ۱۳۲۳) درسن هفتادسالگی درآن شهر بدرود حیات گفت .

عده‌ای اظهار عقیده‌کرده‌اندکه پدرم درطی تبعید بسیار افسرده خاطر وملول بوده است ولی من بااطلاعاتی‌که دارم‌میگویم‌که این شایعه برخلاف واقع است. درآنموقع من واو مرتباً مکاتبه میکردیم وبنابراین من بهتر از هرکس دیگر از وضع روحی او واقف و مستحضر بودم .

پدرم درنامه های خود دربارهٔ امور خاص کشور اظهار نظری‌نمیکرد ودر عوض درتمام نامه های خود مرا بشجاعت وشهامت و فداکاری درراه دشواری که در پیش داشتم تشویق و تحریص میفرمود .

چندین بار بوی پیشنهاد کردم خاطرات خودرا برای ثبت درتاریخ معاصر ایران برشته تحریر درآورد ولی همواره ازپذیرفتن این پیشنهاد مصراً امتناع داشت زیرا عقیده داشت‌که ممکن است‌گاهی مطالبی را برحسب تصادف ویا تحت تأثیر احساسات وطن پرستانه بیان داردکه احتمالا ذکر آنها بنفع وصلاح وطنش نباشد

بنظر من پدرم دریافته بودکه من ومشاورینم در اداره و راهبری سیاست داخلی وخارجی ایران کوچکترین غفلتی نداشتیم واز همین جهت نمی‌خواست مارا ازراهی‌که تعقیب آنرا مصلحت میدانستیم باز داشته بامید موفقیت مالطمه‌ای واردکند تاواپسین روز حیات وآخرین دقایق زندگی درروح وقلب پدرم تنها عشق وعلاقه‌بکشور جوش میزد وجز سعادت آن‌آرزوئی نداشت

باری روزیکه درسن بیست ودوسالگی مسئولیت تاج وتخت ایران را بعهده‌گرفتم خویشتن رابامشکلات فراوانی روبرو یافتم اولین اقدام من تعیین سیاست خارجی جدید ایران بود زیرا سیاست بیطرفی

رسمی که پدرم اتخاذ کرد نتیجه سوء بخشیده ویك سیاست شکست خورده محسوب میگردید من با کمال وضوح احساس کردم که همکاری با متفقین نه تنها غیرقابل اجتناب است بلکه اتخاذ چنین سیاستی بسیار لازم و بنفع کشور خواهد بود. خوشبختانه نخست وزیر جدیدمن محمدعلی فروغی که یکی از سیاستمداران ودانشمندان بنام ایران بود باتمام نظریات من دراینمورد کاملا موافق وهمراه بود وبکوشش آن مرد مذاکرات بمنظور انعقاد قرارداد بین انگلستان وروسیه وایران در ۲۹ ژانویه ۱۹۴۲ بامضاء رسید. دراین قرارداد دودولت متفق تصریح کردند که وجود سربازان آنها درخاك وطن ما هرگز صورت اشغال نظامی نخواهد داشت (هرچند تمام ایرانیان این وضع را اشغال نظامی میدانستند) ضمناً تعهد نمودندکه تمامیت وحاکمیت واستقلال سیاسی کشور مارا محترم داشته وشش ماه پس از خاتمه جنك باآلمان قوای خودرا ازخاك ایران خارج سازند وقول دادندکه مشکلات اقتصادی ایران راکه درنتیجه جنك ایجاد شده بود تسهیل نمایند مانیز بنوبه خود برای عبور نیرو های متفقین از طرق ارتباطی ایران بمنظور حمل ذخائر جنگی بروسیه تسهیلات ومزایای مورد نیاز را برای آنها تأمین کردیم دراثر اتخاذ این سیاست جدید باآلمان وایتالیا وژاپن قطع رابطه سیاسی کردیم و در ۹ سپتامبر ۱۹۴۳ باآلمان نازی اعلان جنك دادیم

اشغال ایران بوسیله متفقین وقطع ناگهانی رژیم دیکتاتوری پدرم مخاطرات وتشنجات جدیدی دراجتماع ایران ایجادکرده بود متفقین ظاهراًمصمم بودندکه اختیارات مرا تضعیف نمایند زیرا تصور میکردند بدان وسیله تسلط آنها برکشور آسان خواهد بود

مداخلات پی‌درپی متفقین درامور سیاسی کشور ایران من ومردم ایران راکاملا متنفرکرده بود برای روشن شدن این قضیه ذکر یك واقعه بعنوان مثال کافی است صرفنظر از تورم پولی که درآن زمان ایجادشده شده بود متفقین اعلام داشتند که مبالغ هنگفتی اسکناس رایج ایران برای رفع احتیاجات وپرداخت هزینه نیروی آنها در ایران باید انتشار یابد وچون این تقاضا مخالف باقوانین جاریه کشور بود متفقین از قوام نخست‌وزیر وقت خواستند بدون‌درنظر گرفتن موازین‌قانونی باهروسیله‌ای

که هست این تقاضا راانجام دهد. وچون درپاسخ گفته بودم چنین امری غیرممکن است بروی فشار آوردندکه قانون جدیدی ازمجلس بگذرانند. اودرجواب اظهار داشته بودکه احتمال نمیرود مجلس شورای ملی باچنین قانونی موافقت نماید. متعاقب این مذاکرات روزی سفیرکبیرانگلیس بحضور من آمد واظهار داشت که وی ازجانب دولت متبوعه خود وازجانب دولت اتحاد جماهیر شوروی ودولت امریکا باید اظهارکندکه قوام مورد اعتماد آنهاست ولی بامجلس فعلی قادر بانجام کاری نیست آنگاه تقاضای انحلال مجلس را ازمن نمود این پیشنهاد عجیبی بودکه نماینده یک دولت بیگانه بمن میکرد. بوی گفتم که این من وملت ایران هستیم که باید بدولتی اظهار اعتمادکنیم نه شما وهرچندکه باهم دوست ومتحد هستیم ولی تنها من وملت ایران میتوانیم نسبت بانحلال مجلس تصمیم اتخاذ کنیم ومن اجازه نخواهم دادکه بیگانگان درچنین امری بما دستوربدهند وپیشنهاد مزبور راقویاً ردکردم . دیری نگذشت که درهمان سال عده‌ای آشوبگر درتهران بنای اغتشاش راگذاشتند وانگلیسها نیروی خود راکه پس ازورودبایران ازتهران خارج کرده بودند ظاهراً بمنظوربرطرف کردن غائله بپایتخت اعزام داشتند وبدین طریق مجلس را تهدیدکردند تابا تقاضای آنها موافقت کند

دراین ضمن بعضی ازعشایری که سالها بود ازطرف پدرم خلع سلاح شده بودند از سربازان فراری وافراد وانبارهای ارتش بطور قاچاق اسلحه خریده ومجدداً دست بغارت وتاراج دهات زدند برنج وقند وشکر و سایر مواد خواربارکه مایحتاج عمومی را تشیکل میداد جیره بندی شده بود وهنگامی که متفقین کوپنهای جیره بندی رابرای توزیع بین افراد یکجا برؤسای عشایر میدادند اغلب آنهاکوپنها رامیفروختند وثروتی را که بدین ترتیب بدست می آوردند برای عملیات مسلحانه خود صرف می کردند. عناصر مذهبی افراطی که در زمان پدرم میدان نمی دیدند بار دیگر پدیدار شدند. ظاهراً بعضی از عمال سیاسی انگلیس تصور می کردند که این اشخاص می توانند از نفوذ کمونیزم جلو گیری نمایند. با وصف این مراتب رفتار نیروی انگلیس ازجهات دیگر بدنبود ازطرف دیگر روسها بایجاد احزاب سیاسی و

اتحادیه های کارگری که ازطرف کمونیست ها هدایت ومانند قارچ همه جاسبز میشدندپرداخته وقسمت عمدهٔ مخارج آنهارا میدادند وخطرناکترین این احزاب حزب توده بود

دراستانهای شمالی ایران روسها ازهمکاری باماًمورین کشوری‌ما امتناع داشتند واین‌نواحی راکاملاتحت تسلط نظامی وسیاسی واقتصادی خویش درآورده بودند ومنطقهٔ روسها تقریباکشور جداگانه‌ای شده بود. چنانکه وقایع بعد نشان داد نقشه روسها این بودکه قسمت مهمی از این نواحی را بهمین شکل نگاه دارند

مجلس شورای ملی بمرکز مبادله اتهامات ناروا تبدیل شده وبرنامهٔ منظمی نداشت بلکه قوهٔمقننه درقوای مجریه وقضائیه مداخله وازجریان قانون جلوگیری میکرد. روحیه کارمندان دولت نیزبآخرین درجه ضعف رسیده بود.

یکی از نخستین کار های من‌در آغاز سلطنت این بودکه مشروطه دموکراسی را دوباره احیاکنم. درآنموقع حیات سیاسی ما چنان دچار هرج ومرج شده بودکه اگرازروش دموکراسی اصلاماًیوس میشدم‌جای تعجب نبود ولی خوشبختانه عقاید سیاسی من چنان مستحکم شده بود که اوضاع وپیش آمد های تهدیدکننده نمیتوانست مرا بترك اصولی که بزرگان جهان مانند جفرسون‌آنرا پذیرفته ومن نیزمصمم بحفظ آنها بودم وادار سازد .

از لحاظ اقتصادی درکشور ما قیمت کالاها بسرعت سرسام‌آوری‌بالا میرفت ودرفاصله بین سالهای۱۹۴۰ و۱۹۴۳ تورم پول بمرحلهٔ خطرناکی رسیده وهزینه زندگی ۴۰۰ درصد بالا رفته بود ومخارجی که متفقین در ایران میکردند جریان پول را سریع ترساخته وبهای اجناس کمیاب را اتصالا بالاتر میبرد محصول گندم وبرنج استانهای شمالی برای مصارف سایر نقاط ایران‌کافی بود ولی در آنموقع روسها از حمل این محصولات ممانعت میکردند وآنرا برای مصارف خود اختصاص داده بودند

مصادره کامیونها و واگونهای باری مانع حمل و نقل خوار بار و سایر مایحتاج عمومی شده وخود باعث افزایش قیمتها شده بود وعده‌ای از سرمایه داران وظیفه ناشناس ایرانی نیز از موقع سوء استفاده

کرده ودست باحتکار وسفته بازی زده وبرثروت خودوفقر نیازمندان میافزودند

گرچه این مطلب عجیب وباور نکردنی بنظر می‌آید ولی حقیقت اینست‌که متفقین حتی کوشش کردند کارخانه های اسلحه ومهمات سازی مارا هم مصادره نمایند روسها اصرار داشتندکه کارخانه فشنك سازی راکه بدست پدرم ایجاد شده بود بکشور شوروی انتقال دهند و انگلیسها مصمم بودند که توپهای ۱۰۵ میلیمتر متعلق بارتش ایران را تصرف کنند ولی من ازاین اعمال وسایر مصادره هائی‌که درنظر داشتند جلوگیری کردم.

درطول مدت اشغال کشور ایران یکدم ازغم واندوه آسوده نبودم وشبهائی را که تا صبح ازشدت نگرانی بیدار بودم . من اصولاوعملا با عمل متفقین دراشغال ایران مخالف بودم وبنظر من بدون جهت باستقلال وحق حاکمیت ما لطمه زده بودند. بهرطرف چشم میانداختم مردم‌کشور ایران را گرفتار بدبختی ومشقتی که ثمره روش سیاسی‌و اقتصادی متفقین بود میدیدم . وروح من از آزمندی‌بعضی ازثروتمندان ایرانی که پشت پا بمنافع کشور ایران ورفاه مردم این سامان زده بودند بیشتر از همه چیز رنج میبرد.

درجریان این اوضاع متفقین باکمال موفقیت از طریق‌کشور من ذخائر ومهمات جنگی را بروسیه میفرستادند ترتیب حمل ذخائر بدین ترتیب بود که انگلیسها محمولات را ازبنادر خلیج فارس تا تهران می‌آوردند وبروسها تحویل میدادند که خود بروسیه حمل‌کنند.

دراواخر سال ۱۹٤۲ نیروی آمریکا درخلیج فارس که عـده آن بتدریج به ۳۰۰۰۰ نفر رسید نیز بانگلیسها ملحق گردیدند واین دو دولت مقادیر زیادی لکوموتیو وواگن های جدید وصدها کامیون برای حمل ونقل لوازم سنگین وارد ایران میکردند چنانکه درماه مه ۱۹٤۳ مقدار محمولات راه آهن وشاهراههای ایران به ده برابر ظرفیت اواسط سال ۱۹٤۱ رسیده بود چنانکه گفته شد متفقین تقریباً جمعا پنج میلیون ونیم تن کالا ومهمات جنگی بروسیه فرستادند واین محمولات مساوی نصف مجموع محمولات جنگی آمریکا وکانادا بود از کالا های ارسالی بشوروی نیمی ازطریق راه آهن سرتاسری‌ایران

حمل گردید وبقیه بتدریج وبوسیلهٔ کامیون ازطریق راههای شوسه بروسیه رسید . نکته جالب آن بودکه هرچند نیروهای انگلیس وروس وآمریکا خودتعدادزیادی کامیونهای ارتش‌دراختیارداشتند بازکامیونهای متعلق بایران که‌عدهٔ آنها به ۴۰۰۰ کامیون بالغ‌وتحت‌مراقبت عده‌محدودی‌از مأمورین کشوری انگلیس کار میکردند بیشتر از کامیونهای سه‌دولت متحد ذخیره جنگی حمل نمودند باآنکه در طول مدت جنگ اصلاحاتی در راه‌آهن و راههای شوسه ایران بعمل آمد ولی درنتیجهٔ فعالیتهای شبانه روزی متفقین در امر حمل ونقل مهمات جنگی تأسیسات وجاده هافرسوده واسقاط شده بود.

حمل مهمات جنگی با دشواری و سختی بسیار صورت میگرفت کشتیهای باری در حالیکه حرارت هوای انبار های آن به ۱۴۰ درجه فارنهایت میرسید دربنادر جنوب بارهای خودرا تخلیه میکردند وگاهی شدت‌گرما در تونلهای راه‌آهن بدرجه‌ای بودکه کارکنان لکوموتیو مجبور بودند پیاده شده ودرخارج از محوطه خفقان آورآن نفس تازه کنند. درکوهها قطارها وکامیونها مجبوربودند درسرمای شدید زمستان وکولاك وبرف طی طریق‌کنند ولی مردم‌سه‌کشوروگاهی چهارکشور در این مورد با یکدیگر چنان همکاری میکردند که نوید آینده خوشی را میداد در ضمن این عملیات انگلیسها و آمریکائی هاکمکهائی باقتصاد متزلزل کشور ما میکردند چنانکه در سال اول انگلیسها هفتاد هزار تن غله برای ما فرستادندکه تاحدی ازکمیابی خواربارکاست وخطر قحطی را مرتفع ساخت. مراکز و تأسیسات تعاونی خاور میانه که انگلیسها تأسیس کرده و سپس امریکائیها نیز بآن ملحق‌شدنداز مساعدتهای مادی وفنی بایران دریغ نمیکردند. آمریکا نیز طبق برنامه وام واجاره خود مقادیر قابل توجهی خواربار و ذخائر نظامی برای ما فرستاد ومستشاران خود را برای تشکیلات مالی وشهربانی وبهداری و کشاورزی اعزام نمود.

در تابستان سال ۱۹۴۲ اولین بار وینستون چرچیل را که برای ملاقات با استالین از طریق ایران عازم مسکو بود ملاقات‌کردم. وی دو روز در تهران اقامت گزید و طی ضیافت ناهاری‌که برای اوترتیب داده بودم مذاکرات جالبی بین او ومن پیش آمد بنظرم یکی ازمسائل

موردبحث مسئله ورود نیروی متفقین بقاره اروپا ودرهم شکستن قوای هیتلری بود من بچرچیل پیشنهاد کردم که متفقین باید اول بایتالیا حمله کنند وپس از آنکه وضع خود را درآنجا تثبیت نمودند از طریق بالکان به حملـه عظیم خـود مبادرت ورزنـد در حـالیکـه چـرچیل به پیشنهادمن گوش فرا داد ودرباب آن فکر میکرد متوجه شدم کـه چشمانش برقی زد در آنموقع درباره پیشنهاد من اظهـاری نکرد ولی نقشه بعدی وی درباره تسخیر اروپا از طریق « شکم‌نرم » یعنی ایتالیا چندان هم از پیشنهاد من دورنبود . البته توافق نظریات کلی سوق‌الجیشی مادونفر برسبیل اتفاق بود ولی اگرنقشه مزبور عملی میشد محققا در سرنوشت ملل کشور های مرکزی اروپا طور دیگری ثبت تـاریخ میگردید

درماه نوامبر ۱۹۴۳ کنفرانس تـاریخـی تهران باشرکت روزولت و استالین و چرچیل تشکیل گردید . درطی مدت کنفرانس روزولت‌بدلائل نامعلومی در سفـارت کبرای شوروی که محل توقـف استالین بوداقامت گزید ولـی چرچیل در سفارت انگلیس (کـه پس از انعقاد کنفرانس به سفارت کبری ارتقاء یافت) سکونت اختیار کرد روزولت بعلت‌ضعف مزاج قادر نبودکه از محل خود خارج شود واین مسئله وضع عجیبی را پیش آورده بود بدین کیفیت که من برای ملاقـات او بسفارت کبـرای شوروی رفتم و حال آنکه‌استالین شخصا بملاقات من آمد .کلیه جلسات کنفرانس هم در سفارت کبرای شوروی منعقد میشد وفقط یکبارچرچیل بمناسبت روز تولد خود در سفارت انگلیس ضیافتی ترتیب داد

با آنکه دراین کنفرانس سه دولت کشور ایران رسما شرکت نداشت من‌بایك‌یك سران دول مزبورمذاکراتی بعمل آوردم. استالین مخصوصا در هنگام ملاقات بامن مؤدب و قاعده‌دان بود و ظاهرآ میخواست خاطره خوشی از خود در ذهن من باقی بگـذارد حتی پیشنهاد اهداء یـك هنك تانك ت ۳٤ ویك گروه هواپیماهای جنگنده نمود . از آنجا که از حیث مهمات جدید جنگی سخت درمضیقه بودیم نزدیك بود پیشنهاد او راقبول کنم ولی چند هفته بعد که‌از جزئیات اطلاع حاصل شد معلوم گـردید که‌آن هدیه متضمن شرائط دشواری هم هست بدین‌کیفیت‌که افسران ودرجه داران روسی باید با این هدیه بایران بیایند ومحل نگاهـداری

تانکها باید درقزوین وهواپیماهای جنگنده در مشهد باشد وتا پایان دوره آموزشی که مدت آن معلوم و مشخص نشده بود تانکها وهواپیماها باید در تحت فرماندهی مستقیم ستاد روسیه در مسکو باشند این قضیه مانند آن بود که مستشاران نظامی امریکائی که امروزه برای تقویت نیروی نظامی ایران بما کمك میکنند بگویند که ارتش ایران باید تحت فرماندهی آنها باشد ودر غیر اینصورت بما کمك نخواهند کرد. البته نه تنها هدیه استالین را با این شرایط نمیتوانستم قبول کنم بلکه اگر چنین پیشنهادی از طرف کشور دیگری هم میشد آنرا رد میکردم. ازاینرو از پذیرفتن هدایای مزبور با اظهار سپاسگزاری معذرت خواستم روزولت در طی مذاکراتیکه با من کرد اظهار داشت‌که پس ازانقضای دوره ریاست جمهوریش میل دارد بعنوان متخصص احیاء جنگلها بکشور ایران مراجعت کند علاقه وی بدین رشته برهمه کس معلوم و آشکار بود واشتیاقی‌که درجریان صحبت در پیرامون این مسئله ابراز میداشت دلیل صدق گفتار وی بود . روزولت در نظر من یك نفر باختری ممتاز وبرجسته آمد وبنا به سنت دیرین دانشمندان شیفته و فریفته ایران و فرهنك این سرزمین بود . باوجود آنکه با سیاست خارجی روزولت در بعضی جهات کاملا مخالف بودم ویرا از جهات دیگر بچشم تحسین و تکریم نگاه میکردم و بسیار متأسفم که مرك ناگهانی مجال عملی ساختن آرزوئی که برای مامغتنم بود بوی نداد .

وقتی ملت‌ایران از متن اعلامیه روزولت و چرچیل واستالین در کنفرانس تهران آگاهی یافتند بسیار شادمان شدند زیرا میلیونها افراد این کشور از خرابی اوضاع اقتصادی خود بجان آمده ودر حیرت بودند که آیا پس از ختم غائله جنك آزادی از دست رفته را باز خواهند یافت یا نه

اعلامیه تهران که در روز اول دسامبر صادر شد از نظر وقایعی که بعداً رخ داد آنقدر مهم است که باید بعضی از قسمتهای اساسی‌آن در این جا ذکر شود .

«دولتهای کشورهای متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی و ممالك متحده انگلستان کمك هائی راکه ایران در پیشرفت جنك بر

علیه دشمن مشترك ومخصوصا در قسمت تسهیل وسایل حمل‌ونقل مهمات از ممالك ماوراء بحار باتحاد جماهیرشوروی بعمل آورده تصدیق دارند .
سه دولت نامبرده تصدیق دارندکه جنك برای‌ایران‌دشواریهای مخصوص اقتصادی ایجادکرده است و موافقت کردندکه هرگونه مساعدت‌اقتصادی که امکان داشته باشد برای دولت ایران فراهم کنند»...
. . . .
«دولتهای کشورهای متحده امریکا واتحاد جماهیرشوروی و ممالك متحده انگلستان با دولت ایران در حفظ استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی ایران وحدت نظر دارند . و بمشارکت دولت ایران با سایرملل طرفدار صلح در استقرار صلح بین المللی وامنیت و رفاه پس از جنك طبق منشور اتلانتیك که مورد قبول هر چهار دولت است استظهار رند .

هرکس این عبارات امید بخش را میخواند و نزدیك شدن زمان پیروزی متفقین را میدید یقین حاصل میکرد که دوره سختی وطن من در شرف پایان‌است . ولی حوادث‌گذشته نسبت بآنچه پس‌ازآن‌وقوع‌یافت قابل اهمیت نبود بهمین جهت‌بجای‌آنکه دوران‌تعلیم‌وتربیت‌من بپایان برسد وارد مرحله دشوارتری شد که شرح آن خواهد رفت .

فصل پنجم
ایام پرآشوب وتشنج

چند سال پیش شخصی بنام دکتر محمد مصدق بیش از هرایرانی دیگر درتاریخ اخیر ایران موضوع مقالات ومندرجات روزنامه های امریکائی وانگلیسی قرارگرفته بود ومتاسفانه برخی از مردم درخارج ایران ویرامِلاك قضاوت خود درباره ایران وایرانیان قرار دادند.

دراین کتاب بایدبخوانندگان اطمینان دهم که مصدق هرگز نمودارایران ومظهر ونمونه خصائص ملت ما نبوده است

درفصل قبل ذکرشدکه پدرم مصدق را درسال ۱۳۱۹ زندانی کرد ودراثر شفاعت من آزادگردید

درسال ۱۳۳۲ باردیگر بجرم برهم زدن اساس حکومت که خود خیانت بارزی است محکوم شد من درآنموقع نامه‌ای بمحکمه نگاشته واظهار داشتم که ویرا ازتقصیراتی که نسبت بشخص من مرتکب شده بخشیده‌ام ودراثر همین نامه وبعلت کبرسن ازاعدام که معمولا درکشور ایران وسایر کشورهای جهان مجازات اینگونه اشخاص است رهائی یافته وفقط بسه سال زندانی مجرد محکوم گردید وبدین ترتیب یکبار دیگر دراثر دخالت من از مرگ نجات یافت

وی از سال ۱۳۳۵ که اززندان بیرون آمد بملك شخصی خود در نزدیکی تهران رفته وتاکنون که این کتاب انتشار پیدا میکند چون شخص باثروتی است درآنجا باخانواده خود زندگانی آرام وبی‌حادثه ای را میگذراند

من بجهات عدیده مجبور بوده‌ام درباره شخصیت مصدق مطالعه کنم وارزش معنوی واخلاقی ویرا بامقایسه بین گفتار ورفتارش معلوم ساخته وتاثیر قول وفعل ویرا درحیات کشور بواقعی مشخص نمایم

وی مخصوصاً دردوره نخست وزیری ازنزدیك موorددقت ومطالعه منقرار گرفت زندگانی اجتماعی وی درعالم حرف ورویکاغذ بنظر آبرومند میآید. وی درسال ۱۲٦۰ شمسی (وبناباظهار بسیاری ازاشخاص چند سال قبل ازآن) دریك خانواده ملاك ومتمکن متولد شد ودررشته حقوق وموضوعات مربوط بآن درفرانسه وسویس بتحصیل پرداخت وسپس وارد خدمات دولتی شد ومشاغل بامسئولیتی مانند وزارتدارائی ووزارت دادگستری ووزارت امور خارجه باو تفویض شد. انگلیسها وسیله انتخاب ویرا باستانداری فارس فراهم آوردند وپس ازآن باستانداری آذربایجان نیز منصوبگردید درسال ۱۲۹٤ شمسی نخستین بار بنمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد وتاهنگام سقوط خود سمت نمایندگی مجلس شورای ملی را داشت . دوران نخست وزیری مصدق ازاردیبهشت ۱۳۳۰ تامرداد ماه ۱۳۳۲ بطول انجامید ودرهمین دوره بودکه خصوصیات اخلاقی وروحی خود را برهمهکس آشکار ساخت .

بیشتر افراد تصدیق میکنند که وی شخصاً مرد درستکاری بوده (ولی چنانکه ذکر خواهد شد قبول این نظر بسته بتعریفی استکه ازکلمه درستکاری بشود) وهیچگاه کمونیست نبوده است. وی درظاهر همواره ازکمونیست ها برکناری داشت ولی بکمك آنها متکی بود وآنان را نردبان ترقی خود ساخته بود از جوانی مصدق آنگاهکه در دوره قاجاریه رئیس اداره دارائی خراسان بود نقل میکنندکه باجعل اسناد قسمتی اززمینهای دیگران را تصاحبکرده وبجرم همین اختلاس طبق قوانین اسلامیکه هنوز درکشور عربستان سعودی اجرا میشود محکوم بقطع دست شده بود نسبت باین محکومیت دلائلی که مؤید صحت آن باشد نشنیدهام ومعلوم استکه چنین مجازاتی درباره وی اجرا نشده است زیرا مردم نطق های پرحرارت ویراکه باحرکت هردودست توأم بود بخاطر دارند ظن من اینستکه درجوانی ممکن است درامور مالی دراعمال نادرستی دخالت داشته ولی ازسوء عاقبت آناعمال درس عبرتگرفته باشد

باید دید مصدق ازخصائصیکه لازمه یکنفر سیاستمدار حقیقیاست چهکم داشت ؟ اولا اطلاعات عمومی او بسیار ناچیز بود واین مسئله همیشه مرا بحیرت میانداخت زیرا هرچند درخارجه تحصیلکرده بود

ازسایرکشورهای جهان تقریباً هیچ اطلاعی‌نداشت ونقطه ضعف معلوماتی اومخصوصاً درمسائل اقتصادی بود . من بهیچوجه داعیه تخصص در علم اقتصاد ندارم ولی هرچه بوده است توانسته ام حقایق کلی واصول اقتصادملی وبین‌المللی‌را فراگیرم وازنظر مقام سلطنت نیز همیشه باعده‌کثیری ازمأموران دولتی‌که دارای سوابق وعقاید اقتصادی وسیاسی متفاوت بودند تماس داشته ام وباکمال صداقت باید بگویم که‌کمتر کسی رادیده‌ام‌که عهده‌دار مقام مسئولیتی باشد و مانند مصدق ازاصول بدوی ومقدماتی تولید وتجارت وسایر عوامل اقتصادی بی‌اطلاع باشد . این امر واقعاً برای من تعجب آور بود چون مصدق شخص کودنی نبود وتاحدی اهل مطالعه بحساب میآمد . باید علت بی‌اطلاعی اورا درامور اقتصادی حمل برآن‌کردکه وی همیشه چنان درچنگال طغیان های روحی خود اسیر بودکه نمیتوانست بطور عمقی وعملی یك مسئله اقتصادی را مورد مطالعه قرار دهد

از این موضوع وخیم‌تر منفی بافی اوبود . مثلا درمقایسه هیتلر و مصدق بایدگفت هیتلر پیمان ورسای را بباد حمله وناسزا میگرفت ولی برنامه وی‌که هرچند معقول و منطقی نبود معلوم ومشخص بود درصورتیکه عقاید مصدق وتمام هدفهائی‌راکه پیش میآورد هرچند بطور موقت بذوق عامه میامد چیزی جزمنظور های منفی نبود

درحقیقت مصدق اصولی راتلقین میکردکه خود وی آنرا «سیاست موازنه منفی» نام‌گذاشته بود

مقدمه بیان وی‌که منطقی هم بود این بودکه ایران سالهاست‌که بعلت نفوذ اجانب درمضیقه وفشار بوده است وازاین مقدمه فوراً نتیجه میگرفت‌که بهترین خط مشی برای ایران اینست‌که هیچ امتیازی بخارجیها واگذار نگردد وهیچگونه‌کمکی هم ازآنها پذیرفته نشود درنظر اول این طرزفکر باسیاست عدم مداخله‌که قبل‌ازجنك بین‌المللی دوم درقسمتهائی از امریکا متداول بود شباهت دارد ولی رویه منفی مصدق ازاین حدهم بالاتر رفته ونه‌تنها سیاست خارجی بلکه امور داخلی‌کشور راهم شامل بود

مخالفت شدید او باإحداث راه‌آهن درایران مثال روشنی ازاین طرز فکر اوست. بخاطر دارم روزی باکمال جسارت درحضور من اظهـار

داشت‌که پدرم دراین‌کارخیانت‌کرده است ووقتی ازوی دلیل خواستم گفت پدر من راه‌آهن سرتاسری را فقط برای جلب رضایت انگلیسها که میخواستند بروسیه حمله‌کنند ساخته است ازاو پرسیدم‌که بعقیده او آیا باید پدرم راه‌آهن را درمسیر دیگری احداث میکرد ؟ جواب اواین بود که اصلا پدرم نباید راه آهن احداث میکرد وایران احتیاجی براه‌آهن نداشت ومردم بدون آن مرفه‌تر بودند . وقتی دراین زمینه چانه‌اش‌گرم شده بود چنین استدلال‌کردکه قبل از دوره پدرم ایران فاقد راه‌آهن بود وبنادر قابل ذکر نداشت وبطرق وشوارع ایران نمیشد اطلاق راه‌کرد وبعلت نبودن اسفالت وپیاده رو مردم تازانو درگل ولای فرومیرفتند ، اما لااقل ایران مستقل بود . برای آشکار ساختن این سخنان بدون منطق بیادش آوردم‌که قبل ازسلطنت پدرم ایران زیر زنجیر «کاپیتولاسیون» یعنی حاکمیت واستقلال قضائی بیگانگان بود ودرآن‌ایام نیمی ازکشور تحت تسلط روس ونیم دیگرزیر استیلای انگلیس قرار داشت ووضع امنیت واجرای قانون آنچنان بودکه پس ازغروب آفتاب مردم عاقل ازترس دزد درخیابانهای تهران دیده نمیشدند وآیا اسم این وضع را میتوان استقلال‌گذاشت ؟ مصدق دربرابر این شواهدزنده جواب‌نداشت ولی میدیدم‌که استدلالات من تغییری درنتایجی که ازاظهار لجوجانه ومنحرف خود گرفته نداده است

نمونه دیگر ازطرز فکر خاص اوآنکه روزی ازرئیس دانشکده پزشکی‌که بمناسبتی‌به رامسر سفرکرده بود درباره مسافرتش سئوالاتی میکند وی میگویدکه هرچند مسافرت‌بوی خوش‌گذشته ولی وضع راهها بسیاربدو محتاج بمرمت اساسی است . مصدق ازاین اظهار نظر خشمگین شده درپاسخ میگویدکه اصولا این قبیل مسافرتها لزومی ندارد وبهتراست انسان درخانه خود استراحت‌کند واصلا بمسافرت‌نرود!

بعضی اشخاص‌که ازافکار غیر منطقی مصدق دراین مسائل‌آگاهی داشتند‌گفته‌اندکه شایدوی بیشتر شیفته دوران خوش سابق وزمانی بوده است‌که هنوز علوم وفنون ملل باختر اوضاع جهان رادیگرگون نساخته بود . وشاید مانند یکنفر متفکر خیال پرست میل داشته است

که عقربه ساعت ایران رابعقب برگرداند . اما این سخن نمیتواند ملاك تصدیق وقبول رویه مصدق باشد زیرا این نحو فکر اگر ازطرف یکنفر فیلسوف گوشه نشین اظهار شود ضرری ندارد ولی اگر ازطرف یك مقام سیاسی مسئول گفته شود که درجهان امروز امورکشوری را اداره میکند خطرناك وزیان آور خواهد بود ازاین گذشته منفی بافی مصدق فقط مربوط بعلوم واختراعات جهان غرب نبود بلکه دامنه آن بکلیه امور ومسائل کشیده شده بود. مثلا وقتی به نخست وزیری رسید برنامه‌ای راکه من برای تقسیم املاك سلطنتی بین روستائیان فقیر داشتم متوقف ساخت درحالیکه این برنامه یکی ازبهترین وسائل عملی برای بالا بردن سطح زندگانی مردم عادی کشور بود علت آن بودکه مصدق نمیتوانست چنین عمل مثبت واقدام مفیدی را تحمل کند وبرنامه‌ای که برای بهبود ورفاه اجتماعی داشتم مورد علاقه وی نبود تصورمیکنم از اینکه برنامه توزیع املاك رضایت عمومی‌را جلب کرده دچار حسد شده بود وچون خود ازملاك عمده بود وبدارائی خویش دلبستگی بسیار داشت ازاجرای برنامه تقسیم املاك سلطنتی احساس شرمساری میکرد خوشبختانه قبل ازاینکه مصدق بتواند این مخالفت را بمرحله عمل برساند سقوط کرد ودر فصل دیگر بیان خواهم کرد که چگونه پس از سقوط وی این برنامه مجدداً احیاء گشت ومواد آن توسعه یافت

منفی بافی مصدق بمسائل مربوط بدفاع کشوری وامنیت داخلی نیز کشیده شده بود بارها بمن میگفت که چون ایرانی از تجاوزات دول بزرك صدمه‌ها دیده است بنابراین هرگز نباید برای دفاع کشور کوشش بشود وی میل نداشت این نکته درخارج ازایران انعکاس پیداکند وفقط میخواست درداخله ایران مسلم باشد که اگر دولتی بمسخر کردن ایران اقدام کند مانباید مقاومت بخرج دهیم !

وی این فکررا در مورد شورش ها وآشوب‌های داخلی نیز نه تنها تبلیغ میکرد بلکه عملا نیز ازآن پیروی مینمود .

مصدق درزمان نخست وزیری خود طی سالهای ۱۳۳۱ و ۱۳۳۲ هنگامیکه افراد منتسب بحزب توده وسایر آشوبگران نظم پایتخت وسایر شهر های بزرك را مختل میکردند هیچگونه قدمی برای جلوگیری

آنها برنداشت وطرز عملش این بود که دراینگونه آشوبها چند تانك وکامیون حامل سربازان مسلح در نقاط مختلف تهران مستقر میکرد ولی آنها را ازهرگونه اقدام مؤثری منع مینمود وبهمین جهت شورش وغارت وزدوخورد درخیابانها در برابر چشم مامورین انتظامی برپا بود ولی بدستور مصدق آنها فقط ناظر وتماشاگر وقایع بودند.

بالاخره عده‌ای از طرفداران سرسخت مصدق نتوانستند بی قیدی ویرا درمسئله آشوب و غارتگری که هرروز توسعه پیدا میکرد تحمل کنند ودریافتند که مصدق عمداً یا از روی نادانی کشور را بکمونیزم تسلیم خواهد کرد

عده‌ای دراین فکرند که شاید رویه منفی او درمسئله دفاع ازکشور وحفظ امنیت ناشی از عقیده فلسفی یا مذهبی او مبنی برصلح طلبی بوده است .

بعقیده من این نظر درست ومنطبق برحقیقت نیست زیرا او از شیوه آرامش طلبی ازنظر راه ورسم زندگی پشتیبانی نمیکرد و باخلاق «گاندی» متصف نبود . بلکه همیشه عده‌ای اوباش وماجراجو را تحت اختیار خود یا طرفداران خویش داشت که درشهر جولان میدادند وبه آزار واذیت مردم بی‌گناه میپرداختند بعلاوه باید درنظر داشت‌که پیروان گاندی پس از آزادی هندوستان اصل آرامش طلبی را به بی نظمی و تزلزل امنیت کشور تفسیر نکردند. هندوستان دارای ارتش زمینی ودریائی وهوائی نیرومندی است وهنگامیکه اغتشاشاتی دربمبئی ویا سایر مراکز مهم هندوستان روی میدهد نیروهای انتظامی باکمال قدرت دراتخاذ وسایل مؤثر برای برقراری نظم و آرامش درنك نکرده‌اند

سجیه غیرمنطقی مصدق همیشه او را وادار باعمال عجیب وغریب میکرد . اولین باری‌که باین سجیه وی توجه پیدا کردم در هنگام جنك بین الملل دوم واشغال ایران بوسیله قوای متفقین بود درآن موقع از طرز دخالت متفقین درامر انتخابات وتعیین نمایندگان بسیار ناراضی ومکدر بودم زیرا مامورین آنها صورتی از نامزد های خود تهیه‌میکردند وبه نخست وزیر وقت میدادند واو را درفشار میگذاشتند که حتماً نامزد های مزبور بنمایندگی انتخاب شوند . چون این مسئله برای من

تحمل ناپذیر بود بخاطرم رسید که درباره نحوه جلوگیری از این رویه شرم آور با مصدق مشورت کنم زیرا درآن زمان روابط من باوی که از خدمتگزاران محترم کشور بشمار میامد وبا هرگونه نفوذ خارجی در ایران مخالفت داشت خوب بود وفکر میکردم اگر اورا طبق مقررات قانون اساسی به نخست وزیری منصوب ومامور تشکیل دولت کنم ممکن است تقاضاکند انتخابات جدیدی که بطور یقین از نفوذ بیگانگان دور باشد درکشور بعمل آید. بدین جهت او را احضار کردم وفکرخود را با وی درمیان نهادم مصدق درجواب اظهارنمود که با دوشرط مسئولیت زمامداری را قبول خواهد کرد ووقتی پرسیدم آن دوشرط چیست گفت: اول گماشتن مامورین مسلح برای حفظ شخص اوست . این شرط را بلافاصله قبول کردم آنگاه گفت شرط دوم موافقت قبلی انگلیسها نسبت باین نقشه است ازاین شرط بسیار متحیر شده پرسیدم «روسها چطور؟» جواب داد : «آنها اهمیتی ندارندوفقط انگلیس ها هستند که نسبت بهرموضوعی دراین مملکت تصمیم میگیرند» از شنیدن این عبارت باو پرخاش نموده واستدلال کردم که پدرم هیچگاه عادت نداشت دراجرای تصمیمات خود موافقت انگلیسهارا جلب کند. این دلیل درمصدق اثر نکرد وبمن گفت هنوز جوانم واطلاعاتم درمسائل سیاسی کم است واصرار داشت که فقط بشرط موافقت انگلیسها بامن همکاری خواهد کرد.

این طرز فکر ورویه را خطرناك وموجب نگرانی یافتم با وجود آن میدیدم باید وضع حساس کشوررا هم درنظر گرفت که در چنك نیروهای اشغالگر افتاده ومیتوانند درهر امر داخلی ما مداخله کنند و درآن موقع بحرانی میهن پرستی مصدق و محبوبیتی که بین مردم دارد برای کشور مغتنم است بنابراین باکمال اکراه گفتم کسی را نزد سفیرانگلیس درتهران خواهم فرستاد وقصد خودرا باو اطلاع خواهم داد ولی برای اینکه درخواست مصدق را که فقط با سفیر انگلیس مشورت بشود نپذیرفته باشم باو گفتم کسی را نیز بسفارت روس یعنی کشور اشغالگر دیگر خواهم فرستادکه آنها را نیز ازاین نیت مستحضر سازد . روز دیگر مامورین من نتایج ملاقات خودرا با دوسفیر گزارش دادند سفیرکبیر انگلیس که درآن زمان سرر ریدربولارد بود

با این برنامه موافقت نکرده ومدعی شده بود که انتخابات عمومی جدید درآن موقع ایجاد تشنج خواهد نمود. ولی باید بگویم که سفیرکبیر روس هیچگونه مخالفتی دراین باره ابراز نداشته بود ورویه وی با مقایسه بروشی که روسها بعداً پیش گرفتند موجب مسرت بود.

پس از حصول اطلاع ازنظریه دوسفیر بدکتر مصدق تلفن کردم وجریان مذاکرات را باو گفتم او درپاسخ من تنها سپاسگزاری کرد ودیگر صحبت ما وعلاقه وی به تجدید انتخابات پایان یافت ونظرمن نیز برای انتصاب وی به نخست وزیری متوقف ماند.

چند ماه بعد قضیه دیگری پیش آمد که با عقیده ظاهری مصدق در مخالفت با بیگانگان تناقض عجیبی داشت . درآن زمان طبق مقررات مجلس شورای ملی حضور دوثلث عده نمایندگان برای مذاکرات وسه ربع عده نمایندگان برای اخذ رای درباره قوانین واجب بود . نمایندگان اقلیت مجلس که درحدود چهل نفر بودند با استفاده ازاین مقررات مداومة از حضور درجلسه خودداری میکردند وبدینوسیله جلسات را از اکثریت میانداختند واین گروه را مصدق رهبری میکرد . چون از این اعمال که برخلاف اصول میهن پرستی بود بتنك آمده بودم مصدق واعوان اقلیتش را احضار وعلت اینکه کارهای دولت را دچار اخلال میکنند استفسار کردم. اودر جواب سخنی گفت که مایه تعجب من گردید وآن این بود که گفت روسها با نخست وزیر وقت موافق نیستند پرسیدم چرا هدف وی دراین موارد فقط جلب رضایت روسهاست و آیا اگر دولت کوچکی با نخست وزیر ما مخالفت میکرد او چنین رویه‌ای را پیش میگرفت ؟ مصدق دربرابر این پرسش جوابی نداشت.

درخلال این احوال شرکت های نفت آمریکائی وانگلیس برای کسب امتیازات بیشتری از نفت جنوب اظهار علاقه میکردند و اتحاد جماهیر شوروی هم امتیازی درشمال ایران میخواست این مسائل به وجهه ملی مصدق افزود زیرا درسال ۱۳۲۳ مجلس طرحی را که وی تهیه کرده بود تصویب نموده بود وبموجب آن دولت از دادن هرگونه امتیاز نفت بدون اطلاع واجازه مجلس شورای ملی ممنوع گردید.

این طرح بسیار بموقع ولی درعین حال خود یکی از شواهد بارز روش منفی مصدق بود. پس ازخاتمه جنك مصدق کوشش کرد گروهی

افراطی که خودرا ناسیونالیست قلمداد میکردند باسم جبهه ملی تشکیل دهد وبتدریج افراد گوناگون از متعصبین مذهبی و دانشجویان وکسبه بازار و سوسیالیست ها بدور او جمع شدند . درظاهر این عده را یك عامل مشترك یعنی نفرت از بیگانگان ونفوذ اجانب بهم پیوست میداد این دسته دراجرای برنامه های منفی ضد اجنبی با یکدیگر همکاری میکردند . چندی بعد که دیگر نمیشد احتیاج ملت ایران را بکار های مثبت انکار کرد این دسته محکوم بشکست واضمحلال گردید.

درسال ۱۳۲۷ چنانکه قبلا ذکر کردم نسبت بمن سوء قصد شد. بمجردیکه مردم کشور من ازاین حادثه مطلع شدند یکدل ویك زبان بیاری وپشتیبانی من برخاستند ودر دنبال آن حزب توده غیرقانونی اعلام گردید ومن دراثر وفاداری ملت ایران توانستم وضع قانونی خود را استحکام بخشم.

درقانون اساسی ایران مصوب سال ۱۳۲٤ هجری قمری علاوه بر مجلس شورای ملی تاسیس مجلس سنا نیز پیش بینی گردیده است ولی تا سال ۱۳۲۹ بعلت مخالفت مجلس شورای ملی مجلس سنا تشکیل نیافته بود. درآن سال مجلس سنا تاسیس واولین جلسه رسمی آن تشکیل گردید . تقریباً درهمان موقع بودکه برحسب تصویب وتجویز مجلس اختیار انحلال مجلسین وصدور فرمان انتخابات جدید مانند سایر رؤسای کشور های مشروطه سلطنتی بمن تفویض گردید در اواخر سال ۱۳۲۸ بمنظور تقاضای افزایش کمك اقتصادی ونظامی بایران رهسپار آمریکا شدم درآن کشور استقبال بسیار گرم و دوستانه از من بعمل آمد ولی بدون حصول نتیجه بازگشتم زیرا با آنکه پرزیدنت ترومن درسال ۱۳۲٦ بمنظور جلوگیری از نفوذکمونیزم اصولی را اعلام داشته وکمکی که آمریکا در اجرای آن اصول بکشور های ترکیه ویونان کرده بود این دوکشور را بحفظ وصیانت استقلال خود موفق گردانیده بود ولی هنوز ازطرف دولت آمریکا سیاست روشن وصریحی درمورد خاورمیانه اتخاذ نشده بود . عدم موفقیت در این ماموریت بدون شك تا حدی تقصیر خود ما بود زیرا آمریکائی ها متوجه شده بودند که ما با جدیت واهتمام لازم باداره امور داخلی خو دنپرداخته‌ایم . شکست واضمحلال چین ملی‌که دراوائل همان سال پیش آمد موجب نگرانی شدید آمریکا شده وآن کشور را مصمم ساخته

بودکه تنها بکشورهائی کمک کند که درتصفیه وتنظیم امور داخلی ابراز علاقه کنند . بهمین جهت پس از بازگشت بوطن با نهایت جدیت باصلاحات داخلی پرداختم. در قدم اول عده‌ای ازمامورین ناصالح و فاسد را که سالها در دستگاههای دولتی کار میکردند از خدمت‌منفصل نمودم وبرنامه تقسیم املاک سلطنتی که مدتها مورد مطالعه قرار گرفته بود بمورد اجرا گذاشتم

مقارن همین ایام کشور ایالات متحده آمریکا برنامه مربوط باصل چهار ترومن را درکشور های مختلف جهان بمورد اجرا گذاشت . در خرداد ماه ۱۳۲۹ من سپهبد رزم آراء را به نخست وزیری منصوب نمودم واو با آمریکائیها قراردادی منعقد نمودکه بموجب آن دولت آمریکا رساندن کمك مختصری را بایران آغاز نمود درضمن‌این وقایع‌کمیسیونی برای مبارزه با فساد ونادرستی تشکیل دادم ولی دراثر عدم توافق بین اعضاء پیشرفتی حاصل نکرد درسال ۱۳۲۷ برای پیشرفت و توسعه امور اقتصادی کشور برنامه هفت ساله اول را با مشورت متخصصین آمریکائی وتصویب مجلس شورای ملی ایران بمورد اجرا گذاشتم عزم من آن بود به‌آمریکا ودنیا ثابت کنم‌که کشور ایران هرگونه کمکی راکه دریافت کند بمصارف سودمند ونافع خواهد رساند

با این وصف با تقاضای ما برای کمك های بزرك موافقت نشد و بجای آنکه سهمیه کافی بایران اختصاص داده شود دولت آمریکامبلغ مختصری از اعتبارات اصل چهار را بایران داد وبانك صادرات و واردات واشنگتن نیز با پرداخت وامی بمبلغ ۲۵ میلیون دلار موافقت نمود واین مبلغ با آنچه ما برای احیای اقتصاد کشورکه درنتیجه اشغال نظامی دوره جنك دچار اختلال شده لازم داشتیم رقم بسیار ناچیزی بود.

دراثر قطع امیدواری از مساعدت آمریکا بسیاری از مردم کشور معتقد شدند که ایالات متحده آنها را درتنگنا رهاکرده است و بهمین جهت کم‌کم افکار ضد آمریکائی بوجود آمد وموجب توسعه جبهه‌ملی گردید . کمبود پول فعالیت سازمان برنامه هفت ساله را کاهش داد و مشاورین آمریکائی توسعه امور اقتصادی تدریجاً ایران را بقصد وطن خود ترك گفتند دراین ایام مذاکراتی نیز برای ازدیاد سهم ایران از شرکت نفت جنوب که تعلق بانگلیسها داشت بین نمایندگان ما و

نمایندگان شرکت نفت ایران وانگلیس بدون حصول نتیجه در جریان بود ناچار برای تهیه وجوهی که دراثر کمك غیرکافی آمریکا لازم داشتیم یك قرارداد بازرگانی بمبلغ ۲۵ میلیون دلار درسال ۱۳۲۹ با روسها امضاء کردیم واین اقدامات بنفع مصدق وپیشرفت منظور های او تمام شدکه شرح آن میآید.

درسال های قبل‌ازملی شدن صنعت نفت شرکت نفت ایران‌وانگلیس افکار عمومی ایران را ناشنیده‌گرفته ونسبت بآن بی‌اعتنائی شگفت‌آوری ابراز میداشت ولی جریان وقایع ثابت کردکه این رویه‌کاملا برخلاف منافع شرکت مزبور بود چنانکه اقدامات وعملیات مصدق نیز دردوره نخست وزیری وی بضرر خود وکشورش تمام شد

شرکت نفت در آنموقع خوب میدانست‌که حق السهمی راکه شرکت های بزرك غربی برای تحصیل امتیاز نفت ازکشور عربستان سعودی وبعضی کشورهای امریکای مرکزی وجنوبی پذیرفته بودنداز میزانیکه درقرارداد ما باشرکت نفت معین شده بسیار مساعدتر بود بعلاوه ازعدم رضایت مانسبت بمالیات های‌گزاف وبیش ازحد تناسبی‌که شرکت به‌دولت انگلستان ازعوائدنفت میداد ومبلغ‌آن‌از حق‌الامتیازیکه بایران داده میشد نیز خیلی زیادتر بودآگاهی‌کامل داشت وهمچنین بخوبی میدانست‌که مااز عمل شرکت‌که قسمت عمده درآمدی راکه ازایران بدست میآورد درسایر نقاط دنیا صرف هزینه توسعه استخراج نفت میکرد بسیار ناراضی هستیم باوصف این مسائل شرکت نفت باعتراضات ماتوجه نکرده وسرمایه عظیم خودراکه درایران داشت بخطر انداخته بود دولت انگلیس هم‌که میتوانست شرکت راوادارباتخاذ رویه معتدلتر وعاقلانه تری نماید دراین راه قدمی برنداشت ونتیجه آن این بودکه شرکت نفت ودولت انگلیس احساسات ملی ایران را شعله‌ور ساختند وباعث تقویت جبهه ملی ونفوذ عوام فریبانه مصدق برمردم گردیدند وشروع بایجاد هیجان برای ملی شدن صنعت نفت کردند. رزم‌آرا نخست‌وزیر وقت با این وضع موافق نبود وامید داشت که بتواند قضیه رادر محیط دوستانه باشرکت نفت حل‌کندولی مصدق ویارانش برعلیه نخست وزیر وبیگانگان تظاهرات شدید کردند بالاخره روز ۱٦ اسفند ۱۳۲۹ یکی از اعضای دسته متعصب

فدائیان اسلام که ازمصدق پشتیبانی میکردند نخست‌وزیر را که برای شرکت درمجلس ترحیم یکی ازروحانیون وارد صحن مسجد شاه میشد ناجوانمردانه بقتل رسانید وچند روز بعد مجلس شورای‌ملی قانون ملی شدن صنعت نفت را که من کاملا باآن موافق بودم تصویب نمود . من بجای سپهبد رزم‌آرا حسین علاء را که ازسیاستمداران مورد احترام و دارای سابقه طولانی بود بنخست‌وزیری برگزیدم. حسین علاء طرفدار راه حل مسالمت آمیزی بودکه بتوان درعین ملی شدن صنعت نفت تاسیسات واستخراج وبهره برداری باکمك متخصصین خارجی اداره شود وکار ادامه یابد ولی‌افراطیون با چنین قراری موافق نبودندوعده‌ای آشوبگر بمناطق نفتی جنوب اعزام شدندکه درمیان کارگران تشنج وهیجان ایجادکنند وحزب توده نیز درعین غیرقانونی بودن بازتشکیل شده بود بااین آشوبگران دستیاری‌کرد درنتیجه چند نفرازمردم وسه نفر ازاتباع انگلیس بقتل رسیدند وشرکت نفت عملیات خود را قطع‌کرد وپرداخت کلیه وجوهیکه ازاین ممر بدولت ایران میرسید متوقف گردید مصدق بمردم وعده داده بودکه دوره فراوانی ورفاه فرامیرسد وهزینه آن از در آمد نفت که قانوناً حق ایران است تامین خواهد شد وهرروز سیصد هزار لیره ازشرکت بعنوان درآمدخواهد گرفت بااین وعده‌کسی نبودکه دیگربااو مخالف باشدزیرا قول میداد که ثروت سرانه هر فرد ایرانی را تأمین‌کند وباهر خارجی مبارزه نموده وحقوق ایران را حفظ نماید بنابراین تعجبی نداشت‌که طبقات مختلف ازدانشجو و بازرگان وکاسب وکارگر دوراورا بگیرند وتحت رهبری وی درآیند

مصدق باچنین وعده‌ها وجهه‌خاصی پیداکرد وعلاء که بیش‌از دوماه اززمامداری وی‌نگذشته بود ازکارکناره‌گرفت من‌مصدق رابنخست‌وزیری منصوب نمودم ودرآن هنگام‌کسی نبودکه بتواند برابر وی ایستاده وبا او برای احراز این مقام رقابت نماید. اکنون دیگرفرصت بزرك برای مصدق فرارسیده بود زیرا بیش از حد تصور خودش در نیل بآرزو ها ورؤیای امیدبخش خود ودستیارانش‌کامیاب‌گشته ومدتی درحدود دوسال درجلو خویش داشت ومیتوانست ازاین فرصت بحدکفایت استفاده کند واز حمایت و پشتیبانی من با آنکه یك چنین حمایتی برای من ملال‌انگیز

بود برخوردار باشد .

اینک باید دید مصدق چه کرد وچه مصیبت بزرگی برای مردم این کشور ایجاد نمود؟ درآنهنگام دولت انگلیس اعلام داشت که نیروی چترباز خودرا بقبرس روانه خواهد نمود وشهرت یافت که این نیرو برای اعزام بایران آماده میشود . رزمناو انگلیسی بنام موریتوس روبروی آبادان لنگر انداخته وشایع بودکه قسمت دیگری از نیروی دریائی انگلیس بسوی آبهای ایران بحرکت درآمده است

سفیرکبیر انگلیس را احضارکردم وباو خاطرنشان ساختم که اگر دولت انگلستان قصد تجاوز بحق حاکمیت ایران داشته باشد من شخصاً در رأس نیروی ایران قرار گرفته ودر برابر هرتجاوزی ایستادگی خواهم نمود. شایعات مزبور بعلت این اظهار صریح من یا بعلل دیگر صورت عمل پیدانکرد .

مصدق نیزمیتوانست برای بدست آوردن راه حل مثبت درمسئله اختلاف نفت چنین رویه محکم وصریحی را پیش گیردولی ابتکار عمل رابشرکت نفت گذاشته تمام وقت خود را صرف مبارزه ناشیانه با شرکت نفت سابق نمود ونسبت بتأثیری که اقدامات اوبحال کشور داشت بی اعتنا ماند وتاروزی که ازمقام نخست وزیری معزول گردید یك قدم بحل مسئله نزدیکتر ازروز نخست نشده بود

شورای امنیت سازمان ملل متحد وبانك بین المللی و دادگاه بین المللی وپرزیدنت ترومن و بعد از اوپرزیدنت ایز نهاور و چندین مؤسسه جهانی ومأمورین وابسته بآنها سعی کردندکه دررفع اختلافات موجود راه حلی پیداکنند ولی نتیجه ای نبخشید زیرا مصدق که هم کاملا دردست مشاورین خود وهم مقهور افکار لجوجانه خویش واقع شده ورویه منفی پیش گرفته بود امکان هرگونه توافق رااز بین برده وبجای آنکه وقت خود را باصلاحات وعمران کشور صرف کند به پرخاش جوئی میگذراند وچنانکه گفته خواهد شد خواهیم دیدکه برای ادامه زمامداری خود حاضر بچه اقدامات واعمالی گردید

مصدق درسیاست خود نسبت بدولت انگلیس وشرکت سابق نفت مرتکب دواشتباه عظیم گردید :

یکی اینکه اعتقاد راسخ داشت که دنیا بدون نفت ایران قادر بادامه

حیات اقتصادی وصنعتی خود نیست و بهمین مناسبت استدلال میکرد که بزودی شرکت سابق وسایر حامیان آن درمقابل وی بزانو درآمده وتسلیم خواهند شد ولی وقتی تولید نفت درایران متوقف شد سایر کشور های نفت خیز بمنظور جبران این‌کسر میزان تولید خود رابالاتر بردند . زیرا چون درجهان امروز کشورهای نفت‌خیز متعددی وجود دارد دیگر برای یك‌کشور امکان انحصار تولید نفت نخواهد بود ودر حقیقت دشواری تولید نفت درست عکس چیزی است‌که مصدق ودستیاران او تصور میکردند ، زیرا پس از سقوط مصدق که مجدداً نفت ایران جریان یافت بازارهای جهان دچار زیادی عرضه نفت بود وبهمین جهت چندین‌کشور مجبور شدند مقدار تولید خودرا برای ایجادتعادل بین عرضه وتقاضا تقلیل دهند . علت آنکه مصدق ویارانش چنان غیر مطلعانه رفتار کردند بنظر من این است‌که تصور میکردندکه تولید نفت فقط درانحصار ایران است

اشتباه دیگر مصدق آن بودکه تصور میکرد نفت ایران رامیتواند بدون‌کمك واستعانت خارجیان ببازار جهان عرضه نماید. در آن زمان ایران حتی دارای یك‌کشتی نفتکش نبود وسازمان فروش بین‌المللی نفت نیز نداشت درفصل دیگر شرح رویه عملی‌که من و دولت برای تهیه کاروان کشتی نفتکش وایجاد وسایل فروش نفت در خارج ایران اتخاذ کرده‌ایم داده خواهد شد مصدق‌که ازیکطرف باکلیه شرکتها ومؤسسات بزرك قطع رابطه نموده بود واز طرف دیگر وسایل مؤثری برای حمل ونقل وفروش نفت‌که مارا ازسازمان های خارجی بی‌نیازکند فراهم نیاورده بود خود را در وضع غیر قابل تحملی قرار داده بود

هنگامیکه صنعت نفت درایران‌ملی اعلام ومصدق به نخست‌وزیری منصوب‌گردید دولت انگلیس وشرکت نفت مآل‌کار را فوراً اندیشیده وسیاست قبلی خودرا تغییر دادند واصل ملی شدن رارسماً پذیرفتند ودیری نگذشت‌که هیئت استوکس را به‌تهران اعزام داشتند در آنموقع دولت انگلیس موافقت نمودکه کلیه درآمد نفت بالمناصفه (پنجاه ـ پنجاه) بین دوکشور تقسیم شود .اگر درآن هنگام مصدق بمذاکره حسابی و معقول موافقت کرده بود هموطنان من از محرومیتهای اقتصادی ومخاطرات ناشی ازآ ن درامان می‌ماندند من هنوز تصور

میکنم که شخص مصدق با وجودتمام لجاج واستبداد رأی خطرناکی که داشت تاحدی مایل بودکه بین طرفین توافق نظر حاصل شود ولی نسبت بمشاورین او سخت مشکوکم وگمان میکنم که عده‌ای ازآنها بااشتیاق تمام امیدوار بودندکه کوچکترین راه‌حلی پیدا نشود تاکشور باشکست اقتصادی مواجه گردد ودرنتیجه تحت استیلای خارجی قرارگیرد . این نوع ناسیونالیسم منحرف را درفصل بعد تشریح خواهم نمود

هنگامیکه مصدق پیشنهاد های هیئت استوکس رارد کرد . شرکت سابق نفت ودولت انگلیس هریك بطور جداگانه بدادگاه بین‌المللی لاهه شکایت کردند وهردو درعرضحال خود بقرار داد ۱۳۱۲ که دولت پدرم باشرکت سابق منعقد نموده بود وتاموقع ملی شدن نفت برطبق آن عمل میشد استناد جستند . برطبق قرارداد مزبور در صورت بروز اختلاف بین ایران وشرکت نفت بایستی قضیه به حکمیت رجوع شود و بهمین دلیل ازدیوان داوری لاهه تقاضا شده بودکه باتکای ماده مربوط بحکمیت یکنفر داور تعیین نمایند

ولی مصدق دادگاه بین‌المللی را دراین مورد واجد صلاحیت ندانست ودر نتیجه دولت انگلیس قضیه را بشورای امنیت سازمان ملل متحد احاله داد شورای مزبور پس از مذاکرات زیادی در مهرماه ۱۳۳۰ مقرر داشت که قضیه مسکوت مورد شور قرار نگیرد تادادگاه بین‌المللی درباره صلاحیت یا عدم صلاحیت خود دردعوای مزبور اظهار رأی نماید. درهنگامیکه مصدق برای اقامه دعوای ایران درشورای امنیت به‌نیویورك رفته‌بود من بمنظور تشویق تلگرافی بوی مخابره کردم که بشرح زیر بمن پاسخ داد :

از نیویورك ـ ۳۱ اکتبر ۱۹۵۱

پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ـ تهران

دستخط تلگرافی ذات مبارك شرف وصول بخشید وبیش ازآنچه تصور شود موجب سرافرای وتشکرگردید از خداوند سلامتی وطول عمر وموفقیت روزافزون اعلیحضرت همایون شاهنشاهی را همواره آرزو کرده‌ام وعرض میکنم که هر موفقیتی درهر جا وهر مورد تحصیل شده مرهون توجهات وعنایات ذات اقدس ملوکانه است که همه وقت دولت

را تقویت و رهبری فرموده‌اند بطوریکه بوسیله جناب آقای وزیردربار بعرض مبارك رسید روز دو شنبه را به فیلادلفیا و صبح سه شنبه به‌واشنگتن میرود وجریان را در همانجا به پیشگاه مبارك معروض‌خواهد داشت اجازه میطلبد یکبار دیگر از عنایات و توجهات خاصه شاهنشاه جوانبخت خود عرض سپاسگزاری نماید.

دکتر مصدق

قضاوت در صحت اظهاراتیکه در این تلگراف مندرج است باتوجه بحوادثی‌که بعداً رخ داد بخوانندگان واگزار میگردد

در اواخرسال ۱۳۳۰ بانك بین‌المللی عمران وتوسعه بعنوان میانجی دوستانه برای حل اختلافات موجود دامن همت بکمرزد. در وهله اول احتمال میرفت‌که در مذاکرات توفیقی حاصل شود وخود مصدق هم با شرائطی‌که بانك پیشنهاد میکرده‌وافق بودولی مشاورین وی بدلائلی‌که خود از آن آگاه بودند او را از قبول‌آنها منصرف‌کردند و مذاکرات بکلی‌قطع‌گردید. درهمین‌موقع دولت‌مصدق دستوردادتمام کنسولگری‌های انگلیس در ایران بسته شود پس از افتتاح دوره هفدهم مجلس شورای ملی‌مصدق‌که هنوزموردمحبوبیت بود مجدداً نامزدنخست‌وزیری گردید وی در ابتدای تابستان ۱۳۳۱ اعلام نمود که تا اختیارات فوق‌العاده نگیرد قادر بانجام وظیفه نخواهد بود . چون از مخالفت مجلس ومردم نسبت بسیاست خود بیمناك بود درخواست کردکه بوی اختیار داده شودکه تامدت شش‌ماه بدون مراجعه بمجلس شورای ملی‌کارکند وهمچنین درخواست نمودکه وزارت جنك نیزبوی واگزار شود وامیدوار بودکه بدینوسیله قدرتی راکه قانون بعنوان فرمانده کل‌نیروهای ایران بمن داده است خنثی کند.

ازپذیرفتن تقاضای وی امتناع کردم زیرا قطع داشتم که اگر این اختیارات آنست‌که‌کمونیستها بیشتردراموررخنه یابند وچنانکه‌خوانندگان خواهند دیدوقایع‌آینده ثابت‌کردکه‌نظرمن‌صحیح‌بوده‌است. مصدق‌روز۲۵ تیراز نخست وزیری استعفاکرد ومن بر خلاف نظر باطنی خود احمد قوام راکه درگذشته شاغل مقام نخست وزیری بودبجای وی بنخست وزیری برگزیدم زیرا بزعم عده‌ای قادربود دربرابر دست چپی ها سخت مقاومت نماید.

باروی کارآمدن قوام‌السلطنه حزب توده بلافاصله بطرفداران مصدق پیوستند ودست بتظاهر وآشوب زدند ونظم وقانون مختل گشت ودولت قوام دربرابر عناصر اخلالگر وافراطی ناتوان ماند. ضمنانطقی‌که قوام در رادیوکرد ودرآن مخالفت خودرا بااحساسات شدید عامه درمسئله ملی شدن نفت اظهار نمود اوضاع راوخیمتر ساخت.

قوام بعلت‌کبرسن بسیار ناتوان وبیمارشده وغالبادرجریان مذاکرات مهم سیاسی بخواب میرفت وهرچند حقیقتاً درحل مسائل باعمال قدرت معتقد بود ولی من وجداناً نمیتوانستم اجازه اتخاذ چنین رویه‌ای را بشخص ناتوانی مانننداو بدهم. ناچار پس ازچهارروز نخست وزیری بصلاحدیدمن ازنخست وزیری استعفا داد واین نکته واضح گردیدکه درآن روزکسی قادر بمقاومت درمقابل مصدق نیست. روز۳۰ تیربمنظور جلوگیری ازجنگ داخلی اجباراً شرایط مصدق راپذیرفته وویرا مجدداً بنخست وزیری منصوب نمودم. درهمین موقع دادگاه بین‌المللی لاهه درقضیه شکایت انگیس ازایران رای بعدم صلاحیت خودداد. قاضی انگلیسی دادگاه بنفع ایران رای داد ولی نماینده روسیه ازرای دادن امتناع‌ورزید ودرحقیقت درهیچیك ازجلسات دادگاه حضور نیافت

رای صادره ازدادگاه بین المللی لاهه موجب مسرت و رضایت ایرانیان گردید ولی رای مزبور بنفسه هیچگونه مشکلی راحل نکرد و فقط مصدق آنرابعنوان یکی دیگر ازپیروزیهای منفی خود بحساب‌آورد ومردم ازشادمانی بهیجان آمدند ومصدق راه خودرا برای وصول بیك پیروزی منفی بزرگی دنبال نمود.

دولت امریکا ازدرهم ریختگی اوضاع سیاسی واقتصادی ایران بسیار بیمناك ونگران گردیده وبهمین جهت روز۸ شهریور پرزیدنت ترومن رئیس جمهور امریکا وچرچیل نخست وزیر انگلستان یادداشت مشترکی که شامل راه حل جدید برای رفع اختلافات نفت بود برای مصدق ارسال داشتند ولی مصدق پیشنهاد های آنهارا نپذیرفت وروز ۳۰ مهر بادولت انگلیس قطع رابطه سیاسی نمود.

درتمام این مدت تاسیسات معظم نفت آبادان‌که هنوز ازبزرگترین پالایشگاههای جهان است کاملا عاطل وبلا استفاده مانده و هیچگونه

درآمدی برای ایران نداشت .

مصدق کوشش کردکه بشرکت های کوچك خارجی که حاضربودند خودرا بخطر دعاوی شرکت نفت سابق وتصرف مالی که ازنظر شرکت غصبی بود بیاندازد نفت بفروشد ولی جمع کلی این فروشها از عایدی یك روز ما دردوران فعالیت گذشته پالایشگاه کمتربود.

دراین جریان پرزیدنت آیزنهاور بریاست جمهوری آمریکا انتخاب شد وباتفاق مسترچرچیل پیشنهادهای مشترك دیگری بمنظور حل اختلافات وبکار انداختن مجدد صنعت نفت وتامین درآمد ایران بدولت تسلیم داشت ولی مصدق این پیشنهاد ها را نیز مانند پیشنهاد های گذشته ردکرد. متعاقب این وقایع پیروزی های منفی دیگری‌برای مصدق پیش آمد. دوهفته پس ازآنکه من مجلس سنارا افتتاح کردم مصدق مجلس شورای ملی را بانحلال آن وادار ساخت ولی مجلس شورای ملی راکه کاملا دست نشانده وپشتیبان اعمال خود ساخته بود منحل ننمود.

دردیماه ۱۳۳۱ مجلس شورای ملی بارضایت من واکثریت‌آراء اختیارات مصدق را تمدید نمود. علت رضایت من‌آن بودکه میخواستم هرگونه مجال برای اجرای سیاست مثبتی درامر نفت بوی داده شده باشد ولی متاسفانه مصدق اختیارات مزبور را بیش ازپیش برای پیشرفت مقاصد شخصی خود مساعد یافته وباختناق مطبوعات وتوقیف مدیران جراید پرداخت وچون بعضی ازنمایندگان مجلس شهامت بخرج داده وبا وی مخالفت کرده بودند بتضعیف قدرت مجلس اقدام نمود ودستور داد طرفداران او جلسات را با عدم حضور خود ازرسمیت بیاندازند و بوسیله افراد اوباش طرفدار خود بارعاب وتخویف نمایندگان مخالف مبادرت نموده وآنهارا درمنازل خود ویا درمعابر عمومی مورد تهدید قرار داد

شخصی که پیوسته ازخطر تنزل ارزش پول مردم را برحذر مینمود خود بچنین امری مبادت کرد ومعادل میلیارد ها ریال اسکناس بدون افزایش پشتوانه طلا ویا ارز خارجی انتشار داد وفرماندهان نیروهای انتظامی و واحدهای ارتشی را از یاران وفادار خود آنتخاب نمود و بکمونیست های حزب توده اجازه داد و بعقیده عده کثیری‌آنهارا تشویق نمود که درارتش نفوذ کنند . وی حکومت نظامی را تمدید کرد و مجلس

شورای ملی را واداشت که یک کمیسیون هفت نفری از اعوان و انصار وی تشکیل دهد تا درطرز محدود ساختن اختیارات من بعنوان فرماندهی کل نیروهای کشور مشورت واظهار نظر نمایند کمیسیون مزبور گزارش مفصلی دراین باره تهیه نمود و مصدق تقاضا کرد که آن گزارش در مجلس شورا طرح شود ولی مجلس شورای ملی باین طرح وتقاضای مصدق اعتنائی ننمود و طرفداران سابق او حتی کاشانی در مجلس با رویه وی بهیچوجه روی موافق نشان ندادند.

مصدق دیوان عالی کشور را منحل وانتخابات مجلس شورای ملی را متوقف ساخت وچون بعضی از نمایندگان باشهامت بمخالفت وی برخاسته بودند اعلام کرد که باید بهآراء عمومی مراجعه وبوسیله رفراندوم مسئله انحلال مجلس شورای ملی حلگردد .

نمایندگان بیاد داشتندکه مصدق هنگام گشایش همین دوره مجلس شورای ملی درطی سخنرانی کوتاه خود گفته بود که هشتاد درصد از نمایندگان منتخبین حقیقی ملت هستند دراین رفراندوم مصدق که خودرا همیشه قهرمان و مدافع انتخابات آزاد قلمداد میکرد کار را طوری ترتیب داده بودکه کسانیکه باانحلال مجلس موافق بودند رای خود را دریك صندوق که از حیث رنك بسیار مشخص بود بریزند و مخالفین رای خودرا درصندوق دیگر بیاندازند و همه میدانستند که با این ترتیب اگرکسی جرات کرده میخواست رای مخالف بدهد بدون تردید مورد ضرب وشتم واهانت اراذل واوباش طرفدارمصدق وتودهایها که به آنها ملحق شده وتمیز بین این دودسته دیگر غیرممکن شده بود قرار میگرفت . نتیجه انجام رفراندوم همان بودکه مصدقمیخواست چنانکه هیتلر هم پیش ازوی همین عمل را انجام داده بود و ۹۹٪ (نود ونه درصد) مجموع آراء موافق انحلال مجلس شورای ملی بود ودریکی از شهرهائیکه جمعیت آن ۳۰۰۰ نفر است ۱۸۰۰۰ رای موافق بـانحلال مجلس داده بودند ظاهرا در آن شهر و بسیاری از شهر های دیگر اموات نیز ازگور بیرون آمده ورای خودرا در صندوق ریخته بودند ! اما ازیك نظر باید گفت که اموات هم دراین انتخابات وسایر انتخابات ساختگی مصدق شرکت کرده بودند زیرا صد ها نفر از کسانیکه خواسته بودند رای واقعی بدهند جان خودرا ازکف داده وبقتل

رسیده بودند

در طی سالیان درازی که مصدق نمایندگی مجلس شورای ملی را داشت همواره خود را طرفدار جدی اصول مشروطیت و اجرای قانون ودولتی که از طرفداری اکثریت نمایندگان برخوردار باشد وانمود میکرد و نسبت بحکومت نظامی مخالفت ورزیده و بستایش انتخابات آزاد و آزادی مطبوعات اهتمام داشت.

همین مصدق درطی چند ماه مجلس سنا و عالیترین مرجع قضائی کشور را منحل نمود و مردم را برای انحلال مجلس شورای ملی برانگیخت باختناق مطبوعات اقدام نمود ، انتخابات آزاد را ازمیان برد وحکومت نظامی را تمدید نمود وبرای تضعیف اختیاراتی که بموجب اصول مشروطیت بمن تفویض شده بود نهایت کوشش کرد وقانون اساسی پنجاه ساله کشور راکه بمجاهدت بسیار بدست آمده بود بدین کیفیت زیرپاگذاشت و با وصف همه این اقدامات مصدق جز با فراهم ساختن وسائلی برای برانداختن شاه مملکت نمیتوانست به آرزوی خود رسیده ودر کشور دیکتاتور مطلق بشود.

با آنکه من جان اورا نجات داده بودم ودر آغاز کار از مساعدت و حمایت من برخوردار بود این نکته برای من واضح بود از همان روزی که بمقام نخست وزیری رسید منظورش برانداختن سلسله من است. قرائن متعدد این مسئله را تایید میکرد زیرا او از منسوبین قاجاریه بود وبا روی کار آمدن پدرم شدیداً مخالفت کرده وسیاستش این بود که هرچه ممکن است سعی کند سلسله پهلوی را بی اعتبار ساخته وذره ذره موجباب نابودی آنرا فراهم کند. اگر ازمن بپرسند با آنکه ازدشمنی وی نسبت به خاندان پهلوی مطلع بودم چرا برعلیه وی اقدامی نکردم جواب من این است که میخواستم بوی فرصت کافی بدهم که بانجام مقاصد وآمال ملی ایرانیان توفیق یابد. هرچه بمیزان تهدیدات او نسبت به سلسله پهلوی افزوده میشد میدیدم مصدق بیک عقیده‌ای که از خارج ایران سرچشمه میگرفت بیشتر تسلیم میشود آتشی از تأثر وتأسف درقلبم زبانه میکشید.

روز ۹ اسفند ۱۳۳۱ مصدق بمن توصیه کرد که موقتا ازکشور خارج شوم برای اینکه ویرا دراجرای سیاستی که پیش گرفته بود

آزادی عمل بدهم و تا حدی از حیل ودسایس وی دور باشم با این پیشنهاد موافقت‌کردم مصدق پیشنهاد کرد که این نقشه مسافرت مخفی بماند واظهار داشت که به فاطمی وزیرخارجه وقت دستورخواهد داد شخصا گذرنامه وسایر اسناد مسافرت من وهمسرم و همراهانم را صادر کند .

جالب توجه آن بود که مصدق با التهاب مخصوصی توصیه میکرد که با هواپیما از ایران خارج نشوم زیرا میدانست مردم ایران که مخالف این تصمیم خواهند بود درفرودگاه ازدحام خواهند کرد ومانع پرواز من میشوند.

ازاینرو پیشنهاد کرد که تا مرز کشور عراق وبیروت بطورناشناس مسافرت کنم . با این پیشنهاد هم موافقت شد اما این راز برملا گردید وتظاهرات وفاداری بشاه که ازطرف جمعیت عظیم مردم کشور بعمل آمد بقدری صمیمی واقناع کننده بودکه اجبارا از تصمیم خود درترك وطن عدول کردم در این موقع حزب توده باصلاح اندیشی مسلم جمعی از پیروان مصدق بدون درنك جبهه واحدی علیه سلطنت تشکیل داد . ولی این عمل مردم رشید ایران را درحمایت ازمن وپشتیبانی از مقام سلطنت که من مظهر آن بودم متحد ومتفق ساخت.

اینك که بگذشته مینگرم می بینم که تصمیم من دررفتن از وطن بسیار با عجله اتخاذ شده ودر حقیقت عمل بسیار خطائی بود نهایت آنکه درنتیجه عنایات خداوند تبارك وتعالی آن تصمیم بنفع من خاتمه یافت

درتابستان سال ۱۳۳۲ تغییرات محسوسی درروحیه ملت ایران نسبت به اعمال مصدق آشکار گردید وبسیاری از یاران وپیروان او از اطرافش پراکنده شدند زیرا متوجه شدند که سیاست ضد خارجی وی جنبه انتخاب یافته ومنظور اصلی او آنست‌که انگلیسها را بیرون‌کند وکمونیستهارا بایران بکشاند جریان وقایع مردم را آگاه ساخت‌که کشورشان با سرعت تمام بسوی اضمحلال سیاسی واقتصادی میرود.
عمل مصدق در انحلال مجلس شورا نیز نتوانست افکار عمومی راکه مخالف وی بود خفه کند . روزنامه نگاران از تهدیدات اوباش طرفدار مصدق واعمال حزب توده نهراسیده سیاست ویرا برای مردم تشریح وتوجیه میکردند

بسیاری از روحانیون ودانشجویان وبازرگانان که قبلا در زمره حامیان مصدق بودند ازاو روبرگردانیده وعلم مخالفت برداشتند ولی با تمام این احوال واضح بودکه برای برانداختن قطعی وی جز اعمال قدرت راه دیگری نیست .

سیاست آمریکا درطول دوره زمامداری مصدق حاکی ازآن بود که نگرانی آن دولت از اوضاع ایران روزافزون ودر اتخاذ طریق مؤثری برای ایجاد ثبات سیاسی وتوسعه اقتصادی ایران دچار تردید است.

درسال مالی ۱۳۲۸ ـ ۱۳۲۹ دولت آمریکا فقط مبلغ ۵۰۰٫۰۰۰ دلار طبق برنامه فنی اصل چهار بایران کمك کرد ودرسال مالی ۱۳۲۹ ـ ۱۳۳۰ میزان این‌کمك به ۱٫۶۰۰٫۰۰۰ دلار افزایش یافت ولی پس‌از روی‌کارآمدن مصدق این‌کمك‌مالی‌به ۲۳٫۴۰۰٫۰۰۰دلاربالغ‌گردیدکه‌قسمت عمده آن برای رفع کمبود ارز کشور که دراثر قضیه نفت بوجود آمده بود اختصاص داده شده بود

درخرداد ۱۳۳۲ آیزنهاور بمصدق اخطار کرد که تا اختلافات حاصله درقضیه نفت حل نشود ایالات متحده میزان کمك مالی خودرا افزایش نخواهد داد ولی درعین حال موافقت کرده بودکه کمك مالی بمیزان سال قبل ادامه یابد .

درضمن اصرار کرده بودکه کشور ایران باید ازرویه عدم استفاده از منابع بزرك خود عدول نماید ودرسال مالی ۳۱ ـ ۱۳۳۲ کمك آمریکا مختصری تقلیل یافته وبمیزان ۲۲٫۱۰۰٫۰۰۰ دلار تعیین گردید این موضوع نشان میدادکه آمریکائی ها باوجود آنکه چندان رغبتی بتامین خساراتی‌که اشتباهات مصدق بایران وارد نموده بود نداشتند معهذا بیم آن داشتند که قطع کامل کمك مزبور ایران را درآغوش کمونیزم بیاندازد

رویه مصدق نسبت به برنامه کمك امریکا بسیار مضحك بود زیرا وی درسال ۱۳۳۰ حاضر نشد قرارداد مربوط بکمك امریکارا طبق رویه‌ای‌که درسایر کشور هامعمول بود باسفیر کبیر امریکا امضاء کند ولی درعوض طی یادداشتی از رئیس اداره کمکهای فنی امریکا در ایران تقاضای ادامه کمکهای فنی سالیانه رانمود وی نیز کتباً موافقت

کردوکمکهای مالی سنواتی بشرحی‌که دربالا گفتیم ادامه یافت.

درسال ۱۳۳۲ وقتی عده کثیری از یاران وی از اطرافش پراکنده میشدند پی‌درپی لاف میزد که آمریکا طرفدار رژیم اوست ضمنا بامریکائیها اخطار میکرد که اگر باو بیش از پیش کمك نکنند احتمال دارد که ایران بدامن کمونیزم بیفتد ولی درضمن نسبت بعملیات حزب توده سیاست مسامحه پیش گرفته واجازه میداد که روز بروز برقدرت خود بیفزایند. بنظر من آمریکائیها از این رویه ضد ونقیض کاملا آگاه بودند ولی طبعاً احساس میکردند که خود ملت ایران باید مسائل سیاسی کشور خویش را حل کند . چنانکه مانیز همین رویه را عاقبت پیش گرفتیم

مصدق دراواخر حکومت خود نیروی زرهی وسایر افرادی را که مامور حراست منزل وی بود تقویت کرد ولی درعوض تانکهای مامور حراست کاخ ییلاقی سعد آباد راکه محل اقامت من وملکه ثریا بود تقلیل داد ودر حقیقت دوازده تانك متوسط ساخت آمریکا بمحافظت منزل او اختصاص یافته بود درصورتیکه کاخ وسیع سعدآباد تنها بوسیله چهار تانك حراست میشد وواضح بودکه تاب حملات ناگهانی توده‌ای ها را درصورت بروز نخواهد آورد

در اثر این عمل من وهمسرم بکاخ خود در رامسر رفتیم و مدتی درعمارتی‌که پدرم در کنار دریا ساخته بود وچندگاهی هم در عمارت کوچك ییلاقی کلاردشت که شرح زیبائی طبیعی آن سابقاً داده شداقامت نمودیم

در۲۲ مردادماه سال ۱۳۳۲ احکام انفصال مصدق رااز مقام نخست وزیری وانتصاب سرلشگر زاهدی را بجای وی امضاء کردم و ماموریت خیلی دقیق ابلاغ احکام را بسرهنك نعمت‌الله نصیری فرمانده گارد شاهنشاهی محول نمودم

شرح اتفاقاتی‌که برای سرهنك نصیری درانجام این ماموریت پیش آمده بود حکایت سه تفنگدار الکساندردوما را بیاد من میاورد با این تفاوت‌که داستان‌دوما افسانه‌ای بیش نیست ولی ماجرای سرهنك‌نصیری یکی از وقایع حقیقی تاریخ معاصر ماست .

پس ازآنکه سرهنك نصیری ازرامسر بکاخ سعد آباد رسید ابتدا

عازم ابلاغ فرمان من بسرلشگر زاهدی گردید . باید این نکته را یادآور شوم‌که زاهدی از طرفداران نزدیك مصدق و زمانی وزیر داخله دولت او بود ودر اوایل دوران زمامداری رزم آرا سمت ریاست کل شهربانی راداشته ودرانتخاب مجدد مصدق به نمایندگی مجلس کوششها کرده بود زاهدی درآن موقع درنزدیکی های تهران بود ولی جز چند تن از دوستان نزدیکش کسی از محل اقامت وی که هرروز آنرا عوض میکرد اطلاع نداشت زیرا او بی پروا از عملیات بد رویه مصدق انتقاد کرده ویکباردستگیرشده وپس‌ازآزادی چون تامین‌جانی‌نداشت درمجلس متحصن گردیده وپس از ترك تحصن ناگزیر بود در خفا بسربرد.

سرهنك نصیری باکمك وراهنمائی واسطه های مختلف بسرلشگر زاهدی دسترسی یافته وفرمان مرا بوی ابلاغ نمود ووی نیز فوراً آمادگی خودرا بقبول این ماموریت اعلام داشت .

اکنون موقع آن بودکه فرمان عزل بمصدق ابلاغ شود. ابتدا بدستور زاهدی سرهنك نصیری سه تن از مشاورین نزدیك مصدق را توقیف کردکه از آنها راجع بروشی‌که ممکن بود مصدق پیش بگیرد اطلاعاتی بدست آید

زاهدی بسرهنك نصیری دستور داده بودکه حتی‌الامکان فرمان را بدون واسطه بشخص مصدق ابلاغ کند ورسید دریافت دارد تانتواند بعداً وصول آنرا منکرشود. ضمناً خودمن نیز قبلابه نصیری تاکیدکرده بودم مراقب باشد هیچگونه آسیبی بمصدق وارد نیاید.

درحدود ساعت یازده شب ۲۵ مرداد سرهنك نصیری باتفاق دوتن ازافسران خود ازکاخ سعدآباد بسوی منزل مصدق حرکت کردند آنروز روزنامه های طرفدار کمونیزم درسرمقاله هائی باعناوین درشت نوشته بودند که ممکن است سرهنك نصیری دست به کودتا بزنند و بهمین ملاحظه این سه افسرکمال احتیاط رامرعی میداشتند.

درنزدیکی منزل مصدق متوجه شدند که اطراف خانه راسربازان وتانکهای سنگین گرفته‌اند وبه‌آنها دستورداده شده است که به هیچکس ومخصوصاً افرادگارد شاهنشاهی اجازه ورود ندهند. سرهنك نصیری ودو نفر افسر دیگر باین دستور وقعی ننهادند و با خونسردی

تمام ازمقابل دهانه توپ های تانك گذشته وخودرا بجلودرب ورودی منزل مصدق رسانیدند. سرهنك نصیری درست پیش بینی کرده بود که چون سربازان وافراد مامور تانك ویرا میشناختند ورعایت احترام میکردند بطرفاواقدام به‌تیراندازی نخواهندکرد سرهنك نصیری‌بوسیله یکی ازافسران مأمور خانه مصدق تقاضای ملاقات مصدق راکرد ولی این تقاضا قبول نشد. ناچار ازیکی ازافسران مصدق‌که تاحدی مورد اطمینانش بود قول گرفت که فرمان رابمصدق ابلاغ ورسید آنراگرفته و بسرهنك برساند ومدت یکساعت ونیم بانتظار بازگشت افسر توقف کردکه بعداً معلوم شد علت اینهمه تاخیر مذاکرات تلفنی مصدق با مشاورین وهمکارانش بوده است. بالاخره رسیدی راکه مصدق بخط خود نوشته بود بسرهنك داد وسرهنك‌که باخط مصدق آشنا بود از جعلی نبودن رسید اطمینان یافت ودر آنموقع‌که یکساعت ازنیمه شب گذشته بود قصد مراجعت نمود.

اما قبل ازاینکه ازمنزل خارج شود باو اطلاع دادند که بامـر سرتیپ ریاحی رئیس ستاد ارتش مصدق باید اورا فوراً بستاد ببرند. نصیری پیش خودبتصوراینکه این ملاقات باریاحی‌فرصت مناسبی بدست وی خواهد دادکه امر مرادر برکناری اواز ریاست ستاد باطلاع وی برساند فوراً بطرف وزارت جنك حرکت میکند واورا بدفتر رئیس‌ستاد ارتش میبرند. ولی بمحض بازکردن دراطاق‌متوجه میشودکه سرتیپ ریاحی هفت تیر خودرا ازکشو میزش خارج نموده و میخواهد پشت سر خود پنهان کند وظاهراً ازاین میترسیده است‌که ازطرف سرهنك مورد سوء قصد قرار گیرد.

رئیس ستاد سرهنك نصیری رامتهم بطرح کودتا ورفتار خلاف تربیت میکند ولی سرهنك درپاسخ اظهار میداردکه فقط فرمان مرا به مصدق ابلاغ داشته وصحبت کودتا درکار نیست ورسید مصدق رابوی نشان میدهد. ریاحی میپرسد این معمول کجاست که فرامین رادرنیمه شب ابلاغ کنند؟ نصیری جواب میدهد برطبق کدام اصول ادب ومبانی نظامی این‌وقت شب رابرای مذاکره اختصاص میدهند؟ ریاحی میگوید که هرگز نصیری رابرای این گستاخی نخواهد بخشید وبلافاصلـه دستورمیدهدکه لباس نظامی اورابکنند وتحویل زندانش دهند.

وقتی بعد برادر سرهنك ازتوقیف اوباخبر میشود لباس خواب و بعضی لوازم دیگررا ماهرانه درروزنامه‌ای‌که متن فرامین صادره از طرف مراجاپ کرده بود پیچیده وبسرهنك میرساند. صبح روز بعد دادستان ارتش‌که طبعا ازطرف مصدق به‌آن سمت منصوب شده بود ازسرهنك نصیری بازجوئی میکند ومدعی میشود که فرمان عزل ازطرف من صادرنشده وخود سرهنك بقصد کودتا آنرا جعل‌کرده است سرهنك روزنامه‌ای راکه برادرش باو رسانده بوده ارائه میدهد و بازجوئی از وی بهمین جا خاتمه یافته واورا مجدداً بزلدان میبرند.

روزدیگر سرهنك نصیری بوسیله دستگاه رادیو کوچکی‌که دیگران مخفیانه بزندان آورده بودند مطلع میشودکه درشهر انقلابی برپاگشته ومردم برعلیه مصدق قیام نموده‌اند وصدای فریاد وهیاهو وشلیك توپ که ازخارج بلند است شواهدآن است. چندلحظه بعد فرمانده زندان وارد شده بسرهنك نصیری دستور میدهد لباس نظامی خودرا پوشیده وآماده حرکت شود. علت این دستورآن بوده است‌که میخواستند زندان را تخلیه کنند.

وقتی سرهنك نصیری ازاطاقیکه درآن محبوس بوده خارج میشود مطلع میشود که مردم شهر یعنی افرادعادی که بچوب مسلح‌بوده‌اند بزندان هجوم آورده وباآنکه سربازان مراقب زندان به‌آنها فرمان توقف داده‌اند باز پیش می‌آیند دراین موقع سربازان شروع به تیراندازی میکنند ودراثرآن یك زن کهنسال وچندتن ازجوانان بخاك و خون غلطیده وعده کثیری نیزمجروح میشوند ولی دیگران ازهجوم دست برنمیدارند تابالاخره سربازان محافظ فرار میکنند ومردم زندان را تسخیر مینمایند.

دراینموقع حیاط زندان تبدیل بمحل شورو شعف میشود. صد هازندانی‌که وفاداری خودرا بمن بروزداده واز طرف مصدق زندانی شده بودند بدست مردم آزاد میشوند. هنگامیکه رئیس سابق ستاد ارتش که ازطرف من منصوب وبامر مصدق زندانی شده بود دربین جمعیت ظاهر میشود مردم بافریاد های شادمانی اورا بردوش گرفته وبطرف دفتر ستاد میبرند.

بدین ترتیب مردم نه تنها وفاداری خویش را نسبت بمن با آن روشنی وصمیمیت نشان میدهند بلکه شادمانی خویش را از اینکه ازشر تروریست های توده‌ای ورژیم مصدق خلاص گشته بودند ابراز میدارند وسرتیپ ریاحی رئیس ستاد ارتش که دست نشانده مصدق بود فرار اختیار میکند. سرهنگ نصیری وسایر افسران وافرادی که آزادشده بودند بطرف پاسگاه نظامی شرق تهران که عده‌ای از افراد گارد شاهنشاهی درآنجا زندانی بودند رهسپار میشوند ودر طول راه با تظاهرات شورانگیز مردم وطن دوست که بدون نقشه ودستورکه برخلاف رویه دوره مصدق بودبانصراف طبع بابراز احساسات پرداخته بودند مواجه میگردند. درآنروز گرماشدت داشت وزنان درخانه هارا گشاده و بین تظاهرکنندگان نوشابه های خنك وغذا توزیع میکردند

صبح همانروز دردانشکده افسری نیزاتفاق عجیبی روی میدهد. شرح وقایع آنرا سرگرد خسروداد که آنروز بادرجه ستوان یکمی معلم دانشکده بوده واینك آجودان سرلشکر نصیری درگارد شاهنشاهی است وشاهد جریان بوده است اینطور گزارش داده است که صبح آنروز وقتی برطبق معمول برای انجام وظیفه وحضور درکلاس عازم دانشکده بوده است مطلع میشودکه طبق دستور سرتیپ ریاحی باید عموم استادان ودانشجویان دانشکده وعده‌ای ازافسران دیگر ساعت ده صبح برای شنیدن سخنرانی وی دراطراف اوضاع روز و شخص شاه در سالن دانشکده گرد آیند. صدوراین دستورموجبات نگرانی عموم دانشجویان ومعلمین رافراهم میکند وتقریباً نود درصد آنهاکه مخالف مصدق بوده‌اند مصمم میشوند که اگر رئیس ستاد ارتش درنطق خودبمن اهانت کند اورا ازپای درآورند زیرا اعتقاد قطعی داشته اند که ارتش تنهاوقتی میتواند وظیفه خودرا بدون دخالت درسیاست یاطرفداری ازاین وآن و تنهابدستورمن انجام دهدکه ازوجود چنین افرادی پاك ومصفا باشد.

از خوشبختی ریاحی حوادثی که در پایتخت روی میدهد و خبری که راجع به تصمیم دانشجویان باو میرسد ویرا ازآمدن بدانشکده منصرف میسازد ودانشجویان در اثر عدم حضور رئیس ستاد ارتش

برای انجام سخنرانی خارج میشوند ودانشکده تعطیل میگردد
سرگرد خسرو داد دانشکده را بقصد منزل خود ترك می کند و هنگامیکه در خط عبور خود بیکی از میدان های بزرك شهر میرسد مشاهده میکند که نیروی مسلح مصدق با مسلسل بمردمیکه ازهرطرف بسمت آنها پیش میآیند مشغول تیراندازی است ولی مردم که قسمت اعظم آنها بی‌سلاح هستند باین تیراندازی اعتنائی نکرده واتصالا به نیروی مسلح مصدق نزدیکتر میشوند وعده‌کثیری تلفات میدهند سرگرد خسرو داد بااتومبیل کرایه بطرف منزل خویش برای برداشتن اسلحه حرکت میکند در مراجعت مشاهده مینمایدکه یك گردان تانك درخیابان متوقف است وقتی نزدیك تر میرود متوجه میشودکه فرمانده گردان وفرمانده گروهان که یکی از دوستان سرگرد خسروداد واز مخالفین مصدق بود از تانکهای خود پیاده شده وبایکدیگر مشاجره شدید دارند فرمانده گروهان میخواسته است به تانکهای تحت امر مصدق حمله کندولی فرمانده اومصمم بوده‌است‌که نیروی‌تحت فرماندهی خود را به‌پاسگاه خود بازگشت دهد بالاخره اختلاف نظر بین آنها بالا میگیرد وفرمانده‌گردان بااسلحه افسر زیر دست خود را تهدید بقتل میکند دراین میان مردم غیر مسلح وغیور تهران فرارسیده و باحمله ناگهانی خود اورا خلع سلاح ووادار بفرار میکنند وبلافاصله گروهان باتانکهای خود به نیروهای مصدق بحمله میپردازند

کم‌کم جنك وجدال دورخانه مصدق تمرکز پیدا میکند خانه مزبور از چندی پیش تحت مراقبت و حفاظت شدید تانکها ونیروهای پیاده مسلح بابازوکا وتوپهای ضد تانك قرارداشت وکلیه بناهای اطراف آن از طرف نیروهای مصدق‌که ازپنجره ها بسوی مردم بی‌دفاع شلیك میکردند اشغال شده بود جمعیت عظیمی‌که دراین موقع خانه مصدق را احاطه کرده بودند مخلوطی ازطبقات مختلف ملت از دانشجو و صنعتگر وکارگر وپیشه‌ور وپلیس وژاندارم وسرباز و افسر بود

قسمت عمده کسانیکه لباس نظامی برتن داشتند برعلیه رؤسای دست نشانده مصدق قیام‌کرده بودند هرچندیقین داشتندکه اگردستگیر

شوند فوراً بمحاکمه جلب واعدام خواهند شد قسمت بزرك این افراد نظامی نیز مانند سایر مردم تنها باچوب وسنك مسلح بودند ومیان آنها عده ای زن وکودك هم دیده میشد نیروهای مصدق تصورکرده بودندکه‌کلیه افراد گارد شاهنشاهی خلع سلاح وزندانی شده‌اند ولی عجیب اینجاست‌که نیروهای مصدق یك دسته ازافرادگارد را فراموش کرده و بحساب نیاورده بودند واین دسته بمجرد شنیدن خبر عزل مصدق بمردم ملحق شده ودر قیام عمومی شرکت کردند وبااینکه فقط بااسلحه سبك مسلح بودندبطرف تانکهای متمرکز دراطراف‌خانه مصدق پیش رفتند عده دیگری از افراد گاردکه بوسیله سرهنك نصیری وافراد وی آزاد شده بودند نیز اززندان بطرف خانه مصدق هجوم برده باپرتاب نارنجك دستی تانکهای محافظ را وادار ببستن دریچه های خود نمودند حمله گارد شاهنشاهی بتانکهای مصدق یك اقدام‌دلاورانه وبموقعی بود زیرا به تانکها مجال ندادکه در عملیاتیکه پشت خانه مصدق آغاز شده بود دخالت کنند فرمانده نیروهای مدافع منزل مصدق برای جلوگیری از هجوم جمعیت بخانه تانکها وسلاحهای ضد تانك را در خیابانی‌که از جلو خانه میگذشت تمرکز داده بود و خیابان پشت منزل وکوچه تنگی‌که خانه مصدق را ازعمارت دیگر جدا میکرد بوسیله سربازان پیاده محافظت میشد دراین خیابان شرقی مردم‌ناگهان بافراد پیاده که درآن موضع گرفته بودند حمله کردند زن شجاعی از بین جمعیت مردم را به‌پیشروی تشجیع میکرد وجمعیت باآنکه عده زیادی‌کشته وزخمی داده بود بحمله خود ادامه داد وکم‌کم افراد پیاده مأمور حفظ خانه مصدق روحیه خودرا باختند.

دراین میان یکی از تانکها باین کوچه بن‌بست وارد شده وضربه نهائی را به نیروی مصدق وارد ساخت فرمانده این تانك قبلا یکی از افسران جزء طرفدار مصدق بود ولی مانند هزاران نفر ازافراد ملت وقتی مشاهده‌کرده بودکه مصدق خود را بکمونیست ها تسلیم نموده و در صدد برانداختن دستگاه سلطنت است از عقیده سابق خود برگشته و تانك تحت فرماندهی خودرا باین کوچه کشانده بود این تانك درمیان آتش‌گلوله روبخانه‌مصدق پیش‌رفت‌ولی نیروی‌محافظ تانك‌سلاح ضدتانك

برای جلوگیری وی بکار نبردلد پیش رفت این تانك برای هدف گیری بخانه مصدق دیگر مانعی نداشت وباشلیك یك تیر قضیه را خاتمه داد . زیرا نیمی ازخانه مصدق ویران گردید وخود اوازدیوار باغ فراراختیار کرد وچهل وهشت ساعت بعد دستگیر گردید .

نقشه قبلی زاهدی آن بودکه باصفهان رفته ولشگر آن ناحیه را برای پیشروی بسوی تهران آماده کند و ترتیبی داده بودکه لشکر کرمانشاه نیزکه طرفدار من بود ازآن نقطه بسمت تهران حرکت نماید. ولی مردم عادی ایران نخست در رشت وپس ازآن در سایر شهرها بطرفداری من برخاستند وازهمین جهت زاهدی در تهران بعملیات پرداخت ودرتانکی که انقلابیون بمحل اقامت وی فرستاده بودند سوار شده وبسوی ایستگاه رادیو تهران که قبلاازطرف گروه مهاجمین اشغال شده بود حرکت کرد مأمورین مصدق پیش ازفرار بعضی ازقسمتهای رادیو را ازکار انداخته بودند ولی رادیو بزودی مرمت شد ونخست وزیر جدید از همانجا طی پیامی موفقیت انقلاب تاریخی مردم را اعلام کرد .

من وملکه قبل ازآگاهی ازاین موفقیت ازتهران خارج شده بودیم زیرا طبق نقشه‌ای که قبلا طرح شده قرار براین شده بودکه اگر مصدق بفرمان عزل خود اطاعت نکند وبه نیروی نظامی متوسل شود من وهمسرم موقتاً ازایران خارج شویم .

علت موافقت من بااین نقشه بدوجهت بود یکی آنکه دراثر عزیمت من بخارج قصد اصلی مصدق ویارانش برملا وآشکار میشد و افکار عمومی رابمخالفت باآنهابرمی‌انگیخت واین خود بمنزلهٔ رفراندومی بودکه برخلاف رفراندوم مصدق اموات درآن شرکت نمیکردند ودیگر اینکه خطر جنك داخلی وکشتار مردم بی‌دفاع کمتر میشد واین کمال آرزوی من بود برای اجرای این نقشه بین سعدآباد وکاخ سلطنتی رامسر ارتباط رادیوئی برقرارکرده بودیم و هنگامیکه سرهنك نصیری توقیف شد خبر آنرا راننده او بسعدآباد رسانده واز آنجا بکلاردشت مخابره گردید ولی بعلت نامعلومی خبر آن دیر بمن رسید . بخوبی یاد دارم که دوشب متوالی خواب بچشم من راه نیافته بود . سحرگاهان از رادیوی طرفدار مصدق شنیدم که نقشه من برای برانداختن وی عملی

نشده وچند دقیقه بعد پیغام رادیوئی سرهنك نصیری مبنی برتوقیف وزندانی شدن وی بمن رسید

چون فرودگاه کوچك کلاردشت برای هواپیمای يك موتوره سبك ساخته شده بود من وملکه ثریا برامسر که فاصله آن درحدود بیست دقیقه پرواز است عزیمت نموده وازآنجا باهواپیمای دوموتوره اختصاصی خودکه شخصاً رانندگی آنرا بعهده داشتم بسوی بغداد حرکت کردیم مأمورین عراق بااینکه از ورود غیر مترقبه مادچار تعجب شده بودند استقبال گرم ودوستانه ای بعمل آوردند ولی سفیرکبیر ایران در بغداد حتی کوشش کرد وسیله دستگیری مرا فراهم آورد همین شخص چند روز دیگرکه بتهران مراجعت میکردم اول کسي بودکه درفرودگاه بغداد از من استقبال نمود !

دو روز در بغداد اقامت کرده وسپس بجانب رم رهسپار شدیم دررم وقتی خواستم از اتومبیل شخصی خودکه درسفارت داشتم استفاده کنم کاردار سفارت ایران حاضر نشدکلید اتومبیل رادراختیارم بگذارد ولی یکی از اعضای طرف اعتماد وسابقه‌دار سفارت پنهانی کلیداتومبیل را بمن تسلیم کرد

توقف مادر رم هم زیاد بطول نیانجامید ودر تاریخ ۳۰ مرداد سه روز بعد ازشروع زمامداری زاهدی به ایران آمدم ومورد استقبال گرم وپرشور طبقات مختلف مردم قرارگرفتم هیجان طبیعی مردم درآن روز غیر قابل وصف بود واین ابراز احساسات که از قلب مردم سرچشمه گرفته بود در مقایسه با تظاهرات دستوری مصدق وافراد حزب توده تأثیر عمیق وسنگینی در قلب من باقی گذاشت

محاکمه مصدق وسایر متهمین بهمکاری بااوپرده ازروی اعمال مشکوکی که در دوره زمامداری وی صورت گرفته بود برداشت

زمانیکه مصدق عهده‌دار وزارت جنك گردید فقط تعداد یکصد افسر وابسته بحزب توده درارتش وجود داشت ولی درطی يك سال پیش ازسقوطش این نوع افراد به ششصد نفر بالغ شده بودند وحتی فرمانده گـردان گارد شاهنشاهی کـه مورد اعتماد مـن بود یکی از کمونیستها بشمار میرفت ؛

این افراد درطی محاکمات خود اعتراف کردندکه قصد آن داشته اند

پس از اینکه مصدق سلسله پهلوی را برانداخت طی یک کودتای نظامی اوراکشته ورژیم کمونیستی را بهمان شکلی که درسایر کشورها درست شده بود درایران برقرار سازند

عموم مردم ایران برای پشتیبانی از من روحیه نیروهای حزب توده را متلاشی کرده وآنهارا درمقابله باآن قیام دچار حیرت وناتوانی ساخته بودند واین آخرین دسته اعوان مصدق (که بدلائل بسیار واضحی نمیخواست آنهارا برسمیت بشناسد) ازاطرافش پراکنده شدند وعجب اینست که همان مخالفت بسیار نیرومند ملت بامصدق موجب نجات وی ازمرگ حتمی گردید

گذشته از تهیه اسناد تباهکاریهای مصدق واعوانش که بمحکمه تقدیم میشد تحقیقات عمیق دیگری نیز ازطرف مأمورین بعمل میآمد ودر طی این تحقیقات چندین انبار اسلحه و مهمات که افراد حزب محرمانه برای پیشرفت هدف نهائی خود تدارک کرده بودند کشف گردید. خبرنگاران خارجی وداخلی عکس این مهمات وتفصیل این کشفیات را منتشر کردند و مردم ایران و جهان را بجزئیات این توطئه ها آگاه ساختند وضمناً اطلاعات دامنه دارتری از طرز عمل افراد حزب توده برای منحرف کردن سیر طبیعی ناسیونالیزم ملی ایران وهدایت آن بسوی آمال وهدفهای خود وارباب بیگانه آنها کسب کردیم

حسین فاطمی وزیر امورخارجه مصدق که متواری شده بود باکمک افراد حزب توده مدت هفت ماه خود را درگوشه وکنار مخفی کرد تا بالاخره دستگیر گردید واگر درهنگام دستگیری تحت حمایت شدید من قرار نگرفته بود مردم ویرا در همان آن بقتل میرساندند این شخص بعداً محاکمه شد وبموجب حکم محکمه اعدام گردید

مصدق وبقیه اعضای کابینه اونیز محاکمه وبیشتر آنها محکوم بزندان گردیدند واینک همگی آزاد هستند

عده‌ای از افسران وافراد حزب توده که بعضی ازآنها در شکنجه وقتل افراد مخالف دست داشتند اعدام ویازندانی گردیدند وبسیاری ازآنها نیزکه ازکرده خود نادم شده و صمیمانه آمادگی خود را برای وفاداری مجدد بوطن و سلطنت مشروطه اعلام کردند از طرف من مورد عفو قرار گرفتند این عده دیگر حق اشتغال بخدمات دولتی را ندارند

ولی دولت کوشش میکند موجبات اشتغال آنهارا دررشته های آزاد فراهم سازد . چنانکه عده‌ای ازآنها درسازمان برنامه که ضمیمه دستگاه دولتی است مشغول کار هستند

قبل ازسقوط مصدق وحزب توده دنیای آزاد ازوضع بحرانی کشور من ابراز نگرانی فراوان میکرد وبهمین جهت گاهی این سؤال طرح میشودکه آیا دولت های امریکا وانگلیس درقیام تاریخی که در ۲۸مرداد رخ داد در برانداختن مصدق کمك مالی کرده‌اند یاخیر؟ البته همه بخوبی میدانستندکه حزب توده بمساعدت یك دولت خارجی درایران تشکیل وباکمك مالی آن دولت اداره میشد واین آگاهی طبعاً این گمان را ایجاد میکردکه مخالفین مصدق وحزب توده نیز شاید بامساعدت مالی بیگانگان متشکل شده باشند درکشور من شایعات بسرعت منتشر میشود چنانکه شهرت یافت که بمردم عادی کشورکه قیام ۲۸مرداد بدست آنها صورت گرفت مبالغ عمده‌ای دلار (ولیره انگیلسی)داده شده بود

هرچند من درحین انقلاب درخارج ایران بودم ولی ازجزئیات امور اطلاع داشتم وبعد از مراجعت بایران نیز درجریان حوادث بودم وانکار نمیکنم که شاید بمنظور پیشرفت هدف این انقلاب ملی وجوهی هم ازطرف هموطنان من خرج شده باشد ولی هیچ دلیل ومدرك قطعی در این باره بدست نیامده است

کاری راکه هموطنان وفادار من درآنروز کردند باپول نمیشد از کسی خواست وانقلابی که دربرانداختن مصدق وحزب توده پیش آمد محرکی جز حس ملیت دوستی ایرانیان وناسیونالیزم ویژه این سرزمین نداشت چنانکه گفته شد مردم بی‌سلاح به تانکها ومسلسلهای مصدق حمله کردند وعده‌ای اززنان وکودکان نیز جان خودرا دراین راه نثار نمودند ونمیتوانم تصورکنم که این مردم انتظار دریافت حقی برای ابراز میهن پرستی خویش داشتند بلکه آمال عالیتر ودرخشانتری سائق وهادی آنها دراین اقدام بود

از این گذشته کسانی که بیش از همه درباب کمك خارجی التهاب بخرج میدهند ظاهراً وقتی این کمك ازمنابع کمونیستی بعمل می‌آید مخالفت ندارند ومعلوم نیست منظور از این ریا چیست و چه کسی را

میخواهند باین وسائل فریب داده واغفال کنند ؟

هنگامیکه زاهدی زمامدار شد فوراً به تنظیم امور نابسامان کشور اقدام نمود در آنموقع دولت از نظر مادی واقعاً ورشکست بود ولی بدبینی ما از دریافت کمك خارجی امریکا با سقوط مصدق منتفی شده بود ویقین داشتیم که دراین شرایط هرگزما را تنها نخواهندگذاشت.

در شهریور ۱۳۳۲ همان سال ایزنهاور رئیس جمهوری آمریکا یك کمك فوری ۴۵ میلیون دلاری (که البته غیر از کمك فنی اصل چهار بود) برای تأمین کسر بودجه ما تخصیص داد. پرداخت این کمك تا مدت سه سال بعد از سقوط مصدق بماخذ هرماه پنج میلیون دلارادامه داشت کمك فنی اصل چهار نیز تا دو سال بعد بماخذ همان دوره مصدق پرداخت میشد ولی از سال ۱۳۳۵ ببعد در نتیجه تحصیل درآمد نفت از مجموع کمکهای مزبور بمیزان هنگفتی کاسته شد و من در فصل دیگر در مسئله کمك آمریکا بایران واثرات آن در ایران بحث خواهم کرد

علت وضع ناگوار بودجه ایران بدون تردید رکود صنعت نفت در زمان مصدق بود وزاهدی بمنظور بکار انداختن مجدد صنعت نفت با آنکه پاره‌ای از افراد افراطی مخالف بودند ابتدا اقدام به بر قراری روابط سیاسی با دولت انگلیس نمود وسپس مذاکرات برای ایجادیك کنسرسیوم بین‌المللی بجای شرکت سابق نفت‌ایران وانگلیس ازطرف دولت آغاز گردید شرکتهای آمریکائی وانگلیسی وفرانسوی‌وهلندی بدین منظور کنسرسیومی تشکیل دادند ودر شهریور ماه ۱۳۳۲قرارداد قطعی اکتشاف وفروش نفت باکنسرسیوم مزبور بامضاء رسید و ماه بعد نیز مجلس شورای ملی قرارداد را تصویب‌کردکه پس از توشیح قانونی از طرف من بمرحله اجراگذاشته شد وبلافاصله بهره برداری از نفت آغاز گردید وکشتیهای نفتکش در بنادرجنوب شروع ببارگیری نفت‌که در تصفیه‌خانه بزرك آبادان خارج میشد نمودند با درآمد فروش نفت وکمکهای فنی و اقتصادی دولت‌آمریکا که بآن اشاره شد برنامه‌های عمرانی مملکت با ردیگر وارد مرحله اجرا گردید از برنامه های عمران و آبادی مهمتر مسئله تجدید حیات سیاسی و معنوی بود

بساط رجاله بازی برچیده شد وحکومت پارلمانی مجددا بکار آغاز نمود وکشور ایران باکمال صراحت علاقه و اعتماد قاطع خود را نسبت بکشور های آزاد جهان اعلام داشت .

بعد ها این سئوال بذهن من خطورکرده استکه آیا واقعاً مصدق در مدت نخست وزیری خود چه اقدام مثبت و مفیدی بنفع مردم انجام داده است؟. برای یافتن پاسخی باین سئوال واقعاً کوشش بسیارکرده‌ام ویگانه اقدام مثبتیکه بنظرم‌آمده است همان قانون مربوط به سهم مالکانه بودکه برای آن تبلیغ بسیار میکرد وی مقرر نموده بودکه اضافه بر سهمیکه زارعین از محصول بدست می‌آوردند مالکین نیزصدی بیست از بهره مالکانه خودرا بآنها تخصیص دهند . از این بهره‌مالکانه صدی ده بخود زارعین میرسید وده در صد دیگررا مقرر بود بانجمنی که از طرف روستائیان تشکیل میشد بسپارند تا صرف امورعمرانی دهات ونواحی مسکونی کشاورزان بشود. باید گفت که این‌قانون از روی قانونیکه درزمان نخست‌وزیری احمد قوام درسال ۱۳۲۵ تهیه شده اخذ واستنساخ‌گردیده بود. چون در ایران روابط بین مالك وزارع مختلف ومتنوع وقرارهائیکه بین هم میگذارند نیزغالباً شفاهی است واضح بودکه اجرای مقررات مصدق بسیار دشوار است چنانکه درعمل نیز بطرز ناپسندی صورت اجرا پیدا کرد

بعلاوه قبل ازاین اقدام در مهرماه ۱۳۲۹ مرحوم رزم‌آرا نخست‌وزیر وقت با مساعدت اصل چهاریك‌برنامه عمران روستائی راکه درزندگانی کشاورزان تأثیر مستقیم داشت تهیه نمود وطرحهائی برای برقراری رویه های جدید کشاورزی وبهداشت روستائی تنظیم‌شده بود. درحقیقت بیشتر اقداماتیکه اصل چهارتاکنون دراین امور انجام داده است‌بر اساس همان برنامه سابق است.

ویلیام وارن‌که ازبدو زمامداری مصدق تا چندی پس‌ازسقوط وی رئیس اداره‌اصل چهاردرایران بودواقعه‌ای راذکرکرده استکه‌خصوصیات اخلاقی مصدق راآشکار میسازد. بنا بگفته وی مصدق دربدوزمامداری حاضر بقبول قرارداد اصل چهار ودولت اسبق در مورد عمران روستائی نبود وبخوبی آشکار بودکه میل ندارد این اقدام مفید بنام سلف او تمام شود . در نتیجه اصل چهار مجبور شد همان برنامه را طبق قرارداد

دیگری که مصدق امضاء نمود تا زمان نخست‌وزیری زاهدی ادامه دهد. سپهبد زاهدی تمام موافقت های قبلی از جمله موافقت نامه رزم‌آرا را تنفیذ نموده ومعتبر شناخت

شاید افکار آنقدر آرامش یافته باشد که مردم دنیا بتوانند نسبت بکارهای مصدق عادلانه قضاوت کنند

مصدق در وضعی گرفتار شده بودکه عظمت آن از حوصله تصور وی بیرون‌بود. او هنرپیشه خوبی بودکه نسخه بازی خود را بخوبی روان‌کرده وبا صدای رسا و آهنك مؤثری بیان می‌کرد ولی معنی آنچه را که میگفت نمیدانست ودرست مانند ماشین بدون اراده‌ای بود که بوسیله نیروهای محرکی می‌جنبد وحرکاتی میکند وصداهائی تولید مینماید ولی ازکنه وکیفیت‌آن نیروهای محرك آگاهی ندارد

با وصف این مصدق یك احتیاج موقت را در کشور ما رفع نمود زیرا پس از جنك دوم جهانی و استیلای بیگانگان بایران و توسعه دامنه هرج ومرج درکشور، اوضاع واحوال ایجاب میکردکه شخصی غیر منطقی وپای‌بند احساسات زمامدار گردد وپس ازهمه درهم‌ریختگی که در اثر جنك دوم جهانی پدید آمده وکشور تحت تسلط بیگانگان قرارگرفته بود احساس میکردم‌که باید درایران یك هیجان ناسیونالیزمی بوجودآید. زیرا درآن هنگام ایران‌در مرحله‌ای از ناسیونالیزم بود که هنوز عقل ومنطق را باندازه احساسات ضرور نداشت وکشور ما همان مرحله‌ای را که امروزبعضی ازکشورهای دیگربدان وارهشده‌اند طی میکرد ودرحقیقت برای فهم‌کیفیت رستاخیز کنونی ناسیونالیزمی که در بعضی‌کشورها بوجود آمده توجه ومطالعه اوضاع ایران در دورهٔ زمامداری مصدق بهترین راهنماست

مصدق بدون پروا نقشی راکه‌گردش زمان بوی محول کرده بود پذیرفت ووقتی به نخست‌وزیری رسید درانجام نقش خود به‌تمام‌وسائل لفاظی وگریه وغش توسل میجست .گاهی با لباس خواب در مجامع عمومی ظاهر میشد و اغلب بکوچکترین بهانه‌ای بیماری را دستاویز قرار داده وخود را مقیم تختخواب میساخت بخاطر دارم روزی مصدق ضمن سخنرانی خوددر مجلس شورای ملی غش کرد وهمینکه پزشك لباسهای او را از تنش خارج میکرد مصدق دست خود راروی کیف‌بغلی

خود گذاشت و معلوم شدکه از هوش نرفته بلکه خودرا بدین حال درآورده است که حالت وی درحضار مؤثرتر واقع شود .

این قضیه که درپیش چشم بسیاری رخ داد دلیل برریاکاری و فقد صمیمیت اوست متأسفانه باید بگویم که مصدق نتوانست اعتماد اشخاصیکه او را درست و صحیح‌العمل میدانستند جلب کند زیرا عدم صمیمیت شخص را در انظار بی‌اعتنا ونادرست جلوه میدهد. کسانیکه او را مانند من از نزدیك میشناختند با نهایت افسوس باید مردی را بخاطر آورند که استحکام معنوی و شخصیت و مردانگی نداشت و خصائص عمده وی منفی بافی وریاکاری وخودستائی بود.

این شخص دراوائل بوطن خود خدماتی کرده وبارویه منفی خویش احساسات ضد بیگانگان را درکشور برانگیخته بود وهرچند نفع‌شخصی را درنظر داشت باز از این حیث برای کشور سودمند بود ولی شگفتی در آنست که بمجردیکه به نخست وزیری رسید این سودمندی خاتمه یافت .

در هرکشور اگر رئیس دولت بخواهد منشاء اثر باشد باید رویه مثبتی اتخاذ کند لیکن مصدق شاید بدون قصد بمردم وطن خود خیانت کرد زیرا در بدو امر بمردم وعده آینده بهتر ومرفه تر داد ولی هرگز بوعده های خود وفا نکرد ومردم مدتی باوعده‌های وی‌بسر بردند ولی کم کم دریافتند که با وعده های فریبنده شکم خود و فرزندانشان را سیر نمیتوانندکرد بعلاوه دیدندکه کشور عزیزشان در اثر سوء سیاست درجلو چشمشان متلاشی میشود وهمین مردم عادی ومعمولی برخلاف وی دست بشورش زده دستگاه وی را درهم پیچیدند.

هنگامی که مصدق نخست وزیر بود زمامداران سایر کشور ها یعنی همقطاران وی درآمد نفت کشور خود را صرف توسعه و اجرای برنامه های عمرانی واصلاحات مملکتی میکردند ولی مصدق هیچ‌کاری انجام نداد ولجاج فطری وی که پیش ازآن هم برهمه معلوم بود و حرص شهرت‌طلبی او بضررکشور وخدمتگزاران صدیق آن تمام شد

بعد از مصدق توافقی که درحل مسئله نفت بعمل‌آمد کاملابراساس قانون ملی شدن صنعت نفت انجام یافت

گرچه بعضی از طرفداران مصدق منکر این حقیقت شدند ولی

حقیقت آنست که قرار داد ماباکنسرسیوم طبق‌همان قانون ملی شدن نفت بود که قبل از زمامداری مصدق از تصویب مجلس گذشته وتوشیح شده بود

پس از آن نیز قرار دادهای دیگری منعقدکردیم که عصر کاملا جدیدی در روابط بین کشورهای نفت خیز وممالك مصرف کننده بوجود آورده است چنانکه در فصل دیگر بتفصیل ذکرآن خواهد آمد.

داشتن قدرت برای آدمی محك آزمایش است بعضی از آنهاکه قدرت بدست می‌آورند بمسئولیت اخلاقی که‌برای صاحب قدرت ایجاد میشود پی میبرند و بزرگتر و عالیقدر تر میشوند برخی دیگر در نتیجه همین کسب قدرت حقیرتر و کوچکتر میگردند و وقتی نتیجه اقتدار مصدق سنجیده میشود می‌بینیم این مرد آدمی کوچك‌و حقیر از محك‌آزمایش بیرون آمده است

هرکشوری در طول حیات خود دچار اشتباه میشود واگر تجربه‌ای که‌کشور ما در حکومت مصدق‌گرفت بما راه درست اداره کشور را آموخته باشد باید گفت چنین آزمایشی برای ما بدون ارزش نبوده است

مردم کشور ما هر سال در ۲۸ مرداد بیاد بود روز سقوط مصدق و شکست نیروهای بیگانه که نزدیك بود چراغ استقلال‌کشور را خاموش کند جشن میگیرند ومن آرزومندم که درس عبرتی را که آن روز تاریخی بمردم ایران داد هرگز فراموش نکنیم .

فصل ششم

ناسیونالیسم مثبت من

پس از سقوط مصدق ومخصوصاً از سال ۱۳۳۵ که من بمسکومسافرت کردم رویه روسیه نسبت بکشورمن تا مدتی رضایتبخش بودولی ازسال ۱۳۳۷ یك سلسله سوء تفاهمات مداوم پیش‌آمد وهم اکنون‌که این‌کتاب دردست نگارش است امیدوارم سوء تفاهمات مزبورطبق روح منشور ملل متحد وافکار عمومی جهانیان رفع شود

رویه دولت بریتانیا یعنی دولت معظم دوم که درگذشته غالباً در امور ما دخالت مینمود از سال ۱۳۳۳ باین طرف پسندیده و صحیح بوده است .

فعالیتهای امپریالیستی این دو دولت معظم در طی پنجاه یا شصت سال تاریخ اخیر برای ما ایرانیان دشواریها و سختیهای فراوانی بوجود آورده است ولی در عین حال برای فهم معنای ناسیونالیسم حقیقی و ناسیونالیسم غیر حقیقی درس‌گرانبهائی بما داده وافراد روشنفکرملت ما طرز تشخیص و امتیاز بین میهن پرستان واقعی وآنهائیکه بدروغ خود را وطن‌پرست جلوه میدهند یادگرفته‌اند وتصور میکنم رویه و طرز عمل امپریالیزم و طریق مبارزه‌و مقابله با آن آشکارگشته است درباره ثمرات نفوذ بازرگانی وسیاسی دولتین انگلیس وروس درکشور ایران واقدامات اکید ومؤثری‌که پدرم درجلوگیری از مداخلات‌بیگانگان در امورکشور ایران بعمل آورده در فصول قبل باختصار سخن رفته‌است. پدرم در حقیقت عملاثابت کرد که قصور از طرف خود ایرانیان بوده است‌که زیر بار دسائس و نفوذ بیگانگان رفته واجازه داده بودندسلطه اجانب بتدریج درکشور ایران بسط وافزایش یابد وی بخوبی نشان دادکه اگر عزم ملت ایران راسخ باشد هیچ عامل و قوه‌ای نمیتواند

ویرا بکاری که مخالف میل وصلاح وی باشد وادار سازد. دوران اولیه امپریالیزم سیاسی ونظامی واقتصادی انگلستان در کشور ایران با شکست معاهده سال ۱۲۹۷ عملا خاتمه پذیرفت. پس از آن تا مدت کوتاهی دولت انگلیس وسایردول روش کاپیتولاسیون راادامه داده و ازامتیازات گوناگون بازرگانی که بدست‌آورده بودند برخورداربودند ولی بالاخره پدرم کاپیتولاسیون رالغووامتیازات مختلف مذکوررا یابکلی از میان برد ویاتحت نظارت شدید دولت ایران قرارداد.

دردوران جنگ‌دوم‌جهانی‌مجدداانگلیسها درامورداخلی‌مامداخله‌نمودندولی بموجب قرارداد اتحاد سه جانبه سال ۱۳۲۱ دولت انگلیس نیروی‌نظامی خودرا درراس موعد معین ازایران بیرون برد ومداخلات مستقیم‌آن دولت درامور داخلی ایران بابیرون رفتن نیروی انگلیس موقوف شد واگر نفوذ ناروائی ازطرف انگلیسها درایران اعمال میشد درمسئله نفت و جنبه های سیاسی واقتصادی آن بود، چنانکه قبلا هم‌اشاره کردم در سال ۱۳۱۲ پدرم قرارداد جدیدی باشرکت سابق نفت ایران وانگلیس منعقد ساخت وبموجب‌آن دولت ایران منافعی بیشتر ونظارتی وسیعتر درامور نفت بدست آورد. درسال ۱۳۳۰ قانون ملی شدن نفت حاکمیت دولت ایران رابرصنایع نفت ایران بیش ازپیش محرزواستوارگردانید.

یکی ازتضادهای وقایع اینست که زمامداری مصدق باسخنرانیهای شدیداللحنی‌که برعلیه خارجیان ایراد میکرد وسیاست منفی که درپیش گرفته بود موجب نفوذ بی‌سابقه انگلیسها درکشور ماگردید وعلت آن این بودکه سیاست منفی مصدق ابتکار عمل رابدست انگلیسها داد و ازآغاز دوره نخست وزیری وی تاروز سقوطش اعمال مصدق تنها بدادن جوابهای پرهیجان به پیشنهادهای انگلیسها محدود گردیده بود. مصدق به مشت زنی ناشی شبیه بودکه دراثر هراس‌کورکورانه مشت گره‌کرده خودرا بدون هدف حواله حریف میکند وهرگز نیروی ابتکار یعنی تنهاوسیله تفوق وپیروزی برحریف رابکار نمیبرد.

انگلیسها عمداً ویابغیرعمد مصدق راوادار کرده بودندکه فقط در مقابل عملیاتی که خودشان انجام میدهند عکس العمل پراز هیجان از خود نشان دهد

اما پس ازبرملا شدن سیاست مصدق وسقوط وی‌ازمقام‌نخست وزیری قرارداد جدید نفت درسال ۱۳۳۳ منعقد گردید وفصل تازه‌ای درتاریخ مناسبات ایران وانگلستان افتتاح یافت. بموجب این قرارداد حق دولت ایران بسیار افزایش یافت ولی مهمترین نتیجه‌ای که ازاین قرارداد گرفته شد قطع‌تسلط انحصاری انگلیسها برصنایع نفت‌ایران بود. دیگر برای شرکتهای بزرك خصوصی ویا شرکتهای تحت حمایت دولت انگلستان مجال پیدا نمیشد که برقسمت عظیمی ازاقتصادیات ما حاکم باشند قراردادمزبور مظهر این حقیقت است که ازاین ببعد ایران و انگلستان براساس تساوی کامل باهم معامله دارند وراه توسعه روابط ومناسبات همجواری و همسایگی که بین دو کشور از آن ببعد ایجاب شده هموارتر است.

حوادثی‌که پیش بینی‌آن غیرممکن است شاید بازبین کشورمن و دولت بریتانیا ایجاد تشنج کند ولی با سیاستمداری مدبرانه و معقول که اساس آن بر مساوات وبرابری استوار باشد دلیلی نمی‌بینم که یك چنین وضعی پیش آید

سالهای متمادی است‌که ماباکشور فرانسه روابط حسنه داشته‌ایم ودولت مزبور هیچگاه تمایلات استعماری نسبت بما نداشته ودرپیشرفت فرهنك وتوسعه اقتصادی ماسهمی بزرك داشته است. بسیاری ازرجال ایران درکشور فرانسه بتحصیل علم وادب پرداخته‌اند وبسیاری ازمردم دانشمند کشورما زبان فرانسه میدانند ویك روزنامه باین زبان درایران منتشر میشود وکتابخانه های مامشحون ازکتب وآثار فرانسوی است ویکی ازسازمانهای فرهنگی که برای مزید آشنائی مابتمدن درخشان فرانسه فعالیت میکند انجمن فرهنگی ایران وفرانسه درتهران است. درسال ۱۳۳۸ نمایشگاه علمی وصنعتی فرانسه درتهران گشایش یافت وبعداً ابنیه وبسیاری ازلوازم علمی‌آن نمایشگاه بدانشگاه تهران اهداء گردید. مهندسین وشرکتهای پیمانکار فرانسوی نیز بموفقیت های مهمی نائل آمده وطرح هائی راکه مابه‌آنها واگذار نموده‌ایم پیش‌ازموعد مقرر باتمام رسانیده وتحویل داده‌اند.

همچنین مابا بسیاری ازملل آزاد جهان دارای روابط دوستی و فرهنگی میباشیم. آنچه امریکائیها در قسمت کمك های فنی درایران

انجام داده‌اند بموقع خود ذکر خواهد گردید ودر فصل آینده چگونگی شرکت ایتالیائیها در صنعت نفت ایران بیان می‌شود درسال ۱۳۳۷ ایتالیائیها نمایشگاهی ازصنایع ملی خوددرتهران ترتیب دادند ودرهمان سال من بکشورایتالیا مسافرت رسمی نمودم

روابط بازرگانی ما باامریکا وانگلستان وایتالیا وسویس وبسیاری از کشورهای دیگر پیوسته در حال توسعه است. مناسبات ما بروسیه شوروی پیچیده و بغرنج بوده‌است. وقتی درسال۱۹۱۷ انقلاب روسیه آغاز شد عده زیادی از مردم گمان میکردند که دوران امپریالیستی روسیه خاتمه یافته است وایران اولین کشوری بودکه رژیم شوروی را برسمیت شناخت لنین اعلام کرده بودکه کلیه کشورهای کوچك باید کاملا مستقل باشند ومعاهده مودتی که بین ایران و روسیه در سال ۱۹۲۱ منعقد شد ودر فصل پیش بآن اشاره رفت ظاهرا باین حرف اعتبار می‌بخشید ولی دیدیم که این آرزوواميد بیأس گرائید.

ما بحکم همسایگی با روسها که سالها به‌کشورما چشم طمع دوخته بودند سر زمین مناسبی برای روسیه شوروی بشمار می‌آمدیم که روش و طرز عمل خود را درآن بمقام آزمایش درآورند. بطوریکه قبلا اشاره شد از سال ۱۹۲۰ مذاکره‌ای برای عقد پیمان دوستی ووداد بین‌ایران وروسیه درجریان بود تااینکه یکسال پس ازکودتای پدرم این پیمان بامضاء رسید. درهمان موقعیکه گفتگو و مذاکره دوستانه ما درباره این قرار داد جریان داشت عمل تجاوزکارانه عجیبی از طرف روسها سرزد بدین معنی که بمنظورحمایت وپشتیبانی ازمیرزاکوچك‌خان جنگلی که یکی از متمردین ویاغیان‌ایران بود نیروی نظامی خود را به بندر انزلی (که بعداً بدستور پدرم بندر پهلوی خوانده شد) پیاده کردند و ویاغی مزبور باکمك آنها دولتی در داخله کشورما علناً بنام جمهوری شوروی گیلان تشکیل داد

این نخستین آزمایشی بود که رویه امپریالیزم کمونیستی برای ما پیش‌آورد . اعتراضات ما در مورد این عمل نتیجه نبخشید ولی ما با وصف این رفتار وقاحت آمیز مذاکره وگفتگو را درباره انعقاد معاهده دوستی ووداد باآنها ادامه دادیم همینکه این معاهده بامضاء رسید روسها فوراً دست از حمایت میرزاکوچك‌خان برداشتند وبالنتیجه پدرم

باکمال سهولت میرزا کوچک‌خان را مغلوب ومنکوب نمود و اولین کوشش روسیه شوروی را درتصرف یکی ازنواحی‌کشور خنثی وبلااثر ساخت .

یکی از خصوصیات کمونیستها این است‌که شکست سیاست یا رویه‌ای راکه پیش‌گرفته‌اند فوراً تشخیص میدهند وبهمین جهت‌لنین وپس ازوی استالین ظاهراً باین نتیجه رسیدندکه برقراری حکومت جمهوری‌گیلان که دست نشانده آنها بود عملی ناشیانه وازروی تفنن بوده است وبعقیده‌آنها بهترآن بود که منافع خود را بوسیله عقد معاهده دوستی و وداد تأمین‌کنند وتازمانیکه پدرم در رأس‌کشور بود روسها ازمفاد عهدنامه مزبور تخطی ننمودند وهیچگونه اقدام علنی‌برای تصرف قسمتی ازکشورما بعمل نیاوردند.

بیست و پنج سال پس از آن تاریخ یعنی در جنك دوم جهانی این آزمایش تجدید شد. دراینموقع روسها باردیگر در این مرزوبوم رخنه کرده وبا تشکیل حزب‌توده مطمئن بودندکه اساس ملیت وقومیت ما را متزلزل خواهند ساخت. در سال ۱۳۲۴ نیزدو دولت دست نشانده در خاك وطن ما تشکیل دادند که یکی بنام جمهوری کردستان در مهاباد مرکز نواحی کردنشین شمال غربی ایرانو دیگری بعنوان دولت خود مختار آذربایجان در همسایگی‌کشور شوروی بود. این‌دودولت در آذرماه ۱۳۲۴وجود خود را اعلام نمودند وپس ازیکسال هردو معدوم ونابودشدند. با وصف آن فاصله بین‌تشکیل وبرچیده شدن بساط آنها یکی از بحرانی‌ترین ادوار مهم‌وپرمخاطره تاریخ اخیرایران بشمار میرود ودر طی آن از روش کمونیست ها اطلاعات سودمندی بدست آوردیم .

آنچه آنرا بنام جمهوری کرد نامیده بودند از نهضت ملی طوایف کرد سرچشمه میگرفت که در دوران جنك اول جهانی انگلیسها ایجاد کرده وروسها در دوران جنك دوم‌جهانی آنرا تقویت نمودند. کردها درخاك ایران وکشورهای دیگر مجاور سکونت دارند وازلحاظ نژاد و زبان تماماً ایرانی‌هستند. روسها درمیان‌کردهای ساکن‌کشورایران رخنه کردند ومیخواستند نواحی شمال غربی ایران را یکی ازکشورهای دست نشانده خود بسازند وتشکیل کشورکرد نیز برای انجام همین منظور

بود . امید روسیه این بودکه بعد ها این دولت را توسعه داده وکردهائی ساکن عراق وترکیه را ضمیمه آن بسازد. وبدینوسیله بکشورهای غربی افریقا دست بیابد .

متمردین کردستان علناً سر از اطاعت دولت مرکزی ایران برتافته واز دستورهائی که ازخارج کشور صادر میشد اطاعت کردند ودستگاه حکومتی وسازمان اداره خود را تحت تعلیما تو حمایت دولت شوروی تشکیل دادند عده زیادی از افراد طوایف کرد که ازآن حکومت مظنون ومشکوك شده بودند از ترس حضور نیروی بیگانه دم نمیزدند ولی دیری نگذشت که برای اعاده تسلط دولت مرکزی در آن نواحی بیاری ما برخاستند

اما ختم غائله آذربایجان وبرانداختن حکومت دست نشانده روسیه شوروی درآن استان برای ما ضروری تر ودر عین حال دشوارتر بود چنانکه قبلا ذکر شد دولت شوروی که یکی از امضاءکنندگان پیمان اتحاد سه جانبه بود ملتزم ومتعهد گشته بودکه در ظرف شش ماه پس از خاتمه جنك کلیه نیروی نظامی خود را ازکشور ایران بیرون ببرد و چنانکه در اعلامیه تهران که قسمتی ازآن را در فصل پیش نقل کرده‌ام قید شده بود دولتهای کشور های متحده آمریکا و روسیه وانگلستان ملتزم و متعهد شده بودند که استقلال وحق حاکمیت وتمامیت ارضی ایران را محترم بشمارند بنظر من تمام ایرانیان نزد خود تصور میکردند که استالین مفاد عهدنامه و اعلامیه را محترم شمرده وبقولی که داده است وفادار خوهد ماند روز یازدهم سفند ۱۳۲۴ مصادف با آخرین روزی بودکه دوره شش ماهه پس از اختتام جنك سپری میگشت ودرآنروز باید نیروهای متفقین کاملاایران را تخلیه کرده باشند و تا آنروز نیروهای انگلیسی وآمریکائی نیز کاملاازخاك ما بیرون رفته بودند. ولی باکمال تعجب ونگرانی دیدیم استالین بقول مؤکد خود وفا نکرده ونه تنها نیروی خود را از کشور ما خارج نساخته بلکه رویه‌ای را پیش گرفته است که جهان آزاد را بتکان وهیجان انداخته است .

در ماه مرداد ۱۳۲٤ عمال حزب توده چندین دستگاه از عمارات دولتی در تبریز یعنی مرکزاستان آذربایجان را بقهر و عنف تصرف کردند ونیروی شوروی سربازان را درسربازخانه ها زندانی نمودند.

وقتی برای ختم این غائله نیروی امدادی بآذربایجان گسیل داشتیم ارتش سرخ درقزوین وچهارصدکیلومتری تبریز نیروی ما را متوقف ساخته ومانع حرکت آنها بطرف تبریزگردید.

حزب توده مجدداً تشکیل یافته بخود نام حزب دموکرات دادودر آبان ماه تمام خطه‌آذربایجان را تحت اختیار خود درآورده و برای خودمجلس مقننه‌ای ترتیب دادو روز ۲۱ آذرماه جمهوری خود مختار آذربایجان‌را اعلام نمود . این مجلس شخصی بنام جعفر پیشه‌وری راکه یکی ازعمال کمونیستها و سالها درکشور اتحاد شوروی بسر برده بود بسمت نخست وزیر دولت جمهوری خود مختار آذربایجان برگزید واین شخص‌بکمك سربازان واسلحه و مهمات شوروی حکومت انقلابی که‌در واقع دستگاه ترور ووحشت محسوب بود تشکیل داد.

چون روسها با متوقف ساختن نیروی اعزامی ما بآذربایجان‌که برای سرکوبی آشوب آن سامان‌گسیل شده بود علناً بحق حاکمیت ماتجاوز کرده بودند اعتراضات شدیدی از طرف ما واز طرف‌کشورهای متحده امریکا وانگلیس بمسکو ارسال شد وهمین قضیه درکنفرانس وزرای خارجه که در ماه آذر۱۳۲۴ در مسکو تشکیل گردید نیز مطرح‌گردید واعتراض دیگری هم دراین باره به‌شورای امنیت سازمان ملل‌متحد که جدیداً تشکیل یافته بود تسلیم نمودیم واین اولین شکایتی بودکه به شورای مزبور رسیده بود . ولی روس ها با عتراضات مزبور وقعی ننهادند و غافل ازاین‌بودند که دیگران قضیه را بی اهمیت نمی نگرند عصر روز ۱۲ اسفند ۱۳۲٤ نیروی شوروی از تبریز خارج شد . این نیرو بسمت مرز روسیه نرفته بلکه به‌سه ستون پخش شده وبه ترتیب بسوی تهران و مرز عراق و سرحد ترکیه روانه گشتند و در ظرف چند هفته صد ها تانك با واحدهای کمکی ونیروی پیاده از روسیه بایران سرازیر شده ودر سه جهت فوق‌الذکر بدنبال نیروهای پیشین‌براه افتادند مقارن این احوال لشگر دیگری از روسها درطول مرزاروپائی کشورترکیه متمرکز شده ودست به‌اقدمات سیاسی وتبلیغات دامنه‌داری زدند و امید داشتند که بدان وسیله موجبات ارعاب و وحشت ترکها را فراهم آورند .

در این هنگام قوام نخست وزیر ایران بروسها وعده دادکه اگر

نیروهای خودرا ازایران فراخوانند چند فقره امتیاز بآنها واگذارکنند واز جمله وعده داده بودکه بمجلس شورای ملی ایران توصیه‌کندکه باتشکیل شرکت مختلط نفت روس وایران‌که (پنجاه ویك در صد از سهام متعلق بروسها باشد) برای‌کشف وبهره‌برداری ازمنابع نفت‌شمال ایران موافقت‌کند وسه نفر از اعضاء حزب تودم را درکابینه خود شرکت دهد وحکومت انقلابی آذربایجان را برسمیت بشناسد وشکایت ایرانرا برعلیه روسیه ازسازمان ملل متحدپس بگیرد

آقای علاءکه اکنون وزیر دربار شاهنشاهی است و در آنزمان سفیرکبیر دولت شاهنشاهی درواشنگتن ونماینده‌کشور ایران درشورای امنیت سازمان ملل متحد بود مصمم‌گشت‌که از دستور نخست وزیر سرپیچی‌کرده واز خارج ساختن شکایت ایران ازدستور شورای امنیت امتناع نماید وی میدانست‌که من شخصاً باخارج ساختن شکایت از دستور شورای امنیت موافق نبوده ام وقوام هم‌دراثر فشار روسها باین امر مبادرت‌کرده است در اولین جلسه شورای امنیت‌که روز ۲۱ مارس تشکیل شد آقای علاء شکایت ایرانرا بابیانی شیوا و مؤثرکه بطوریکه گفته‌اند ازرشیق‌ترین بیاناتی بوده است‌که ثبت تاریخ‌شورای امنیت شده طرح نمود .

پنج روز بعد در جلسه دیگر شورای امنیت آقای گرومیکو نماینده شوروی درمیان تعجب حضار اعلام داشت که درظرف پنج یا شش هفته تمام نیروی شوروی مشروط براینکه اتفاق غیر مترقبه ای رخ ندهد از خاك ایران خارج خواهند شد . سرانجام در ۱۹اردیبهشت نیروی نظامی شوروی خاك ایران را تخلیه کرد .

در این هنگام قوام رویه عجیب وغریبی را پیش گرفت وی‌که ظاهراً تحت نفوذ روسها واقع شده بود روزی بمن پیشنهادکردکه یا درکلیه امور شخصاً تصمیم بگیرم ویااورا در اداره امور آزاد بگذارم والبته نظرش همان شق دوم بود . ولی مردم از سیاست ملایم ورویه مسالمت آمیز وی در برابر کمونیستها چندان راضی نبودند وکم‌کم طوایف جنوب ایران نیز سربه طغیان بلندکرده طرد وزرای توده را از کابینه وی خواستار شدند

قوام درنظر داشت افسران خیانتکار راکه از ارتش ایران فرار

کرده وبه پیشه وری پیوسته بودند مجدداً بخدمت گماشته وحتی سایر افرادی‌که از جانب پیشه‌وری به اخذ درجه افسری نائل شده بودند در خدمت ارتش ایران واردکند. وی روی پای من افتاده و استدعا نمود که بدین امر موافقت نمایم ولی من باوخاطر نشان‌کردم‌که من ترجیح میدهم دستم قطع شود وچنین‌کاری راامضاء نکنم قوام درکمال ساده لوحی تصور میکردکه میتوان با اخذ این رویه مسالمت هم مقام خود وهم تمامیت ایران را حفظ نماید نظر بجهات فوق قوام را احضار نموده ودستور دادم‌کابینه خود را منحل نموده وکابینه جدیدی بدون شرکت اعضاء حزب توده تشکیل دهد ودرهمان موقع فرمان انتخابات جدیدرا صادر نمودم فرمان برای تجدید انتخابات تمام‌کشور صادر شده بود وبطور وضوح استان آذربایجان را نیز شامل میگشت وبدیهی است‌که طبق دلخواه حکومت خود مختار آذربایجان نبود دراینموقع روسها در محظور عجیبی قرار گرفته بودند زیرا هم میخواستند از حکومت دست نشانده خود پشتیبانی‌کنند وهم بدین امیدکه نفت‌شمال ایران را بچنك آورند باتهران روابط حسنه داشته باشند

در این موقع به پیروی از ندای وجدان دستور دادم که نیروئی بآذربایجان اعزام شود وشورشیان را بدون درنك منکوب سازند در همان موقع نیزشخصاً برفراز استحکامات شورشیان پروازنمودم تامیزان نیروی آنها بدست‌آید . در اینموقع روسها هم بکلی ازیاری دولت‌دست نشانده خود دست کشیدند وروز ۲۱ آذر ۱۳۲۵ نیروی ما فاتحانه وارد تبریزشد وحکومت شورشیان سرنگون‌گردیدوسران یاغی‌وگردانندگان آن بساط نیز بکشور روسیه فرارکردند

مردم آزادی خواه تبریز و رضائیه که در تاریخ کشور در آزادی‌خواهی مشهورند در امربرانداختن حکومت پوشالی آذربایجان در حقیقت پیشقدم بودند مردم این دوشهر بسیاری ازسربازان کمونیستی را از بین بردند واگر نیروی نظامی ایران مانع نمیشد بزندانها ریخته وکمونیستهائیراکه در زندان بودند معدوم میساختند درهمین موقع نیز نیروی ارتش ایران باکمك افراد طوایف کرد و ساکنین محلی کردستان حکومت پوشالی کردستان را نیز برانداخت.

قضیه‌ای راکه درآن ایام حادثه خیز رخ داد هرگزفراموش نمیکنم.

روزی سفیرکبیر شوروی در تهران تقاضای شرفیابی فوری نمود و من باو باردادم هنگامیکه باریافت نسبت باعزام نیروی نظامی به‌آذربایجان بالحن تهدید آمیزی اعتراض نمود و اظهار داشت‌که ما با این عمل صلح جهانرا بخطر انداخته ایم و بنام دولت متبوعه خود از من که شاهنشاه وفرمانده‌کل نیروهای ایران بودم تقاضا داشت نیروی خودرا فرا خوانم من باوگفتم مسئله برعکس است و اوضاعی‌که تاحال در آذربایجان حکمفرما بوده صلح جهان را بخطر انداخته است . آنگاه‌از قبول تقاضای او امتناع‌کردم و تلگرافي را که همان ساعت ازطرف استاندار حکومت پوشالي آذربایجان رسیده وحاضر بودن شورشیان را برای تسلیم بلاشرط اطلاع میداد باو ارائه دادم سفیرکبیرکه دیگر نمیتوانست مطلبي عنوان‌کند ومبهوت‌گشته بود اجازه مرخصي خواست.

دولت شوروی هنوز امیدوار بودکه مجلس شورای ملی ایران قرارداد نفت پیشنهادی قوام را تصویب‌کند ولی مجلس شورای ملی که تازه‌گشایش یافته بود چندان عجله ای درتصویب این قرارداد نداشت و سرانجام در روز ۳ مهر ۱۳۲۶ مجلس شورای ملی ایران باتفاق آراء قرارداد مزبور را ردکرد .

قضیه آذربایجان واقعاً یکی از سوانح واتفاقات تاریخی خاورمیانه در دوره معاصر است زیـرا مقاصد روسیه استالیـنی بعد از جنگ اولین‌بار در آذربایجان ظاهر وبرملاگردید. آنچه روسیه شوروی در آذربایجان کرد وجزئیات آن در جلسات شورای امنیت سازمان مورد بحث قرارگرفت دنیای آزاد را تکان داد ونخستین بارمردم نقاط مختلف گیتی را به امپریالیسم‌کمونیست ها بیدار وهوشیار ساخت .

تصور میکنم مورخان آینده گیتی تصدیق‌کنندکه جنك سرد در واقع و نفس الامر ازایران آغاز شد واگر چه علائم آن در نقاط دیگر گیتی نیز بچشم میخورد نخستین بار آثار این طرز جنك‌بطور آشکار در کشور ایران نمایان گردید در خلال قضایای آذربایجان دولت امریکا نیزاولین بار درتاریخ شیوه رهبری را درخاور میانه بکار برد و این قضیه مهم موجب شدکه اصول ترومن‌که موجب رهائی کشور های یونان وترکیه از بلای امپریالیزم گردید در آذربایجان بموقع اجرا در آمد وراه را برای تحقق عقیده ونظریه ایزنهاور صاف وهموار نمود.

اهمیت وقایع مزبور بقدری آشکار است که ملت ایران روزی را که مصادف باختم این غائله عظیم است بنام روز آذربایجان عید ملی اعلام نموده واز سال ۱۳۲۵ باین طرف همه ساله درآن روز بیا دنجات آذربایجان و اعاده حق حاکمیت ما برآن خطه جشن میگیرد و بعقیده من نه‌تنها ایرانیان بایدپیوسته بیاد این‌روز باشند بلکه تمام ملل‌آزاد جهان نیز بایستی این واقعه تاریخی را بخاطر سپرده وفراموش‌ننماید.

پس از نبرد آذربایجان احساسات ناسیونالیزم مردم ایران بواقعی بجنبش وهیجان درآمد وتمام افراد وطبقات مردم ازآن واقعه درس‌عبرت گرفتند وبهر وسیله ودر هر مقام و مکانی که بودند مراتب وفاداری خودرا نسبت بمن اظهار داشتند . کمونیست های محلی صبر پیشه‌کرده ومنتظر بروز علائم تزلزل و هرج ومرج اوضاع نشستند باین آرزوکه اگر چنان وضعی پیش آید آن آتش را دامن زنند واز آن بنفع‌خویش بهره برداری‌کنند و صبر آن هـا هم بی‌نتیجه نماند زیرا در دوران زمامداری مصدق فرصت ذیقیمتی بچنك آنها افتاد ولی چنانکه ذکر شد با وضع معجزه‌آسائی بمدد خداوند توانا وتنها بیاری ذات بیچونش از این بلای بزرك که ما را تهدید میکرد رهائی یافتیم .

استالین روز۱٤ اسفند ۱۳۳۱ درگذشت‌ومصدق هم‌روز ۲۸مرداد ۱۳۳۲ سقوط نمود بادرگذشت استالین دوره نوینی درتاریخ کشور روسیه باز وبا برافتادن مصدق نیز عصر تازه در کشور ایران آغاز گردید وچنانکه ذکر شد روابط ما بااتحادشوروی روببهبودی نهاد مبلغین روسی دیگر از حمایت حزب غیرقانونی توده دست برداشتند و دولت روسیه همه‌گونه تمایلی را برای همکاری با من و دولت جدید من ابراز داشت.

درسال ۱۳۳۵ بنابدعوت دولت اتحاد جماهیر شوروی من وملکه ثریا بروسیه مسافرت رسمی نمودیم وازما پذیرائی شایانی بعمل آوردند و فرصتی برای دیدار بسیاری از نقاط آنکشور بدست آمد و مجالی پیدا شدکه با خروشچف و سایر همقطاران وی از قبیل ورشیلف و بولگانین و میکویان وشپیلف مذاکراتی بی‌پرده وصریح بعمل آید .

روسها مدعی بودند که سیاستشان براساس همزیستی مسالمت‌آمیزو عدم مداخله درامور سایر کشورهاست ومیپرسیدند بااین وصف بچه علت ما به‌پیمان بغداد ملحق شده‌ایم؟ من در جواب گفتم که علت آنرا باید بامطالعه روابط بین کشورهای ایران وروسیه پیداکنند وبمیزبانان خود نیزیادآور شدم‌که روسها درطی چندین قرن همواره سعی وکوشش داشته‌اندکه ازراه ایران بطرف جنوب ایران پیشروی نمایند. درسال ۱۹۰۷ میلادی بخاك ایران وارد شدند تانهضت مشروطه طلبی ایران را ازبین ببرند. دردوران جنك اول جهانی بازبه تجاوز نسبت بایران اقدام کردند ونباید فراموش کنندکه درطی سالهای جنك دوم جهانی باآنکه عهدنامه های دوستی بین دوکشور برقرار بود بکشورایران حمله آوردند ودرسال ۱۳۲٤ اقدام‌بتأسیس یك دولت دست نشانده خودنمودند تابدینوسیله استان زرخیز آذربایجان راازکشور ایران مجزا سازند و زیرسلطه خویش درآورند. خروشچف وسایر همقطاران وی خود را مسئول تجاوزات مزبور ندانسته وگفتند که این وقایع پیش اززمان زمامداری آنها بوقوع پیوسته است.

خروشچف اعتراف کردکه کشوروی اشتباهاتی کرده ولی اظهار داشت‌که ملت ایران باید بحسن نیت اووسایر اولیای امورکشورروسیه که درآنمحل حضور داشتند اعتماد داشته باشد. من بخروشچف اطمینان دادم‌که احساسات دوستانه ماایرانیان نسبت بوی ومردم روسیه بسیار زیاد است ولی خاطر نشان ساختم‌که اگر بشر ازتجربیات گذشته درس عبرت نگیرد نمونه کمال سفاهت اوست. خروشچف میخواست بداند که چگونه ممکن است دولت ایران عضویت پیمان بغداد راکه انگلیسها نیز عضوآن هستند قبول نماید درصورتیکه انگلیسها نیز در جنك دوم جهانی درتجاوز بکشور ایران مقصر بودند وپیشنهاد تجاوز هم اول ازطرف آنهاشده بود. درپاسخ گفتم انگلیسها اقلا درسر موقع بوعده خود وفا نموده وکشور ایران راتخلیه نمودند ولی روسها ازاین عمل نیز امتناع کردند.

خروشچف درباره آنچه بنظروی جنبه تهاجمی ونظامی‌پیمان بغداد بود صحبت میکرد ومیگفت که وی دراوائل امر چنین استنباط میکرده است که پیمان مزبور کیفیت نظامی ندارد ولی بعداً متوجه شده است

که تصورش خطا بوده است درجواب توضیح دادم که در جلسات پیمان ، مذاکرات مربوط بدفاع در اطراف جبال البرز والوند بوده است وهیچیك ازاین دوسلسله کوه درخاك روسیه واقع نشده وهردو در ایران است .

خروشچف بالاخره تصدیق کرد که ایران قصد تجاوزی بکشور روسیه ندارد ولی اظهار داشت که دولت معظمی ممکن است ما را برخلاف میل خود وادار سازد که کشور خودرا برای حمله بروسیه در اختیار آن بگذاریم واظهار نظر کردکه شاید ما برای انجام همین منظور اجباراً باین پیمان ملحق شده باشیم من باکمال تاکید پاسخ دادم که ما به پیمان بغداد بصرف اراده خود وبعنوان شریك متساوی الحقوق ملحق شده‌ایم وهیچکس ما را مجبور بالحاق نکرده واگر چنین فشاری بما وارد شده بود درمقابل آن مقاومت میکردیم واضافه کردم که ما هرگز اجازه نخواهیم داد که کشور ما برای اجرای مقاصد تجاوزکارانه برخلاف روسیه شوروی مورد استفاده قرار گیرد و بخروشچف قول سربازی دادم که تا مدتی که من برتخت سلطنت ایران هستم کشورمن بهیچوجه با تقاضای تجاوزکارانه برخلاف روسیه شوروی موافقت‌نخواهد کرد وشریك درچنین عملی نخواهد شد .

خروشچف وهمکاران وی باکمال گشادگی خاطر گفتند که باظهارات من اعتماد کامل دارند وطبق پیشنهاد آنها اعلامیه مشترکی که حکایت میکرد مذاکرات درمحیط دوستانه صورت گرفته و هردو طرف مصممند مناسبات فیمابین را تحکیم نمایند ، صادر نمودیم.

مذاکراتی‌که با سران کشور شوروی بعمل آوردم راه را برای عقد یك سلسله قرارداد های بعدی باز نمود . اختلافات مرزی ما با روسها بطریقی‌که بنفع‌طرفین بودحل وفصل‌گردید ودرضمن بعضی قراردادهای ترانزیتی برای ارسال کالا های صادراتی و وارداتی خود از راه روسیه باروپای غربی وغیر آن منعقد ساختیم وموافقت کردیم که از آب رودخانه های ارس واترك که در مرز مشترك روسیه وکشور ایران جاری هستند واز آب آن میتوان متجاوز از دویست هزار جریب زمین بایر ولم یزرع اطراف را کشت وزرع نمود مشترکاً استفاده بشود . بازرگاني ما با اتحاد شوروی بسط وتوسعه یافت و مسابقات ورزشي

دوستانه ترتیب داده شد ونمایندگان مجلس شورای ملی‌ما بکشور روسیه رفته ونمایندگان مجلس آنها هم بایران آمدند ودر راه تحکیم روابط فرهنگی بین دوکشور مجاهدت بعمل آمد وشاید از سال ۱۹۱۷ که مقارن با انقلاب روسیه بود تا آن تاریخ روابط دوکشور اینقدر دوستانه نشده بود . بهمین کیفیت با سایر کشور های بلوك کمونیست نیز روابطی برقرار نمودیم ، با وصف آنچه گفته شد دوسال بعد روسها سیاست تحریك آمیز خودرا ازسرگرفتند : مثلا مارشال‌ورشینین روسی ضمن اعلامیه خود کشور های ترکیه و ایران را تهدید نمودکه‌ممکن است بوسیله موشك هردوکشور معدوم گردند واین اظهار اطمینانی را که خروشچف درباره سیاست خارجی شوروی داده وگفته بود که ازآن پس‌فصل جدیدی درتاریخ سیاست‌روسیه بازخواهدشد مشکوك‌جلوه‌داد. واقعاً وقتی روسها بمامورین مسئول خود اجازه میدهند که اینگونه مطالب برزبان جاری سازند ازما چگونه انتظار دارند که سخنان نرم وملایم آنها را درباره همزیستی مسالمت آمیز باور کنیم؟

بهمین نهج روسها جسارت کرده واز اینکه ساختمان راه آهن تهران به مشهد را تمام کرده بودیم اعتراض نموده به‌آن جنبهٔ اقدام سوق الجیشی میدادند و مانند آنکه مالك الرقاب گیتی باشند از فرودگاههائی‌که ساخته میشد انتقادمیکردندکه برای استفاده هواپیماهای نظامی است و نسبت به بنادری که ایجاد می‌شد معترض بودند که بمنظور تهیه پایگاه های دریائی تاسیس گشته است .

این مطالب ناروا اصول ادب را متزلزل کرده وتجاوزی آشکاربحق حاکمیت واستقلال ما بود ما بخوبی میدانیم که روسها در داخل و خارج ازکشور خود مشغول ایجاد راه آهن و ساختمان فرودگاهها وبنادر میباشند ولی آیا هرگز به آنها درباب این اقدامات اعتراض و حمله‌ای‌کرده‌ایم ؟ وآیا روسها نزد خود تصور میکنند که دراین قسمت از گیتی تنها آنها میتوانند وسائل جدید مواصلات داشته باشند؟ آیا میل آنها این است که ما بوضع قرون وسطی برگردیم ؟ البته اظهار آنها درست است‌که هنگام ضرورت تاسیسات راه آهن وفرودگاهها و بنادر ما مورد استفاده نظامی قرار خواهد گرفت وهمین امر هم درباره روسها صدق میکند ولی آیا آنچه برای یکطرف رواست برای‌طرف دیگر

روا وجایز نیست ؟

پس از کودتای کشور عراق که درسال ۱۳۳۷ پیش آمد اعضاء پیمان بغداد تشکیل جلسه دادند واز دولت کشور های متحده آمریکا مصراً تقاضا کردند که درپیمان مزبور شرکت جوید با آنکه دولت کشور های متحده آمریکا عضویت اکثر کمیته های پیمان مزبور را دارا بود ولی از الحاق به پیمان بغداد فعلا خودداری کرد و در عوض پیشنهاد نمود که پیمانهای دفاعی دوجانبه باکشور های ترکیه وپاکستان وایران منعقد سازد وبموجب آن آمریکا متعهد گردد که اگر یکی از کشور های سه گانه نامبرده مورد حمله نیروهای کمونیزم بین المللی قرار گیرد بکمك آنها اقدام کند .

ما نیز با دوستان ترك وپاکستانی خود مصمم شدیم قرارداد پیشنهاد شده با آمریکا را قبول وامضا کنیم

هنگامیکه روسها ازاین موضوع استحضار یافتند یادداشتی حاکی از اعتراض سخت برای ما فرستادند وبرخلاف سنن ورسوم دیپلماسی قبل ازآنکه اعتراض خودرا رسماً بما تسلیم کنند در رادیوها پخش کردند ونیز بسفیر خود درتهران دستور دادند که مفاد اعتراض مزبور را شخصاً به نمایندگان مجلسین ایران برساند. درآنموقع ما با کمال صداقت بروسها گفتیم که عمل آنها خطر این را دارد که اشتباهات گذشته که منجر به تیرگی روابط طرفین شده بود تکرار شود وبه آنها خاطرنشان نمودیم که با آن نیروی مسلح شگرف وعظیمی که دراختیار دارند هراس آنها از سازمانهای کوچك دفاعی ما دور ازعقل سلیم است وخاطرنشان کردیم که صلاح ونفع طرفین درآنست که همان سیاست دوستی و وداد قبلی موجود بین دوکشور ادامه داشته باشد

اقدام دیگری که روسها برای جلوگیری ما ازامضاء قرارداد دوجانبه بعمل آوردند این بودکه واسطه هائی برانگیخته و بوسیله آنها وعده عقد قرارداد طویل المدة عدم تجاوز وکمك های هنگفت اقتصادی دادند درعین حال قرارداد دوجانبه بشکلی که اول پیشنهاد شد آن مفهومی را که میخواستیم داشته باشد نداشت وفاقد ضمانت های لازم بود و میزان مهمات جنگی که برای کشور ایران میرسید نیز کافی نبود وچون خودرا از حیث نیروی نظامی بسیار ضعیف یافتیم و ضمانت هائی

که سایر کشورهای عضو ناتو از آن برخوردار بودند بما داده نشده بود بخود اجازه دادیم که درباره انعقاد قرارداد عدم تجاوز با روسها وارد مذاکره شویم .

روسها دراین موقع مرتکب خبطی شدند ومدت دوهفته در اعزام نمایندگان خود تأخیر نمودند ودر خلال آن مدت شرایط مندرج در پیش نویس قرارداد دوجانبه بنحوی که موجب رضایت ما بود تغییر یافت وقتی نمایندگان روسها رسیدند اشتباه دیگری مرتکب شدند بدین کیفیت که برای آغاز مذاکرات تقاضا کردند از پیمان بغدادخارج شویم وهرچند وقتی مقاومت سخت مارا دربرابر آن تقاضا دیدندمنصرف شدند ولی اصرار داشتند که از امضاء قرارداد دوجانبه خودداری کنیم دراینجا متوجه شدیم که روسها درقبال عقد قرارداد عدم تجاوز درنظر دارند ما را ازمتفقین خود جدا سازند ونه تنها اصرار داشتندکه ما ازعقد قرارداد با آمریکائیها منصرف شویم بلکه پیش نویس قراردادی که برای عدم تجاوزپیشنهاد میکردند حاوی موادی بودکه مناسبات‌مارا با دوستان خود بسیار ضعیف میساخت.

برای ما واضح گردیدکه هرچند از نیروی نظامی خود و آمادگی آن واز کمك های متحدین خود راضی نبودیم بهتر آنست که پیوندخود را با دوستان خود قطع نکنیم وتسلیم امری نشویم که باستقلال و حاکمیت ما لطمه وارد می‌آورد. مذاکرات عقد قرارداد روسها باما بعلل فوق بنتیجه‌ای نرسید ونمایندگان آنها بدون اطلاع از ایران خارج شدند .

رویه روسیه درمورد لطمه زدن به آزادی ما ادامه یافت و دیری نگذشت که بحملات رادیوئی برضد ما مبادرت واز دستگاه رادیوئی دولتی خود یك سلسله گفتار بزبان فارسی پخش نمودند واز هرگونه سخن جعل ودروغ درباره کشور ودولت ایران و خانواده من کوتاهی نکردند چند ماه بعد ازایستگاه دیگری که خودرا صدای ملی ایران مینامد سخنانی موهن پخش کردند. برما بخوبی معلوم استکه این ایستگاه در قسمت جنوبی روسیه واقع شده و روسها هم بخوبی میدانندکه ما ازمحل آن مطلع هستیم این دستگاه به نشر و پخش تبلیغات فضیح و عامیانه و هرزه و وقاحت آمیز قناعت نکرد بلکه

مردم کشور را بقیام برعلیه دولت اغوا نمود. برخی از مردم بدبین و ضعیف‌النفس تصور میکردند که اینگونه سخنرانیها موجب تزلزل روحیه ملت ایران میشود ولی قضیه برعکس بود واین تبلیغات خلاف، مردم کشور رابا یکدیگرمتحد ویکدل ویك زبان‌ساخت واین‌وحدت تا بدانجا مستحکم گردیده بودکه دستور دادم متن سخنرانیهای روسها را از ایستگاه رادیو ایران مجدداً پخش کنند تا عدهٔ کثیری از مردم کشور سخنانی‌که کذب‌آن واضح است وبرخلاف کشورشان گفته شده بشنوند.

روسها درشهر مرزی جلفا طریق دیگری برای تبلیغات تعرض آمیز خود پیداکرده ودر کنار مرز خود بلندگوهائی نصب وبدانوسیله دست به تبلیغات سوء زدند ، اما ازاین کار نتیجه معکوس گرفتند زیرا ماهم بعنوان مقابله به‌مثل بلندگوهائی درکنار مرز خود قرار دادیم وحقایق تلخ وناراحت کننده‌ای را بگوش مرز نشینان روسی رساندیم . زمامداران روسیه مردم را ازشنیدن اخباریکه از رادیوهای کشور های خارج پخش میشود ممنوع کرده‌اند ومبالغ هنگفتی برای ایجاد پارازیت درامواج دستگاههای گیرنده صرف نموده وسعی میکنند که رادیوهای مردم عادی موج هیچ کشوری جز کشور روسیه را نگیرد. اما صدای بلندگوهای ما بگوش همه میرسید و مردمی که هیچگاه در عمر خود ازلذت آزادی برخوردار نشده بودند سخنان مارا می شنیدند. این وضع برخلاف میل مقامات روسی بود ودیری نگذشت که بلندگوهای خود را برداشته وازاین مبارزه بکلی دست کشیدند وماهم بلندگوهای خودرا خاموش کردیم .

علت اینکه روسیه شوروی بر ضد ما بچنین عملیاتی اقدام کرد چیست ؟

روسها میدانند که عملیات آنها برخلاف مقررات عهدنامه های موجود بین دوکشور است وبخوبی آگاهند که حتی اگر قرارداد هائی هم درمیان بود که آنها را بچنین رفتاری مجاز مینمود آن قرارداد ها بموجب منشور سازمان ملل متحد لغو وباطل است . زیرا طبق مفاد ماده ۱۰۳ منشور مزبور تمام عهدنامه ها وقرارداد های بین‌المللی که‌مفاد آنهامخالف ومتناقض بامفاد هرقسمتی ازمنشور ملل متحد باشد لغو

وباطل است ،

باید بروسها خاطرنشان‌ساخت‌که خودشان درسال ۱۳۲۶ پیشنهادی به‌سازمان ملل‌متحد تسلیم نمودندکه از هرگونه فعالیتهای تبلیغاتی که صلح جهانی را بخطر اندازد جلوگیری شود وبموجب تصمیمی‌که مجمع عمومی سازمان ملل متحد باتفاق آراء اتخاذ نمود مقرر گردید که هرگونه تبلیغات از ناحیه هرکس که عمداً ویا احتمالا مقدمهٔ تهدید ونقض صلح ویا تجاوز باشند ممنوع‌گردد آیا روسها فراموش‌کرده‌اند که خودشان در آن زمان از طرفداران این مقررات بوده اند ؟ وآیا خودشان نباید از آنچه دیگران را از آن منع میکنند بپرهیزند؟

من ازاین تشنج غیر لازمی‌که بین دوکشور بوجود آمده بسیار متأسفم من واقعاً از مردم روسیه بسیار خوشم میآید ولی وظیفه من آنست‌که استقلال‌کشور خویش را حفظ‌کنم من هیچ دلیل لازمی‌برای بهم خوردن مناسبات بین دوکشور نمی‌بینم واگر مثلا روسیه با ما همان معامله‌ای راکه‌با ترکیه میکردندمعمول میداشت تیرگی مناسبات بین ما وهمسایه شمالی ما از میان میرفت

تمام مردم جهان حتی رفقای روسی ماباید این نکته را بدانندکه دنیای امروزه حاضر نیست تجاوز را از هرناحیه‌ای‌که اعمال شود قبول نماید وضع روزگار از سال ۱۳۲۵ که برای نجات آذربایجان‌کوشش میکردیم تغییر کرده است در آن زمان قضیه ایران آنطور که منتظر بودیم مورد توجه ملل متحد قرار نگرفت وسفیر امریکا درتهران بمن صریحاً اظهار داشت که دولت متبوعه وی حاضر نیست برای‌نجات ایران وارد نبرد شود .

با وصف آن من در نزد خود اندیشیدم که اگر در آنموقع حمله نکنم مسلماً نیروی تجزیه طلب نیرومند تر شده وبما حمله خواهد کرد . در آنموقع امید موفقیت چندان زیاد نبود ونمیدانستم عاقبت‌کار بکجا میکشد ولی با خودگفتم مرگ با شرف وافتخار بهتر از نابودی استقلال زاد و بوم است و بار دیگر خداوند بزرگ بیاری من برخاست

امروز ملت ایران و من کمتر از ایام بحرانی سال ۱۳۲۵ احساس تنهائی میکنیم

عقیده عمومی جهان اینست که بر علیه هرگونه تهدیدی که نسبت بصلح جهان پیش‌آید باید اقدام فوری و شدید بعمل‌آید. در این عصر اتم مردم گیتی میدانند که هر تجاوزی که نسبت بکشوری بعمل آید بدون تردید تمام‌کشور های دیگر را بخطرخواهند انداخت. امروز سازمان ملل‌متحد نیرومندتر شده‌وایجاد نیروی‌پلیس سازمان‌ملل‌متحد از لحاظ اصولی و عملی مورد قبول جهانیان واقع گـردیده است و در عین حال کشور ایران در نتیجه عقد قراردادهای دفاعی دوجانبه با دوستان هوشیار ونیرومند خود بیش از پیش حامی وپشتیبان پیداکرده است وتمام این قرارداد ها با روح ومقررات منشور سازمان ملل‌متحد کاملا منطبق است

با این ترتیب مبنای سیاست خارجی ما بر تجربیات بسیار عملی نهاده شده است ، زیرا در طی جنگهای جهانی اول و دوم سفاهت اخذ طریق بیطرفی را با وضع سوق‌الجیشی که داریم‌بعیان مشاهده کردیم و در هـر دو جنك بیطرفی ما مانـع تجاوز بیگانگان بخاك وطن مـا نگردید و پس از هر جنك نیز کشور ما عرصهٔ کشمکش بین منافـع بیگانگان گردید

در دوره زمامداری مصدق ضعف سیاست خارجی منفی ما موجب‌شد که درکشور ما نفوذ بیگانگان و تحریکاتی که از آنسوی مرز ایران هدایت‌میشد توسعه یابد. بدین جهات‌متدرجا بسیاست تازه‌ای‌گرائیدیم که مظهرحیات وروح زنده‌کشور ما باشد ومن‌آنرا سیاست ناسیونالیسم مثبت نام داده‌ام

چون امروزکلمات ناسیونالیسم و امپریالیسم زیاد بگوش میخورد لازم است بمفهوم واقعی این دو واژه و اصطلاح پی ببریم ـ تعریف و تعبیری که در فرهنگهای معمولی از واژه ناسیونالیسم میشود « علاقه و حمایت از منافع ملی یا اتحاد واستقلال ملی است» تعریفی‌که بهمین نهج از واژه امپریالیسم میشود «سیاست‌کوشش یا حمایت از طریقه توسعه و بسط تسلط یك‌کشور یا یك امپراتوری است ».

اینك باید دید بـا دو تعریف فوق‌اصطلاح ناسیونالیسم مثبت را چگونه باید تعریف نمود وچه عملی از آن مستفاد میشود. ناسیونالیسم مثبت بفکر من عبارت از رویه‌ای است‌که حداکثر استقلال سیاسی

واقتصادی کشوررا بطوریکه با منافع آن کشور موافق باشد تامین نماید . برای ما ایرانیان ناسیونالیسم مثبت مفهوم گوشه‌گیری وجدائی ندارد بلکه معنای آن این است که بدون توجه بامیال و سیاست های کشور های دیگر هرقراردادی که بنفع کشور ما باشد منعقد سازیم و از تهدیدات کسانیکه میخواهند برای ما رفیق انتخاب کنند نهراسیم .

ما تنها ازنظر اصول مبهم وبخاطر اینکه باکسی متحد باشیم وارد عقد اتحاد نمیشویم بلکه منظورما از هراتحادی تامین منافع آشکار ماست . ما دوستی هرکشوری را میپذیریم و حاضریم از تجارب علمی وفنی آن‌کشور استفاده کنیم بشرط آنکه چنین دوستی ووداد‌ی‌بمنافع یا استقلال ما لطمه وارد نسازد واین رویه بما آزادی عملی میدهد که ازآنچه درکشورهائی که اسیر فرضیه های مختلف هستند مشاهده میشود بمراتب بیشتراست . درعین حال ما طرفدار جدی اصول وآرمان های سازمان ملل متحد هستیم

ما بسیاست سست بیطرفی منفی متکی نیستیم وبا دوستان خودبدون پرده پوشی وریا دوستی میورزیم واز آنها نیز همین رفتار را نسبت بخود انتظار داریم واگر بعضی ازکشورها از رفتار ما درخشم شوند و وبتوهین و تهدید ما اقدام کنند نسبت بآنها رویه منفی پیش نگرفته ورفتار خود را نسبت بآنها تغییر نمیدهیم . زیرا ما جغد نیستیم که از فراز ویرانه بناله وندبه بپردازیم بعبارت دیگر ما از آن کسانی نیستیم که از بالای مناره ها واز پشت رادیوی بین‌المللی بناسزاگوئی پرداخته وهمه را مقصر وانمودکنیم وخود در فقر و فاقه بسر بریم و با فلاکت و ضعف روزگار بگذرانیم . برعکس ما روز بروز نیرومندتر ومرفه‌تر میشویم ودر عین آنکه بنیان طرحهای نوین درکشور میریزیم حقیقی‌ترین احساسات میهن‌پرستی وناسیونالیسم را حفظ مینمائیم.

امپریالیسم بهیچوجه رویه تازه‌ای نیست و چنانکه قبلا ذکر شد کشور شاهنشاهی ایران اولین امپراتوری حقیقی جهان بود همینطور هر چند ناسیونالیسم امروز نیروئی عظیم در جهان بشمار میرود ولی‌همه میدانندکه این فکرنیز تازگی ندارد زیرا فکر ناسیونالیسم مردم ایران را ازرمان کورش‌کبیربجنبش وهیجان آورده است وهمین‌روح‌ناسیونالیسم بودکه چندین قرن بعد مستعمره نشینان امریکارا برانگیخت‌که دولت

مستقل کشورهای متحده امریکا را تشکیل دهند .

در چند سال اخیر نیز امواج خروشان ناسیونالیسم کشور های خاورمیانه وسایر نقاط گیتی راکه از خیث امور سیاسی و اقتصادی کمتر توسعه یافته بودند فراگرفته است. عنوان ناسیونالیسم هم مانند امپریالیسم پیچیده است. ناسیونالیسم حقیقی کشور را به پیشرفتها و ترقیات شگرف راهبری میکند چنانکه قسمت بزرك ترقیات مهم مردم کشورهای متحده امریکا مرهون همین روح ناسیونالیسم واقعی است و همچنین کارهای بزرگی که بدست پدرم انجام یافت تماماً در پرتو همین ناسیونالیسم حقیقی بودکه وی درنهاد فرد فرد ملت ایران بوجودآورده بود، از طرف دیگراگر همین روح ناسیونالیسم بوسیله خائنین داخلی و یا دولتهای خارجی مورد سوء استفاده ماهرانه قرارگیرد مانند پرده‌ای میشودکه میتوان تسلط امپریالیستی وفنای قومیت وملیت را درپشت آن پنهان نمود

هنگامیکه مصدق ودستیاران وی مانند زنان‌بناله وندبه پرداخته ودیوانه وار سخنرانیهای تند و جنون‌آمیزی برعلیه انگلیسها ایراد مینمودند بسیاری ازمیهن‌پرستان واقعی دربدوامر تصورمیکردند که آن سخنرانیها مظهرروح ناسیونالیسم‌است ولی‌مرور زمان میهن‌پرستان را متوجه ساخت که مصدق در حقیقت دروازه‌های کشور را بروی‌عوامل امپریالیسم گشوده است. سیاست منفی مصدق باعث ایجاد اختلال و آشفتگی عظیم سیاسی واقتصادی گردید وبرای عمال بیگانه فرصت بسیار مساعدی برای اجرای مقاصدی‌که داشتند فراهم ساخت ودرهمان هنگام که پدرم بریشه‌کن‌کردن عوامل امپریالیسم درایران میپرداخت مصدق مشغول تهیه زمینه مساعد برای نمو امپریالیسم بودکه در موقع خود ازبهره برداری آن فروگذار نکردند

در دنیا هیچ عملی برای یك فرد یا یك ملت از این خطرناك تر نست‌که اسیراحساسات شخصی ومقهورخود پرستی خویش باشد .وقتی درست دقت‌کنیم می‌بینیم من بیش از مصدق برای کینه و عناد نسبت بانگلیسها دلائل موجه داشتم زیرا مگرنه آن بودکه انگلیسها پدرم را مجبور بترك سلطنت وکشورکردند ؟ مگرآنها نبودندکه در جریان جنك دوم جهانی برای تکمیل تجاوز خودشان ورود روسها را بکشور

ما خوش آمد گفتند ؟

ولی روزی‌که مصدق در حرارت احساسات شخصی خویش جوش میزد من بفکر حفظ منافع بزرگ کشور بودم . چنانکه سابقا بیان شد ناسیونالیسم منفی مصدق نه تنها برای کمونیستها فرصتی که آرزوی‌آن را داشتند فراهم ساخت بلکه بعکس آنچه میگفت بانگلیسها اجازه‌داد که در سیاست ایران بیش از پیش نفوذ پیداکنند

اگررفتارمصدق به ناسیونالیسم تفسیر وتعبیرشود قطعا بایداصطلاح تازه‌ای نیزبرای ناسیونالیسم حقیقی برگزید قدر مسلم اینست که سیاست مصدق کاملا منفی بود وهیچ ربطی باناسیونالیسم مثبت نداشت وبدینجهت بعقیده من برای امتیاز بین رویه منفی‌مصدق وناسیونالیسمی که مورد علاقه میهن پرستان حقیقی است اصطلاح ناسیونالیسم‌مثبت بسیار سود مند خواهد بود

دربسیاری ازکشورها که اکنون احساسات ناسیونالیسمی درطغیان وهیجان است مردم باید ناسیونالیست‌های واقعی را از آنکه بدروغ‌خود را ناسیونالیست جلوه میدهند امتیاز دهند . البته اوضـاع وشرائط در کشورهای مختلف یکسان نیست ودرهرحال من هرگـز نمیخواهم در امور سایر کشورها اظهار رأی ونظرکنم ولی بعقیده من ممکن است ازتجاربی‌که مادر سالهای اخیر کرده‌ایم درسهای سودمندی‌فراگرفت ومیهن پرستان سایر ملل با مطالعه تاریخ معاصر ایران میتوانند بنکات مهمی پی‌برند که آنها رادر نهضت ناسیونالیسمی یاری‌کند و حقیقت را از دروغ تشخیص دهند از جمله یکی از درسهای عبرتی کـه ما آموخته‌ایم‌آنست که هرکس فکر ناسیونالیسم منفی را تبلیغ‌میکند باید او را مظنون و مشکوك شمرد زیرا خراب کردن از عهده همه بر می‌آید ولی آبادکردن کار هرکس نیست. ازعجایب افکاربشری اینست که طینت وطبیعت بشر در همه جای گیتی آنست‌که مردم بهیاهو و جنجالی که نسبت به شیطان موهوم برپا میشود بیشتر دل میسپارند ولی به تبلیغی‌که برای پیشرفت واحیاءکشور میشودکمتر توجه دارند و علت آن اینست که برافکندن بنیان ها تماشائی وهیجان‌انگیزاست ولی ساختن بناکاری‌آهسته وتدریجی ومستلزم صرف وقت است

بعضی از عـوام فریبان منفی بـاف خـود را غمخوار صمیمی ملت

می‌پندارند وبرخی عامداً آلت دست بیگانگان میشوند وناسیونالیسمی که هردو دسته طرفدار آنند جز خدعه و دروغ چیزی‌نیست منظور من البته آن نیست‌که با انتقاد مشروع مخالفتی دارم ولی عیب جوئی معقول ومنطقی با عوام فریبی دارای تفاوت بسیار است

دومین نکته‌ای که از آن وقایع آموختیم آنست که هرکس تحت عنوان ناسیونالیسم تنها به‌یکی ازانواع امپریالیسم حمله‌کند بدون تأمل باید وی رابادیده شك وتردید نگریست، چنانکه فریاد وخروش مصدق تنها برعلیه دیو مهیب امپریالیسم انگلستان بود ولی درقسمت اخیر دوره زمامداریش که خود را بافراد حزب توده پیوستگی داده‌بود بهیچوجه حاضر نشد سخنی درباره نوع خطرناکترامپریالیسم‌که استعمار سرخ‌باشد بزبان‌آوردبلکه بعمدیااشتباه‌سعی داشت‌که افکارواحساسات عامه را بوسیله توجه دادن مردم بخطرکوچکتر از خطر بزرگتر غافل نماید

سومین درسی‌که فراگرفتیم آنست که باید ادعای ناسیونالیسمی اشخاص را با مقایسه بین اظهارات آن‌ها وآنچه جمعیت ها ودول‌بیگانه میگویند مورد سنجش قرارداد ودراین سنجش بعضی نکات‌که بین‌آنها مشترك است روشن‌خواهدشد مثلاهرگاه صد روزنامه درنقاط‌مختلف گیتی همه روزه از یکدیگر تقلیدکرده وهمه یك عقیده ویك نحوحب وبغض را نشان دهند باید مطمئن بودکه همه از دستورهائی‌که ازیك مرکز واحد صادر میشود پیروی میکنند واگر ازآنگونه روزنامه ها درکشوری انتشار یابد بدون تردید باید آنرا مظهرناسیونالیسم‌دروغی دانست وآنرا از ناسیونالیسم حقیقی وویژه آن‌کشور فرق داد

چهارمین درسی‌راکه فراگرفته ایم آنست‌که برای تمیز بین ناسیونالیسم حقیقی ودروغی باید ازرهبران آنها باکمال سماجت و قساوت خواست‌که برنامه‌ای راکه برای پیشرفت وترقی‌کشور دارند ارائه دهند وهرگاه برنامه مثبتی نداشتند ویا برنامه آنها ازجمله های فریبنده ومبهم و بدون عمق ومعنی مشحون بود و یا برنامه معقولی داشتند ولی‌طرق عملی‌برای اجرای‌آن نداشتند باید ازفکر ناسیونالیسمی آنها مشکوك ومظنون بود برعکس اگر برنامه صحیح ومثبتی ارائه دادند وطرق معقولی برای اجرای آن داشتند ونشان دادندکه باعزمی

راسخ برای یك چنین خدمتگزاری آماده اند دلائلی برای اینکه بتوان نسبت به ناسیونالیسم آنها اعتماد واطمینان حاصل نمود بدست خواهد آمد .

همه میدانند که امروزه در تمام کشورهای آزاد جهان دسته هائی ازعمال یکی ازاین دودسته فوق مخفیانه بفتنه انگیزی مشغولند و از حقوق وامتیازاتیکه دراجتماعات آزاد نصیب مردم است استفاده میکنند وباکوشش خستگی ناپذیری به برانداختن اساس آزادی میپردازند. اینان نقاب ناسیونالیسم برچهره افکنده وبنام فداکاری در راه آن منظورمقدس، بامهارتی که ویژه شاگردان مکتب اضمحلال ملیت هاست مشغول متلاشی کردن ارکان ملیت هستند وباید دید طریق مقابله ومبارزه باآنها چیست ؟

باید بار دیگر تاکید کنم که من درپی آن نیستم که در مسائل مربوط بسایر کشورها اظهار نظر وصلاح اندیشی کنم ولی احساس می کنم که این نکته باید ناگفته نماند که سالهای اخیر مجبور گشته ایم مطالعات دامنه داری دراین مسائل بعمل آوریم وممکن است نتیجه مطالعات و آزمایشهای مابحال سایرین مفید واقع شود ولااقل نتایجی راکه هر ملتی مستقلا بدست آورده است تاکید وتایید نماید .

ازجمله نکاتی که ما بآن پی برده ایم این است که دولت باید از یکطرف مراقبت شدید درکارسازمانهای مخرب داشته باشد واز طرف دیگرآزادی واظهار عقیده افراد رابحداکثرمراعات نماید. باوضع امروز جهان امریکائیان وبسیاری ازملل آزاد دریافته اندکه بایدازعملیات دسته هائی که غایت مقصودشان درزندگانی ازمیان بردن نظم واساس دموکراسی بوسائل غیرقانونی است جلوگیری کرد ویااقلا آزادی عمل آنها را محدود ساخت

پس ازسقوط مصدق ضمن محاکماتی که جزئیات آن درفصل سابق ذکر شد مدارك جالبی درباره سوگندی که حزب توده افسران نظامی را بادای آن ملزم میساخت بدست آمد این افسران باید سوگندیاد میکردند که باشاه مملکت ودول غربی مخالف وبااتحاد شوروی دوست باشند .معلوم است که سازمانی که متکی براینگونه سوگندها باشد هرگز پشتیبان وحامی ناسیونالیسم حقیقی ایران نخواهد بود ومخصوصاً

اگر درکشوری‌که از لحاظ جغرافیائی همجوار وهم مرز روسیه است اجازه داده شودکه چنین سازمانهائی رشد وتوسعه یابد موجبی جز بی‌اعتنایی کامل اولیای امور به سرنوشت آینده آن‌کشور نخواهد داشت

بسیاری ازملتهانه‌تنها ازتشکیل‌چنین سازمانهای مخرب‌جلوگیری نموده ویاآنرا تحت نظارت ومراقبت شدید قرار میدهند بلکه افراد منتسب بآن سازمانها بخودی خود از برخی امتیازات در جـامعه خود محروم میگردند مثلا درکشور امریکا وکشور ایران اشخاصی‌که بداشتن مرام‌کمونیستی معروف باشند حق اشغال مقامات دولتی را ندارند

ازطرف دیگر بعقیده من‌عاقلانه آنست‌که مردم عادی‌کشور برای اظهار عقاید خود حداکثر آزادی داشته وتحت مضیقه وفشار نباشند و بتوانند علناً نظریات خود را بیان کنند زیرا بدینوسیله نه تنها کشور از مفاسد منزه ومصفا خواهد شد بلکه موجب آن میشود که معایب ونواقصی نیزکه نیازمند اصلاح است آشکارگردد برخی از مردم فراموش‌کرده‌اندکه در تمام دوران زمامداری مصدق حکومت نظامی درایران برقرار بود وخود این امر تضییقاتی برای مردم‌کشور فراهم میساخت وتصمیم من همواره‌برآن بودکه آنرا لغوکنم چنانکه پس ازسقوط مصدق نیز حکومت نظامی بدواً ازشدت افتاد وسپس‌کاملا ملغی‌گردید

امروزه درکتابها وجرایدی‌که درکشور ماانتشار می‌یابد انتقاداتی شدید نسبت به‌پاره ای از روشهای دولت بعمل میآید وما مخصوصاً و عمداً اینگونه انتقادها را مجاز کرده‌ایم زیرا برای ما روشن است‌که اینگونه اظهار نظرها وانتقاداتی‌که درکشور دموکراسی میشود بنفع وصلاح‌کشور است . درکشورایران حضور همه‌کس درمجالس سخنرانی عمومی وسخنرانی های دانشگاه‌که احیاناً ازرویه دولت انتقاد مستقیم میشود بلامانع وآزاد است .گاهی ازدهان یکی ازافراد ملت وبعضی اوقات ازیکی ازدانشجویان صدائی بلند میشودکه میگوید درایران آزادی وجود ندارد. ولی همین عبارت‌که بدون‌ترس ازمجازات آزادانه اظهار شده خود دلیل قاطعی بروجود آزادی است واگر شخص بادیده

انصاف واز روی بیغرضی دانشگاههای ایران را مورد بررسی قرار دهد تصدیق خواهد کردکه دراین محیطها آزادی بحث وتحقیق واظهار نظر حکمفرماست

شاید بسیاری از خارجیان بی‌میل نباشند که ازطرز رفتار ما ایرانیان نسبت به اشخاصی‌که عقایدکمونیستی آنها محرز ومسلم شده بود اطلاع یابند آنهائیکه اقدام بقتل هموطنان خود نموده ویابکشور خیانت‌کرده اسرار مهم‌کشور را باجانب داده بودند بمجازات رسیدند ولی عده زیادی ازکمونیستهای سابق‌کشورما ازکردار خویش پشیمان گشته و آرزو داشتند فرصتی بآنها داده شودکه بمیهن و شاه خود خدمت کنند بنظر مااقتضا داشت‌که چنین فرصتی رااز آنها دریغ نکنیم زیرا اگر واقعاً ازعمل خود پشیمان ونادم باشند چه بهترکه عده‌ای را بنفوس زکیه کشورکه عقاید سالمی‌دارندبیفزائیم واگردروغ بگویند باز هیچگونه خطری از ناحیه آنها متوجه ما نخواهد بود زیرا هویت آنها برما معلوم است وخود آنها نیز میدانندکه ما آنها را خوب میشناسیم درحال حاضر عده زیادی ازآنهاعهده‌دار خدمات مفیدی درپیشرفت وآبادانی‌کشور خود شده‌اند چندتن از این افراد نیز به نشر مجله خاصی همت‌گماشته ودرآن مقالاتی راجع به‌تجاربی که دراثر معاشرت وآمیزش باحزب‌کمونیست بدست آورده بودند انتشار داده وعلت اینکه مرام آن را طردکردند تشریح و معنی و مفهوم زندگانی جدیدی راکه اینك بدان واردند برای عموم روشن نمودند پس بنظر من‌آنچه از همه مهمتر است اینست‌که مردم این کشور وهرکشور دیگر باید از هرگونه آزادی جز یك آزادی که آن آزادی درخیانت بکشور است برخوردار باشند

بعقید من همانقدرکه باید دربرابر سازمانهای مخرب شدت عمل بخرج داد درموردکسانیکه نظر شخصی خویش را باستظهارآزادی ابراز میدارند ملایمت ونرمی ضرور است واطمینان دارم‌که درمیان ملت‌هائی که ازنعمت آزادی‌برخوردارند اتخاذ چنین‌رویه درطول زمان به مصلحت عموم خواهد بود

نکته دومی‌که درباره اینگونه اعمال مخرب ومفسده آمیز برما مکشوف شده آنست‌که برای جلوگیری آنها باید همواره جنبه عدالت

اجتماعی را برجنبه انتقام جزئی وجلوگیری شدید مرجح شمرد
البته این نکته راهم نباید ازنظر دور داشت که درکشوری مانند کشور ما باوضع سوق‌الجیشی که دارد باید دربرابر فعالیتهائی که برای برانداختن دولت بطرق غیر قانونی میشود (مخصوصاً فعالیت هائی که از منابع خارجی الهام گرفته) ممکن است ضرورت ایجاب کند که اقدامات قاطعی بعمل آید امروز هریك ازکشور های آزاد جهان احتیاج به تشکیل سازمان امنیت سیاسی دارند تا باهمکاری سایر دستگاههای دولت قادر بکشف وخنثی کردن این قبیل عملیات باشد و قطعا باشرایط اوضاع واحوال امروز اتخاذ هر رویه دیگر خلاف‌عاقبت اندیشی واحتیاط است . اما تصور اینکه تنها دستگاه پلیسی میتواند از عملیات مخرب ومفسده‌انگیز جلوگیری نماید دلیل برکوتاه نظری است زیرا برای مبارزه باعملیات مخرب کمونیست ها یاهر عامل فساد دیگر اکثریت مردم کشور باید پشتیبان دولت باشند ومردم درطول زمان تنها حمایت از دولتی میکنند که عدالت اجتماعی را بقدر کفایت بسط و توسعه دهد درفصل آینده نشان خواهم داد که مفهوم عدالت اجتماعی بمعنای وسیع کلمه آنست که مردم در حکومت کشور شریك باشند و قانون نسبت بعموم یکسان اجرا گردد و مبانی اقتصادی وافی برفع احتیاجات عموم باشد ومسائل اجتماعی دیگر بطریقی که ذکرخواهد شد حل وفصل گردد اقدامات پلیسی ممکن است عوامل مخرب و اخلالگر را موقتاً مدت یکماه یایکسال و حداکثر دو سال محدود کند ولی وجود عدالت اجتماعی اساس حقیقی رفع مفاسد است زیرا اگر کشوری در داخله خود به قلع و قمع هرچه کمونیست است اقدام کندبازاوضاع اجتماعی موجود درکشور دراندك مدتی دسته جدیدی را پرورش میدهد وجایگزین عمال قدیم خواهد ساخت ازاینرو اعتقاد قطعی من اینست که تنها وسیله قطعی مبارزه باکمونیزم داخلی همان عدالت اجتماعی است وبس

در اثر تماسهای ممتد وفراوانی که ما در طول زمان باعوامل امپریالیسم خارجی داشته ایم حق این است که بگوییم از طرز مقابله و مبارزه باآنها تادرجه ای آگاهی پیداکرده‌ایم صحیح است که ما هیچگاه مستعمره واقعی یك دولت امپریالیستی نبوده ایم ولی درباره ای

ازمواردوضاع ما سخت ترازاوضاع مستعمرات‌بوده است. زیرا دولتهای امپریالیستی بطورکلی سعی میکنند دست رقبای خود را از مستعمرات کوتاه ساخته ووضع ثابتی درآنجا برقرارکنند واگرچه این کشور ها معمولا مستعمرات خود را استثمار میکنند ولی‌برای‌آبادانی آنها نیز مجاهدات بسیار بعمل میآورند درصورتیکه کشور ما میدان کشمکش رقبای امپریالیست بوده وهریك از دول بزرك‌کوشش کرده‌اند مارا بیشتر ازدیگر ان‌تحت تسلط واستثمار خود قرار دهند گاهی برای تسهیم منابع حیاتی ما وتحکیم سلطه خود نقشه هائی طرح نموده اند چنانکه بموجب قرارداد ۱۹۰۷ کشور مارا بدومنطقه نفوذ تقسیم نمودند ودربسیاری از موارد دیگر منافع ملی مارا بحساب نیاورده و یا آنرا بطاق نسیان نهاده اند.

همانطورکه قبلا اشاره شد نفوذ امپریالیستی انگلیس در این کشور خاتمه یافت ولی باید بدین نکته متوجه باشیم‌که این امر ناشی از تغییرات بزرگی بودکه دررویه دیرین سیاسی امپریالیسم انگلستان بوجود آمده است درپانزده سال اخیر دولت بریتانیا بصدها میلیون نفوس استقلال بخشیدواغلب آنها بطیب خاطرجزوممالك مشترك‌المنافع انگلیس باقی ماندند امپراتوری کهنسال فرانسه نیز سریعاً بطرف رویه کشورهای مشترك المنافع میگراید وبهرجای دیگر هم‌که بنگریم‌می‌بینیم‌که دستگاه فرسوده امپریالیستی‌سرمایه داری‌که وسیله استثمار مردم‌کشورهای توسعه نیافته بود جای خودرا به روابط‌همکاری نوین‌که عملیات کمکهای فنی سازمان ملل متحد و طرح کلمبومظاهر آن است داده است .

برخی از افراطیون مدعی هستندکه کشور های متحده امریکا سیستم استثمار امپریالیستی قدیم را زنده‌کرده واستدلال میکنندکه مستشاران نظامی آمریکا و مامورین اصل چهار و مؤسسات بازرگانی آنها هم اکنون در بسیاری ازکشور ها مشغول فعالیت میباشند ووجود آنها از علائم خیرنیست .دسته‌ای میگویند منظور امریکا از اعزام مامورین وکمك بکشور های دیگر تنها استقرار پایگاههای نظامی و استثمار اقتصادی مردم است

باید باکمال صداقت بگویم که تجاربی که از شیوه امریکائیها در

ایران بدست آمده عکس قضیه را نشان میدهد زیرا درهر موردطالب بوده‌ایم که رفتار آنها با ما براساس تساوی واحترام متقابل باشد و آنها نیز همین طرز سلوك را داشته‌اند. ما از کمکهای اصل چهار و نظامی امریکا تنها از آن نظر خرسندیم‌که این کمکها ما را بتوسعه‌و پیشرفت اقتصادی ایران و تأمین آزادی جهانی موفق میسازد ما از مؤسسات بازرگانی آمریکا تا آنجا استقبال میکنیم که تشخیص‌دهیم وجود آنها بانجام این مقاصد کمك خواهد نمود

کشور امریکا بر خلاف امپراتوریهای سابق هیچگاه در اندیشه تصرف کشور و تسلط بر ملت ما نبوده است واگر برخلاف این عملی از آنها ناشی شود هرگز تحمل نخواهیم کرد . و همین رویه هم در روابط ما با سایر کشورها مورد عمل است

تصور میکنم برای مبارزه با عفریت مهیب امپریالیزم بدو طریق اصلی و عمده پی‌برده‌ایم طریق اول تازگی ندارد ولی باید نسبت بآن در همه جا و مخصوصاً درکشورهائی‌که کمتر توسعه یافته‌اندتأکید نمود وآن عبارت از مسئله درك « خطربزرك» است بنا برتجربیاتی که بدست آورده‌ایم کشورهای توسعه یافته جهان باید ازخطر جدید امپریالیستی کمونیزم هراسان وبر حذر باشند زیرا این امپریالیسم جدید تحت لوای تزویر خود را پشتیبان و حامی ناسیونالیسم حقیقی کشور هائی که در شرف ترقی و تعالی هستند وانمود می‌کند و در نهضت های ملی مردم آن‌کشورها رخنه یافته وسپس به اخلال وانهدام آن میپردازد این امپریالیسم فعالیت خود را براساس ناسیونالیزم منفی ومخرب استوار نموده و از هرج و مرج ودر هم ریختگی که متعاقب آن بوجود می‌آید استفاده میکند ومانند شکم خوارگان گوشت شکار خویش را قبلا میکوبد تا هضم آن برای وی‌آسان باشد. ما در زمان مصدق این اوضاع را با چشم خود در وطن عزیزمان دیده واز نزدیك شاهد جریان آن بوده‌ایم. درزمان وی سرنوشت‌کشورما بدست عوامل امپریالیستی جدید افتاد وهمین اوضاع نیز درچندین کشورظهور نمود ومتأسفانه بدوران استقلال وآزادی‌آنها خاتمه داد.

دومین نتیجه‌ای‌که بدست آورده‌ایم اینست‌که برای مبارزه بر علیه سیستم امپریالستی جدید یا قدیم ترس و واهمه و خضوع و خشوع

الری نمی‌بخشد وباعتقاد من سوابق وتجربیاتی که ما و دیگران در این باره تحصیل کرده‌ایم ثابت میکندکه باید همواره استقامت بخرج دادواین ثبات و استواری را بر اساس برابری ومساوات درمیان جوامع و ملت ها بمنصه ظهور رساند. امروزه ملل کوچك باید جرات و جسارت آنرا داشته‌باشندکه دربرابر همسایگان خود استقامت وپایداری نمایند وکوچکترین پروائی از عظمت وقدرت آنان نداشته باشند ملل کوچك باید ازاین هم بالاتربروند وبدوستان خود برای فراهم ساختن امنیت های دسته جمعی طبق منشور سازمان ملل متحد ملحق گردند

درفصل دیگر نظر خود را درطرز دفاع ازکشورایران وخاورمیانه بتفصیل بیان خواهم‌کرد در این مقام فقط بذکر عقیده راسخ و ایمان محکم خود اکتفا میکنم که در مقابل امپریالیزم همیشه باید ابرازقدرت کرد و قدرت هم جز در پرتو اتحا د یعنی اتحاد ملی واتحاد بین‌المللی که از اجتماع ملل دوست ومتحد بوجود می‌آید میسر نخواهد بود

امروزه در سراسر گیتی تمام مردمیکه دوستدار آزادی هستند با مخاطرات عظیمی مواجهند و هرملت باشهامت و دلیری می تواند از خطری که دوستان در آن شریکند نهراسدواز همین مشارکت کسب نیروکند . ما ایرانیان در پرتو سیاست ناسیونالیسم مثبت خودکه در حقیقت ریشه های آن بدورانهای قدیم و پر افتخار ما کشیده میشود فرصت های گرانبها وارزنده‌ای در داخل وخارج از کشور خود بدست آورده‌ایم

ما از روابط مودتی که هم اکنون بین کشور ایران و تقریبا تمام کشورهای جهان موجود است مسرور و خرسندیم وهمانطورکه هرفرد عادی در هنگام دشواری بیاران یکدل خویش تکیه میکند مانیزبدوستان خود مستظهریم وهمواره حاضریم که دائره دوستان وفادار و مورد اطمینان خود را وسیعتر سازیم درعین حال‌همواره برای‌الحاق‌بدوستان خود برای مقاومت در برابر هر گونه امپریالیسمی باکمال هوشیاری آماده‌یم

فصل هفتم

مسئله اقتباس تمدن جدید

در سال ۱۳۳۷ که بخاور دور مسافرت کردم سخن خردمندانه آقای لستر پیرسون وزیر سابق امورخارجه کانادا بیادم آمد که میگفت کوکاکولا جای کنفوسیوس را نخواهد گرفت . من تصورمیکنم که این لطیفه نغز مصداق حال بسیاری ازکشور هاست که ازحیث اقتصادیات عقب مانده وبرای اینکه کشور خویش را با مظاهر تمدن غرب مجهز سازند بدشواری افتاده‌اند .کشور ایران نمونه بارزکشوری است که فرهنك آن قدیمی تر ودر بسیاری از موارد از فرهنك و تمدن ملل عمیق‌تر وکاملتر است و اگر ملل باختر در پاره‌ای از موارد بتوانند اصول تمدن‌نوین خود را بما بیاموزند ایران شاید بتواندآنان را برموز تمدنی کهنسال‌تر وپرمغزترآشنا کند ونکاتی را تعلیم دهد.

درایران کارخانه های پپسی‌کولا وکوکاکولا ومؤسسات مشابه آن که در نهایت پاکیزگی وبا اصول بهداشتی نوشابه تهیه میکنند فراوان است ولی بعقیده من این مؤسسات نمونه پیشرفت های ظاهر فریب‌تمدن باختر است

برای آنکه معلوم شود اقتباس تمدن اروپائی باید برچه اساسی باشد ذکر نکته‌ای چند ضرور است

چنانکه گفته شدکشورما قرنها در علم ومعرفت راهنمای جهانیان در علم وهنر بود ولی در دوره طولانی سلطنت قاجاریه پیشرفت علوم وفنون درایران متوقف. و سرچشمه فیاض معرفت از جریان افتاده و راکد گشت ودر آن مدت ملل جوان وتازه بعرصه وجود آمده باختر دراکتساب هنر و انتشار دانش بکوشش و مجاهده پرداخته ازما پیش افتادند و امروز برای فراگرفتن علوم و فنون باختری راهی

دراز درپیش ماست ونه تنها بایدخود رابقافله تمدن برسانیم بلکه باید از این مرحله هم فراتر برویم

اما نباید فراموش کردکه اوضاع واحوال کشور ما باکشور های غربی بسیار متفاوت است وباید آنچه از علوم و فنون اروپائی که نیازمندیهای ویژه سرزمین ما را مرتفع سازد اقتباس کنیم ودر این کار بقریحه ابداعی خود نیزتوسل جوئیم بعبارت دیگرباید فنون‌وعلوم باختری را با تمدن خود وتمدن خویش را با علوم و فنون فرهنگی هم‌آهنك وسازگارکنیم وبدین‌کیفیت کاری بدیع وتازه انجام دهیمو روزی را می‌بینیم که ملت ایران با سوابق ممتد علمی خود و بهمت هزاران نفر مرد وزن‌دانشگاه دیده در امتزاج و تلفیق تمدن شرق و غرب ومؤثر کهن ونوین بتواند مقام رهبری رادرجهان احرازکند

ارتباط تمدن‌کهنسال ایران با جهان غرب تازگی نداشته واز پیش آمدهای عصر نوین نیست چنانکه اسکندر کبیر از مقدونیه‌که اکنون ناحیه‌ای ازکشور های باختری است بر خاست و در سال ۳۳۱ قبل از میلاد ایرانرا تسخیر کرد. ما نیز در سال ۲٦۰ قبل از میلاد والرین امپراطور روم را درجنك دستگیر نمودیم واین مرد که مهندسی مجرب وورزیده بود سالها درایران در امورمهندسی برای‌کشور ماکار میکرد وچیزهائی از آنچه ممکن است تمدن غرب نامیده شود برای ما فراهم ساخت، زیرا شاپور شاهنشاه ایران وی وبسیاری از سپاهیان رومی را که اسیر شده بودند در خوزستان سکنی داد وآنها نیز سدهای متعددی بروی رودخانه های خوزستان ساختند که هنوز بقایای آن‌بچشم‌میخورد وتا چندی قبل برخی ازآنها مورد استفاده بود .

قرون گذشته مردان سپاهی و حادثه جویان و جهانگردان و سوداگران و مبلغین غربی‌بکشور ایران آمده‌اند که داستان آن‌ها در صفحات تاریخ ما بطور مبسوط و مفصل مندرج است . در سال ۱۲۷۱ میلادی مارکوپولو از مردم ونیز که او را پدر علم جغرافیای جدید میخوانند بایران آمد ومدتی در این سرزمین بسر برده زبان فارسی را فراگرفت . وی در سفرنامه خود درباره کشورما چنین مینویسد: ایران کشور بزرگی است‌که در دوران قدیم بسیار مشهور و نیرومند بوده ولی اکنون اقوام تاتار آنرا ویران و خراب کرده‌اند. ودرباره جزیره‌هرمز

مینویسد : بازرگانان هندی باکشتی های آکنده ازآذوقه وسنگهای‌قیمتی ومروارید وپارچه های ابریشمی وزری وعاج وادویه وسایر کالا ها باین جزیره می‌آیند و امتعه خود را به بازرگانان هرمزی میفروشند. شك نیست‌که شگفتی‌هائی‌که مارکوپولودراین سرزمین‌دیده ودرسفرنامه خود نگاشته بود سایر مردم ونیز را هم بفکر مسافرت بایران انداخت وآنها را بدین کار تحریص نمود . درقرن هفتم هجری تیمورلنك سلطان مغول که کشور ایران را ضمیمه متصرفات خویش ساخته بود بفکر افتاد که با هنری چهارم پادشاه انگلستان باب مکاتبه رامفتوح سازد . ازاینرو یکی از راهبان انگلیسی مقیم تبریز راکه ژان‌گرینلانام داشت بسفیری خود برگزیده و بدربار آن پادشاه گسیل داشت .در همان قرن نیز هنری سوم پادشاه کاستیل شخصی بنام روی‌گونزالو دیکلاویخو را بعنوان ایلچی بدربار امیرتیمور اعزام داشت‌ایلچی‌مزبور از مشاهده سر پرده های با شکوه امیر تیمور سخت به تعجب و حیرت فرو رفته و میگوید : یکی از آن سراپرده ها از فرط رفعت و عظمت از دور مانند قلعه‌ای بلند بوده درباره طرز دادگستری امیر تیمور مینویسد اشخاص محترمی‌راکه محکوم باعدام میشوند بدارمیآویزند ولی محکومین عادی را گردن میزنند

رواج بازار سوداگری ورونق اوضاع بازرگانی در جزیره هرمز پرتقالیها را بدان سوی کشاند ودر سال ۱۵۰۷ میلادی بآن جزیره حمله برده وآنرا متصرف گشتند در سال ۱۵۶۱ میلادی تاجری‌از مردم انگلستان بنام آنتونی از طریق دریای بالتیك و کشور روسیه بایران آمد تا باب روابط بازرگانی‌را بین ایران وکشورخویش ازطریق مزبور مفتوح سازد. وی‌مخصوصاً بابریشم نواحی‌گیلان‌علاقه مخصوصی نشان میداد ومعاملاتی هم کرد ولی چون هزینه حمل ونقل این کالا بسیار گران بود وروسها نیز مخالفت میورزیدند تجارت او رونقی‌که انتظار داشت نگرفت

در اواخر قرن شانزدهم میلادی تاجر دیگری از اهالی انگلستان بنام رابرت نیوبری به بندرعباس درکرانه خیلج فارس وارد واز طریق کشور ایران وآسیای صغیر به قسطنطنیه رهسپار گردید درباره برادران (سر آنتونی وسررابرت) شرلی و کمك هائی‌که بشاه عباس

نموده‌اند در فصول پیش سخن رفته است. این پادشاه امتیازات متعدد به بازرگانان مسیحی که به بسط روابط تجارتی باکشورایران علاقه‌مند بودند اعطاء نمود واین رویه دوستانه ملت ایران نسبت به بازرگانان خارجی تاکنون نیزبطورمشهود ومحسوسی ادامه دارد

در سال ۱۶۱۷ میلادی کمپانی انگلیسی هند شرقی بایجادکارخانه‌ای که درآن‌زمان پایگاه تجارتی نام‌داشت درشهر شیراز اقدام‌نمود.درسال ۱۶۲۲ میلادی ما باتفاق انگلیسها هرمز را از چنك پرتقالیها بیرون آوردیم و این اقدام بآبرو و اعتبار پرتقالیها در خلیج فارس لطمه هنگفتی وارد ساخت وتجارت انگلیسی‌ها در آن نواحی رونق واعتبار یافت سال بعد شاه عباس بهلندیها اجازه داد یك پایگاه تجارتی در بندرعباس تأسیس نمایند و فرانسویها نیز درسال ۱۶۶٤ میلادی‌موفق به ایجاد چنین پایگاههائی در بندرعباس واصفهان شدند لیکن چندی بعد با بسط وتفوق تجارتی روز افزون انگلیسها ، هلندیها وفرانسویها از آن صفحات خارج شدند

درطی قرن هفدهم میلادی سرتوماس هربرت انگلیسی و سرژان شاردن فرانسوی که بخدمت دولت انگلیس درآمده‌بود هریك جداگانه بکشور ایران مسافرت نموده و کتابهای مستندی درباره مسافرت خود برشته تحریر در آورده‌اند اولین هیئت سیاسی روسها درسال ۱۶۶٤ میلادی مرکب از دونفر ایلچی و هشتصد نفر ملتزمین آنها از طرف امپراطور انکسیس بکشورایران واردشد. درسال ۱۸۰۸ میلادی‌پطرکبیر سفیری از جانب خود بدربار ایران دراصفهان گسیل داشت وپس‌از هفت سال هیئت دیگری را بکشور ما روانه نمود .

در باره تاخت‌و تاز های روسها درکشور ایران و روابط کنونی بین دوکشور قبلا بتفصیل سخن رفته است

دراوایل قرن نوزدهم عده زیادی از دانشمندان ورجال سیاسی اروپا بایران آمدندکه سرجیمس موریه مصنف‌کتاب حاجی بابای‌اصفهانی وسرجان ملکم مؤلف تاریخ ایران نیز جزو آنها بوده‌اند . دانشمندان مزبور موجب ترویج ادبیات ایران دراروپا گردیدند ودر اثرمساعی آنها جهان باختر نسبت بکشور ایران علاقه عمیق معنوی پیدا کرد

مبلغین مسیحی امریکائی از پیشروان ایجاد روابط بین ایران و

امریکا بودند . نخستین دسته مبلغین آمریکائی درسال ۱۲۰۷هجری بکشور ایران قدم نهادند ودیری نگذشت که مدرسه‌ای تأسیس نموده وتدریجاً چندین مدرسه و بیمارستان دراین کشور بوجود آوردند که از جمله دبیرستان معروف البرز تهران است که بسیاری از رجال امروزی مادر آن تحصیل کرده‌اند مبلغین انگلیسی وسایر کشور های اروپائی نیز مدتها درکشور ما اقامت و فعالیت داشته‌اند چنانکه قبلا اشاره شد ژان‌گرینلا درقرن چهاردهم وعده زیادی از مبلغین غربی دیگر در قرن هفدهم میلادی بکشور ما آمدند وبتدریج درایران نفوذ پیدا کردند سفارت امریکا در تهران بسال ۱۸۸۳ میلادی تأسیس گردید ونخستین وزیر مختار امریکا س . ج . و . بنجامین بود که دو کتاب در باره ایران برشته تحریر در آورده است . از قرن نوزدهم تا امروز روابط دوستانه کشورما وامریکا پیوسته روبتوسعه رفته وروز بروز نزدیکتر ودوستانه ترشده‌است . باید دراینجاگفته شودکه درسال ۱۹۰۹ هواردبا سکرویل که در دبیرستان امریکائی تبریز سمت معلمی داشت جان خود را برای حفظ مشروطیت‌ایران درمبارزه‌ای‌که‌بین‌مشروطه طلبان و طرفداران ارتجاع درگرفت نثار نمود .

اینك برای فهم نفوذ تمدن غرب در ایران باید بخاطر داشت که در حال حاضر مسئله تجدد علمی و صنعتی بامفهوم‌کنونی برای خود ملل مغرب زمین نیز تازگی دارد ، چنانکه وضع زندگی امروزه امریکا باپنجاه سال پیش تفاوت فاحش یافته وحتی از ده سال قبل تاامروز نیز تغیرات بزرك کرده است . من سه نوبت درسالهای ۱۳۲۸ و ۱۳۳٤ و ۱۳۳۷ بامریکا مسافرت‌کرده‌ام ولی درمسافرت دوم وسوم خود تغیرات مهم وتحولات جدیدی را مشاهده‌کردم‌که درسفر اول ابداً مشهود نبود. موجبات وعوامل محرك این تحولات سریع وعظیم‌کاملا آشکار است زیرا هزینه‌ای‌که امریکا فعلا درراه بررسیها وتحقیقات علمی وپیشرفت فنون وصنایع متحمل میشود چندین برابر مبلغی است‌که پیش ازجنك دوم جهانی دراین راه بمصرف میرسانید وبهمین نسبت هم نتایج حاصله ازآن افزایش یافته است پس تمدن جدید درامریکا بوضع بیسابقه‌ای روبه پیشرفت وتکامل است وهمین وضع نیز درکشور های اروپائی مانند انگلستان وفرانسه وآلمان وروسیه وسایر ممالکی‌که بدانجا

مسافرت نموده ام کم وبیش مشهود بوده است

برخی ازمتخصصین علم اقتصاد ومهندسین امریکائی واروپائی درباره ترویج واشاعه تمدن غربی درکشور هائی که ازلحاظ اقتصادی درحال توسعه هستند نظریات وعقاید مخصوصی دارند اینها معتقدند که اینگونه کشورها آماده قبول علوم وفنون امروزی نیستند وباید از مراحل اولیه آن شروع کنند وبدواً فنونی راکه مثلا درموقع جنگهای داخلی امریکا متداول بوده است بکار بندند برخی ازاین اشخاص برای مثال بکشور ما اشاره نموده ومیگویند هنوز روستائیان ایران بوسیله گاو آهن های چوبی که فقط تیغه آنها آهنی است زمین را شیار میکنند وبایدگاوآهنی را که امریکائیها در آغاز جنگهای داخلی خود بکار میبردند بآنها داد ونباید وقت را بانشان دادن طرز کار تراکتور ووسایل جدید تلف نمود زیرا آنان هنوز طرزبکارانداختن این وسایل را ندانسته ونمیدانند چطور از آنها نگاهداری کنند . بر همین قیاس این عده از اقتصادیون و مهندسین معتقدندکه کشور هائی که درحال توسعه هستند باید ازاستعمال وسایل پیچیده وفوق العاده فنی امروزی مانند آنتی‌بیوتیك والکترونیك و هوا نوردی خودداری کنند وبهتر آنست که بدواً باوسایل مقدماتی تمدن بکار مشغول‌شوند وتدریجاً بادستگاههای عظیم آشنا گردند

من این عقیده را اقلا درمورد ایران کاملا وقطعاً مردود میشمارم وشواهد بسیاری دارم که چند فقره ازآنها برای روشن شدن موضوع کافی است

در نزدیکی فرودگاه عظیم بین‌المللی تهران که بسال ۱۳۳۷ تکمیل گردیده هنوزکاروانهای شتر از قراء وقصبات کالاهای مختلف به تهران می‌آورند ولی همین فرودگاه از فرودگاه هائی که در امریکا واروپا دیده ام بمراتب کاملتر وباوسائل جدید مجهزتر است وحقاً هم باید چنین باشد زیرا مدتهاست تهران یکی ازایستگاههای مهم راههای هوائی بین‌المللی اروپا و خاور دور و مرکز شبکه ارتباطات هوائی داخله کشورگردیده است

از طرف دیگر روز بروز علاقه مردم بمسافرت باهواپیما بیشتر میشود ومیزان آمد ورفت هواپیماها از سال ۱۳۳۲ تا سال ۱۳۳۷ در

حدود ده برابر افزایش یافته است دربعضی از خطوط هوائی بعلل اقتصادی واز نظرسرعت واطمینان هواپیماهای آخرین سیستم بکار انداخته ایم ودر نیروی هوائی خود نیز ازهواپیما های جت استفاده میکنیم زیرا هواپیمای جنگنده پیستون دار که دردوران جنگ دوم جهانی بکار میرفت هم‌اکنون متروك وقابل استعمال نیست .

امروز تهران دارای جدیدترین کارخانه شیر پاستوریزه است که نظیر آن درخاورمیانه دیده نمیشود واین مؤسسه نسبت بظرفیت خوداز مجهزترین کارخانه های جدید جهان است البته ممکن بود کارخانه‌ای ازنوع کهنه‌تر برای این کار تهیه کنیم ولی کارخانه فعلی ازلحاظ بهداشت مطمئن‌تر واز حیث کار دقیق‌تر وباسایر اقدامات عمرانی وتوسعه ای که دربرنامه ماست متناسب تر است

بیمارستان نمازی درشیراز نه‌تنها یکی ازمجهزترین بیمارستانهای جدید است بلکه بنابگفته یکی از امریکائیانی‌که درامور بیمارستان تخصص دارد سرآمد بیمارستان‌های خاور میانه است کشورایران‌که موطن ابن‌سینا پزشك بزرك است‌که قرنها پیش دراین‌کشور میزیسته ممکن بود باتوجه بآثار تاریخی بیمارستانرا بااسلوب قدیم طراحی وبنا کند ، ولی امروز یك چنین بیمارستانی برای خدمت بمردم متناسب نبود همچنین برای‌ما میسر بودکه از داروهای قدیمی استفاده‌کنیم اما بجای آن سازمان خدمات اجتماعی شاهنشاهی جدید ترین انواع داروهای خارجی وآنتی‌بیوتیك ها را دردور ترین شهرها وقصبات‌کشور بین نیازمندان توزیع میکند

کالسکه ودرشکه تادوران جنك دوم جهانی ازوسایل متداول حمل و نقل در شهر تهران بود ولی امروز درحدود ده هزار اتومبیل کرایه درپایتخت‌کار میکند

درسال ۱۳۳۸ عده زیادی اتوبوس دوطبقه ازهمان نوعی‌که در شهر لندن کار میکند درخیابانهای تهران بکار انداخته شده است وامروز پایتخت‌کشورماکه میگفتند ازکشور های عقب افتاده است چنان بسرعت توسعه مییابد که درفکرآن هستیم راه‌آهن زیرزمینی درآن احداث کنیم

در نواحی روستائی‌کشور ما قرنهاست‌که الاغ همان حیوان

بردبار وصبور تنها وسیله حمل ونقل بوده است وحتی یك بار دیدم‌که مردی برالاغ سوار و در ضمن حرکت مشغول مطالعه‌کتابی است و این‌کار را هنگام راندن در اتومبیل نمیتوان انجام داد هر چند ازاینکه تعداد الاغ بتدریج در مزارع ماکم میشود متأسفم ولی امروز روستائیان ، باتومبیل های جیپ علاقه پیداکرده اند واز همین جهت‌کارخانه بزرگی در ایران برپاکرده ایم تاقطعات واجزاء جیپ راکه از خارج وارد میشود سوارکنند واینك صدها اتومبیل جیپ در اختیار هموطنان قرارگرفته است در آتیه متدرجاً قطعات و آلات جیپ را هم درایران ساخته و آخرین نمونه آن وسیله نقلیه را در داخله تهیه خواهیم نمود وممکن است چندکارخانه معظم اتومبیل‌سازی گیتی‌کارخانه‌ای جدید نیز برای ساختن و مرمت لاستیك در ایران تأسیس شده است

سابقاً مردم ودوائر دولتی پیام ها و نامه های خود را بوسیله مستخدمین یاپیشخدمت ها باشخاص میرساندند وامروز این وظیفه را تلفن خودکار بهتر ودقیق‌تر انجام میدهد بهمین نحو ممکن بود مانند سابق تنها بوسیله تلگراف بین شهرهای ایران ارتباط سریع برقرار کنیم ولی بجای آن رشته های سیم تلفن درتمام‌کوهستانها وصحاری کشورکشیده‌شد وباین حدهم قناعت نکرده ودرنظر داریم ازجدیدترین وسایل الکترونیکی برای ارتباطات استفاده کنیم اگرباقطار راه‌آهن که ازدامنه سلسله‌کوههای الوند درجنوب غربی‌ایران میگذرد مسافرت کنید برفرازکوههای بسیاربلند برجهای هادی امواج تلفن برقی که ازجمله وسایل وشبکه‌های دستگاه رادیوتلفن ایران‌است بچشم میآید. ستونهای پولادین وسایر آلات وادوات سنگین این دستگاهها رابزحمت زیاد بدان مواضع‌که ارتفاع آنها بهفت یاهشت هزارپا میرسد بوسیله چارپایان وکارگران برده ونصب‌کرده‌اند دستگاه رادیو تلفن ایران نه‌تنها صدارا صاف وواضح ازشهری بشهری درداخله‌کشور میرساند بلکه وسیله برقراری ارتباط باکشورهای خارجی را نیزکاملتر ساخته است

من اگر میخواهم تازه‌ترین رشته های فنی وصنعتی را درکشور

خود رواج دهم دلیل آن نیست که باید بکارهائی که ازحیث اقتصادی معقول نیست نیز دست بزنیم مثلا من عقیده ندارم که بتقلید بعضی ازکشورها فقط بمنظور کسب شهرت کارخانه فولاد سازی احداث کنیم زیرا کارخانه فولاد سازی نیاز به‌آب فراوان ومواد خام اساسی ازقبیل سنك آهن وذغال سنك و سنگهای آهکی دارد و مدیران فنی و کارگران آزموده برای بکار انداختن آن مورد احتیاج است. ضمناً باید وسایل تولید نیروی برق بمیزان فراوان وتسهیلات حمل ونقل وبازار فروش برای محصولات چنین کارخانه‌ای فراهم ساخت وچون تصور میکنم ثابت کرده باشیم که احداث کارخانه مجهز فولادسازی درایران از نظر اقتصادی کاملا معقول است بنابراین ازنظر اقتصادی ونه ازنظر کسب اشتهار نقشه ساختن کارخانه‌ی را تهیه نموده‌ایم

برای اینکه فنون وعلوم غربی در کشوری مانند ایران بطرز صحیح بکارافتد نهایت بصیرت و دقت نظر ضرور است چنانکه گفته‌ام باید بسیاری از فنون وهنر جدید را اقتباس کنیم و این کار بیشتر بر عهده جوانان کشور ماست که پس از تمام کردن دوره تحصیلات دانشگاهی خود در ایران برای تکمیل معلومات وآشنائی بعلوم وفنون غرب بخارج اعزام شده اند این جوانان درجریان تحصیل وضمن تحقیقات علمی خود طبعاً باید بواقعی دریابند که چگونه معلومات و اطلاعاتی راکه کسب میکنند بااوضاع واحوال واحتیاجات ایران کاملا ملایم وسازگار نمایند

بسیاری از رشته های علمی غرب باید بدون مطالعه وپیداکردن دلیل وموجب بخودی خود مورد اقتباس قرارگیرد ولی قسمتهائی هم وجود داردکه باید بانهایت حزم و مآل اندیشی در آن غور و بررسی نمود

فرزند یکی از بازرگانان معتبر ایرانی که ازدانشگاه هاروارد در رشته امور بازرگانی فارغ‌التحصیل گردیده و رساله خود را در باره طرز توافق بین تلویزیون ونیازمندیهای ایران نگاشته است درباز گشت بایران نخستین بنیان گذارتلویزیون ایران گردید جوان دیگری مدت هفت سال در انگلستان که ازتمام کشور های دیگر دربکار انداختن ماشین برای امورفلاحتی پیشتراست به تحصیل رشته مهندسی کشاورزی

پرداخته وتمام همت وسعی خودرا صرف تطبیق وتلفیق تحصیلات و معلومات خود با نیازمندی های کشور ایران کرد وضمناً زنی انگلیسی گرفت درمراجعت معلومات خودرا با اوضاع واحوال کشاورزی این کشور منطبق ساخته و مزرعه وسیعی در ۲٤ کیلومتری تهران احداث نمود وبا استفاده از فنون جدید محصولات فراوانی از قبیل پنبه بلند الیاف و میوه وسبزی های متنوع بدست آورده وبا بهترین روش فنی به تربیت بهترین نوع جوجه آمریکائی پرداخت

برای نو ساختن طرز زندگانی یك ملت مانند لشگر کشی های بزرك باید نقشه عملیات قبلاً فراهم گردد درسال ۱۳۲۷ همین که کشور ما از هرج ومرج و گرفتاری های مولود دوره جنك فراغت یافت دولت من از یك مؤسسه معروف مهندسین مشاور آمریکائی دعوت‌کرد که امکانات ایران را برای توسعه اقتصادی بررسی کنند ودر نحوه مصرف عایدات معتنابه نفت‌برای‌انجام تحولات اساسی واحیای صنایع ایران بما ارائه طریق نمایند. درهمان سال گزارش مقدماتی آنها دراین مورد تنظیم و تسلیم گردید وما هم بلافاصله دامنهٔ مساعی‌خودرا توسعه دادیم واز چند مؤسسه مشاور معروف آمریکائی نیز دعوت کردیم که در انجام این منظور باما اشتراك مساعی نمایند. این دسته از متخصصین گزارشی مفصل‌که‌کتابی درپنج‌جلد شده‌بود حاوی مطالعات دقیق درباره طرح هائی‌که باید درظرف هفت سال بموقع اجراگذاشته شود تهیه و تسلیم نمودند

کلیه احتیاجات حیاتی و مسائل اقتصادی ایران در این گزارش مورد مطالعه قرار گرفته و برنامه هائی برای توسعه بهداشت و فرهنك وکشاورزی وصنایع وکشف معادن و تولیدات نفت و غیره تهیه وتنظیم گردید پیشنهاد های مؤسسه مشاورین خارجی مورد توجه مجلسین واقع گردید وقانونی برای برنامه هفت ساله بتصویب رسید ودرپی آن اداره تقریباً مستقلی بنام سازمان برنامه تشکیل یافت تاطرحهای مزبور را بموقع اجرا بگذارد . برای هزینه این برنامه مجلس کلیه عایدات نفت را منحصراً بسازمان اختصاص داد . جمع هزینه این برنامه وسیع به‌چهارصد میلیون دلار برآورد شده بودکه بطور متوسط سالی پنجاه وهشت میلیون دلار تا مدت هفت سال بمصرف میرسید برای تأمین

این مبلغ سالی چهل میلیون دلار درآمد حق‌الامتیاز دولت از نفت منظور وپیش بینی شده ونیز درنظر بود که بقیه این‌مبلغ سالیانه‌بوسیله اخذ وام ازداخله و خارجه تامین گردد

برنامه هفت ساله اول تقریباً بعدم موفقیت منتهی گشت زیرا اولا درطرز اداره آن دقت لازم بعمل نیامده وتهیه کنندگان گزارش توجه لازم و دقیق را در فراهم ساختن تشکیلاتی که بتواند چنین سازمانی را بخوبی بگرداند بعمل نیاورده بودند . ازاین گذشته بتدریج واضح گردید که گردانیدن سایر تشکیلات دولتی بدون آنکه از عوائد نفت مبلغی بدانها اختصاص یابد دشوار است

سهم سازمان برنامه از عوائد نفت برخلاف منظور مجلسین از آنچه مقرر شده بودکمتر گردید چنانکه درسال ۱۳۲۸ عایدات نفت بالغ بر سی وهشت میلیون دلار بود وازاین مبلغ فقط پانزده میلیون دلار به سازمان برنامه پرداخت شد درسال بعدکه عایدات نفت به چهل وپنج میلیون دلار بالغ گردید بسازمان برنامه بیش از ۳۱ میلیون دلارنرسید.

با وصف آنچه‌که گفته شد گناه عدم موفقیت برنامه هفت ساله اول برعهده مصدق بود زیرا با رویه‌ای‌که درمورد نفت پیش‌گرفته بود شکست برنامه را مسلم و محرز ساخته و نگذاشت مردم‌کشور ازفوائدی که عایدات نفت ممکن بود بتمام‌کشور برساند بهره‌مند گردند.

درآمد نفت بصفر رسید (بلکه از صفرهم پائین تر رفت زیرا دولت مجبور بود حقوق کارمندان وکارگران شرکت نفت وسایر تعهدات آن دستگاه راکد را هم پرداخت نماید) وبا خشگیدن این منبع عایدات‌تأمین هزینه های روزانه واجرای برنامه های عمرانی وتوسعه مملکت بطریق اولی غیرممکن گردید .

پس از سقوط مصدق درسال ۱۳۳۲ وآغاز وصول عایدات نفت باردیگر کوشش بسیار بعمل آمد که فعالیت سازمان برنامه هفت ساله اول مجدداًآغازگردد درسازمان برنامه تشکیلات جدیدی داده شدو دامنه فعالیت آن توسعه یافت وروحیه متزلزل کارکنان این سازمان و سایر دستگاههای دولتی تقویت پیدا کرد وطرحهای عمرانی متوالیاً تکمیل گردید ودر اسفند ۱۳۳۵ قانون برنامه هفت ساله دوم نیز

آماده وبتصويب رسيد .

منهم مانند پدرم هيچگاه درمسئله عمران وآبادی اعتقاد به‌کندی وتانی نداشته‌ام برنامه هفت ساله دوم ما به پیشرفت هائی نائل گردیده است ولی بعضی قسمت های اساسی کارما هنوز ازانظار مستور است زیرا این قسمت شامل طرحهای دقیق اقتصادی وفنی است که بادقت واحتیاط تام باکمك متخصصین خارجی تهیه شده وآثار آنها هنوز ظاهر وآشکار نیست .

قسمت های دیگر مربوط به طرحهای ساختمانی است‌که هنوزباتمام نرسیده ویا تمام شده ومعرض مشاهده قرار نگرفته است . البته این نکته رانباید ازنظردور داشت‌که مدتی‌که برای مطالعه دقیق وطرحریزی نقشه های عمرانی ضرور است ممکن است کمتر از مدت اجرا و ساختمان یعنی برپاکردن بنا از نصب ماشین واستخوان بندی آهنی و بتون ریزی وسایر تجهیزات فنی وصنعتی نباشد .

آنچه درطی صفحات فوق ذکر شد شمه‌ای ازعقاید من در مورد تجدید واحیای کشور بود ولی آنچه گفته شد تنها بمنزله‌آغاز فصلی است وازهمین جهت ذکر صریح وبی‌پرده بعضی ازنکات دراین مقام ضروری بنظر میرسد

برخی از مردم و مخصوصاً خبرنگاران جراید ظاهراً برنگ لباس و طرح درب اطاق‌کار من بیش از نظر وعقیده ورویه اجتماعی من‌اظهار علاقه میکنند چنانکه بارها مخبرین معتبر روزنامه ها بحضور من باریافته‌اند وچون نتوانسته‌اند بکنه عقاید ونظرات من‌پی‌برند باکمال اطمینان بشرح سطحی ترین ومبتذل‌ترین مطالب پرداخته‌اند

آمریکائیها بعللی درتهیه و تنظیم اینگونه‌گزارشها تخصص دارند و من در بسیاری از موارد با تعجب گزارشهای سطحی و کودکانه‌ای دیده‌ام‌که مخبرین خوش پوش وپرمدعا وصاحب قیافه فکور آمریکائی تهیه و تنظیم کرده‌اند. گاهی در اینکه این اشخاص برای انجام‌خدمتی درخارج ازکشورشان تربیت صحیح‌یافته باشنددچار شك وتردیدمیشوم. خوشبختانه در میان آنها مخبرین فهمیده و ورزیده هم بطور استثنا وجود دارند ولی اگر این امراستثنائی مبدل بیك امرعادی میشد برای کمك به نشرمرام ومنظورجهان آزاد سودمندتر بود .

شاید نقص تا درجه‌ای ناشی از آن باشد که دستگاههای تبلیغاتی و تلویزیون امریکائی تصورمیکنند که بایدبا بزرگسالان امریکائی مانند اطفال رفتار نمود تا علاقه وتوجه آنها بامری جلب شود. اما با مقایسه با فعالیت امریکائیهای وظیفه‌شناس وابسته به‌اصل‌چهاروسایرمؤسسات امریکائی درکشور ایران‌واضح است‌که چنین تصوری‌کاملا برخطاست‌و بطوریکه شنیده‌ام حتی در دکانهای کوچك خواربار فروشی آمریکا کتب مهم تاریخ وعلوم طبیعی وفلسفه با قیمت ارزان دردسترس عموم نهاده شده‌است. بنابراین آمریکائیهاتاآن اندازه‌هم‌که‌بعضی ازروزنامه‌نگاران معروف و مشهور آن ها که سفر برق آسائی باین نقطه جهان میکنند آنهارا معرفی مینمایندکوتاه فکروناپخته نیستند. دربارهای مشرق زمین که سنن هزاران ساله پشت سر آنهاست طبعاً پر از حکایات و افسانه‌های بزم وتجملند ولی برای‌شناختن من‌باید ازحکایات درگذشت و بعقاید و نظرات من که در این منطقه پر آشوب گیتی بر کشوری سلطنت میکنم آگاه گردید حقیقت آنست که من همیشه از این خرسندم که مسائل پیچیده اقتصادی کشور وسایر معضلات اموررا حل وفصل‌کنم و وجود من از نظر مقام شاهنشاهی از وجود یکنفری که به‌توسعه امور اقتصادی واصلاحات اقتصادی وپیشرفت فرهنك علاقه‌مند است جدا نمیتواند بود

هیچکس در چنین مقامی که من هستم نمیتواند از وسوسه‌هائی که قدرت بوجود می‌آورد برکنار باشد ولی‌خوشبختانه سائق من‌درحیات چیزدیگر است وبرای من فلسفه وجود معنی ومفهومی دیگر دارد پیش من مسائل بغرنج ودشوار توسعه تولیدات‌کشاورزی هرگزخستگی آورنیست وآنها را بسیارمهم وپرارزش می‌بینم، زیرا میدانم‌کوچکترین راه حل عملی که برای اینگونه مسائل پیدا میکنم در حیات هزاران نفر ازافرادکشور تأثیرفراوان خواهد داشت

من مثل آن انگلیسی که خواندن مجله اقتصادی را درتختخواب برتمام لذات دیگر ترجیح میدهد براه مبالغه نمی‌روم ولی مهمترین لذات را در آن میدانم که با مسائل دشوار دست وپنجه نرم‌کنم ودر آنوقتیکه دیگران ازمقابله باآنها احساس ملالت میکنند باآنها روبرو باشم وبردشواریهای ناشی از آنها فائق آیم

راستی آنست که آرزو های طبع من آنگاه برآورده میشود که درامر احیای کشور وتجدید بنای آن بآزمایش پرداخته وبه نتیجه مثبت برسم وامیدوارم که خوانندگان این کتاب همین احساسات را داشته باشند

جای تردید نیست که در پیرامون پیشرفت اقتصاد در کشورهائیکه تازه قدم در راه توسعه وترقی نهاده‌اند مطالب کلی وفرضیه‌های مهم که خواندن آنها برای خواننده موجب کسالت میشود برشته تحریر در آمده است ولی ازطرف دیگرباید این حقیقت بارزرا تصدیق کردکه ارزش و اهمیت هر طرح معین و سودمندی را نمیتوان از روی ظاهر درخشنده و پررنك ونگار آن تشخیص داد.

مثلا برای اداره امور کشوری درعصر امروز باید مالیاتهای عادلانه و منصفانه‌ای وضع و بطریق صحیح آنرا جمع‌آوری نمود. برخی از اشخاص مدعی هستندکه دولت من‌آنطورکه باید وشاید مالیاتها را جمع‌آوری نکرده است ومتأسفانه این‌شکایت‌هم وارداست زیراآشفتگی اوضاع اداری و عدم لیاقت و وضع مراجعه به پرونده های مالیاتی موجب دشواریهای فراوان در امر وصول مالیات شده است

اخیراً وزارت دارائی باکمك متخصصین خارجی‌کتابچه راهنمای‌بسیار جالبی برای رفع این دشواریها تهیه وتدوین نموده است. این‌کتابچه که داری جلد چهار رنك وشیرازه پلاستیکی وعکسهای متعددونقشه‌های دقیق برای ساده‌کردن‌کارهاست بطوری نگاشته شده است‌که اشخاص غیروارد بامور نیزمیتوانند مطالب‌آنرا درك‌کنند.

دربارهٔ مالیاتهای ارضی دراین کتابچه اصولی ذکر شده است که چهل در صد از تشریفات اداری وشصت در صد ازحجم پرونده های مالیاتی را تقلیل میدهد وروبهم راهنمای بسیارعملی ومفیدی است. با وصف‌آن اطمینان دارم‌که بسیاری اشخاص‌که ازبدی وضع وصول مالیات شکایت میکنند ازمطالعه‌آن احساس خستگی وکسالت خواهند نمود

سخنان نغز وفریبنده در مورد تجدید سازمان یك ملت هرگز جای کارهای منظم ومتوالی را نمیگیرد وبرای فهم مسائلی که‌کشورهای تازه براه ترقی افتاده و در راه پیشرفت و توسعه کشور با آن

مواجهند باید فکر وعقل رابکارانداخت واین‌ورزش وآزمایش مغزی‌نه تنها زحمتی ندارد بلکه بسیار طرب انگیزوفریبنده است

برای نشان دادن رویه‌ای‌که برای رشد ونموکشور اختیار شده و مورد علاقه فراوان من است و برای تشریح طریقه‌ای که عقاید و نظرات من بمقام عمل درآمده است مناسب آنست که اقداماتی‌که در یك مدت معین از زمان در کشور بعمل آمده شرح داده شود واز این نظر بعضی از فعالیتهائی که برای توسعه اقتصادی واجتماعی ایران در طی مدت شش ماهه دوم سال ۱۳۳۸ بعمل آمده است بطور فهرست در اینجا ذکر میشود :

ماه اول (مهرماه)

افتتاح مدرسه جدید برای نابینایان ، برقراری مواصلات تلفن در سه شهرجنوبی ایران، تقسیم اراضی سی وچهارقصبه بین خرده مالکین که انجام واسناد مالکیت آنها را بدست خودم بین روستائیان توزیع نمودم .

تشکیل دادگاه سیار دراستان آذربایجان ، تاسیس مرکز مبارزه با بیماری سل در شهر رشت ، حفر یك حلقه چاه عمیق در قسمت‌جنوبی شهر تهران .

افتتاح رسمی اداره جدید استاندارد ها در ایران ، برقراری رابطه رادیو تلفنی‌بین‌کشورهای ایران‌وایتالیا،آغازحفراولین‌چاه نفت‌زیردریائی ایران در خلیج فارس ، واگزاری اراضی خالصه در آبادان به ۵۸۳ تن ازکارمندان دوایر کشوری برای ساختمان منزل ،گشایش رسمی بانك توسعه صنایع ومعادن ایران ، تأسیس یك‌دبستان جدید درحومه شهر یزد ، تأسیس کارخانه جدید درکرج برای ساختمان تراورس‌های سیمانی ، تکمیل ساختمانهای مراکز مبارزه با بیماری سل درشهرهای مشهد واصفهان وبابل ، افتتاح رسمی مدرسه صنعتی منسوجات واشتغال کار آموزان

ماه دوم (آبان ماه)

افتتاح ساختمان پرورشگاه بگنجایش ۲۰۰۰ طفل در حومه تهران

بوسیله خودم ، تأسیس یك درمانگاه ویك فروشگاه بوسیله یکی از خواهرانم .

مصادف با روز تولدم بیست و هشت باب دبستان در نقاط مختلفه کشورگشایش یافت وکارخانه های جدید برق درپانزده شهربکارافتاد، تکمیل تأسیسات مخابراتبرقی دردوازده ایستگاه راهآهنجنوب مرکزی کشور ایران، افتتاح مرکزکشاورزی مکانیزه دراستانکردستان، آغاز لولهکشی برای انتقال گاز از یکی از مناطق نفت خیزجنوب به شیراز، اینگاز بمصرف نیازمندیهای شهر شیراز وکارخانههایکودشیمیائیکه درشرف تأسیساستمیرسد، تکمیل ساختمانانبارنفت سیاه درخراسان وآغازانتقال نفت بانبارهای ذخیره، تکمیل یكباب درمانگاه در یك شهر ویكآسایشگاه مسلولین در شهردیگر،آغازساختمان سد شهناز که بنام دخترم میباشد .

ماه سوم (آذر ماه)

گشایش بخش زنانهوبخش جدید دندان پزشکی ازبیمارستانهای کردستان ، برقراری مواصلات تلفنی بیسیم بین شهرهای فارس و اصفهان ، توسعه انبار نفت در پنج شهر، افتتاح یك ترعه بزرك برای آبیاری گشایش پنجباب دبستان و نه باب مدرسه حرفهای وفنی در شهرهای بزرك و کوچك ، تکمیل پنج باب دبستان دیگر ، آغاز بهره برداری آزمایشیازیك کارخانه جدیدالاحداث قندکه اولینکارخانه خصوصی درکشور ایران است، تکمیل ۲۵۰ خانه روستائیبوسیلهدولت، ورود یکی ازکشتیهای نفتکش ۳۵ هزار تنی از اروپا بایران و حمل اولین محموله نفتی ، آغاز بهرهبرداری از یك کارخانه روغنزیتون و روغن کنجد، گشایش قسمت جدیدالحاقی یکی ازبیمارستانهای تهران آغاز بهرهبرداری از سه حلقه چاه جدید نفت دریکی از مناطقنفتخیز که بالنتیجه میزان تولیدات نفت آن منطقه به دوبرابر افزایشیافت ، در منطقه دیگر یك چاه به نفت رسید، گشایش کارخانه نان ماشینی ودوشبکه جدیدتلفن درتهران ، تکمیل ساختمان یك تونل انحرافیجهت سد سفید رود ، حفر ده حلقه چاه عمیق آبیاری آزمایشی، افتتاح بیمارستان جدیدی بنام ملکه فرح .

ماه چهارم (دیماه)

گشایش یك شعبه پست وتلگراف دراستان گیلان، تکمیل ساختمان مرکز دامپزشکی اصفهان ، افتتاح یك کارخانه برق ویك درمانگاه و دو دبستان ویك مسجد در یك شهر ویك کارخانه برق ودودبستان در شهر دیگر ودوکارخانه برق در دو شهردیگر، گشایش مدرسه پرستاری ملکه فرح درکرمان، افتتاح دستگاه فرستنده جدید رادیو دراصفهان، تکمیل لوله کشی اصلی دوشهر، تکمیل ساختمان آزمایشگاه آبادان ، افتتاح یك قسمت جدید دریکی از بیمارستانهای تهران که بوسیله خودم انجام گرفت

ماه پنجم (بهمن)

تکمیل ساختمان یك درمانگاه ویك مرکز دامپزشکی، گشایش درمانگاه دیگری بدست ملکه فرح تکمیل طرح ساختمان جدید دانشگاه تبریز تکمیل ساختمان یك کارخانه بافندگی درکرمان افتتاح یك کارخانه آرد درتبریز ، آغاز بهره برداری از ماشین جدید مقوا سازی کارخانه دخانیات دولتی تهران نصب دستگاههای گیرنده رادیو در پنج مرکز شوکی ، توزیع ۱۶۰۷ قطعه سند مالکیت اراضی سلطنتی بین روستائیان بوسیله خودم وملکه

ماه ششم (اسفند)

افتتاح یك بخش بیمارستان ۲۵۰ تختخوابی درکوی فقیر نشین شهر تهران ، تکمیل ساختمان پنج درمانگاه درشهرهای مجاور راه آهن و یك بیمارستان یکصد تختخوابی، آغاز ساختمان یك آسایشگاه مسلولین ویك درمانگاه، پایان ساختمان دوباب پرورشگاه دیگر احداث یك آزمایشگاه کوچك ، تحقیق و بررسی صنعتی در شهر کرج ، بکار افتادن سه کارخانه جدید برق درشهر های دیگر، آغاز لوله کشی دریك شهر ، برقراری ارتباطات رادیو تلفنی مستقیم بین شهر زاهدان وشهر مشهد وبین تهران وشهر فسا تکمیل لوله کشی شهری ، توزیع اسناد مالکیت اراضی خالصه تقسیم شده بین کشاورزان افتتاح یك کارخانه جدید تصفیه شکر در شهر اهواز وپل بزرك جدید خرمشهر و

ایستگاه تلویزیون آبادان بوسیله خود من، افتتاح اولین خط مسافربری دریائی بین ایران واروپا

علاوه برطرحهای مذکور طرحهای متعدد دیگری هم در دست اجراست که ازجمله سازمان عمران خوزستان است در این استان برای تهیه واجرای طرحهای عمرانی چند تن از مشاورین وابسته به یکی ازشرکتهای مشاور بزرك امریکا را استخدام نموده ایم این شرکت مشاور تحت ریاست آقایان داویدلی لیانتال وگوردون کلاپ اداره میشود این دو نفر مؤسسهٔ دره تنسی امریکا را اداره کرده ودرنتیجه موفقیتهای عظیم خود شهرت و معروفیت بسزائی کسب نموده اند و عملی راکه در ایران انجام میدهند تاحدی باکارهائی که در امریکا کرده اند مطابقت میکند زیرا نقشه ها وطرحهائی برای امور متنوعه و بهم پیوسته عمرانی یك ناحیه وسیع که از نظر منابع طبیعی ثروتمند است تهیه مینمایند . استان وسیع خوزستان درچندین قرن پیش بسیار حاصلخیز بود ومحصولات فراوان از قبیل نیشکر وگندم وسایر غلات داشت که درکشور وسیع شاهنشاهی ایران مورد نیاز بود کم کم دراثر تاخت وتاز های پی‌درپی مهاجرین بسیاری از دستگاههائی که برای آبیاری در آن ناحیه ساخته شده بود جز دریکی دونقطه روبخرابی رفته وامروز بقایا وآثار آن دیده میشود

از طرف دیگر نظر بشسته شدن سطح خاك ووجود نمك درزمین که درهنگام فراگرفتن آب سطح فعلی را شوره زار میکند برای کشت وزرع بعضی از غلات ونباتات نامناسب گشته وبمرور زمان کشاورزی آنجا رو بزوال نهاده وتاحدی خالی از سکنه گردیده بود

خوزستان دارای رودخانه ها وکوهها و دشتهای وسیع ومنابع سرشار نفت است تصفیه خانه بزرك آبادان وچاههای نفت که باین تصفیه خانه مرتبط است دراین استان واقع شده ولی آب رودخانه‌ها که نماینده نیروی عظیم برق است هدر میرود ومقدار زیادی گاز طبیعی نیزکه ازچاههای نفت خارج میشود در فضا پراکنده شده و ضایع میگردد در سابق وسیله‌ای برای استفاده ازگازهای طبیعی که محصول فرعی نفت است دراین ناحیه موجود نبود وذخیره وحمل آنهم میسر نمیشد وناگزیر چنانکه درمیدانهای نفت امریکا هم معمول است آنرا

میسوزاندند وباااندك تعمق واضح میشودکه قسمتی از منابع پرارزش وگرانبهای ما بدین ترتیب متأسفانه از دست میرفت وبدون اینکه فایده‌ای ازآن عاید شود ضایع میگردید.

اخیراً برای استفاده ازگاز طبیعی وسایر منابع خوزستان پنج طرح اساسی تهیه وتنظیم شده استکه هریك کمك بسیار مؤثری باقتصادیات آن ناحیه خواهد نمود طرح اول مربوط به استفاده از گاز بعنوان ماده خام برای ساختن کلورید وساختن پلاستیك استکه هم‌اکنون ظروف آن مورد استفاده تمام خانواده ها قرار گرفته ودر وسایل خودرو وصنایع وسایر موارد مورد استعمال یافته است . بزودی یك کارخانه پلاستیك سازی دائر میگرددکه احتیاجات داخلی کشور را مرتفع وتوجه سرمایه‌گذاران خصوصی داخلی وخارجی را باستعداد ناحیه خوزستان برای توسعه وعمران وریختن سرمایه در آن جلب خواهد نمود .

طرح دوم هم برای استفاده ازگاز طبیعی در ساختنکود شیمیائی است .کشاورزی این استان احتیاج مبرم بکود شیمیائی بمقادیر زیاد دارد ولی در مرحله اول باید دقیقاً معین شودکه چه نوع کود برای اراضی آنجا مناسب است . از همین جهت برنامه های آزمایشی برای تهیه‌کود شیمیائی درسیصد قریه‌آن استان بموقع اجراگذاشته شده و درضمن مشغول تهیه طرح ونقشه ایجاد چندین کارخانه بزرك‌کودسازی دراین استان هستیم

طرح سوم برای احیاءکشت وزرع‌نیشکر در خوزستان وتولید شکر درآن منطقه است برای این منظور در حوالی شهر شوشکه چندین قرن پیش پایتختکشور شاهنشاهی ایران بود زمین مناسبی را بمساحت ده هزار هکتارمربع بکشت وزرع نیشکر بطور نمونه اختصاص داده ایم برای‌درك عظمت و وسعت این طرح کسافیستگفته شود که نهر اصلی آنکه بوسیله یك شرکت هلندی متخصص درساختن ترعه‌احداث شده است برای‌کشتی‌هائی‌که درترعه‌کارمیکنند وسعت‌کافی دارد در همین نقطه کارخانه عصاره‌کشی نیشکروکارخانه تصفیه شکر که سالیانه درحدودسی هزارتن شکرتصفیه شده سفید تولیدخواهدنمود در شرف احداث است

طرح چهارم برای استفاده از قسمتی از نیروی برق پالایشگاه عظیم آبادان در امور عمرانی آن ناحیه است . بهمین جهت اولین سیم انتقال نیروی برق قوی از آبادان تااهوازکشیده شده و بدینوسیله نیروی کافی برق در مرکز استان خوزستان فراهم‌گشته‌است .

طرح پنجم ازهمه مهمتر است وآن مربوط به‌احداث سدی برروی رودخانه دز (درنزدیکی شهر اندیمشك) است‌که در مسیر راه آهن سرتاسری ایران قراردارد دراین نقطه درصددیم سدی‌که ازبلندترین سدهای جهان خواهد بود احداث‌کنیم . ارتفاع این سد متجاوز از۱۸۰ متر یادوسوم بلندی برج ایفل پاریس خواهد بود . محل این سد در دره‌ای خواهد بودکه ازهرحیث مناسب است ونظیر آن درهیچ جای دنیا برای چنین منظوری یافت نمیشود

دوطرف دره مزبور بقدری بلند ومستقیم و موازی ونزدیك بهم است‌که بعقیده متخصصین مشیت خداوند تبارك وتعالی آن بوده است که بشر درآن محل سدی احداث نماید .

قسمت مهم عملیات‌این سد عبارت از حفر تونلهائی‌است‌که باید درمیان صخره‌های سخت طرفین سد احداث شود وبدین منظورکامیون سنگینی‌که درآن باطریهای برق برای بکار انداختن مته حفر تونل قرار دارد روی منجنیق ملاصق با دیواره صخره قرار داده‌اند و وقتی بامته شروع بکار میکنند صدائی مهیب وخراشنده از آن بر میخیزد مانند آنکه چندین توپ ضد هواپیما بایکدیگر بشلیك بپردازند .

وقتی از سر مهندس این قسمت که یکی از مردان مجرب وسردو گرم چشیده روزگار واز مردم سوئد بود استفسار شدکه افرادی را که باید بااین مته هاکارکنند ازکجا استخدام نموده است وی درپاسخ بدهکده هائی‌که در سکوت وآرامش درکف دره بفاصله زیادی از آن محل قرار داشت اشاره‌کرد ووقتی ازوی سئوال شدکه آیا این مردم روستا باآن صداهای خراشنده ووضع ناراحت کننده ازکار خودراضی وخشنود هستند تبسمی‌کرده و جوابی دادکه هرگز فراموش نخواهم کرد پاسخ وی این بودکه این مردم این صداها را دوست دارند

بطوریکه پیش بینی‌میشود ساختمان سددز دراواسط سال۱۳٤۱ تکمیل خواهد شد وآن وقت است‌که حوضه عظیم جدید الاحداث سد

پرشده واز آبی‌که از آن سرازیر میشود توربین های مرکز تولیدبرق راکه درزیر زمین پشت سددز بناشده‌است بحرکت میآورد و۵۲۰۰۰۰ کیلووات برق تولید خواهد نمود مقدار آبی‌که درحوضه سد ذخیره میشود در حدود ۱۶۰۰۰۰ هزار هکتار زمین مزروعی را آبیاری مینماید وچون بااحداث این سد میتوان جریان آب آن نواحی را تحت اختیار درآورد جای هیچگونه نگرانی‌ازسرازیر شدن سیل باقی نخواهد ماند واز خسارات ناشیه از آن‌که هرساله تقریباً به یك میلیون دلار بالغ میگردد جلوگیری بعمل خواهد آمد

سد های دیگر هم برروی رودخانه‌کارون‌که آب رودخانه دز نیز بآن ملحق میشود احداث خواهد شد از متفرعات این رودخانه و مخصوصاً در قسمت های علیای آن ممکن است میلیونها کیلووات برق بدست آوردکه تاکنون بدون استفاده مانده وبهدر رفته است

تاکنون در نتیجه بررسیها وعملیات اکتشافی زمینی وهوائی در چند نقطه مناسب این رودخانه عظیم محلهائی برای احداث سدکشف گردیده وازمیزان استحکام وسایر شرائط زمین شناسی آزمایش هائی بعمل آمده ودر امکانات نقاط مزبور شکی باقی نگذاشته‌است

اراضی خوزستان دارای منابع عظیم نیرو است وشاید درگیتی کمتر نقطه‌ای مانند خوزستان پیدا شودکه درآن واحد هم دارای منبع برق وهم صاحب نفت وگاز وهم مستعد تولید مواد خام و محصولات پربرکت کشاورزی باشد. البته سالها طول خواهدکشید تا این‌منابع بزرك زیر اختیار آدمی قرار بگیرد و تنها امید من اینست‌که زنده بمانم وبرآورده شدن این امید را بچشم خویش بنگرم چون اینك عمر من بچهل ویك رسیده است احتمال میدهم‌که دیدار چنین روزی میسر خواهد بود

شنیده ام دریکی از سالهای اخیر هنگامیکه وینستون چرچیل جشن روز تولد خویش را برگزار میکرد عکاسی جوان‌که عکس از وی برداشته بود بعنوان اظهار تبریك بوی‌گفته بود که آرزوی وی آنست که تاده سال دیگر درجشن تولد اوشرکت کرده وعکس ازوی بردارد . چرچیل رندانه عکاس جوان را برانداز‌کرده میگوید

توجوان سالم وتندرستی بنظر میآئی ودلیلی نداردکه بچنین

آرزوئی موفق نگردی ؟

درکشور ما تنها استان خوزستان دارای منابع بزرك تولید برق وغیر آن نیست بلکه درسلسله کوهستانهای ایران نقاط بسیار مناسب برای احداث سد بمنظور تهیه آب برای کشاورزی وجلوگیری ازسیل وتولید نیرو وگاهی برای مجموع این مقاصد یافت میشود . دربسیاری ازنقاط ایران کوهها تقریباً بشکل عمودی بآسمان سرکشیدهودر دو طرف دره ها دیوار بلند و محکم بوجود آورده است واز این جهت میتوان بهرارتفاعی که منظور باشد برای ذخیره کردن آب مورد نیاز سد درآن نقاط احداث نمود .

گاهی طبیعت خود سد هائی بوجود آورده و تالاب هائی بزرك پشت سر این سدهای طبیعی احداث کرده است وتنها کاری که در برابر آدمی قرار دارد اینستکه این کارهای نیمه تمام طبیعت را بصورت کمال درآورد

چون کشور ما (باستثنای نواحی بحر خزر وآذربایجان که بحد وفور از آب باران استفاده میکنند) در چشم خارجیانی که بآن نظر سطحی میاندازند سرزمینی خشك ولم یزرع جلوه میکند ازاینکه در احداث سدهای متعدد اهتمام وکوشش فراوان داریم ممکن است ازکار مادرشگفت آمده تصورکنندکه ما بکسی مانندیم که شربت خانه‌ای بزرك درخانه خویش میسازد ولی درآن هیچ مشروب یافت نمیشود . نظیر همین فکر درمقاله ای که دریکی از مجلات امریکائی درباب سد کرج انتشار یافته منعکس بود که از خواندن آن بی‌اختیار بخنده افتادم نویسنده اظهارکرده بودکه سدکرج که برای تولید برق ساخته شده اقدامی بسیار مسرفانه وپرخرج است وبرق لازم را ممکن بود باهزینه کمتر بوسیله ماشینهای بخار تولیدکرد

نویسنده مقاله مزبور از مقصود ومنظور اصلی ما درایجاد این سد فرسنگها دور بوده است ، زیرا ما این سد را در۵۶کیلو متری تهران اساساً برای آن‌ساخته ایم که از رودخانه کرج آب موردنیاز مردم پایتخت را که روز بروز وسیعتر و پرجمعیت تر میشود تأمین نمائیم

در مقاله مزبور نیز اظهار نظر شده بود که در فصل تابستان

رودخانه کرج مبدل بیك جوی باریك میشود و احداث سد برچنین رودخانه‌ای کم آب جزاتلاف وقت وپول نتیجه دیگری نخواهد داشت چقدر بموقع بودکه نویسنده آن مقاله شخصاً حضور داشت و بچشم میدیدکه‌در فصلی که آب رودخانه‌کرج بحداقل خود رسیده بود یکی از دوستان من که شناگر قابلی است ومیخواست باشنا خودرا ازیکطرف آن بطرف دیگر برساند فشار آب وعمق آن بدرجه ای بودکه ویرا پیچانیده ومسافت زیادی بپائین رود راند .

این رودکوهستانی وقتی به نزدیکیهای تهران‌میرسد بسیار پرآب است باوصف این اگر این رودخانه آب‌کمی هم داشته باشد از درستی این اقدام ذره‌ای نمیکاهد زیرا برفهای عظیمی‌که درکوهستانهای ایران وحتی در قسمت های گرمسیر ایران میبارد در نتیجه ذوب برودخانه ها سرازیر میگردد وهنگام بهارکه برفهای کوهها بسرعت ذوب‌میشود مدت چند هفته در رودخانه ها سیل های مهیبی جاری میگردد و غالباً مردم و مواشی را باخود میبرد . این سیلاب های بهاری نه تنها بهدر میرود بلکه موجب خسارات مالی واتلاف نفوس میگردد وبدتر از آن اینکه چون صحاری ایران از بوته ها ونباتات صحرائی عریان است از یکطرف سیل‌که جلوگیری ندارد وبشدت حرکت میکند خاك قابل زراعت صحاری را میشوید وقوت زمین را میگیرد وازطرف دیگر باید باندازه‌کافی‌آب ذخیره داشته باشیم‌که بکارکشت وزرع بیاید.از همین جهت باحداث سدهائی اقدام شده است تا آب برفهایِ ذوب شده کوهستانهای کشور را ذخیره کرده ودرطول مدت سال بتدریج بمصرف کشاورزی برسانیم وازحدوث سیل نیزجلوگیری‌کنیم ودرعین حال از آن نیروی برق هم بدست بیاوریم.

بتون ریزی سد کرج در اواسط سال ۱۳۳۷ آغاز گردید و برای میمنت این اقدام خیر مقداری پول مسکوك در اولین سطل حاوی بتون ریختم . انتظار میرودکه سدکرج‌که در حدود ۱۸۰ متر ارتفاع دارد در اواسط سال ۱۳۴۰ از هر جهت تکمیل و قابل استفاده شود .

آبی که در پشت آن ذخیره میشود در درجه اول برای مصرف آب مشروب تهران است ولی پیش از آنکه بطرف تهران سرازیرشود دستگاه مولد برق را بحرکت می‌آورد .

قوه تولید این دستگاه متدرجاً بیکصد وبیست هزار کیلو وات خواهد رسید .

ساختمان سد سفید رود هم درنزدیکی شهر رشت آغاز شده است ارتفاع این سد بیش از ۱۰۵ متراست وپس از احداث ترعه های لازم به ۱۸۰۰۰۰ هکتار زمین آب خواهد رساند ودر حدود ٦٤٠٠٠ کیلووات نیروی برق نیز تولید خواهدکرد سدهای کوچکتری هم در چندین نقطه دیگر ازکشور احداث شده است . چنانکه دراواسط سال ۱۳۳٦ ساختمان سد رودخانه بمپور در مغرب ایرانشهر باتمام رسید واینك در حدود ۱٤٨٠ هکتار اراضی مزروعی بدینوسیله آبیاری میشود . در نواحی سیستان نزدیك مرز پاکستان و افغانستان نیز دو سد احداث شده است که رویهمرفته در حدود ۲۰۰۰۰ هکتار زمین راآبیاری میکند و همچنین سدی درحوالی گلپایگان ساخته شده است که ۲۰۰۰هکتار زمین ازآب آن بهره‌مند میگردد. سدهای کوچك ومتعددی نیزکه در نواحی شمال شرقی استان آذربایجان احداث شده رویهمرفته ۱۸۰۰۰ هکتار زمین را آبیاری مینماید وبازهم برای‌ایجادسدهای بزرك‌وکوچك دیگر درنقاط مختلفه کشور مطالعاتی درجریان است .

از مسئله احداث سد مهمترایجاد وسایل حمل‌ونقل و مواصلات نوین درکشور است وازهمین‌جهت دربسط وتوسعه شبکه راه آهن‌جنب وجوش وفعالیتی شگرف بعمل آمده است . چنانکه قبلا اشاره شدپیش از دوران سلطنت پدرم راه‌آهن‌درکشور ایران تقریباً وجود نداشت واو باهمت بلند خود باکمك مهندسین ورزیده بردشواریها فائق آمده و راه‌آهن سرتاسری کشور را بوجود آورد . البته این راه آهن اصلی بمنزله آغاز شبکه راه ایران بود واینك خطوط دیگری برآن افزوده شده و میشود چنانکه همین عمل درکشور های مترقی گیتی متداول و معمول است وکالاهای‌سنگین وپرحجم بوسیله راه‌آهن حمل‌ونقل‌میگردد.

سالهای ۱۳۳٦ و ۱۳۳۷ را باید دوران پیشرفت راه‌آهن ایران بشمار آورد زیرا در ظرف این دوسال ساختمان دو راه آهن جدید خاتمه پذیرفت‌که یکی راه آهن تهران به تبریز بطول ٦٤۳/٦کیلومتر ودیگری راه آهن تهران به مشهد بطول ۹۰۱/۰٤کیلو متر است

در مورد راه‌آهن من نیز مانند پدرم بسیار باحداث را ه‌آهن

علاقه‌مندم وباید بگویم‌که اثر اقتصادی وفرهنگی راه‌آهن هائی‌که تازه کشیده شده زیاد بوده ونقاط کشور مرابطرزی‌که تاکنون نظیرنداشته بهم جوش داده است . سخن یکی ازوزرای سابق مثال روشنی دراین مورد است وی میگفت هنگامیکه وزیر کشور بوده وباهمه کوششی که برای پائین آوردن بهای خواربار و مایحتاج عمومی داشته است موفقیت پیدانمیکرده است. اخیراً پس ازاتمام راه‌آهنهای جدید روزی ازکنار دکان خواربار فروشی درتهران میگذرد ومتوجه میشودکه بهای کالاها از میزانی‌که در دوره وزارتش میخواسته است برای آنها تعیین کند بسیار نازلتر است واز صاحب دکان علت این تنزل را جویا میشود وی درپاسخ میگوید علت آن معلوم است وبایدآنرا نتیجه طبیعی راه‌آهن دانست . زیرا امروز مواد غذائی و سایر کالا های مورد نیاز مردم از مسافات بعید بسرعت زیادتر وکرایه نازلتر بمراکز پرجمعیت میرسد واز آن مهمتر اینست‌که برای نقل وانتقال مردم عادی وسیله بسیار راحت وآسان ومطمئنی است . مثلا برای راه‌آهن تهران بمشهد اداره راه‌آهن ترتیبی داده است‌که روزی یك قطار سریع السیر ویك قطار عادی در ایاب وذهاب باشد . بااین وصف ازدحام روزافزون مسافرین بقدری بوده است که ناچار بر تعداد قطار ها افزوده‌اند و این خود مایه مسرت است‌که می‌بینیم بسیاری از مردم ایران که تاکنون بتهران نیامده بودند دراثرتسهیلاتی‌که درامرمسافرت پدید آمده‌است به‌پایتخت آمده‌اند ومردم تهران نیز در نتیجه مسافرت بافرهنك گرانبهائی‌که آثار آن در استانهای کشور که قلب حقیقی کشورند مشهود است آشنا گشته اند

اصفهان‌که مهمترین‌شهرصنعتی‌ایران است هنوزبوسیله راه‌آهن باسایر نقاط‌کشور ارتباط ندارد وبرای رفع این نقیصه ساختمان راه آهن‌که این شهر را بمرکزوصل میکندآغازگردیده است . این خط ازاصفهان عبور نموده وبسمت جنوب بطرف شیراز امتداد خواهد یافت وتأثیر اقتصادی‌آن برای‌کشور بسیار مهم خواهد بود . ازلحاظ فرهنك نیز ایجاد چنین خطی حائز همیت فراوان است زیرا این دوشهر را که ازحیث وجود آثار باستانی ومظاهر فرهنك ایران بسیار ثروتمندند بازنجیری ازپولاد بسایر نقاط کشور اتصال خواهد داد

اخیراً برای توسعه راه‌آهن کشور ۸۵۰۰۰۰ عدد تراورس سیمانی خریداری کرده‌ایم وتعداد ۴۰۰ دستگاه واگن باری بکار انداخته ودر حدود ۱۰۰۰ واگن دیگر نیزسفارش داده‌ایم که درخطوط مختلف بکار افتد برای تسریع در ارسال محمولات پستی پانزده دستگاه دیگر بواگن های پستی راه‌آهن اضافه کرده وشبکه مخابراتی وعلائم راه‌آهن را نیز طبق اصول نوین توسعه داده ایم .

درخاور میانه ایران اولین کشوری است که تمام لوکوموتیوهای بخاری خود را بماشین های دیزل تبدیل کرده وبدینوسیله رفت وآمد قطار ها هم سریع تر وهم مطمئن‌ترگردیده است .

من به‌لوکوموتیوهای بخاری که سالهاست چندین صد قطار را در کوههای پرنشیب وفرازکشورکشیده واکنون فرسوده‌شده‌اند دلبستگی مخصوصی دارم ولی ناچار باید آنهارا بطور مزایده بفروش رساند دیزلهای جدید هم مانند بسیاری ازلوکوموتیو های قدیمی ما درامریکا ساخته شده است واز قراریکه شنیده ام عده‌ای از دیزلهائی که دراوان جنك دوم جهانی مورد استفاده امریکائیها درکشور ایران بوده وهم اکنون درایالت آلاسکا مشغول کار است وعلاماتی که بزبان فارسی بر آنها نقش شده هنوز روی آنها دیده میشود .

ما هم اکنون در صدد امتداد و اتصال راه‌آهن کشور ایران به راههای آهن بین‌المللی هستیم .درسال ۱۳۳۷ تجدید ریل از تبریز به جلفاکه شهری درمرز روسیه است خاتمه یافت. سابق براین‌روسها راه آهنی از تبریز به جلفا باعرض وسیعتر از حد معمول بین‌المللی احداث‌کرده بودند ما این راه آهن را مجدداً ساخته وعرض آنرا به ۱/۴۳۵۰۴۳۵ متر که عرض معمول خطوط آهن بسیاری از نقاط‌جهان است تقلیل دادیم اکنون آن قسمت ازکالاهای ایران‌که باقطار از طریق روسیه بخارج فرستاده میشود درجلفا به‌واگونهای روسی منتقل شده وسپس‌در سرحد روسیه واروپا مجدداً ازواگونهای شوروی به واگنهای دیگرمنتقل شده وباروپای باختری حمل‌میگردد. مسافرین هم میتوانندازهمین‌طریق به‌کشور های غرب مسافرت کنند

فعلا دوطرح دیگر برای توسعه و ازدیاد خطوط مواصلاتی کشور واتصال آن براههای مواصلاتی بین‌المللی مورد مطالعه است همه

میدانندکه خط آهن اوریانت اکسپرس سالهاست بین استانبول ولندن برقرارگردیده است ومسافران بوسیله‌آن میتوانند ازاستانبول مستقیماً به لندن عزیمت کرده در ایستگاه ویکتوریا پیاده شوند . انتهای‌راه‌آهن ایران با منتهی الیه راه آهن تـرکیه در حدود ۴۳۷/۸۹ کیلو متر فاصله دارد ودر نظر است‌که این فاصله رااز بین برده واین دوراه‌آهن را بهم متصل سازیم تامسافر بتواند ازایستگاه بزرك تهران‌که پدرم ساخته باقطار اکسپرس مستقیماً به پاریس یالندن برود بدینطریق نه‌تنها برای مسافرین تسهیلات بسیار فراهم میشود بلکه در حمل و نقل‌کالا نیز اثرات مفیدی عایدکشور خواهد شد ، زیراکالاهای اروپا که برای ایران حمل میشود بجای اینکه باکشتی ازکانال سوئز عبور نموده وشبه جزیره عربستان را دور زده وسراسر خلیج فارس راپیموده آنگاه به بنادر جنوبی کشور برسد مستقیماً بوسیله راه آهن بایران خواهد رسید .

طرح دوم ما عبارت از امتداد واتصال راه آهن‌ایران به راه‌آهن شبه قاره هندوستان است . ما فعلا یك رشته راه آهن درزاهدان داریم که بکشور پاکستان می‌پیوندد وممکن است در ظرف چندسال راه‌آهن رااز تهران به زاهدان برسانیم وآنوقت میتوان مثلا ازکلکته مستقیماً به لندن (ازطریق کراچی وتهران واستانبول وپاریس) مسافرت کرد وبهر نقطه ای ازاین خط وشعب آن نیز میتوان کالاهای‌گوناگون حمل ونقل نمود

درباره‌توسعه وبسط راه‌های هوائی‌کشور ایران‌قبلا اشاره‌کرده‌ام. چون خود شخصاً خلبانم وبهوا نوردی علاقه دارم امیدوارم شادمانی من درپیشرفت هائی‌که درامر هواپیمائی‌کشور و حمل ونقل هوائی پدید آمده موجب اعجاب قرار نگیرد

بطوریکه مشاورین خارجی هوا نوردی ما اظهار میکنند خطوط هوائی ایران‌درظرف پنج سال آتیه سه برابر خواهد شد وعده‌کارمندان آنهم بدوبرابر عده فعلی خواهد رسید . غالباً بمن‌گفته اندکه فرودگاه عظیم تهران یکی اززیباترین فرودگاههای جهان است وبتدریج این گفته باورکردنی شده است زیرا باید اعتراف‌کنم‌که در طی مسافرتهای خود بخارج ایران هیچ فرودگاهی را بزیبائی آن ندیده‌ام در سال

۱۳۳۷ که ساختمان این فرودگاه خاتمه یافت تنها هواپیماهای چهارخط بین‌المللی بآن‌آمد وشد مینمودند وامروز عده‌آنها به‌بیست خط رسیده است واینك باآنکه فرودگاه تهران‌گنجایش فرود آمدن بزرگترین جت ها را دارد بازبر وسعت آن میافزائیم تادر آینده هواپیما های بزرگتری در آن آمد وشدکنند .

چندین سال است‌که از فرودگاه بین‌المللی آبادان استفاده میشود واخیراً بمساحت زیادی توسعه‌یافته است . همینطور فرودگاههای اصلی داخله‌کشور دراصفهان وشیراز ویزدوکرمانشاه وعده‌ای ازفرودگاههای کوچکتر راتوسعه داده ایم بانمو و توسعه مداوم اقتصادکشور و زیبائی مخصوصی‌که آثار تاریخی و فرهنك باستانی ما دارد عده بازرگانان ودانشمندان وجهانگردان خارجی‌که بایران میآیند هرروز روبتزاید است وباتوسعه شبکه هوائی ایران برای این میهمانهای‌عزیز ومردم‌کشور مسافرت به‌تمام نقاط ایران بسهولت میسر خواهد بود البته چون‌کشور ما دارای هزاران شهر وقصبه پراکنده ودورازیکدیگر است ساختمان فرودگاههای معمولی در بیشتر آنها از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نیست وباید برای این منظور از هواپیماهائیکه بطور عمودی از زمین بلند میشوند استفاده نمود .

این نوع هواپیما ها راکه مانند هلیکوپتر اززمین عمودی برخاسته در هوا مانند هواپیماهای معمولی پرواز میکنند منظماً میتوان درنقاطی که به‌فرودگاه های معمولی نیاز ندارند بکار انداخت باوجود علاقه شدیدی‌که ما برای ساختن فرودگاههای متعدد داریم هیچگاه اهمیت بنادر را فراموش نکرده‌ایم برای توسعه وتکمیل بنادر خلیج فارس یعنی بندر خرمشهر و بندر شاهپور و بندر بوشهر و بندر عباس و همچنین بندر پهلوی‌که درکنار دریای خزر واقع است طرحهائی در شرف اجرا است

تقریباً از آغاز دوره تاریخ ایران ، ایرانیان بدریانوردی اشتغال داشته اند ولی درطی سالهای اخیر از تجارت دریا غافل مانده اند . با آنکه‌کشتیهای سایرملل به‌بنادرما رفت‌وآمد نموده وقسمت اعظم واردات وصادرات ما بوسیله‌کشتیهای آنها انجام پذیر میگردد ، نمیخواهیم برای حمل ونقل کالاهای خود ازطریق دریا فقط بکشتی های دیگران

متوسل بشویم وازاین جهت درسال ۱۳۳۳ شرکت کشتیرانی ملی‌ایران را تأسیس نمودم . این شرکت تاکنون دوکشتی‌که هرکدام گنجایش ۳۳۰۰۰ تن بار دارد ودو فروندکشتی کوچك مسافر بری‌که به هلند سفارش داده شده بود تحویل گرفته است . عده‌ای از جوانان ایرانی نیز به‌کشور هلند برای تعلیم فن دریانوردی اعزام شده اندکه پس از مراجعت اداره امورکشتیهای مزبور را تصدی نمایند

درشاهراههای ایران بزرگترین انواع کامیونهای نفت‌کش وباری دیزل جهان دررفت وآمد است‌که بوسیله رانندگان قوی بنیه و پر استقامت بارهای عظیم الجثه راازکوههاوکویرهاگذرانده وبنقاط‌مختلف کشور میبرند وهرچه شبکه راه‌آهن ایران توسعه پیداکند میتوان این کامیونها را درراه های دیگری بکار انداخت

کشورما فعلا دارای ۲٤۱۳۵ کیلومتر جاده شوسه ویکصد هزار دستگاه وسایل نقلیه موتوری است‌که بطور قطع برای‌کشور وسیعی مانند ایران کافی نیست . البته پستی وبلندی ووضع‌کوهستانی اراضی ایران طبعاً موجب‌کندی امر ساختمان جاده ها وهزینه سنگین میشود . ولی برای جاده سازی وترمیم معابر باسرعت بسیار وسایل ماشینی را جانشین طرز راهسازی قدیم کرده‌ایم برای تکمیل دستگاه حمل و نقل علاوه برشبکه راه آهن وجاده ها دراحداث لوله‌کشی نیز اقدام شده واخیراً کارلوله‌کشی نفت ازاهواز تاتهران بطول تقریبی ۹٦۵/٤ کیلومتر خاتمه یافته است. اساساً این لوله درزیرزمین واقع شده ولی در صحراها و کوههای دور دست مراکز تلمبه زنی ونظارت برلوله سرتاسری آن دیده میشود ونیز برجهای مخابرات رادیوئی روی قله کوهها بچشم میخوردکه شخص رابیاد افسانه ها واساطیرکهن میاندازد. بوسیله این‌لوله سالیانه دومیلیون تن مواد نفتی منتقل میشودکه برای حمل ونقل آن چندین صدکامیون وواگون راه‌آهن ضرورت داشت باین لوله‌اصلی لوله های فرعی متعددی اضافه شده واز جمله لوله‌ایست که بشهر صنعتی اصفهان میرود وبرای شهرهای رشت ومشهد نیزلوله کشی دردست ساختمان است

بمنظور تسهیل حمل ونقل بین‌المللی نفت ، قرار دادی با کشور ترکیه منعقد نمودیم‌که یك خط لوله از شهر قم ومنطقه سراجه در

جنوب تهران یکی از بنادر کشور ترکیه در ساحل دریای مدیترانه احداث نمائیم . انجام این اقدام منوط باین است که دراین نواحی نفت بمقداریکه ازنظر تجارتی رضایت بخش باشد یافت شود . طول این خط ۲۱۵۶ کیلومتر و هزینه آن بالغ برپانصد میلیون دلار خواهد بود و همینکه این لوله کشی پایان یابدمیتوان نفت را به کشتی های نفت کش بزرگ که از کانال سوئز نمیتوانند عبورکنند و فعلا مجبورند قاره افریقا رادور زده ونفت ایران رااروپا وآمریکا برسانند تخلیه کنیم. با احداث این لوله قسمت عمده هزینه حمل نفت ازایران بساحل دریای مدیترانه صرفه جوئی خواهد شد .

در مورد کشوری مانند ایران که تازه قدم بشاهراه پیشرفت و ترقی نهاده است باید تغییرات سریع در محیط ظاهری و فرهنگی آن بوجود آید واز همین نظر ایجاد وسائل ارتباط سریع اهمیت فراوان دارد. درسال ۱۳۳۶ در سراسر کشور در حدود ۵۰۰۰۰ شماره تلفن وجود داشت ولی چون احتیاجات عمومی راکفایت نمیکرد ۱۸۰۰۰۰ دستگاه دیگر خریداری و بسرعت نصب نمودیم .درباره توسعه شبکه رادیو تلفن قبلا ذکر شده است که بالاخره در تمام کشور ایران بسط خواهد یافت و جانشین هزاران کیلومتر سیم تلگراف وتلفن خواهد گردید. ما فعلا دارای عده زیادی ماشین های تله تایپ (ماشین ثبت تلگرام) هستیم که اغلب آنها بوسیله دوشیزگان ایرانی مورد استفاده قرار گرفته است .

ما باکشور پاکستان و قاره اروپا و قاره آمریکا از طریق اروپا ارتباط رادیو تلفنی ورادیو تلگرافی داریم وهمچنین باشرکت کشورهای عضو پیمان سنتو مشغول ایجاد ارتباط بوسیله امواج رادیوئی بین المللی هستیم که میتوان درآن واحد برای مخابره ۱۲۰ مطلب متنوع به آنکارا و تهران و کراچی از آن استفاده کرد اخیرا نیز سرویس تلفنی انتقال عکس و تصویر اسناد را باکشور های انگلستان و ژاپن برقرار نموده ایم ودر تهران و اغلب استانهای ایران ایستگاه فرستنده رادیو تاسیس گشته است .

در سال ۱۳۳۷ یك دستگاه یکصد کیلوواتی پخش صدا در تهران نصب گردید و هم اکنون صدای ایران که از این دستگاه روی امواج

کوتاه پخش میشود در اغلب کشورهای جهان شنیده میشود واکنون طرح نصب یك دستگاه قوی پخش صدا روی امواج کوتاه وچهاردستگاه دیگر برای امواج متوسط در شرف تهیه است. درسال ۱۳۳۷ اولین ایستگاه تلویزیون تهران را افتتاح نمودم واینك در تهران دو ایستگاه تلویزیون ودر آبادان یك ایستگاه وجود دارد وامیدوارم روزی برسد که در تمام قراء و قصبات ایران این دستگاه ها نصب و مورد استفاده قرار گیرد .

در فصل بعد درباره تحولات سریعی که درامور کشاورزی ایران رخ داده سخن خواهد رفت . وضع بازرگانی و صنعتی کشور ما نیزبطورمحسوس وبا سرعت تمام پیشرفت نموده وهرروز بتوسعه آن میافزاید. درفصول سابق از اقداماتی که پدرم بوسیله دولت دربسط صنایع ایران بعمل آوردبطور تفصیل سخن رانده‌ام چون در زمان سلطنت پدرم عده متخصصین و مدیران امور فنی بسیار معدود بود واز طرف دیگر سرمایه داران ایرانی جرئت نمیکردند سرمایه‌های خود را در رشته های صنایع نوین بکار اندازند ناگزیر دولت در قسمت اعظم این رشته ها پیشقدم شده بود هنوز این اشکالات دربعضی ازامور صنعتی موجود است چنانکه امروزنیز تنها دولت در ایجاد صنعت جدید فولادسازی پیشقدم شده است وبسیاری از مؤسسات صنعتی که در اغلب نقاط کشور تاسیس یافته متعلق بدولت است وازطرف دولت اداره میشود .

مثلا برای تولید سیمان که درپیشرفت امور ساختمانی عامل مؤثری است اخیرا دولت دوکارخانه جدید که مجموعا سالی ۳۰۰۰۰۰ تن سیمان تهیه میکنند احداث کرده ودر نتیجه میزان تولید سیمان کشور بچهار برابر میزان تولیدسال ۱۳۳۳ رسیده است. کارخانه‌های خصوصی سیمان نیز میزان تولید خود را افزایش داده‌اند . همچنین کارخانه آجر و گل نسوز که مورد احتیاج سایر صنایع خصوصی ودولتی است احداث گردیده است

مصرف سالیانه منسوجات در کشور ایران در حدود ۴۲۰ میلیون متر است که تقریباً نیمی ازاین مقدار از خارج وارد میشود دولت دارای چند کارخانه بزرك منسوجات ریسمانی وپشمی است که مشغول کارند وچندکارخانه دیگر در شرف احداث است ووامهائی نیزبصاحبان

کارخانه‌های خصوصی داده میشود تا کارخانه‌های خود راتوسعه بدهندو کارخانه‌های دیگری نیز تأسیس نمایند. نتیجه این برنامه‌آنست‌که در سال ۱۳۴۰ میزان تولید تادوبرابر تولیدات قبلی افزایش خواهد یافت. بمنظور کمك به‌کشاورزان و تولید منسوجات ، دولت در بسیاری از نقاط‌کشور دستگاههای پنبه‌پاك‌کنی احداث نموده ویا مشغول ساختمان است .کارخانه‌های منسوجات ابریشمی (که در آینده نزدیکی براصول علمی مبدل به ابریشم سازی مصنوعی خواهد شد) وگونی وریسمانو طناب بوسیله دولت احداث‌گردیده است.

دولت دارای‌یك‌کارخانه‌تصفیه‌مس وچندین‌کارخانه اسیدهیدروکلوریك و سایر مواد شیمیائی مورد نیاز صنایع سنگین و کارخانه های روغن نباتی است‌که روغن خوراکی وصابون وکنجاله‌که غذای بسیار مقوی مواشی است تهیه می‌نمایند ومحصولات کارخانه های بزرك صابون سازی دولت در تمام شهر ها و روستاهای‌کشور بچشم‌میخورد.

عده‌ای در مراکز کشاورزی‌کارخانه های دولتی کنسروگوشت و ماهی و میوه وسایر مواد تهیه میکنند و دو کارخانه دولتی برای پاك کردن و بسته بندی خشکبار برای مصرف داخلی‌کشوروصادرات‌تأسیس شده و ۶۰ کارخانه تهیه چای درگیلان و مازندران قسمتی متعلق‌بدولت وبقیه نیز بوسیله دولت اداره میشودکه اکثرآنها در ظرف پنج سال اخیر احداث‌گردیده‌اند. تمام برگهای چای را دولت ازصاحبان مزارع خریداری مینماید وبرای مرغوب ساختن سطح جنس چای به باغداران کمکها وهدایت های فنی میکند تاآنجاکه اکنون بازار چای ایران رونقی بسزا یافته است .

متجاوز از دوازده کارخانه قند سازی در نقاط مختلف‌کشور وجود داردکه متعلق بدولت است وبیشتر آنها قند را از چغندر تهیه میکنند. دولت تخم چغندر را برایگان در اختیار کشاورزان میگذارد و وسایل لازم را برای دفع‌آفات در اختیار آنها قرار میدهد و محصول آنها را خریداری وبه‌کارخانه حمل مینماید

کارخانه معظم دخانیات بوسیله دولت اداره میشود ودر آمد بسیار قابل توجهی دارد. دراوایل سال ۱۳۳۹ یك‌کارخانه بزرك دیگر برآن افزوده شد ودرنتیجه تولید مواد دخانیه به دوبرابررسید وهم اکنون

روزانه در حدود ۳۰میلیون سیگارت ودر حدود دوارده تن‌تنباکو وسایر مواد دخانیه تهیه میشود ودر دسترس مردم‌قرارمیگیرد واخیراً بنابررسم معمول‌کشورهای غربی سیگارت‌های فیلتردارتهیه ودرقوطی‌های محکم مقوائی بسته بندی میشود. صادرات سیگارت ایران بخارج ازکشورنیز بمیزان قابل توجهی بالغ شده وبتازگی با صدورسیگارت‌هائی‌که در قوطیهای مزین و منقش بمناظرزیبا بسته بندی شده است درنواحی شیخ‌نشینهای خلیج فارس بازارهای جدیدی بدست‌آورده‌ایم.

خوراك عمده مردم‌کشور ایران مانند‌اکثر مردم مغرب‌زمین از گندم وحبوبات است. ازاینرو برای ذخیره کافی غلات اقداماتی بعمل آمده است. درتهران واهواز واصفهان وکرمانشاه ومشهد وشیرازوتبریز وسایر مراکز سیلوهای مجهزبه وسایل میکانیکی احداث شده وهرسال برعده آنها افزوده میشود .

بنگاه راه آهن دولتی دارای يك‌کارخانه تهیه تراورس چوبی است که صدها هزار عدد تراورس میسازد وبطوریکه اشاره‌کرده‌ام اقدام به‌تهیه تراورس های سیمانی نیز شده است .

در فصول سابق ذکر شدکه پدرم مصمم بودکه نیروی مسلح ما بطورکلی بمهماتی که از خارج‌کشور وارد میشود متکی نباشد ودولت من نیز همان تصمیم را دنبال میکند وتفنك ومسلسلهای سبك ومهمات دیگردرکارخانه های ایران ساخته میشود .

در چند کیلومتری غرب‌تهران‌در محوطه‌ای‌زیباکه‌مانندانشگاهی‌است بنگاه دولتی سرم سازی رازی واقع شده است . این بنگاه بنام دانشمند بزرك و طبیب عالیقدر ایرانی ابوبکر محمد ذکریای رازی متوفی بسال ٦٠٦ هجری قمری نامیده شده است. دراین‌بنگاه مقادیرقابل توجهی سرم ضد بیماریهای انسانی و حیوانی ساخته میشود وپیوسته در رشته‌زیست شناسی بتحقیق وبررسی وآزمایش میپردازد ودارای بهترین کتابخانه طبی وبهداشتی در ایران است . این‌بنگاه درهرسال بطورمعمول در حدود چهل میلیون سرم برای معالجه بیماریهای متنوع میسازد مؤسسه پاستور وابسته بدولت نیزکه در حیات پدرم تاسیس یافته‌است تقریباً همان فعالیتهای بنگاه رازی را انجام میدهد واین دو مؤسسه بمناسبت تحقیقات علمی که انجام میدهند وسطح عالی علمی‌که دارند

شهرت بسزائی کسب کرده وکشور ایران را ازاین‌حیث‌ازسایر کشورها بی‌نیاز ساخته‌اند .

راجع به اقداماتی که دولت من در رشته علوم وفنون مربوط بصنایع بعمل آورده در این‌کتاب سخن خواهد رفت. اقدام دیگری که برای توسعه وپیشرفت بررسیهای علمی و صنعتی درکشور ایران بعمل‌آمده تاسیس اداره استاندارد ونمونه هاست‌که درسال ۱۳۳۸افتتاح گردید وظیفه این اداره بالا بردن نوع محصول ونظارت در مرغوبیت ومتحدالشکل بودن‌کالاهائی است‌که‌بخارج حمل‌میشود. متاسفانه معدودی ازصادرکنندگان کوتاه نظر ایرانی صادرات را از رونق انداخته‌اند وبا صدور قالیهای‌کم ارزش وجوهری بجای قالیهای نفیس وثابت وخشگبار آلوده وناپاك وآغشته باریك وخاك وعدلهای پنبه محتوی آجر و سنك بمنظور افزایش وزن موجبات بی‌اعتباری محصولات را فراهم ساخته‌اند وما در نظر داریم‌که باین اوضاع اسفناك خاتمه دهیم و طوری کنیم که خریدار خارجی وقتی اجناس ایران را تحویل میگیرد در خود احساس مسرت‌کند وچین برچهره وی پدیدار نگردد

جای تعجب است‌که بسیاری از افراد تحصیل‌کرده در داخل یا خارج‌کشور بهیچوجه ازکارخانه ها ومؤسسات تحقیق وبررسی دولتی‌که بآنها اشاره شد مستحضر نیستند. باآنکه هرگاه بخواهند ازسنخ‌فکرو اوضاع اساسی‌کشورهای خاورمیانه آگاه شوند باید فعالیتهای ما را در علم وصنعت بچشم بنگرند .

باید باین نکته توجه داشت که علاوه برکارخانه های متعلق بدولت کارخانه های خصوصی و ملی بسیار در کشور ایجاد شده است‌که هنوز بسیاری از هموطنان ما وعده کثیری ازخارجیها از وجود آنها بی‌اطلاع هستند و مثلا نمیدانندکه معادن این‌کشور در چه حدودی بوسیله شرکتها ومؤسسات خصوصی استخراج میشود

بطوریکه برآورد شده در حدود شصت درصد ازتمام صنایع ایران بدست مؤسسات ملی وشرکتهای خصوصی اداره میشود. باوجود اینکه آمار صحیحی ازکارخانه های موجود درایران دردست‌نیست ولی بموجب اطلاعات حاصله عده زیادی از شرکتها و مؤسسات خصوصی بصنایع گوناگون توجه کرده‌اند ومواد معدنی زیر بوسیله شرکتهای خصوصی

استخراج میشود .

آنتی‌مونی(سنك سرمه) - آرسنیك (زرنیخ) - بوکسیت (کلوخه طبیعی‌آلومینیم) -کرومیت (نمك‌اسید) - ذغال سنك - فلزلاجورد - مس -گرافیت(سرب‌سیه) - خاك‌سرخ -کااولین - سرب - منگنز- سنك شیشه - بلورکوهی - نمك - سیلیکا -گوگرد - قلع - تونگستون - فیروزه - روی .

محصولات طبیعی مختلف نیز بوسیله کارخانه های خصوصی و شخصی تهیه و آماده میشود که در حدود پنجاه قلم آن بطور نمونه ذکر میشود .

مشروبات غیرالکلی - مشروبات الکلی - خشگبار - خوار بار بسته بندی شده -آرد -آردبرنج - قند - چای - روغن‌نباتی - غذاهای حیوانی - منسوجات - البسه - روکش‌کرومیت ، فلزکاری - اثاث‌البیت فلزی - اثاث‌البیت چوبی - اثاث وملزومات اداری - صندوق فلزی - گازئئون برای روشنائی - بخاری‌آب‌گرم - اجاق‌خوراك‌پزی - بخاری موتوربرق - تلمبه -آجر-کاشی - سیمان - میخ - پیچ ومهره - الکل صنعتی - موادشیمیائی - مرکب - رنك - سریشم - دارو- رنك‌روغن نقاشی - شیشه -کاغذ - اجناس پلاستیکی - واکس‌کفش - صابون چرم - یخ - الوار - تخته فیبری - کبریت - باطری - گازاکسیژن قوه برق - مواد پلاستیکی

برای اینکه ذوق ابتکاری سرمایه‌گذاران خصوصی در صنایع وحرف آشکار شود با مسرت مخصوصی یادآور میشوم‌که دو شرکت خصوصی ایرانی بمنظور ساختن محفظه های فولادین برای نگاهداری اسناد مهم وگاوصندوقهای سنگین برای بانکها وسایر اثاثیه فلزی مختلف‌دیگر کارخانه مجهزی را بکار انداخته‌اند . وسایل کار جدید در پیشرفت و ترقی اقتصادی کشور اهمیت فراوان دارد وبنظر من یکی ازنمودارهای پیشرفت آنست‌که معلوم شودآیا چنانکه اینك درکشور ما مشهود است لوازم واثاث و وسایل‌کار در خودکشور فراهم میشود یا از خارج وارد میگردد . تا چند سال‌پیش مدیر عامل کارخانه‌ای که اینك‌ذکر آن رفت یکفرد آهنگر عادی بود ودر نظر من این شخص نمونه بارزی از رشد و پیشرفت طبقه متوسط کشور است‌که قسمت عمده ترقی وتعالی

کشور بفعالیت آنها بسته است .

روزی همین مدیر عامل اظهار داشت‌که تاکنون کسی نتوانسته است گلو صندوقهائی را که این مؤسسه ساخته است بازکند و بدانها دستبردی زند و با لبخندی اضافه کرد که هنوز مردم‌کشور ایران باندازه مردم مغرب زمین در امر شکستن صندوقهای آهنی مهارت نیافته‌اند !

تصور میکنم فهرست های فوق جالب توجه باشد وباید گفته شود که بتدریج صنایعی که بوسیله شرکت های خصوصی بکار افتاده است نسبت بصنایعی‌که بدست‌دولت اداره میشود بدودلیل‌افزایش خواهدیافت:

اول بدان سبب‌که سیاست ما اینست‌که کارخانه های فعلی دولت را متدرجا باشخاص و شرکتهای خصوصی واگزارکنیم و برای انجام این منظور هیئت مشورتی که در تشکیلات واداره کارخانه ها تخصص دارند استخدام نموده‌ایم‌که درباره کارخانه‌های مذکور مطالعاتی‌بعمل آورند و اصلاحاتی راکه برای حسن انتظام کارضروراست پیشنهاد کنند وطرز فروش آنها را بشرکت های خصوصی معلوم سازند.

دوم بدان سبب‌که سعی بلیغ بعمل می‌آوریم تا سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را تشویق کنیم‌که سرمایه‌های خود را در امور نوین صنعتی وبازرگانی بکار اندازند .

قانون اساسی ایران و متمم آن خط مشی صنعتی ایران را روشن ساخته است ودرباره معادن قانون اساسی وقانون معادن‌که اخیرا اصلاح شده امر بهره برداری را تنظیم ومنافع عمومی را تامین نموده است.

بموجب قانون معادن تمام مواد معدنی بسه طبقه تقسیم شده است طبقه اول معادن سنك آهك و مرمر و سنك ساختمانی و گچ است که اگر در ملك خصوصی کسی پیدا شود مالك میتواند از آن بنفع خود بهره‌برداری نموده و پنج در صد از قسمت مواد مستخرجه‌را بدولت بپردازد

طبقه دوم فلزات و مواد سوختنی جامد و نمك و مواد معدنی قیمتی وسنگهای گرانبهاست و در این موارد مالك ملك باید برای استخراج وبهره‌برداری پروانه دولتی بدست آورد وچهار در صد از قیمت مواد مستخرجه را بدولت بپردازد .

طبقه سوم نفت و مواد رادیو آکتیو مانند اورانیوم و غیره است که مالك در آن دخالتی نداشته و دولت حق بهره برداری و یا واگذاری آنها را به شرکتهای خصوصی وافراد واخذ مال الاجاره را بطور انحصاری دارد .

شرکتهای خصوصی ایرانی میتوانند با تحصیل اجازه رسمی از دولت هرگونه معدنی در ایران استخراج نمایند. شرکتهای خارجی نیز میتوانند معادن نفت و سایر معادن ایران را اکتشاف و استخراج نمایند مشروط براینکه‌مجلسین ایران شرائطی‌راکه برای هرموردمعین شده بطور جداگانه تصویب نماید . از شواهد روشن این قضیه قرار دادهای اخیری است که باشرکتهای نفت امریکائی ودیگران منعقد ساخته‌ایم ودر فصول بعد درباب آن بتفصیل سخن خواهد رفت . نکته قابل ذکر دراین مقال آنست که باوجود آنکه دولت در سایر صنایع محدودیت هائی مقرر داشته ولی میدان را برای ابتکار افراد باز گذاشته است.

صنایع اصلی و عمده از قبیل راه آهن و تلفن و تلگراف و رادیو وکارخانه های مهمات سازی در دست دولت است ولی شرکتهای خصوصی میتوانند مؤسسات بازرگانی تاسیس وکارخانه‌های دیگری را برای سایر قسمتهای صنعت ایجاد و اداره نمایند چنانکه عملا هم همین ترتیب مرعی است ومثلا باآنکه صنعت بزرك تصفیه نفت متعلق بآنها نیست سهم عمده از فعالیتهای پالایشگاه را اداره مینمایند .

امروز بیشترکامیونهائی‌که در جاده های شوسه‌کشور بحمل و نقل‌کالا میپردازند متعلق بمردم است‌که باسرمایه افراد ومؤسسات شخصی خریداری شده اند یك خط هوائی خصوصی ویك سازمان ظاهراً دولتی که بخطوط هوائی‌کشوری ایران موسوم است امروزمشغول کار وروبتوسعه وافزایش است و تهیه فیلم واداره جدید سینمای ایران نیز بدست مؤسسات خصوصی انجام میگیرد

درسال ۱۳۳٤ قانون جلب وحمایت سرمایه های خصوصی خارجی در مجلسین تصویب وبتوشیح من رسید . بموجب این قانون اتباع‌بیگانه میتوانند سرمایه ای‌راکه برای فعالیت‌های تولیدی و صنعتی بایران میآورند بامنافع عادلانه‌ای‌که بآن‌تعلق گرفته است بعداً باارزکشور

خود از ایران خارج کنند و نیز بموجب مقررات این قانون هرگاه صنعتی که سرمایه درآن بکار رفته ملی اعلام گردد. غرامت عادلانه بصاحب سرمایه پرداخت خواهد شد

درسال ۱۳۳۶ بموجب قراردادی که بین دولت ایران ودولت امریکا منعقد گردیده است سرمایه‌های خصوصی امریکائیها در کشور ایران تضمین گردیده وبرای سرمایه گذاران امریکائی موجبات مزید تشویق وترغیب رافراهم کرده است آمریکائیها وسایر اتباع خارجی عملا این حقیقت را به ثبوت رسانیده‌اند که سرمایه گذاری دررشته های اقتصادی وصنعتی ایران که درحال توسعه است ازهرجهت بنفع آنهاست

سرمایه داران داخلی نیز دربکار انداختن سرمایه های خود در فعالیتهای صنعتی وامور معدنی کشور بیش ازپیش اظهار علاقه میکنند وبرنامه وام صنعتی ما برای پیشرفت این مهم مشوق بزرگی است. کشور مااز حیث اداره ثروت ملی سابقه طولانی داردکه مورد تقدیر وتمجید من است. پشتوانه اسکناس رایج کشور از شمش طلاو وثیقه‌های معمولی و جواهرات سلطنتی همیشه از نسبتی که بین اسکناس درجریان و پشتوانه مقرر است زیادتر بوده است. در سال ۱۳۳۶ فکری بنظرم رسیدکه برای پیشرفت وتوسعه کشور پشتوانه اسکناس مجدداً ارزیابی شود وقانونی برای انجام همین منظور از تصویب مجلسین گذشت . در اثر این تجدید ارزیابی درحدود یکصد میلیون دلار بارزش پشتوانه افزوده شده است ومقرر داشتم که دولت نیمی ازاین درآمد غیرمترقبه را برای پیشرفت امور صنعتی و نیم دیگر رادر امور کشاورزی بکار برد برخی از مشاورین من ازاین که مبادا این عمل منجر بتورم پول شود اندیشه داشتند ولی بآنها خاطر نشان کردم که اگر این پول درامور غیر تولیدی از قبیل معاملات زمین صرف شود قطعاً موجب تورم میگردد ولی ما آنرا صرفاً بمنظور اجرای طرحهای سریع‌الاثر برای افزایش تولیدات صنعتی وکشاورزی بکار میبریم که خود عامل نیرومندی برای جلوگیری از تورم است

دراواسط سال ۱۳۳۶ برنامه وام صنعتی رابموقع اجراگذاشتم و نتایج قابل توجهی ازآن بدست آمده است. درنتیجه تسهیلاتی که باین وسیله فراهم شده‌است سرمایه داران ایرانی سرمایه های خود رابیش از

پیش بامور معدنی وصنعتی تخصیص دادند بسیار ازکسانی نیزکه سابقاً قسمتی از سرمایه های خودرا درخارج کشور نگاه داشته بودند مجدداً آنرا بایران برگردانده وبکار انداخته اند .

بهره سرمایه‌های صنعتی‌که درگذشته به۲٤ درصد درسال وحتی بیشتر هم‌رسیده بود دراثر اقدامات دولت فوق‌العاده تنزل یافته است بموازات این اقدامات سرمایه داران خارجی راهم تشویق نموده‌ایم تا درفعالیتهای صنعتی نوین‌کشور با ایرانیان شریك وسهیم‌گردند

وزارت صنایع و معادن و بانك ملی ایران مشترکاً برنامه وام‌صنعتی را اداره واجرا مینمایند وزارت صنایع طرحهای پیشنهادی را از نظرفنی بررسی ومطالعه میکندوبانك‌ملی ایران‌اعتباردرخواست‌کنندگان را مورد دقت قرار میدهد گذشته از صلاحیت شخصی و حرفه‌ای بردن میزان تولید و ازدیاد درآمد ملی مؤثر است در شورای عالی اقتصادکه تنها مرکزی است‌که فعالیت های اقتصادی را هم آهنك میسازد مورد بررسی واظهار نظر قرار میگیرد درخواست کنندگان وام برای اثبات آمادگی عملی وواقعی خود باید حداقل سی درصد از هزینه طرح مورد تقاضا را قبلا تأمین‌کنند وزارت صنایع ومعادن هم تا حدود پنجاه درصد از هزینه مزبور را بعنوان مساعده در اختیار آنان قرار میدهد و بیست درصد بقیه را هم متقاضیان بعداً از محل دیگری باید فراهم‌کنند چنانکه‌تاکنون همین رویه را معمول‌داشته‌اند بااین ترتیب کسانیکه بکار صنایع وارد میشوند میتوانند باداشتن سرمایه مختصری یك طرح مهم صنعتی را برعهده بگیرند واطمینان داشته باشندکه در عین آنکه دولت درامور مؤسسات آنها دخالتی نمیکند در هرمورد پشتیبان آنها خواهد بود وامی‌که از طرف دولت بدرخواست‌کنندگان داده میشود باقساط وبه‌نسبت‌میزان پیشرفتی‌که در هر طرح بوجود آمده و مورد بازرسی مأموران دولت قرار میگیرد استرداد خواهد شد واین‌بازرسی نه‌تنها برای حفظ منافع دولت ضروری است بلکه درحسن جریان کار نیز کمك مؤثری خواهد نمود درطی مدت پنج سال اول مؤسسات صنعتی جدیدالتأسیس از پرداخت مالیات معاف خواهند بود وبه لوازم ضروری که برای مؤسسه خود از خارج

وارد میکنند حقوق گمرکی تعلق نخواهد گرفت

میزان سودی که بوام های مزبور تعلق میگیرد از صدی چهار تا صدی شش در سال تجاوز نمیکند بدین ترتیب که طرحهای بزرگ از قبیل نساجی وقند سازی وکشف معادن چهار درصد وسایر طرحها شش درصد بهره میپردازند عزم راسخ من آنست که دیگر نگذارم بهره‌های سنگین اقتصادکشوررا فلج کند واوضاع طوری باشد که بعضی از سرمایه داران طفیلی حاصل زحمت کسانی‌راکه بکار تولید مشغولند باگرفتن بهره های سنگین تصاحب نکنند .

در ظرف یك سال پس از اجرای برنامه وام صنعتی در حدود یکصد وپنجاه طرح جدید صنعتی در رشته های نساجی ، قند سازی ، مصالح‌ساختمان، مواد شیمیائی، موادغذائی، پلاستیك، مقوا، تخته‌های نازك و سایر مصنوعات معادن بمورد اجرا گذاشته شده و ساختمان چندکارخانه که قبلا آغاز شده وصاحبان آن هزینه لازمه راازمنابع دیگری تأمین‌کرده بودند از هرجهت تکمیل‌گردید قابل توجه آنست که در همان سال اول پانزده کارخانه عملا شروع به‌بهره‌برداری نمودند ومحصولات آنهاکه میگو ، روغن نباتی ، منسوجات ریسمانی ، نخ، پنی‌سیلین، اقسام داروها، لشیائی‌که ازآلومینیم ساخته شده، لوله های چدنی ، قطعات سیمانی ، یخ و مواد خام معدنی ببازار عرضه گردید وهرسال محصول صنایع دیگر عرضه خواهد شد ودر تجدید حیات صنعتی‌کشور سهم‌مهمی خواهد داشت و ثابت میکندکه مردم ایران نه‌تنها قادرند فنون غربی را بانیازمندیهای خود تطبیق داده و آنچه راکه مفید بدانند اقتباس‌کنند بلکه میتوانند دراین راه سرعت عمل داشته باشند

در این فصل‌دورنمائی ازتحولات‌کنونی‌کشور ایران نشان داده شده است گاهی خارجیان بهتر ازمردم‌کشورما میتوانند باین‌ترقیات و پیشرفتها توجه کنند زیرا آنها بیش از ما بمحسوسات مینگرند.

بسیاری از خارجیان مجرب که اوضاع‌کشورما را مشاهده‌کرده‌اند غالباً بمن‌گفته اندکه در سالهای اخیر در کمترکشوری مانند ایران چنین تحولات شگرف‌ظاهری ومعنوی‌مشاهده میشود.کسانیکه پس‌ازپنج سال وحتی یکی دوسال دوری ازایران بکشور ما مراجعت میکنند از

تغییرات و تحولاتی که در مملکت روی داده بحیرت افتاده‌اند وابراز این شگفتی از راه‌گزافه‌گوئی وتملق نیست زیرامن خود نیز پس از بازگشت از مسافرتها همان تغییرات را احساس و حقیقت اظهار آنها را استنباط میتوانم نمود

درکشوری مانند ایران ماکه دارای آنهمه سوابق تاریخی وسنن باستانی است سرعت درانجام تحولات وتغییرات اساسی واجتماعی طبعاً بابعضی دشواریها ومضیقه ها همراه است ولی این زحمات ودشواریها را باید برای اقتباس تمدن جدید غربی تحمل‌کرد اما من هرگز در نظر ندارم‌که میراث گرانبها وپرارزش باستانی خودرا ازکف بدهیم و برعکس اعتماد و اطمینان دارم‌که بر ذخیره معرفت وتمدن‌کهن سال خویش خواهیم افزود و حتم دارم‌که در اثر پیشرفت های اقتصادی مذهب و فلسفه و هنر وادبیات و علوم و صنایع ظریفه ما تجلیات بزرگتری خواهد یافت و رفاه و نعمتی‌که مردم عادی ومعمولی از آن برخوردار خواهند شد ولوازم زندگانی باآسایش را برای خویش فراهم خواهند دید آنها را برای نمایش ذوق وهنر مجهز تر خواهد ساخت . ازاین پس دیگر ممکن نخواهد بودکه تنی چند بهزینه جمعیتی صاحب نعمت بشوند بلکه همان چند تن نیز در پرتو سعادت و رفاه عمومی از نعم حیات بهره‌مند خواهند گشت

وقتی تمدن وهنر جدید رااز روی کمال هوشیاری اقتباس وآنچه برای ماضرور است انتخاب‌کنیم بهدف نهائی خودکه دموکراسی حقیقی وسعادت عمومی است نزدیکتر خواهیم شد وبرای وصول باین هدف هر مرارتی را میتوان بامسرت خاطر تحمل نمود

فصل هشتم

نظر من درباره دموکراسی

میگویند روزی در یکی ازشهرهای اروپاکه پشت پرده آهنین قرار داردگروهی از دانشجویان دانشگاه بسخنرانی یکی از استادان معروف فیزیك درباره مسافرت به فضا گوش میدادند استاد میگفت تاچند سال دیگر موشکهائی درماه فرود خواهندآمد ودر مدت‌کوتاهی پس ازآن مردم جهان خواهند توانست بسایر سیارات‌که از زمین بعد مسافت بسیار دارند آزادانه سفر کنند

دراین موقع یکی از دانشجویان سخن استاد را قطع کرده گفت

لطفاً بفرمائید چه وقت ما خواهیم توانست به وینه مسافرت کنیم

این برسبیل‌تصادف نیست‌که هرسال هزاران نفر از آلمان شرقی کمونیست فرار کرده و بآنسوی پرده آهنین و آلمان غربی‌که آزادی درآن حکمفرماست رفته‌اند این مردم معنی آزادی واقعی را دریافته‌اند و حاضر بوده‌اند که جان و مال خود را برای بدست‌آوردن آن بخطر اندازند ودرمیان این فراریان مردم دانشمند و متخصص بسیار بوده‌اند که محرومیت از آزادی بآنها رنج بسیار میداده است.

البته مردمیکه در آلمان غربی زندگانی میکنند نیز میتوانسته‌اند بآلمان شرقی‌کمونیست فرار کنند اماسخن اینجاست که‌کسی باین‌عمل اقدام نکرده است

خوانندگان میتوانند نظائر این واقعه را درسایرکشورهای اروپائی بیاد آورندکه مردم حیات وما یملك خویش را بخطر انداخته واز سد پولادین‌پاسبانان مرزی‌گذشته خودرابعالمی‌که درآن‌آزادی حکمرواست رسانیده‌اند وبهمین منوال صد هزاران چینی ازکشور کمونیست‌فرار

کرده واز راه هونك‌کونك یاساحل ماکاو که دردست پرتقالیهاست ویا طریق دیگر بجهان آزاد پناه آورده‌اند ولی یکنفرپیدا نشده است که از جهان آزاد فرارکند وبخواهد خویشتن را بچین کمونیست برساند

مردم گیتی در اثر تجارب تلخ باین نکته واقف گشته‌اند که آزادی واقعی هرفرد تنها در حکومت‌های دموکراسی بدست میآید یعنی آن روش حکومتی که مردم عادی در اداره امور نظارت و دخالت دارند اماکسانی هم هستندکه مفهوم دموکراسی را تحریف کرده وآنرا بدیکتاتوری پرولتاریا تفسیر و توجیه مینمایند.

برای تحقیق درکیفیت آنچه آنرا دیکتاتوری مزدوران ورنجبران (پرولتاریا) مینامند باید قضیه را ازدوجهت مورد آزمایش قرارداد:

اولا بایدمعلوم کردکه در این نحوه حکومت رابطه بین سران دستگاه وتوده مردم چگونه است ؟ آیاسران مملکت چنانکه‌وانمود میکنند و میخواهند همه مردم هم باور کنند از افراد مردم و منتخب آنها هستند یا نه وآیا منافع و مصالح آنها همان منافع و مصالح مردم عادی است ؟

ظاهراً حقیقت اینست که دیکتاتوری های مزدوران در تمام نقاط دسته کوچکی از افراد شاخصی هستند که آنچه بفکرشان نمیآید همان آسایش ورفاه مردم و حقوق فردی آنهاست

ثانیاً باید معلوم ساخت که آیا دراین قبیل حکومتها مردم در اعمال سران دستگاه هیچگونه حق اظهار نظر دارند ؟ درروش‌های دیکتاتوری کمونیستی که من میشناسم مردم نه تنها درامور حکومت دخالت وحق اظهاری ندارند بلکه جان ومال آنها نیز در اختیار خودشان نیست

دیکتاتورهای کمونیست از نظر علاقه‌ای که بانتخابات دارند به فاشیست هاشبیه هستند وامیدآنها اینست که بمزدوران عادی تلقین کنند که در اداره امور کشور سهیم هستند وسخنشان تأثیری دارددر صورتیکه تنها بیك حزب سیاسی اجازه وجود میدهند وهرکس بخواهد حزب دیگری تأسیس کند یابرخلاف حزبی که برسر کاراست سخنی بگوید باحتمال قریب بیقین دچار تصفیه واضمحلال خواهد شد

در انتخابات عمومی (اگر بتوان آنرا انتخابات عمومی نامید) رأی دهندگان حق انتخاب نماینده بمعنی واقعی آن ندارند زیرا در صورت اسامی داوطلبان نمایندگی فقط نام‌افراد حزبی‌که برسرکار است‌ذکر شده است وفقط از نظر حفظ ظاهر مردم را باصرار یا بحکم‌مجبور میکنندکه بروند ورأی خود را در صندوق بریزند و در پایان این عمل مقامات مسئول با مباهات بسیار اعلان میکنندکه مثلا صدی نود ونه (۹۹٪) از آراء بنفع حزب دولتی بوده است . در حیرتم که آیـا بدین وسائل میتوان امر را به چند تن از طبقات فاضله اجتماع مشتبه ساخت

در ادوارگذشته مردم آزادگیتی دموکراسی را یك امر سیاسی میدانستند چنانکه جان‌لاك فیلسوف بزرك قرن هفدهم که در باب حقوق فردی صاحب مکتب‌وعقیده است درآثار خویش مخصوصاًبحقوق سیاسی تکیه دارد و اعلان آزادی امریکا در قرن هیجدم نیزحقوق سیاسی افراد معمولی را تضمین وتأیید میکند. در آن زمان اعتقاد عمومی این بودکه اگر مردم از موهبت آزادی ومساوات برخوردار باشند میتوانند احتیاجات اجتماعی واقتصادی خود را نیز در اثر ابتکار وآزادی انفرادی تامین کنند این نظر در آن زمان که هنوز تشکیلات اقتصادی وفنی نسبتاً ساده وبدوی بود معقول جلوه میکرد، زیرا خانواده واحد تولید بشمار میرفت وافراد خانواده بدست خویش قسمت عمده احتیاجات خود را فراهم میساختند

ولی پیشرفت علوم وفنون جدید مسیر زندگانی وطرزکار راکاملا تغییر داد وکارخانه های عظیم ایجاد شد وحتی در قسمت فـلاحت سرمایه های بزرك برای تهیه ماشینهای‌کشاورزی درنواحی فلاحتی بکار افتاد وامکان افزایش میزان تولید را بوجودآورد. با این‌کیفیت ظاهر قضیه آن بودکه اختیار کار وفعالیت اقتصادی یك فرد از کف وی بیرون رفته است و در اثر این سلب اختیار بنظر من فرد عادی کاملاحق داشت‌که برای تضمین حقوق سیاسی واقتصادی خودپافشاری نماید

پیشرفت علم نه تنها وضع زندگی و نحوه کار و قـدرت تولید افراد را تغییر داد بلکه در طرز انتقال ونشر افکار نوین نیز انقلابات

شگرفی ایجاد نمود ومخابرات تلگراف ، راه‌آهن، روزنامه، تلفن ، رادیو ، اتومبیل، هواپیما وپست هوائی‌وسینما ونظائراین اختراعات نوین افکارمردمی راکه‌درقاره‌های مختلف زندگانی میکردندبیکدیگر نزدیك ومربوط ساخت ونخستین بار در تاریخ بشریت نشر وابلاغ سریع افکار مهم به میلیون ها ازافرادیکه هنوز خبری ازآن نشنیده بودند امکان پذیرگردید. نتیجه این روش نوین آن بودکه تشنجات اجتماعی جدیدی جایگزین مناسبات وروابط ثابت گذشته گردید. در سابق ممکن بودکه فقر وغنا چندین قرن درجوار یکدیگر بدون ایجاد تشنج وجود داشته باشد ومردم بینوا و دارنده باهم زندگی کنند ولی پیشرفت وسائل مواصلات نوین واطلاع مردم بوجود فراوانی دریك سوی جهان وقحطی وتنگی معیشت درسوی دیگرباعث ایجاد تشنجات وعدم رضایت گردید

مردمی که درکشور های فقیر زندگی میکردند برافرادی که چند هزار فرسنك دورتر در نعمت و رفاه بسر میبردند غبطه میخوردند و نتیجه این حسرت و حسد آن بود که صد ها میلیون از افراد بشر توقعات و انتظارات تازه‌ای پیداکرده وآمال و آرزوهائی کـه بـا محیط زندگی آنان تناسب ، و ارتباطی نداشت بمقام بروز و ظهور آوردند

بدون تردید این بی صبری افراد عادی در عین آن‌که خطرناك بود روزنه امیدی نیزبروی آنها میگشاد. متفکرین جامعه بشری دریافتند که حصول استقلال سیاسی برای مردمیکه در مضیقه شدید اقتصادی بسر میبرند مفهوم واقعی ندارد مردمی‌که درکشور های پر ثروت زندگانی میکردند نیز باین حقیقت واقف گردیدند که برای خیر و صلاح خود وصلاح بشریت باید نعمتهائی راکه از آن بهره‌مندند با همسایگان خود صرف کنند ودریافتندکه رساندن لباس ومواد غذائی فقط احتیاجات موقتی را مرتفع میکند ومللی‌که از لحاظ اقتصادی پیشرفت نکرده‌اند خواستارکمکهائی هستندکه بوسیله‌آنها خودبتوانند وضع خویش را بهبود بخشند

بعبارت مختصر مللی‌که در حال پیشرفت هستند طالب آنندکه از اسرار علوم و صنعت جدید آگاهی یافته وخود بمدد آن علوم وصنایع

سطح زندگی خویش را بالا ببرند

هنگامی‌که پرزیدنت ترومن اولین بار برنامه کمکهای فنی جهانی راکه باصل چهار معروف گردید پیشنهاد نمود دولت امریکا قدمی شجاعانه و دور اندیشانه در این راه برداشت وچنانکه قبلا گفته شد کشور ایران اولین‌کشوری بودکه ازکمکهای فنی اصل‌چهار استفاده کرد. سازمان ملل متحد نیز برای کمکهای فنی ، برنامه وسیعی را بموقع اجراگذاشت‌وکشورهای مشترك‌المنافع بریتانیانیز برای‌کمکهای فنی طرح‌کلمبورا تنظیم وبمرحله اجراگذاشتند

در یکی ازفصول بعد از نتایج‌کمکهای فنی اصل چهار وسازمان ملل وسایر کمکهای خارجی که بایران شده سخن خواهد رفت

در ضمن درس تلخی نیز از این اقدامات فراگرفتیم و آن این بودکه تامین احتیاجات اقتصادی همیشه با ثبات سیاسی ملازم نیست چنانکه بعضی اجتماعات که اقتصاد آنها متوقف مانده وتوسعه نیافته مانند جزائر اقیانوس آرام ازلحاظ ثبات سیاسی ازآنهائیکه بسرعت در مرحله توسعه‌اقتصادی هستندپیشترند. برعکس بعضی ازکشورهای خاورمیانه‌که درسالهای اخیر از نظراقتصادی به پیشرفتهای شایان‌نائل شده‌اند از لحاظ سیاسی دچارمشکلات فراوانند وبرنامه سیاسی‌آنها با برنامه توسعه اقتصادی آنها قابل مقایسه نیست. نتیجه‌ای‌که ازاین درس‌گرفته میشود آنست‌که برنامه تحولات وتکامل سیاسی باید با برنامه توسعه اقتصادی هم‌آهنك باشد ودر غیر اینصورت ملتها دچار دشواریهای خطرناك خواهندگشت

خوشبختانه درکشور ایران دموکراسی بدون ریشه وپایه نیست و نقشه‌ای‌که اینك برای توسعه اصول دموکراسی داریم باروح مردم‌ما سازگار است. درطی قرون واعصار وحتی تا پنجاه سال پیش حکومت ما استبدادی بود ولی درعین حال اززمان قدیم مردم‌کشورما مدارا و مماشات واحترام بحقوق افراد راکه از مبادی دموکراسی است رعایت میکردند چنانکه وقتی‌کورش کبیرکشوری را فتح میکرد مردمی راکه بجنك وی اقدام‌کرده بودند میبخشید وباآنها بمهربانی رفتار میکرد و سمتهای پیشین آنها را بخود آنها وامیگذاشت وحتی اغلب مدیران کارآزموده خود را از میان دشمنان سابق خویش برمیگزید و

بآن ها هرگز بچشم دست‌نشاندگان خود نمی‌نگریست ومسئولیت اداره کشور مفتوحه را بخودآنها وامیگذاشت وآنها را بحفظ و صیانت سنن ملی ومذهبی خود تشویق وتحریص میکرد. بنابراین بااینکه درآن ایام دموکراسی در ایران مفهوم واضحی نداشت کورش کبیر خصایصی ازخود بروز داده است که اساس ومبنای دموکراسی نوین محسوب میشود

قبلا گفته شد که بسیاری از پادشاهان بزرك و سیاستمدارانو سلحشوران ایران ازمیان طبقات سافله اجتماع برخاسته‌اند وما ایرانیان هرگز امتیازات طبقاتی مشخصی را تحمل نکرده‌ایم واجتماع ماآنقدر قابلیت انعطاف داشته است که کسانی ازخانواده های گمنام بتوانند بمقامات بزرك وبا مسئولیت برسند وهرچند احیاناً دچار مضیقه های اقتصادی وتربیتی بوده‌اند باز وضع سیاسی واجتماعی ما طوری بوده است که اینگونه مردم در درجات سافل نردبان ترقی متوقف نمانده و جامعه آنان را فراموش نکرده است

در ایران روح دموکراسی بکیفیت بدوی آن همیشه وجود داشته است وهرچند توضیح این روحیه‌آسان نیست امادر وجودآن‌تردیدی نمیتوان داشت زیرا ما ایرانیان باستقلال فردی علاقه‌مندیم واستقلال فردی دیگران را نیز محترم میشماریم

مثلا در خانواده های ایرانی خدمتکار، خود را یکی ازافرادخانواده میداند وافراد خانواده‌هم او را بهمین چشم مینگرند این خدمتکار با صاحب خانه دراداره امورخانه یا ملك وارد مذاکره و حتی مشاجره دوستانه میشود وعقاید خود را بی‌پروا اظهار میدارد و قرنهاست که این رویه عادی وطبیعی تلقی شده است

با وصف این چنانکه قبلاگفته شد دراوائل قرن بیستم ملت ایران مصمم گشت مؤسسات‌سیاسی ودموکراسی رابنیان‌نهد.انقلاب مشروطیت ایران سنت قدیمی سلطنت را حفظ نمود ولی درآن ازنظر هم‌آهنگی باروش معمول جهان غرب اصلاحاتی بعمل آورد و بحکومتی که از طرف مردم انتخاب شود توجه نمود .

هر چند در دوران انقلاب قسمت عمده مردم ایران مفهوم حکومت انتخابی را بواقعی نمیدانستند ولی ازسلطنت قاجاریه به تنك آمده و

خواستار تغییر وتجدید حکومت بودند درآنموقع مردم عادی دریافته بودندکه قاجاریه‌برای خویش‌کوچکترین مسئولیت اخلاقی نسبت‌بمردم وبهبود کشور قائل نیستند وطبقات مختلف ملت میدانستندکه قاجاریه کشور عزیزشان‌را اسیر اغراض ومطامع بیگانگان ومخصوصا روسها ساخته وافراد ملت فدای خود خواهی ومطلق‌العنانی واسراف وتبذیر آنها شده‌اند واز همین جهت از انقلاب مشروطیت‌که سدی درمقابل استبداد قاجاریه تشکیل میداد استقبال نمودند

رهبران انقلاب‌که بیشتر افراد تحصیل کرده بودند در ضمن پشتیبانی از آن انقلاب هدفهای عالیتری نیز داشتند و میخواستند سازمان سیاسی‌کشور را براصول متداول درجهان غرب استوار سازند زیرا معتقد بودند که برای حفظ استقلال ورفاه اقتصادی واجتماعی ایران راهی دیگر نیست .

اکثرانقلابیون ایران معتقد بودندکه اصول سیاسی معمول درجهان غرب را میتوان بامبادی اسلامی هم‌آهنك ساخت. مثلایکی ازپیشروان انقلاب ایران که افکاروی درمردم تاثیری بسزا داشت سیدجمال‌الدین است‌که ازطرف داران جدی اسلام بود وتاکید میکردکه باید اصول دموکراسی غرب درحدودیکه فلسفه اسلامی مقرر ساخته وبدون‌آنکه باصول مسلم اسلامی مانند اتحاد بین دولت ومذهب خللی واردسازد استوار گردد

در میان رهبران و زعمای بزرك مشروطه طلبان عده‌ای از روحانیون دانشمند ومنورالفکر مانند مرحوم آقا سیدعبداله بهبهانی و مرحوم سید محمد طباطبائی نیز از فراز منابر علیه ستمگری و اعتساف سخن رانده ومردم را ارشاد مینمودند .

با وصف آنچه‌گفته شد هنگامیکه انقلابیون پیروزگشته وخواستند قانون اساسی را تنظیم‌کننداختلاف مشرب‌وسلیقه درمیان آنهاپدیدار گشت.آرمانهای میهن‌پرستی ودموکراسی ومدارا ومماشات وحکومت قانون وآزادی فردی در مقابل ظلم واعتساف وفساد و تنبلی و خیانت که روش حکومت استبدادی بود، درعالم معنی بسیارفریبنده بودولی همینکه خواستند این‌آرمانها را درمورد قانون اساسی بگنجانندمورد مخالفت علمای محافظه‌کار قرارگرفت وآنها را بدعت سوء ومخالفشان

کشور اسلامی ایران قلمداد نمودند

عاقبت طبقه منورالفکر و بازرگانان ودانشجویان و طبقات مختلف اصناف وسایر طرفداران مشروطیت پیروزشدند ودر ۲۵ مهر ۱۲۸۵ شمسی اولین جلسه نمایندگان ملت درحضور مظفرالدین شاه تشکیل گردید. این مجلس بوسیله کمیسیونی که از میان افراد خود انتخاب کرده بود قانون اساسی ایران را تدوین کرد ومظفرالدین شاه آنرا توشیح نمود. بدین ترتیب فصلی نوین درتاریخ سیاسی ایران بازگشت ونخستین دموکراسی پارلمانی‌غربی‌باسنت باستانی سلطنت‌که‌ویژه‌این سرزمین است هم‌آهنگ گردید.

در فصول قبل ازتلاشهای بی‌نتیجه محمدعلی‌شاه‌که بتقویت روسها برای برانداختن مشروطیت بعمل می‌آورد سخن‌رفته‌است. بعضی از روحانیون محافظه‌کار مخالفت‌خودرابا اصلاحاتی‌که حکومت‌دموکراسی جدید میکرد ادامه دادند ومشروطه خواهان نیز بدسته‌های متعدد تقسیم شده و بایکدیگر بمخالفت پرداختند. ولی عدم لیاقت وسهل‌انگاری وگشاد بازیهای قاجاریه ووظیفه ناشناسی سلاطین قاجارو تسلیم محض‌آنها در برابربیگانگان از سایر عوامل وخیم‌تربود وبا این کیفیت وضع‌کشور ما روز بروز خطرناکترمیگشت تا اینکه بالاخره پدرم برای پایان بخشیدن بآن اوضاع وارد میدان عمل‌گردید.

چنانکه ذکرشد در هنگامیکه پدرم ریاست هیئت‌وزیران را داشت وپس ازآنکه سلطنت سلسله پهلوی را تاسیس نمود قدرت مجلس را ضعیف‌کرد ولی از طرف دیگر در استقرار مبانی دموکراسی در ایران سهمی بزرك داشت. وی نخستین کسی است‌که مطابق بااوضاع عصرجدید به‌ترتیب عملی دولت ومذهب را از یکدیگر تفکیك نمود

وی مقامات روحانی را از کسی نگرفت و برعکس در دوران سلطنت اوطبق قانون اساسی مذهب اسلام دین رسمی‌کشور بود ولی‌طبق همان قانون اساسی‌قدرت قضائی رااززوحانیون‌گرفته وبدست‌دولت‌سپرد.

همچنین درزمان پدرم قسمت عمده مداخلات مقامات روحانی در آموزش وتعلیم مردم قطع شده ووظیفه تعلیم و تربیت برعهده دولت قرارگرفت وی روحانیون محافظه کار سابق را وادار ساخت‌که از

مخالفت خود باآزادی زنان دست بردارند وروحانیون را مجبور ساخت که هم خودرا منحصراً بامور مذهبی‌که مفهوم واقعی وظیفه روحانی است مصروف نمایند

اعلیحضرت‌فقید بوسیله‌اصلاح تشکیلات دولتی‌اساس دموکراسی را درایران تقویت نمود در دوران قبل از مشروطیت کارها بوسیله صدراعظم انجام میگرفت واین شخص تمام اوقات خود را در حضور سلطان میگذرانید وی در مداهنه وچاپلوسی استاد بود واگر شاه از وضع ارتش پرسشهائی میکرد صدر اعظم بوی اطمینان میدادکه نیروی ارتش توانائی آنرا داردکه بدون استعانت غیر نیروی متحدکلیه کشور های دیگررا تار ومارکند ، هرچند درحقیقت تشکیلات ارتش جز نام چیز دیگری نبود و دولت برای حفظ سر حدات ناچار بود به‌نیروهای چریك وافرادایلات متوسل‌شود. مناصب مهم لشکری‌افتخاری وبدون حقوق و موروثی بود و احیاناً طفل نوزادی ممکن بود درجه سرتیپی داشته باشد. چند وزیر تحت حکم صدراعظم‌بکار مالیه وامور خارجه میپرداختند وزراء ظاهراً حقوق داشتند ولی در حقیقت وقتی بمقام وزارت منصوب میشدند وخلعت می‌پوشیدند باید پیشکشی که قیمتش ازجمع حقوق سالانه آنها زیاد تر بود بشاه تقدیم‌کنند

وزارتخانه در منزل‌خود وزیر بود واحیاناً ممکن بودکه آشپز وی بریاست دفتر تعیین گردد بقیه اعضای وزارتخانه نیز از بین مستخدمین خصوصی ومحارم وزیر انتخاب میشدند و حقوق آنانرا از کیسه شخصی خود میپرداخت

وی ناگزیر بودکه عده زیادی ازارباب رجوع وحاشیه نشینان و سایر متقاضیان را در سر سفره خویش بپذیرد واز همین جهت هزینه سفره وی بسیار گزاف بود

ولات وحکام استانها وشهرستانها را خود شاه انتخاب میکرد معمولا مقام والی وحاکم یا موروثی بود یا شاه درمقابل پیشکش های گزاف آن مشاغل را بطور مزایده باشخاص واگذار میکرد مردم ثروتمند حاضر بودند برای آن‌که چنین مناصبی به‌آنها تفویض شود مبالغ هنگفتی بپردازند زیرا در عین آنکه مجبور بودند مبلغ معینی بعنوان مالیات حوزه مأموریت خود بخزانه شاه برسانند هرچه بیش از

آن وصول میکردند بجیب خودشان میرفت این مأمورین برای امور عمرانی و آبادی محل مأموریت خود چیزی خرج نمیکردند ویا مبلغ بسیار ناچیزی باین مصارف اختصاص میدادند وهدف اصلی ولات و حکام آن بودکه هرچه میتوانند ازطبقات فقیر مالیات بگیرند ووجوه دریافتی از آنان را صرف هوی وهوس شخصی خود و ملازمان خویش بنمایند. اینان اغلب ازکیسه خود دسته های مسلحی نگاه میداشتند و بدان وسیله بارعاب و تهدید مردم پرداخته و عوارض و مالیاتهای سنگین ازآنان اخذ میکردند واین مأمورین وزیر دستان اغلب بهمین وسائل در محل مأموریت صاحب زمین واملاك میشدند

بدیهی‌است‌که این وضع ازصدر تاذیل فساد ونادرستی راتشویق میکرد و طبقات مختلف اززارع تاکاسب ومالك ناگزیر بودند برای حفظ جان ومال خود وبرای اینکه کمتر مالیات بپردازند بتحصیلداران ومأمورین مسلح حاکم رشوه بدهند ودستگاه فاسد را بدان کیفیت آلوده تر نمایند .

در قانون اساسی ایران راجع باصلاحات اداری‌کمتر اشاره شده بود ولی باتشکیل مجلس شورای ملی‌آثار بهبود در بعضی موارد بوجود آمد چنانکه مستشاران فرانسوی که دولت ایران استخدام‌کرده بود طرحهائی برای ایجاد و تأسیس وزارت خانه ها باسازمان های نوین تهیه نمودندکه مورد تصویب مجلس شورای ملی وپادشاه قاجار قرار گرفت

بنا بـاصرار و تقاضای دولت های خارجی‌که بایران وام داده بودند واز موعد پرداخت مطالباتشان‌گذشته بود مستخدمین بلژیکی گمرك برای وصول مالیات‌که تا آنزمان تلف میشد ویا بجیب اشخاص میرفت مأموریت یافتند وهمچنین هیئت امریکائی تحت ریاست شوستر به تنظیم وضع آشفته خزانه کشور پرداخته وبه تنظیم واصلاح اوضاع مالی‌کشور همت نمود

از زمانیکه پدرم درعرصه سیاست ایران بفعالیت پرداخت اوضاع وتشکیلات اداری بطوری‌که دراین‌کشور سابقه نداشت اصلاح گردید وسر وسامان یافت وی تمام کشور را تحت یك نظارت و مراقبت متحدالشکل درآورد ، رسم انتخاب حکام را لغوکرد ، اختیارات قضائی

استانداران را از میان برد ، جمع آوری مالیات را تمرکز داد ورویه قدیمی وصول مالیات بصورت مقاطعه را برانداخت

سازمان وزارتخانه ومؤسسات دولتی را طبق اصول نوین وبموجب نوع کار آنها منظم ساخته ووزارتخانه های جدیدی تأسیس وکار هارا بمأمورین صالح واگذار فرمود مأمورین فاسد از خدمت اخراج و بشدیدترین وجه مورد مجازات قرارگرفتند ومأمورین شایسته ولایق بکارگماشته شدند وصدها دانشجو برای تحصیلات تخصصی باروپااعزام گردیدند . از همه کارهای اومهمتر آن بودکه در دستگاه اداری کشور حس وظیفه شناسی و علاقه باحیای کشور و پیشرفتهای اجتماعی و اقتصادی را در دل کارمندان بیدار ساخت

در باره پیشرفتهای اقتصادی واجتماعی که در دوران رضا شاه بوجود آمده در فصول سابق سخن رفته است ودر این مقام بایدگفت که آن حالت خمود وسکونی راکه ایرانیان قرنها دچار آن بودند از میان برداشت وپیشرفتها وترقیاتی که در حال حاضر نصیب کشور ما شده در دوران سلطنت او پایه گذاری گردید .

نظر من درباره دموکراسی مکمل سنخ فکراودر این باب است: مثلا درنتیجه توسعه سریع فرهنك و آموزش وپرورش درکشورکه اززمان پدرم آغاز گردید امروز میتوانم بیش ازوی در استقرار روش دموکراسی وحکومت انتخابی درکشور تأکیدکنم ودر اشاعه علوم و فنون جدید واختراعات ناشی از آن اقدام نمایم زیرا علوم و فنون نوین راههای تازه‌ای برای کمك بمردم عادی پیش مابازکرده و مردم را به بهره برداری از امکانات تازه متمایل ساخته است

مثلا علوم جدید نه‌تنها طرز مبارزه بامالاریا رابمردم آموخته است بلکه بوسیله انتشار فیلمهای علمی ورادیو وسایرکلاسهای درس مردم را بجلوگیری ازاین مرض وحفظ خود وفرزندانشان برانگیخته است بدینجهت یکی ازاصول برنامه من دراشاعه دموکراسی استفاده کامل ازعلوم وفنون جدید است

برای سهولت وتوضیح باید بگویم که در نظر من دموکراسی نوین بطرزی که مورد نیازکشور ماست شامل سه قسمت است

قسمت اول ـ دموکراسی سیاسی و اداری .

قسمت ودم - دموكراسی اقتصادی

قسمت سوم - دموكراسی اجتماعی

اینك هریك ازاین قسمت ها راباآن مفهومی‌كه من برای آنها قائلم توضیح خواهم داد

درباره دموكراسی سیاسی‌ایران‌باید‌گفته شود‌كه قانون‌اساسی‌ما از قانون اساسی بلژیك اقتباس شده و حكومت مشروطه را باسنت قدیمی سلطنت درهم آمیخته و مشروطه سلطنتی را بر قرار نموده است

قانون اساسی‌امروزما ازقانون اساسی اولیه مصوب ۱۲۷۵ هجری قمری و متمم آن وچند اصلاحی كه در ۱۳۳۶ در آن بعمل آمده و بتصویب رسیده تشكیل یافته است

درقانون اساسی تشكیل‌مجلسین شورا وسنا پیش‌بینی‌شده است. مجلس شورای‌ملی دارای دویست نماینده است وهرگاه‌جمعیت مملكت افزایش یابد بهمان نسبت برتعداد نمایندگان نیز افزوده خواهد شد این عده برای مدت چهار سال بسمت نمایندگی انتخاب میشوند واز اقلیتهای مذهبی نیز نمایندگانی (ازطرف ارامنه دونفر،كلیمی‌ها یكنفر، زرتشتیان وآسوریها هریك یكنفر) انتخاب میشوند‌كه جزو این عده دویست نفری هستند وهرگاه جمعیت این اقلیتها را نسبت به جمعیت كشور بسنجیم تعداد نمایندگان آنها به تناسب بیشتر است

نمایندگان مجلس شورای ملی از هفتاد و هشت (۷۸) حوزه انتخابیه برگزیده میشوندوكلیه افراد ذكور ایرانی‌كه بسن۲۱ سالگی رسیده باشند (باستثنای اعضای‌خاندان‌سلطنت واعضای‌ارتش ومجرمین) میتوانند درانتخابات شركت نموده و آزادانه رأی بدهند البته عده كثیری از دادن رأی خودداری میكنند ولی باتوسعه روزافزون فرهنك تعداد رأی دهندگان پیوسته روبافزایش است

مجلس سنا مركب از شصت نفر سناتور است‌كه نصف آنها از تهران ونیم دیگر از شهرستانها برگزیده میشوند . پانزده نفراز هر قسمت انتصابی هستند بطوریكه جمعاً سی نفر ازطرف خود من بسناتوری منصوب میشوند

مدت نمایندگی سناتورها عموماً شش سال‌است ولی‌درپایان سه‌سال اول

دوره اجلاسیه سنا نصف آنها بحکم قرعه برکنار میشوند وبجای آنها نمایندگان جدیدی انتخاب ویا منصوب میگردند وپس‌ازآن دردوره‌های اجلاسیه بعد درپایان‌هرسه سال سناتورهائی‌که دوره‌شش‌ساله‌آنهاپایان یافته خارج میشوند. کلیه لوایح باستثنای لوایح مربوط ببودجه ومالیات (که‌تصویب آنها ازوظایف‌خاصه‌مجلس شورای‌ملی‌است) بایدبتصویب دو مجلس برسد وهنگامی بصورت قانونی در میآیدکه از طرف من توشیح‌گردد طبق قانون اساسی من درلوایح مالی حق «وتو» دارم بدین‌معنی‌که اگراصلاح بعضی‌لوایح را ضروری بدانم‌میتوانم‌آنرابرای تجدید نظربمجلس شورای ملی اعاده دهم، ولی نمایندگان میتواننداین وتورا ردکنند وهرگاه سه ربع نمایندگان حاضر درجلسه لایحه‌ای‌راکه بمجلس اعاده شده مجدداً تصویب کنند باید آنرا بهمان صورت قبلی توشیح نمایم یکی دیگر ازاختیاراتی‌که قانون اساسی بمن تفویض کرده حق انحلال مجلسین است. ولی بایدعلت تصمیم بانحلال رااعلام کنم ونمیتوانم‌یك علت رابرای انحلال مجلسین بیش ازیکبار بکار برم و باید فوراً فرمان انتخابات جدید را صادرنمایم بطوریکه مجلس یا هر دومجلسی‌که منحل شده است در ظرف سه ماه تشکیل‌گردد

نخست‌وزیر ووزرای اومجتمعاً هیئت وزیران ویاکابینه را تشکیل میدهند درایران‌کلیه وزراء باستثنای وزیر دربار عضو هیئت دولت هستند

هیئت وزیران براداره امور دولت نظارت دارد ودر واقع همانطور که درسایرکشور های مشروطه نیز معمول است مفهوم اصطلاح هیئت وزیران‌همان مفهومی است‌که‌ازمفهوم‌کلمهٔ دولت‌استنباط میشود. اختلاف عمده ای‌که بین مشروطه ما باکشور های مشروطه انگلیسی زبان وجود دارد آنست‌که در ایران بخلاف‌کشور های مزبور وزیران عضو مجلس نیستند اما باوصف آن نخست وزیر و سایر وزراء در مقابل مجلسین مسئولیت فردی و مشترك دارند وباید درهر مورد برای دادن پاسخ بسئوالات نمایندگان در مجلس حاضر باشند . هیئت وزیران علاوه بر وظایف اجرائی میتواند درموارد ضروری تصویب نامه هائیکه مخالف با قوانین مصوبه نباشد صادرکند. این‌تصویبنامه ها بدستورهای اجرائی رئیس جمهوری امریکا و یا شورای سلطنتی بریتانیا شباهت دارد

دولت از نظر سازمانی شامل دستگاههای زیر است
دفتر نخست‌وزیری ـ وزارت خارجه ـ دارائی ـ کشور ـ کشاورزی صنایع ومعادن ـ فرهنگ ـ جنگ ـ بهداری ـ دادگستری ـ کار ـ پست وتلگراف ـ بازرگانی ـ انحصارات ـ راه بعضی از وزارتخانه ها بنگاههای نیمه مستقلی را زیر نظر دارند مانند وزارت‌کشورکه بنگاه عمران تحت نظرآن انجام وظیفه میکند ووزارت انحصارات وگمرکات که بنگاه دخانیات را اداره مینماید ووزارت فرهنگ‌که دانشگاه تهران را تحت نظر دارد بعلاوه مؤسسات مستقل دیگری مانند سازمان برنامه وجود داردکه تابع هیچ وزارتخانه ای نیست وتحت نظارت کلی دولت انجام وظیفه میکنند .
دولت امور استانها وشهرستانها را بوسیله وزارت‌کشور وتوسط استانداران اداره میکند ولی سایر وزارتخانه‌ها در مراکز استان و شهرستانها به تشکیل ادارات تابعه اقدام نموده‌اند
سازمان قضائی ایران بیشتر از سازمان قضائی فرانسه اقتباس‌شده است . پیش ازدوران زمامداری پدرم روحانیون تقریباً تمام امورقضائی را دراختیار خویش داشتند ولی پدرم تحول کلی دردستگاه قضائی و مفهوم قضاوت بوجودآورد. بسیاری از صاحب نظران و متخصصین معتقدندکه پیشرفت کشورما در امور قضائی واقتباس رویه دنیای تمدن غرب ازسایر امور سریعتروریشه‌دارتر بوده است
پدرم کلیه اختیارات روحانیون رادر امور قضائی سلب‌کرد و قوانین مدنی و جزائی وبازرگانی وطرز محاکمات حقوقی و کیفری جدیدی مقرر ساخت. بموجب این قوانین محاکم‌بدوی واستینافی بقطع وفصل دعاوی حقوقی وغیرآن پرداختند .
امروز پائین‌ترین دادگاه عمومی دادگاه بخش است‌که درتمام نقاط کشور بامور خلاف رسیدگی میکند. محکمه عالیتر دادگاه بدایت شهرستان وبالاتر ازآن دادگاه استان یا استیناف است‌که در مراکز استان ها مستقر است. عالیترین مرجع قضائی ما دیوان عالی‌کشور است‌که در پایتخت انجام وظیفه میکند وجزدرموارد نادرمانند محاکمه وزراء احکام صادره ازمحاکم استان را نقض یا ابرام مینماید.
صرفنظر ازمراحل قضائی فوق‌الذکربرای رسیدگی‌بدعاوی بازرگانی

وجرائم اداری ونظامی نیز دادگاههای اختصاصی وجود داردکه بموجب مقررات خاص انجام وظیفه میکنند .

قانون اساسی صرفنظر از حق‌انحلال مجلسین وحق وتودرلوایح مالی اختیارات و حقوق دیگری نیز برای من مقررداشته است‌که از آن جمله انتخاب نخست وزیروسایر وزیران است‌که معمولا پس از مشاوره با نخست‌وزیر ازطرف من انتخاب ومنصوب میشوند.

انتصاب استانداران و فرمانداران و سفراءکبار و فرماندهان و بعضی مأمورین دیگر با نظر وزیر مسئول با خود من است. از آنها گذشته من برکلیه برنامه‌های عمرانی مملکت نظارت دارم و همانطور که دراین کتاب بیان خواهد شد شخصا محرك ومشوق اجرای این برنامه های آبادانی هستم. از همه بالاتر آنکه از نظرشاهنشاهی عامل ومظهر وحدت وتمامیت ایران هستم واین وظیفه باستانی پیش من از همه مهمتر است زیرا از دو هزار وپانصد سال پیش‌که‌کورش‌کبیر ملت واحد ودولت شاهنشاهی ایران را تأسیس نمود تاکنون سلطنت بزرگترین عامل وحدت ملی وسیاسی ایران بوده است .

اخیراً بایجاد یکی از مظاهر دیگر دموکراسی پرداخته ام که تقریباً درکشور من تازگی دارد و آن مسئله تشکیل احزاب سیاسی است .

هرچند تشکیل احزاب سیاسی در ایران‌سابقه دارد وپس از نخستین دوره مجلس شورای ملی چندین حزب سیاسی بوجودآمد ولی اختلافات داخلی واتکای احزاب باشخاص معین وعدم توجه بمرام ومقاصد اصلی حزبی موجب‌گردید که احزاب از مسیر اصلی خود منحرف شده و بصورت یك عامل غیر مؤثرسیاسی درآیند .

پدرم در اوان سلطنت بعنوان آزمایش به تشکیل حزب واحدی‌که نماینده اکثریت مردم باشد اقدام کرد ولی بجهاتی دیری نگذشت‌که آن حزب متلاشی گردید وعلت آن بنظرمن این بودکه رشد اجتماعی مردم برای توسعه وتکامل سیاسی وایجاد احزاب بحدکفایت نرسیده بود. با وصف‌آن با توجه مخصوصی‌که پدرم به توسعه سریع فرهنگ داشت اساس تشکیلات حزبی که از مظاهر دموکراسی است بدست‌وی درکشور بوجود آمد

درزمان جنك بین‌الملل دوم جهانی و اشغال ایران بدست قوای بیگانه چند حزب سیاسی درکشور ما بوجود آمدکه متشکل ترین‌آن‌ها حزب‌کمونیستی توده بود. این حزب که قبلا هم ذکری از آن شده است درسال ۱۳۲۰ بوسیله گروه‌کوچکی که اغلب افراد آنرا پدرم سابقاً بجرم‌کمونیستی زندانی‌کرده بود تشکیل گردید. چند نفر از افراد این حزب بکمك بیگانگان بنمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شدند وعده‌ای در اتحادیه های کارگری و حتی صفوف ارتش رخنه کردند .

نمایندگان حزب توده درمجلس بواسطه رویه منفی خود انگشت‌نما شدند ومتأسفانه بعضی از رجال سیاسی منفی باف غیرکمونیست نیز باآنها همکاری میکردند وتصویب قوانین مثبت ومهم‌راجلوگیربودند. جالب توجه آن بود که افراد حزب توده وحامیان آنها طرفدار لغو امتیاز انگلیسها در نفت جنوب ایران بودند ولی با نقشه ما درملی‌کردن صنعت نفت ایران مخالفت میکردند. نفوذ این حزب تا زمان سقوط مصدق ادامه داشت .

ازسال ۱۳۳۶ باین طرف که دراوضاع‌سیاسی‌کشور ما ثبات پدید آمده ومبانی اقتصاد ملی ما پس ازرکوددوره مصدق مستحکم گردیده است خود من با علاقه وافری از فکر تشکیل دو حزب اکثریت و اقلیت پشتیبانی‌کرده وآن فکررا بمرحله عمل درآوردم.

البته باید در نظر داشت که منظور از روش دو حزبی‌که در امریکا وانگلیس وسایرکشورهای آزاد جهان باموفقیت اعمال میشود این نیست‌که تنها دو حزب سیاسی درکشور ایجاد شود بلکه غرض‌آنست که دوحزب بزرگ اکثریت واقلیت وعده‌ای ازاحزاب کوچکتری که سعی دارند در نتیجه فعالیت خود از احزاب قوی و بزرگ کشور بشوند آزادانه بفعالیت خود ادامه دهند .

درروش دو حزبی آن حزب که در انتخابات موفق بربودن عده بیشتری از کرسیهای نمایندگی بشود دولت را تشکیل میدهد و حزب اقلیت و یا مخالف در برابر حزب اکثریت درکمال وفاداری باصول و موازین مشروطیت بفعالیت میپردازد انتقادات حزب اقلیت از آن نظرکه حزب اکثریت و دولت متشکل از آنرا همواره متوجه مسئولیت

خود نموده وازکجرویها وانحراف ازحفظ منافع مردم برکنار میدارد بسیار سودمند و گرانبهاست در این میان احزاب کوچکتر ممکن است در موارد مختلف با یکی از دو حزب اصلی همکاری نمایند ولی اینگونه ائتلافات اثری در اساس روش دوحزبی نخواهد داشت

امروز در ایران بتشکیل دو حزب بزرك و چند حزب کوچکتر توفیق یافته‌ایم و هرکس مایل باشد میتواند بدون هیچ پروا و مانعی به تشکیل حزب جدیدی اقدام‌کند بدان شرط‌که چنین حزب یااحزابی دست نشانده وآلت اجرای مقاصد بیگانگان نباشد .

یکی از دو حزب بزرك ایران حزب ملیون و دیگری حزب مردم است . هر چند در سیاست خارجی هیچیك از این دو حزب طرفدار دسته وگروه معینی نیست ولی درمسائل داخلی وطرز حل‌آن مسائل بایکدیگر اختلاف سیلقه و عقیده دارند و آشکارا به رد عقاید و طرز عمل یکدیگر میپردازند البته اختلاف عقیده در مسائل از شئون روش دوحزبی است ، زیرا در کشوری که برموازین دموکراسی اداره میشود مردم باید در تعیین سرنوشت خود مداخله کنند واغلب‌بهترین طریق انتخاب خط مشی عاقلانه همان مباحثه و توجه بعقاید و نظرات مختلف و متفاوت است واین مایه مسرت من است که می‌بینم احزاب کنونی ایران بتدریج آن ضعف قدیمی را کنار گذاشته‌اند و بجای آنکه به شخصیت افراد دقت داشته باشند بمرام و روش حزبی توجه دارند .

بعضی از افراد از احزاب ما انتقاد میکنند باین عنوان که این دو حزب از طرف مردم بنیانگذاری نشده واز طرف مقامات عالیه کشور تحمیل‌گشته‌اند ، حتی برخی از بدبینان مدعی هستندکه این احزاب دست نشانده مقام سلطنت ودولت هستند. این اشخاص بانگیزه اصلی تشکیل احزاب درکشوری مانند ایران‌که تازه درمسیرپیشرفت و ترقی افتاده است دقت نکرده‌اند .

درکشور ما باوجود مساعی روز افزونی‌که پدرم در امر تعلیم و تربیت و توسعه فرهنك داشت وپیشرفتهائی‌که دراین امر در دوران سلطنت من بعمل آمده هنوز بسیاری از افراد مردم بیسواد هستند ، بعلاوه هنوز مفهوم دموکراسی پارلمانی و احزاب سیاسی برای ما تازگی

دارد ودر کشوری که سنن ملی در طرز زندگانی وسنخ فکر مردم تأثیر عمیق دارد فکری از این سخیف تر نیست که تصور شود ممکن است احزاب سیاسی ما یکباره از میان مردم وبدست مردم بوجودآیند و به رشد و نمو وکمال برسند . من چون شاه کشور مشروطه هستم دلیلی نمی‌بینم که مشوق تشکیل احزاب نباشم ومانند دیکتاتورها تنها از یك حزب دست نشانده خود پشتیبانی نمایم وچون مظهر وحدت ملی کشور خویش هستم میتوانم بدون اینکه خود را منحصرا بیك حزب یا فرقه‌ای ارتباط دهم دو یا چند حزب را تشویق کنم که درکشور بفعالیت های حزبی بپردازند

اینك باید دید آیا احزاب جدید ایران دست نشانده مقامی هستند یانه فرض کنیم که درایران حزبی بدست رهبرانیکه با مقام سلطنت یا دولت ارتباط دارند تشکیل یافته‌باشد وعده افراد آن بده هزارنفر که به تناسب جمعیت کشور عده کثیری نیست بالغ گردد . این افراد مرامنامه حزب را مطالعه میکنند و بسخنان رهبران‌آن گوش میدهند و تنها از حزبی پشتیبانی میکنند که مرام آن را پسندیده باشند وهرگاه با آن موافقت نداشته باشند میتوانند بطرق مختلف عدم رضایت خویش را اظهارکنند مثلا ممکن است رهبران حزب را وادار کنند که از رویه خویش دست بردارند ویا خود ازحزب کناره‌گیری نمایند ویا از فعالیت حزبی دست‌بردارند ویا رهبران دیگری را انتخاب کنند. هرگاه افراد حزب اراده نمایند میتوانند بدون هیچ مانعی مؤسسین‌اولیه حزب را برکنار ساخته وحزب را طبق منویات خویش مجدداً تشکیل دهند و رهبران دیگری انتخاب نمایند

بعضی اشخاص ساده و خوش باور تصور میکنند که حزب سیاسی که ده‌هزاریا صد هزارنفر عضو داشته باشد ممکن است بدون استعانت رهبران وگردانندگان بصیر یکدفعه بوجود آید ولی این امر در هیچ کشوری سابقه ندارد و با اندك تأملی واضح میگردد که درکشورهای آزاد احزاب را رهبرانیکه عده کثیری طرفدار دارند بوجود می‌آورند. اما لزوم رهبران حزبی با اصل توسعه حزب در اجتماعات کوچك شهرستانها و قصبات مباین نیست و برعکس احزاب سیاسی که در کار خود توفیق یافته‌اند شب وروز کوشش کرده‌اند که درنقاط مختلف کشور

افراد محلی را بطرف مرام خویش جلب‌کنند. اینك در ایران احزاب بزرگ ما بتوسعه تشکیلات خود پرداخته وگذشته از جنبه ملی وعمومی خود در استانها و قراء وقصبات بتشکیل حوزه هااقدام‌کرده‌اند ومایه مباهات است که بگوییم ایمان حزبی بمعنی واقعی آن متدرجاً در تمام کشور ما بوجود آمده و افرادی از زن و مرد با شوق و علاقه‌ای که ویژه پیش‌قدمان است بفعالیت های حزبی که‌از مظاهر دموکراسی‌است همت گماشته‌اند .

در میان افراد تحصیل‌کرده یا بیسواد کسانی یافت میشوند که هنوز معنی واقعی احزاب آزاد را در نیافته‌اند و یا تصور می کنند شخصیت آنها بدرجه‌ای رسیده است‌که باید از فعالیت حزبی برکنار باشند . برخی دیگر یا از نظر ترس یا منفی بافی نمیخواهند درمسائلی که‌با سرنوشت ملت وحیات‌خودشان بستگی دارد دخالتی داشته‌باشند.
با وصف آن مشاهده میکنم‌که عده کثیری از ایرانیان میهن پرست باصول حزبی توجه پیدا کرده‌اند و روز بروز بر فعالیت آنها افزوده میشود واین وظیفه را برای قوام وبقای دموکراسی ضروری تشخیص میدهند

گذشته از تشکیل احزاب برای تثبیت دموکراسی سیاسی درایران اقدامات دیگری نیز بعمل آمده‌است

یکی از دروسی‌که ازحکومت های خوب فراگرفته میشود آنست که قوانین مصوبه تنها وقتی مفید است که‌بمقام اجرا در آید. سابقاً درکشور ما قوانین جامع وسودمندی بتصویب مجلس میرسید ولی در نتیجه عدم اجرا مانند کاغذ باطله‌ای بی‌ارزش میماند وباآنکه رضاشاه برای اصلاح وضع اداری کشور طبق اصول متداول در جهان باختر نهایت سعی و مجاهدت را بعمل آورد ولـی آنطور که باید و شاید دستگاههای کشور تنظیم وترتیب صحیح نیافت وبساط رشوه خواری و فساد ازمیان مامورین‌کشوری ایران کاملابرچیده نگشت

در سال ۱۳۳۶ دولت من مسئله تعیین معاونین اداری ثابت وزارتخانه ها را عملی نمود وظیفه این معاونین کـه با وصف تغییر وزیر در مقام خود باقی میمانند آنست که در وزارتخانه خـود باصلاحات اداری پرداخته واقدامات سابق را دنبال کنند. چندتن از این معاونین دائمی

وکسانیکه از آنها دستیاری میکنند درکشورهای خارج علوم اداری را فراگرفته اند .

معاونین اداری درهرهفته یك جلسه شور وبررسی پیرامون مسائل اداری‌کشور تشکیل میدهند و برای اصلاحات اداری درکلیه نقاط مملکت اتخاذ تصمیم مینمایند .

در ۱۳۳۷ پس‌از دوسال مطالعه دولت ایران طرح جامعی بمنظور ایجاد تشکیلات جدید دولتی نظیر سازمانی‌که دولت هووربرای‌کشورهای متحده آمریکا داده بود بصورت لایحه‌ای بمجلس تقدیم‌کرد ومجلس آنرا در سال ۱۳۳۸ تصویب نمود و بتوشیح من رسید و این قانون تشکیلات اساسی‌اغلب وزارتخانه‌ها ومؤسسات دولتی راتعیین مینماید در همان موقع گروه دیگری از متخصصین مطالعاتی برای اصلاحات اساسی در سازمان برنامه‌که درامور عمرانی واقتصادی مملکت وظیفه مهمی دارد بعمل آوردند وامروز وزارتخانه ها ومؤسسات دولتی ما بطور کلی برطبق اصول جدید وبطرزی‌که در امریکا متداول است تشکیل یافته وبایکدیگر ارتباط واتصال منطقی پیداکرده اند

نقشه‌ما اینست‌که تشکیلات اداری‌کشور رابه تناسب‌نیازمندیهای زمان واطلاعات تازه دائماً اصلاح کنیم باوصف آنچه‌گفته شد شك نیست‌که سازمان ها را هرقدر هم‌طبق اصول علمی تشکیل یافته باشند هرگز نمیتوان بوسیله‌کسانیکه دارای عقاید قدیمی وسنخ فکر کهنه باشند اداره نمود .

ازاین گذشته اگر کارمندان کهنسال تاآخر عمر مصدر مشاغل خود باشند ، جوانان دیگر مجال خدمتگزاری و ابراز لیاقت پیدا نخواهندکرد و این وضع درسال های اخیر در دستگاههای دولتی ما پیش آمده بود ازهمین جهت درسال ۱۳۳۷ تصمیم‌گرفتیم‌که عموم کارمندانی‌که سنشان بشصت رسیده ویا سی‌سال سابقه خدمت دارند (باستثنای وزراء ـ سفراءکبار ـ معاونین وزارتخانه‌ها) بازنشسته شوند وبدین ترتیب هزاران نفرازکارمندان‌دولت بادریافت حقوق بازنشستگی که کمی هم از حقوق دوران اشتغالشان بیشتر است از خدمت خارج شده اند عده زیادی از این بازنشستگان در دستگاههای عمرانی و صنعتی خصوصی بکار مشغول شده اند وجای خودرا در دستگاه دولت

بجوانانی داده اند که در ایران یاکشور های دیگر تحصیلات عالیه کرده‌اند

یکی دیگر از اقداماتیکه بنظر من بسیار مفید بوده است مسئله دادن آزادی عمل وواگذاری امور به‌استانها وشهرستانهاست زیرا اگر مردم استانها یاشهرستانهاناگزیر باشند درتمام‌مسائل موردابتلای‌خویش بطریق سلسله مراتب به تهران رجوع کنند موجب‌دوضرر بزرگ میشود اول آنکه جریان امور بسیارکند میگردد ودوم آنکه روحیه مردم‌که می‌بینند برای قطع وفصل امور مربوط بخویش آزادی ندارند بسیار ضعیف میشود بدینجهت بمأموران محلی اختیار زیادتری داده ایم و انجمنهای شهر را تشویق‌کرده ایم‌که در مسائل مربوط بمدارس و بیمارستانها ودارالایتام وسایر اموعام‌المنفعه وکارهای مربوط‌بشهرداری نظارت مستقیم داشته باشند

انجمن شهرداریهای ایران در این‌باره خدمت بزرگی انجام داده است چنانکه شهرداری اصفهان رابعنوان نخستین انجمن نمونه انتخاب کرده ودر باره اداره امور شهر نظریات مفیدی را درآنجا بمقام عمل درآورده است همچنین برای اتخاذ رویه های جدید ومعمول جهان متمدن و تلفیق آنها با مقتضیات‌کشور بتحقیق و بررسی و مطالعه پرداخته است وچندین مجمع سخنرانی محلی وملی تشکیل داده است تامأمورین شهرداری را بروشهای جدید آشنا سازد موجب دیگر نیز برای دادن اختیارات بشهرستانها موجود است و آن این‌که در تمام دموکراسی های بزرگ جهان تجربه نشان داده است‌که احزاب سیاسی قدرت حقیقی خودرا از اجتماعات‌کوچک محلی شهرستانها بدست میاورند زیرا در این نقاط میتوان افراد را برای خدمات اجتماعی و ملی تربیت کرد و حوزه های محلی توانائی آنرا دارندکه حزب را به تمایلات ملی وعمومی مردم آشنا سازند وبهمین جهت بدون مبالغه میتوان‌گفت‌که بهترین طریقه ایجاد احزاب سیاسی در ایران‌که هدفی جز تعالی و ترقی‌کشور نداشته باشند آنست‌که مردم در نقاط‌کوچکتر برای خدمات عمومی تربیت شوند ودراین خدمت پیشقدم‌گردند

چنانکه‌گفته شد ما ناگزیر بوده‌ایم قبل ازآنکه مردم حوزه های کوچکترکشور برای این وظیفه اجتماعی‌کاملا مستعد شده باشند اقدام

بتأسیس احزاب کنم ولی شك نیست که این احزاب از پشتیبانی مردمیکه در شهرستانها واجتماعات کوچکترکشوری زندگی میکنند کسب نیرو خواهندکرد وبدستیاری آنها از آرمان های مردم آگاهی یافته و خدمات اجتماعی را طبق آمال عمومی دنبال خواهند نمود

گذشته از مسئله فوق برای اینکه کارها در تهران تمرکز پیدا نکند طریقه دیگری هم هست که مورد علاقهٔ من بوده است . چون برای انجام وتکمیل طرحهای عمرانی کشور عجله داشته‌ایم وظایف بسیار زیادی رابسازمان برنامه محول کرده‌ایم. وبعضی کارها راازوزارت خانه‌ها که میتوانسته اند آنرا بهمان خوبی یابهتر انجام دهندگرفته و باین سازمان واگذارکرده‌ایم. بعلاوه درمسئله حقوقی که بکارمندان سازمان پرداخته میشود به‌تناسب حقوق مأمورین وزارت خانه ها تبعیضی بوجود آمده است باآنکه خدماتیکه بسازمان برنامه محول بودخوب انجام گرفته است در آینده قسمت عمده وظایف فعلی در سازمان برنامه تمرکز نخواهد یافت و اجرای طرحهای عمرانی وبهره برداری از دستگاههای تولیدی دولت متدرجاً بعهده وزارت خانه های مربوط ومؤسسات دولتی دیگر واگذار خواهد گردید

برای جلوگیری از فساد ونادرستی در دستگاههای دولتی از دو سال پیش اقدامات شدیدی بعمل آمده است ودو قانون باین منظور از تصویب مجلسین گذشته وبموقع اجرا درآمده است . یکی قانون مربوط بمنع مداخله کلیه حقوق بگیران دولت ومتصدیان کارخانه‌ها ومؤسساتی که سرمایه آنها متعلق بدولت یاسودآن بدولت میرسد درمعاملات دولتی است . قانون مزبور نمایندگان مجلسین را نیز از معامله ومقاطعه کاری در امور دولتی ممنوع ساخته وهرچند در آن اشاره ای بافراد خاندان سلطنتی نشده است من مخصوصاً بطور جداگانه اعلام نموده ام که مفاد این قانون شامل آنها نیز خواهد بود . متخلفین از مقررات قانون منع مداخله به دو تا چهار سال حبس مجرد محکوم خواهند شد

قانون دوم یاقانون « ازکجا آوردی » مقرر داشته است که کلیه حقوق بگیران واعضای دولت وسایر متصدیان کارخانه‌های دولتی ونظائر آنها باید شرح سرمایه منقول ودرآمد خود را مشروحاً اعلام نمایند واگر سال بسال تغییرات مشکوکی درسرمایه ودرآمد آنها پیدا

شود مورد بررسی قرار خواهد گرفت . هر کارمندی ازدادن این اطلاعات خودداری نماید ویا برخلاف واقع اطلاعاتی بدهد بانفصال ابد از خدمات دولت محکوم ودرآمد وسرمایه اعلام نشده ومخفی او بنفع دولت ضبط خواهد شد

یکی دیگر از اقدامات اساسی وقابل توجهی که درسال گذشته دردربار من انجام گرفت تشکیل سازمان بازرسی شاهنشاهی بود

همانطور که در فصل اول اشاره کردم من از جوانی یعنی از همان هنگام که درسویس تحصیل میکردم باین فکر بودم که در موقع قبول مسئولیت سلطنت رسیدگی ورفع شکایات مردم عادی کشور را وجهه همت خویش قراردهم . قبل ازتشکیل سازمان بازرسی کلیهٔ شکایاتی را که بدفتر مخصوص میرسید شخصاً مطالعه کرده وبمسئولین امر دستور رسیدگی میدادم ولی بعداً متوجه شدم که این روش نقائصی دارد

مثلا اگر کشاورزی از بد رفتاری ژاندارم محل شکایت میکرد طبعاً ممکن بود بوزارت کشور دستور رسیدگی ورفع تعدی ومجازات ژاندارمی که ازقدرت خود سوء استفاده کرده صادر شود . وزیر کشور نیز بقصد رسیدگی وروشن ساختن قضیه مراتب راازفرمانده ژاندارمری محل استفسار مینمود فرمانده مزبور نخستین کاری که طبعاً میکرد این بود که از خود ومأمور زیر دست خویش دفاع نماید وحقیقت مکتوم میماند گاهی نیز کشاورز شاکی ممکن بود از طرف ژاندام محل بعلت تقدیم چنین شکایتی مورد آزار وتهدید قرار گیرد

باآنکه سازمان ژاندارمری یاسایر مؤسسات دولتی پای بندانضباط واطاعت از مقررات هستند ولی بتجربه دریافتم که باید سازمان مستقلی برای بازرسی تشکیل گردد وازهمین جهت در سال گذشته بتأسیس سازمان بازرسی شاهنشاهی اقدام نمودم .

اعضای این سازمان بتمام نقاط کشور مسافرت میکنند وآزادانه و بدون هیچگونه ترس یا شائبه طرفداری و تبعیت از مقررات اداری شکایات مردم رسیدگی میکنند مردم نیز باکمال اطمینان خاطر و بدون هیچگونه پروائی شکایات یاتقاضاهای خودرابوسیله این مأمورین ودر حقیقت مستقیماً باطلاع من میرسانند

دراینجا لازم است ازیکی دیگر از تغییرات عمده ای که در طرز

کار دستگاههای دولتی بوجود آمده ودر وضع اجتماعی مردم‌کشور در هرگوشه‌وکنار تاثیر داشته است ذکری برود. تا چندی پیش درایران مانند بسیاری ازکشور های دیگر جهان مردم عادی یعنی پیشه‌وران و دهقانان دولت را فقط بوسیله مامورین وصول مالیات ویا افراد شهربانی وارتش میشناختند . درسالهای پیشین چنانکه گفته شد مأمور مالیات معمولا هرچه میتوانست ازکاسب و زارع بجبر وعنف دریافت میکرد مأمورین ژاندارمری ونظامیان نیزباخاذی ودریافت پول ومحصول کشاورز عادت داشتند وبااین ترتیب اگر دهقانان مأمورین دولت را بچشم بغض وکینه مینگریستند جای شگفتی نبود .

دراین اواخر بدلائلی که بسیار واضح است نظر مردم نسبت بمأمورین دولت تغییرکرده است امروز دستگاه دولت در دهکده‌ای که محل سکنای کشاورز است مدرسه میسازد وفرزند ویرا برایگان تربیت وتعلیم میدهد ، مسکن ویرا برای جلوگیری از بیماری مالاریا سمپاشی میکند ، برای وی‌چاه عمیق حفرمینمایدکه ازآب پاك وناآلوده برای شرب استفاده کند ، درمانگاه رایگانی تأسیس‌میکندکه خود و افراد خانواده اش‌درهنگام بیماری بدان مراجعه نمایند ونماینده دولت در مزارع در جلو چشم مردم روستا فوائد بذر های تازه وطرز نوین کشاورزی رانمایش میدهد این اقدامات امروز در تمام نقاط کشور انجام میگیرد ودهقان عادی خواه و ناخواه استنباط میکندکه بین دولت ومردم روابط تازه وبیسابقه ای بوجود آمده است . خدمتگزاران دولت نیز در روابط جدید خود بامردم مفهوم دموکراسی رادرك کرده وبوظیفه‌ای‌که نسبت بمردم دارند آشنا گشته اند.

آوردن جوانان بخدمت دولت و تربیت نسل آینده بر طبق اصولی‌که درفصل سابق بدان اشاره رفت پیشرفت دموکراسی راتسریع میکند .

من شخصاً امیدوارم‌که روابط تازه‌ای‌که‌بربنیان دموکراسی‌میان مردم‌وکارمندان دولت برقرارگردیده است راه‌رابرای تکامل دموکراسی وپارلمانی صاف وهموار خواهد ساخت . دموکراسی سیاسی را نمیتوان بهمان‌کیفیت‌که یخچال برقی را بکار میاندازند و هروقت بخواهند آنرا روشن یاخاموش میکنند در جامعه مورد عمل قرار داد وبرای‌آنکه این

نحو حکومت بشکل مؤثری صورت اجرا پیدا کند بصیرت وهوشیاری بسیار لازم است . رای دهندگان در هنگام انتخابات عمومی باید از شایستگی داوطلبان نمایندگی واموری‌که باید درمجلسین مورد شورو مداقه قرار گیرد آگاهی داشته باشند و نبوغ فکری و رشد معنوی و سجیهٔ مدار او مماشات نمودار های این شایستگی است.

ثروتمندان کشور باید با همان یك رای که قانون برای آنها ومردم بینوا بطور تساوی مقرر داشته قناعت کنند و حزبی‌که در انتخابات اکثریت آراء را بدست نمی آورد و حتی با چند رای معدود شکست میخورد باید صبر را پیشه ساخته منتظر فرصت دیگر باشد وتا رسیدن آن فرصت بانتقاد عاقلانه از دولت اکثریت بپردازد و تحت عنوان انتقاد بمنفی بافی واضرار جامعه اقدام نکند . امانت و درستی ازشرایط مهم خدمتگزاران دموکراسی است وهمه کس از آنها که واردسیاست هستند تاکارمندان دولت باید برنفس خویش غالب‌آمده بفریب دادن‌مردم یا گمراه ساختن آنها نپردازند . در یك چنین حکومتی باید از مراقبت ومواظبت دائم دریغ نورزیده وهرگونه غفلت سیاسی یا اداری یادوروئی ومسامحه را بدون ترس مجازات کرد.

از این گذشته دموکراسی سیاسی باید بمثابه ماموریتی باشد که عموم افرادآنرا برعهده شناسند وآن وظیفه وماموریت مثبت را نیروی فعاله وزنده ملت باید بمرحله اجرا درآورد .

نمیگویم ایجاد یك چنین دموکراسی سیاسی کار آسانی است . تنها نکته‌ای که نسبت به‌آن تاکید میکنم این است که در نظر ما ایرانیان آن حقیقتی که دردموکراسی سیاسی واقعی موجود است آنقدر پرارزش است‌که هرچه برای تحصیل آن صرف‌کنیم سزاوار خواهد بود

اینك باید بمسئله دموکراسی اقتصادی عطف توجه نمود بنظر من کشور ما درمورد دموکراسی اقتصادی نیز مانند دموکراسی سیاسی خط مشی مخصوصی که درخاورمیانه تازگی‌دارد اختیار کرده است بحث درباره این خط مشی برای تفاخر وخودنمائی نیست بلکه بیان عملیاتی است‌که پیش چشم علاقه‌مندان واقعی قرار گرفته است و چیزی برای من مسرت بخش تر ازآن نیست‌که رویه‌ای که ما برای پیشرفت کشور خود اختیار کرده‌ایم با روشی‌که سایر کشورهای واقع

دراین بخش‌گیتی پیش‌گرفته‌اند مورد مقایسه قرارگیرد.

در فصول قبل از برنامه کلی توسعه اقتصادی‌کشور بطور اجمال سخن رفته است ودر این مقال بشرح ارتباط بین توسعه اقتصادی و دموکراسی میپردازم

چنانکه همه میدانند در جهان امروز کشور آمریکا بیش از هر کشور دیگر چه از نظر مجموع و چه از نظر میزان سرانه‌تولید به‌نسبت جمعیت کشور ، کالا و خدمات اقتصادی تولید میکند. بنظر من اهمیت قضیه درکمیت و مقداری‌که مردم زحمتکش آن کشور بوجود می‌آورند نیست بلکه روش وکیفیتی که این محصول بر اساس دموکراسی توزیع میشود سزاوار دقت واهمیت است . یکی از مناظری‌که درهنگام بازدید کارخانه های بزرك آمریکا جلب توجه میکند اتومبیل هائی است که متجاوز از چندین‌صد و حتی چند هزار در اطراف وحوالی کارخانه توقف‌کرده‌اند و بیشتر این اتومبیل‌ها متعلق به‌کارگران عادی است که خودشان راننده آن هستند . اکثریت اعظم این کارگران غذای خوب وکافی میخورند و لباس مناسب میپوشند ودر خانه های تازه ساخت زندگی میکنند که با آخرین لوازم زندگی که وسیله صرفه جوئی در وقت وتامین آسایش افراد خانواده است مجهز است .

البته در آمریکا نیز طبعاً کسانی یافت میشوند که ثروت آنها از دیگران بیشتر است ولی حجم تولید دراین کشور بحدی زیاد است‌که تقریباً همه‌کس میتواند احتیاج خودرا مرتفع ساخته و مقداری هم صرفه جوئی داشته باشد . بعبارت دیگر میزان تولید درآمریکا آنقدر زیاد است که بی آنکه در داخل کشور مضیقه‌ای ایجاد شود دولت برنامه کمك های خارجی خودرا در تمام نقاط جهان بموقع اجرا گذاشته است .

اما راز موفقیت آمریکا درمسئله دموکراسی اقتصادی تنها در سرمایه‌داری محض نیست. ازرمان جنك های داخلی که بین‌سال های ۱۸۶۱ و ۱۸۵۶ درآن کشور رخ داد کشور آمریکا تدریجاً رویه معمولی کشورهای سرمایه‌دار را ترك کرده ودر پایان جنك اول جهانی بکلی آن روش را بکنار نهاده است امروز درآن‌کشور هزاران مؤسسه صنعتی وبازرگانی خصوصی وصد هزاران مزرعه شخصی وجود دارد

ولی روش اقتصادی آمریکا مخلوطی ازروش سرمایه‌داری وسوسیالیستی است باین کیفیت که دولت باین مؤسسات خصوصی بوسیله اعطای وام وراهنمائی های فنی وخدمات دیگر کمك میکند وآنها را بنفع عموم مردم‌کشور تقویت مینماید وراساً نیز مؤسسات مختلفی را ازبیمارستان وکارخانه های برق ومهمات سازی وبنگاه های معظم نشرکتب اداره میکند و آنچه دراین مورد اهمیت دارد آنست‌که تمام این محصولات وخدمات درسراسر کشور بین مردم توزیع میگردد

درکشور ایران نیز دولت امور مربوط بصنایع و بازرگانی را بنفع مردم تنظیم واداره میکنند . مثلا بموجب قوانین موضوعه شرائط‌کار در کارخانه ها را معین ودر بعضی موارد نرخ اجناس را نیز تعیین وتثبیت کرده‌ایم ومثلا دولت حداکثر قیمت خرده فروشی‌گوشت و نان را همیشه معلوم ومعین کرده است . همچنین درسال گذشته قیمت خرده فروشی دارو درتمام کشور بنفع مردم تقلیل داده شد و بمیزانی که حتی از قیمت خرده فروشی آن درکشور تولید کننده کمتر است‌تثبیت گردید

صرفنظر از تنظیم و نظارت درامور صنعتی و بازرگانی خصوصی درمواردی‌که منافع ملی ایجاب کند دولت راساً به فعالیت های صنعتی وبازرگانی اقدام میکند ودرعین حال برای صاحبان صنایع وبازرگانان وکشاورزان مجال موسعی فراهم ساخته است بعقیده من توفیق دموکراسی اقتصادی درکشور ایران منوط بوجود افرادی است‌که‌مستقلا بامور صنعتی و بازرگانی بپردازند.

چنانکه درفصل بعد ذکر خواهد شد مهمتر از امر صنعت وبازرگانی مسئله کشاورزی است‌که باید عده کثیری بکار های فلاحتی مشغول باشند . ما میل نداریم که درایران چنانکه در بعضی ازکشور ها مانند چین کمونیست متداول است میلیونها نفر از افراد دهقان و کشاورز بطور دستوری و تحت‌الامری زندگی کنند وحق نداشته باشندکه حیات خصوصی و خانوادگی آنها نیز بخودشان متعلق باشد در مسئله کشاورزی مفهوم دموکراسی اقتصادی این است‌که فلاحت برای خدمت بافراد آزاد اجتماع تحت تنظیم وتربیت درآید . هرچند درامردموکراسی اقتصادی ، کشور ایران بمرحله کمال نرسیده است ولی ما بطرف

این کمال پیش میرویم و مانند بعضی از کشور های دیگر بهدف خویش چندان فاصله وبعدمسافت نداریم .
با توجه به‌آنچه ذکر شد نظرمن درپیشرفت های اقتصادی متکی بردو اصل کلی است :
اصل اول آنستکه باید درکشور رفاه و آسایش اقتصادی روز افزونی بوجود آید ومردم کشور من از آن رفاه ونعم کاملا برخوردار گردند
اصل دوم آنستکه اقتصاد کشور طوری تحت تنظیم و ترتیب درآید که حقوق کارگران و کشاورزان و مدیران کارخانه و مهندسین و متخصصین و کلیه افرادی که بامرتولید اشتغال دارند محفوظ باشد.
من نمیتوانم اجتماعی را تحمل‌کنم که افراد آن درجهل و بیسوادی امرار معاش کنند و قدرت تولیدشان کم باشد ودراین جهان که همه کس برای ترقی و پیشرفت در تلاش است از خود جنبش وکوشش نشان ندهند
درنظر من ازاین وضع غیرقابل تحمل تر وضع آن اجتماعی است که قدرت تولید دارد ولی درزیر فشار وتعدی بکار مشغول است و میدانم‌که اکثریت قریب باتفاق ملت من دراین عقیده بامن موافقند عزم راسخ ما ایرانیان این استکه اقتصاد کشور را توسعه دهیم ولی چون استقلال فردی از سنن دیرین ماست آن توسعه اقتصادی راکه در اثر فشار و تعدی وفداشدن آزادی واستقلال فردی بوجودآید هرگز نخواهیم پذیرفت
اینك باید دید بچه کیفیت میتوان دموکراسی اقتصادی منظور را باسرعت درکشور مستقر ساخت. قدم اول برای حصول این منظور تهیه نقشه وبرنامه است زیرا در دنیای کنونی اقتصادکشورجز با تهیه طرحهای جامع واساسی پیشرفت سریع نخواهدکرد. تاریخ گیتی حاوی شواهد غم‌انگیز ازکشورهائی استکه کارخانه‌های عظیمی برپاکرده‌اند بدون آنکه نیروهای مولد ومواد خام وانشاء طرق و راه آهن را برای رساندن مواد خام وحمل محصول کارخانه ها مورد توجه قرار دهند همینطور ممکن است درعوض تولید اجناسی‌که مورد تقاضای عمده

است کالائی تولید کنند که بازار آن محدود باشد ویا سرمایه‌ای هنگفت برای تاسیس کارخانه‌ای شکیل ومجهز به آخرین وسایل صرف نمایند وبرای گردانیدن آن مدیر و متخصص نداشته باشند . چنانکه کشوری را میشناسم که متجاوز از یك میلیون دلار صرف خرید ماشین های حفاری کرد ولی خرید لوازم یدکی آن ماشین ها را درنظر نیاورده بود

گاهی از من سئوال میشودکه چگونه میتوان نیروی ابتکاری فردی را بابرنامه های وسیع اقتصاد ملی تطبیق نمود . خوشبختانه پاسخ باین سئوال دشوار نیست زیرا فرض‌کنیم مثلا یك شرکت خصوصی‌بخواهد کارخانه بافتن ابریشم طبیعی در ایران ایجاد وهزینه‌آنرا نیز شخصاً تقبل‌کند البته دولت هیچگونه مخالفتی با چنین طرحی نخواهد کرد ولی اگر صاحب کارخانه از دولت نیز تقاضای کمك مالی داشته باشد انوقت چون ثابت شده است که ابریشم مصنوعی بازار ابریشم طبیعی را کساد کرده و امروز پارچـه های ابـریشمی طبیعی از کالا هـای تجملی بشمار می آید و کشور ایران به صنایع دیگری مانند قند سازی ونظائرآن احتیاج مبرم دارد بتقاضای وی برای‌کمك جواب مساعد داده نخواهد شد ویك چنین‌کمکی را بکارخانه هائی میکنیم‌که محصولاتشان برای مردم کشور مورد نیاز اولین درجه است. باین کیفیت مافعالیتهای خصوصی را باموری هدایت میکنیم که ثمر آن هم بکشور وهم بخود آنها عاید گردد

درباره برنامه هفت ساله اول و علل عدم موفقیت آن از جهات سیاسی و آغاز برنامه هفت ساله دوم‌که بیشتر با موفقیت توام بـود اشاره کرده‌ام بیشتر طرحهائیکه در فصل پیش ذکری از آنها رفت نتیجه اجرای این برنامه هفت ساله دوم است ولی باآنکه کارهای بسیار صورت انجام یافته است ولی من هنوز چنانکه باید راضی وخرسند نیستم زیراکه هرچه روش‌کاررا بیشتر اصلاح کنیم اقدامات دامنه‌دارتری را درمدتي کمتر باتمام توانیم رساند.

برای تعهد این مهم ایجاد یك دستگاه مجهز بمنظور تهیه طرحهای اقتصادی و تلفیق آنها بایکدیگر ضرورت داشت وازهمین جهت‌شورای عالی اقتصاد را برای این خدمات تاسیس نمودم . این شورا که ریاست

آن با نخست وزیر است به عضویت عده‌ای از وزیرانی‌که کارشان با توسعه اقتصادی کشور ارتباط دارد و مدیر عامل سازمان برنامه ومدیر کل بانك ملی ایران تشکیل یافته است. سازمان اداری این شورا تحت ریاست دبیرکل شورا که درسال ۱۳۳۷ بمقام قائم‌مقامی نخست وزیر ارتقاء یافت انجام وظیفه میکند . جلسات شورا اغلب درحضور من تشکیل میگردد و طرحهای توسعه اقتصادی را بررسی نموده واجرای آنرا بوزارتخانه ومؤسسات مختلف مملکتی به تناسب نوع طرحها واگذار ودر حسن اجرای آنها نظارت مینماید.

شورای عالی اقتصاد در تسریع اجرای برنامه های توسعه وارتباط وهم آهنگی طرحها با یکدیگر خدمات سودمندی انجام داده است بموازات این اقدام درسال گذشته نیز باکمك متخصصین خارجی یك دفتر اقتصادی در سازمان برنامه تاسیس گردید این دفتر که از متخصصین ایرانی و خارجی تشکیل یافته و مشغول یك سلسله‌مطالعات اقتصادی برای حسن اجرای برنامه هفت ساله دوم است وظیفه مهمتر دیگری نیز دارد وآن تهیه طرح برنامهٔ هفت ساله سوم ماست. ناگفته نباید گذاشت‌که هرچند برنامه هفت ساله دوم یعنی برنامه فعلی ما محسنات بسیار دارد ولی درنظر دارم که دریك مورد اساسی در آن اصلاح بعمل آورم وآن مسئله موعد انجام طرحهاست . درقانون برنامه هفت ساله دوم مانند برنامه اول طرحهای وسیع وکلی کشاورزی‌وکارهای مربوط به‌آن و وسایل نقلیه و مواصلات و صنایع و معادن تعیین شده و مقرر گشته است که درظرف هفت سال در حدود معینی مبالغی صرف انجام آنها گردد ولی درهیچیك ازاین دوقانون مدت قطعی برای تکمیل واجرای هرطرح معلوم ومصرح نگشته است

عدم تعیین مدت قطعی در نخستین مرحله اجرای برنامه توسعه تا حدی قابل اغماض بود ولی اکنون که کارها بجریان افتاده و بسرعت دنبال میشود بنظر من بسه دلیل باید برای اتمام کارهای برنامه هفت ساله دوم و برنامه های آینده وقت قطعی تعیین شود.

اولا در ذهن مردمی‌که با روش دموکراسی خوگرفته‌اند ملاحظه و مشاهده مدارك روشن از قبیل عکس سدها ولوکوموتیوهای دیزلی مؤثرتر ازمطالعهٔ کلیات وگزارشهای مربوط باامورمالی و هزینه است.

ثانیاً اگر بیك شخص عادی هوشمند بطور مبهم گفته شود که در نظر است برای امور عمرانی وجوهی تخصیص یابد مطلب چندان قابل توجه واقع نمیشود ولی وقتی بوی بگویند طرح معینی چگونه اجرا میشود وچه وقت باتمام خواهد رسید در ذهن وی تاثیر خواهد کرد زیرا بتصور وی وجوه عمومی ممکن است تفریط شود و بخشی از آن بجیب اشخاص برود ویا بکار هائی‌که درآن مطالعه کافی نشده صرف گردد ویا برای اموری اختصاص یابد که درآینده دور ونامعلوم باتمام خواهد رسید ویا هرگز صورت واقعیت پیدا نخواهد کرد . مرد هوشیار همواره درپی آنستکه بداند سرمایه‌ای‌که دارد بچه مصرفی خواهد رسید وچه وقت از آنچه خریداری شده بهره برداری خواهد کرد.

دلیل سوم که ازهمه مهمتر است آنست‌که تعیین وقت قطعی برای انجام طرحهای اقتصادی ، مردم را به پشتیبانی وکمك باجرای برنامه های عمرانی کشور تشویق وتحریص خواهد نمود.

مسئله توجه بوقت از نکات برجسته سنن‌ملی ما نبوده است ولی درانجام برنامه های اقتصادی واجتماعی که برای ما ضرورت حیاتی دارد وقت شناسی حائزکمال اهمیت است

من آرزومند دیدن آن روزی هستم‌که احزاب سیاسی و مؤسسات دولتی وتمام دستگاههای فرهنگی وافراد ملت همه توجه کامل خویش را به پیشرفت کشور معطوف دارند . احزاب سیاسی در نطق هائی‌که درمجامع حزبی ایراد میکنند این خدمت بزرك عمومی را همواره بافراد خود گوشزد کنند وکارمندان و خدمتگزاران دولت برای اینکه کاری راکه به‌آنها محول است درکوتاه ترین مدت انجام دهند بایکدیگر مسابقه دهند ودانش آموزان و دانشجویان وحتی کودکان نوآموز ازطرح هائی‌که دردست اقدام داریم ودرفصل پیش به‌آنها اشاره کرده‌ایم آگاه شوند وراه خدمتگزاری بکشور وپیشرفت آنراکه در حقیقت بسود آنهاست بیاموزند ومردم کشور ما بدانندکه هریك دراین تجدید بنای اقتصادی کشور وظیفه مهمی دارند ودر هررشته وحرفه‌ای که هستند ازادای سهم خود دراین راه دریغ نورزند.

اگر این آرزوها ظاهراً خیالی جلوه میکند باید بخاطر داشت که مردم ما بیش از سال های گذشته برای توسعه وپیشرفت بشوق افتاده

وبه‌آینده کشور ایمان پیدا کرده‌اند وتوجه ما بعامل زمان نیز عمیق تر و جدی‌تر گشته است .

گرچه هنوز در اجرای پاره‌ای از طرحهای عمرانی آن سرعتی‌که انتظار میرود مشهود نیست ولی درسایر طرح ها سرعت انجام کار موجب اعجاب متخصصین اقتصادی ومهندسین کشورهای غربی شده است امروز درتهران ممکن است در ظرف یکشب خیابانی اسفالت شود وساختمان یکی از بزرگترین پرورشگاههای ماکه گنجایش‌تربیت دوهزارکودك وعده‌کافی مربی وپرستار دارد درمدتی کمتر از یازده ماه پس از طرح نقشه اولیه خاتمه یابد ورسماً افتتاح‌گردد در پایتخت ایران که جمعیت آن در مدتی‌کمتر ازپانزده سال ازنیم میلیون بیك میلیون ونیم بالغ شده است بایدکار ها را بسرعت انجام داد وما نیز چنین‌کرده‌ایم وخوشبختانه این سرعت وفعالیت در تمام شهرستانهای ما نیز معمول و محسوس است

دربعضی ازکشوزهای اشتراکی سعی دارند مردم را بازدیاد میزان تولید تشویق نمایند. ولی بنظرمن درکشورهای دموکراسی میتوان‌بنحو دیگری درامر اقتصادی توفیق حاصل کرد و من‌مایلم که در محیط دموکراسی هدفهائی دشواربرای خود معین کنیم وپیش از موعد مقرر بآنها برسیم. من میخواهم بوسیله سخنرانیهای مفید وارائه فیلمها و برنامه های‌تلویزیونی ورادیووسایر وسایل‌تبلیغ روح‌کوشش ومجاهدت را درمردم دمیده وآنها را برای پیشرفتهای اقتصادی‌که بدست خود آنها وبرای خود آنها باید انجام گیرد مجهزنمائیم. من میخواهم‌نسبت بطبقه جوان‌که مایه افتخار وامید ما هستند توجه خاصی مبذول‌گردد واز میهن پرستی ونیروی خداداد وحس رقابتی‌که در آنها موجود است وعلاقه‌ای که بهمکاری ومعاضدت یکدیگربرای‌نیل بآمال و آرزوهای مشترك دارند استمدادکنیم تا بدان وسیله برای میهن خویش فرزندان لایقی بشوند وکشور خود را برای زندگی‌آبرومندانه سرزمینی مرفه و پربرکت بسازند وپیشرفت اقتصادی‌وتحول دموکراسی بموازات یکدیگر درکشور ما پیش برود و دموکراسی اقتصادی بصورت کمال خود مرزو بوم ما را فراگیرد

مسئله دیگری هم دردموکراسی اقتصادی باید موردتوجه قرارگیرد

و بنظر من ملت ایران بآن درجه از رشد فکری رسیده است که آنرا پذیرا باشد وآن مسئله تشکیل اتحادیه اصناف آزاد است که درکشور های اشتراکی کسی ازکنه آن آگاهی ندارد . اعتقاد راسخ من این است که اینگونه اتحادیه ها ازعوامل مهم دموکراسی ودر دنیای کنونی ضامن ایجاد دموکراسی اقتصادی در صنایع است

دراثنای جنك بین‌الملل دوم وبعد ازآن درکشور ایران اتحادیه کارگری مانندقارچ درهمه‌جاوهرگوشه‌وکناری سبز شدند. ولی‌بچندین جهت نتیجه نامطلوبی داشتند زیرا همانطورکه قبلا نیز اشاره کردم اغلب آنها تحت تأثیر ونفوذ حزب توده واقع شدند وازطرف دیگر کارفرمایان ایرانی‌غالباً نسبت‌بروح‌دموکراسی واتحادیه‌کارگران رفتاری مرتجعانه درپیش‌گرفتند وگاهی ازروی عمد وزمانی ازروی بی‌اطلاعی رویه‌های شدیدی‌راکه‌بضدیت‌بااتحادیه‌های‌کارگری درانگلستان‌وامریکا درایامی معمول بودکه هنوز این اتحادیه ها صورت قانونی ورسمی‌پیدا نکرده بودند اتخاذکردند وبجای آنکه بتقاضای‌کارگران برای‌افزایش مزدیا بهبود وضع زندگانی‌با دیده شفقت ومساعدت بنگرند عده‌ای از اوباش را درکارخانه های خود استخدام میکردند تا بارعاب کارگران بپردازند. این‌مردم ازکارگران زحمت‌کش‌مزد بیشتردریافت میکردند روجوهی که باید صرف انجام تقاضاهای مشروع‌کارگران بشود باینگونه مردم موذی وخطرناك پرداخت میگردید .

در آن ایام اتحادیه‌های‌کارگرها به‌احزاب سیاسی ما شبیه بودندکه بجای توجه بمرام ومقاصد عمومی توجهشان باشخاص بودوگاهی یکی‌از سران اتحادیه‌ای موقتاً مورد محبوبیت‌کارگران قرارمیگرفت واتحادیه‌ای که اوبرآن ریاست داشت رونق مخصوص پیدا میکرد وهمه بدور او جمع میشدند. چندی بعدکه ازقدرت اوکاسته میشد یافوق‌العاده‌نیرومند میگردید ویاکارگران ازطرزکار اوکه بدون هیچگونه هدف ونقشه بود خسته میشدند ازدور اوپراکنده گشته وگردشخصی دیگرکه درنداشتن هدف وعدم توجه برفع دشواری کارگران با شخص اول هیچ تفاوتی نداشت جمع میشدند وپرواضح بودکه تشکیل اتحادیه‌های درست‌که بمسئولیت خویش آشنا باشند با این‌کیفیت غیر ممکن بود .

شرط عقل آنست‌که اتحادیه های‌کارگری ازاحزاب سیاسی برکنار

و هدف اصلی آنها این باشد که اوضاع اقتصادی اعضاء خود را بهبود بخشند وامورکلی ودامنه‌دار سیاسی را باحزاب واگذارکنند ، زیرا چون ممکن است‌که عده‌ای از افراد اتحادیه‌ای طرفدار یك حزب و عده‌ای پشتیبان حزب دیگر باشند طبعاً در اتحادیه اختلافاتی بروز خواهد کرد وبستگیهای حزبی مایه تضعیف‌آنها خواهدگردید

اما ازطرف دیگر بین اتحادیه های کارگری واحزاب سیاسی از نظر اداره امور داخلی مشخصات مشترکی وجود دارد هر دو باید برنامه های مشخص ومعینی راکه همه اعضاء از جزئیات آن آگاهی داشته باشند دنبال‌کنند. هردوباید رهبران قابل اطمینان وشایسته‌ای داشته باشندکه انتخاب آنها مطابق اصول دموکراسی آزادانه از طرف اعضاء بعمل آمده وبمسئولیت‌هائی‌که رویه دموکراسی بآنها محول ساخته است آشنا باشند

درسال گذشته کارگران اسکله یکی ازبنادر جنوب اعتصاب‌کرده وتقاضای مزد بیشتری نمودند ولی در ضمن مدت اعتصاب برای‌اینکه میهن پرستی خویش را به‌ثبوت برسانند مقداری از محصولات‌کشتیها را که شامل مهمات نظامی بود برایگان پیاده کردند وبرای من مایه مسرت بودکه دیدم دراثر اقدام دسته جمعی مزدآنهاکه خیلی نازل بود افزایش یافت

اتحادیه های کارگری در ایران هنوز مراحل ابتدائی را میگذرانند ولی همین اقدامیکه‌بآن اشاره شدنمونه مطلوبی ازطرزعمل این‌اتحادیه‌ها تواند بود

اما در مسئله دموکراسی اجتماعی باید ناگفته نگذارم‌که پس از پایان تحصیلات که از سویس بایران بازگشتم وضع اسفانگیز مردم بینوای کشور توجه مرا بشدت جلب‌کرد ودیدم باوصف پیشرفت های وسیعی که در نتیجه مساعی پدرم بوجود آمده ، باز در کشور ایران عده‌ای ازگرسنگی میمیرند وعده‌ای محل‌سکنا ندارند وتقریباً عریان زندگی میکنند این مناظر دلخراش روح مرا شکنجه میداد ودر دل من تأثیری عمیق میکرد و هر چند در دوره تحصیلات خود در دانشکده افسری امور مربوط برفاه عمومی جزو کارهای من نبود باز فکر من همواره متوجه زندگی اسفانگیز مردم کشور بود ومیدیدم نه شرط

انصاف این است که حیات مردم این طور با بدبختی وبی ثمری تلف شود ونه برای آینده کشور من ادامه چنین وضعی قابل تحمل تواند بود. وقتی اندیشه میکردم که برخی از مردم خود خواه وخویشتن بین ایران از اوضاع نگران نیستند و حتی ادامه آنرا مجاز میدانند بر پریشانی خاطر وخشم من افزوده میگشت

یاد دارم که بمجرد رسیدن بمقام سلطنت عصر یکی از روز های سرد زمستان عده‌ای از نمایندگان مجلس را احضار کردم وبا صراحت و بدون پرده بآنها گفتم که من حاضر نیستم اشخاصی مانند بعضی از نمایندگان حاضر را به بینم که از مزایای مختلف برخوردار باشند و هر روز بر ثروت خود بیفزایند ولذائذ مادی آنها را فربه وشاداب سازد و در جوار آنها عده‌ای در فقر و فلاکت بجان کندن متمادی که نامش زندگی باشد مشغول باشند

روز بعد بعضی از همان نمایندگان شهرت دادند که افکار کمونیستی در من راه یافته است. اگر این سخنان من کمونیستی باشد من از کمونیست بودن تحاشی نخواهم داشت ولی حقیقت این است که آنروز این شهرت را نمایندگانی داده بودند که نه تنها بمنافع شخصی خویش توجه دوراندیشانه نداشتند بلکه فکر حفظ منافع کشور در مخیله آنها خطور نمیکرد

امروز از زمانی که من عوامل پنجگانه را برای تامین عدالت اجتماعی ضروری اعلام کرده‌ام پانزده سال میگذرد. بفکر من هریك از افراد ایرانی از زن ومرد وکودك حق دارد که از این عوامل پنجگانه بحد اقلی که احتیاجات ویرا مرتفع سازد بهره‌مند باشد واین عوامل پنجگانه عبارت از خوراك ـ پوشاك ـ مسکن ـ فرهنك و بهداشت است. البته اگر کسانی بوسائل مشروع بتوانند بیش از این حداقل بدست آورند چنانکه بسیاری در همین وضع هستند کسی مانع آنها نخواهد بود ولی بدون هیچ گونه چون وچرا وبدون اندك توجه بعواقب احتمالی آن بنظر من باید درآمد مردم آنقدر باشد که خود وخانواده آنها ازاین عوامل پنجگانه استفاده کنند واگر برای عده‌ای اینقدرهم میسر نباشد آنوقت باید دولت یا مؤسسات خیریه بطور انفرادی یا توأماً قدم پیش نهاده واین لوازم حیات را برای آنها فراهم بسازند

چیزی بیش ازاین مرا خشمگین نمیسازد که ازدهان مردم مستغنی وپرمدعا و با تشخص بشنوم که بگویند علت فقر ونیازمندی کثیری از مردم کشور من تنبلی آنهاست . ایـن نحو استدلال کهنه و فرسوده بهیچوجه معقول و قابل پذیرفتن نیست . برسبیل مثال کودکی رابخاطر می‌آورم که در قریه‌ای که مدرسه نداشت زندگی میکرد . این کودك بدون راهنمائی معلم بهمان نحو که پدرم کـرده بود خواندن ونوشتن فارسی را فرا گرفت وپس ازآن خواندن و نوشتن انگلیسی راپیش خود آموخت البته میدانم که این کودك نبوغ ذاتی واستعداد فطری داشت ولی برای من مایه فخر است که می‌بینم اکثریت مردم کشور من افرادی زحمت کش و باپشت کار هستند واگر تنبلی و سستی در کار را باید درجائی سراغ کرد میان ثروتمندان تن پروراین صفات مذموم را آسانتر میتوان یافت من هرگز از اعطای سرمایه برای امور خیریه دریغ نکرده‌ام زیرا برای من مسلم است که اگر برای اکثریت طبقه بینوای کشور من اندك فرصتی فراهم گردد خود آنها بقیه را بسرانگشت کوشش ومجاهدت خویش فراهم خواهند ساخت درفصل بعداقداماتی که برای بهبود اوضاع مردم مخصوصاً طبقه روستائی بعمل آمده است که قسمت اعظم جمعیت کشور را تشکیل میدهند و بسیاری از آنهـا از بهترین طبقات کشور ودر عین حال کم درآمدترین افراد هستند تشریح خواهد شد در فصل یازدهم ازکوششهائی که برای تعمیم فرهنك در میان تمام طبقات اعم از ثروتمند وبینوا بعمل آمده سخن خواهد رفت ودراین فصل بذکر مسائل دیگری که برای تأمین دموکراسی اقتصادی مورد توجه واقدام واقع شده اکتفا میشود .

شاید تصور این موضوع تعجب آور باشد که پیش از سلطنت پدرم مسئله آبله کوبی جز درمیان ثروتمندان متداول نبود پدرم نخستین کسی بود که این امر بهداشتی حیاتی را برای مردم الزامی قرارداد ولی مساعی او برای حفظ جمعیت از بیماری مهلك آبله به نتیجه کلی نرسید وما در فاصله سالهای ۱۳۳٤ و ۱۳۳۷ بیش از هشت میلیون نفر را بوسیله مأمورین وزارت بهداری برضد آبله تلقیح کردیم .در همان مدت برای ریشه‌کن ساختن مالاریا بیش‌ازده میلیون خانه بوسیله د. د. ت سم‌پاشی شد ودرنتیجه اقدامات شدیدی که بعمل آمد کشت

خشخاش متوقف ومراکزی برای معالجه معتادین تریاك تأسیس گردید. متجاوز از پنجاه هزار نفر از نظر بیماری تراخم مورد معاینه قرارگرفتند و ۱۹۰۰۰ مبتلا تحت درمان واقع شدند و نیز ۴۷۰۰۰۰ نفر مشکوك بامراض تناسلی تحت آزمایش پزشکی واقع و۱۹۰۰۰ مبتلا معالجه شدند .

درشهرستانهای مختلف کشور بیمارستانهائی بنا و برای خدمت بمردم آماده شد و ساختمان چندین بیمارستان ـ درمانگاه ـ زایشگاه دارالایتام ـ آسایشگاه مسلولین نیز آغاز گردید

چون وجود آبهای آلوده مولد بیماریهای مختلف بود اقدام بلوله کشی شهرستانها برای تأمین آب تصفیه شده یکی ازاقدامات ضروری ما بود .

اما انجام این مهم کار آسانی نبود زیرا درکشور ما چندین هزار سال است مردم قراء و قصبات ما عادت داشته‌اندکه آب مشروب خود را از جویهای سرباز و یا از چاههای کم عمق که بسهولت آلوده میشود بگیرند در شهرهای کشور نیز آب مشروب و کارسازی مردم را از جویهائی که کنار خیابان ها جاری است تأمین میکردند. امروز بیشتر از شهرهای کشور لوله کشی شده وبرای شهرها و قصبات کوچك نیز طرحهائی تنظیم گردیده است

وزارت کشور عده زیادی دارالایتام و پرورشگاه تأسیس نموده و بمؤسسات خصوصی یا خیریه نیز تأسیس این بنگاهها را اجازه داده و بخانواده‌های فقیر مساعد تهائی بعمل میآورد .

شهربانی کل کشورکه زیر نظر وزارت کشور اداره میشود باصلاح زندانها و تأسیس دارالتربیه اقدام نموده وبرای تهذیب اخلاق زندانیان و مخصوصاً بزهکاران جوان کوشش میکنند درفصل آینده از اقداماتی که وزارت کشور برای عمران وآبادی وایجاد اردوهای کار انجام میدهد سخن خواهد رفت .

وزارت کشور درقصبه‌ای نزدیك کرج مرکزی تاسیس وصدها نفر از افرادی را که از راه گدائی امرار معاش میکردند در آنجا گرد آورده و هر کدام را بآموختن حرفه و پیشه‌ای مانند نجاری و ریسندگی و زرگری واداشته است این افراد پس ازفراگرفتن حرفه خود با دستمزدی

که بآنها تعلق گرفته و کمکهای دیگر مالی که بآنها میشود میتوانند دکانی بازکنند ودر نتیجه این اقدام افرادی که ظاهرآمانند طفیلی‌های اجتماع جلوه میکردند به پیشه‌ورانی که شغل شرافتمندی دارند مبدل خواهند شد

کسانیکه به مطالعه وامور اجتماعی علاقه داشته‌باشند و بخواهند درطرز برانگیختن شخصیت افراد و ایجاد حس مسئولیت در آنها به تحقیقات علمی بپردازند این مرکز را محل مناسبی خواهند یافت

وزارت کار قوانین وشرایط کار درکارخانه‌ها و مقررات مخصوص مربوط باستخدام زنان و کودکان را بموقع اجرا میگذارد این وزارتخانه تشکیل اتحادیه های کارگری را تشویق ودر مراکز اجتماع کارگران نظارت مخصوص میکند ونمونه این مراکز ، مرکزکارگران اصفهان است‌که بطرز زیبائی ساخته شده و دارای کتابخانه وتالار سخنرانی وسینما ونمایش استوبا وسایل‌کامل برای ورزشهای مختلف مجهز است

سازمان بیمه‌های اجتماعی‌کارگران تامین آسایش‌آنها رادربرابر ازکف رفتن مزد بعلت‌کبرسن وبیماری وتصادفات ناشی ازکار وفوت نان آور خانواده برعهده دارد و وزارت دادگستری مادران وکودکان را درکنف حمایت خودگرفته و برای جلوگیری از طلاق و تأمین عدالت اجتماعی و برکندن موجبات ظلم و ستم و توجه مخصوص بجرائم خردسالان اقدامات مفیدی انجام داده است وزارت کشاورزی برای رساندن غذا بشاگردان دبستانها با وزارت فرهنک همکاری مینماید

اقدامات فوق نمونه عملیاتی است که دولت برای تأمین حد اقل خدمات اجتماعی برذمه دارد خود من وسایر اعضای خانواده ام نیز نسبت بمسائلی‌که مربوط به‌بهبود وضع اجتماعی است علاقه خاص داریم واین دلبستگی وعلاقه رابوسیله پنج‌سازمان‌که بدستگاه سلطنت وابستگی‌دارند وهزینه اکثرآنها ازطرف دولت ومردم ودستگاه سلطنتی تأمین میشود بمقام بروزآورده ایم

این پنج سازمان عبارت از جمعیت شیروخورشید سرخ ایران

بنیاد پهلوی ـ سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی ـ انجمن حمایت مادران وکودکان وشورای شاهنشاهی ایجاد هم‌آهنگی در مؤسسات خیریه است . ملکه ایران بنمایندگی من‌ریاست عالیه تمام‌این سازمان هارادارد وخواهرانم شاهدخت شمس وشاهدخت اشرف بیشتر اوقات خود را صرف امور مهم ومتنوع این خدمات اجتماعی مینمایند درباره فعالیت این سازمانها بشرح وتفصیل نخواهم پرداخت زیرا چیزی‌که بکلی درفکر من نمی‌آید خودستائی درباره این خدمات است و از همین جهت‌بسازمانهای مذکوردستورداده‌ام وظایف خودرابدون‌هیچگونه خود نمائی و هیاهوی تبلیغاتی انجام دهند

سازمان شیروخورشید سرخ‌که تحت‌نظارت وسرپرستی‌شاهدخت شمس پهلوی اداره میشود وجه تسمیه خود را ازعلامت شیروخورشید که نشان رسمی پرچم ایرانست‌گرفته است همه میدانندکه شیر و خورشیدی‌که برپرچم ایران است برنك طلائی است ولی در اینمورد برنك سرخ نشان داده میشود نام جمعیتی‌که خدمات مربوط بآن را تعهد میکنند نیز ازهمین علامت اقتباس شده است

این سازمان از نظر کمکهای‌گرانبهائی‌که به آسیب دیدگان از زلزله انجام داده احترام وارزش خاصی کسب کرده است در طی سالهای اخیر عده‌ای از هموطنان ما دچار قهر طبیعت شدند و چندین آبادی ودهکده دراثر زلزله شدید ویران وباخاك یکسان گردید و صد ها نفر بهلاکت رسیدند ولی شیروخورشید سرخ ایران و مؤسسات خیریه داخلی وخارجی کمکهای ذیقیمتی‌کردندکه شاید در سی سال پیش یعنی در آنزمان که وسایل ارتباطی و مواصلات ما در مراحل بدوی بود و برای خدمات‌اجتماعی سازمانهای مجهز نداشتیم باورکردنی نبود

جمعیت شیروخورشید سرخ ایران در تهران یك مرکز مجهز مبارزه باسرطان داردکه‌گذشته ازتمام وسائل و لوازم یك بیمارستان دارای یکصد تختخواب ودستگاههای کامل پرتونگاری ورادیوتراپی است واینك‌بصورت یك مرکزتحقیقات‌کامل درآمده وباسایرمؤسسات مشابه‌گیتی رابطهٔ علمی برقرار ساخته است

یك خانه نمونه‌کودکان ویك پرورشگاه بزرك حرفه‌ای نیز که

گنجایش نگاهداری وتربیت یکهزار کودك بی‌سرپرست دارد بوسیله
این جمعیت ساخته شده ومرکزی برای مبارزه بابیماری ریوی نیز
تأسیس کرده است که روزانه بیش ازدویست تن بیمار بآن مراجعه
میکنند دربیمارستان امدادی مجهز این جمعیت گذشته از معالجه و
مداوای رایگان اشخاص مجروحین حوادث تهران واطراف‌آنرا نیزدر
تمام ساعات شبانه روز می‌پذیرد وبستری میکند

یك بیمارستان کامل ومجهز نیز درشهر ری بوسیله این جمعیت
دردست ساختمان است که باندك مدتی بکار مشغول خواهدگشت این
جمعیت مرکز بزرگی برای حمایت مادران وکودکان وزایشگاههای
سیار خانوادگی تأسیس‌کرده است که هرسال‌گروه بزرگی از مادران
باردار را تحت مراقبت میگیرد وسائل زایمان آنان ونگاهداری‌کودکان
شیرخوار را فراهم میسازد .

تربیت پرستاران کارآزموده ومجرب نیز ازوظایف ویژه این
جمعیت است وبرای اجرای این منظور یك آموزشگاه پرستاری‌بزرك
در شهرری تأسیس نموده است که مدت ده سال است پرستاران
فارغ‌التحصیل آن به‌بیمارستان های مختلف‌کشور اعزام شده وبخدمت
مشغول گردیده اند همچنین در شهر اصفهان و شیراز در
آموزشگاههای بهیاری جمعیت پرستاران برای خدمت دربیمارستانهای
وزارت بهداری وشیر وخورشید سرخ وسایر مؤسسات درمانی تربیت
میشوند وقریباً در شهرهای تبریز ورشت نیز آموزشگاه های بهداری
تأسیس میگردد و امر تربیت پرستار در تمام کشورتعمیم خواهد یافت

رویهم رفته جمعیت شیر وخورشید سرخ ایران دویست ونود وچهار
مؤسسه کوچك وبزرك در رشته های مختلف از پرورشگاه کودکان
وبانك خون ودرمانگاه وشیرخوارگاه وآسایشگاه مسلولین دائرساخته‌و
انبار های امدادی‌آن درسراسرکشور آماده بکار است وباداشتن شبکهٔ
مخابراتی تلفونی وتلگرافی باتمام نقاط کشورارتباط مستقیم دارد ودر
پیش‌آمد حوادث نخستین مؤسسه‌ایست که ازاوضاع آگاه‌شده‌وکمك‌های
لازم را بمحل حادثه میفرستد

یکی از اقدامات بسیار نافع دیگر جمعیت تربیت جوانان برای

انجام‌کار های خیریه است و امروز هزاران تن از جوانان و سایر علاقه مندان بکارهای خیر عضویت شیر وخورشید سرخ ایران را پذیرفته وبرای نشان دادن احساسات عالیهٔ بشردوستی وتعاون ومعاضدت اجتماعی باکمال صمیمیت ورایگان به‌بهبود وضع مستمندان وترفیه حال آنان می پردازند و مؤسسه را بشکل یک مکتب بزرگ برای خدمات خیریه و اجتماعی در آورده و روز بروز جنبه تربیتی آن را توسعه می‌بخشند

هیئت‌کمك بآسیب دیدگان‌که ازاعضای جمعیت تشکیل یافته است گذشته از امور امدادی وتهیه مسکن دامنه فعالیت خودرا درامور عمرانی نیز توسعه بخشیده است چنانکه برای آب مشروب بنادر عسلو، دیروکنگان مستقیماً اقدام‌کرده وبرای آب بنادردیلم ولنگه وچاه‌بهار و شهر بستك نیز بکمك سازمان برنامه مبادرت نموده و قریباً لوله‌کشی آب بوشهر را از فاصله بیست وشش‌کیلومتری بپایان‌خواهد رساند این هیئت درناحیه زلزله دیده نهاوند سی وسه دهکده جدید ساخته وبرای مردم آسیب دیده شهرلار نیز شهر تازه‌ای بناکرده است که تاسال آینده باتأسیسات لازم باتمام خواهد رسید

درسال ۱۳۳۶ بنیاد پهلوی را بشکل یك سازمان عام‌المنفعه و غیر انتفاعی بمنظور ایجاد هم‌آهنگی میان دستگاهی‌که خدمات اجتماعی مورد علاقه شخص من را بعهده دارند تأسیس کردم . این سازمان در حقیقت همان اداره سابق املاك پهلوی است‌که توسعه یافته وسرمایه آن شامل سهام یا منافع حاصله از چند مهمانخانه‌که غالباً پدرم بنا فرموده بود وکارخانه‌های سیمان وقند سازی وشرکت بیمه ملی ایران و بانك و کشتیهای تجارتی و مؤسسات بازرگانی و صنعتی و پل جدیدالاحداث بین خرمشهر وآبادان است‌که‌دراوایل سال ۱۳۳۹ گشایش یافت وپیش از احداث آن اتومبیل ها وکامیونهائیکه میخواستند از خرمشهر به آبادان بروند مجبور بودندکه باقطع دویست وچهل کیلو متر مسافت بوسیله پل اهواز از رودخانه عبورکنند هزینه ساختمان این پل برروش معمول در امریکا ازحق‌العبوری‌که از اتومبیلها ووسایل نقلیه دریافت میشود مستهلك خواهد شد

درآمد هائی‌که بنیاد پهلوی ازاین قبیل منابع بدست میآورد

تماماًدر امور خیریه صرف میگردد

عده‌ای تعجب میکنندکه چرا یك مؤسسه خیریه بامور اقتصادی و صنعتی میپردازد ومیپرسند چرا بنیاد پهلوی بجای فروختن مهمانخانه‌ها باداره آن پرداخته و با ایجاد و اداره خطوط کشتیرانی تجارتی (که در فصل پیش به آن اشاره شد) اقدام نموده ودرکارخانه های سیمان وقند سرمایه گذاری کرده است

برای این سئوالات دوجواب است اول اینکه بااجرای سریع برنامه تقسیم املاك اختصاصی‌من، باید بجای درآمدی‌که سابقاً ازطریق اجاره این‌املاك تحصیل وصرف امورخیریه میشد منابع عایدی جدیدی تدارك شود

در فصل آینده راجع به‌برنامه تقسیم املاك سلطنتی مشروحاً صحبت خواهم‌کرد ودر اینجاکافی است اشاره شودکه هروقت یك کشاورز از املاك سلطنتی صاحب قطعه زمینی میشود اجاره بهائی که باید به‌بنیاد پهلوی برسد بهمان نسبت تقلیل میبابد . برای من چیزی ازاین مسرت انگیزتر نیست‌که املاك خود را بین کشاورزان شایسته تقسیم‌کنم ولی درعین حال میل ندارم دراجرای برنامه های مهم دیگر خود مانند برقراری هزینه های تحصیلی برای دانشجویان دانشگاه و نظائر آن بواسطه نقصان عوائد وقفه حاصل شود وازهمین نظر بنیاد پهلوی را تشویق میکنم که منابع درآمد جدیدی تحصیل ونقصان اجباری عوائد واملاك را جبران نماید. کارهای سرمایه‌گذاری بنیاد پهلوی نظیر عملیات سازمانهای خیریهٔ جهان متمدن مانند بنیاد فورد وراکفلر درامریکا ویا بنیاد نافیلد درانگلستان است .

ثانیاً بنیاد پهلوی تنها بخاطرکسب درآمد برای امور خیریه‌وارد عملیات اقتصادی وصنعتی نمیشود بلکه منظوری دیگر هم دارد وآن اینست‌که طرحهائی را بموقع اجرا بگذاردکه سرمشق ومایه تشویق سرمایه‌گذاران دیگر باشد. مثلا درتاریخ عصراخیرکشور من‌این اولین بار است‌که‌کشتیهای تجارتی بنیاد پهلوی با پرچم ایران دردریا ها آمد و رفت میکنند بنیاد پهلوی باایجاد کارخانه سیمان ازنظرحسن اداره و مجهز بودن آن باوسایل جدید بمنزله نمونه‌ای برای تأسیسات مشابه است و بهمین کیفیت مهمانخانه هائی که این سازمان اداره‌میکند

برای جلب سیاحان وتشویق جهانگردان بمسافرت وتوقف در کشور ماست

بمنظور حل مشکل مسکن در تهران وبرای اینکه بافرادیکه در آمدشان کم استنمونه هائی از خانه های کم قیمت نشان داده شود بنیاد پهلوی اقدام به‌ساختن صد خانه نمونه درحومه تهران نموده‌است. در نواحی فقیر نشین شهر نیز بنیاد پهلوی رستورانهای ارزان قیمتی دایرکرده است در روز های زمستان که کارکمتر است هزاران کارگر خوراك کافی بابهای نازلی که از هفت ریال تجاوز نمیکند بـدست میآورند

انجمن خیریه فرح نیز باداره چندین دارالایتام و پرورشگاه اقدام نموده وکسانی را که خود فرزند نـدارند و میخواهند طفل یتیمی را بفرزندی بردارند هدایت کرده ومستقیماً نیز بخانواده های بی‌بضاعت کمك مینماید

درآغاز سال ۱۳۳۹ چهل باب پرورشگاه درسراسرکشور ایران بوسیله این انجمن تأسیس شده‌ویادرشرف تکمیل بوده است که هریك گنجایش نگاهداری یکصد تادوهزار طفل داشته ودارای مساکنی برای کارمندان است دراین پرورشگاه ها خوراك ومسکن ووسایل بهداشت وتحصیل کودکان فراهم است وبامهربانی ونوازشی که برای اطفال خردسال از هرچیز ضرورتر است تربیت میشوند

بنظر من آن نشاط و تندرستی که در سیمای این کودکان آشکار است نشان میدهد که در تربیت وپرورش آنها طرق صحیح اتخاذ شده است هنگامیکه این کودکان ازپرورشگاه‌خارج میشوند دارای‌صحت وسلامت کاملند و هر یك هنر وحرفه ای را فرا گرفته وبقدر خود پس اندازی دارند وباین کیفیت میتوانند زندگانی اجتماعی‌خویش را بااعتماد واطمینان آغاز کنند و برای کشور افرادی وظیفه شناس و خدمتگزار باشند

افراد نیکوکار ایرانی نیز برای ساختمان وفراهم ساختن وسائل برخی ازاین پرورشگاهها سهم بسزائی داشته اند وشك نیست که در آینده نیز از کمکهای لازم دریغ نخواهند کـرد برخی از بانوان خیرخواه ایرانی نیز با طیب خاطر دراین دستگاهها خدمت میکنند و

اطمینان دارم که هرسال عده اینگونه بانوان نیکوکار افزایش خواهد یافت

بسیاری ازخانواده‌های ایرانی‌وبرخی ازخانواده‌های خارجی‌کودکانی را ازاین پرورشگاهها بفرزندی پذیرفته اند

من ازاین رویه‌که برای پرورش جسم وروح‌کودکان یتیم اتخاذ کرده‌ایم مباهات میکنم وآرزو دارم‌که سیاحان خارجی ومردم ایران برای اینکه عقیده آنها در نوع پروری وخدمت بانسانیت نیرومند تر گردد اندك وقتی را ببازدید این مؤسسات صرف‌کنند وبااین‌کودکان و کسانیکه پرورش ونگاهداری آنهارا باگشادگی خاطر بعهده‌گرفته‌اند آشنا گردند

من همواره در پی آن بوده‌ام‌که درکشور داروهای جدید به بهای ارزان دردسترس افرادکشور قرار گیرد واز همین جهت بوسیله بنیاد پهلوی وسازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی مشترکاً ترتیبی داده شده است‌که مقدمات تأسیس‌یك‌کارخانه داروسازی‌راکه بیش ازچهارمیلیون دلار هزینه خواهد داشت در حومه تهران فراهم‌کنند چون ساختن داروکاری کاملا فنی وتخصصی است مقرر است‌که یك شرکت خارجی درمدت دهسال اداره آنرا بعهده بگیرد ودر آن‌مدت نیز به تربیت متخصصین ومدیران ایرانی برای اداره‌کارخانه مزبور بپردازد

ازسال ۱۳۳۱ تاکنون همه ساله بدستور من‌کنگره ای ازپزشکان متخصص ایرانی برای مبادله افکار واطلاعـات بهداشتی وپزشکی و اتخاذ تصمیمات لازم در مسائل مورد ابتلای عمومی ومخصوصاً بهداشت همگانی تشکیل میگردد. اولین کنگره درسال ۱۳۳۱ دررامسر بوسیله ملکه افتاح‌گردید واز آن ببعد نیز همه ساله کنگره مزبور دررامسر تشکیل میشود وبسیاری از تصمیماتیکه دراین‌کنگره ها اتخاذ شده از طرف دولت بمرحله اجرا درآمده است

یکی از تصمیمات‌کنگره آنست‌که قبل‌از ازدواج شوهر باید مورد معاینه قرارگرفته وگـواهینامه بهداشتی دریافت دارد دیگر آنکه‌کلیه کودکان وآموزگاران ازنظربیماری سل ریوی بوسیله اشعه ایکس تحت معاینه دقیق قرارگیرند وبرای اینکه کارمندان مسلول بتوانند باآسودگی خاطر بمعالجه بپردازند تمام حقوق آنها درحین مداوا

وبستری بودن پرداخت شود

از طرف بنیاد پهلوی برای کنگره پزشکی ایران یك دبیرخانه دائمی تشکیل یافته است که مامور چاپ رسالات وگزارشهای کنگره پزشکی وسخنرانی پزشکان وتصمیمات متخذه وتوزیع رایگان آنها بین کلیه پزشکان وسایر علاقه‌مندان

برای تشویق فرهنك وهنر و ترویج علم و ادب و ایجاد تفاهم بین‌المللی بنیادپهلوی به ترجمه شاهکار های ادبی شرق وغرب وچاپ‌و فروش آنها بقیمت مناسب اقدام‌کرده وهرسال جایزه های معتنابهی نیز برای بهترین تالیف وترجمه کتب ادبی و تاریخ و علوم وسایر رشته هاکه در آن‌سال انتشار یافته اختصاص داده است. همچنین بمنظور ازدیاد فیلمهای باارزش وتقویت صنعت جوان فیلمبرداری در ایران به‌تهیه‌کنندگان فیلمهای فارسی وساختمان سینماهای جدیدکمکهای مالی نموده ونسبت به‌تقلیل عوارض سینما اقدام ووسائلی فراهم آورده است تا معلمین وکارگران بتوانند با قیمت نازلی از آنها استفاده کنند

به بنیاد پهلوی دستور داده‌ام‌که عوائد حاصله از همین‌کتاب نیز برای‌کمك به‌بنگاه نشروترجمه‌کتاب اختصاص یابد .

کانون جوانان شهناز وابسته به بنیاد پهلوی همه ساله برای تشویق جوانان به فعالیتهای دسته جمعی وتشکیل اردوهای تابستانی و نظائر آن میپردازد

در سال ۱۳۳۵ اولین اردوی بین‌المللی دانشجویان با شرکت سیزده دانشگاه مختلف‌خاورمیانه وسایرکشورها ازجمله‌آمریکا دررامسر تشکیل یافت ودرسال ۱۳۳۶ تسهیلات لازم برای ایجاد اولین اردوی دانشجویان دانشگاه تهران فراهم‌گردید

همچنین بنیاد پهلوی نهضت پیش‌آهنگی راکه چندی بود متروك مانده بود مجدداً احیاء نموده و مؤسسه‌ای بنام بنگاه جهانگردی و جلب سیاحان بوجود آورده است واز اینراه بشناساندن تمدن بزرك باستانی ایران بایرانیان وخارجیان کمك مینماید .

فعالیتهای بنیاد پهلوی در بهبود وضع‌کشاورزی ورفاه روستائیان در فصل بعد ذکر خواهد شد . امیدوارم بنیاد پهلوی بزودی بصورت

یکی از مؤسسات بزرگ خیریه جهان درآید واگر چه سرمایه آن نسبت بسایر مؤسسات خیریه دنیای غرب خیلی محدود است ولی دامنه عملیات و فعالیتهای آن هرسال توسعه یافته وبرتنوع خدماتآن افزوده گردد .

سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی که دربین‌پنج مؤسسه‌فوق‌الذکر سومین مرکز امور عام‌المنفعه وتحت سرپرستی شاهدخت اشرف پهلوی است خدمات شایسته‌ای درتأمین بهداشت عمومی درکشور انجام داده‌و درمعاضدت با اقدامات دولت تاکنون بیش از هفتاد وسه درمانگاه و بیمارستان در شهرستانهای مختلف تأسیس نموده استکه بدرمان رایگان مردم بی‌بضاعت اختصاص دارند .

در سال ۱۳۲۸ این سازمان در شهر دزفول مبارزه دامنه دار و نمونه مانندی برعلیه بیماری تراخم آغاز کرد ودر طی مدت سه سال ونه ماه فعالیت بیش از یك میلیون بیمار در درمانگاه هائیکه دراین شهر تاسیس یافته بود تحت معاینه و درمان قرار گرفتند. پیش از تأسیس این درمانگاه تقریباً ۹۵٪ از اهالی آن شهر به بیماری تراخم مبتلا و ۲۵٪ از آنان نیز بهمین جهت از نعمت بینائی محروم بودند

در پایان سال اول این مبارزه تقریباً ۹۰٪ از دانش آموزان مبتلا به تراخم و ۳۵٪ از سایر مبتلایان شفای کامل یافتند و این بیماری درخوزستان مداوماً تقلیل پیداکرده است سازمان شاهنشاهی برای تعلیم و تربیت نابینایان پیشقدم شده و در آموزشگاه مخصوصی که درتهران برای این منظور بنا کرده است دانش آموزان نابینا را با رویه مخصوص بریلکه برای نابینایان متداول است با سواد میکند. این نابینایان دسته موزیکی دارندکه یك دانشجوی کور آنرا رهبری میکند و آهنك های دشوار شرقی و غربی را بخوبی مینوازند این سازمان اولین مؤسسه‌ای بودکه وسائل مجانی پرتو نگاری را برای‌مبارزه وسیع با بیماری‌کچلی تهیه نموده‌و تاکنون بوسیله‌برق بیش از ۴۵۰۰۰ بیمار را از این طریق مداواکرده است

در سال ۱۳۳۹ از یك نوع قرص خوراکی که جدیداً در انگلستان ساخته شده وبرای معالجه این مرض بکار میرود آزمایش بعمل آمده

ونتیجه آن درایران در مداوای این مرض رضایتبخش بوده است

فراهم کردن دارو بقیمت ارزان یکی دیگر از هدفهای سازمان شاهنشاهی است ودرنیل بآن بوسیله لابراتوارهای داروسازی خود درچند سال اخیرداروهائی ساخته‌است‌که برایگان‌بین بیمارستانها ودرمانگاههای تابعه وپزشکان مجاز توزیع میکند ومازاد آنها را نیز به یك دهم‌بهای معمولی دربازار آزاد بفروش میرساند همچنین داروهای عمده‌ای نیز از خارج خریداری میکندکه مجاناً ویا بقیمت بسیار نازلی در اختیار نیازمندان قرار میگیرد سازمان در ظرف سال داروهای موجود خود را بنحو شایسته‌ای بسته بندی میکند وبوسیله هواپیما وراه آهن و اتومبیل بمراکز سازمان در استانها میرساند وازآنجا بنقاط دورافتاده کشور فرستاده میشود این اقدام که بطورمداوم وروز افزون انجام می‌یابد مایه‌کمال خوشوقتی ومسرت خاطرمن است

هنگامیکه کارخانه جدید دارو سازی که قبلا ذکری از آن رفت افتتاح شود امر تهیه داروی فراوان و ارزان بنفع مردم نیازمند و بیماران تهیدست بنحو شگفت آوری توسعه خواهد یافت.

سازمان برای رساندن بیماران بی‌بضاعت بدرمانگاه ها وبیمارستانها وسایل نقلیه رایگان دارد و علاوه برآن ازکمکهای نقدی به بیماران مستمند و خانواده آنها فروگزار نیست وپزشکان را مجاناً بمنازل بیماران اعزام میدارد و کودکان فقیر را تحت مراقبت پزشکی قرار میدهد این سازمان اولین آموزشگاه پرستاری را بایك برنامه‌کامل سه‌ساله تأسیس‌کرده است ودولت رادراجرای مقررات مربوط باستخدام کودکان درصنایع قالی‌بافی‌ونساجی یاری میکندوباتاسیس آموزشگاههای حرفه‌ای فقرا و مردم ناتوان را به حرفه های مختلف مانند نجاری لوله‌کشی - آهنگری - مسگری - مکانیکی - کارهای الکتریکی و کفاشی آشنا میسازد

کمك بمادران فقیر و حمایت نوزادان و محصلین بی بضاعت نیز از وظایف مخصوص سازمان است چنانکه دردانشگاه تهران‌خوابگاهی برای دانشجویان بی‌بضاعت که ازشهرستانها به تهران می‌آیند فراهم ساخته است

بازدید زندانها ودلجوئی از زندانیان ودستگیری ومساعدت باآنان

که مدت حبس آنها بسرآمده ، وتأسیس درمانگاههای مخصوص برای معالجه کسانیکه بمواد افیونی والکلی معتاد هستند قسمتی از برنامه کار سازمان است وعلاوه برکمکهای مستقیمی که ازطرف این‌سازمان بهزاران نفرازافراد معتاد میشود عده زیاد دیگریرا به سایر مؤسسات ودوایر دولتی برای دریافت کمك مساعدت وراهنمائی میکند وبوسیله برنامه های رادیوئی ونمایش فیلمهای آموزشی عموم مردم را بانجام خدمات اجتماعی تشویق و تحریص مینماید

یکی از مؤسسات وابسته بسازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی‌سازمان خیریه والاحضرت اشرف است. این مؤسسه یك شیرخوارگاه ویك کودکستان ، یك دبستان ـ یك دبیرستان یك مدرسه هنرهای زیبا، یك کارگاه نساجی ویك درمانگاه‌دائرکرده وبکودکان‌بی‌بضاعت‌ومخصوصاً بمادرانی‌که وسیله نگاهداری فرزندان‌خویش راندارندکمك میکند. مؤسسه دیگری‌که وابسته‌بسازمان شاهنشاهی‌است‌جمعیت ایرانی‌یونیسف (صندوق سازمان ملل برای تعاون کودکان) است. این جمعیت در توزیع شیر مجانی وکمك باجرای برنامه های غذائی مدارس دولتی برای نیازمندان و کودکان و تربیت بهیاران کوشش فراوان مبذول میدارد

سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی‌گذشته ازانجام وظایف ویژه خود بچندین مؤسسه خیریه دیگر نیز مانند مؤسسه حمایت یتیمان و کودکان کرولال ، انجمن مبارزه با سل و بیماریهای تناسلی، مؤسسه بهداشت روحی انجمن‌حمایت حیوانات ونظائرآن‌کمك‌مادی ومعنوی نموده وبا آنها همکاری واشتراك مساعی مینماید

برای من‌مایه مباهات است‌که افراد باهمت وبلند نظر ایرانی و شرکت های مختلف سهم مهمی از وقت و ثروت خویش را باین‌گونه خدمات خیر مصروف میدارند وسایر افرادکشور و بسیاری از مردم متمکن سرمشقی درانجام وظایف اجتماعی وخدمت بنوع میدهند. این سرمشق ها برای‌کسانی است‌که دموکراسی ومبادی‌اخلاقی و وجدانی را ازنظر دورمیدارند ونمیدانندکه خرسندی خاطر ومسرت حیات در یاری هم‌نوع ومخصوصاً طبقه افتاده وناتوان است واگر اینان از این حیات تمتع ولذتی ببرند زندگانی خود آنها نیز با مسرت معنوی وشادی

روحانی قرین خواهد بود .
چهارمین سازمان عمده خدمات اجتماعی وابسته بدستگاه سلطنت انجمن حمایت مادران وکودکان است. این انجمن بطورکلی .موظف بحفظ وحمایت زنان باردار بی‌بضاعت ونگاهداری کودکان یتیم وپیداکردن خانواده برای قبول آنهاست .
درخدمات عام‌المنفعه باعتقاد من بـایدآزمایش و تجربه و اجرای اصل رقابت معقول بین سازمانها مورد توجه باشد من با این استدلال که میگویند رقابت‌تنها باید درامور بازرگانی معمول باشد ودر امور دوایر دولتی و وابسته بدولت مرعی نگردد بهیچوجه موافق‌نیستم وچه بهترکه چندین مؤسسه خیریه وابسته بمقام‌سلطنت درکمك‌به‌بینوایان ومستمندان بشرط‌آنکه مانع پیشرفت‌کاریکدیگرنباشند با یکدیگر رقابت‌کنند زیرا هدف اساسی ماکمك بهموطنان وکودکان محروم و ناتوان است وهرچه این قبیل‌کمکها بیشتر شود هدف و نظر خیر ما بهتر تأمین خواهد گردید
دراین قبیل موارد بهتر است هر یك از ما خود را جای مـادری بگذاریم‌که‌کودکش محتاج بمساعدت ودستگیری است واگراین‌مادر چندین پناهگاه وملجأ داشته باشد اطمینان خاطرش بیشتر خواهد بود زیرا اگر مأموری باوی همدردی نکرد مأمور دیگر ومؤسسه‌دیگرهست که دست استمداد بوی درازکند
با وصف آنچه‌گفته شد چون این مؤسسات خیریه تعدد یافته‌اند لازم بود فعالیت آنها بایکدیگرهم‌آهنك گردد وازهمین جهت شورای شاهنشاهی هم‌آهنگی بین مؤسسات خیریه راتاسیس‌کرده‌ایم‌که هرپانزده روزیکبار بریاست وزیردربارشاهنشاهی تشکیل شده ودراجرای هدف مزبورکوشش مینماید
شورای مذکور نه‌تنها نحوه هم‌آهنگی مؤسسات خیریه شاهنشاهی را بررسی میکندبلکه درزمینه هم‌آهنك ساختن فعالیتهای مؤسسات مزبوربا دولت وافراد وشرکتهای داخلی وخصوصی و مقامات ومؤسسات خیریه خارجی‌که دربارهٔ‌کمکهای ذیقیمتی‌که بما کرده‌اند در فصل آینده ذکری خواهد رفت مطالعات و اقـدامات لازم معمول میدارد شورای مزبور نیز موظف است‌که دربارهٔ نحوه تقسیم عواید سلطنتی‌بین

سازمانهای مختلف وتخصیص مبالغی برای برنامه های نوین خدمات اجتماعی اظهار نظر کند. این شورا درسال ۱۳۳۸ بتشکیل آموزشگاه خدمات اجتماعی در تهران که اولین آموزشگاه نوع خود درکشور است توفیق یافت

امید من آنستکه این شورا درآینده توجه خود را به تشویق و ترغیب افراد نیکوکار خاصه بانوان جوان برای خدمات اجتماعی مبذول داشته واین وظیفه بسیارمهم را بنحو شایسته بانجام برساند

در این فصل نظر خود را نسبت بمفهوم واقعی دموکراسی اظهار داشته وسعی کرده‌ام این‌نکته را روشن‌سازم‌که دموکراسی درنظرمن مفهوم بسیار وسیعی داردکه شامل فعالیتهای متنوع‌است. امادموکراسی تنها عبارت از یك سلسله فعالیت واقدام نیست بلکه یك نوع فلسفه زندگانی است. وصول باین فلسفه برای هیچ فرد یا اجتماعی هرگزآسان نبوده است. اما این فلسفه‌درعین دشواری وپیچیدگی بهترین روشی است‌که بشربدان پی‌برده است. بنابراین‌برای ما ایرانیان‌که درطریق وصول بدموکراسی واقعی‌گام برمیداریم‌فرض است‌که همواره این‌نکته را نصب‌العین خویش قراردهیم که برای رسیدن باین منظور تحمل هر دشواری سهل وسزاوار است. ما تاکنون مسافتی بزرك ازاین راه را پیموده ایم واز همین جهت‌تصورمیکنیم اکثریت مردم از مفهوم واقعی دموکراسی‌آگاه شده باشند. ما ایرانیان باید خواهان پیشرفت سریع‌در وصول بهدف دموکراسی باشیم ولی‌درعین‌حال نباید ازنظردوربداریم که وصول بدموکراسی سیاسی واقتصادی واجتماعی نیازمند زمـان و تربیت و تعلیم‌عقلی و منطقی مردم و تطبیق خواسته های افراد است واین‌کار محتاج توجه به ارزش اخلاقی وحس وفاداری‌افرادواجتماعات است وازآنها مهمترآنست‌که افرادکشور بهمکاری ومعاضدت بایکدیگر بیش ازپیش معتقد وآشنا باشند .

برای‌اینکه ملل وافراد درمحیط آزادی به‌پیشرفتهای خود ادامه دهند ناگزیر حدودی هست واگر سریعتر از حد معقول پیش برویم یا ناشکیبائی وبدبینی در ذهن ما رخنه یابد بهدف های پرارزشی کـه همه‌آرزومند آن هستیم نخواهیم رسید. ولی اگرمیل شدید به‌اصلاح و ترقی را با صبر وحوصله توام داشته باشیم بدون شك مساعی ما

نتیجه های رضایت بخش خواهد داشت. هدف ما معین وراه وصول بآن پیش ما باز است وشك نداریم‌که اگر در کوشش ومجاهدت کوتاهی نکنیم بآن هدف عالی خواهیم رسید

فصل نهم

آینده امید بخش کشاورزی

درآغاز این فصل بایدباین نکته اشاره کنیم که آنچه راجع بکشاورزی ایران نگاشته شده برسبیل توجه بظواهر طبیعی نیست بلکه یکی از مهمترین عوامل زندگی ملت درآن مورد بحث قرارگرفته است . شرح زیبائی ومناظر طبیعی دهکده‌های ایران وآداب ورسوم روستائیان را میتوان درکتب متعددیکه اغلب آنها راجهانگردان خارجی نگاشته اند مطالعه نمود . این کتاب ها هرچند حاوی مطالبی دلپذیر ولذت بخش هستند ولی گاهی هم بنظرمن توجه خواننده رااز مسائل مهمی که درپیش ماست منحرف میسازند

ما ایرانیان نیز دراین موردکوتاهی کرده وبحوائج واقعی کشاورزی خود توجه شایسته نداشته‌ایم ودرگذشته اغلب بنکات کلی ومنفی دراین راه اکتفاکرده و در مجالس و محافل تنها دربارهٔ وضع اسف انگیز زندگی روستائیان بسط مقال داده‌ایم ولی اگرکسی برای رفع این اوضاع راه چاره‌ای اساسی میجست درجواب وی یابسکوت میگذراندیم ویا بنظر های کوچك و پیشنهاد هائی که بایکدیگر ارتباط کامل نداشت میپرداخته‌ایم و حقیقت اینستکه ملت ایران برای توسعه و پیشرفت کشاورزی کمتر کار مثبت ومعقول وبانقشه صحیح انجام داده است

امروز درمیان ملت ایران برای اصلاح وضع کشاورزی جنبش محسوسی پدیدآمده است که برای من مایه شادمانی بسیاراست وازهمین جهت دراین فصل بذکر ملاحظات و نکاتی میپردازم که بنظر من مارا بوصول بهدف غائی وکلی درامر فلاحت کمك خواهد نمود

چون کشورما دارای منابع سرشار نفت ومیزان تولیدات ، دراین رشته بسیار قابل توجه است مردم عموماً تصور میکنند که کشور ایران

اصولا يك‌كشور توليدكننده نفت‌است . ولی این تصور اشتباه محض است زیرا امروز هم میزان محصول سالیانه‌کشاورزی ما تقریباً چهار برابر تولیدات نفتی سالیانه ماست وحرفه فلاحت ازهزاران سال پیش مهمترین حرفه مردم ایران بوده وهنوز هم در درجه اول اهمیت است زیرا تقریباً سه ربع جمعیت ایران بزراعت مشغولند و جز در قسمت کویر وغیر مزروع‌کشور در قصبات و قراء ایران پراکنده اند و برای کشت و زرع زمین های وسیع در اختیار دارند وگاهی مایه اعجاب خارجیان میشودکه بشنوند درکشور ایران در حدود ۴۵۰۰۰ قریه و دهکده وجود دارد که هر یك معمولا از بیست تا سیصد نفر سکنه دارد

کشاورزی نه‌تنهامحصولات‌گرانبهائی‌عاید ایران میکندبلکه‌زندگانی مارا کیفیتی مخصوص میبخشد زیرا باوجود ذخائر نفتی و منابع طبیعی دیگر قسمت اعظم ثروت‌کشور در دست خود مردم وویژه دهقانان و روستائیان ماست افراد باهمت و پشتکار ایران نیز ازمیان دهقانان برخاسته و نیروی تولید وآداب و رسوم آنها بکشور و طرز زندگانی ماروح وامتیازی دیگر بخشیده است

هرچه در ایران بیشتر بطرف تجدد صنعتی بطرق معمول درجهان تمدن پیشرفت نمائیم نیازمندیهای ما به‌کارگران خوب بیشتر احساس میشود وقسمت عمده این احتیاج راکشاورزان و روستائیان تأمین میکنند قسمتی از آنها نیز که بکارکشاورزی اشتغال دارند محصول خویش را خواهند افزود تاهم نیازمندیهای جمعیت روزافزون‌کشور را مرتفع‌کنند وهم‌به میزان صادرات‌کشور بیافزایند همینطور برای خدمت در ارتش نیز چشم امید بیشتر بسوی روستائیان است که هم مردمی هوشمند وچابك و جسورند و هم نیروی مقاومت بدنی آنان زیاد است

ده درصد از مساحت‌کشور وسیع ماکشت وزرع میشود وسی‌در صد آن مراتع ودر حدود ده درصد جنگل وبقیه فعلا بیابان لم‌یزرع است‌که امیدوارم با اجرای طرحهای وسیعی که داریم بزودی برمساحت اراضی قابل‌کشت و زرع بیفزائیم واز وسعت صحاری لم یزرع‌کشور بکاهیم

در فصل اول این کتاب به محصولات وغلات متنوع ایران اشاره نموده‌ام از میان غلات مختلف گندم وذرت وارزن در همه جا کشت وزرع میشود واز حیث مقدار از همه مهمتر گندم است که قسمت عمده آن بشکل نان قوت غالب اهالی کشور رااز غنی وفقیر تشکیل میدهند.

گندم رادولت از زارعین خریده وبقیمت ارزان دراختیارنانوایان خصوصی قرار میدهد تانان ارزان تهیه کنند وبحد وفور در دسترس مردم که درآمدشان اندك است بگذارند

محصول گندم ایران احتیاجات کنونی ما را از هرجهت مرتفع میسازد وبا تشویقی که بوسیله افزایش قیمت جنس میتوان بکشاورزان نمود مصرف نان مورد احتیاج جمعیت روزافزون کشور ازمحصول داخلی قطعاً تامین خواهد گشت

جو نیز دراکثر نقاط ایران برای تغذیه چهارپایان وصدور بخارج بعمل میآید واین محصول درنقاط خشك کشور نیزقابل کشت است زیرا ریشه آن آنقدر باعماق زمین فرو میرود که بررطوبت برسد.

برنج نیز دراستانهای مجاور بحر خزر که دارای آب فراوان است بدست میآید که هم مصارف داخلی راتأمین میکند وهم بخارج صادر میشود

بهمان نسبت که سطح زندگی درایران بالارفته میزان مصرف قندو شکرهم ازدیاد پیداکردمواز همین جهت باآنکه اینك سالی بیش از ۱۰۰۰۰۰ تن قند چغندر درکارخانه های داخلی ساخته میشود فقط یك ثلث احتیاج کشور تأمین میگردد وباید دوثلث دیگر را از خارج واردکنیم ولی درصددیم صنعت قندسازی را توسعه دهیم وکشت وزرع نیشکر را نیز پس ازقرنهای متمادی که درخوزستان متروك مانده بود مجدداً احیاکنیم ونیشکر بمقادیر زیاد بعمل آوریم ودیری نخواهدگذشت که از لحاظ قند وشکر نیازی بخارج نخواهیم داشت زیرا مطابق برآوردی که بعمل آمده ممکن است درخوزستان ازنیشکر سالی یك میلیون تن شکر بدست آورد

چای درتمام سواحل بحرخزر کشت میشود ولی محصول سالیانه آن تقریباً باندازه یك ثلث احتیاجات ماست ازدیاد محصول چای دشوار نیست واقداماتی برای نیل باین منظور بعمل آمده است.

توتون و تنباکو بمقادیر زیاد در استانهای مجاور بحرخزر و آذربایجان کشت میشودکه گذشته از تامین مصرف داخلی مقداری هم بشکل سیگارت صادر میگردد

پنبه نیز دربسیاری ازنقاط کشور ایران بعمل میآیدکه علاوه بر رفع احتیاجات داخلی مقدار زیادی هم بخارج ازکشور حمل میشود اقسام میوه وبادام وپسته درتمام نقاط کشور بفراوانی میرویدومحصول سالیانه بقدری است که هرسال مقدار معتنابهی کشمش وبادام وپسته و مقادیر زیادی از صمغهای نباتی مخصوصاً کتیراکه در تهیه دارو و سایر مصارف شیمیائی بسیار مفید است بخارج صادر میشود

تربیت مؤاشی در اقتصاد ایران سهمی مهمدارد چنانکه تعدادگوسفند درکشور بیش از نصف مجموع عده گوسفند تمام کشور های متحده امریکا است ومیلیونها بز ودیگر مؤاشی نیز اضافه براین تعداد وجود دارند

گوشت وشیر این مواشی برای تغذیه عمومی مورداستفاده قرار میگیرد وپشم وپوست آنها در صنایع مختلف ومخصوصاً درصنعت قالی بافی کشور بکار میرود . کشور ایران نه تنها صادر کننده قالی است بلکه سالیانه مقدارزیادی پشم خام وپوست بره که درجهان شهرت مخصوص دارد وچرم وروده بخارج صادر میکند

باوجود احداث راههای اتومبیل رو وراه آهن درکشور، هنوز در ایران برای حمل ونقل بازارالاغ استفاده میشود ودراستانهای خراسان و بلوچستان عموماً شترکه به بردباری معروف است وسیله حمل و نقل است شیروگوشت وپوست شتر برای افراد عشایر چادر نشین کشور بسیار پرارزش است وپشم شتر نیزکه برای تهیه پارچه بکار میرود از کالاهای پرارزش بشمار میآید

مساحت جنگل های ایران بوسعت استان میسوری امریکاست که قسمت اعظم بسیار انبوه آن دردامنه های شمالی سلسله جبال البرز در حاشیه بحرخزر وقسمت دیگر دردامنه های سلسله کوههای زاگروس واقع شده است . درناحیه خلیج فارس نیز جنگلهائی کوچك که پراز درختهای مناطق گرمسیراست یافت میشود. علاوه برآن درقصبات ودهات ایران درختهای تبریزی وبید وچنار های بزرك بحدوفور دیده میشود

که درکنار انهار ودرمیان باغها وبیشه‌های‌کوچك بفراوانی میروید و مردم نه‌تنها ازسایه آنها متنعم میشوند بلکه ازچوب آنها نیز برای سوخت وساختمان منازل استفاده میکنند درجنگل های ایران انواع درختها از قبیل بلوط وگردو وزبان گنجشك ونارون وآلش و شمشاد و سرو وافرا وغیره یافت میشود بعضی ازاین چوبهای جنگلی برای ساختن تراورسهای راه‌آهن وچوب‌کبریت والوار وتخته برای در و چهار چوب عمارت ساختمان ها وابنیه بکار میرود وچوب بلوط وگردو بمقادیر زیاد برای ساختن بشکه واثاثیه منزل به‌خارج صادر میگردد ولی قسمت اعظم ازمحصولات سالیانه چوب کشور بمصرف تهیه ذغال و تأمین سوخت داخلی میرسد

این حقیقت تلخ رانباید ناگفته لگذاشت‌که ما ایرانیان در قرون متمادی باتلاف‌جنگلهای عظیمی‌که قسمت عمده اراضی‌کشوررا‌پوشانده بود پرداخته وبدون توجه وعاقبت اندیشی آنها را چراگاه حیوانات ومخصوصاً بز قرار داده‌ایم وبدین ترتیب نهالهای جوان مجال نمو و پرورش پیدانکرده‌اند همچنین باروبه‌ای غلط ونامطلوب برای تهیه هیزم وذغال مقادیر زیادی ازچوبهای گرانبهای جنگل را بهدرداده و نواحی وسیعی‌ازکشوررا عریان‌کرده‌ایم وهرچند در جنگلهای شمال درقطع اشجار افراط‌کرده‌ایم ازجنگلهای دیگر ازنظر نداشتن وسیله حمل ونقل هیچگونه استفاده‌ای ننموده‌ایم

اماامروز این‌وضع تغییر‌کرده‌وآثاراحیاء جنگل مشهودگردیده است. درسازمان بنگاه جنگلهاکه زیرنظر وزارت‌کشاورزی انجام وظیفه میکند باکمك متخصصین‌خارجی تغییراتی داده‌شده‌واین بنگاه‌مسئله تولید ذغال وسایر محصولات جنگلی را بصورت صحیح ومناسبی درآورده است

سازمانها وکارخانهای دولتی وخصوصی‌نیز بساختن‌بخاریهای‌نفتی ارزان اقدام کرده‌اند وبرای گرم‌کردن منازل و آشپزخانه وغیر آن بجای منقلهای سابق‌که درآن ذغال یاهیزم میسوخت/ از این بخاریها استفاده میشود ازطرف دیگر چوبهائی‌راکه ازجنگل برای تراورس وسایر اشیاء بکار میبرند یابوسیله مواد شیمیائی اشباع‌میکنند ویازیر فشار سنگین قرار میدهند تابراستحکام ودوام آن افزوده شود بنگاه

جنگلنها صدور چوبهائی را که بدون رعایت اقتصاد از جنگل‌ها قطع میشود ممنوع ساخته ودراثر ازدیاد وسایل نقلیه مردم کم کم ازجنگلهائی که بیش ازحد مورد استفاده قرارگرفته است دست کشیده واحتیاجات کشور را طبق قواعد صحیح از جنگل های بکر و دور دست مرتفع میسازند

شیلات سواحل دریای خزر و خلیج فارس منابع مهم محصولات دریائی کشورند درسال ۱۸۶۷ میلادی ناصرالدین شاه امتیازاستفاده ازشیلات بحر خزررا بیکنفرتبعه روس داد واو نیز دربنادر مهم دریای خزر بایجاد مراکز صید ماهی پرداخت پس ازانقلاب سال ۱۹۱۷ روسیه ، دولت ایران امتیاز صید ماهی را به یکی ازشرکتهای خصوصی روسی واگزار نمود ولی چون دولت شوروی درمقام تصرف شرکتهای خصوصی روسی برآمده بود انجام این منظور متوقف ماند تا اینکه بعداً طی قراردادی شرکت مشترك شیلات ایران‌وروس باسرمایه متساوی تشکیل گردید. اما این قرارداد درعمل بضرر ایران بود واز همین جهة پس ازانقضای مدت مقرر درسال ۱۳۳۱ دیگر تجدید نگردید ودرهمان سال شیلات بحرخزر را ملی کردیم واکنون امور تولید وفروش داخلی و صادرات آن تماماً در اختیار شرکت ملی شیلات است که روز بروز میزان کار خودرا مخصوصاً درقسمت خاویار وماهی خاویاردارکه درتمام گیتی شهرت دارند افزایش میدهد

قسمت عمده محصول شیلات بخارج صادر میشود چنانکه درحدود دوسوم ماهی خاویار و نیمی‌ازخاویار تنهابروسیه شوروی حمل‌میگردد وقسمت بیشتر بقیه بامریکا واروپا میرود . در بحر خزر انواع مختلف ماهی صید میشودکه ازجمله ماهی‌سفید است که درایران ازماهی‌خاویار بیشتر مورد تقاضاست . همچنین در رودخانه‌هائیکه بدریای خزر میریزد ماهی قزل‌آلاکه بسیار خوش طعم ولذیذ است بحد وفور یافت میشود .

درآبهای گرم خلیج فارس و بحر عمان نیز ماهی وسایر مواد دریائی فراوان است که تازه از آنها آغاز بهره‌برداری شده است

در دوران سلطنت پدرم یك کارخانه کنسرو ماهی دربندرعباس تأسیس گردید . درسال ۱۳۳۸ کارخانه مجهز دیگری نیز درآنجا نصب شد واخیراً نیزکارخانه مخصوص‌منجمدکردن سریع ماهی‌ویك کارخانه

یخ سازی برای نگهداری ماهیهای صید شده درآنجا بکار افتاده است.
اینك طرحی دردست اقدام است‌که‌کشتی های ماهیگیری خلیج فارس بوسائل نوین مجهز گردند وبر تعداد وسایل نقلیه زمینی آن حدود افزوده شود تا حمل ونقل وتوزیع ماهی تازه وسایر مواد دریائی از آنجا بنقاط دیگرکشور سریعتر انجام پذیرد

هرچه شبکه راه‌آهن توسعه یابدبرعده واگن‌های سردخانه ویژه‌حمل ماهی افزوده میشود ودر تمام مراکز پرجمعیت یخچالهای بزرگی ساخته خواهد شدکه مواد غذائی دریائی وسایر مواد فاسد شدنی در آن ها نگاهداری شود

دیری نخواهدگذشت که ازدریاهای ایران بهره برداری کاملتری بعمل خواهد آمد و مثلا علف دریائی‌که برای تغذیه حیوانات مفید است بدست خواهیم آورد ونفت زیردریاکه در فصل بعد از آن سخن خواهد رفت ومروارید وسایر مواد دریائی استخراج خواهد شد

یکی از مواد غذائی دریائی‌که چندی است توجه مرا بخود جلب کرده نوعی آرد است‌که از ماهی خشك‌کرده تهیه میشود و پروتئین فراوان دارد و مؤسسه‌کشاورزی و غذائی سازمان ملل متحد و مؤسسه یونسکو مصرف‌آنرا تصویب نموده‌اند. این آرد را ازیك قسم ماهی خرد بقیمت بسیار نازلـی تهیه میکنند و بو وطعم ماهی هم ندارد و میتوان آنرا بنقاط دور دست حمل نمود و مدتها نگاهداشت و برای تغذیه افراد کم بضاعت مورد استفاده قرار داد

با وصف آنچه‌گفته شدباید بخاطر داشت‌که هر چه منابع جنگلها ودریا های ایران راتوسعه دهیم‌بازکشاورزی درکشورما در درجه اول اهمیت قرار دارد و امکانات توسعه آن از هر سرچشمه در آمد دیگر بیشتراست و برای اجرای این منظور نخستین قدمیکه بـاید برداشته شود اصلاح وضع مالکیت ارضی است

امروز زمین‌های مزروع‌کشور در دست پنج‌نوع‌مالك یعنی ملاکین خصوصی ، اوقاف ، دولت ، املاك سلطنتی وخرده مالکین است ودسته اخیر شخصاً بکشت و زرع اراضی خود میپردازند

ملاکین خصوصی تقریباً صاحب نصف اراضی مزروع ایرانند. اظهار نظرهای‌کلی نسبت بملاکین ایران که مساحت املاکشان با یکدیگر

متفاوت است ونسبت باجرای وظائف و جدانی وملی نیز باهم اختلاف دارند بنظر من معقول نیست ولی میتوان گفت‌که معدودی ازآنها که از سی نفر تجاوز نمیکنند و بعضی از آنها رؤسای قبایل وعشایرند ازیکی دوسه پارچه تا چهل ومتجاوز از آن ملك خصوصی دارند

قسمت عمده اراضی و املاکی که بطرز ناپسندیده اداره می شود متعلق بملاکین بزرك است . این طبقه معمولا در املاك خود نیستند و توجهی بآبادانی ملك خود یا ببهبود وضع کشاورزانی که در آن املاك بکار کشت وزرع مشغولند ندارند، بلکه اداره اموراملاك خودرا بدست مباشرین واگذار مینمایندکه با بیرحمی بسیار کشاورزان وروستائیان را زیر فرمان خویش‌کشیده و بتعدی واعتساف میپردازند واز غیبت اربابان خود که اغلب درتهران ویا دراروپا وامریکا بتفریح وسرگرمی مشغولند سوء استفاده میکنند .

البته ملاکینی بطور استثناء یافت میشوند که بوظیفه اجتماعی خویش و قوف دارند ولی رویهمرفته این طبقه از مالکین طفیلی های اجتماع هستندکه چنانکه ذکر خواهد شد دوران نعمت وناز و سروری آنان در شرف زوال است .

برخلاف طبقه فوق قسمت دیگر از ملاکین معمولی هستندکه هریك مالك یك یا چند قریه‌اند و غالباً درهمان قراء باکشاورزان وروستائیان زندگی میکنند وهرچند بعضی ازآنها خودپسندوخویشتن بین هستند ولی اکثریت آنها در رفاه حال روستائیان وخانواده آنها غالباً کمال علاقه مندی را نشان میدهند واغلب بطیب خاطر زمین برای ساختمان آموزشگاه ها و بیمارستانها ومساجد اهداء میکنند. اکثر دهات و قراء آباد کشور متعلق بهمین مالکین کوچك است .

آمار صحیحی از مساحت املاك و اراضی موقوفه در دست نیست ولی احتمالا بیست در صد از اراضی مزروعی‌کشور ایران بطور ابدی وقف بامور خیریه و مذهبی است. تولیت اداره اینگونه املاك اکثرا بعهده روحانیون است ولی دولت حق دارد درکار آنان نظارت نماید روحانیون غالباً برای تمشیت امور موقوفات مزبور اشخاصی را بعنوان مباشر معین میکنند که بسیاری ازآنها افراد صالح وباوجدانند وبعضی هم از حدود اختیارات خویش خارج شده واز آن سوء استفاده

میکنند

املاك خالصه دولتی و سلطنتی رویهمرفته در حدود ده در صد از اراضی مزروعی کشور را تشکیل میدهد. املاك خالصه دولتی عبارت از قراء و مزارعی است که در طی قرون از طریق خرید و توقیف و لشکرکشی و پیشکشی ویا بعلت بلا صاحب بودن آنها بدولت تعلق یافته است. این املاك خالصه بوسیله کشاورزان کشت وزرع میشود و دولت درآنها عنوان مالك دارد. املاك خالصه بوضع نا مطلوبی اداره میشود و وضع کشاورزان این املاك از وضع روستائیانی که در دهات متعلق بملاکین عمده زندگانی میکنند بهتر نیست .

سهم مالکانه دولت که بوسیله مباشرین خود وصول میکند باسهم ملاکین خصوصی تفاوتی ندارد. در بعضی موارد نیز دولت املاك خالصه را با شخاص اجاره میدهد واین مستاجرین سهم دولت رااز کشاورزان وصول مینمایند. این رویه برای کشاورزان بسیارزیان آوراست زیرا مستاجرین دولت هیچگونـه علاقه‌ای بآبادانـی ملك ندارنـد و یگانه توجه آنها بنفع شخصی خودشان است . بهترین طریق حفظ منافـع حقیقی دولت و کشاورزان آنست کـه این املاك بین خـرده مالکین تقسیم شود

املاك سلطنتی دیه ها وقرائی است که پدرم خریداری کرده و به شخص من تعلق دارد ، واینك بوسیله بنیاد پهلوی اداره میشود بطوریکه در فصل پیش اشاره کرده‌ام عایدات این املاك صرفاً در امور خیریه و عام‌المنفعه صرف میگردد ونسبت بآنها برنامه وسیعی درشرف اجراست که بآن اشاره خواهد رفت. بقیه املاك مزروعی ایران که در حدود بیست در صد از مجموع اراضی قابل زرع کشور است بکشاورزان خرده مالك تعلق دارد. در بعضی موارد قطعاتی از اراضی اطراف یك قریه ودر برخی دیگر تمام اراضی یك یا چند قریه بکشاورزان تعلق دارد وهمانطورکه برنامه تقسیم املاك توسعه پیدا میکند اتصالا برتعداد این کشاورزان خرده مالك افزوده میگردد .

چنانکه در پیش گفته شد از همان موقع اشتغال بتحصیل بوضع اسف‌انگیز کشاورزان ایران احساس نگرانی شدید میکردم و هرروز فکر بهبود زندگانی آنها در من قوت میگرفت وبالاخره پس ازعزیمت

پدرم از ایران بموجب فرمانی تمام املاك مزروعی خود را بدولتواگزار نمودم .

منظور من‌ازاین اقدام آن بودکه دولت آن املاك را با توجه به بهبود وضع کشاورزان اداره کند و بهمین جهت مقرر داشتم که عایدات حاصله بامورخیریه وبنفع‌کشاورزان عادی‌کشور من‌صرف شود.

دیری نگذشت‌که‌گزارشهائی بمن رسیدکه دولت عایدات املاك را صرف پرداخت حقوق‌کارمندان میکند ویك ریال از این عوائد برای امور خیریه باقی نمیماند . بنابر این پس‌از اندیشه بسیار مصمم شدم املاك را از دولت پس‌گرفته وبا شرائط ساده وآسان بکشاورزانی‌که در همان املاك بامر زراعت مشغول بودند بفروشم .

اما این امور تنها باحسن نیت به‌نتیجه مطلوب نمیرسد ودریافتم که اگر تنها زمین بین روستائیان تقسیم شود بروخامت وضع زندگی آنها خواهد افزود وشرط موفقیت برای خرده مالك مانند یك‌کشاورز عادی آنستکه باو هم کمك مالی وهم راهنمائی فنی بشود در اثر این اندیشه ها بنظرم آمد که باوجوهی‌که از فروش زمین و املاك اختصاصی بکشاورزان جمع آوری میشود باید بانکی تاسیس گرد که بتواند بروستائیانیکه تازه صاحب زمین شده‌اند وام بدهد و کمکهای لازم دیگر بنماید .

درسال ۱۳۳۰ فرمانی مشعر برتقسیم وفروش بیش از دوهزار قریه وآبادی از املاکم صادر نمودم ودر سال ۱۳۳۱ بانك عمران و تعاون روستائی راکه معمولا بانك عمران خوانده میشود تشکیل دادم ودر همان سال تقسیم قراء وقصبات متعلق به‌بنیاد پهلوی در ورامین واقع در جنوب تهران آغاز گردید . چنانکه در فصل پنجم اشاره‌کردم دیری ازاین اقدام نگذشته بودکه مصدق برنامه تقسیم اراضی رامتوقف ساخت اما پس ازسقوط وی مجدداً اجرای این‌برنامه دنبال شد چنانکه تا اواسط سال ۱۳۳۷ بیش از ۲۰۰۰۰۰ هکتار زمین مزروعی بین ۲۵۰۰۰ نفر روستائی تقسیم‌گردید

تاآنجاکه من اطلاع دارم این نخستین باری است‌که درکشوری برنامه تقسیم املاك بنحوی اجرامیشودکه وجوه حاصله ازفروش اراضی مجدداً ببانك عمران ریخته میشودتابمصرف تقویت بنیه مالی‌کشاورزانی

که تازه صاحب زمین شده اند برسد . ازنظر تازگی این‌اقدام ، برای بعضی سوء تفاهم ایجاد شده است‌که شاید این عمل بمنظور آن بوده است‌که اراضی نامرغوب وبی‌حاصلی به قیمت سنگین بفروش برسد برخی نیز باین اندیشه غلط افتاده اندکه شاید غرض اصلی از ایجاد بانك عمران تحصیل منافع بوده است . عده ای از مردم تنك نظر هم که باعمال وکردار انسانی جز بابدبینی نمینگرند پنداشته اندکه دراین کار علتی نهانی بوده است‌که برای آنها نامعلوم است

چون فکر من درتقسیم املاك درایران تازگی‌دارد لازم است طرز اجرای آن بطور کامل ودقیق آشکارگردد :

مرحله اول اجرای این برنامه آنستکه اراضی به قطعاتی‌که از لحاظ اقتصادکشاورزی قابل بهره برداری‌باشد یعنی‌بمساحتیکه محصول آن برای معاش یك کشاورز وخانواده اش‌کفایت‌کند تقسیم میشود قیمت هر قطعه بوسیله مقومین متخصص وخبره معین میشود و معمولا قیمتی کـه تعیین میگردد از قیمت روز کـمتر است سپس قطعات مزبور فقط بکشاورزانی‌که عملا در آن اراضی بکشت وزرع مشغولند فروخته میشود وفروش اراضی بملاکین و سفته بازان شدیداً ممنوع است

باید در این نکته تأکید شودکه منظور من ازاین برنامه آن نیست‌که املاك خود را برایگان باشخاص واگذار کنم زیرا از نظر روانشناسی ورابطه علت و معلول یك چنین اقدامی بعقیده من نتیجه مطلوب نخواهد داشت

بجای یك چنین اقـدام اراضی مزروع با بیست در صد تخفیف از قیمت تعیین شده بفروش میرسد وکشاورزان تازه مالك ، بهای زمین را دربیست و پنج قسط سالیانه ببانك عمران میپردازند وبانك برای تأمین مخارج اداری در پانزده سال اول سالیانه معادل یك درصد بعنوان حق‌العمل دریافت میکند

بانك عمران بشکل‌یك مؤسسه غیر انتفاعی تأسیس شده وسرمایه آن ۹۷،۵۰۰،۰۰۰ ریال است‌که نصف آن پرداخت‌گردیده است . با وجود آنکه من قسمتی از سرمایه این بانك را شخصاً پرداخته ام ولی نه من ونه کسان دیگری‌که در این بانك سرمایه‌گذاری کرده اند

هیچگونه سود یا منفعت یابهره‌ای از بانك دریافت نمیکنیم اقساطی که از خریداران اراضی متدرجاً وصول میگردد باضافه حق‌العملی‌که به بانك تعلق میگیرد سرمایه بانك را افزایش داده و موجب میشودکه این مؤسسه برای کمك به‌کشاورزانیکه مالك اراضی میشوند آماده ترگردد چون نظر من این بودکه بانك عمران بجای اینکه مانندیك‌بانك عادی‌بکارهای‌معاملاتی بپردازدومنحصراً مؤسسه‌ای برای خدمات اجتماعی باشد طبعاً در چند سال اول شروع بکار متحمل ضرر های هنگفتی‌گردید برای جبران این ضرر و افزایش بنیه مالی آن برای‌کمك بکشاورزان بانك در سال ۱۳۳۶ وارد فعالیتهای بازرگانی‌گردید واینك سپرده های اشخاص را قبول کرده و حساب جاری برای مشتریان باز میکند ووامهای معمولی بازرگانی میدهد منافع این عملیات آنقدر بوده است‌که با وصف آنکه اتصالا بر میزان وامهائی‌که بکشاورزان میدهد افزوده شده است ضرر های سابق نیز جبران گردیده است

تا اواسط سال ۱۳۳۹ در حدود یك سوم از اراضی مزروعی املاك پهلوی بین‌کشاورزان خرده مالك تقسیم گردید وتا دوسال دیگر نصف بقیه اراضی قابل زرع این املاك‌که عملا مستعد بهره برداری است بین سایر کشاورزان تقسیم خواهد شد ودر ضمن این مدت‌برای قابل زرع ساختن هزاران هکتار دیگر از املاك شخصی من اقدام میشود تا در آنموقع برای تقسیم بین‌کشاورزان آماده باشد

البته سرعت درامر تقسیم اراضی باید بااستعداد وامکانات بانك عمران دراعطای وام بکشاورزان متناسب باشد واین نکته باید مؤکداً خاطر نشان شودکه تقسیم اراضی بدون اینکه برای کشاورزان تازه مالك وسائلی فراهم باشد که حداکثر استفاده را از زمین خود بردارند چیزی جز زحمت و نگرانی برای آنها بوجود نخواهد آورد

ازکمکهائیکه بانك عمران‌بکشاورزان میکند وامهائی‌که بانظارت خود بآنهااعطا مینماید از همه مهمتراست . این بانك تاکنون وامهای کوچکی بکشاورزان خرده مالك جدید داده است وعلاوه بر آن اعتباراتیکه منافع آن بطور غیر مستقیم بکشاورزان میرسد داده وبا

تشکیل شرکتهای تعاونی روستائی وتامین سرمایه آن شرکتهاامکانات تازه ای برای اخذ وام وسایر تسهیلات برای کشاورزان فراهم ساخته است .

بانك عمران تاکنون‌عده‌زیادی تراکتوروکمباین خریداری نموده وبحفر عده زیادی چاه‌عمیق اقدام‌کرده وبیش ازصد تن جوان روستائی رابه کشور آلمان برای فراگرفتن فنون نوین کشاورزی اعزام داشته است اخیراً بکمك مادی بنیاد پهلوی قریه جدیدی بنام شاه‌آباد در یازده کیلومتری شهرساری بوسیله کشاورزان وخانواده‌آنهاکه در آن منطقه بکشاورزی مشغول بوده‌اند احداث‌گردیده و هریك ازاین خانواده ها درقریه مزبور صاحب خانه‌ای شده اند .

بانك عمران نیز درحدود ۱۲۰ دستگاه خانه کوچك دیگرساخته واعتباراتی هم بسایرین داده است .

درروستاها وقصبات تقسیم شده صدهاکلاس اکابر دایرگردیده است اداره عمران وزارت‌کشور مأمورین ورزیده در امور دهات را بعنوان دهیار باملاك تقسیم شده اعزام داشته است تا برای تکمیل آبادانی و عمران این قراء اقداماتی از قبیل ساختن آموزشگاهها و جاده‌ها وفراهم آوردن وسایل‌بهداری وتعلیم روستائیان به‌اموربهداشت و بهبود وضع‌کشاورزی بعمل آورند

تمام این عملیات بمنزله آغازی بیش نیست ولی ازآن‌آغاز هاکه سرانجامی نویدبخش درپی دارد . عوامل مختلف ازجمله ایجاد روحیه جدید و فراهم ساختن وسایل‌کشاورزی تازه واطلاعات جدید درامر زراعت موجب شده است‌که‌کشاورزان تازه مالك میزان محصول خویش را بطور متوسط در حدود بیست درصد افزایش دهند وهمین مسئله‌دلیل بارز وآشکاری است‌که برنامه‌من درتقسیم املاك‌شخصی‌برنامه‌ای منطقی ومعقول بوده است ازاین‌گذشته بفکر من این برنامه تقسیم املاك گذشته از افزایش میزان تولید وایجاد سرمشق برای دیگران نتایجی مهمتر ودرخشان‌تر داشته است

اجرای این برنامه ثابت میکندکه میتوان درکشور ایران برای کشاورزان یك مرز وبوم زندگی نوینی بوجود آوردکه هم برای خود و خانواده روستائیان موجب رضایت و خرسندی باشد وهم ملتی در

این‌کشور زندگی کند که بآینده ایمان داشته وبرفعالیت خویش متکی باشد .

دومین قدم مثبت در اصلاح وضع کشاورزی ایران تقسیم اراضی زراعتی خالصه دولت وتهیه وسایل‌کار و مساعدت مالی به‌کشاورزانی است‌که از طریق تقسیم آن اراضی در عداد خرده مالکین قرار خواهند گرفت قانون تقسیم این اراضی در سال ۱۳۳۴ به تصویب مجلس شورایملی‌وتوشیح من رسید ولی چون اراضی مزبور بطوردقیق وصحیح مساحی نشده بود اجرای این قانون بتأخیر افتاد برای تسریع در ایجاد وسایل تقسیم املاك درسال ۱۳۳۷ به‌ارتش دستور دادم‌که درکار مساحی اراضی مزبور بامسئولین امرکمك‌کنند و در نتیجه از اواخر همان سال‌کار تقسیم اراضی بجریان افتاد. طبق همان‌روشی‌که درتقسیم املاك شخصی من مقرر شده بود مالکین و سفته بازان حق خرید و تصرف اراضی مزبور راندارند واین حق منحصر بکشاورزانی است‌که در قسمت کوچکی از اراضی بامر زراعت مشغول بوده‌اند .

فروش این اراضی نیزمانند اراضی‌سلطنتی باشرایط بسیارساده صورت میگیرد وبهای آن در بیست وپنج قسط سالانه پرداخت میشود . بانك‌کشاورزی نیز بااعطای وام‌بروستائیان وتشکیل شرکت های تعاونی روستائی سهم عمده ای درحسن اجرای این برنامه بعهده دارد . انتظار میرودکه درنتیجه اجرای این قانون اراضی خالصه دولت بین یکصدهزار خانواده‌کشاورز تقسیم گردد .

بطوریکه قبلااشاره‌کرده‌ام چون درحدود نصف اراضی مزروعی کشور متعلق به مالکان خصوصی است اصلاح وضع‌کشاورزی واستفاده از فرصت های موجود بیشتر متوجه آنهاست وسومین مرحله اصلاح مالکیت ارضی‌ایران‌همین امراست. تاچندسال پیش‌اگربامالکین خصوصی سخن از تقسیم املاك وسیع بمیان میآمد بسیار خشمگین میشدند ولی اخیراً عده‌کثیری از آنها باین نکته توجه پیدا کرده‌اند که بااصول مسلم عدالت اجتماعی وضع آنها قابل تحمل ودوام نیست . بعلاوه در ایران باایجاد رشته‌های جدید برای سرمایه‌گذاری دیگرکسی‌بداشتن اراضی بسیار وسیع وچندین پارچه ملك ، آن رغبت سابق را ندارد و بشمار آمدن جزو طبقه ملاك آن منافع وشأن وتشخص قدیم را بوجود

نمی‌آورد چون اکثرملاکین بزرگ‌که غالباً همان شیوه های فرسوده قدیمی را درکشت وبهره‌برداری املاک خود بکار میبرند بابکار افتادن وسایل جدید باید سرمایه‌های هنگفتی دراملاک خود بکار اندازندباین نکته توجه پیداکرده اندکه باسرمایه‌گذاری در صنایع واموربازرگانی که درایران باسرعت درحال توسعه است منافع بیشتر خواهند داشت

برنامه من درتقسیم اراضی تنها باین منظور نبودکه‌کشاورزانی که دراین املاک بکارکشت وزرع مشغولند از آن منتفع شوند بلکه میخواستم این‌اقدام برای ملاکین عمده نیزسرمشقی باشد چنانکه‌بعضی از آنها درصدد فروش املاک خویش برآمده اند

این نکته برمن مشتبه نیست‌که ملاکین بزرگ تنها باسرمشق و دیدن نمونه ، فکر خود را عوض نمیکنند وباید اقدامات جدی‌تری در این مورد بعمل آورد

برای این منظور قانونی گذراندیم‌که بموجب آن میزان اراضی مزروعی که یکنفر ویا یکدسته مشترکا در ملکیت خویش دارند محدود شده است و هرچه اضافه برآن داشته باشند باید بفروش برسد. دولت در این فروش، کاردلال وواسطه را انجام میدهد یعنی قطعات بزرگ املاک واراضی رایکجا خریداری میکند وآنها را بقطعات کوچك تقسیم مینماید وبا شرایط آسان بکشاورزان خرده مالك میفروشد. دربعضی موارد نیزممکن است بجای پرداخت پول نقد سهام‌کارخانه های متعلق بدولت بمالکین داده شود تا باین طریق هم ازفشارمالی‌که بدولت ناگزیر وارد می‌آیدکاسته بشود وهم در امر انتقال کارخانه‌های دولتی باشخاص وشرکت های خصوصی تسریع‌گردد

کشور ایران از لحاظ سیاسی واقتصادی واجتماعی بطور محسوس در حال پیشرفت و ترقی است ومردم‌کشور من بیش از این تحمل‌نخواهند کردکه به‌بینند عده معدودی مالك بزرگ بعنوان ارباب برجان و مال و سرنوشت هزاران کشاورزکه بسیاری ازآنها درنهایت بینوائی زندگی میکنند مسلط باشند از همین نظر علاوه بر تقسیم املاك خالصه و سلطنتی درنظراست‌که املاك وسیع اشخاص را هم‌تقسیم کنیم وهرچند قیمت عادلانه این املاك پرداخته میشود ولی بهیچوجه از این تصمیم عدول نخواهد شد. ملاکین بزرگ اگر چه ثروتمندند ولی عده آن ها

معدود است ومیدانندکه دربرابر خواسته های اکثریت ملت تاب مقاومت نخواهند داشت

دومین نیازمندی بزرك ما در بهبود اوضاع زندگی روستائیان و بسط کشاورزی در ایران توسعهٔ تعلیمات روستائی است. درفصل بعد راجع به تعلیم و تربیت بطورکلی سخن خواهد رفت ودراینجا فقط بذکر مسائلی که مخصوص بامر زراعت است پرداخته میشود باآنکه آزاد ساختن کشاورزان از چنگال مالکین عملی ضروری وبجاست ولی یك کشاورز مستقل باید راه اداره امور خود رابخوبی بداند وچون کشاورزی در ایران روز بروز با وسائل وفنون نوین مجهزتر خواهد شد باید طرز بکار انداختن ونگاهداری ماشینهای کشاورزی را فراگیرد وخلاصه آنکه کشاورزان ما باید باقتضای زمان بامور اداری وکارهای فنی فلاحت کاملا آشنا باشند

برای این منظوربه بسط وتوسعه تعلیمات کشاورزی درایران توجه خاصی مبذول شده است ، چنانکه در دانشکده کشاورزی کرج وابسته به دانشگاه تهران در حدود ۵۰۰ تن دانشجو بکسب تعلیمات نوین کشاورزی اشتغال دارند و برنامه‌ای راکه دوره‌آن چهارسال است و طبق اصول جدید تدوین شده طی میکنند . دستگاه علمی این دانشکده که در نقطه‌ای بسیار زیبا ومصفا در چهل کیلو متری تهران بنا شده پیوسته رو بتوسعه است تا بتواندگنجایش یکهزارتن دانشجو را داشته ووسائل تحقیق علمی وعملی آن ازهر حیث فراهم باشد. گذشته از دانشکده کشاورزی کرج دانشکده کشاورزی شیراز نیز بکار تعلیم علمی وفنی کشاورزی مشغول وپیوسته درحال توسعه وتکمیل است

امروز دوازده دبیرستان حرفه‌ای کشاورزی ودر حدود ۴۰۰ دبستان روستائی داریم‌که درکلاسهای پنجم و ششم آن به روستازادگان ما عملیات کشاورزی تعلیم میشود امیدوارم بتوانیم تعلیمات ابتدائی و متوسطه کشاورزی رادرایران توسعه دهیم ودر عین حال آموزشگاههای علمی کشاورزی نیز دایرنمائیم تا روستائیان کشاورز روشهای نوین زراعت و اصول فنی و طرز اداره امور زراعتی را بدون در نظر گرفتن سن وسال ویا سابقه تحصیلاتی بیاموزند. تردیدی نیست‌که با این طریق حتی کشاورزان بی‌سواد هم میتوانند طرزکار خود را بهبودبخشند.

این برنامه ها دراندك مدتی بوسیله تلویزیون یعنی تعلیمات سمعی و بصری نوین بمقام اجرا گذاشته خواهد شد .

اما این برنامه تعلیماتی کشاورزی برای رفع نیازمندیهای ماکافی نیست وکشاورزان باید طریق کاردسته جمعی واصول همکاری ودستیاری را بیاموزند وبا همسایگان خود در ایجاد و اجرای طرحهای عمرانی و سایر امور عام‌المنفعه محلی و تعاون روستائی سهیم وشریك گردند. انجام این منظور نیازمند رهبری است زیرا درهرجا کاردسته جمعی و همگانی صورت میگیرد باید رهبرانی آنرا اداره کنند تا بدرستی‌انجام پذیرد. معاضدت واطاعت نیز از شرائط مهم موفقیت است و افراد روستائی باید در اینگونه امور از میل شخصی خویش بنفع مقاصد همگانی صرف نظر کنند

برای اشاعه تعلیمات فنی و اصول رهبری و آشنائی بامور عمومی اقدامات بسیار دامنه‌داری ضروری است تا مردم را برای کمك و تعاون و دستیاری یکدیگر آماده بسازد . درسال ۱۳۳۵ قانون تشکیل شورای قصبات بتصویب‌مجلس شورایملی رسیدکه‌برای شوراهای مزبورشخصیت حقوقی قائل شده ومقررکرده است‌که مالکین پنج درصد از عواید خود را بشورای قصبه بپردازند . بعلاوه بشورا ها حق تحصیل وام داده شده‌است متأسفانه تاکنون بعضی ازمالکان بزرك ازمسئولیتی‌که در این قانون برای آنها مقرر است اعراض‌کرده‌اند وهمانطورکه ازپرداخت مالیات بردرآمد امتناع دارند از پرداخت این صدی پنج هم خودداری میکنند

باوصف آن اکثر مالکان مفاد آنرا محترم شناخته وبسیاری از آنها مخصوصاً کسانیکه درقراء خود زندگی میکنند از این قانون و مقرراتیکه موجب بهبود و پیشرفت های مهم در امورکشاورزی است پشتیبانی‌کرده اند .

بنگاه عمران‌که عهده‌دار اجرای این قانون است تقریباً در بیست هزار دهکده بتشکیل شوراها پرداخته وصدها روستائی را بفن اداره امور کشاورزی آشناکرده وهزاران طرح عمرانی محلی را بمورد اجرا گذاشته ودر ایجاد صدها شرکت تعاونی روستائی‌کمك ومساعدت نموده است

اما باوصف مساعی بسیار واقدامات گوناگونی‌که از طرف بنگاه مزبور بعمل آمده هنوز این امور ازسطح تجاوز نکرده است وبنظر من برای آینده‌کشور اقدامی ازاین ثمر بخش تر نیست‌که بودجه مختصر کنونی این بنگاه را به ده برابر افزایش دهیم . درتمام قراء ایران مردان قوی وباپشتکار وزحمت‌کشی هستند که راهنمائی هائی راکه طبق روش دموکراسی درکار آنها میشود بجان ودل میپذیرند وهزاران نفرروستائی هستندکه استعداد اداره امورکشاورزی رادارندولی‌اکثربرای این وظایف تعلیم وتربیت نیافته اند وبروز ونمو استعداد آنها منوط بتوسعه تعلیمات فنون مربوط بمدیریت کارهای فلاحتی است

روستائیان‌کشور ما برای انجام طرحهای مربوط به بهبود زراعت محلی خود به‌کمکها وتعالیم فنی دستگاه های دولت وآنچه در محل یافت میشود نیازمندند همچنین غالباً برای تهیه مواد اولیه ووسایل واسباب کار احتیاج بسرمایه دارند و باعتبارات دیگر نیازمندندکه بموجب مقررات قانون شورای قصبات فراهم ساختن آن میسر است هر چندکه فعلا مبلغی‌که بموجب قانون میتوان فراهم‌کرد خیلی مختصر است تجربه ثابت‌کرده است‌که اگر وسائل وعواملی‌که ذکر آنها رفت دراختیار روستائیان قرارگیرد ، خود آنها درکمال خوبی توانائی خواهند داشت‌که بکشیدن راه واحداث سد وحمام وپل وآموزشگاه ودرمانگاه ومسجد وحفرچاه وتأسیس کارگاههای حرفه‌ای بپردازند وهمه این امور را هم درفصولی انجام دهندکه کار فلاحتی آنها نسبتاً کمتر واوقات فراغتشان وسیع است برای سال ۱۳۳۹ هدف این بود که پانصد شرکت تعاونی‌روستائی تشکیل یابد واینك ازاین‌هدف تجاوز کرده‌ایم. قسمت عمده‌آنها شرکت‌های تعاونی اعتباری‌است‌که ازدویست تاششصد عضو تشکیل یافته است بعضی ازآنها نیز خدمات دیگری مانند نگاهداری حساب پس انداز اعضاء خود و توزیع کود شیمیائی و سایر احتیاجات فلاحتی وتهیه بازار برای محصولات اقدام میکنند بعضی از شرکت ها درکمال خوبی اداره میشود ومنافع سرشاری باعضاء خود میرسانندوبرخی دیگر یاطرز کارشان متوسط است ویا خوب کار نمیکنند بطورکلی موفقیت این شرکتها منوط بطرز رهبری ولیاقت وشایستگی فنی متصدیان است واز همین جهت لزوم واهمیت تربیت و

بتعلیم فن اداره کشاورزی روز بروز محسوس تر میگردد

عقیده قطعی من آنستکه درکشور ایران مانند هندوستان وسایر کشور های دموکراسی تقویت و نمو حس اتکاء بنفس در میان افراد در زندگی روستائی عادی تغییری بسیاربارز وآشکارخواهد داد. این انگیزه ویرا ملهم میسازدکه وی نیز در ایجاد آینده خویش سهمی دارد و نور نمای یك زندگانی مرفه اتصالا در پیش دیدگان وی روشن تر و درخشانتر جلوه خواهد کرد

ماهمیشه بایدباین نکته توجه داشته باشیم که ایجاد سدهای عظیم وراه آهن وبنادر و سایر طرحهای عمرانی در حیات روستائیان اثر آنی ومستقیم ندارد وهرچند این طرحهای وسیع برای بهبود وآبادانی کشور بسیار سودمند وضروری است ولی طرحهای کوچکتر که دردهکده ها وآبادیهای کوچك بموقع اجرا گذاشته میشود شامل حال کسانی میشودکه بیش ازدیگران استحقاق کمك ومساعدت دارند

سومین چیزی که اقتصادکشاورزی ما بدان نیاز فراوان دارداعطای اعتبار باشرائط منصفانه ومعقول بکشاورزان است درگذشته روستائیان بمالکان اراضی تکیه داشتندکه برای امرارمعاش خود ازآنها وام بگیرند ودر سرخرمن آینده معمولا جنسی رد نمایند

بهره سالیانه ای که باین وامها تعلق میگرفت بسیار گزاف بود و اغلب تا پنجاه در صد میرسید و از همین جهت روستائی که بادای آن توانائی نداشت تا ابد مدیون مالك میماند واگر احیاناً قطعه زمین یاچهار پائی داشت ناگزیر آنرا در ازای دینی که داشت از چنك وی میربودند

بانك عمران وبانك کشاورزی این وضع ناگوار را تاحدی ازمیان برده‌اند ، چنانکه بانك عمران در مقابل اعتباراتی که بصاحبان اراضی توزیع شده از املاك اختصاصی سلطنتی داده میشود وبانك در خرج آن هم‌از نظرحفظ منافع وهم از نظر جلوگیری ازتفریط‌نظارت دارد بهره بسیار نازلی که برای بانکهای دیگر ملاك عمل شده مقرر داشته است بهره اینگونه وامها اگرمستقیماً ازبانك گرفته شده باشد سالیانه‌شش درصد و اگر از شرکتهای اعتبارات تعاونی دریافت گردد نه درصد است

بانك کشاورزی نیز شعب خودرا در بسیاری از نقاط کشور دائر نموده وبآنها اختیار داده است که بدون مراجعه بمرکز نسبت به پرداخت وامهای کوچك اقدام نمایند و مبالغ هنگفتی نیز بوسیله شرکتهای اعتباری که خود تأسیس نموده بروستائیان وام داده است بعلاوه بانك عمران وبانك کشاورزی رویه جدیدی برای اعطای اعتبارات کشاورزی در سراسر کشور رواج داده اند ودرنتیجه مالکین وکشاورزان ایران دریافته اندکه این دو بانك برای دادن وام واعتبارات کشاورزی با بهرهٔ بسیار عادلانه حاضرند و همین اطمینان به وجود رقیب رویه فرسوده گذشته راکه برای دادن وام بابهره های هنگفت معمول بوده از میان برده وتحولی شگرف درکشاورزی بوجود آورده است .

باوصف این برای آنکه کشاورزان خرده مالك ما استقلال عمل پیداکنند آنچه تاکنون بوسیله وام واعتبار در اختیار آنها قرارگرفته نسبت بکلیه احتیاجات آنها مبلغ ناچیزی بیش نیست ازهمین جهت هرچه برعده خرده مالکین که ازاملاك سلطنتی صاحب زمین شده اند افزوده میشود بانك عمران باید برحجم وامهای خودبرای تأمین موفقیت این اقدام بیفزاید همچنین هرچه املاك خالصه وشخصی بیشتر تقسیم میشود بانك کشاورزی باید دائره عملیات وخدمات خویشرا وسیع تر سازد هرچند تعداد وامهای مختصری که بانك کشاورزی بزارعین داده بسیار زیاد است ولی این بانك درگذشته قسمت بزرگی از منابع خود را باعطای وامهای هنگفت به مالکان خصوصی صرف کرده است که احتیاج واقعی بمساعدت مالی نداشته اند ودر بعضی موارد نیز وامهائی راکه گرفته‌اند دراموری که ابداً بکشاورزی مربوط نیست بمصرف رسانیده‌اند.

ازدیاد عده بانکهای خصوصی در ایران تأثیر مطلوبی درامور معاملاتی کشور داشته است وهیچ دلیلی نمی‌بینیم که این بانکها نیز مانند بانکهای خصوصی امریکاوسایر ممالك مترقی وارد معاملات اعتبار کشاورزی بمبالغ زیاد نشوند اما در مورد وامهای کوچك کشاورزی همیشه باید دولت پیشقدم باشد واین فکر راکه اینگونه وامها حتماً باید بدون هیچگونه خسارت ناشی از تأخیر وعدم پرداخت بخودی خود مستهلك گردد بدور اندازد تشریفات و مخارج اداری ونظائر آن که بهر وامی تعلق میگیرد مساوی است وکمی وزیادی مبلغ وام تأثیری

در آن ندارد ووقتی مبالغ مختصری با بهره بسیار نازل بچندین هزار نفر زارع داده میشود تحصیل سود یااقلا جبران هزینه هائی که باین وامها تعلق میگیرد هرگز امکان پذیر نیست

البته من معتقد نیستم که کسی باید ازپرداخت یااستهلاك دین خود امتناع کند ولی عقیده دارم که هرچند تمام وام گیرندگان قروض خودرا در موعد مقرر تصفیه کنند بازاگر منظور پیشرفت و موفقیت این مؤسسات در خدمات اجتماعی باشد دولت باید بخشی از هزینه آنها را همواره تعهد نماید چنانکه این روش درکشور امریکا وسایر ممالك مترقی دیگر نیز معمول است

چهارمین احتیاج بزرك کشاورزی ما آب است زیرا ایران تقریباً کشوری خشك بقلم میرود ومسئله تأمین آب دائماً فکر عموم را بخود مشغول داشته است

منبع عمده آب کشور ما برفهای کوهستانست وهرچند این مطلب کیفیت تناقض دارد ولی باید گفته شود که مقدار آبیکه از ذوبان برف بدست میآید بیشتر از احتیاج ماست ودشتها وکوه پایه‌ها نیز از آب باران وبرف بی‌بهره نیستند . مایه اصلی اغلب رودخانه های کشور آب برف وسرچشمه آنها درکوهستانهای ماست که بطور کلی در داخله کشور واقعند و این وضع با کشور های دیگر مانند مصر فرق دارد زیرا آب مورد احتیاج مصر ازرود نیل تأمین میشود که سرچشمه آن در خارج ازکشور است و در حقیقت آب یکی از واردات مهم مصر بشمار میرود

ذخائر آب کشور را دو عامل مختلف که لازم وملزوم یکدیگرند بهدر میدهد اول آب بردگی خاك است که هم علت کم آبی و هم نتیجه کمی آب در مواقع ضروری است . زیرا کوهستانهای ما اغلب از بوته وگیاه عریان است وآبیکه در بهار از آنها سرازیر میشود چون بمانع برخورد نمیکند بسرعت جریان پیدا میکند و خاك کوهسار ها و دشتها را شسته و با خود میبرد . عدم توجه و استفاده نادرست از مراتع و چراگاهها و قطع درختهای جنگلی نیز باین وضع کمك میکند و در نتیجه ذخائر آب کشور کاملا مورد استفاده قرار نمیگیرد .

دوم شور بودن آبست زیرا آبهائیکه زمین های مزروع رامشروب

میکند همان آب باران است که در عبور از روی اراضی مقداری نمك بآن‌آغشته میشود . بعلاوه هراغلب اراضی شوره زیر زمین موجود است که اگر بیش از حد لزوم آب درآنها راکد بماند وزه‌کشی زمین به ترتیب صحیحی انجام نیافته باشد نمك زیر زمین بسطح رخنه یافته و بزراعت آسیب فراوان میرساند. شوره ای‌که بدین‌کیفیت سطح اراضی رافرا میگیرد در بعضی از نقاط دنیا از جمله ایالات متحده امریکا و ایران موجب آن شده است‌که قسمتی از اراضی غیر قابل کشت بماند . ولی اغلب اینگونه اراضی را میتوان دوباره برای کشت و زرع آماده ساخت بدین طرزکه مقدار معینی آب از یك سمت روی این اراضی میاندازند تا نمك موجود در سطح را در خود آغشته سازد و از سمت دیگر زمین خارج شود وبرای اطمینان بموفقیت ممکن است قبل از انداختن‌آب زمین را شیارکرد یا وسائل دیگر بکاربرد . هزینه زه‌کشی زمین شاید کمتر از هزینه آبیاری آن نباشد ولی خرج بسیار مفید وبجائی است . اغلب خاك کشور ما دارای خلل وفرج زیاد است و همان زه‌کشی ساده ومعمولی برای حصول نتیجه کافیست بشرط آنکه آبیاری صحیح در آن صورت گیرد آبیاریهائیکه از طریق علمی انجام میگیرد هم زمین را از صدمه نمك حفظ میکند و هم اگر در گذشته دراثر بی‌مبالاتی معایبی دیگر درخاك راه یافته باشد از میان خواهد رفت

خلاصه سخن اینست که دشواری امر زراعت در ایران کمی آب نیست بلکه مسئله در رساندن آب خوب در مواقع معین باراضی مخصوص است . برای رفع‌این دشواری وسائل متعددی هست :

اول ـ غرس اشجاروکشت نباتات و ایجاد جنگل وبیشه وحراست آنها از تعدی حیوانات ومردم است و بدین وسیله میتوان از شسته شدن خاك قابل زراعت کاست

دوم ـ احداث سد روی رودخانه‌هاست تااز جریان فصلی سیل جلوگیری شود وآب برای آبیاری درمواقع لازم ذخیره‌گردد وشسته شدن خاك را تخفیف دهد

سوم ـ مرمت وتوسعه و لاروبی قنوات است‌که ویژهٔ سرزمین ماست و آب را از منابع کوهستانی ومجاری زیر زمین بمزارع میرساند

و تقریباً هشتاد در صداز آبهای کوهستانها بوسیله همین قنوات اراضی مزروع را مشروب میکند.

چهارم - حفرچاه مخصوصاً چاههای عمیق واستفاده ازآنهابوسیله تلمبه برقی و یادیزلی است .

پنجم - جلوگیری از تبخیر وهدر رفتن آب جویبارها ورسیدن آب بیش از حد لزوم بزمین های زیر زراعت است .

ششم - بهبود وتکمیل‌رویه‌زه‌کشی است تابدینوسیله ازتراکم و تولید شوره جلوگیری شود .

هفتم - کشت‌گیاه و سبزیهائی مانند یونجه - پنبه - چغندر - مارچوبه - کرفس - اسفناج وعلفهای‌گوناگون وطالبی وخربزه مشهور ایران است‌که طاقت خاك وآب شور دارند

هشتم - تبدیل آب‌شور بوسائل علمی بآب شیرین برای زراعت و کار سازی است

نهم - افزایش محصول‌زمین‌به تناسب‌مقدارآب‌موردمصرف است که ذیلا توضیح‌آن داده خواهد شد

در عمل وسائل نه‌گانه فوق‌کم و بیش درکشورما بکارمیرود ولی هیچ یك بآن میزانی که من برای آینده کشاورزی ایران پیش بینی میکنم مورد استفاده قرار نگرفته است

اداره جنگلبانـی وزارت کشاورزی برنامه وسیعی بـرای احیـاء جنگلها بموقع اجرا گذاشته است و درنقاطی کـه وسایـل مکانیکی کشاورزی بکار افتاده است‌کشاورزان ما باهمیت حفظ و مراقبت از زمین های قابل زراعت توجه مخصوص پیداکرده‌اند

در فصل هفتم به برخی از طرحهای بزرك آبیاری کـه اینك در دست اقدام است اشاره‌کرده‌ام بانك عمران وبانك‌کشاورزی وسازمان برنامه اعتباراتی برای مرمت قنوات وحفر چاه ونصب تلمبه تخصیص داده وبا همکاری وزارت کشاورزی براهنمائی فنی برزگران وکشاورزان همت‌گماشته‌اند وزارت کشاورزی نیز درمسائل مربوط بآبیاری بطرز جدید وزه‌کشی وکشت غلات مناسب شوره‌زار کشاورزان را راهنمائی میکند و توأم با مطالعات وتحقیقات دانشکده کشاورزی کرج به‌تحقیق علمی وفنی در این مسائل میپردازد .

مسئله تبدیل آب شور بـه آب شیرین مورد توجه بسیاری از کشور هاست ودر سال ۱۳۳۷ کنفرانس بین‌المللی مهمی در دانشگاه تهران تشکیل گردید و درباره همین موضوع و مسئله زمینهای مناطق خشك بمذاکرات فنی وعلمی پرداخت. امروز بعضی ازشهرهای نسبتاً بزرك مخصوصاً شهرهای ساحلی خلیج فارس مانند شیخ‌نشین کویت و قطر بوسیله تقطیر آب شور هر روز مقدار زیادی آب شیرین تهیـه میکنند واین آب آنقدر شیرین است که مجبورند مقداری نمك درآن حل‌کنند تا طعم طبیعی خود را پیدا کند

بنظر من تبدیل آب شور به آب شیرین از امور بسیار ضروری است ودیری نخواهدگذشت‌که این‌کاربوسائل علمی‌توسعه شایان خواهد یافت ودر کشورهائی مانند ایران آب مصنوعی برای مصارف کشاورزی وکار سازی بحد وفور دراختیار مردم قرار خواهد گرفت

اینك باید دید مهمترین وسیله رفع مشکل کمبود آب زراعتی و ازدیاد محصولات‌کشور کدام است ؟ بنظر من پاسخ این پرسش آنست که باید طریقه نوین کشت غلات را ترویج‌کرد واین پنجمین نیازمندی کشور ماست که بـا تغییرات نسبتاًمختصری در رویه کشت و زرع میتوان محصول کشور را آنقدر افزایش داد کـه از هر حیث قابـل توجه باشد

در حال حاضر سالیانه فقط یك ثلث از اراضی مزروعی کشور زیر کشت و زرع است . همین زمین ها نیز بدون آنکه بآن‌کود حیوانی یا شیمیائی بدهند زراعت میشود و هنوز در ایران مانند عده‌ای ازکشورهای آسیائی کود حیوانی را بمصرف سوخت میرسانند وبرای رشوهٔ زمین مورد استفاده قرار نمیدهند آلات وابزارکشت و زرع را نیز با دست واز چوب وآهن میسازند و گاوآهن ها معمولا چوبی است که فقط تیغه آن از آهن است یادسته‌ای از آهن به تیغه چوبی وصل‌کرده‌اندو بوسیله الاغ روی زمین‌کشیده میشود. درکناره‌های بحرخزر وخلیج‌فارس گاو میش بجای الاغ بـکار میرود و عمل کشت و زرع و درو کلابا دست انجام میگیرد برای جداکردن دانه‌گندم از شاخه که معمولا در نزدیکی دهکده روی قطعه زمین گل‌اندود خرمن میشود عده‌ای از چهار پایان را روی خرمن میدوانند تا شاخه ها زیرپای‌آنها خرد شود .

دراین رویه کهنه ناگزیر باید تغییرات اساسی دادهشود ولی باید دید کدام رویه جدید را باید بجای آن اختیار کرد وچگونه میتوان میلیونها افرادکشاورز راکه بیشتر آنها هنوزبیسواد هستند وادارکردکه دست از رسوم آباء واجدادی خود بردارند ؟

پاسخ این سئوالها آنست که باید درمسئله فلاحت ایران تحقیقات دامنه دار و وسیعی بعمل آید . مثلا باید دید چرا هرسال دو ثلث از اراضی مزروعی کشور بعنوان آیش بدون استفاده و معطل می ماند ؟ علت این امر قسمتی کمی آب ولی بیشتر نتیجه کمی مواد نیتروژنی در خاك است زیراکشاورزان زمین را شیار نموده وبدون این‌که در آن کشت و زرع کنند مدت دو تا چهار سال وبطور متوسط سه سال بحال خود میگذارند تا مواد نباتی که در خاك وجود دارد پوسیده و به نیتروژن که مورد احتیاج زراعت است تبدیل گردد . این رویه آیش بسیار زیان آور و مخصوصاً مایه اتلاف وقت است زیرا زمین قابل زرع بدون آنکه اندك توجهی از آن بشود متروك می‌ماند ورطوبت آن صرف روئیدن علفهای هرزه میشودکه خود مقداری از نیتروژن خاك را میخورد و باعث کمیابی این ماده لازم در خاك میگردد .

بهترین طریق رفع این اتلاف بکار بردن کود ورشوه در زمین است زیرا رشوه مخصوصاکود شیمیائی نه تنها مواد نیتروزنی لازم را دراندك مدتی بخاك میرساند بلکه سایر مواد ضروری و مخصوصاً گوگرد رانیز بزمین میدهد سابقاً کشاورزان ما به خصیت گوگرد پی نبرده و استطاعت خرید کود شیمیائی را نداشتند . برای تأمین سوخت خود از نفت استفاده نمیکردند وکود حیوانی میسوزاندند با بکار بردن کود واتخاذ رویه درست برای کشت وزرع مناسب هر فصل دیگر احتیاجی بادامه طریق آیش وبی مصرف نگاهداشتن زمین نخواهد بود ومحصول هرهکتار زمین ومقدار آبی که برای کشت و زرع بکار میرود افزایش بسیار خواهد یافت .

آزمایش های مقدماتی که در ایران در شرایط فعلی بعمل آمده نشان میدهد که مثلا اگر در برنج کاری کود کافی بمزارع برسد ۵۰ در صد بر میزان محصول افزوده خواهد شد بدین جهت ساختن کود شیمیائی در کشور آغاز گردیده و بقیمتی نازل که خرده مالکین بتوانند

نقداً خریداری کنند یا بهای آنرا با شرائط سهل وآسان از شرکت‌های تعاونی دریافت دارند در دست کشاورزان قرار می گیرد یقین دارم که میتوان کشاورزان کشور را بفوائد کود شیمیائی آشنا نمود و مقدار استعمال آنرا بآنها یاد داد

از این گذشته اگر زمین را بطور صحیح برای زراعت و بذر افشانی آماده کنند محصول آن افزایش معتنابهی خواهد یافت و درزراعت‌هائی مانند پنبه و چغندر قند که در کرزه‌های موازی می شود هر گاه زمین را بجای شیار با گاو آهن های قدیمی با خیشهای تازه شیار کنند میتوان محصول را تقریباً بیست و پنج درصد افزایش داد واگر پس از شخم زدن، زمین را بوضع صحیحی برای بذرافشانی آماده کنند درازدیاد محصول تأثیر دیگری خواهد داشت

بعلاوه با رویه فعلی که بذر را با دست در زمین هائی که بطریق صحیح آماده نشده میپاشند مقداربذری که بکار میرود سه برابرمقداریست که بوسیله بذرافشان مکانیکی روی زمین آماده افشانده شود وتنها با اتخاذ این رویه های نوین میتوان در حدود ۳۰۰/۰۰۰ تن بذر گندم و ۷۵/۰۰۰ تن بذر جو در هر سال صرفه جوئی نمود. در نتیجه مطالعاتی که کارشناسان ژاپونی بعمل آورده‌اند معلوم شده است که اگر اراضی برنجکاری کشور ایران بطور صحیح آماده شود و رشوه کافی داشته باشد وشیوه نوین بذرافشانی در آن معمول گردد مقدار محصول آن بسهولت دو برابر خواهد گردید .

علاوه برآنچه گذشت در زمینی که بطریق صحیح برای زراعت حاضر گردد میتوان در آبی که فعلا صرف میشود بدو طریق صرفه جوئی کرد اول آنکه در زمینی که طبق اصول فنی آماده شود هم آب کمتر تبخیر میشود وهم محصولش بسیار زیاد تر خواهد شد یعنی میتوان با آب کمتر محصول بیشتر برداشت واز آبی که بدین ترتیب صرفه جوئی شده برای زراعت درزمین هائی که فعلا در اثر بی‌آبی کشت وزرع نمیشود استفاده کرد دوم آنکه با اتخاذ رویه فنی جدیدکه در زراعت دیم بکار میرود میتوان از میزان مصرف آب کاست

البته هزاران سال است که کشاورزان ما بهزراعت دیم آشنا بوده‌اند ولی دیم کاری باوسائل ماشینی جدیدداستان دیگری است وامروزمیتوان

مساحت بسیار وسیع از اراضی ایران را با وسایل مکانیکی که برای کشت وزرع دیم در نقاط نسبتاً خشك و بی‌آب امریکا و استرالیا وسایر کشورها مورد استفاده قرار میگیرد بزیر زراعت کشید واراضی وسیعی که تا حال تصور میرفت زراعت در آن مستلزم وجود آب فراوان است برای‌کشت و زرع دیم با وسایل مکانیکی آماده ساخت. امروزعده‌ای ازکشاورزان ایرانی درکشت و زرع فاریاب ودیم از وسایل مکانیکی جدید استفاده میکنند چنانکه در قراء کشور اینك درحدود ۵۰۰۰ تراکتور مشغول کار است و هر روز بر تعداد این وسایل افزوده میشود. در استانهای بزرك‌کشور مخصوصاً آذربایجان و کناره بحر خزر و خوزستان ودشتهای حاصلخیزحوالی تهران تراکتورهای بزرك‌وگاوآهن و غله پاك کن و سایر ادوات و آلات مکانیکی کشاورزی بچشم میخورد و در حقیقت منظره روستائی مشرق زمین با گاو آهن چوبی دیگر در مزارع کشور ما غیر متجانس جلوه میکند و هر چند هنوز آلات وابزاریکه با دست ساخته شده مورد استعمال دارد ولی روزبروز از تعداد آنهاکاسته شده وآلات ووسایل مکانیکی افزایش پیدامیکند.

تعداد کثیری از محصولات‌کشور ما هنوز همه ساله در اثر آفات مختلف و وجود علفهای هرزه از کف میرود . مثلا خسارتی که علفهای هرزه و مضر بکشاورزان برخی از نقاط آذربایجان وارد میسازد درحدود هشتاد در صد ازکل محصول آنهاست . ملخ و سایر حشرات موذی و آفات نباتی به غلات وپنبه وسبزیها و میوه های ما لطمه و صدمه میزنند و هرچند اقداماتی برای مبارزه بااینگونه آفات بعمل آمده است ولی دراین مورد کارهای بسیار در پیش داریم‌که باید انجام‌گیرد. یکی دیگر از علل کاهش محصولات در ایران عدم توجه به بذر است زیرا بسیاری ازکشاورزان ما آنچه از سال پیش صرفه‌جوئی کرده‌اند ومعمولا از نوع تخم‌خوب وسالم هم نیست صرف بذرسال بعد میکنند واین نوع بذر نامرغوب طبعاً محصول زیاد ندارد. اقدامات نسبتاً محدودی که اخیراً در مسئله تهیه بذر مرغوب بعمل آمده نتایج رضایتبخش داده و روستائیان ماانیك بفراهم کردن بذر خوب وجوان و تنوع آن توجه مخصوص پیدا کرده اند وقتی در جلو دیدگان‌کشاورز دو قطعه زمین مزروع‌که یکی بذر مرغوب وصحیح داشته ودیگری بابذرهای معمولی

ونامرغوب زراعت شده قرارگیرد و تفاوت میزان محصول هریك را مشاهده کند طبعاً به اهمیت تهیه بذرجوان ومرغوب پیخواهد برد و ازهمین جهت ازدیاد اینگونه نمایش‌های محسوس بسیار ضروری است پاره‌ای ازاصولی‌که شرح آن رفت درعمل پرورش درخت میوه وپسته وبادام ونظائر آنها نیز باید بمقام عمل درآید زیرا هرچند در قرون گذشته ایران در عمل‌آوردن میوه شهرتی بسزا داشته است ولی درطرز کشت وپرورش میوه باتوجه به ترقیات فنی باغبانی عصر امروز تغییری بوجود نیامده است ومثلا درکشت انواع گوناگون میوه واستعمال‌کود وسمپاشی درختان اهمال شده ودر نتیجه هرساله هزاران تن ازمحصول باغستانها از میان رفته است وباآنکه درایران میوه های خوب بمقادیر زیاد تولید میشود ولی باز در بازارگاهی سیب وسایر میوه هائی‌که از خارج وارد میشود وبمشابه بردن زیره بکرمان است بچشم میخورد

مواشی ما از نژاد بسیار عالی واصیل است مثلا گوسفندان پردنبه ایران دارای گوشت مطبوع وپشم عالی هستند و پشمی‌که برای بافتن قالی های‌گرانبها ولطیف بکارمیرود ازهمین گوسفند هاست‌که درشرایط سختی پرورش‌می‌یابندکه موجب ازمیان رفتن‌گوسفندان سایرکشورهاست. باوجود آن هنوز باید نژادهای دیگری از مواشی وطیوریکه در خارج از ایران پرورش یافته اند درکشور خود تربیت کنیم چنانکه هم اکنون به پرورش‌گله های‌گاوشیرده قهوه‌ای رنك مخصوص‌کشورسویس پرداخته‌ایم و روز بروز برخریداران مرغ امریکائی مخصوصاً نوع‌قرمز رنك آن و تخم مرغهای درشت امریکائی که از تخم مرغهای ایران بزرگتر است افزوده میشود روستائیان ما دریافته‌اندکه نگاهداری این مرغها برای آنها بامنفعت تر است اما مواشی ومرغهای خانگی ماباید طبق اصول فنی تغذیه‌کنند وکشاورزان ما اهمیت‌کشت جو و چاودار ومخصوصاً شبدر راکه هم موجب جلوگیری ازشسته شدن خاك و هم برای تغذیه مواشی بسیار مفید است دریابند امروز دستگاه دامپزشکی بسیار مجهزی که به تمام نقاط‌کشور ایران سرکشی‌میکند ایجاد نموده ایم ولی شك نیست‌که برای مبارزه بابیماریها وانگلهای حیوانی باید کوشش بیشتری مبذول داشت وزارت‌کشاورزی ووزارت فرهنك ودانشکده های کشاورزی ودامپزشگی دانشگاه تهران وبنیاد

پهلوی وبانك عمران وبانك کشاورزی و بنگاه عمران وزارت کشور و اداره توحید اوزان واجناس (استاندارد) وزارت بازرگانی بتحقیقات علمی وعملی در امور کشاورزی کشور وتوسعه آن مشغولند وبعضی از مؤسسات خارجی که در فصل بعد ذکری از آنها خواهد رفت بامؤسسات ما در این خدمات همکاری وتشریك مساعی میکنند

باوصف اقدامات فوق این حقیقت را نمیتوان انکار کرد که کوشش هائیکه دراین مورد بعمل آمده نمیتواند اصول کشاورزی ایران را یك دفعه دیگرگون کند زیرا اگر نباید باعمال زور وفشار توسل جست طبعاً تغییر عادات کهن مخصوصاً در امر زراعت احتیاج بزمان دارد و یك سلسله تحقیقات علمی وفنی دامنه‌داری ضرور است تامعلوم شود چگونه میتوان اکتشافات نوین و علمی مربوط بکشاورزی را بااوضاع وشرائط ویژه ایران منطبق ساخت وچون در کشور هزاران قریه و آبادانی موجود است تعمیم وترویج نتایج حاصل از تحقیقات علمی در تمام‌آن قراء‌کاری آسان نیست. با اینهمه هرسالی‌که میگذرد دامنه عملیات ما دررشته تحقیقات کشاورزی وسعت وتنوع پیدا میکند

گذشته از اقداماتی‌که باید برای ازدیاد محصول بعمل آورد باید طریقه بهتر وعملی‌تری برای جمع آوری و انبارکردن محصول اتخاذ نمائیم وششمین نیازمندی بزرگ کشاورزی نیز همین است. در این مورد اهمیت ایجاد سیلو وکارخانه های‌کنسرو سازی‌کشورکه در فصل هفتم بآنها اشاره شد واداره استانداردکه دربهبودکارهای صادراتی‌کشاورزی خدمتی ارزنده را بعهده دارد آشکار میشود باوجود این باید درطرز جمع‌آوری ونگاهداری غلات‌که اینك در دهکده های ما معمول است اقدامات وسیع ودامنه داری بعمل آید

هفتمین نیازمندیهای‌کشاورزی ایران ایجاد طرق ارتباط ومواصلات بین ۵۰،۰۰۰ قریه ودهکده ایران باجهان خارج است، زیرا هرگاه در دهکده ای‌که محصولش کمی بیش ازمصرف‌ساکنان‌آن باشد بتوان با بکار انداختن وسائل جدید میزان تولید آنرا دوبرابر ساخت جز آنکه محصولات‌آن دسترس ببازار داشته باشد ازآن‌اقدام نفعی‌متصور نیست و اگرکشاورزان ما در نتیجه اتخاذ اصول نوین بافزایش محصولات خود همت‌کنند ولی بواسطه موجود نبودن وسائل نقلیه هرچه درو و خرمن

کرده اند درهمان دهکده فاسد شود چه نتیجه ای عاید کشور خواهد گشت ؟

درفصل سابق درباره تدابیر واقداماتی‌که برای‌بسط وتوسعه طرق مواصلات داخلی وخارجی بعمل آمده بحث شده و در این جا بمناسبت مقام اشاره‌ای باین‌موضوع شده‌است تااهمیت بسطوتوسعه طرق‌ارتباطی ومواصلات ازنظر کسی دور نماند

اکنون به هشتمین نیازمندی‌کشاورزان ایران میپردازیم و آن مسئله تغییر وتحول وضع زندگانی مردم روستاست باید بخاطر داشت که دهکده های ایران دارای خصوصیات بسیار دلپذیری هستند چنانکه ذکر نام دهکده ایرانی در نظرمن‌کوشك‌هائی را مجسم میکندکه با درخت محصور است وجویباری ازمیان‌آن میگذرد وسایه وروشن مطبوع بوجود میآورد وکلبه ها باقالیهای رنگارنك مزین وظروف براق‌مسی وبرنجی بدیوار اطاقها آویخته وباغها پرازتاك بارور ومیوه‌های‌گوناگون است پیرمردان درکنار جویها راحت نشسته وزنان بگفتگو وکودکان ببازی اشتغال دارند

با آنکه من از بینوائی وبیماری و بیسوادی بسیاری از روستائیان همیشه نگران بوده‌ام ولی باید اعتراف کردکه این مردم کمتر خطر گرسنگی داشته‌اند وسادگی وبی‌آلایشی حیات برای‌آنها نعمت‌های مغتنم وگرانبهائی بوده است زندگانی دهکده نشین ها کیفیت و مشخصاتی ویژه خویش دارد اساس وواحد اجتماعی این روستا ها خانواده است و معاشرت ها و روابط اجتماعی افراد بسیار طبیعی است و مانند شهر نشینان رسمی و ظاهری نیست

قسمت بزرگی از ایام حیات روستائیان صرف پرورش میشود که تربیت نباتات ودرختان ومواشی وکودکان شامل آنست

مردم دیگر کشور من بدون شك زندگی روزانه دهکده های ایران را بی حادثه وساکن ومتأنی میدانند چراکه مردان بیشتر ایام سال رادر مزارع میگذرانند وهمینکه هوا تاریك میشود بدهکده بازگشته وگاهی درقهوه‌خانه‌آنجا فنجانی چای نوشیده وبخانه وبستر میروند وسحرگاهان با اولین بانك خروس چشم میگشایند روزهای جمعه‌که روزآسایش است یا بمسجد میروند ویا در پرتو آفتاب نشسته وچپق‌میکشند. و یا

اگرهوا گرم باشد زیرسایه درختان می‌آسایند. گاهی یکی ازآنهادرباب وضع هوا یامحصول یامشکلی که برای وی پیش آمده یاشرح مسافرت دوستی‌که باماکن متبرکه بزیارت رفته است سخنی میگوید ودیگران نیز کلمه‌ای برآن میافزایند. زنها باتفاق شوهران خود به کشتزار میروند ویادرخانه مانده به‌آشپزی وشست وشو ومواظبت کودکان ویاقالی بافی میپردازند. درفصل زمستان‌که دراکثر نقاط ایران درکار کشت وزرع وقفه پیدا میشود چرخ زندگی روستائیان آهسته تروبی جنب‌وجوش تر میگردد. مردها اغلب به‌قهوه‌خانه میروند وخانواده آنها عموماً درخانه های کوچك خود میمانند.

هرچند این طرز زندگانی روستائی راسخت وخشن بار می‌آورد ولی آرزوی من آنست که این مردم ازنعم حیات بیشتر بهره برگیرند واز آنچه ذوق وهوش راصفا وهیجان میبخشد بیشتر برخوردار باشند واز همین طریق‌است‌که روستائیان امیتوانند وظائف کشاورزان عصرنوین‌را بعهده‌گیرندودرمحیط دموکراسی‌اعضائی ترقیخواه وپیشرفت طلب‌گردند.

درباره اهمیت امور عام‌المنفعه که باید درقراء وقصبات ایران انجام گیرد مانند ایجاد نیروی برق واحداث جاده وساختمان مدارس و تهیه وسایل بهداشت قبلا سخن گفته ام. اینگونه اقدامات نه تنها از نظـر اقتصادی وافزایش محصولات کشاورزی بلکه از جنبه فرهنك و تمدن نیزکه رویه زندگانی روستائیان رابهبود میبخشد حائز اهمیت فراوان است. آزمایشهای مختصری‌که درکشور ماوممالك دیگر بعمل آمده ثابت کرده است که وجود نیروی برق وضع زندگی مردم دهکده نشین را بکلی عوض میکند وایجادراه نه تنها رساندن محصولات رابابازار ها تسهیل مینماید بلکه ارتباط اجتماعی بین افراد راوسیعتر میکند. احداث آموزشگاهها نیز همانطورکه درازدیاد محصول اثرمستقیم دارد افق فکری دهقانان رابازتر وروشن‌تر میسازد. فراهم بودن وسـایـل بهداشت نه تنها قدرت جسمانی روستائیان رابرای کاروکوشش زیادتر میکند بلکه موجب آرامش خیال ورفاه معنوی آنها میگردد.

دراکثر قصبات ایران اقلا یکدستگاه رادیوکه مورد استفاده عموم است وجود دارد. اخیراً عده آنها افزونی یافته است ومن این نکته

رابچشم خویش دیده‌ام زیرا چون درهنگام پرواز برفراز نقاط کشور خود خلبانی هواپیما را تعهد میکنم آتش‌های متعدد روی بام‌کلبه های روستائی توجه مراجلب کرده است.

توسعه نیروی برق باعث ازدیاد عده دستگاههای گیرنده رادیو میشود وکارهای پرزحمت دهقانان وزنان آنهارا نیزآسانتر میسازد. چنانکه ازموتورهای برقی برای گردانیدن آسیا ودستگاههای روغن‌کشی وبافندگی وو سائل نجاری بکار میافتد ودرمدت کوتاهتر محصول بیشتر بدست میآید. از نیروی برق درصنایع‌کوچکتر نیز استفاده های فراوان میشود وبالاخره توسعه و تعمیم این نیرو دردهات درترقی سطح‌زندگانی دهقانان تأثیر مهم خواهد بخشید.

میل من اینست که هر چه عده روستائیان باسواد افزایش میگیرد در تمام دهکده‌های کشور ویا اقلا در آبادیهائی که جمعیت آن نسبتاً زیاد است قرائت خانه‌هائی ایجاد شودتا روستائیان بتوانند ازکتب مفید ومجلات وسایرنشریات ادبی‌وعلمی وعملی استفاده‌کنند.همچنین‌کتابخانه های‌سیاربتمام اقطارکشور بروند وکتب ومجلات‌گوناگون را دردسترس عموم قرار دهند. درروستاهای بزرك باید مردم را بتاسیس سینماهای دائمی تشویق نمود. سینماهای سیارکه اینك به‌بسیاری ازنقاط کشور میروندباید بهرگوشه وکنار وقریه دور افتاده‌ای فرستاده شود هر دهکده و قصبه بزرك باید دسته پسران و دختران پیش‌آهنك مخصوص خویش داشته باشد وبرای جوانان باشگاه‌های متنوع بوجودآید. انتظار من این است‌که درانجام خدمات شوراهای قصبات و مامورین عمران پیشقدم گردند و سهم مهمی از این خدمات عمومی را انجام دهند

میلیونها مردم روستائی این‌کشور دارای خصائص قابل تمجیدی هستند واز همه مهمتر میهن پرستی آنهاست. کسانیکه با دهقانان ما محشور بوده‌اند در این گفته همداستانندکه روستائیان ایران بالفطره مردمی با هوش و با سرعت انتقالند وبرای فراگرفتن دقایق فنی و معلومات نوین شوق فراوان دارند. بزرگترین نشانه بارزمیهن پرستی واز خودگذشتگی شهر نشینان ما بنظر من چیزی جز این نیست که دامن همت بکمر زده ومردم روستا را در این اموركمك نمایند تا دیری نگذردكه خود دهقانان بتوانند این وظایف رابی‌دستیاری دیگران

در قراء خویش بموقع اجرا بگذارند

دراین فصل راجع به نیازمندیهای هشتگانه کشاورزی یعنی اصلاح امرمالکیت ارضی، کارآموزی وراهنمائی های فنی ، تهیه اعتبارکشاورزی باسودهای مناسب، افزایش مقدارآب شیرین در زمینهای مزروعی، بهبود وضع کشت وبهره برداری، اتخاذ روش فنی برای جمع‌آوری وانبارکردن محصول وتسهیل وتوسعه وسیله مواصلات روستائیان، توسعه وتعلیم وتربیت معنوی وبدنی درقصبات وروستاهای کشور به تفصیل صحبت کرده‌ام وامیدوارم این نکته راواضح ساخته باشم‌که مسائل موردابتلای کشاورزی مایك سلسله مسائل مبهم نیست بلکه میتوان آنهاراتقسیم وتفکیك کرد

من ازاین علاقه وهیجانی که اینك درکشورمن برای اصلاحات کشاورزی پدیدآمده بسیار خرسندم ولی تنها علاقه وشوق باصلاح کافی نیست بلکه باید وارد مرحله عمل واقدام گردید وهر عملی که میشود براساس مطالعات دقیق و قطعی و از روی یك برنامه صحیح و عاقلانه ومنظم باشد .

چشم دل من همواره بمردم کشاورز ایران نگران است ووقتی آینده آنهارا بنظر می‌آورم دورنمائی بسیار دلپذیر وزیبا وپراز امیددر برابر دیدگان باطن من گشاده میگردد.

فصل دهم

زن ایرانی در اجتماع

چندی پیش یك بانوی جوان ودلفریب ایرانی بنمایندگی ازطرف بانوان ایرانی درکنفرانس زنان آسیائی وافریقائی که در شهر کلمبو تشکیل گردید شرکت نمود وی پس ازمراجعت حکایت میکردکه یکی ازجراید کلمبو درتایید کنفرانس مزبور بـزنان پند واندرز داده و نوشته بود:

«بانوان جهان متحد شوید ویقین بدانیدکه در این اتحاد چیزی جز شوهرانتان را از دست نخواهید داد.»

یکی دیگر از روزنامه ها نیز در مقاله‌ای که بمناسبت آن‌کنفرانس منتشر ساخته چنین نگاشته بود

زنها همه جا پیدا شده‌اند در پارلمان ، دستگاههای دولتی ، تلویزیون ، پشت اتومبیل و موتورسیکلت دیده میشوند. جائی نیست‌که زن در آن نباشد جز منزل وکاری نیست‌که نکنند جز خانه داری و مواظبت از فرزند و شوهر »

از نظر جمع اضدادی که در خلقت زن وسجایای او موجود است مسئله‌ای که در همه جای گیتی مورد بحث وجنجال است همین است‌که چه‌کاری برای زن مناسب است. واین مسئله درکشوری نظیرکشورمن که تمام وضع اجتماعی زنان بسرعت در حال تغییر وتحول است بیشتر مورد توجه و بحث واقع میشود

در این فصل بدواً درباره زنانی که در حیات من شریك بوده‌اند وپس ازآن نسبت بمطلق بانوان ایرانی ووظائف‌آنها سخن خواهد رفت

میدانم کسی بر من خرده نخواهد گرفت. اگر بگویم که بهمان اندازه که یکنفر روستائی حق دارد در زندگانی خصوصی و خانوادگی

از آزادی بهره‌مند باشد پادشاه نیز باید از این حق بدوی برخوردار باشد همه خوانندگان حکومت هائی را میشناسندکه حق زندگی خصوصی زناشوئی را برای هیچکس قائل نیستند ولی خوشبختانه در کشورهای متمدن‌روابط خصوصی خانوادگی‌را محترم شمرده وهیچگونه دخالت وتجاوزی را دراین حق مجاز نمیدانند ومن نیزمیخواهم همین اصل در زندگانی خصوصی من رعایت شود

بطوریکه در فصل چهارم اشاره‌کردم هنگامیکه درکشور سویس به تحصیل اشتغال داشتم ندرة فرصت‌آنرا پیدا میکردم که با دوشیزگان آشنا شوم وسرپرست من یا بعقیده وسلیقه مشخص خود ویا باطاعت از دستورهای پدرم از معاشرت من با بانوان ممانعت میکرد

پس از بازگشت از اروپا در اواخر دوره تحصیلات من دردانشکده افسری اعلیحضرت فقید بفکر افتاد که همسر شایسته‌ای برای من انتخاب‌کند بنظر من پدرم از این اقدام دو منظور داشت یکی آنکه میخواست همسر من شاهزاده خانمی اصیل واز دودمان نجیب باشد و دوم‌آنکه میل داشت دربار ایران با خانواده سلطنتی دیگری نسبت‌سببی پیداکند و روابط ایران بایکی ازکشورهای دوست و نزدیك استوارتر گردد .

ظاهراً پدرم درآن ایام عکس شاهزاده خانم فوزیه را دیده وبا آن صراحت واستقامت رأیی‌که داشت (وشاید این خصیصه برای حل وعقد امورفنی ومهندسی از حل مسائلی که با قلب واحساسات مربوط است مناسب‌تر بود) به تفحص و تجسس حال این‌شاهزاده خانم زیبا پرداخته بود . نخست درنسب ودودمان وی تحقیقاتی بعمل آورده وسپس بسفیر خود درقاهره دستورداده بودکه با مقامات دولتی مصر در این مورد تماس بگیرد و دولت مصر نیز با خاندان سلطنتی مصر وارد مذاکره گردد ورسماً استفسارکندکه آیا همسری شاهزاده خانم فوزیه بافرزند وی میسر است این امر سریعاً بموفقیت انجامید ولی اولین اطلاعی‌که از این جریانات بمن داده شد خبرنامزدی من بودکه در سال ۱۳۱۷ منتشرگردید تاآن تاریخ من هنوز چهره همسرآینده خود را ندیده بودم واز همین جهت ترتیبی داده شدکه من بمصر عزیمت نمایم ودر طی دو هفته اقامت خود درآن کشور با شاهزاده خانم فوزیه‌آشنا شوم.

در ضمن این مدت مسائل متعدد حقوقی و قانونی مربوط باین ازدواج نیز قطع‌وفصل گردید. ازدواج ما رسماً در تهران وقاهره به‌ثبت رسید وچون مطابق قانون اساسی پدر و مادر ولیعهد آینده ایـران بـایـد ایرانی‌الاصل باشند پدرم برفع این مشکل پرداخته از مجلس شورای ملی ایران قانونی گذراندکه بموجب‌آن شاهزاده خـانم فوزیه بملیت ایران در آمد

مراسم عقد ما در قاهره بوسیله یکی از روحانیون عالیمقام برگزار شد . از خانواده من کسی در آن مجلس حاضر نبود ولی افراد خاندان عروس وعده‌ای از رجال مهم ایران درآن شرکت داشتند وپس ازانجام این مراسم عروس خود را بایران آوردم

جشن اصلی ازدواج ما در تهران بر پا شد و با وجود آن کـه بر حسب ظاهر با شکوه و جلال بسیار برگزارگردید از لحاظ معنویت‌و کیفیت با جشنهائی‌که در دهکده های ایران برای این مراسم گرفته میشود تفاوتی نداشت جزآنکه بعلت‌گرفتاریهای روزگار نوین که در همه جا حتی در کشور من دامنگیر آدمی است قدری هم با عجله انجام گرفت

پس از پایان مراسم عروسی تا چندی در کاخ مرمر یعنی همان بنای زیبائی که پدرم از سنك مر مر شفاف سبز رنك یـزد بنا نموده اقامت کردیم و مدتی نیز در یکی از عمارات ییلاقی پدرم خـارج از شهر تهران بسر بردیم تا ساختمان کاخ شهری من از هرحیث حاضرو آماده گردید

دیری نگذشت که نائره جنك دوم جهانی بکشور ما نیز سرایت کرد وتهران باردوگاه عظیم ارتش بیگانگان مبدل‌گردید و پدرم ناچار از سلطنت استعفا کرده و مسئولیت سنگین وی برعهده من واگذار گردید .

ناگفته نماندکه مقدمات ازدواج درکشور اسلامی با آنچه در جهان غرب متداول است یکسان است وفقط اختلافی جزئی درمدت انجام این مقدمات هست. چنانکه مثلا در ایران رسم چنین بوده است‌که بین‌زمان نامزدی و عروسی مدت نسبتاً طولانی فاصله باشد وپس ازاجرای مراسم نامزدی ، عروس وداماد آینده کمتر با یك دیگر تنها بسر میبرند .

دوره نامزدی اغلب چند ماه طول میکشد وگاهی چنانکه درمغرب‌زمین نیزمرسوم است ممکن است این دوران تا دوسه سال هم طولانی‌بشود. پس از پایان این دوره تشریفات عقد مذهبی و ثبت در دفتر ازدواج صورت میگیرد وپس از آن جشن عروسی چنانکه دراروپا مرسوم است برگزار میگردد و معمولا مدت چند هفته یا چند ماه میان تشریفات عقد و جشن عروسی فاصله است و دراین مدت خلاف رسم‌استکه زن و شوهر آینده با یکدیگر زندگی کنند

جشن عروسی همیشه بسیار مفصل و با تشریفات است و در قراء و دهکده های ایران مدت ده روز بطول میانجامد و مطربان بنواگری پرداخته و اغذیه و مشروبات غیرالکلی برای میهمانان فراهم است عروس و داماد از دوستان وآشنایان هدایائی‌گوناگون از بره و مرغ‌و سایر اشیاء دریافت میکنند وپس از آن دوران زناشوئی را درخانه پدر شوهر ویا اگر وضع مالی‌آنها اجازه دهد در خانه شخصی خویش آغاز میکنند .

حاجت بذکر نیست‌که درآن هنگام مجالی برای تمتع از زندگی بدون دغدغه خانوادگی برای من باقی نمانده بود و وضع تهران وکشور طوری نبود که فکر مسافرتهای تفریحی در ذهن کسی بیاید

باوجود آنکه در آن ایام دائره خدمات عام‌المنفعه مانند امروز بسط و توسعه نیافته بود معذلك همسر من در این قبیل امور همواره شرکت میجست تنها نقطه روشن و پر مسرتی که در اثرآن ازدواج پدیدارگردید تولد دختر عزیزم شاهدخت شهناز بود که در سال۱۳۱۹ قدم بعرصه وجود نهاد (درسال ۱۳۳۸ شاهدخت مهنازکه یگانه نوه من است از او متولدگردید) ومتأسفانه بعللی که هنوز برای پزشکان نا معلوم است از شاهزاده خانم فوزیه فرزند ذکوری بوجود نیامد

بموجب قانون اساسی‌ایران سلطنت به اولاد ذکوروبلافصل شاه‌منتقل میگردد وبدین جهت نه تنها دخترم حق احراز مقام سلطنت را ندارد بلکه سه خواهر من نیز از این حق محرومند همچنین قانون مزبور فرزندانی راکه از مادران قاجار متولد شده باشند از سلطنت محروم نموده است ازاین رو برادران نا تنی من نیز که مادران آنها ازنسل‌قاجار هستند ازاین حق محرومند ویگانه برادر صلبی وبطنی من نیز باکمال

تأسف در سال ۱۳۳۳ بر اثر یك سانحهٔ هوائی چشم از جهان پوشیده است با این محدودیتهای قانونی شگفتی نداشت‌که مشاورین من‌باینکه همسر من دارای پسری بشود اهمیت میدادند . شاید امکان داشت‌که در قانون اساسی اصلاحاتی بعمل آید ولی افکار عمومی در ایران باتحریف وتغییر قانون اساسی در مواد مربوط به مسئله ولایتعهد هیچوقت موافق نبوده و نیست .گذشته از قانون اساسی مردی جوان مانند من‌آرزومند داشتن چندین فرزند بود وباین جهات با وجود مساعی فوق‌العاده پزشکان حاذق نتیجه‌ای دراین باب بدست نیامد وپس از بازگشت شاهزاده خانم فوزیه بمصر تصمیم بطلاق گرفتیم

پس از طلاق مدت دو سال بدون همسر زندگی کردم و با این که بانوانی‌که درهمه‌کشور ها علاقه بفراهم ساختن وسائل ازدواج جوانان را دارند عده‌ای از دوشیزه‌گان را بمن معرفی میکردند ولی در اینمدت تصمیم بازدواج جدید نگرفتم تا بالاخره درسال ۱۳۲۹ نام ثریای اسفندیاری را شنیدم ودر اثر اطلاعاتی که از وی میدادند نسبت بوی تمایل و علاقه پیداکردم وچندی بعد خواهرم شاهدخت شمس پهلوی‌را برای دیدار وی که در آن هنگام در انگلستان اقامت داشت بلندن فرستادم خواهرم نیز شرح مفصلی از اوصاف حمیدهٔ وی بمن نوشت وبالاخره در اواخر همان سال ثریا بعنوان ملکه آینده ایران رسماً نامزد گردید

پدر ثریا یکی از رؤسای ایل بزرك بختیاری و مادرش از اهالی آلمان بود از آنجائیکه سابقاً عشایر ایران بتعدی و تطاول نسبت بمردم عادت کرده بودند پدرم کلیه آنها را خلع سلاح نموده و تحت مراقبت حکومت مرکزی در آورده بود ودر نتیجه رؤسا وخوانین نفوذ واقتدار سابق خود را ازدست داده وبرخی نیزکه بشرارت وطغیان شهرت داشتند در زندانهای مرکزمحبوس بودند با وصف آن خوانین ورؤسای عشایر در اداره اموروداخلی ایل خود دارای نفوذ وهریك مالك چندین آبادی ومواشی وگله‌های بزرك بودند اغلب رؤسای عشایر ایران (و حتی بعضی از بانوان آنها) دارای معلومات و تحصیلات عالیه بودند و معمولا فرزندان بود را برای کسب علم و هنر بممالك خارج میفرستادند

آقای اسفندیـاری پدر ثریا نیز در عنفوان جوانی بـرای کسب معلومات عالیه بکشور آلمان رهسپار گردیده ودر آنجا با همسر فعلی خود آشنا شده وبا او ازدواج کرده بود چنانکه در خاطرم مـانـده است پدر این بانو آلمانی بود ولی در دوره تزاری چندین سال درروسیه ریاست کارخانه‌ای را برعهده داشته ودر اوان جنك اول جهانی بوطن مالوف خود مراجعت کرده بود . چندی بعد اسفندیاری باتفاق همسرش بایران آمد ودراصفهان حکومت‌نشین استانی که مردم بختیاری‌ازقدیم‌الایام آنرا زادگاه خود میدانند اقـامت گزید . نخستین فـرزند این دو نفر که همسرآینده من شد بسال ۱۳۱۱ شمسی در اصفهان قدم بعرصه‌وجود نهاد وپس از چند سال پسری نیز پیداکردند . با اینکه ثریا را در اصفهان بمدرسهٔ آلمانها گذاشته ودر خانه نیز اغلب با اوبزبان آلمانی صحبت میکردند ولی دوران صغر سن وی مانند یك دختر ایرانی واقعی میگذشت .

در میان شهرهای بزرگ ایران شهر اصفهان بیشتر از سایر نقاط مظهر ایران کهن است ودر این شهر ودر محیطی که چندین قرن تمدن و فرهنك ایران در آن آثاری برجای نهاده این دختر جـوان ایـام تحصیل را طی میکرد. باآنکه پدر ومادر وی چندین بار ویرا باروپا برده بودند ولی آنچه در روحیه وی تاثیر عمیق کرده بود همان اقامت در اصفهان و مسافرتهائی بودکه پدرش و افراد ایل در هنگام کـوچ بقریه ملکی خود میکردند پس از چندی پدر و مادرش او را بـرای کسب معلومات عالیه بکشور سویس همان کشوری که پدرم نیزمرا برای تحصیل بدانجا روانه کرده بود فرستادند و مدت دو سال در آن کشور بفراگرفتن معلومات پرداخت . ثریا در آنموقع بزبانهای فارسی و آلمانی و فرانسه تسلط کامل داشت وکمی هم‌انگلیسی میدانست ولی چون‌مایل بودکه بزبان انگلیسی کاملا مسلط شود قرار شد تابستان سال۱۳۲۹را در انگلستان بسر برد ودر این زمان بود که خواهرم با وی ملاقـات نمود . پس از این دیدار ثریا بایران بازگشت و خبر نامزدی ما اعلام گردید. امیدواری ما این بودکه مراسم ازدواج ما بزودی برگزار شود. ولی نامزد زیبای جوان من ناگهان دچار عارضه حصبه گشت و روز بروز هم بیماریش شدت یافته و همه ما را دچـار نگرانی ساخت ناگزیر

انجام مراسم زناشوئی ما بعهده تعویق افتاد تاپس ازطی دوران نقاهت وی تشریفات عقد وازدواج ما در نهایت سادگی در یك روز برگزار شد. دراین موقع دختربیچاره بحدی کم‌بنیه وناتوان بودکه نمیتوانست دامن لباس عروسی خود را بلندکند ونزدیك بودکه درمیان مراسم عقد از حال برود.

دردیماه سال ۱۳۲۹ من وتازه عروس خود درکاخ زمستانی خود اقامت گزیدیم. در ایران برگزار کرد نماه عسل (که ترجمه اصطلاح فرنگی است) جزو آداب ورسوم مانیست وعادت براین جاری است‌که خویشاوندان عروس ویرا تاخانه داماد بدرقه می کنند وپس از آن آنها را بحال خود میگذارند. ولی من وثریا اینقدر از طرز زندگانی جهان متمدن آگاهی داشتیم که بخواهیم برای ماه عسل بمسافرتی‌کوتاه برویم ، امااین تدبیر با تقدیر موافق نیامد ودراثر تشنجات سیاسی که درکشوررخ داده بود ازمسافرت صرفنظر کردیم

چنانکه درفصل پنجم گفته شد چندروز پس ازازدواج ما رزم‌آرا نخست وزیر وقت بقتل رسید ومصدق برسر کارآمد ونیروهای بیگانه آینده ایران رابمخاطره انداخت. چنانکه ذکر شد بالاخره بجای سفر ماه عسل اوضاع طوری پیش آمدکه من وهمسرم ازایران خارج شده وبه بغداد ورم مسافرت کردیم. اما این مسافرت بدورهٔ عشرت مصدق واعوان اوکه میخواستند عروس ملك رادر آغوش بکشند پایان بخشید زیرادرمدت این مسافرت کوتاه که دوسال ونیم پس از ازدواج اتفاق افتاده بود ملت میهن پرست ایران ازعواقب سیاست وی آگاه شدند و دستگاه وی ویاران اورا سرنگون ساختند.

درآن دوسال ونیم‌که ازازدواج ما میگذشت اوضاع ناگوار کشور درحیات زناشوئی ماتاثیری عمیق داشت وشك نیست‌که‌آن ایام برای من وهمسرم وبرای قاطبه مردم ایران روزهای خوش بشمار نمی‌آمد. دربادی امر امید همه این بود که مصدق سیاست مثبتی پیش خواهد گرفت ولی هرماهی که میگذشت گزارش هائی که ازنتیجه رویه منفی اوبمن میرسید ناراحت‌کننده‌تر میگردید. پیشرفت امور اقتصادی و اجتماعی کشور متوقف، مردم نگران ومتوحش ونا امید وسازمان های مخالف وخطرناك درامور ملی مارخنه کرده تقریباً سراسر کشور را

زیر نفوذ خویش آورده بودند. از نظر شخص من ناراحت کننده تر از همه مسائل شکیبائی وحوصله‌ای بودکه باید برای رسیدن موقع مناسب واقدام متقابل بخرج دهم هرلحظه ازاطراف وجوانب کشور گزارشهائی ازاوضاع وخیمی که دچار آن بودیم بمن میرسید ومن بخوبی متوجه وخامت مخاطراتی که ملت مارا تهدید میکرد بودم. اما پدرم ازآن حس وقت شناسی واغتنام فرصت مناسب که دروی بحدکمال وجودداشت چیزی بمن بارث بخشیده بود ومیدانستم که هراقدام نسنجیده‌ای ممکن است نتیجه زیان بخش‌تری بدهد واگر زودتر از موقع مناسب دست باقدامی زده میشد بمثابهٔ آن بودکه سند اضمحلال کشورراکه بطرف فنا میرفت تسجیل کرده باشم

من میدانستم که بتنهائی وبادستیاری عده‌ای معدود کاری از پیش نخواهد رفت و برای توفیق در مبارزه‌ای که در پیش داشتم باید از حمایت وپشتیبانی عموم مردم ایران برخوردار باشم وبرای اینکه مردم ازخطریکه آنهارا بواقعی تهدید میکرد آگاه شوند واحساسات حقیقی آنها برای رفع آن بهیجان آید زمان لازم بود هرماه که میگذشت میدیدم دربرابر افکاریکه درکشور رخنه پیدا کرده بود عقیده مخالف آن روز بروز قوت میگیرد ودر ترازوی عدالت الهی کفه بقای ایران سنگین تر میشود. ازیکسوی اوضاع کشور روز بروز بیشتر درخطر فنا وزوال بود واز سوی دیگر مردم در وفاداری بمن راسختر و در مقابله و معارضه با عوامل فانی‌کننده بهم نزدیکتر میگردیدند. این جنبش وهوشیاری روز افزون درروح من هیجانی شگرف بوجود می‌آورد ومیدانستم‌که هرچند اوضاع بازوخیمتر خواهد شد ولی چاره آن نیز موجود وفراهم است واین بارقه امید ایمان مرا بوجود نیروئی‌قوی‌تر ازنیروی بشری‌که بر سرنوشت کشور من مؤثراست مستحکمترساخت.

برمن مسلم گشت‌که سرنوشت شخص من نیزدردست‌آن قدرت بالغه است ومن باجرای آنچه تقدیر ازلی برای من مقررساخته مأمورم. اما برای اجرای این مأموریت باید ازخیال وتصور درگذشت و بعمل و اقدام پرداخت و تصمیم گرفت. برخی از شاهان و زمامداران گیتی همه چیز راحوالهٔ تقدیر کرده و خود بعیش ونوش وآکندن شکم پرداخته‌اند اما این رویه هرگز مورد پسند من نبوده است زیرا اولا

اینگونه تناول درمن تولید سوء هضم میکند وثانیاً بفکر من آدمی جز باایمان قطعی وسعی وعمل نه حق دارد منتظر زحمت وعون الهی باشد ونه لطف خداوندی شامل‌کسانی میشودکه دست روی دست نهاده منتظر فرج آسمانی می نشینند . برای آدمی تنها کافی نیست‌که بمشیت الهی وتقدیر یزدانی ایمان داشته باشد بلکه باید در دوران حیات در اجرای آنچه مقدر ازلی خواسته است سهمی داشته وخدمتی انجام داده باشد وبرای من این وظیفه همان حل معضلات سیاسی وتجدید بنای اقتصادی ایران وایجاد تحول اجتماعی‌کشور بود .

همسرم بسیاست چندان علاقه‌ای نداشت وبیشتر توجهش به‌آن بود که برای من شریك زندگانی باشد. همینکه اوضاع ایران سرو صورتی گرفت برای من وثریا امکان چند مسافرت فراهم گردید. چنانکه سابقاً گفته شد ازجمله این مسافرتها سفررسمی مابکشور روسیه بود که درسال ۱۳۳۵ انجام گرفت ودرآن سفر آقای خروشچف و سایر پیشوایان روسیه ازما بسیار با محبت پذیرائی کردند ومسافرتهای دیگری نیز بکشور ایالات متحده امریکا و هندوستان واسپانیا وترکیه ولبنان وبرخی ازکشور های دیگر کردیم. هرچند منظور اصلی ما از این مسافرتها استقرار وتحکیم روابط دوستانه باکشور های دوست و همجوار بود ولی خودیك نحو ماه عسلی بودکه بعداز مدتی نصیب ما گردید.

ثریا مانند تمام بانوانْ کدبانو سلیقه خاصی درترتیب وتزئین منزل ماداشت. وضع کاخ اختصاصی یعنی منزل شهری مابنظرمن بسیار خوب بود ولی ثریا میخواست بذوق خود بعضی ازقسمتهای آنرا بطرز نوینی درآورد. اوقصد اتلاف پول برای تهیه اشیاء تجملی وگرانبها نداشت وفقط میخواست همه جاپاکیزه ونظیف ورنگ تازه داشته باشد وهمین سلیقه رادرباره کاخ تابستانی بکارمیبرد. درمدت دوره زناشوئی هفت ساله ماعلاقه ثریا بخدمات اجتماعی روزبروز افزایش می یافت . خوب بخاطر دارم روزی که یکی از پرورشگاههای قدیمی را بازدید کرده بود ازبی‌ترتیبی وضع اسفناك کودکان یتیم آنجا متاثر و ملول گشته وبا چشمانی اشك آلود ازمن میخواست که بدون درنگ برای بهبود حال این یتیمان اقدام کنم. من نیز فوراً به مسئولین بنیادپهلوی

دستوردا: که پرورشگاه مزبوررا تحویل بگیرند وبطرز نوینی بسازند. بجمعیت خیریه ثریاکه ازشعب بنیاد پهلوی است نظارت و سرپرستی آن محول گردید وباید بگویم که بفاصله ای اندك تفاوتی بسیار آشکار دروضع روحی وجسمی کودکان پرورشگاه پدیدارگشت . با وصف این مهر وعلاه وقتی بعلل مربوط بمصالح کشوری طلاق ملکه ثریا لزوم حتمی پیدا کرد درجهٔ تاسف واندوه ما دونفر رامیتوان قیاس نمود درطی سالهای ازدواج فرزند ذکوری ازما بوجود نمی‌آمد و هر روز برمن این نکته مسلم‌تر میگشت که برای حفظ مصالح‌عالیه ایران وجود ولیعهد واجب است وهرچند بعضی ازاشخاص ازنظرمهربانی وهمدردی توصیه میکردندکه درحیات آدمی بقاء ازدواج مقدم برهمه چیز است برای من یقین بودکه مسئولیت خطیر سلطنت باید برهرمنظور دیگری فائق‌آید وسرانجام مشاورین من نیز فکر مرا تایید کردند ودر ماه اسفند ۱۳۳۷ ناگزیر صیغه طلاق بین ماجاری‌گردید.

پس ازآن درتهران زندگی را بتنهائی وتجرد میگذرانئم و با آنکه پیش من مسلم بود که اگر پس ازامر طلاق مسئله انتخاب ملکه جدید پیش نیاید عملی که انجام‌آن مایه اندوه من بود بیحاصل وبیهوده بوده است ولی وضع روحی من اجازه عجله دراین امر را نمیداد. در آن مدت عده‌ای ازدوشیزگان را برای همسری من پیشنهاد میکردند وروزنامه های گیتی درباره ازدواج من مطالبی بی اساس انتشار میدادند ولی فکرمن آن بودکه برای خود همسری انتخاب کنم که نه تنها برای من فرزندانی بوجود آورد بلکه دراجرای وظیفه وجدانی ودائمی‌من نیز بامن شریك ودستیار وازاوضاع اجتماعی مردم کشور من وآرمان ها وتمنیات آنها آگاه باشد وبارقت وعواطف ویژه زنان هم خستگی ناپذیر خودرا بخدمت وتامین آسایش ورفاه وبهبود حال آنان وقف نماید.

روزی دخترم شاهدخت شهناز با چشمانی که بیش از معمول فروغ شادی درآن میدرخشید نزد من آمده واظهار داشت که وی و شوهرش بادوشیزه جوانی بنام فرح دیبا آشنا شده‌اند که بنظر آنها برای احراز مقام ملکه ایران ازهر حیث شایستگی دارد. داماد من مدتی بود که بامور دانشجویان ایران که در کشور های بیگانه مشغول

تحصیلات عالیه بودند علاقه نشان میداد ودر ضمن همین ایام با دوشیزه فرح دیباکه بیست ویك سال بیشتر نداشت وبرای مشورت در امورتحصیلی خود درفرانسه بوی مراجعه‌کرده آشنا گشته بود .

من طبعاً میخواستم ازسوابق خانوادگی وتربیت ومیزان تحصیلات وشخصیت این دوشیزه جوان اطلاعاتی داشته باشم . معلوم شد که پدر وی ازیك خانواده مشهور قدیمی تبریز ومادرش از یك خانواده محترم روحانی گیلانی است . جد پدری وی تحصیلات خود را در یکی از مدارس نظامی کشور روسیه بپایان رسانیده و در دوره سلطنت‌قاجاریه درخدمت ارتش ایران بوده است. پدرش قسمتی از تحصیلات خود را در روسیه انجام داده و سپس بکشور فرانسه عزیمت نموده و بتحصیل رشته حقوق پرداخته وباخذ درجه لیسانس موفق‌گردیده وچون بخدمت‌در ارتش علاقمند بوده است به دانشکده افسری سن سیر فرانسه داخل‌گشته وازآنجا فارغ‌التحصیل گردیده ودربازگشت بکشورایران درقسمت‌دادستانی لشکر تهران وارد خدمت شده است .

یگانه فرزند خانواده ملکه فرح درسال ۱۳۱۷ متولد شد و با پسر دائی خودکه همسن اوبود دریك خانه پرورش یافت واین دو کودك مانند برادر و خواهری با هم بزرك شدند . ملکه فرح بپدر خویش بسیار علاقه داشت و وقتی در سن دهسالگی پدر خود را در اثر بیماری سرطان از دست داد مادر وی مدتی مرك پدر را از وی پنهان میداشت و وانمود میکرد که برای معالجه بپاریس رفته است ولی وی از لباس سیاه خویشاوندان مرك پدر را دریافت و مستخدمین حقیقت را برای وی فاش کردند واو را دچار غم واندوه بی‌پایان ساختند .

دوشیزه فرح بدواً بمدرسه ایتالیائیها درتهران گذاشته شد و تا سن ده سالگی درآنجا بتحصیل مشغول بود . چندی بعد مادرش او را بمدرسه دخترانه دیگری درتهران بنام ژاندارك سپرد وتاسن شانزده سالگی درآن مدرسه بتحصیل‌پرداخت . دراین دبیرستان دوشیزه فرح بورزش علاقه خاصی پیداکرد و چهار سال ببازی باسکتبال و دیگر ورزشهای دسته جمعی مشغول بود و مدت دو سال سر دسته بازیکنان باسکتبال دبیرستان بود واین دسته در مسابقات بین شهرستانها نیز موفقیتهای زیادی کسب کرد .

اما قسمت عمده اوقات دوشیزه فرح دردبیرستان ژاندارك بفراگرفتن هنر های زیبا می گذشت و بنا به تشویق یکی از آموزگارانش برشته نقاشی مخصوصاً آب و رنك توجه مخصوص پیدا کرد . کم کم استعداد هنری وی آشکار گردید و در اثر مساعدت های آموزگاران دوشیزه خجول صاحب شخصیت و وقار ممتازی گردید و با تشریك مساعی درامور مربوط به آزمایشگاههای دبیرستان وگردشهای دسته‌جمعی، روش شرکت در اجتماعات را فراگرفت ودر اثر انضباط مخصوص دبیرستان درستکار وقابل اعتماد ووقت شناس بار آمد .

دوشیزه فرح دوره متوسطه را در دبیرستان رازی بپایان رسانید . اکثر دبیران این دبیرستان فرانسوی بودند وباستثنای زبان و ادبیات فارسی تمام دروسی که در آنجا تدریس میشد بزبان فرانسه بود . فرح در رشته های تحصیلی بریاضیات و علوم علاقه بیشتری نشان میداد و در ردیف بهترین شاگردان محسوب میگردید و در دبیرستان رهبری یکدسته از پیش آهنگان خرد سال دبیرستان فرانسوی دیگر را بعهده داشت . دوشیزه فرح بفضای آزاد و مناظر طبیعی مانند کوه و دهکده و زندگانی روستا ودریا علاقه بسیار داشت و ذوق وی در ترسیمات و نقاشیهائی‌که میکرد از همین مناظر متأثر بود و همین ذوق هنری توجه دائی ویرا که مهندس معماری بود جلب کرد و در اثر تشویقات وی دوشیزه فرح در رشته های هنری رغبتی فراوان پیدا نمود . هر چند در ابتدا میل وی بتحصیل در رشته میکروب شناسی یا پزشکی بود ولی در نتیجه همان تشویقات به تحصیل رشته معماری مصمم‌گردید وبمدرسه مخصوص معماری پاریس داخل شده ومدت دو سال بفراگرفتن این رشته همت‌گماشت . برنامه سال اول او نقاشی سیاه قلم وترسیمات و مناظر ومرایا بود ولی در ضمن نیز بفراگرفتن رشته های دیگر مانند ریاضیات و مقاومت مصالح ساختمانی میپرداخت در سال دوم وی به نقاشی مناظر وآب و رنك ونمونه برداری از شاهکار های معماری کلاسیك و نوین وبعلاوه بطراحی چند ساختمان کوچك نیز مبادرت ورزید .

دانشکده‌ای که دوشیزه فرح درآنجا تحصیل میکرد ۲۵۰ نفر دانشجو داشت که اکثر آنها در قسمتهای شبانه روزی دانشگاه بسر

میبردند ولی وی دردانشکده هلندیها بسرمیبرد. انضباط ومقررات این دانشکده بسیار سخت ومشکل بود ووی وسایر دانشجویان مجبوربودند هرروز صبح باستثنای روزهای یکشنبه دفتر حضور وغیات دبیرستان راامضاء کنند وجز بعداز ظهر های پنجشنبه و ساعاتی که برای صرف غذا معین شده بود تمام اوقات خودرا تا ساعت پنج بعداز ظهر درمحوطه دانشکده بگذرانند. ولی فرح بطیب خاطر اکثر روزها تاساعت شش یا هفت بعدازظهر درمدرسه میماند. طینت وی وتشویق دبیران هرروزوی رابزحمت وکوشش درامر تحصیل راغب‌تر میساخت. باوصف انضباط مخصوص دانشکده، محیط تحصیلی وی مخصوصاً دررشته نقاشی بسیار ساده وطبیعی بود ودوشیزه فرح ازاین محیط لذت مخصوص میبرد و چون بموسیقی علاقمند ومدت هشت سال درتهران در نواختن پیانو کارکرده بود این فن رانیز درهنگام تحصیل دنبال میکرد واز رفتن بکنسرتهائیکه درپاریس داده میشدکمال مسرت راداشت.

دوشیزه فرح برای گذراندن تعطیلات تابستانی خود درسال ۱۳۳۸ به تهران آمد . دراین موقع داماد ودخترم باوی آشناشده و برای صرف شام ازاو دعوت بعمل آوردند. معلوم شدکه دخترمن ودوشیزه فرح دارای دوستان مشترکند ودر بسیاری ازامور بایکدیگر توافق روحی دارند .

باردیگر که ازدوشیزه فرح دعوت بعمل آمد دخترم شهناز ترتیبی فراهم ساخت که من نیزدرآن میهمانی شرکت کنم. من دوشیزه فرح راچند ماه پیش ازآن درهنگام دیدار دسته جمعی دانشجویان ایرانی درپاریس دیده بودم ولی چون عده دانشجویان بسیار زیاد بوددرمیان آن ازدحام درست درخاطرم نمانده بود چنانکه همین نکته برای وی دستاویز شوخی شده است . ولی درضیافتی‌که درخانه دامادم ترتیب داده شده بود وسیله‌ای بدست آمدکه بتوانیم با یکدیگر گفتگو کنیم .

یکهفته بعدازاین ضیافت باو پیشنهاد ازدواج کردم. روزنامه نگاران عاشق خلق اخبارند ودر مطبوعات اکثر کشور ها اخباری منتشرکردند که من درهواپیما هنگامیکه دوشیزه فرح رابرای تفریح و گردش برده بودم این پیشنهاد راباو کرده‌ام. شاید بعضی از مخبرین جراید میخواسته‌اند درجه علاقه مرابه هواپیماوزن بایکدیگر ارتباط دهند

ولی حقیقت همان است‌که پیشنهاد ازدواج در خانه دامادم بعمل آمد والبته پس ازاین پیشنهاد چندین بار بایکدیگر ملاقات کردیم .

دوشیزه فرح تصمیم داشت که لباس عروسی خود را درپاریس تهیه نماید وبرای گریز ازتشریفات مفصل قرارشد بطور غیر رسمی‌ومعمولی به‌آنجا برود وتا بازگشت وی از اعلام نامزدی خودداری شود . فرح باتفاق عمو و همسر وی وهمسر دائی خود به پاریس عزیمت نمود . دو روز بعد ازمراجعت فرح به تهران نامزدی ما اعلام شد وتقریباً سه هفته بعد مراسم عقد ما طبق آئین و مراسم اسلامی بعداز ظهر دوشنبه ۲۹ آذر ۱۳۳۸ برگزار ودر همان شب مجلس شام وضیافت با شکوهی در کاخ گلستان منعقد گردید . مشاغل گوناگون سیاسی ما را مجبورکرد که مسافرت ماه عسل خودرا مدتی بتاخیر اندازیم ولی چندی بعد باهم بکنار دریای خزر مسافرت کردیم .

پیش از آنکه بدوشیزه فرح پیشنهاد ازدواج کنم اورا متوجه ساختم که مسئولیت هائی‌که ازآن ببعد متوجه او خواهد بود با وظایف یك دوشیزه مهندس تفاوت فراوان دارد . وی پس از ازدواج باطیب خاطر وبا تمام قلب بانجام وظایف سنگین سلطنتی همت گماشت و علاقه وی بخدمات اجتماعی آنقدر صمیمی واز دل وجان بود که برای من نیز الهام آور بشمار می‌آمد. در همین حال وظیفه همسری را نیز هرگز ازخاطر نمیبرد .

چندماه پس ازازدواج ما پزشك مخصوص ملکه فرح حامله بودن ویرا اطلاع داد واین خبر مسرت بخش بزودی درهمه جا انتشار یافت. چنانکه یکی ازجرائد ایران بالطف بیان ویژه ایرانیان نگاشته بود که «بقلب مردم ایران اینطورالهام شده است‌که مولود شاهنشاه پسرخواهد بود» . اما برای من تفاوتی ندارد و هرفرزندی که خداوند عنایت فرماید مقدمش موجب مسرت ما خواهد بود.

تصور میکنم با تجاربی‌که ازتاهل بدست آورده ومطالعات‌کلی که نسبت بزنان‌کرده‌ام بتوانم تاحدی نسبت بزنان وافکارآنها ورویه‌ای‌که باید زنان بافراست وکم نظیرایرانی برای تحکیم مقام خود در اجتماع پیش گیرند اظهار نظر کنم . از زمانی‌که پدرم برتخت سلطنت ایران جلوس‌کرد سی وپنج سال میگذرد ودراین مدت دراوضاع اجتماعی

ایران تحولات شگرف پدیدآمده است . ناظرین مجرب وهشیار معتقدند که بزرگترین و مهمترین آن تحولات همان تغییر وضع اجتماعی و آزادی زنان بوده است و اینك هنگام آنست که اگر زنان ایرانی بخواهند زندگانی خویش و همسر و فرزندان و مردم کشور خود را بوضعی مرفه‌تر وشایسته‌تر درآورند باید نیازمندیهای اجتماعی خویش را معلوم کنند وبا امکاناتی که برای آنها موجود است وفق دهند

طبق روایات کهن ایرانی مرد و زن از یك نهال وبطور مساوی خلق شده‌اند . وپس از خلق ، اولین فکری که در مخیلهٔ آنها خطور کرد آن بود که هر یك بطور متساوی در آسایش وایجاد مسرت دیگری بکوشد . ظاهر آنست که‌زنان که نصف جمعیت ایران را تشکیل‌میدهند همواره در ایرانیان نفوذی عمیق داشته‌اند. چنانکه مثلا بگفته پلوتارك هنگامیکه لشگریان کوروش دریکی از جنگها از ماد ها شکست خورده و عقب نشینی‌کرده بودند خواستند بیکی از شهرهای نزدیك پناه برند ولی همینکه بدروازه های شهر نزدیك شدند خویشتن را مواجه باعده‌ای اززنان آنشهر دیدند که با لحن سرزنش آمیزی فریاد میزدند : « ای بزدلان هزیمت یافته کجا میآئید . در شهر ماهرگز برای‌کسانی مانند شما جانیست » . این طعنه لشگریان مغلوب را برانگیخت که مجدداً بمیدان جنك شتافته ودشمن را ازپای درآورند در اثر این واقعه کوروش‌کبیر مقرر ساخت‌که هربار ازشهر مزبور عبورکنند بهریك از زنان ساکن آن شهر یك سکه طلا بدهند

اندکی پیش‌از حملهٔ اعراب بایران دوتن ازبانوان ایرانی مدت کوتاهی بتخت سلطنت نشستند وپس ازاستیلای اعراب ورواج دین‌مبین اسلام نیز نفوذ زنان در جامعه ایرانی بهیچوجه ازمیان نرفت ودرجه نفوذ آنان منوط ومتناسب باشخصیت خود زنها بود . درکشور باستانی ما از قرون پیشین تاعصر امروز زن در خانواده تسلط بسیارداشته ومن خود شاهد این سلطه ونفوذ بوده‌ام زیراکسی مردی‌قوی اراده تراز پدر من ندیده بود وباوجود آن درزندگانی خانوادگی ما نفوذ مادرم برهمه تفوق داشت

دراکثر خانواده های ایرانی یکنوع حکومت زن برقرار است . مادران مخصوصاً به پسران خود نفوذ فراوان دارند وپسران غالباً در

کارها باآنان مشورت میکنند . یکی ازبانوان نویسنده انگلیسی دریکی از آثار خودکه درسال ۱۹۳۰ انتشار داده مینویسد :

«در تمام‌کشور ایران پسران بالغ ایرانی مؤدب وفروتن هستند و نسبت بمادران خود علاقه‌ای شبیه بفدویت دارند » واین‌گفته حقیقتی است‌که درآن شائبه هیچگونه مبالغه نمیرود .

حاجت بذکر نیست‌که من بمادرم دینی بیش ازحساب دارم . در بیماریهای سخت دوران‌کودکی‌که سابقاً ذکر آن رفت او همواره‌کنار بستر من بیدار می‌نشست واینك دربرابر دیدگان باطن خود ویرامجسم می‌بینم‌که قرآن برسر گرفته وبرای عافیت من دست توسل بدامان پروردگار درازکرده است در طول مدت حیات مادرم مرا درانتخاب طریق صواب یاوری‌کرده وبه‌ثبات عقیده وعدم تزلزل وکوشش ومجاهده وپایداری تشویق نموده است

زنان ایرانی به تناسب شخصیت خود همواره دارای قدرت ونفوذ بوده‌اند وگاهی این قدرت‌هم بضرر خود وخانواده‌آنها تمام شده‌است . بنظرمن ذکر اینکه زنان ایرانی دارای حقوقی نیستند کاملا سخیف است ودر حقیقت بانوان ما دارای مزایا و حقوقی هستندکه خواهران اروپائی آنها اغلب از آن محرومند مثلا زن ایرانی حق دارد که بنام خود ثروت وزمین داشته باشد وشخصاً بدون مداخله دیگری هر گونه تصرفی درآن بنماید همچنین واحد خانواده‌که نه‌تنها شامل شوهر میشود بلکه فرزندان ومنسوبان نزدیك هم جزو آن است نسبت بمادر ونگاهداری اویك نحو تعهد و فریضه اخلاقی دارد وحتی زنان صیغه نیزکه چنانکه گفته خواهد شد بتدریج ازمیان رفته وبندرت یافت میشوند درقباله خود از حقوق مالی‌که نظیر آن‌کمتر در مغرب زمین دیده میشود بهره‌مندند وفرزندان آنها نیز برخلاف‌کودکان غیر قانونی دیار مغرب ازتمام حقوق ومزایای فرزندان زنانی‌که بعقد دائم درآمده اند برخوردارند .

باوصف این مراتب بایدگفت‌که در ازمنه‌گذشته افق زندگی زنان ایران بسیار محدود و یك نحو تناقض عجیبی هم در زندگانی آنان موجود بوده است بدین معنی که هرقدر مقام اجتماعی آنان رفیعتر بوده از آزادی آن هاکاسته وآنان را بیشتر مطیع‌رسوم وآداب‌کهن

ساخته است. مثلا زنان عشایر وایلات ماهرگز حجاب نداشته‌اند و همچنین عده زیادی اززنان روستائی کشور (مخصوصاً دراستانهای شمالی وغربی ایران) اززمانهای گذشته روی نمی‌پوشیدند ، ولی زنان طبقه اول وشهر نشین ایرانی هرگز بدون چادر و حجاب از خانه بیرون نمی‌آمدند وحتی درقسمت بیرونی منزل‌هم حجاب داشتند وتنها درقسمت اندرونی پرده ازرخ برمیداشتند زنان روستائی در خانه های محقر خود با سایر مردان وزنان خانواده خود زندگی میکردند . اما خانه های متمولین شهری عبارت از حیاط محصوری بود که قسمت مقدم آن بیرونی نام داشت ودرآن خانه محصور دیگری‌که اندرون نامیده میشد قرار داشت وزنان درآن میزیستند و هیچ مردی جز صاحب و رئیس خانواده و محارم نزدیك حق ورود بآن را نداشت زنان روستائی غالباً در خارج از خانه به آزادی گرد آمده و در ضمن انجام دادن‌کارهای روزانه با یکدیگر معاشرت داشتند ولی زنان عقدی و یا صیغه مردان متمکن شهری باآنکه در تجمل و ناز و نعمت بسر میبردند غیر ازکار های زنانه خودکار دیگری نداشتند واوقات فراغت را به غیبت وسخن چینی صرف میکردند واز همه بدتر آنکه فرزندان آنها ازدختر و پسر دوران‌کودکی خودرا درمحیط این اندرونها میگذراندند . مسافران اروپائی‌که درآن ایام بایران آمده اند از رفتار مؤدب این کودکان مطالبی نقل کرده‌اند ، ولی تربیت این‌کودکان‌طوری بودکه مجال رشد نیروی ابتکاری وآمادگی برای زندگانی اجتماعی را بآنها نمیداد .

آداب ورسوم زناشوئی نیز در طبقات مختلف متفاوت بود ولی‌با وصف اینکه انتخاب همسربوسیله والدین وبدستورآنها صورت میگرفت دوشیزگان روستائی غالباً باشوهران آینده خود سالهاپیش‌آشنا میشدند چنانکه دوشیزه‌ای روستائی را بیاد دارم‌که درقریه دور افتاده‌ای مدت پنجسال قبل ازازدواج باشوهر آینده خویش محشور بود ودرکارهای معمولی روستائی بایکدیگر معاضدت داشتند

درطبقات عالیه معمول این‌بودکه چشم عروس پیش ازانجام یافتن تشریفات نامزدی بصورت داماد نیفتد وپس از آن نیز هیچگونه حشر و آمیزشی پیش از پایان مراسم عقد با داماد نداشته باشد . چنانکه

یکی از دوستان من حکایت میکرد که همسر وی برسبیل شوخی بوی اعتراض کرده بود که پیش از ازدواج یکدیگر را ندیده اند . وی پاسخ داده بود که دیدار پس ازعروسی بیشتر میسر است !

هنگامیکه پدرم بتخت سلطنت نشست مصمم گشت که زنان را از بار سنگین آداب ورسومیکه آنان را مقید ساخته واثر آن دامنگیر ملت ایران نیز گشته است آزاد سازد . منظور وی آن بود که فکر زنان را ترقی دهد ومشارانی دانشمند وافرادی شایسته باجتماع ایران بیفزاید تا در نوبه خود فرزندانی بافضائل اخلاقی و تربیت اجتماعی برای کشور بارآورند

درآن زمان عده قلیلی از دوشیزگان و بانوان ایرانی سواد مختصری داشتند وازدانش ومعلومات بمعنی امروز آن ، اثری نبود ، برخی ازآنان مقدماتی را نزد آخوند های محله ویا درمدارس مبلغین خارجی ویا از دایه‌ها و لله های خود فرا گرفته بودند ولی عدهٔ این دسته زنان خوشبخت باندازه ای قلیل بود که به یکصدم جمعیت بانوان ایران نمیرسید پدرم باجدیت بسیار چندین مدرسه دولتی دخترانه تأسیس نمود وچون عده دوشیزگان تحصیل کرده وباسواد بسیارکم بود و پیداکردن آموزگار دشواری بزرك در انجام آن منظور بشمار میرفت بتأسیس دانشسرا نیز اقدام کرد تاکمبود آموزگار و دبیر نیز ازهر جهت مرتفع گردد

اقداماتی که پدرم برای ترقی وپیشرفت معنوی بانوان بعمل میاورد طبعاً با مخالفتهائی مواجه میگردید ولی باآن شهامت و دور اندیشی فطری که داشت موانع را از پیش برداشته و راه را هموار میساخت. چنانکه مثلا درسال ۱۳۰۷ که مادرم بزیارت عتبه منوره حضرت‌معصومه علیهاالسلام بقم مشرف شده بود با وجودآنکه خود و همراهانش درنقاب بودند ولی باز چون چادرشان کمی کوتاه بود از طرف بعضی از متعصبین جاهل مورد طعن وتوهین قرار گرفتند بمجردیکه این خبر بتهران رسید پدرم باچند کامیون سرباز بآن شهر رفت وعامل آن اهانت را شخصاً تنبیه فرمود

پدرم بدواً برفع حجاب زنان اقدام کرد ودر اثر تشویق وتحریص وی در سال ۱۳۰۹ نخستین بار بعضی از بانوان طبقه اول درخانه های

خود و مجالس مهمانی بلباس زنان اروپائی در آمدند و عدهٔ کمی هم جرئت کرده بدون حجاب در خیابانها ظاهر میشدند در سال ۱۳۱۳ آموزگاران ودختران دانش آموز از داشتن حجاب ممنوع شدند و افسران ارتش بازنانیکه حجاب داشتند راه نمیرفتند . بالاخره روز ۱۷ دی ۱۳۱٤ پدرم بااعلام کشف حجاب قدم نهائی را دراینراه برداشت و از مادر وخواهرانم خواست که بدون حجاب همراه وی دریکی ازجشنهای مهم رسمی کشور حاضر شوند . جشن مزبور بمناسبت اعطای دانشنامه به بانوانیکه ازدانشسرا فارغ التحصیل شده بودند برگزار میشد وموقع بسیار مناسبی برای اعلام این تصمیم عمومی بود پدرم که هیچگاه بایراد نطقهای مفصل وطویل عادت نداشت درآن روز نطق مختصری بشرح زیر ایراد فرمود

«بی‌نهایت مسرورم که می بینم خانمها در نتیجه دانائی و»
«معرفت بوضعیت خودآشنا شده وپی بحقوق ومزایای خود»
«برده‌اند . ما نباید از نظر دور بداریم که درسابق نصف»
«جمعیت کشور ما بحساب نمیآمد ونصف قوای عامله کشور»
«عاطل بود هیچوقت احصائیه از زنها برداشته نمیشد»
«مثل اینکه زنها افراد دیگری بودند وجزو جمعیت ایران»
«بشمار نمیآمدند فقط در یك مورد از زنها احصائیه»
«برداشته میشد وآن موقعی بود که وضعیت ارزاق مشکل»
«میشد وبرای تأمین آذوقه سرشماری میکردند شما»
«خانمها این‌روز را یکروز بزرك بدانید واز فرصت هائی»
«که دارید برای ترقی کشوراستفاده نمائید. شما خواهران»
«ودختران من تربیت کنندهٔ نسل آینده خواهید بود و شما»
«هستید که میتوانیدآموزگاران خوبی باشید وافراد خوبی»
«از زیر دست شما بیرون بیایند از تجمل و اسراف»
«بپرهیزید سادگی را پیشه خود سازید کمك ویار مردها»
«باشید باقتصاد وصرفه‌جوئی در زندگی عادت نمائید و»
«بتمام معنی مفید بحال مملکت باشید .»

تا آنجائیکه اطلاع دارم این اولین باری بود که در تاریخ جدید ایران بانوان بدون حجاب در مراسم رسمی عمومی شرکت میجستند.

وبرواضح است که موفقیت در این آزمایش بزرگ مرهون نیروی ابتکار پدرم وتا درجه‌ای مدیون شجاعت مادر و خواهرانم بودکه در برابر رسوم کهنه که مورد حمایت اکثریت مردم از جمله بسیاری از روحانیون بزرگ ورجال کشور بود قیام کنند .

اما رضا شاه میدانست که بسیاری از مردم ترقی خواه کشور و روحانیون دانشمند وکسانیکه در خارجه یا در تهران در مدارس خارجی تحصیل کرده بودند طرفدار تصمیم عاقلانه وی هستند .

اقدام رضا شاه موفقیت کامل یافت و متعاقب آن پدرم دستور منع حجاب را صادر کرد . بموجب این دستور هیچ زن ویا دوشیزه‌ای حق پوشیدن چادر ونقاب نداشت واگر زنی با روبنده وچادر درکوچه پیدا میشد پاسبان از وی تقاضا میکردکه روبند خود را بردارد واگرامتناع میکرد جبراً چادر او را برمیداشتند وتا زمانیکه پدرم سلطنت میکرد در سراسر کشور این منع بر قرار بود .

بدین ترتیب ایران پس از ترکیه دومین کشور مسلمانی بود که رسماً حجاب را ممنوع ساخت روز هفدهم دیماه هر سال از طرف جامعه بانوان ایران بیاد آنروز وبرای قدرشناسی ازکار بزرگی که پدرم برای قاطبه زنان کشور کرده بود جشنی برپا میگردد ویکی از انجمن های بانوان ایران بیاد آن اقدام انجمن هنده دی نامیده شده است و مرامنامه آن مانند انجمنهای مشابه آن در امریکا وانگلستان وسایر کشورها ترقی سطح فکر بانوان ودفاع از حقوق آنان است .

در سال ۱۳۱۳ که پدرم دانشگاه تهران را تأسیس نمود مقررداشت که دوشیزگان نیزحق ورودداشته باشند وهمچنین بسیاری از دوشیزگان ایرانی بتشویق پدرم برای کسب علم وهنر بخارج ازکشورعزیمت کردند وعدهٔ کثیری به تشویق پدرم دروزارت خانه‌ها وادارات دولتی وخصوصی برای منشی گری وسایر مشاغل مشغول کار شدند ودرامور اجتماعی و خدمات عمومی نیز علاقه روزافزون بمنصه ظهور رساندند .

رضا شاه هرگز بفکر آن نبود که ایرانیان با گذشته کشورقطع ارتباط کنند و از همین جهت میل داشت که دوشیزگان ایرانی پس‌از کسب علم وهنر و تحصیل تجارب کافی وارد مرحله زناشوئی بشوند و فرزندان خود را در پرتو تحصیلاتی که کرده‌اند بهترتربیت نمایند

اما باین عقیده نیز ایمان قطعی داشت که دختران تحصیل‌کرده و دانشمند همسرانی خوبتر و مادرانی فهمیده تر ودراجتماع ایران افرادی وظیفه شناستر خواهند بود .

اشغال نظامی ایران در دوره جنك دوم جهانی و مهاجرت پدرم طبعاً اجرای برنامه های وسیعی راکه او برای ترقی وتعالی زنان ایران طرح کرده بود متوقف ساخت وبعلاوه کم‌کم درافکار وعقاید ترقیخواهان نیز تحولاتی پدید آمد . رضاشاه اصلاحاتی راکه دروضع اجتماعی زنان ایران بوجود آورده بود با اعمال قدرت دنبال میکرد وعاقلانه آن بود که از آن پس اقدامات اصلاحی با رویه دموکراسی تعقیب شود تا نتایج عالیتری عاید کشور گردد .

مسئله کشف حجاب نمونه‌ای از همان اقدامات اصلاحی بود وهمینکه پدرم از ایران خارج شد دراثر پاشیدگی اوضاع در دوران جنك بعضی از زنان مجدداً بوضع اول خود برگشتند واز مقررات مربوط بکشف حجاب عدول کردند . ولی من ودولت من ازاین تخطی چشم پوشی‌کردیم وترجیح دادیم که این مسئله را بسیر طبیعی خویش واگذاریم و برای اجرای آن باعمال زور متوسل نشویم . امروز در شهرها وقصبات ایران زنان باحجاب دیده میشوند ولی روزبروز از عده اینگونه زنان میکاهد وبتدریج از میان میرود . ضمناً ناگفته نماند که برخلاف تصور بعضی از خارجیان زنانی که هم اکنون چادر می پوشند چندان بعلت حفظ سنن و رسوم قدیمی نیست‌بلکه باین لباس‌بیشتر ازجنبه تسهیلی‌که درکارهای عادی برای آنها فراهم میکند علاقه دارند زیرا دربعضی از خانواده ها و مخصوصاً درمیان طبقات بی بضاعت ممکن است زنان لباسهای متعدد نداشته باشند و بخواهند پیرایه های خوب خودرا برای روزهای مهم نگاه دارند ووقتی برای خرید احتیاجات روزانه ببازار میروند می‌بینید پوشیدن چادر عملی‌تر وبیشتر مقرون بصرفه است .

من شخصاً با چادر ازجهات بسیار موافق نیستم ولی باید اذعان‌کنم که درشهر های آمریکا و مخصوصاً درمحلات خارج از شهر زنانی را دیده‌ام که وضع لباس آنها بمراتب از وضع معمولی زنان ایران زشت‌تر است .

در طول تاریخ گیتی زنان در پوشیدن لباس هنرمندی و مهارت

مخصوصی داشته‌اند واز همین جهت میتوان انتظار داشت که چادر و لباسهای بدقواره‌ای که درکشور های متمدن وتربیت یافته مورد استعمال دارد و شخصیت پوشنده را آشکار نمیکند بتدریج از میان برود وچشم بینندگان را آزار ندهد وشاید مردان بتوانند با اظهار سلیقه خود به آن زودتر پایان بخشند .

تعداد زوجات نیز درایران روز بروز مرتباً کمتر شده و این رویه درشرف آنستکه بطور کلی متروك گردد . ذکر این موضوع واقعه‌ای را بخاطر من می آورد وشرح آن اینکه در زمان بحران مربوط به‌نفت هیئتی که عدهٔ اعضاء آن نسبتاً زیاد بودوچندین دوشیزه‌ماشین نویس‌انگلیسی نیز همراه داشتند برای مذاکره از انگلستان بایران آمدند . محل استراحت این دوشیزگان دریکی ازکاخهای سلاطین سابق درقسمتی معین شده بودکه درزمان گذشته افراد حرمسرای سلطنتی درآن اقامت داشتند . صبح شب اول اقامت دوشیزگان یکی از میهمانداران ایرانی ازآنها پرسیده بودکه شب را چگونه گذرانیده اند؟ گفته بودند : «بسیار شب بدی گذراندیم وحتی مژه برهم نگذاشتیم زیرا هرلحظه احتمال میدادیم‌که‌روح سلطان سابق ظاهر شود وبانوان‌حرم‌خودرا احضارنماید»

نزدیك کاخ تابستانی من یکی ازمامورین کشوری ایران زندگی میکند که دوهمسر تقریباً همسن وسال دارد و غالبا اورا می‌بینندکه‌بازو ببازوی هردوزن خود داده وبگردش میرود واز قراری‌که گفته‌اند دوزن درکمال سازگاری با یکدیگر بسرمیبرند هردوزن ازآن مرد دارای فرزندانی هستند وهرگاه یکی از آنها برای خرید از خانه خارج میشود فرزندان خودرا بدست دیگری میسپارد . شوهرشان مرد تحصیل‌کرده‌ای است که به‌خدمات اجتماعی نیز علاقه‌مند است وهمسران وی نیز دراین خدمات با رغبت فراوان باو دستیاری میکنند.

شنیدم وقتی همسر یکی ازاعضاء آمریکائی اصل چهار میخواست بملاقات این خانواده خوشبخت برود. باوگوشزد کردند که آن مرد دارای دوهمسر است. وی درپاسخ اظهارداشته بود: «اینکه اهمیت ندارد جد من دارای هفت همسر بوده است . ازقرار معلوم خانواده این خانم درایالت یوتا آمریکا مسکن داشته واز طایفه مرمون بوده‌اند.»

بسیاری از مردم مغرب زمین فراموش میکنند که وقتی پیغمبر

اسلام تعداد زوجات را حداکثر چهارنفر تعیین فرمود میخواست دائره تعدد زوجات راکه درآن زمان بسیار وسیع بود محدود کند از آن گذشته پیغمبر اسلام‌مخصوصاًمقرر فرمود که‌مردان به‌آن شرط میتوانند بیش ازیك زن اختیارکنند که بتوانند اصل تساوی و عدالت را بمعنای واقعی کلمه بین آنان معمول دارند وچون اجرای چنین اصلی برای تواناترین مردان دشوار است در حقیقت پیغمبر اکرم تعدد زوجات را تعلیق بمحال فرموده است .

شاید هنوز افراد معدودی باشندکه دارای چندین همسر و چندین فرزندند چنانکه یکی از افراد خانواده های تهران سی وچهارفرزند پیدا کرد که تمام آنها ازدختر وپسر دارای تحصیلات عالیه هستند . ولی امروز بعلل اقتصادی و جهات دیگر درمیان مردم ایران کسی که بیش ازیك همسر داشته باشد جنبهٔاستثنائی دارد و مثلا درتهران‌که درحدود یك میلیون ونیم جمعیت دارد درعرض یکماه هفتاد وشش‌نفرمرد متاهل همسر دیگری اختیار کرده‌اند وشش نفر قبلا دوهمسر داشته وزن‌سوم گرفته‌اند وکسی‌که توانائی وجسارت اختیار همسر چهارمی را داشته باشد نبوده است . درشهرستانها ممکن است‌تعددزوجات ازتهران‌بیشتر متداول باشد ولی درسراسر ایران این عمل اتصالا روبه نقصان میرود. همچنین کم‌کم موضوع ازدواج‌موقت یامنقطع نیزمنسوخ میشود . چون فحشاء که قدیمی ترین حرفه بشراست درزمان پیغمبر اسلام‌وجودداشت وآن حضرت را آزرده خاطر میساخت شاید علت عمده نکاح موقت و تعدد زوجات برانداختن فحشاء در اسلام بودکه چون بمردان درجنگهای بدوی اسلام تلفات بسیار وارد میشد وعده زنان افزونی میگرفت بنظر آن پیغمبرآسمانی صلاح مسلمانان آن بودکه زنان بنکاح موقت مردان وتحت حمایت آنان درآیند واز روی ناچاری گرد فحشاء نگردند .

چندین قرن پیش مسئله نکاح موقت طبق قانون شرع تحت اداره واختیار روحانی درآمد وبرای آن قوانینی مقرر گشت . چنانکه هرگاه مردی بفکر متعه‌کردن زنی میافتاد بدواً میبایست موافقت مجتهد محل را برای این‌کار جلب‌کند. دیری نگذشت‌که مقامات روحانی امضای‌قباله را بوسیله طرفین لازم تشخیص دادند واگر مردی دختری را میخواست بنکاح موقت خود درآورد بشرط رضایت دختر ، مجتهد درقباله‌ای مدت

نکاح ومبلغ مهریه را که اغلب بسیار ناچیز بود معلوم میکرد . امروز نیز میتوان این عمل را انجام داد ولی مانند ازدواجهای دائم قباله نکاح موقت وقتی صورت قانونی پیدا میکندکه در دفاتر رسمی به ثبت برسد ودرآن صورت فرزندانیکه از چنین زنی بوجود آیند طبق قانون ازهمه حقوقیکه فرزندان زنان عقدی دارند برخوردار خواهند بود غالباً اتفاق افتاده است‌که زنانی‌که نکاح موقت داشته‌اند بقدری رضایت خاطر شوهر را جلب کرده‌اند که بعقد لازم ودائم شوی درآمده‌اند. هرچند عقد منقطع بجهاتی جالب جلوه میکند ولی برآن مفاسدی مترتب است وبرای من موجب خشنودی است که می بینم عده اینگونه نکاحها بقدری کاهش یافته است‌که طبق‌آمار ماهیانه‌که ازشهر تهران‌گرفته شده‌است بیش از چهارده فقره نکاح موقت درظرف ماه صورت نگرفته ودرهرمورد هم مدت نکاح موقت از یکسال تجاوز میکرده و بسیاری از اینگونه نکاحها مدت هیجده سال ادامه‌داشته وهرنوبت پس ازانقضاء مدت مقرر تجدید شده است. رسم نکاح موقت نیزمانند تعدد زوجات ممکن‌استدر شهرستانها بیشتر از تهران معمول باشد ورسومی هم‌که درمغرب بنام «ازدواجهای عرفی» معمول است‌گاهی درایران نظیرپیداکرده است

امروز افق فکر زنان ایران در اثر تحولات دموکراسی بسیار وسیعتر ازگذشته است و عده دخترانیکه در دبستانها و دبیرستانها به تحصیل مشغولند روز بروز درافزایش است. امروز متجاوز از۴۰۰۰ نفر دوشیزه در دانشگاه تهرا نوصد ها دانشجوی دختر در دانشگاههای شهرستانها مشغول کسب علم وهنرند. تمام دانشگاههای ایران مختلط است و پسران و دختران دوش بدوش یك دیگر بتحصیل و مطالعه میپردازند . درسال ۱۳۳۷ دانشگاه تهران نخستین بار یك استاد زن برای راهنمائی دختران استخدام نمود تا با استاد راهنمای مرد درخدمتی که بهردو محول است تشریك مساعی کنند .

دختران پیش‌آهنك سالهاست در ایران فعالیت دارند و هر سال برای دختران دبیرستانها و دانشکده ها اردوهای تابستانی تشکیل‌میشود که اصول زندگی دسته جمعی وتعاون اجتماعی را عملا در آن اردوها بمقام عمل وآزمایش در می‌آورند. هرروز عده زیادتری اززنان ایران بمشاغل مختلف مانند آموزگاری ، منشی گری و پرستاری وارد میشوند

وعده‌ای پزشك و وكيل دعاوی و نويسنده وشاعر وموسيقيدان زن در كشور ما وجود دارد.

همانطوركه در فصل هشتم ذكر شد بانوان ايران روز بروز بر فعاليتهای اجتماعی خود ميافزايند و در تهران و ساير شهر های بزرك وكوچك درباشگاههای بانوان‌كه در نقاط متعدد ايجاد گرديده است شركت ميكنند . در سال ۱۳۳۸ خواهرم شاهدخت اشرف پهلوی شورای عالی زنان را تشكيل داد تا فعاليتهای سازمانهای مختلفه زنان را در ايران با يكديگر هم آهنك سازند .

علاقه شخص من بر آنست‌كه برای بانوان فرصت بيشتر و مجال وسيعتری برای خدمات اجتماعی فراهم‌گردد و هدف من اينست كه زنان نيز از همان حقوق اساسی مردان برخوردار باشند درمسئله حق رای برای زنان بايد بخاطرداشت‌كه دركشور فرانسه تا سال ۱۹٤٤ زنان از شركت در انتخابات محروم بودند ولی كسانيكه زنان فرانسوی را می‌شناسند هرگز نخواهند گفت كه نفوذ سياسی و اجتماعی زنان فرانسوی از همان سال آغاز گرديده است . زنان‌كشور سويس هنوزدر انتخابات شركت نميكنند ولی اين امر هرگز نشانه آن نيست‌كه بانوان سويس از حقوق اجتماعی محرومند

اكنون بايد اساس مسئله وضع اجتماعی زنان ايران و خاور ميانه را مورد دقت قرار داد بايد ناگفته نگذاشت كه در اين‌كشور ها اصطلاحات آزادی » و تساوی زن و مرد » چندان بمفهوم واقعی و حقيقی آنها مورد استعمال نيافته و همين استنباطات نادرست خود بحقوق وآمال زنان لطمه وارد ساخته است. بايد ديد منظورازآزادی زن چيست ؟ وقتی بسخنان بعضی ازآنهاكه خود را طرفدار زن معرفی ميكنند گوش فرا داده ميشود بذهن آدمی اينطور ميرسد كه غرض‌از آزادی زن اختيار نكردن شوهر ونداشتن فرزند ودر صورت داشتن كودك عدم توجه به تربيت او و نرفتن زيربار هرگونه مسئوليتی است. اگرچنين باشد اين‌آزاديها برای هرزن ايرانی‌كه بخواهد فراهم است وهيچ قانون يارسمی جلوگير آنان بری تمتع ازاين‌آزاديها نيست ولی سخن اينست‌كه زنان هوشمند وصاحب فكر ايرانی اين نحوآزاديها را مردود ميشناسند وميدانندكه در خلقت آنها امتيازات خاصی است

وهمان امتیازات برای آنها مسئولیت های مخصوصی بوجود آورده است .

مواهبی که بجنس زن و مرد عطا شده تساوی بین آن ها را برای صاحبان ذوق سلیم بدون مفهوم ساخته واگر زنان مفهوم « تساوی »و مفهوم «تساوی فرصت» را با هم مخلوط کنند بجنس زن صدمه جبران ناپذیر وارد ساخته‌اند .

دین مبین اسلام وسایر ادیان آسمانی نیز مردان و زنان را مکمل یکدیگر قرارداده است و مسئله مساوات را بمفهوم اینکه زن و مرد از هر جهت یکسان هستند ردکرده و عقل سلیم نیز این‌حقیقت بارز را پذیرفته است . میدانم بعضی از روانشناسان و دانشمندان علم‌الاجتماع را عقیده برآنستکه اکثر اختلافات میان زن ومرد ازآنجا بروزکرده است‌که اجتماع بشر برای هرجنس وظائف متفاوتی مقرر داشته است اما این نظر کلی نیست وتنها بقسمتی از اختلاف متوجه است زیرا اگر در رفتار دختران وپسران خرد سال که هنوز شرایط اجتماعی درآنها اثر نکرده است دقیق شویم شواهد روشنی درعدم کلیت این نظرخواهیم یافت چنانکه یك دوشیزه جوان اعم از اینکه از خانواده ثروتمندیا فقیر یا متشخص یاگمنام باشد چون بدوران بلوغ میرسد برحسب‌خلقت آثار ـ دلربائی در او پدیدار میشودکه ابدا باوضاع اجتماعی ارتباطی ندارد ونتیجه تفاوت طبیعی جنس اوست و در حقیقت زیبائی حیات در اثرهمین تفاوت وامتیاز پدیدارگشته است. پس آنهائیکه طرفدارتساوی مطلق بین زن ومرد هستند مفاهیم کلمات را بایکدیگر مخلوط میکنند وموانعی بزرك در برابر پیشرفت زنان بوجود می‌آورند

البته مسئله تساوی فرصت ومجال برای مردان وزنان سخن دیگری است و مثلا اگردوشیزه‌ای بخواهد دررشته فیزیك تحصیل کند باید بدون آنکه جنس وی در نظر گرفته شود فرصت وامکان تحصیل آن رشته را داشته باشد چنانکه دوشیزه دلربای ایرانی را میشناسم‌که در کشور امریکا درهمین رشته مشغول تحصیل بود وبا یك جوان ایرانی که در رشته روزنامه نگاری کار میکرد آشنا شده وچندی است با هم ازدواج کرده‌اند وآن زن اینك تمام اوقات خود را بامورخانه‌داری صرف میکند درصورتیکه فیزیك دان قابلی هم هست

بموجب مقررات قانون جدیدکار مصوب سال ۱۳۳۸ تساوی کار و تساوی حقوق زن و مرد اصل مسلم گشته وازاین حیث تفاوتی بین زن و مرد منظور نگردیده است . تساوی بین زن و مرد برای اشتغال بخدمات دولتی نیز روز بروز بیشتر فراهم است چنانکه مثلا دروزارت پست و تلگراف شغل فروش تمبر پست بعهده بانوان واگزار شده و میگویند عده زنانی‌که درآن وزارتخانه بکار منشی‌گری وماشین نویسی مشغولند از عده مستخدمین زن در ادارات پست‌کشور امریکا زیادتراست

مؤسسات و شرکت های خصوصی نیز برای امور ماشین نویسی و دفترداری خود بیش از پیش از وجود بانوان استفاده میکنند

بدیهی است از نظر فرصت و مجال و توانائی بدنی زن و مرد در اصل تساوی نمیتوان مبالغه کرد چنانکه مثلا در میان ملل متمدن زنان را بکارهای سنگین ساختمانی نمیگمارند. ممکن است بعضی‌ها این ممنوعیت را بعدم تساوی تعبیرکنند ولی مردم فکور آنرا یك نوع اصلاح وتعدیلی می‌بینندکه تمدن ودانش جدید در اصل تساوی لازم شناخته است در قانون کار کشور ایران نیز همین نظر اعمال شده و محدودیت هائی مخصوص در شرائط کار زنان و کودکان مقرر داشته است

مسائل یا اصطلاحاتی مانند «آزادی زنان » و «تساوی زن ومرد » باید در محیط خانواده نیزبدقت مورد تفسیر واقع شود برخی ازمردم مدعی هستندکه بانوان امریکائی ازنظر شرائط و مناسبات بین زن و شوی از تمام زنان دیگر جهان آزادترند ولی من با آنکه برای زنان امریکائی احترام زیاد قائلم در چهره آنها نیز آثار و علائم ناراحتی و تشویش خاطر بسیار دیده‌ام واین حقیقت را نمیتوان انکار کرد که در میان ملل بزرك گیتی در آمریکا طلاق بیشتر از همه جا صورت میگیرد و بطور متوسط از هر سه فقره ازدواج یك فقره بطلاق منجر میشود ازآمریکا اطلاعات و معلومات بسیار میتوان فراگرفت ولی شك دارم که درباره زناشوئی موفقیت آمیز نیز از آن کشور بتوان درسی آموخت آنچه از آن « به تساوی » تعبیر میشود وقتی بدو موجود مانند زن وشوی اطلاق شود که از حیث خلقت با یکدیگر متفاوتند معنی و مفهوم واقعی پیدا نمیکند زیرا زن و مرد مکمل

یکدیگرند و وقتی دراثرزناشوئی این کمال پدیدآید بسیار دلپذیر و زیبا خواهد بود

در اغلب کشور ها شوهر عهده‌دار امور خانواده است وآنچه من به تجربه دریافته‌ام این است که در تمام گیتی ازباختر و خاور کسانی که در اثر ازدواج خوشبخت شده‌اند دراین نکته با یکدیگر اتفاق‌عقیده دارند در هر حال امید من این است که مردم‌ایران درامرازدواج و تشکیل خانواده ووظیفه بانوان کورکورانه ازجهان باختر تقلید نکنند میل من این است که جنبه های خوب زندگانی جهان متمدن رااقتباس کنیم ولی نه‌آن مسائلی که بنیان مستحکم زندگانی خانواده‌گی ایرانی‌را برهم ریزد ونه تاآن جدود که رشته های بهم بافته آنرا ازهم‌بگسلاند برخی اززنان جاهل وگمراه ایرانی وخارجی تصور میکنندکه منظور از آزادی توانائی آنها در اقناع هوا وهوس و تمنیات نفس خود پسند آنهاست ولی حقیقت مسئله آن است که زنان هرحق تازه‌ای بدست آورند مسئولیت جدیدی برای آنها بوجود میآورد و اگر در هنگام دوشیزگی نمیتوانسته اند ازتعهد آن مسئولیت سرباز زنند درهنگام ازدواج بطریق اولی نمیتوانند از زیر بار وظائفی‌که برای آنها بوجود میآید شانه خالی‌کنند

در دوران گذشته مسئولیت زنان ایرانی‌که در اندرونها میزیستند بسیار ساده ومحدود بود زیرا شوهران وخدمتگزاران متعدد وسایل آسایش را از هرجهت فراهم میساختند وبار هر زحمتی را از دوش وی برمیداشتند ولی زن دانشمند امروز وظائف دشواری را دربرابر خویش مشاهده میکند زیرا نخست باید برای شوهر خویش همسری باشد یعنی نه‌تنها وظیفه هم بستری را انجام دهد بلکه رفیق وشریک حیات معنوی وذوقی شوهر باشد مسئولیت بزرگ دیگری‌که بعهده اوست تربیت فرزندان درسالهائی است که سرشت وطینت واخلاق طفل باید بروز وظهور نماید واوست‌که باید برای‌کودکان کانون عشق و محبت وسرچشمه ذوق ومنبع فضیلت باشد واصول و مبادی اخلاقی راکه در دنیای کنونی طفل را بحوزه بزرگ اجتماع وارد میکند بآنها بیاموزد ازاین‌هاگذشته زن ایرانی باید درتجدید حیات‌کشور خویش سهمی داشته باشد ودر امور خیریه وعام‌المنفعه خدمتی را تعهد نماید

و این خدمت را بدون کبر و نخوت یا توجه بمقام و منزلت خویش درکمال گشاده روئی وطیب خاطر انجام دهد ومردم عادی و مخصوصاً آنان راکه در دهکده ها وروستاها زندگی میکنند مورد شفقت خویش قرار دهد

من بآینده زنان بی‌نظیر ایران که بسیاری ازآنها بعقیده متخصصین علم الجمال زیباترین زنان جهانند ایمان دارم بنظر من زن ایرانی میتواند بانگاهداشتن جنبهٔ نسوانیت ، خویشتن را بآن مقام برساند که در سربلندی وپیشرفت جامعه مترقی ایران کنونی مصدرخدمات و مسئولیت هائی باشدکه همه‌جا مایه سرافرازی وافتخار اوست

فصل یازدهم

فرهنگ و آینده ایران

روایت است‌که هنگامیکه حضرت محمد صلی‌اله علیه‌وآله درمکه دعوت اسلام راآشکار فرمود گروهی از مردم مکه بمخالفت وضدیت‌با آن حضرت برخاستند و بقصد جان رسول خدا گرداگرد خانه وی جمع شدند . حضرت ختمی مرتبت(ص) اراده فرمود که از مکه بمدینه هجرت‌کند واز آنجا خلق را بدین مبین اسلام دعوت فرماید چون دشمنان خانه. را محاصره کرده بودند وبیرون آمدن از خانه خطر بسیار داشت ، شب هنگام یکی از صحابه آنحضرت را بردوش گرفته وعبائی برسر وی کشید وازخانه خارج شد . وقتی ازمیان دشمنان میگذشتند یکی از معاندین پیش آمده از حامل حضرت پرسید‌که بردوش اوچه کسی‌است . وی بی‌محابا پاسخ داد محمد است . معاندین‌که این سخن صدق را شوخی پنداشتند ببازرسی شخص روی پوشیده نپرداختند و رسول اکرم بسلامت از میان آنان گذشته وازخطر مرگ نجات یافت

من‌این روایت زاازنظر حکمت بزرگی‌که درآن‌نهفته است درصدر این فصل قرارداده‌ام تا درمقامی‌که سخن ازآموزش وپرورش خواهد رفت بمناسبت موقع بآن اشاره شود .

پیغمبراسلام(ص) فرموده است‌که‌کسب علم ومعرفت تنها اندوختن علم ودانش نیست بلکه باید آنچه فراگرفته میشود بکار برد وعلم را باعمل توأم ساخت و بدیگران فیض بخشی نمود واگر چنین نباشد مابین کسیکه علم اندوخته باچهارپائی‌که کتب فراوان برپشت خویش حمل میکند تفاوتی نیست محققاً در جهان امروز احتیاجی به اثبات این نکته نیست‌که‌گاهی زیان دانشی‌که بطور ناقص فراگرفته شود از فوائد آن بیشتر است چنانکه هیتلر علم و دانش را برای تشکیل

اردوی زندانیان ودهلیزهای اعدام برای ازمیان بردن میلیونها نفوس بیگناه اززن ومرد وکودك بکاربرد. امروز این نکته مسلم است که تربیت و دانشی که اجتماع آنرا بپذیرد نه تنها باید اشخاص را باطلاعاتی آشنا کند بلکه باید اصول حق وحقیقت ورفتار صواب را بجامعه بشری تلقین نماید

درایران قدیم شغل روحانیت برسربازی وجنگاوری مقدم بود و هرچند ملت ایران اصولا ملتی سلحشور بود ولی مذهب زرتشت روح باصلابت سربازی را تعدیل میکرد وبآن صفا و انعطاف میبخشید. تعلیم فنون رزم آوری ویژه سپاهیان بود روحانیون زرتشتی گذشته از تعهد مناسك مذهبی بتعلیم وتربیت جوانان نیز میپرداختند. پسران خردسال ایرانی سه اصل مهم گفتار نیك وپندار نیك وکردار نیك را فراگرفته سواری وتیر اندزای میآموختند ومهمترین درسی‌که به آنها داده میشدآن بودکه راستگوئی رااساس زندگی خویش قرار دهند و توانائی تشخیص میان خیر وشر پیداکنند .

متاسفانه زرتشتیان قدیم تعلیم وتربیت رابطبقات ممتاز منحصر ساخته بودند ومؤبدان تنها به تربیت فرزندان شاهزادگان و رؤسای قبائل وافسران ارتش ومامورین کشوری میپرداختند. مردم عادی ازنعمت علم ودانش بی‌نصیب بودند ودرجه معلومات بازرگانان محدود وبقدر رفع احتیاج بود وعلت آنهم این بودکه ایرانیان قدیم بشغل بازرگانی بدیدهٔ حقارت نگریسته و بازار را مرکز فریب و دروغ میشناختند وسعی میکردند که درحوالی بازارها مکتب و مدرسه ای نباشد. ظاهراً زنان نیزازهر طبقه‌ای بودند ازفراگرفتن معلومات نصیبی نداشتند.

درآنزمان مؤبدان بزرگ وافسران عالیمقام ورؤسای ادارات علوم زمان رابه نسل جوانتر ازخود تعلیم میدادند و تحصیلات عالیه ازآن فراتر نمیرفت ولی دراین موضوع موارد استثنا نیز وجود داشت چنانکه مثلانسطوریهای مسیحی‌که درمحل‌لبنان امروزدانشگاه ودانشکده پزشکی بزرگی تاسیس کرده بودند براثر مخالفت وتعدی که ازامپراطوری روم شرقی بآنها میشد ناگزیر نخست به سوریه (شامات) مهاجرت کردند و پس درسال ۴۸۹ میلادی بکشور ایران پناهنده شدند. خسرو انوشیروان

شاهنشاه ایران مقدم دانشمندان‌آن قوم وکتب آنهارا گرامی داشت و آن دانشمندان هم درشهر گندیشاپور (در خوزستان) دانشکده پزشگی تأسیس کردندکه تاچندین قرن مشغول افاضه بود.

استقبالی که ازاین دانشگاه واستادان مسیحی‌آن درایران بعمل آمد دلیل بارز خصیصه مماشات ومدارای ما نسبت بفرق مذهبی‌گوناگون وبزرگداشت علم وهنراست. این خصال وخصائص دردوره شاهنشاهی خسرو انوشیروان بطرق دیگر نیز تجلی داشت، چنانکه درسال ۵٤۱ میلادی‌آن شاهنشاه شورائی تشکیل داد تابرای بسط واشاعه علم پزشگی درسراسر کشور پهناور شاهنشاهی تبادل نظرکنند و ریاست این شورارا نیزبه یکی ازپزشکان مشهورمسیحی بنام جبرائیل دستویه واگزارنمود و همچنین تالیف ونشر کتب پزشکی را تشویق کرده و دانشکده گندیشاپور راوسعت داد ومترجمین رابه برگرداندن رسالات وکتب افلاطون وارسطو وسایر دانشمندان مشهور یونانی وهندی بزبان پهلوی تحریص کرد. پس ازحمله اعراب بایران که بسال ٦۳۳ میلادی آغاز گردید روحانیون مسلمان امرتعلیم وفرهنك وقضاوت وامور خاص روحانیت را بعهده گرفتند و درسراسرکشور مکتب ها یا دبستانهای ابتدائی پسرانه تاسیس کردند (دوشیزگان طبق رسم معمول زمان همچنان از فراگرفتن علم و دانش بی نصیب بودند) پسران در سن هشت سالگی معمولا از مادر و خواهران خود جدا میشدند وتحت تربیت مردان خانواده درمی‌آمدند ویا درخانواده های ثروتمند بدست لله‌ها و مربیان موظف سپرده میشدند

هرپسری که خانواده‌اش از عهده پرداخت دست مزد معلم که بسیار ناچیز بود برمی‌آمد به مکتب سپرده میشد وقرائت قرآن مجید را فراگرفته و متن آنرا بحافظه می سپرد ونوشتن وخواندن زبان فارسی و مقداری حساب یاد میگرفت چون قرآن مجید بزبان عربی است اطفال از فهم و معانی آن عاجز بودند ومکتب داران نیز غالباً بعلت فقر علمی از توضیح و ترجمه و تفسیر مفاد آیات صرفنظر میکردند

کودکان دبستانی چهار زانو روی زمین بدور معلم خود می نشستند وآیات قرآن کریم را که ازمعانی آن سردرنمی آوردند و گاهی خود معلم نیز از فهم معنی آن عاجز بود با یکدیگر با تکان دادن سر بصدای

بلند قرائت میکردند . معلم مکتب برای حفظ انضباط ظاهری شاگردان تنبل را باچوب وفلك شدیداً تنبیه میکرد .

پس ازاینکه کودك مکتب را تمام میکرد بمدرسه یا دبیرستان میرفت وبتحصیل علوم دینی و حقوق وطب می پرداخت ووقتی تحصیلات خودرا دراین مدرسه باتمام میرساند باخذ گواهی‌نامه خاصی نائل می‌آمد.

از یکصد و اندی سال پیش متدرجاً اصول ورویه کشور های متمدن دردستگاه تعلیماتی ما نفوذ پیدا کرد درسال ۱۸۳۶ میلادی جمعیت پرسبیتری آمریکا دبیرستانی در شهر ارومیة (رضائیه امروز) تأسیس و چندی بعد در سایر نقاط ایران نیز دبیرستان هائی ایجاد کردند. همچنین دبستان های انگلیسی و آلمانی و فرانسوی وروسی در سالهای بعد در ایران افتتاح گردید و هزاران نفر از پسران و دختران معلومات ابتدائی و متوسطه و مقدمات تحصیلات دانشگاهی را در آن دبیرستانها فراگرفتند . مشهور ترین این دبیرستانها دبیرستان البرز تهران است که بسیاری از رجال امروزی و بازرگانان درجه اول کشور از جمله فارغ التحصیلان این دبیرستان هستند و همه بشخصیت بارز دکتر ساموئل جردن مدیرآمریکائی این دبیرستان‌که سالهاآن سمترا عهده‌دار بوده اتفاق عقیده دارند پس از تشکیل دبیرستان پسرانه البرز دبیرستان دیگری نیز باسم «سیج» برای دختران تاسیس‌گردید.

بسال ۱۲۸٦ یعنی پنج سال پس از جلوس ناصرالدین شاه قاجار بسلطنت اولین دارالفنون دولتی ایران بهمت و مجاهدت شادروان میرزا تقی‌خان‌امیرکبیر صدراعظم دانشمند وترقیخواه‌آن پادشاه درتهران تاسیس یافت . این دبیرستان دولتی برای تعلیم و تربیت درباریان و افسران ارتش واطباء و مهندسین تاسیس یافته بود ودر سالهای اولیه برای تدریس از معلمین اروپائی و مشاورین نظامی فرانسوی که برای اصلاح تشکیلات اداری وآرتشی بایران آمده بودند استفادهٔ میشد و برنامه درسی‌آن مشتمل‌بود بر رشته‌های زبان لاتین وفرانسه‌ـریاضیات‌ـ شیمی ـ داروسازی ـ طب ـ معدن‌شناسی ـ تعلیمات‌نظامی واندکی‌بعد زبان فارسی و عربی وفقه اسلامی وحقوق نیز به‌آن افزوده شد. تاسال ۱۲۷۳ جمعا ۱٦۰ تن دانشجو دراین دبیرستان مشغول تحصیل بودند واز بین آنها ۱۱۰ نفر باخذ گواهی نامه رسمی توفیق یافتند .

راجع به مسافرت های ناصرالدین شاه قبلا سخن‌رانده‌ام وشك نیست که آن سفرها موجب بیداری ایرانیان و توجه آنان بلزوم تجدید رویه تعلیمات واقتباس اصول نوین گردید. ناصرالدین شاه عده‌ای ازجوانان ایرانی را برای‌کسب معلومات باروپا گسیل داشت واین جوانان ازسال ۱۲۲۵ که پس از فراغ از تحصیل به میهن خود بازگشتند با همکاری عده‌ای دیگر از دانشمندان ایران به تشکیل مجامعی برای تنظیم و تجدید برنامه دبستان‌ها ودانشکده‌ها پرداختند. درسال ۱۲۸۱ دانشکده علوم سیاسی درتهران تأسیس یافت و قانون مشروطیت درسال ۱۲۸٦ هجری قمری وظیفه دولت را درتعمیم معارف و تعلیم وتربیت مؤکد ساخت ودر فاصله سال های ۱۲۹۰ و ۱۲۹۱ مجلس شورای ملی‌لایحه تشکیل وزارت فرهنك وتعلیم وتربیت عمومی را بتصویب رسانید

با اینحال در سال ۱۳۰۰ یعنی‌کمی پس ازکودتای پدرم درسراسر کشور بیش از ٤٤٠ باب دبستان ابتدائی دولتی با ٤۳۰۰۰ محصل و٤٦ باب دبیرستان دولتی با ۹۳۰۰ دانش آموز ویك دانشکده با ۹۱ دانشجو مشغول اشاعه معارف نبود و پدرم‌که این عده محصل ودانشجو ومدرسه را با احتیاجات کشور متناسب نمیدید به بسط وتوسعه وتکثیردبستانها ودبیرستانها همت‌گماشت ونتیجه مساعی اوآن بودکه درسال ۱۳۱۱ عده دبستانها ودبیرستانها به سه برابر عده سال۱۳۰۱ودرسال ۱۳۲۱بشش برابر بالغ گردید وعده محصلین ودانشجویان نیز تقریباً بهمان نسبت افزایش یافت درسال ۱۳۱۱ شمسی فقط سه مدرسه عالی درایران وجود داشت ولی درسال ۱۳۲۱ عده مدارس عالیه که عبارت از مدرسه کشاورزی و مهندسی ودانشکده افسری ودانشسرا (که‌اولین دانشسرای دخترانه‌هم جزوآن بود) ودانشگاه تهران بود چهاربرابرگردید . تاسیس دانشکده افسری یکی از اقدامات مهم رضاشاه برای تربیت افسران بسبك نوین‌بودکه فنون نظامی را باپرورش ملکات فاضله ومیهن‌پرستی حقیقی فراگیرند.

درمسئله بسط تعلیم و تربیت رضاشاه بساختن دبستان ودبیرستان وتربیت معلم واعزام دانشجویان‌بکشورهای خارج اکتفانکرد بلکه‌فلسفه آموزش وپرورش ورویه تعلیماتی‌کشور را تغییر شگرف داد و تحولی

عمیق ومعنوی دراین سازمان بزرگ بوجود آورد .

بعقیده پدرم وظیفه نخستین آموزش و پرورش خلق وایجاد روح میهن پرستی در دل جوانان کشور بود و بدون وجود یك چنین روحیه نیرومندی آرمانهائی که برای تجدید حیات کشور داشت صورت وقوع پیدا نمیکرد . بعقیده او اقتباس تمدن و فرهنك نوین تنها به تغییرات ظاهری مانند احداث کارخانه وراه آهن و خیابان‌های اسفالت‌شده نیست بلکه باید درفرهنك و معنویات ملت ایران نیز تغییرات کلی بعمل آید وتوفیق دراین عمل بسته بدرجه عمق وبسط دامنه آن تغییرات اساسی است . از همین جهت درهمان ایام که بناهای کهن وتاریخی را حفظ و مرمت میکرد وبابهت وشکوه نخستین میرساند طرز فکر و عمل مردم را نیز عوض‌میکرد تا عظمت‌گذشته ایارن باآینده روشن ودرخشنانی‌که برای آن میخواست هم آهنك گردد

برای اجرای همین فکرپدرم برنامه های تعلیماتی راکه تا آنروز درایران سابقه نداشت‌بمقام اجراگذاشت‌ودروس بهداشت وتعلیمات‌مدنی وخانه‌داری را درمدارس رواج داد تشکیلات پیش آهنگی پسران و دختران را تشویق کرد ، وبوسیله رادیووسایر وسائل مخابراتی‌جوانان وکودکان را بوظیفه‌ای‌که درخدمت بمیهن داشتند و مجاهدت در بهبود وضع زندگانی آشنا ساخت و برنامه وسیعی برای آموزش سالخوردان تنظیم فرمود .

از سال ۱۳۲۰ شمسی که دوران سلطنت من آغاز گردید من نیز همان اصول کلی را که پدرم درامر تعلیم و تربیت اتخاذ کرده بود مورد توجه وتعقیب قرار داده‌ام .

درسال ۱۳۲۲ شمسی مجلس شورای ملی قانون تعلیمات اجباری رایگان را برای کلیه کودکان کشور تصویب نمود. هرچند این‌قانون تا حدی برای‌کشور زود بود وهنوز عده آموزشگاهها و آموزگاران ما به‌آن حد نرسیده بودکه بتوان قانون رادرسراسرکشور بموقع اجراگذاشت ولی هدف‌آینده‌تعلیم وتربیت رابرای‌ما مشخص میکردووصول بآنرا برای ما الزام‌آور میساخت .

دستگاه آموزشی‌کشور ازهمان ایام روی‌بتوسعه نهاده است‌چنانکه هزینه فرهنك بیك‌پنجم بودجه سالیانه کشوربالغ‌گردیده واین مبلغ

بنظر من با مقایسه باآنچه درممالك راقیه برای‌فرهنك خرج میشود بسیار قابل توجه است .

درسال ۱۳۳۸ عده دبستانهای دولتی از ۸۰۰۰ باب تجاوز میکرد یعنی نسبت بسال ۱۳۰۰ هیجده برابر شده بود وعده دبیرستان دولتی به ۱۱۰۰ باب رسیده بودکه بیست وسه برابرسال ۱۳۰۰ شمسی است واگراین پیشرفت ها راکه درظرف مدتی‌کمتر ازچهل‌سال‌بعمل آمده از اقدامات بسیار مهم بشمار آوریم حمل بر مبالغه نخواهد شد. عده محصلین ایرانی نیزکه در دبستانها مشغول تحصیل بوده‌اند ازیك‌میلیون تجاوزکرده وعده دانش‌آموزان دبیرستانها وآموزشگاههای‌کشاورزی و مدارس هنرهای زیبا وموسیقی وعلوم‌اداری به ۲۲۵۰۰۰ نفر بالغ شده و عده آموزگاران ودبیران به ۴۵۰۰۰ نفر رسیده است‌که یك سوم آنها زن بوده‌اند

در قسمت تحصیلات عالیه علاوه بر ۱۱۰۰۰ نفر دانشجو که در دانشگاه تهران بتحصیل اشتغال دارند چندین هزارنفر جوان از دختر وپسر دردانشگاههای نوبنیاد شهرستانها بکسب معلومات میپردازند وچند صد نفرهم دردانشگاه جنك مشغول‌فراگرفتن معلومات نظامی هستند دانشگاه تهران مرکب ازدانشکده‌های علوم‌طبیعی و ریاضیات ومهندسی وپزشکی ودندانپزشکی وداروسازی وکشاورزی ودامپزشکی وحقوق وعلوم سیاسی واقتصادی وادبیات وهنرهای زیبا وعلوم و فقه اسلامی است. دردانشگاههای استانها، دانشگاه تبریزوشیراز ومشهدو اصفهان واهواز با وجود آنکه هنوز رشته های تدریسی آنها نسبت به دانشگاه تهران محدود است (چنانکه مثلا دانشگاه شیراز مرکب از دانشکده‌های ادبیات وکشاورزی و پزشکی‌وعلوم است) ولی بسرعت در حال تکاملند وبا روحیه‌ای که ویژه پیشقدمان خدمات فرهنگی است دستگاه آموزشی خود را توسعه می‌بخشند .

درسال ۱۳۳۳ در دانشگاه تهران مؤسسه علوم اداری و بازرگانی بکمك امریکائیها تاسیس یافت که قسمت های ویژه اداره امور عمومی و تربیت‌کارمندان در آن تدریس میشود واین رشته‌ها برای‌کشوری مانند ایران که تازه درراه ترقی وپیشرفت قدم نهاده حائز اهمیت فراوان است. مؤسسات ومراکز دیگری نیز مانند مرکز مطالعات خاورمیانه‌و

باستانشناسی وبررسی وآزمایشهای روانشناسی ومؤسسه مطالعات اجتماعی ودفع مالاریا وبررسی اتمی در دانشگاه تهران دایر و مشغول کارند

در خارج از حوزه دانشگاه نیز مراکز تحصیلات عالیه دیگری تأسیس شده است مانند مؤسسه فنی وحرفه‌ای تهران که برنامه چهار ساله دارد وبدانشجویان خود درجه فوق لیسانس میدهد ومؤسسه آبادان که توسط شرکت ملی نفت ایران اداره میشود وبتدریس مواد مختلف در رشته مهندسی اشتغال دارد آموزشگاه خدمات اجتماعی تهران دانشجویان را برای اداره امور عام‌المنفعه تربیت میکند وآموزشگاه وزارت بهداری فن پرستاری را به زنان جوان می‌آموزد وآنها را باصول نوع پروری وخدمت بخلق آشنا میسازد

گذشته ازمؤسسات تعلیم وتربیتی فوق، برنامه‌های وسیعی نیز برای باسوادکردن افراد نظامی وژاندارمری وآشنا ساختن آنها بحرفه های صنعتی بمورد اجراگذاشته شده‌است. درفصل هشتم ونهم درباره فعالیتهای تعلیماتی که بوسیلهٔ مؤسسات خیریه و بانك عمران وابسته بدستگاه سلطنت بعمل میآید و برنامه وسیع عمرانی که دولت مشغول اجرای آنست سخن رفته است علاوه براین اقدامات دولت برنامه وسیع و جامعی نیز برای باسوادکردن مردم وتعلیم وتربیت عمومی درسراسر کشور بموقع اجراگذاشته است

درکلاسهای آموزشی دهکده‌ها وشهرستانهاومراکز استانها دهها هزار نفر ازمردم که بیشترکسانی هستندکه از نعمت تعلیم وتربیت برخوردار نبوده اند بتحصیل اشتغال دارند

اما سواد یعنی توانائی خواندن ونوشتن مانند آلات و ابزار است واگر براه ناصواب بکار افتد زیانش از سود آن بیشتر است واز همین جهت نظر ما در تعمیم سواد وسعت یافته وبرنامه تحصیلات اساسی وبدوی راطوری مرتب‌ساخته ایم که سواد عامل بهبود وضع زندگانی افراد باشد واستعداد سزاوار تحسینی که در مردم کشور ما موجود است برای انجام این منظور بحدکمال مورد استفاده قرارگیرد

وزارت فرهنگ عده‌کثیری آموزگار که اغلب آنها زن وشوی هستند برای اجرای تعلیمات اساسی دردهات وقصبات تربیت‌کرده و آماده خدمت نموده است تا در دبستانهائی‌که دردهکده ها موجوداست

عصرها بتعلیم وتدریس بپردازند این افراد غالباً ازنظر علاقه وشوقی که باین خدمت پرارزش دارند منزل خود را مـرکز امـور اجتماعی دهکده ها قرار میدهند . این آموزگاران به روستائیان خواندن ونوشتن وحساب میآموزند ولی درس‌آنها طوری‌است‌که همیشه باکارهای روزانه مردم روستا وحوائج‌آنها ارتباط مستقیم دارد . برای روشن ساختن این مطلب عنوان چندکتاب راکه وزارت فرهنك باهمکاری مؤسسات دیگر برای تدریس در این‌کلاسها تهیه‌کرده است نقل میکنم : عنوان کتاب اصلی «ماخواندن ونوشتن را یاد میگیریم » است وکتابهای دیگر خانه وبهداشت - مرغ داری ودام پروری - بهداشت عمومی قصبه - درخت جنگل - ماباهم کار میکنیم - عنوان دارند دروس عملی نیز باقرائت توأم است و مثلا روستائی نه‌تنها طریق مواظبت ونگاهداری درخت پسته را در کتاب میخواند بلکه عملا نیز طرز پیرایش و قطع شاخه های زیادی درخت ودفع آفت آنرا تعلیم میگیرد و یا دراثر فراگرفتن دروسی چند راجع به‌پرورش ونگاهداری زنبور عسل میتواند درحفظ‌کندو شیوه بهتری را بکار ببرد همچنین همسر مرد روستائی نه تنها درباره طرز نان پختن میوه خشك کردن و جلوگیری ازچشم‌درد فرزنـد خود مطالبی در کتاب میخواند بلکـه عملا نیز رموز آن را میآموزد وشك نیست‌که اینگونه‌تعلیم وتربیت دربهبود اوضاع زندگانی مردم روستا اثرات بسیار سودمندی خواهد داشت

بااشاعه سریع رشته های متنوع علوم مادی درکشور توسعه و ترویج علوم دینی نیز از نظر دور نمانده است چنانکه در حال حاضر ۲۰۰ باب مدرسه علوم دینی وحوزه علمی اسلامی درکشور ایراندایر است‌که قسمتی از هزینه‌آن رادولت تأمین میکند ولی‌اداره امور داخلی این حوزه‌ها و تدریس طلاب از هرحیث در اختیار روحانیون است و غالب شاگردان‌آنها برای‌اجرای وظائف روحانی‌تربیت‌میشوند. بزرگترین وبهترین این مؤسسات حوزه علمیه مشهور شهر قم است‌که ازاماکن متبرکه بشمار است ودیر زمانی است‌که مرکز کسب فضائل معنوی و علوم دینی بوده وهنوز کیفیت معنوی خویش وبرکناری از جهان مادی را نگاهداشته است

گذشته از مؤسسات تعلیماتی وآموزشی دولتی ومداس روحانی

روزبروز بر تعداد دبستانها ودبیرستانهای خصوصی که بااجازه وزارت فرهنگ گشایش مییابد افزوده میشود . یکی ازاین مؤسسات آموزشگاه پرستاری وابسته به‌مرکز پزشگی شیرازاست که درآن دوشیزگان جوان فن پرستاری را مطابق اصول نوین میآموزند همچنین عده زیادی کودکستان ودبستان ابتدائی وآموزشگاههای بازرگانی وزبان های‌خارجی وموسیقی وغیره بوسیله افراد تأسیس گشته ودربسط فرهنگ بقدر خود خدمتی انجام میدهند

درسال ۱۳۱۹ پدرم بمنظور جلوگیری ازنفوذ بیگانگان درکشورمقرر داشت که تمام آموزشگاههای خارجی که محصلین ایرانی در آن مشغول تحصیل بودند بوسیله دولت اداره شود . اما در جنگ دوم جهانی این ترتیب کم و بیش برهم خورد و آموزشگاههای خارجی مجدداً افتتاح یافت از جمله این آموزشگاهها که شهرت بسزائی دارد آموزشگاه امریکائی‌تهران است که بدست هیئت‌مبلغین پرسبیترین امریکائی‌اداره میشود وهمه ساله درحدود ۱۲۰۰ تن محصل که قسمت عمده آنها ایرانی هستند درشعب ابتدائی ومتوسطه‌آن بتحصیل اشتغال دارند. پایه‌تدریس این آموزشگاه بسیار عالی است وبسیاری از محصلین را برای ورود بدانشکده ها ودانشگاههای امریکا آماده میسازد ارامنه وکلیمیها و سایر اقلیتهای مذهبی ایران نیز همه دارای آموزشگاههای اختصاصی هستند که رویهم رفته بنحو رضایت بخشی اداره میشوند

درسالهای اخیر هموطنان من از پیر و جوان علاقهٔ وافری بآموختن زبان انگلیسی پیداکرده اند و علت آن نیز آنست که امروزه بیشتر ملل بزرگ جهان بزبان انگلیسی تکلم میکنند وبسیاری از آثار ادبی وعلمی مهم بآن زبان نگارش یافته است ولی‌بنظر من این علاقه علت اساسی دیگری هم دارد وآن این است که مردم بتدریج دریافته اندکه انگلیسی جنبه زبان بین‌المللی پیداکرده است چنانکه بسیاری از کتابهای تبلیغاتی روسها نیز بزبان انگلیسی چاپ ومنتشر میشود با وصف آن ایرانیان که اساساً در فراگرفتن زبان استعداد بسیار دارند بزبان فرانسه نیز علاقه مخصوص نشان میدهند وعدهٔ زیادی یادرمؤسسه ایران و فرانسه در تهران که زبان فرانسه را بشیوهٔ بسیار صحیحی بمعلمین میآموزند و یا دردبیرستانها ودانشکده ها بتحصیل این زبان

مشغولند درمورد زبان انگلیسی باید گفت که هرقدر مؤسسات آموزشی زیاد تر میشود باز برای رفع تقاضائی که برای این زبان هست کفایت نمیکند امروز در تمام دبیرستانهای دولتی ایران زبان انگلیسی تدریس میشود ودانشگاههای ایران برنامه های وسیع ومفصلی برای زبان و ادبیات انگلیسی دارند . کلاسهای انگلیسی تحت سرپرستی هیئت پرسبیتری امریکائی چندین صد محصل دارد و کلاسهای انجمن ایران وانگلیس در تهران وشهرستانهای تبریز ومشهد واصفهان بتعلیم صدها دانشجو و مخصوصاً اشخاصی که خودرا برای معلمی زبان درمدارس آماده میکنند میپردازند همچنین در کلاسهای انجمن ایران وامریکا هزاران نفر دانشجو در تهران ومشهد وکرمانشاه واصفهان و شیراز بایك برنامه متحدالشکل مشغول فراگرفتن زبان انگلیسی هستند . در شهر آبادان ومناطق نفت خیز نیز تحصیل بزبان انگلیسی بین جوانان بسیار متداول است

تدریس انگلیسی بوسیله رادیووتلویزیون معمول است ودرتهران وولایات عده زیادی آموزشگاه های خصوصی زبان انگلیسی نیز تأسیس گردیده ودر مرکز وشهرستانهای کوچك وبزرك ایران مقدار زیادی کتب درسی و مطبوعات انگلیسی بفروش میرسد وهمیشه مشتری زیاد دارد

با آنچه ذکر شد ظاهراست که کشور ایران در این سالهای اخیر در امرآموزش وپرورش به پیشرفت های قابل توجهی نائل گردیده است ولی هیچکس بهتر از من نمیداند که در مسئله فرهنك راهی که در پیش ماست چقدر دراز ومسافتی که باید برای رسیدن بهدف عالی طی شود چقدر دور است. هنوز میلیونها از مردم کشور من مخصوصاً بزرگسالان و جوانان دهکده ها و روستا ها از نعمت سواد محرومند و مبارزه با بیسوادی که در پیش داریم و حتما باید بر آن فائق آئیم مبارزه‌ای است که نیازمند کوشش ومجاهدت شدید و مستمر ماست

امیدوارم هرسال در حدود ۱۲ در صد بر مجموع محصلین دبستانها ودبیرستانها افزوده شود و این محاسبه براساس افزایش سالیانه جمعیت کل کشور است که سالیانه تقریباً سه ونیم در صد بآن افزوده میشود هرچند هزینه تعلیم این افزایش سالیانه بسیارهنگفت است ولی هر

سرمایه‌ای‌که دراین راه بکارانداخته شود وهر هزینه‌ای‌که پیدا کند برای آیندهٔ ایران بسیار گرانبها و سودمند خواهد بود .

اما تنها افزایش وسائل تعلیم وتربیت برای وصول بهدفی که در پیش ماست کافی نیست ودر عین اینکه باید برعده آموزشگاهها و آموزگاران ودانش‌آموزان بیفزائیم باید در معنی و مفهوم حقیقی تعلیم و تربیت امعان نظر مخصوص کرد وهمین نکته را بروایتی که در آغاز این فصل ذکرکرده‌ام متوجه میکند و میخواهم در این مورد حقایقی را صریح وبی‌پرده اظهار کنم ،

مسافران خارجی که در سالهای اخیر وحتی در گذشته بایران آمده‌اند باین نکته متوجه شده‌اندکه پاره‌ای از مردم کشور ما بدروغ گفتن خوگرفته‌اند. باید فهمید علت‌اینکه این اشخاص هروقت صلاح شخصی اقتضا کند بدروغ متوسل میشوند چیست ؟

با آنکه اکثریت بزرگ مردم کشور من مسلمانند بعضی ازآنها از خاطر برده‌اندکه درقرآن کریم دروغ یکی ازگناهان کبیره بشمار آمده است

مالکی‌که بمستاجر و تاجری‌که بمشتری وآنها که بمامور وصول مالیات یا بازپرس‌گمرك دروغ میگویند برای این کار عذری در آن کتاب آسمانی نمیتوانند یافت وبرعکس آیات متعدد در مذمت کذب پیش چشم آنها خواهد آمد وسوره‌ای خواهند یافت‌که درآن‌کم‌فروشان وآنانکه در هنگام خرید و فروش اجناس را سبك‌تر از میزان حقیقی وزن میکنند بغضب الهی انداز‌د پیش از ظهور دین مبین اسلام نیز در ایران باین دستور ها عمل میشده است چنانکه داریوش گفت «راست بگو واز دروغ بپرهیز» و همچنین در سایر کتب مقدس یعنی انجیل و تورات و احکام حضرت موسی و عیسی که اسلام آنها را از پیغمبران اولوالعزم میشناسد ودر ذم دروغ وتشویق مردم براستگوئی شواهد فراوان میتوان یافت .

برخی از دروغگویان‌کوشش میکنندکه برای این‌عادت ناپسندیده وبسیار زشت علل تاریخی پیداکنند مثلا میگویند دردوره هجوم قوم تاتار و مغول برای حفظ جان راهی جز دروغ گفتن نبود و این رویه زشت بتدریج عادت‌گردید . اما آن وقایع تاریخی‌که توسل بدروغ

را ناگزیر میساخت باعصر امروز قابل‌انطباق نیست وبرای دروغگویان عصرکنونی دلیلی بسیار ضعیف وسخیف است. گروهی دیگر از مردم سعی دارند برای دروغگوئی از طرز فکر ملل غرب محملی بتراشند و «دروغ سفید» را از دروغ موذی جداکنند جای افسوس است که سعدی شیرازی که از شعرای مشهور و محبوب ماست درکتاب گلستان نیز برای این‌نوع دروغ عذری یافته وگفته است «دروغ مصلحت آمیز به از راست فتنه انگیز است »

درنظر من این عبارت سعدی با اصول اخلاقی و روش زندگانی صحیح سازگار نیست زیرا دروغگوئی نه تنها بر خلاف صریح مذهب ماست بلکه عملی است که بحساب زندگی نیز بی ثمر وبی‌نتیجه است. دروغ اخلاقا مذموم و عرفاً احمقانه است زیرا برای پوشیدن هردروغ دروغهای دیگر لزوم پیدا میکند واین اکاذیب مانند زنجیرهائی هست وپای آدمی را می‌بندد و مستأصل میسازد .

از طرف دیگرراستی چنانکه یکی ازصحابه پیغمبر اکرم نشان داد ودر آغاز این فصل بآن اشاره رفت موجب نجات آدمی و شکست دشمنان است . صدق مایه آسایش وجدان و فراغت ازگزندتوائب است وبرای ملل واقوام موجب‌پیشرفت و ترقی است زیرا اساس حیات اجتماعی را براعتماد واطمینان افراد نسبت بیکدیگر قرار میدهد.

خانواده های ایرانی خصائص و صفات بسیار ممتاز دارند و مسافران خارجی همیشه به پیوستگی بسیار مستحکم خانواده ها که نه تنها شامل افراد درجه اول از مادر وپدر و فرزندان میشود بلکه سایر افراد مانند عمو و دائی و خاله و داماد و اقرب دیگر را شامل است اشاره کرده‌اند . زندگی خانوادگی درکشورما بیشتر در خانه بین خویشاوندان واقوام واقارب میگذرد وبا همه لطف و صمیمیتی که در میان آنها حکمفرماست بایدگفت‌که نسبت بکودکان توجه و عنایتی شایسته نمیشود .گاهی پدران دختران خود را بیشتر مورد نوازش قرار میدهند و زمانی مادران به پسران خویش بیشتر توجه وعطوفت نشان میدهند ودر عین حال آن ارتباط معنوی که باید برای حسن تربیت کودکان بین پدر ومادر وفرزندان موجود باشد دیده نمیشود

در بسیاری از خانواده ها حس مسئولیت فردی واجتماعی را در

نهاد اطفال نمیپرورانند و ذهن خردسالان را آماده نمیکنند که برای آینده خود برنامه داشته باشند وهوش واستعداد مغزی وبدنی خویش را بکار اندازند وکار مخصوصی رابرای اشتغال خاطر دنبال کنند واز طبیعت و آثار بدیع آن آگاه شوند و خود به مشاهده و آزمایش بپردازند از نظر آنکه بین‌والدین و فرزندان اعتماد متقابل موجود نیست بحکم غریزه در ذهن آنها واهمه بی‌پناهی ایجاد میشود و وضع خود را نا مطمئن تصورکرده طبعاً نسبت بوضع دیگران و سایر افراد خانواده بی‌اعتنا ولاقید میشوند. هرگاه کودکی اتفاقاً چیزی‌رابشکند ممکن است بجای آنکه مسئولیت آنرا برعهده بگیرد بدروغ متوسل شود و عجب آنکه روستازادگان که خویشتن رادرکارکشت و زرع و سایر امور کشاورزی با بزرگان شریك میدانند بطورطبیعی از کودکانی که وضع اجتماعی واقتصادی خانواده آنها بهترومرفه‌تر است درابراز سجیه راستگوئی پیشترند .

از نظر عشق و علاقه‌ای که به‌ترقی و سربلندی ملت ایران دارم حق اینست‌که درباره تربیت نسل جوان ونیازمندیهای آنان بی‌پرده‌و صریح بذکر نکاتی چند بپردازم .

درکشور ما والدین مخصوصاً در پرورش وتربیت فرزندان خود مسئولیت برعهده دارند ،کودك ایرانی باید احساس کند کـه عشق مادر در زندگانی پشتیبان اوست وآغوش پرمحبت وی همواره ملجاء حفظ وپناهگاه اوست دردنیای کوچکی‌که ویژه اوست مادر و چند تن دیگر برای او وآسایش او دامن همت بکمر زده وهروقت اراده کند میتواند در شدائد ودشواریهای حیات بمادر پناه‌آورد و هیچوقت خود را از مهر وعطوفت وی دور نخواهد یافت .

اگر از سوء تصادف مادرکودکی فوت کند باید دیگری غذای روح کودك راکه چیزی جزعشق ومحبت نیست فراهم سازد وبهمین دلیل اساسی وجود پرورشگاهها ویتیم خانه‌ها در نظر من حائز اهمیت بسیار است چنانکه در فصل هشتم ذکر توسعه وازدیاد وتکمیل آنها را از واجبات شناخته‌ام .

اما عشق سرشار مادری برای پرورش حس مسئولیت و وظیفه‌شناسی کـودك کافی نیست بلکه هر کودکی نیازمند آنست که در زندگانی

کودکانه خود به قواعد و اصول انضباطی معقول و منصفانه‌ای نیز مطیع باشد . مادر باید از همان اوایل کودکی فرزند خویش را براستگوئی وقبول مسئولیت در کارهائی‌که میکند عادت دهد واز متوجه ساختن مسئولیت بدیگران واداى جمله «تقصیر من نیست»که بین کودکان معمول است وبدون تردید ازبزرگان یادگرفته‌اند پرهیزدهد .

کودك باید از همان اوان طفولیت جرئت آنرا داشته باشد که مواجهه بانتایج‌کردار و غفلت وسهل‌انگاری های خویش فرار نکند زیرا در همین اوائل دوران طفولیت است‌که مادرا نباید بذر انسانیت وظیفه شناسی را در مزرعه پر استعداد ذهن صافی کودك بکارند واگر مادران این وظیفه مهم را ازنظر دوربدارند کودکان بی‌قید ولاابالی بار میآیند ومانع پیشرفت وترقی کشور میگردند .

مادر باید برنامه روشن وقطعی برای فرزند خویش تنظیم کند او را ببازیهای مفید وسرگرمیهائی‌که نیروی خلق وابداع را تقویت میکند مشغول بدارد .

من بفراهم ساختن اسباب بازی اطفال اهمیت بسیار میدهم و میدانم که‌کودکان ما دراثر نداشتن بازیچه های خوب نتوانسته اند دست پنجه و مغز خویش را نمو و پرورش بدهند . امیدوارم درآینده نزدیك هزاران هزار اسباب بازی ساده و ارزان مطابق نمونه‌هائیکه در امریکا واروپا دیده‌ام درکشور ما تهیه شود . برای من مایه مسرت است‌که می‌بینم دراین اواخر درکار ساختن اسباب بازی رونقی بوجود آمده است .

هنگامیکه پسرها دوران کودکی خود را طی میکنند باید برای آنها بازیچه هائیکه مربوط بساختمان مکانیکی است تهیه نمود تا باآنها سرگرم شوند و باین کارها آشنائی پیدا کنند . چنانکه خود من لذت بخش‌ترین ساعات این دوره از حیات را بازی با همین آلات و اسباب مکانیکی یافتم

کمترین فایده این قبیل بازیچه ها در تربیت و پرورش فرزندان ما آنستکه در ذهن کودك فکر غلط و موذی قدیمی که کار دستی عیب است برطرف میشود و آنرا ننك و عار نخواهد شناخت . ما باید شیوه پسندیده ملل مترقی راکه دست هائی که در اثرکاردستی چرکین‌شده

محترم میشناسند فرا بگیریم .
امروز یکنفر دانشمند در آزمایشگاه خود کار مغزی را با کار دستی توام انجام میدهد واین نمودار فعالیت مردم درعصرکنونی است ومردم کشور ما باید از همین سرمشق پیروی کنند .
در کشور ایران مانند سایر نقاط گیتی دختران خردسال بحکم غریزه عروسك بازی واشتغال بوظائف مادری را دوست میدارند وبدون تردید این میل فطری ارزش تربیتی بسیار دارد وباید وسائل آن را برای آنها فراهم کرد بهمین ترتیب باید علاقه کودکان را بکشف رازهای طبیعت پرورش داد. مثلا باید از باغهای مشهور ایران برای تعلیمات عملی فرزندان خود درگیاه شناسی وباغبانی استفاده‌کنیم و آنها را بنگاهداری ومواظبت پرندگان و ماهیها وچارپایان وادار سازیم.
کودکی که به نوازش وتوجه حیوانات عادت‌کند طبعاً سجیه مهرورزی بهمنوع نیز دروی تقویت میشود و خوی خیر خواهی و دستگیری از افتادگان دروی نیرومند میگردد .
در دستگاههای تربیتی ما باید نسبت به پرورش ذوق و سلیقه افراد توجه مخصوص بعمل آید . مثلا درکشور ما که آثار باستانی وتاریخی و معادن متنوع وجود دارد باید همهٔ خردسالان را ترغیب و تشویق کنیم‌که نمونه هائی از این منابع را جمع‌آوری‌کنند و آنها را بخوبی بشناسند . فرزندان ما باید از اوان‌کودکی بورزش مخصوصاً ورزشهای دسته جمعی‌آشنا شوند تا روح همکاری وتعاون درآنها تقویت گردد و ضمناً بآنها خاطرنشان سازیم‌که درکار ورزش برد وباخت قابل اهمیت نیست وآنچه سزاوار توجه است‌آنست که در مقابله با موانع وشدائد نیرومندی داشته باشند وحس معاونت ومشارکت درآنها بحدکمال رشد و نمو نماید .

امروز در ایران برای خرد سالانی که هنوز بسن رفتن بدبستان نرسیده‌اند صدهاکودکستان دولتی وخصوصی تأسیس شده است که امر آموزش نوباوگان را بعهده دارند. اما این‌کودکستانها با تمام فوائدی که دارند هرگز نمیتوانند برای کودك جای خانه را بگیرند و آنچه خرد سالان ما از تربیت صحیح نقص دارند جبران‌کنند وتا امر تربیت درخانه و خانواده اصلاح نشود نقص اخلاقی وتربیتی کودکان بطور

کامل بر طرف نخواهد شد.

اینك باید بمسئله تعلیمات ابتدائی ومتوسطه پرداخت . تردید نیست که باید در رویه فعلی آموزش وپرورش دوره ابتدائی و وضع زندگی دانش آموزان خرد سال تغییرات و تحولاتی عمیق بوجود آید. بسیاری از آموزگاران دبستانهای ما خود از تعلیم و تربیت صحیح محروم بوده‌اند و حتی در انجام دادن وظایف آموزگاری اطلاعاتشان بسیار ناقص ومحدود است واز همین جهت موفقیت آنها درتعهد وظایف ویژه آموزگاران بسیار مشکوك خواهد بود .

دردبستانهای ابتدائی ما اطفال طوطی وار مطالبی را بحافظه میسپارند وبآنها فرصت داده نمیشود که هوش خود را بکار برند وبه نیروی ذوق خویش مطالبی درك کنند ویا از معنی مسئولیت آگاه گردند ودرسخن گفتن راستگوئی را پیشه خویش سازند . آموزگاران ما اغلب مردمی با ایمان وفداکارهستند ولی چون وسایل کافی ندارند وکتابهای آموزشی صحیح دردست رس آنها نیست نمیتوانند کاری مهم از پیش ببرند . از طرف دیگر حقوق آنها بسیار مختصر است و اغلب گرفتار درد سر بیخانمانی ودشواریهای ناشی ازآن هستند .

برای رفع این دشواریها درسال ۱۳۳۷ اداره امور تعلیمات ابتدائی در وزارت فرهنك تأسیس گردید تا بمشکلات‌کار آموزگاران رسیدگی کند . اداره دیگری بنام امورخانه‌داری که تمام کارمندان آنرا بانوان تشکیل میدهند تأسیس یافت تا برنامه تعلیمات اساسی مربوط به‌خانه وخانواده را در تمام آموزشگاههای دولتی دخترانه اعم از ابتدائی و متوسطه تهیه نماید . همچنین برای آشنا ساختن دانش‌آموزان بامور کشاورزی وگیاه شناسی در آموزشگاههای ابتدائی و متوسطه دروس گیاه شناسی وکشاورزی جزو برنامه قرارگرفت . اقدام مهم دیگری که برای تقویت برنامه‌های تعلیماتی برداشته شده ایجاد اداره آمار فرهنگی است‌که باکمك یونسکو تأسیس یافته است وقبل از تشکیل این اداره آمار صحیح و روشنی از جریان امور تعلیماتی و آموزشی موجود نبود واین نقیصه در امور آموزش و پرورش کشور سوء اثر داشت .

بطور کلی توجه بمسئلهٔ آمار یکی ا زهدفهای اساسی دولت است

زیرا درعصر امروز مسلم شده است‌که یکی ازمهمترین موجبات عدم موفقیت کشورهائیکه درحال پیشرفت هستند عدم توجه به تهیه وتنظیم طرحها ونبودن آمار دقیق است‌که برنامه های اصلاحی رامبهم وغیرقطعی میسازد وتأمین نیازمندیهای اجتماعی را مانع میگردد .

دشواری اساسی دیگر که دربرابر کشور ماست کمبود آموزگاران شایسته وباصلاحیت است. چنانکه اگر برای تعمیم تعلیمات اجباری هزارها دبستان ابتدائی تاسیس کنیم ناگزیر گذشته ازآنکه باید دانشسرا های موجودرا توسعه دهیم صدها دانشسرای بزرگ دیگرنیز باید ایجاد نمائیم تابتوانیم آموزگاران موردنیاز راتامین وآماده سازیم.

درسال ۱۳۳۸ عده دانشسرا های‌کشور پنجاه باب بودکه بیست وهفت باب‌آن دانشسرای معمولی ودوازده باب کشاورزی وسه باب تربیت بدنی وهشت باب عشایری بود. دانشسرا های عشایری ویژه تربیت آموزگاران سیار است‌که دردبستانهای سیار با عشایر درحرکت ونقل وانتقال بودند ودر هنگام توقف زیر چادر کلاس درس تشکیل میدادند. از میان بیست وهفت باب دانشسرای معمولی شش باب آن بدختران اختصاص داشت وعلت کمی تعدادآن ازنظر عدم تمایلی بودکه دختران بتحصیل دردانشسراها ابراز میداشتند.

اما در سنوات اخیر که آموزشگاههای حرفه‌ای تأسیس یافته است معلوم‌گشته است‌که این مؤسسات مورد علاقه فراوان دختران واقع شده واگر فرصت مناسبی فراهم آید عده زیادی ازدختران ماوز تعلیمات حرفه‌ای استقبال خواهند کرد.

نظر من اینست‌که هرچه زود تر عده دانش آموزان دختر در مدارس ابتدائی باتعداد دانش آموزان پسر برابر گردد واز همین جهت باید عده زیاد تری از بانوان را بحرفه آموزگاری راغب وشائق سازیم . البته در کشور ما وجود معلمین زن برای تدریس وتعلیم دختران الزامی نیست وحتی دراغلب ازدبستانهای ابتدائی ودانشگاهها کلاسها مختلط است ودروس بوسیله آموزگاران واساتید زن یامردبدون تفاوت وامتیاز جنسی صرفاً ازنظر تخصص هریک از آموزگاران و معلمان تدریس میشود ولی چون درقسمت متوسطه کلاسهای مختلط چندان معمول نیست برای مدارس دختران نیازمندی مابمعلمان روز افزون

است. طبق آماری‌که دردست است درحال حاضریك چهارم دبستانهای دولتی بطور مختلط اداره میشود ولی باازدیاد دائم عده دختران دبستان باید عده کثیری معلم زن آماده خدمت نمود وازهمین‌جهت‌بعقیده من باید عده دانشسرا های دخترانه را بسرعت افزایش داد که بنصف تعدادکلی این مؤسسات بالغ گردد .

در ضمن میل دارم درتاسیس دانش سراهای مختلط که دختر و پسر جوان باهم برای شغل معلمی تربیت میشوند آزمایش بعمل آید. یکی ازفوائد اینگونه آموزشگاههای مختلط آنست که برای زن ومرد جوان فرصتِ آشنائی وشناختن اخلاق یکدیگر فراهم میشود و اگر این آشنائی ها منجر به ازدواج گردد زن وشوی میتوانند در دبیرستان هائی‌که در قراء دوردست تشکیل میشود دوش بدوش هم بکار تعلیم نوآموزان بپردازند وچون هدف ها و علاقه های مشترك دارند این وظیفه مقدس را بافراغ خاطر و آرامش روحی انجام دهند .

بانمو سریع دستگاه آموزش و پرورش ایران برای تجدید نظر دربرنامه های تعلیمی و بالابردن سطح معلومات آموزگاران کار بزرگی درپیش ماست . معلومات بسیاری از آموزگاران ما درحدود دوره شش ساله دبیرستان است وبسیاری از آنها تا این حد هم تحصیل نکرده‌اند وهرچند با احتیاج مبرمی که به آموزگار هست وجود معلمین‌کم معلومات از عدم آن بمراتب مفیدتراست ولی برای اینکه فرزندان ما تربیت و تعلیم‌صحیح فرا بگیرندچاره‌ای نیست جزآنکه اقدامات شدید ودامنه‌داری دربالا بردن پایه معلومات آموزگاران بعمل آید .

یکی از طرقی که برای ترقی سطح معلومات آموزگاران میتوان اتخاذ نمود تاسیس کلاس های تابستانی است واین روش اینك بمقام عمل درآمده است وباید دامنه آنرا توسعه بخشید . اما احتیاج مبرم ما به تربیت عده‌کثیری آموزگار است که بروش صحیح برای این شغل آماده شده باشند واین کار تنها باین طریق صورت پذیر است‌که برای دبیری دانش سراها افرادی ورزیده تر وبهتر بکار مشغول باشند یعنی بوسیله دبیران دانشمندتر آموزگاران بهتر تهیه کنیم .

دبیرانی‌که در دانش سرا ها خدمت میکنند غالباً اشخاصی مجرب وورزیده هستند ولی معدودی ازآنها گواهی فراغ تحصیل دانشگاهی

دارند و از همین جهت باید دانش سرایعالی تهران را بسرعت توسعه‌دهیم وبنظرمن باید درهریك ازدانشگاههای شهرهای دیگر نیزدانش‌سرایعالی تأسیس نمائیم . از طرف دیگر آزمایشهائیکه در بسیاری ازکشور های خارجی بعمل آمده نشان داده است‌که بهترین دبیران دانش سراهای مقدماتی تنها از میان کسانی که تحصیلات عالیه را در دانش‌سرایعالی بپایان رسانیده بیرون نیامده‌اند واز همین نظر باید جوانانی را که در سایر رشته‌های علمی وفنی وادبی در ایران یا درکشورهای دیگر فارغ‌التحصیل شده وبروش تعلیم و تربیت نیز آشنا هستند باین خدمت مهم فرهنگی بگماریم .

برای تعمیم وتسریع درامر تحصیلات دبستانی وابتدائی باید تأکید کنم‌که مردم محل ووالدین ودانش آموزان باید دامن همت بکمر زنند ودر اجرای این امر خیر جدیت کنند وابتکاراتی بخرج دهند . سابقاً اساس روش فرهنگی ما در تمرکز امور اداری و تعلیماتی در تهران بود واز همین جهت برای بیدار ساختن افراد نقاط مختلف کشور بدستیاری بادولت در این خدمات اساسی توفیق حاصل نمیگشت ، در صورتیکه امروز درسرتاسر ایران مردم باهمیت فرهنك وارزش‌آن ایمان دارند ودر بسیاری از دهکده ها وقصبات ایران مردم کشاورز باکمال میل ورغبت حاضرندکه از هزینه خوراك خویش بکاهند ووسائل تأسیس دبستان را دردهکده خویش فراهم کنند تا فرزندانشان ازنعمت دانش بهره مند گردند

از آن زمان که ما از غیرت وهمت مردم هوشمند کشور دراین امر مهم استمداد کرده‌ایم دیری نگذشته است وامروز دربسیاری از نقاط طبق روشی که در کشور های مترقی معمول است انجمن خانه و مدرسه ایجاد شده است . .باوصف این برای‌کشوری مانند ایران‌که در راه توسعه وترقی افتاده است باید ازاین حدهم فراتر رفت . درفصل هشتم نظر خود را درباره همکاری مردم با دولت درامر فرهنك وبهداشت وسایر امور عام‌المنفعه اظهار داشته‌ام ودراین مقام باید در این نکته تاکیدکنم که برای ساختمان مدارس وزارت فرهنك باید نقشه های صحیح و مطابق مقتضیات و نیازمندیها و آب وهوای هرمحل تهیه‌کند وآنچه از مصالح وتجهیزات که در محل تهیه آن ممکن نیست فراهم

سازد ونظارت امور ساختمانی را تعهد نماید و کشاورزان محل، یا اگر دهکده متعلق بیکنفر استمالك آن قریه ، زمین ومصالح قابل تهیه در محل وکارگر لازم را فراهم نمایند .

چنانکه اخیراً به ثبوت رسیده است مدارسی که برای ایجاد آن دولت ومردم بایکدیگر همکاری میکنند دوقطعه زمینی‌که در دهنده ها بدون مصرف افتاده بود بسرعت ساخته میشود ومن آنروزی را دربرابر دیدگان باطن‌خویش می‌بینم‌که تمام مدارس ما جز دبیرستانهای بزرگی که درشهرستانها باید ایجاد شود بهمین ترتیب ساخته وپرداخته‌گردد.

اینك باید دید پس از آنکه ساختمان مدارس بشرح فوق باتمام رسید بچه وسیله وبدست چه‌اشخاصی باید نگاهداری واداره شود ؟ در یکی از قراء‌کوچك حومه تهران دبستان مختلط ابتدائی دولتی‌کوچکی وجود دارد‌که باحسن سلیقه معماری ساخته شده ودارای چندین کلاس درس وکارگاه است که دختر وپسر درآنها به‌آموختن حرفه های مختلف مانند نجاری ونساجی مشغولند . این دبستان یك محوطه برای بازی والی‌بال وزمین نسبتاً وسیعی برای سایر ورزشها دارد وهرچند یکنفر مستخدم همیشه درآن دبستان مقیم ومشغول خدمت است ولی قسمت عمده نظافت ونگاهداری ساختمان و زمین‌های بازی برعهده کودکان است . ازاین گذشته وقتی‌آدم باین دبستان وارد میشود چشمش بباغچه پر از گل میافتد که اطراف مدرسه را مزین‌کرده ودر قسمت عقب آن‌زمینی است‌که برای سبزیکاری اختصاص یافته‌است وآن باغچه های گل واین زمین راکودکان دبستان بوجود آورده اند . درمحوطه دبستان بناهای خوش سلیقه وساده ای هم برای آموزگاران ساخته شده وبدین ترتیب دشواری تهیه مسکن برای خدمتگزاران فرهنك را که مورد ابتلای بسیاری از آنهاست مرتفع ساخته است

این ساختمان ساده ومجهز دراثرعلاقه یکی ازوزرای سابق فرهنك بوجود آمده است‌که خود در آن دهکده مقیم است وشك نیست که نظائر آن را میتوان درسایر نقاط فراهم ساخت .

شرکت کودکان درکار های دبستانی‌گذشته ازآنکه خود یك نوع آموزش بسیار سودمندی خواهد بود نتیجه دیگری نیز دارد وآن اینکه وجوهی راکه بدین‌کیفیت ازهزینه‌ها صرفه جوئی‌میشودمیتوان بمصرف

بنای دبستانهای دیگری رسانید .

اینك بمسائل مربوط بدبیرستانهای کشور باید پرداخت . درباره توسعه و بسط تعلیمات متوسطه درسالهای اخیروپیشرفت های‌محسوسی که در ازدیاد دبیرستانهای فنی و کشاورزی در تهران و بسیاری از شهرستانها بعمل آمده قبلا اشاره شده است . درسال ۱۳۳۸ متجاوز از ۵۰۰۰ پسر در دبیرستان های فنی مشغول فراگرفتن حرفه‌های متنوع مانند نجاری ـ لوله‌کشی ـ برق وفلزکاری بوده وصدها تن دختربکسب فنون خیاطی وماشین نویسی پرداخته‌اند. همچنین متجاوز از ۲۰۰۰ تن پسر درمدارس کشاورزی مشغول فراگرفتن فنون‌کشاورزی براساس روش نوین امروزی بوده‌اند . اما این اقدامات بمثابه آغازی بیش نیست ودرکشوری مانند ایران‌که دوره ترقی وپیشرفت را شروع‌کرده است، جوانانی‌که در فنون و حرفه های متنوع تربیت میشوند باید چندین برابر عده فعلی بشود .

درباره اهمیت آموزش حرفه ای درکشوری مانند ایران هرچه تاکید شود هنوزکم است . شاید کسانیکه ازکشور های‌خارج بایران می‌آیند وبسیاری ازمردم مملکت تصورکنندکه نیازمندی مادر درجه اول بمهندسین ومدیران وکارشناسان عالی مقام است . شك نیست‌که‌ما بوجود چنین اشخاصی احتیاج روزافزون داریم ولی نیاز حقیقی و مهم ماجای دیگراست . زیراازیکطرف سالهاست به‌تربیت وتعلیم‌متخصصین درداخل وخارج‌کشور پرداخته وعده‌ای ازآنها را بکار گماشته ایم و همچنین ازکارشناسان خارجی‌که برای اجرای برنامه های‌کمك بایران آمده اند استفاده کرده ویاعده‌ای را استخدام نموده‌ایم . ازطرفدیگر عده‌کارگران عادی ما بسیار زیاد است ولی برای استادکار وکارگرماهر و سرکار گر مجرب دچار مضیقه بزرگی هستیم و چنین اشخاصی را برای دستگاههای صنعتی وساختمان وامورکشاورزی وسایر فعالیتهای فنی لازم داریم ودر عین حال‌که بهزاران متخصص ومهندس عالی مقام نیازمندیم احتیاج ما باین طبقه میانه یعنی استادکار وسرکارگر ونظائر آنها صد چندان است

برای اینکه احتیاج بافراد دسته اول مرتفع شود ممکن است عده کثیری را از خارج استخدام کرد ولی آن استطاعت مالی که بتوان تمام

افراد طبقه میانه را ازمردم خارج کشور اجیر کرد نداریم وباید اینگونه اشخاص را درداخله کشور ودر دبیرستانهی حرفه‌ای وفنی تربیت و آماده کنیم

تهیه معلم و مربی برای دستگاه بزرك فرهنگی کـه روز بروز بسط وتوسعه پیدا میکند مارا بیك اشکال اساسی مواجه میکند وآن اینست که مدرسه بدون معلم کار نمیکند ووجود مدرسه خوب نیزبی معلم خوب غیر ممکن است ، وچون عده دبیرستانهای فنی وکشاورزی ماافزایش یافته پایه ومیزان معلومات بواسطه کمبود معلم بهمان درجه پیشرفت نکرده است بـرای رفع این نقیصه باید پایـه معلومات دانش آموزان فعلی را بالا ببریم ومؤسسه حرفه‌ای وفنی تهران‌را توسعه بخشیم باید دانشجویانی راکه از دانشکده فنی دانشگاه تهران و مؤسسه فنی آبادان فارغ التحصیل میشوند ترغیب و تشویق نمائیم که بخدمت دبیری دبیرستانهای فنی‌وارد شوند . همچنین باید توجه جوانان ایرانی راکه‌در خارج ازکشور تحصیلات فنی ومهندسی‌کرده‌اند باین خـدمت جلب نمائیم و بدون درنك بتأسیس دانشکده هـای فنی در دانشگاههای استانها بپردازیم وبرای تسریع درانجام این مهم عده کافی معلمین خارجی نیز استخدام نمائیم .

از تمام مسائل فوق مهمتر آنست که برای دبیران دبیرستانها و مخصوصاً آنهاکه رشته های فنی را تدریس میکنند حقوق بهتر منظور کنیم وخانه های تازه ساخت که هم وسایل آسایش درآنهافراهم است وهم هزینه ساختمان آنها زیاد نیست دراختیار آنها بگذاریم .

کارکردن باجوانان‌ممکن است یکی ازدلپذیرترین ونشاط بخش‌ترین مشاغل حیات باشد اما بدان شرط که اندیشه تهیه کفش وکلاه برای فرزندان مایه نگرانی وپریشانی حواس معلم نباشد وآسایش خاطر ویرا نابسامانی مادی برهم نزند .

برای توفیق در برنامه توسعه تعلیمات متوسطه فنی وکشاورزی یکی ازضروریات آن است که آن فکر نادرست ونحیفی که قبلا بدان اشاره کرده‌ام از مغز قاطبه افرادکشورما خارج شود وهمه‌کس باین حقیقت ایمان پیداکندکه کارهای دستی وخلاق هرگز مایه ننك وعار نیست . کودکانی را میشناسم که وقتی می‌بینند پدرشان بابیل وکلنك

کار میکند احساس سرافکندگی وشرمساری مینمایند . بسیاری دیگر پوشیدن لباسی که برای خدمات اداری مناسب است وداشتن کیف کاغذ را که معمولا در دست مأمورین دولت می‌بینند (بدون آنکه اصلا بفکر محتویات آن باشند) بهترین آرزو های خود میشناسند و با سرسختی بسیار ازکار دستی گریزان وباین خیالندکه دریکی ازادارات دولتی بخدمت وارد شوند وبدان وسیله کسب آبرو وشخصیت کنند

کودکان درمحیطی که بزرگتران آنها ومخصوصاً آنهاکه استطاعت مادی دارند ایجاد نموده اند باین افکار وپندار ها آشنا شده وچون در تقلید توانائی مخصوصی دارندآنرا اقتباس کرده‌اند وشك نیست که افکار این مردم بکلی با طرز فکر جهان امروز در دنیای علم و صنعت که میدان کوشش وتلاش است مباین ومتفاوت است . نتیجه این‌شده است که روزی که جوان بدبیرستان وارد میشود از تصور اینکه دست وبازو را بمدد مغز خویش بکار اندازد نفرت دارد وکشور را از نیرو هائی که باید برای ترقی وپیشرفت آن خدمت کند محروم میسازد .

بنظر من یکی ازنکاتیکه امریکائیانی که بایران آمده مورد توجه جوانان قرار داده‌اند رعایت اصول اخلاقی است ولی‌ازآن مهمتر آنستکه احترام بکار های دستی راکه از علل پیشرفت وترقی کشور امریکاست بدیگران یاد داده ومامورین اصل چهارنیزهمین رویه پسندیده را دنبال نموده‌اند واثر سرمشقی که بجوانان مادر این موارد داده اند درتغییر طرز فکر آنان ومتناسب ساختن آن بااوضاع عصر امروزکم کم مشهور گردیده است . ایجاد مدارس نوین برای تعلیم امور اداری نیز یکی دیگر از نیازمندیهای ماست . بنظر من بسیاری ازکشورهائیکه درحال توسعه و پیشرفت هستند باکمبود کارمندان مجرب و ورزیده برای خدمات اداری مانند ماشین نویسی ومنشی‌گری مواجهند و درکشور ما این کمبود بخوبی محسوس است وازهمین جهت از مؤسسه علوم‌اداری که وزارت فرهنك تأسیس نموده است کمال مسرت را دارم . در این آموزشگاه پانصد نفر مرد وزن جوان درکلاسهای روزانه یاشبانه در رشته های مختلف مانند ماشین نویسی‌فارسی‌ولاتین ، تند نویسی، زبان انگلیسی، بازرگانی واداری ، بایگانی ، تعهد امور اداری وتهیه گزارش مشغول تحصیل هستند

بعضی از دانشجویان دریك یا چند رشته تحصیل میکنند ودیگران که تمام برنامه سه‌ساله آنرا فرا میگیرند بدرجهٔ لیسانس نائل‌میشوند. عده‌ای از آنان خود را برای تدریس رشته های مربوط بامور اداری و بازرگانی در دبیرستان‌ها حاضر میکنند وخود دستگاه غذاخوری وسایر تفریحات را بدستیاری یکدیگر فراهم ساخته ومحیطی دلپذیر در این آموزشگاه بوجود آورده اند .

در دبیرستانهای شهرهای بزرك رشته های مربوط به‌امور بازرگانی و اداری تدریس میشود و این برنامه را در تمام شهرستانها تعمیم خواهیم داد .

سازمان برنامه وشرکت ملی نفت ایران نیز برنامه‌های مفیدی برای تعلیم امور اداری تهیه کرده‌اند . باوصف این اقدامات نیازمندیهای‌ما دراین رشته ها بقدری زیاد است‌که مدارس دولتی وآموزشگاههای خصوصی برای رفع آن و مخصوصاً در قسمت مترجم وکسانی‌که بدو زبان آشنائی‌کامل داشته باشند کفایت نمیکند واین احتیاج فرصت مناسبی بدختران ما میدهد که خویشتن را برای مشاغلی‌که اتصالاً بوجودمیآید حاضر کنندوشایدمؤسسات خصوصی‌امریکاوسایردستگاههای مشابه بتوانند باما تشریك مساعی کنند.

هرچند این آموزشگاههای تخصصی برای ماضرورت‌اولین درجه دارد ولی دبیرستان ها باید خدمات زیاد تر و دامنه دارتری را تعهد کنند. دراین مدارس باید توجه مخصوص به رشد ونمو استعداد های محصلین بعمل آید وبرشالوده‌ای‌که محیط های خانوادگی‌ودبستان باید فراهم سازند در جوانان ما حس وظیفه شناسی و مسئولیت فردی و اجتماعی را برانگیزند وآنهارا براستگوئی وعشق به‌حقیقت و صداقت بار آورند

سابقاً در برنامه های دبیرستانها باین مسائل اخلاقی چنانکه باید توجه نمیشد ودروس عبارت ازیك سلسله محفوظات بود وپرسش‌کردن دانش آموز وبحث واظهار نظر در مسائل عملی احمقانه یا خلاف ادب بشمار میآمد وعجب آنست‌که شاهنامه استاد بزرك فردوسی‌که تقریباً هزار سال پیش برشته نظم درآمده بمنزله کتاب تاریخ در دبیرستانها تدریس میگردید هرچند این اثر بزرك یکی از شاهکار های ادبی

جهان بشمار می‌آید ولی جای کتاب مستند تاریخی را نمیگیرد وجنبه‌های داستانی آنرا نمیتوان غیر قابل تردید وجزوحقایق مسلم تاریخ پنداشت

در زبان فارسی معنی کلمه داستان مانند تمام داستانهای پهلوانی جهان عبارت از ذکروقایع دوره‌هائی است‌که افسانه وتاریخ بایکدیگر مخلوط شده وحوادثی است‌که سینه بسینه ازنسلی به‌نسل دیگر انتقال یافته است وجنبه حقیقت آن از نظر کسب اطلاعات تاریخی تحت‌الشعاع اهمیت‌آنها ازنظر توجه بمآثرکهن واقع شده است . برای تغییراین رویه اصلاحاتی‌که درطرز آموزش ازدوران پدرم‌آغاز شده بود باجدیت بسیار دنبال شده است. چنانکه مثلا چندتن ازدانشمندان پنج کتاب درتعلیمات مدنی تالیف کرده‌اند ووزارت فرهنگ آن کتب را بچاپ رسانده ودرمیان دانش آموزان دبیرستانهای‌کشور توزیع کرده است و هرروز برنامه دبیرستان های ما با برنامه مدارس ملل مترقی غرب و امریکا نزدیکتر گردیده است .

با وصف این هنوز روش سابق که داستان را پر واقعیت مرجع میشناخت و بمحفوظات اهمیت میداد باقی است و بمسئله بیدارساختن روح کنجکاو ونکته گیر دانش آموزان وفرصت دادن به آنهاکه از خود فکر کنند وصاحب استنباط باشند توجه شایان بعمل نیامده است . برای رفع این معایب چندین راه چاره است‌که سه فقره آنها ذیلا ذکر میشود .

اول تاسیس کتابخانه در مدارس و طرز استفاده از آن است هرچند وجود کتابخانه بسبک جدیدبرای دبستانهای ابتدائی نیزلازم است ولی برای مدارس متوسطه ودوره های بالاتر ضرورت واهمیت اولین درجه دارد. زیرا دانش آموزان میتوانند درهر رشته علمی که به‌آن علاقه شخصی داشته باشند بمطالعه وتحقیق پرداخته کسب معلومات کنند. درحال حاضر فقط معدودی از دبیرستانهای ما دارای کتابخانه منظم ومجهزند وازآن عده هم فقط چند دبیرستان مطالعه درکتابخانه وبررسی های انفرادی را جزو برنامه درسی خود قرار داده‌اند.

چون دانش آموزان دبیرستانها زبان انگلیسی یا زبان خارجی دیگر را فرا میگیرند باید درکتابخانه ها علاوه برکتب فارسی کتب

ومجلات خارجی نیز دردسترس آنها باشد. برای بنگاهها و مؤسسات خیریه که درپی آنند که درپیشرفت فرهنگی کشور ما خدمتی کرده باشند تاسیس کتابخانه های کوچك برای دبیرستانها ومؤسسات مشابه دیگر زمینه مساعد وشایسته ای است.

دوم اصلاح وضع امتحانات وتغییر شیوه فعلی است. در تمام دستگاههای فرهنگی امتحانات پایه تحصیلات و درجه لیاقت دبیر و اموزگار را درامر تعلیم مشخص میکند واین نکته مخصوصاً در ایران که وزارت فرهنك متصدی امتحانات مدارس است بیشتر محسوس و مشهود است . جای مسرت است که بتدریج ازاین تمرکز کاسته میشود ولی باید درطرز امتحانات نیز تغییرات اساسی داده شود و بجای توجه بمحفوظات دانش آموزان نیروی آنها در تجزیه وتحلیل واظهار نظر درمسائل مورد آزمایش قرار گیرد امتحاناتی که طبق روش نوین عصر امروز از شاگردان بعمل می‌آید موجب تشویق معلمان در دقت درکار نیز هست ودر نتیجه درس را طوری خواهند داد که درشاگردان ملکه تعقل واستنباط و میل به بحث و مذاکره پرورش یابد.

چاره سوم که ازهمه مهمتر است تربیت معلمین‌شایسته وبامعلومات است معلومات بسیاری از معلمان دبیرستانها خود از دوره کامل متوسطه بیشتر نیست . هرچند باید بخاطر داشت که بسیاری از آنها معلومات خودرا از راه تجربه و مطالعات خارج کاملتر کرده و عده کثیری نیز از دوره های تابستانی ویا کنفرانس های آموزشی بتوسعه اطلاعات خویش پرداخته‌اند چنانکه مثلا در تابستان سال ۱۳۳۸ متجاوز از ۱۵۰۰ نفر از دبیران مدارس متوسطه در کنفرانسی که در تهران تشکیل‌گردید شرکت جسته بودند

با آنکه دبیران مدارس متوسطه رویهمرفته خدمات ذیقیمتی بکشور انجام میدهند باز باید برای بالابردن سطح معلومات‌آنها اقدامات مؤثری بعمل آورد

چنانکه قبلا نیز اشاره کردم احتیاج ما به توسعه دانشسرای عالی تهران نه تنها برای تربیت وآماده کردن معلم دانشسراهای مقدماتی است بلکه باید معلمین شایسته‌ای نیز برای مدارس متوسطه در این مؤسسه تربیت شوند . ضمناً از طریق دیگری نیز میتوان برعده دبیران

تحصیل‌کرده افزود و آن استخدام صد ها از جوانان ایرانی است‌که در خود کشور ویا در خارج از ایران از دانشگاهها در رشته علوم طبیعی و هنرهای زیبا وادبیات و علوم اجتماعی فارغ التحصیل شده‌اند وباید آنها را با روش صحیح برموز معلمی و آموزش و پرورش آشنا سازیم وبرای تدریس در مدارس متوسطه آماده نمائیم وهمانطورکه در اوائل این فصل اشاره کردم در دانشگاههای استانها نیز بوسیله تاسیس دانشسراهای عالی عده‌کثیری را برای دبیری دبیرستان‌ها تربیت کنیم و کوشش ومجاهدت مخصوصی بعمل آوریم‌که عده زیادی از بانـوان جوان‌نیز برای تدریس‌درمدارس ابتدائی‌ومتوسطه ترغیب وتشویق‌شوند.

مردم کشور ودانشجویان نیز میتوانند در امر توسعه تعلیمات متوسطه وابتدائی با دولت مساعدت کنند ساختمان دبیرستانها معمولا بزرگتر و پرخرج تر از دبستانهاست و نمیتوان آنها را فقط بوسیله کمك مردم بنا نمو ولی برای تسریع درکار ساختمان باید مردم هر محل را تشویق وترغیب‌نمائیم‌که باواگذاری زمین وتهیه‌مصالح‌ساختمانی ومساعدت مالی‌وواگذاری مسکن برای‌آموزگاران وسایرکمکهای ممکن با دولت همکاری ودستیاری کنند همینکه ساختمانهای مزبور آماده گشت میتوان نگاهداری وحفظ آنهارا هم تاحدود امکان بعهده خود دانشجویان محول ساخت وماهانهٔ مختصری نیز برای مرمت بنا وسایر مصارف ضروری از هریك دریافت نمود با این ترتیب هم در بودجه فرهنك صرفه جوئی میشود هم دانشجویان را به قبول‌مسئولیت اجتماعی واداره‌ٔ امور آشنا توانیم ساخت

بنظر من تعلیم حرفه های دستی را باید بدانش‌آموزان دبیرستانهای فنی وکشاورزی منحصر نسازیم بلکه باید تمام شاگردان دبیرستانها را باین رشته‌ها آشنا ساخت شاید دختران بفراگرفتن فن رسم ونقاشی و موسیقی رغبت داشته باشند ولی باید مراقبت کرد که عموم دختران دانش آموز علاوه برآن فنون اصول خانه داری را فراگرفته ودر آن تمرین وممارست کنند

درمغرب دختر ها قسمتی ازفن خانه داری را درمدرسه و قسمت بزرگ آنرا در خانه از مادران خود یاد میگیرند اما در کشور ما که تازه وارد مرحله پیشرفت و ترقی شده است قضیه برعکس است و

بسیاری از خانواده های ایرانی حتی آنها که تربیت یافته و استطاعت مالی هم دارند درامر تغذیه وبهداشت ونگهداری کودك معلوماتشان بسیار مختصر و محدود است ودر نتیجه دختر ایرانی برای اداره خانه و فرزندان خویش دچار دشواریهائی میشود که باید در مدرسه اصول و قواعد آنرا یادگیرد واطلاعات لازم بدست آورد و از همین جهت دروس مربوط بخانه‌داری بجای آنکه جنبه تفنن داشته باشد باید در دبیرستانها بعنوان دروس بسیار ضروری و واجب تلقی گردد.

بعقیده من تمام شاگردان دبیرستانها نه تنها باید اصول‌علوم طبیعی را بیاموزند بلکه به تمرین و آزمایش در حرفه‌های مختلف بپردازند وبرای اجرای این نیت باید درهر دبیرستان کارگاههائی تاسیس شودتا دانش آموزان درضمن تعلیم بساختن اشیاء سودمند نیز مشغول باشند. مثلا بساختن هزاران اسباب بازی ساده که برای کودکان ما بسیار لازم است ودرکشور باندازه کفایت بدست نمی‌آید بپردازند ودسته‌ای از آنها چنانکه درسایر کشور ها و مخصوصاً آمریکا مرسوم است به نشر مجله مخصوص دبیرستان که حاوی اطلاعات مربوط بمحیط علمی و ورزشی دبیرستان باشد اقدام کنند

نخستین نکته‌ای که در موضوع تحصیلات عالیه درکشورما جلب توجه میکند توسعه وتحول عجیب دانشگاه تهران است که بدون تردید درردیف اول مؤسسات تربیتی خاورمیانه بشمار میرود دانشمندان خارجی غالباً درباره زیبائی محوطه دانشگاه ووسعت دانشکده ها و توسعه سریع فعالیتهای علمی آن به تمجید وستایش پرداخته اند دانشگاه تهران علاوه بر محوطه بزرك فعلی مقدار زیادی زمین و مؤسسات مختلف دارد وبفاصله اندکی درشمال آن درقطعه زمین نسبتاً بزرگی بساختمان چندین دستگاه عمارت برای سکونت دانشجویان و سایر وسائل آسایش آنها اقدام شده و همین اقدام نمودار بارز تحولاتی است که در وضع اجتماعی دانشگاه که سابقاً برای سکنای دانشجویان وسائل نداشت پدید آمده است

از نظر پایه علمی وادبی نیز دانشگاه تهران به ترقیاتی که مایه مسرت من است نائل گردیده و هر چند در این قسمت آن سرعتی راکه درسایر مظاهر آن بوجود آمده نداشته است ولی درعلوم وادبیات با

برنامه های متناسب باعصرامروز روبکمال رفته است. درمورد ایـن مؤسسه بزرك علمی میخواهم شش نکته اساسی را که برای آینده این دانشگاه وسایر دانشگاههای کشوربسیار مؤثر است گوشزدکنم

نکته اول اینست که بعضی از استادان ما مقام خود را بالاتر ازآن میدانند که‌کسی جسارت آنرا داشته باشد که درعقاید آنها بمباحثه و اظهار نظر بپردازد و یا دانشجویان‌وقت گرانبهای آنانرا با پرسش هاو تمنای رفع دشواریها تلف نمایند.

این قبیل استادان بکلاس آمده ودرسی میدهند وشاید درذهنشان اینطور خطور میکند که اگر دانشجوئی نسبت بمسئله‌ای‌که استاد در آن اظهار عقیده کرده و شواهدی بخواهد ویا مطلب عنوان شده را طوری دیگر توجیه و تفسیر نماید از حدود ادب تجاوزکرده است. این استادان گاهی نیز بدون آنکه قبلا اطلاعی داده باشند سر درس خویش حاضر نمیشوند وازتعیین وقتی‌که دانشجویان بتوانند برای رفع اشکالات خویش بآنها مراجعه کنند خود داری مینمایند وجز در همان ساعات تدریس در محوطه دانشگاه دیده نمیشوند. خوشبختانه عـده اینگونه استادان زیاد نیست وسایر همکاران آنها این رویه‌را ناپسندو مذموم میشناسند ولی هرچه دستگاه علمی ما بزرگترو وسیعتر میشود باید اطمینان داشته باشیم‌که استادان وظیفه اصلی وبدوی خویش را که تربیت و هدایت جوانان است وبرای انجام این خدمت تعهد اخلاقی ووجدانی دارند فراموش نمی‌کنند وازاجرای آن شانه تهی نمی‌نمایند

نکته دوم مسئله تحقیق وبـررسی علمی است استاد حقیقی و عالیقدر دانشگاه اصلا مرد تتبع واستقصاست ودر برابر شگفتی هـای طبیعت یا فلسفه و علوم اجتماعی یا هنر وادبیات سربکرنش خم‌میکند ودر عین آنکه زندگی وی با سادگی وعدم پیرایه میگذرد مـانند کودکان شیفته یافتن رازهای نهفته علم وادب است وهرروز بر گنجینه معلومات خویش در اثرآزمایش و تحقیق میافزاید در نظر وی رشته‌ای که در آن استاد شده وبشاگردان خویش تعلیم میدهد عبارت ازیك سلسله مطالب جامد وخشك وبی‌جان نیست که مانند طوطی آنها را برای دیگران هر سال بدون هیچگونه تغییری بازگو کنند بلکـه چیزیست که جان وروان دارد واتصالا درتغییر و تحول است و هر آن

در اثر تحقیقات خود او و دیگران و کوشش شاگردان هوشمند که ارج زحمات رابواقعی میشناسند نیرومندتر وفیض بخش‌تر میگردد

اما بعضی از استادان دانشگاه باندك موجب که پیش‌آید بشرح فضائل ودانش خویش ومقاماتی که درکشور داشته‌اند میپردازند و نمیدانند که همین غرور و خود بینی شاهد کمی مایه علمی و ادبی آنهاست. برخی از آنها اصلا پیرامون تتبع و تحقیق نمیگردند و متن دروس خود را ازکتابهای خارجی اقتباس وبدون ذکر مراجع واسناد و اشاره بصاحبان اصلی آن افکار تکرار میکنند واگر احیاناً چیزی بدیع و بکر از خامهٔ آنها بوجود آید از نظر نداشتن مدارك و شواهد علمی ناقص وکم ارزش است وآن دروسی راکه هر سال تحصیلی عیناًتجدید میکنند و آنقدر همت ندارندکه مطالب آنرا باکشفیات نوین وترقیات شگرف جهان متمدن هم‌آهنك سازند قیمت واقعی ندارند

دراین باره داستانی بیادم می‌آیدکه میگویند روزی بین دونفر از دانش پژوهان‌که یکی چینی‌ویکی ایرانی بود درباره قدمت تمدن‌دوکشور مباحثه‌ای پیش‌آمد چینی برسبیل مفاخره میگفت که باستان شناسان در حفریاتی‌که درکشوروی‌کرده‌اند مقداری سیم‌یافته‌اند واین خود دلیل برآنست که چینی‌ها در دوران‌کهن تلگراف داشته ومخترع‌این دستگاه مواصلاتی بوده‌اند ایرانی میگفت که در حفریاتی‌که درایران بعمل‌آمد،کسی سیم پیدانکرده است واین‌نکته برهان آنست‌که ایرانیان در زمان های قدیم تلگراف بی سیم داشته‌اند !

با آنکه سخافت اینگونه استدلال در عصر امروز که دوره علم و صنعت و آزمایشهای شگرف است برکسی پوشیده نیست عجب‌آنستکه برخی ازاستادان درمواردی همین طرز استدلال را برای دانشجویان دارند. نتیجه آنستکه شاگردان ما ممکن است یك دوره علوم طبیعی را در دانشکده بخوانند ولی یك مقاله تحقیقی مستند ویا مدارك کافی درتمام مدت تحصیل خود برای استاد ننگاشته باشند

اما در دانشگاهها دانشمندانی هم هستندکه اوقات خود را وقف تحقیق وتتبع‌کرده و آثاری بدیع بوجود آورده‌اند چنانکه یکی از استادان دانشگاه تهران از ترکیبات آلی ماده‌ای بدست آوردکه دریکی از آزمایشگاههای مهم آلمان مورد آزمایش قرار گرفته و معلوم‌شد

یکی از ترکیبات تازه است که تا آنوقت کسی از آن اطلاعاتی نداشته‌است. اغلب استادان دانشگاه در رشته های پزشکی (مخصوصاً مالاریا) و کشاورزی وادبیات وزبان فارسی وغیرآن تتبعات گرانبهائی کرده‌اند واینك دانشگاه در صدد آنستکه استادان را بانتخاب خدمت تمام وقت که تحقیق وتتبع لازمه آنست وتدریس ساعتی مخیر سازد واین نقصیه را رفع نماید

نکته سوم ایجاد کتابخانه کامل و مجهزاست که یکی ازاساسی‌ترین وسائل تحقیق و تتبع است. خوشبختانه دانشگاههای ایران و مخصوصاً دانشگاه تهران دارای هزاران نسخه کتب خطی و قدیمی و مجموعه های نفیسی ازکتب ومجلات جدید در رشته‌های مختلف میباشد. اما طرز اداره کتابخانه ها بنحوی که موجبات تسهیل کار استادان و دانشجویان را فراهم‌آورد هنوز ترتیب و تنظیم صحیح نیافته است. هر دانشکده‌ای کتابخانهٔ مخصوص خویش داردکه غالباً بسبك قدیم اداره میشود ومثلاکتابها را ازروی اندازه و حجم آنها ویا برحسب تاریخ و روز وصول به‌کتابخانه مرتب‌کرده ودرکنار هم قرار داده‌اند وبدتر از همه‌آنکه عاریه دادن‌کتاب را بدانشجویان بسیار محدود ساخته‌اند

امروزدانشگاه تهران نیازمند یك‌کتابخانه مرکزی ویك‌اداره است که‌کتابخانه دانشکده‌های مختلف را زیر نظر بگیرد واز جوانانیکه رشته کتابداری را درخارج فراگرفته‌اند برای کار های مختلف این اداره استفاده نماید واین کاریست‌که مؤسسات خیریه بین‌المللی میتوانند در انجام آن با ما مساعدت کنند

نکته چهارم موضوع روابط ومناسبات بین استاد و دانشجوست کسانیکه ازدانشگاههای‌آمریکا وانگلستان فارغ‌التحصیل شده‌اند تصدیق میکنند که قسمت عمدهٔ معلومات خود را در هنگام بحث و مذاکره خصوصی با معلمان فراگرفته‌اند واین جلسه‌های خصوصی آنها را بکار مطالعه وتحصیل‌راغب ساخته‌است. یکی ازخاطرات‌خوش این دانشجویان روز هائی است‌که درخانه استاد مهمان بوده وبا افراد خانواده وی آشنائی پیداکرده‌اند ومن آرزومندم‌که همین رویه پسندیده در دانشگاه بزرك تهران وسایر دانشگاههای ما معمول گردد واستادان با شاگردان خود بطور انفرادی یا دسته جمعی بمباحثه بپردازند ودشواریهای آنها

راحل کنند. استاد باید گاهگاه دانشجویان رادرخانهٔ خویش بپذیـرد زیرا اگر این مهربانی وگرمی در وی نباشد چنین شخصی استادنیست.
نکتهٔ پنجم موضوع تأسیس سازمان کار یابی وراهنمائی دردانشگاه است گذشته از راهنمائی علمی و فنی که وظیفه استادان نسبت بدانشجویان است ، جوانان ما باید وسیله آنرا داشته باشند که با کارشناسان ومتخصصین دانشگاه دربارهٔشغل آیندهٔخویش وسایرمسائل شخصی مشورت‌کنند وراهنمائی بخواهند چنانکه درآغاز این فصل اشاره شد در سال ۱۳۳۷ دانشگاه در این مورد قدم نخستین را برداشته ودو نفر مربی زن ومرد برای این منظور استخدام نموده است ولی این اقدام را باید تکمیل کرد و هر دانشکده باید یك نفر مشاور مجرب ومطلع برای راهنمائی دانشجویان خود داشته‌باشد. دروضع فعلی‌کشورکه برنامه‌های توسعه و پیشرفت اقتصادی وصنعتی اتصالا بمقام اجرادرمیآید نقشه ریزی برای آینده جوانان دانشگاه دیده یکی از خدمات بسیار گرانبها بشمار خواهد رفت .
ارشاد و هدایتِ خردمندانه نه تنها برای هر محصل دانشگاه نتایج سودمندی خواهد داشت بلکه برای رفع نیازمندیهای کشور واجرای طرحهائی که در پیش است نیز بسیار ضروری ومغتنم خواهد بود
در کشور ایران نیز مانند سایر نقاط گیتی تمایل دانشجویـان بر آنستکه شغل و خط مشی آینده خویش را طبق انگیزه هـای آنی خویش یا حرفهٔ پدری یا صلاح اندیشی های اتفاقی اشخاص ویا ازنظر فریبندگی واهمیت اجتماعی بعضی حرف ومشاغل انتخاب کنند، ولی شك نیست‌که اگرجوان دانشجو شغل آینده خویش را طبق اطلاعات دقیق فنی چنانـکه وزارت کـار اینك در صدد جمع آوری آنهاست برگزیند هم موجبات آسایش خاطر خویش را بهترفراهم خواهد ساخت وهم بکشور خود خدمتی شایسته وضروری انجام تواند داد .
دانشگاه باید یك مؤسسه کاریابی نیز بوجود آورد وبدانشجویان در دوره تحصیلی کمك و مساعدت مالی که برای پیشرفت کار علمی‌آنها ضرور است بنماید
جوانی ایرانی را میشناسم که در دوران تحصیل خود در امریکا هر تابستان در یك کارخانه اتومبیل سازی شهر دیترویت کار میکردوکارش

سوارکردن قطعات مختلف و محکم‌کردن پیچ ومهره‌های لوله دودکش اتومبیل بود و در ضمن بطرز اداره صنایع بزرك امروزی نیز آشنا گشت وامروزکه درسازمان برنامه متصدی شغل بامسئولیتی است از اطلاعاتی که بدین نحو فراگرفته استفاده شایان میکند . روزی‌که این جوان بایران بازگشته بود وازکارهای دستی‌که درکارخانه درمقابل دریافت دستمزد انجام داده بود برای آشنایان خویش حکایت میکرد بوی‌گفته بودند سخن‌گفتن درباره اینگونه کارها از احترام و آبروی شخص میکاهد ، ولی او باین نصایح ابلهانه توجهی نکرده وهمواره از اینکه بمدد دست وبازوی خویش وضع مالی خود را گشایش بخشیده مباهات میکند وذکر آنرا مایه سربلندی خویش میداند

درایران نیزدانشجویان دانشگاه مانند محصلین سایرمراکزعلمی جهان برای خوراك ومسکن و سایر هزینه های ضروری خود دچار اشکالند وکارهائیکه در تابستان در خارج از دانشگاه پیدا میکنند و یا دانشگاه در تعطیلات در برابر دستمزد به‌آنها رجوع مینماید هم‌کمکی به معاش آنها میکند وهم برای آنها یك نحوآزمایش سودمندی است و این رویه را باید تعقیب نمود . همچنین میل دارم روشی‌که در امریکا معمول است ودختر وپسر جوان درضمن دوره تحصیل خویش دردانشگاه بایکدیگر ازدواج میکنند مورد توجه قرارگیرد .کراراً مشاهده شده است که دانشجویان دختر و پسری‌که بایکدیگر عروسی کرده‌اند در ضمن‌گذراندن دوره‌لیسانس مشاغلی دارند وپس ازدریافت این شهادتنامه دختر شغل خویش را حفظ میکند و پسر به تحصیلات فوق لیسانس میپردازد ورشته تحصیلی‌را ادامه میدهد

آخرین نکته ای راکه باید مورد توجه قرارداد مسئله فعالیتهای فوق برنامه دانشجویان است در بازدیدی‌که از دانشگاههای مختلف امریکا بعمل میآوردم چیزی که بسیار جلب نظر میکرد کانونهای دانشجویان بود دراین مجامع دانشجویان بادوستان خودگرد آمده و وقت را بخواندن‌کتاب و زبانهای متنوع وموسیقی و مباحثات‌گوناگون میگذرانند واغلب سازمان‌های مشورتی وکاریابی دانشگاهها نیز درهمین مراکز استقرار یافته است . دانشجویان این قبیل انجمنها را محل انس وارتباط معنوی یافته ومانند کانون خانوده بآن علاقه دارند ومیل من

آنست که چنین مراکزی در کلیه دانشگاههای ما نیز بوجود آید
آرزوی دیگر من آنستکه حیات معنوی و دینی را درمحیط دانشگاه
نیرومند نمائیم برای اجرای این نیت چند سال پیش دستور دادم‌که
در محوطه دانشگاه تهران مسجد باشکوهی ساخته شود واین مسجد که
به سبك جدید معماری ساخته خواهد شد دارای رواق های سایه دار و
گلگشت هائی خواهد بود‌که دانشجویان بتوانندگرد هم آیند وازفضای
باروح آن‌کسب ذوق ومعنویت کنند .

من به آینده دانشگاههای جدید التاسیس استانها که بعضی از آنها
اصل آزمایش وتجدید روش تعلیم وتربیت را بطور رضایت بخش بموقع
اجرا گذاشته اند امیدواری زیاد دارم و با این فکر غلط‌که استادان
ایرانی ازنظر حفظ مقام علمی وادبی خود نباید از تهران خارج شوند
و بدانشگاههای شهرستانها بروند سخت مخالفم زیرا جوانی و نیروی
حذاقت این مراکز جدید علمی و ادبی میدانهای مناسبی برای کسب
شهرت علمی است وبرای کسانیکه باین عقیده سخیف موافق نباشند واز
ترك پایتخت اندیشه نداشته باشند مجال ترقی فراهم است

بین مراکزی که برای تحصیلات عالیه بوجود آمده است اعتقاد
قطعی من آنستکه باید اصل رقابت و مسابقه حکمفرما باشد و برای
ایجاد یك چنین روحیه ای در میان استادان که بکار تدریس وتتبع و
راهنمائی وهدایت معنوی ودینی دانشجویان میپردازند باید از هرگونه
تشویق و ترغیب فروگزاری نشود.

اجرای ایـن منظور یعنی ایجاد رقابت علمی شیوه پسندیده ای
است که باید دردستگاههای آموزش وپرورش کشور ما بکاربسته شود.
آن اینستکه در ایران دانشگاهی بوجود آید که طبق روش معمول در
کشور امریکا دسته ای از استادان امریکائی بکار تعلیم وتربیت بپردازند
وتصور میکنم شهر زیبای شیرازکه موقعیت مخصوصی دارد برای این
کار مناسب باشد وبتوان یا دانشگاه فعلی شیراز را باین‌ترتیب بسط و
توسعه داد و یا مؤسسه جدیدی که با این اسلوب اداره شود در آنجا
بنیاد نهاد .

یك چنین دانشگاهی که با روش آمریکائی در ایران تأسیس شود
جوانان ایرانی را از مسافرت بخارج کشور برای ادامه تحصیلات عالیه

بی‌نیاز خواهد ساخت در سال ۱۳۳۹ متجاوز از ۱۴۰۰۰ نفر جوان ایرانی در خارج ازکشور مشغول تحصیل بوده اند و قسمت عمده آنها دوره عالی راطی میکردند ازاین عده در حدود ۴۰۰۰ نفر در امریکا وبقیه درکشورهای آلمان غربی ، انگلستان ، فرانسه ، اطریش وسایر کشورهای اروپائی بتحصیل‌اشتغال داشتند. درآن سال تقریباً یک‌سوم از مجموع دانشجویان‌کشور های خاورمیانه راکه در امریکا مشغول‌کسب معلومات بودند دانشجویان ایرانی تشکیل میدادند این کثرت نسبی در مقام خود بسیار مهم است ولی چنانکه خواهم گفت جنبه مثبت و منفی‌هم داردکه باید مورد توجه قرارگیرد. ازیکطرف موجب‌کمال رضایت است که می‌بینم عده زیادی از دانشجویان ما در رشته هائی تحصیل میکنند که مایه رفع نیازمندیهای برنامه عمرانی و توسعه ماست ، چنان که بیش از نصف محصلین ایرانی مقیم آمریکا در رشته های علوم و مهندسی و مهندسی کشاورزی تحصیل میکنند وبسیاری هم رشته های کشاورزی وتعلیم وتربیت وبازرگانی و سایر موادی راکه مستقیماً به پیشرفت اقتصادی واجتماعی ما ارتباط دارد انتخاب کرده‌اند

دراین مورد باید ناگفته نگذاشت‌که مؤسسه غیر انتفاعی (جمعیت امریکائی دوستداران خاورمیانه) نیز بدانشجویان ما برای انتخاب رشته تحصیلی ومعرفی وثبت نام آنها در دانشگاهها مساعدت و راهنمائی های لازم نموده است واین مؤسسه تاکنون این خدمت راادامه میدهد وهر سال چندین صد نفر از محصلین ایرانی به شعبه مؤسسه مزبور در تهران مراجعه میکنند واز صلاح اندیشی و سایر کمکهای آن چنانکه سابقاً ذکر شده است برخوردار میگردند .

اعتقاد قطعی پدرم آن بودکه جوانان ایرانی برای تکمیل معلومات عالیه بکشور های خارج اعزام شوند ومن نیز این فکر را دنبال خواهم کرد ولی پوشیده نمیتوان داشت‌که عده ای ازجوانان ایرانی که بخارج میروند توانائی آنکه خویشتن را به اوضاع اجتماعی کشور خودشان هم‌آهنك وسازگار سازند از دست میدهند و در نتیجه یابوطن خویش مراجعت نمیکنند ویااگر بازگردند هراندیشه آنندکه بار دیگر جلای وطن‌کنند ودرکشور های خارج مقیم گردند

چون کشور امریکا از ثروتمند ترین و مترقی ترین کشور های

جهانست ایرانیانی‌که چند سال درآن‌کشور اقامت میکنند مانند آنست که بیشتر تحت تأثیر آن محیط،واقع میشوند و احیاناً ممکن است با دختران امریکائی ازدواج کنندکه میل بترك خانواده خویش و آمدن بایران نداشته باشند (هرچند همسران امریکائی عده‌ای ازایرانیان با فرهنك و رسوم ایران خوگرفته و باطرز زندگانی ما مأنوس گشته اند) بعضی ازجوانان ایرانی در امریکا بمشاغلی مانند معلمی و خدمات اداری ومانند آنها وارد شده وحقوقی بیش ازآنچه دربادی امر در ایران بآنها میرسد دریافت میکنند وبعضی هم ازکندی وبی نظمی دستگاههای اداری ما و فراهم نبودن وسائل آسایش که طبعاً در کشور هائی‌که در حال پیشرفت هستند بقدر امریکا فراهم نیست احساس ناراحتی میکنند و این نکته را از یاد میبرندکه درکشور امریکا نیز باهمه ترقیات وپیشرفتهائی‌که‌کرده است بازدردستگاههای دولتی‌وخصوصی بی‌نظمی وجریان بطئی اداری مشهود است و دزدی وآدم‌کشی ودسته‌هائی که بوسیله ارعاب وتهدید مردم زندگی میکنند و از رعایت مقررات و قوانین اجتماعی سرپیچی دارند دیده میشوند .

جوانی را میشناسم‌که وقتی پس ازچندین سال تحصیل درامریکا بتهران بازگشت چنان از اوضاع دلسرد شده بودکه تا چندین ماه از خانه خارج نمیشد وچنانکه بعداً نقل میکرد هرچه در پایتخت کشور از آثار ترقی وپیشرفت میدید بچشمش بدوی میآمد . کم‌کم برای آنکه خویشتن رابکاری مشغول دارد بنوشتن نامه بدوستان وآشنایان خویش پرداخت . و برای اینکه در خارج شدن از خانه بهانه ای داشته باشد خود نامه ها را میبرد و بصندوق پست میانداخت دیری نگذشت‌که با فرهنك و تمدن میهن اصلی خویش تجدید آشنائی کرد وبآن‌کم‌کم انس‌گرفت وامروز در یکی از مشاغل حساس دولتی که مربوط برفاه اجتماعی است انجام وظیفه میکند . باآنکه بسیاری از جوانان ایرانی که برای تکمیل تحصیلات خود بکشور های خارج میروند از برخورد با تمدن و فرهنك آن کشور ها احساس ناراحتی نمیکنند وبرخی دیگر نیز هرگونه تأثیری ازاین قبیل را با روحیه نیرومندی‌که دارند مغلوب وازمیان میبرند، متاسفانه باز هرسال عده‌ای ازجوانان دانشمند وتربیت

یافته کشور که نمیتواند خود را ازتأثیر این ظواهر آسوده سازند در خارج میمانند و ضرری جبران ناپذیر به نیروی علمی وفنی کشور وارد میکنند

عده ای ازمردم فهمیده و میهن پرست مدتهاست برای رفع این دشواری بفکر چاره افتاده‌اند واز جمله پیشنهاد کرده اند که جوانان ایرانی برای تکمیل تحصیلات بکشورهائی مانند انگلستان وفرانسه و آلمان که باوسائل تعلیم وتربیت مجهزند ولی آن ثروت خیره‌کننده آمریکا را ندارند اعزام شوند . بنظر من این پیشنهاد معقولی است زیرا محصلین ماکه دراین کشورها بکسب معلومات اشتغال دارند دربازگشت بایران برای هم آهنك شدن باتمدن و طرز زندگانی ما کمتر احساس ناراحتی میکنند وزود تر انس و آمیزش دیرین را تجدید مینمایند با وصف این مطلب باید گفت‌که آمریکا خصائصی دارد که جوانان مارا بطرف خود جلب میکند وازهمین جهت طریقه معقولی که بنظرمیرسد این است‌که وسائلی درکشور فراهم گردد که ازناراحتی جوانان تحصیل کرده ایرانی که ازکشورهای خارج اعم ازامریکا وممالك اروپائی‌بازگشت میکنندکاسته شود . در اثر این فکر در سال ۱۳۳۸ به داماد خودم‌آقای اردشیر زاهدی که خود دررشته مهندسی کشاورزی در آمریکا تحصیل کرده وبرای برطرف ساختن این نگرانی طبیعی‌که در جوانان تحصیل کرده ما پدید می‌آید علاقه فراوان دارد مأموریت دادم‌که دراین باره مطالعات و اقداماتی بعمل آورد و اوکمیسیونی از جوانانی که خود در خارجه تحصیل‌کرده وازافکار و روحیات دانشجویان جوان‌ما آگاهی دارند تشکیل داد وشروع بکار نمود.

وی که دراواخر سال ۱۳۳۸ بسمت سفیرکبیر ایران در آمریکا منصوب شده امیدوار است‌که درمقام جدید خود درکالبد جوانان‌نگران ایرانی روحی تازه بدمد وبا داشتن ارتباط دائم ومستقیم بامحصلین‌آنها را از بدبینی ویأس بدرآورده برای بازگشت وخدمت بمیهن خود تشویق و ترغیب نماید وزارت‌کار نیز برای برقراری ارتباط با دانشجویان خارج ومساعدت با آنها درهنگام تحصیل ودر نظر گرفتن شغلهائی متناسب با استعداد و ذوق هریك دربازگشت بایران طرحی تهیه وتنظیم نموده است .

نظر اساسی این وزارتخانه که مورد تأیید من نیز هست آنست که این نگرانی طبیعی را باید قبل از آنکه در مغز جوانان ریشه بدواند از میان برد مثلا اگر مهندس کشاورزی از برنامه عمرانی ما آگاهی پیدا کند و یقین داشته باشد که پس از فراغ از تحصیل و بازگشت بایران برای وی شغل مناسب آماده است باحتمال قریب بیقین خدمت کشور خودرا بزندگی در غربت هرچند درآنجا وسائل بدوی آسایش وی بیشتر فراهم باشد ترجیح خواهد داد ما باید ازروح فعال ومیهن پرست جوانان خود برای پیشرفت اصول ناسیونالیزم مثبت که درفصل ششم مفصلا ذکر شد استمداد کنیم. پیشانی ملت ایران را نور افتخارات گذشته روشن ساخته است واگر بتوانیم برای جوانان خود وسائل وفرصت هائی پدید آوریم که لیاقت و علاقه خویش را بمرز و بوم نیاکان خویش بمقام بروز و ظهور برسانند میتوان بمیهن پرستی آنها اعتماد واطمینان داشت

نظر دیگری که دراین مورد پیشنهاد میشود آنست که در داخله کشور هر چه زود تر دستگاه تحصیلات عالیه را آنقدر توسعه بخشیم که برای جوانان ماتکمیل معلومات درخود کشور میسرباشد ونیازی برفتن بخارجه پیش نیاید درقرن نوزدهم واوایل قرن بیستم با آن که در دانشکده های آمریکا وسایل تحصیلات عالیه تا حدود لیسانس فراهم بود امریکائیان برای تحصیل درجات عالیتر بکشور های اروپائی رهسپار میشدند دیری نگذشت که این نقیصه را مرتفع ساختند و جوانان آمریکائی دیگر برای تحصیلات عالیه فوق لیسانس احتیاجی بمسافرت بکشور های اروپائی پیدا نکردند.

کشور ایران نیز وارد تحول شگرفی شده و مؤسسات علمی ماکم کم محصلین خارجی را بطرف خویش جلب کرده‌اند و مشهودات حکم میکند که این عده روز بروز افزایش خواهد یافت بعلاوه عده جوانان ایرانی که برای تکمیل تحصیلات خود میخواهند بکشور های دیگر بروند نیز بر حسب تناسب رو به نقصان است و در نتیجه آن نگرانی وناراحتی روحی که بآن اشاره شد بهمین میزان تقلیل خواهد یافت من همواره معتقد بوده‌ام که باید محصلین و معلمین ما برای تکمیل معلومات بخارج از کشور اعزام شوند ولی نقشه من این است که اینکار

جنبه مبادله پیدا کند ودانشمندان ایرانی برای کسب فیض و افاضه بدیگران مسافرت کنند ومحصلین وجوانان ودانشمندان خارجی نیز بایران بیایند وما را ازمنابع علمی خود بهره‌مند واز سرچشمه فیاض فرهنگ کهنسال ما نیز کسب فضیلت نمایند . تأسیس دانشگاهی طبق روش امریکا که بدان اشاره شد یکی ازوسایل پیشرفت این‌طرح‌است که باید در تمام دستگاه فرهنگی ما بمقام عمل وآزمایش درآید

علاقه من نسبت به پیشرفتهای علمی و فرهنگی کشور ایران آنقدر شدید است‌که هر چه در بسط و توسعه وتکمیل آن ذکر کنم مختصری از منویات قلبی من بیش نخواهد بود . در محیط فرهنگی جریان تغییر وتحول وپیشرفت سرعت بسیار یافته است وهمین سرعت در من نشاط و عشقی نیرومند ترایجاد میکند زیرا برای من یقین حاصل است که آینده ایران وجوانان ایرانی وتمام مردم این بخش از جهان باپیشرفت وتکامل علمی وفرهنگی پیوسته است

فصل دوازدهم

نفت ایران

صنعت نفت ازصنایع جدیدگیتی است‌که نخستین بار درآمریکا بکار افتاده است واولین نقطه‌ای‌که درخاورمیانه به بهره‌برداری ازاین صنعت پرداخته کشور ایران بوده است.

ذخایر زیر زمینی نفت خام کشور های متحده امریکا را به ۳۵ بیلیون بشگه برآوردکردنده اند وعجب‌آنکه ذخایر نفت ایران را نیزدر همین حدود تخمین زده اند

امروز اکثر مردم جهان از اهمیت نفت وسایر مواد مستخرجه از آن در زندگانی کنونی بشر آگاهند ولی معدودی بدین نکته توجه‌دارند که هفتاد در صد از میزان برآورد شده تخمینی نفت دنیای آزاد در خاورمیانه وجود دارد وازاین هفتاد در صد یك پنجم آن درکشور ایران ذخیره شده است درحقیقت میتوان گفت‌که باوجود منابع موجود در کشورهای‌کانادا وونزوئلا وسایرکشور های خارج از پرده آهنین قسمت اعظم آن یعنی متجاوز از هشتاد در صد مجموع ذخائر نفت جهان آزاد درکشور های متحده آمریکا وخاورمیانه قراردارد البته ممکن است اکتشافات آینده این محاسبه را تغییر دهدولی این نکته را نبایدفراموش کردکه کارشناسان نفت سالهاست در جستجوی نفت بوده وهرجا اثری‌از آن یافته‌اند میزان تخمینی آنرا بمحاسبه درآورده‌اند بااین وصف اگر احیاناً سایر کشورهای آزاد جهان از نفت خاورمیانه محروم‌شوند اوضاع اقتصادی چندین‌کشورکه مصرف‌کننده نفت هستندوکشورهائیکه آنرا تولید میکنند دچار اختلال بزرك خواهد گشت وشاید این نکته را بتوان بعبارت دیگر چنین بیان نمودکه ازمیلیونها سال پیش‌که طبیعت این ذخائرگرانبها را در دل خاك بودیعت نهاده شالوده ارتباط وپیوستگی

خاورمیانه وسایر کشورهای آزاد جهان رااستوار ساخته است. این موهبت طبیعی را بشر کشف کرده و طرق استعمال آنرا در صنایع گوناگون دریافته وبکار انداخته وکار را بجائی رسانده است‌که دراثر وجود این مایع مفید خاور میانه باسایر نقاط گیتی ازلحاظ اقتصادی پیوستگی انفصال ناپذیر کرده است.

یکصد سال پیش‌که صنعت نفت درجهان آغاز فعالیت نمود مردم ازوجود نفت خام‌که اززمین تراوش مینمود مطلع بودند واز هزاران سال قبل ازآن استفاده میکردند. چنانکه ایرانیان قدیم آنرا برای افروختن آتش مقدس درآتشکده ها بکار میبردند ومردم مصر برای مومیائی‌کردن اجساد مردگان ویونانیها برای برای برافروختن مشعل‌های المپیك و هندیان بومی آمریکا در جشنها و مراسم رقص آتش ازآن استفاده می نمودند مردم ایران و سایر ممالك نیز نفت خامی را که اززمین تراوش نموده وبصورت قیر منجمد درمی‌آید برای ملاط و تسطیح زمین وآب بندی ودرز گیری کشتیها وسفاین وپوشش کف و جدار و سقف آب روها وساختن سد ها وتهیه آتش زنه بکار میبردند و حتی گاز طبیعی نیز بدون فایده نبود، چنانکه درخوزستان زرتشتیان معابد خودرا درنقاطی بنا میکردند که گازطبیعی اززمین خارج میشد و آنرا شعله ور میساختند.

درقرون اخیر متدرجاً نفت بصورت صنعت درآمد ودر اواخر سده هیجدهم شرکت بازرگانی صنعت نفت در برمه تاسیس یافت که از چاههای نفتی‌که همه را بادست حفرکرده بودند بهره‌برداری میکرد ، ولی تولید واستخراج نفت باوسائل ماشینی نخستین بار ازامریکا آغاز گردید. روزی‌که سرهنك ادوین ل دریك نخستین چاه نفت خود رادر ایالت پنسیلوانیا حفر کرد دراثر هزینه سنگینی که تحمل کرده بود شرکت خودرا تقریبا بورشکستگی کشانده بود وبسیاری از مردم اورا دیوانه می‌پنداشتند ولی همینکه منافع سرشاری که از این راه بدست آورد معلوم گردید عقیده مردم نسبت بوی تغییر یافت واو را یکی ازمردان عاقبت بین وعاقل شناختند.

چاهی‌که دریك حفر کرده بود بیش از۷۰ پاعمق نداشت (در صورتیکه امروز عمق چاه هائیکه در ایران و سایر ممالك نفت خیز

حفر میشود معمولا به ده هزار پا و بلکه بیشتر میرسد) وازآن چاه نفت فقط روزی سی وپنج بشکه نفت استخراج میکرد (امروزه ممکن است سالهای متوالی از بعضی از چاه های پربرکت نفت ایران روزانه ۳۰۰۰۰ بشکه نفت استخراج شود) اما این مرد غریزه کنجکاوی و آزمایش داشت ودر حقیقت میتوان ویرا نخستین بنیان گذار صنایع نفت جهان محسوب داشت.

دریك نه تنها طریق استخراج نفت را پیداکرد بلکه طرز استفاده ازآنرا نیز کشف نمود. چنانکه شرکت اختصاصی وی موفق گردید که از مواد نفت مرهمی درست کندکه در معالجه بیماری رماتیسم پای دریك ومبتلایان دیگرموثر افتاد ونیز طریقه تصفیه نفت خام و تهیه نفت سفید راابداع کرد ودیری نگذشت که نفت بجای روغن نهنك که کمیاب بود برای سوخت چراغ مورد استفاده قرار گرفت ومصرف نفت سفید روز بروز افزایش یافت . درهمان اوان هنری فورد کالسکه بدون اسب خود را اختراع نمود وازآن زمان سالیانه مقایر زیادی نفت برای بحرکت آوردن اینکالسکه های بیاسب یااتومبیل مورد لزوم پیداکرد. چندی بعد بساختن هواپیما دست زدند وبازبر مصرف بنزین افزوده گشت. درخلال این احوال کشتیها ودیگهای بخار وماشینهای دیزل جدید وصنایع شیمیائی وکارخانه های مختلف نیز که همه با نفت کارمیکردند بوجود آمد واحتیاج عالم صنعت به نفت وسایر مشتقاتآن روز افزون گردید. گاز های طبیعی نیز که معمولا در مجاورت ذخایر نفت پیدا میشود برای تهیه حرارت ونیرو وبعنوان یکی از مواد خام صنعتی مورد استفاده قرار گرفت وقیر برای خیابان سازی واحداث جاده های اتومبیل روبکار رفت.

همینکه فوائد نفت معلوم وآشکارگردید جهان صنعت ودانش وسرمایه اروپائی بجستجوی آن درخاورمیانه همت گماشت درباره امتیازیکه در سال ۱۸۷۲ به رویتر اعطا گردید وبعداً ملغی شد وهمچنین درمورد امتیاز سال ۱۸۸۹ که با شرایط محدود تری بوی داده شد درفصل دوم سخن رفته است. رویتر بموجب مقررات امتیاز دوم خودشرکت استفاده ازمعادن ایران راتشکیل داد، باین منظور که کلیه معادن کشور واز جمله منابع نفت رااکتشاف واستخراج نماید شرکت مزبور بدواً در

نواحی جنوب ایران بفعالیتهای اکتشافی نفت پرداخت ولی موفقیتی نیافت . چند سال بعد دولت ایران قسمت استخراج وکشف معادن رااز امتیاز نامه رویتر حذف کرد ودر سال ۱۹۰۱ شرکت مزبور عملا منحل گردید .

باید ناگفته نگذاشت که پیش ازآنکه رویتر بتجسسات خود خاتمه دهد والی کرمانشاه بوجود نفت درآن نواحی پی برده بود و درسال ۱۸۹۱ ژاك دومرگان رئیس هیئت باستانشناسان فرانسوی که درآن موقع در ایران بمطالعه آثار باستانی اشتغال داشتند دستور داده بود که تجسساتی درباره نفت بعمل آورد . نتیجه تحقیقات دومرگان که در حقیقت اولین بررسی فنی وعلمی درمورد ذخائر نفت ایران است دریکی ازمجلات فنی فرانسه طبع ومنتشر وسپس بصورت کتابی تدوین گردید . دردنبال این تحقیقات چندین گروه ازکاشفین اروپائی برای بررسی وتجسس منابع زیر زمینی بکشور ما آمدند

کتاب دومرگان وگزارشهای کاشفین دیگر توجه یکنفر انگلیسی بنام ویلیام ناکس دارسی را جلب کرد واین شخص که دراثر کشف و استخراج معادن متعدد طلا درقاره استرالیا ثروت هنگفتی اندوخته بود درسال ۱۹۰۰ جمعی ازهمکاران خود را بتهران اعزام داشت تا برای تحصیل امتیاز استخراج نفت اقدام کنند . در اثر فعالیت این گروه دولت ایران درسال ۱۹۰۱ باوجود مخالفت روسها امتیاز استخراج نفت و گاز طبیعی وقیر وسایر مواد نفتی را بمدت شصت سال بدارسی اعطا نمود

بموجب قرارداد مقرر بود که دارسی درظرف دوسال شرکتی تشکیل دهد وبیست هزارسهم یك لیره‌ای شرکت را بدولت ایران واگذار و بیست هزار لیره نقداً بپردازد وشانزده درصد از منافع خالص شرکت را بدولت بدهد . حوزه امتیاز مزبور شامل تمام کشور ایران باستثنای پنج استان شمالی بود که بملاحظه روسها ازآن صرفنظر شده بود

سرمهندس شرکت دارسی که رینولدز نام داشت باوجود دشواریهای گوناگونی که باآن مواجه بود دریکی ازنواحی گرم وسوزان دورافتاده جنوب ایران بحفر چاه پرداخت . ازنخستین چاه که درسال ۱۹۰۲ پایان یافت نتیجه ای عاید نگردید ولی چاه دوم درماه ژانویه ۱۹۰۴ به نفت

رسید وروزانه مقدار ۱۲۰۰ بشکه نفت ازآن فوران میکرد این چاه دارسی راکه در آنموقع دچار عسرت مالی شدیدی بود از نگرانی بیرون آورد ولی چاه درهمانسال خشك و سرمایه دارسی نیز تقریباً تمام گردید

در آن موقع مقامات دریاداری انگلیس باین مسئله ایمان قطعی پیدا کردند که در آینده برای سوخت کشتیها نفت جای ذغال سنگ را خواهد گرفت . درهمان وقتی که چاه شماره ۲ خشك ووضع مالی دارسی بسیار وخیم شده بود لرد فیشر به فرماندهی کل نیروی دریائی انگلیس منصوب گردید واوکه ازنظر علاقه شدیدی که برای ساختن کشتیهای نفت سوز داشت درمیان کوتاه فکران (دیوانه نفت) لقب یافته بود کمیته ای بنام (کمیته نفت) تشکیل داد تادر مورد تهیه مواد نفتی برای رفع نیازمندیهای نیروی دریائی بریتانیا مطالعاتی بعمل آورد. این کمیته که از منابع نفت ایران وامکانات آن آگاهی پیدا کرده بود دارسی را بشرکت نفت برمه معرفی نمود وسال بعد شرکت برمه و دارسی سندیکائی تشکیل دادند وهزینه ادامه برنامه اکتشاف نفت ایران را تأمین نمودند

عملیات اکتشافی درکشور ایران تحت نظر سندیکای جدید ادامه یافت ولی تاآخر سال ۱۹۰۷ یعنی پس ازپنج سال کوشش وحفر چاه مقدار نفتی که استخراج شده بود بسیار ناچیز بود ووضع آینده سندیکا چندان امید بخش بنظر نمیآمد در این هنگام سرمهندس رینولدزدر صدد برآمد که قبل ازآنکه ازنفت ایران صرف نظر کند یك کوشش دیگر بعمل آورد واز همین جهت باکارگران خویش درمرکز ناحیه ای که یکصد وپنجاه کیلومتر از آبادان فاصله داشت در نزدیکی معبد خرابی که بمسجد سلیمان موسوم بود بحفر چاه جدیدی همت گماشت.

بامداد روز ۲۶ ماه مه ۱۹۰۸ زحمات وی به نتیجه رسید و نفت بارتفاعی که پنجاه پا بلندتر ازارتفاع منجنیق دهانه چاه بود فوران نمود وآنروز را میتوان آغاز ایجاد صنعت نفت خاورمیانه ویکی از وقایع مهم تاریخی این سرزمین محسوب داشت

من گاهی در انگیزه هائی که این پیشقدمان صنعت را به تحمل سختی ها ومرارت ها برای نیل بمقصود وادار ساخته بود اندیشه میکنم. شك نیست که یکی ازعوامل مهم آنهمه کوشش وتلاش تحصیل منافع

مادی وکسب شهرت واعتبار بوده است ولی شک دارم که محرک اصلی آنها فقط کسب منافع بوده بلکه بنظر من آنها که این صنعت را آغاز کردند ومخصوصاً کسانیکه مدت های متمادی درکنار منجنیق ها و صدای خراشندهٔ ماشین های حفاری سکنی داشتند وبا مشکلات وموانع دست و پنجه نرم میکردند ازروح حادثه جوئی وغریزهٔ پیشقدمی بهیجان آمده بودند. درکشور من فرصت های متعددی برای ابراز این روح یافت میشود وجوانان ایرانی که دارای روح پیشقدمی وپشت کار باشند از مردم قوی الاراده وبا استقامتی که اولین چاه نفت را حفر وپایه های صنعت نفت را استوارکردند سرمشق های پسندیده پیش روی خویش خواهند دید .

دیری نگذشت که دوحلقه چاه دیگر نیز درمسجد سلیمان به نفت رسیده واز آنموقع رینولدز پس از سالها تحمل دشواری بسرشارترین منابع نفتی که هنوز مقادیر زیادی نفت از آن استخراج میشود دست یافت

این پیشرفت موجب آن شدکه شرکت جدید وبزرگتری برای بهره برداری از منابع نفت تشکیل داده شود ولی بدواً لازم بود باایل نیرومند بختیاری که از دولت مرکزی اطاعت نداشتند و تمام نواحی اطراف مسجد سلیمان دراختیار آنها بود قراری بسته شود . در آن ایام که هنوز پدرم زمام امور رابدست نگرفته بود دولت مرکزی ایران بحدی ضعیف بودکه درنواحی جنوب وسایر نقاط کشور عملا حکومت ملوک الطوایفی برقرار بود وبسط وتوسعه این صنعت بدون امنیت میسر نمیگردید وتجربه نشان داده بودکه حکومت مرکزی توانائی استقرار نظم وامنیت را در نقاط مختلفه کشور ندارد . از همین جهت چندین سال هیئت حفاری بخوانین بختیاری حقی برای حفظ جان ومال خویش میپرداختند و طبیعی بودکه پس از پیدا شدن نفت خوانین بختیاری حق بیشتری مطالبه میکردند . نتیجه این اوضاع این بود که در ماه آوریل ۱۹۰۹ شرکت نفت بختیاری تأسیس گردید باین منظور که بخوانین بختیاری ازمنافع نفت که در ناحیه آنها استخراج میشد حقی پرداخت گردد ضمناً شرکت نیز طبق اصل «تفرقه بینداز وحکومت کن» که رویه دیرین انگلیسها بود خوانین محلی را در مقابل دولت ایران تقویت میکرد و در برابر این حمایت انتظار شرکت از خوانین

آن بودکه افـراد ایـل خـود را از تعدی و تجاوز نسبت بمؤسسات شرکت منع‌کنند وخود نظم وامنیت را در آن حدود حفظ نمایند با این اقدامات روزبعد ازعقد قرارداد ، شرکت نفت انگلیس و پرشیارا بوجودآوردند. اسم این شرکت بعد ها بشرکت نفت ایران وانگلیس‌و سپس بشرکت نفت انگلیس تبدیل یافت

شرکت جدید برای اکتشاف وبهره برداری نفت ایران وصدور آن ببازار ها طرحهای فوری داشت ولی پیش ازآنکه بتأسیس پالایشگاه اقدام‌کند وبه تهیه وسائل برای بارگیری وحمل نفت بپردازد از لحاظ استقرار امنیت آن حدود بامسئله دشوار دیگری مواجه گردید درآن زمان شیخ خزعل یا شیخ محمره (که نام قدیمی خرمشهر و نـواحی اطراف آن بود) اسماً تابع دولت مرکزی بود ولی عملا دولت مستقلی در داخله‌کشور بوجود آورده بود وبدون اینکه دولت ایران نسبت باو اقدام مؤثری بنماید شخصاً برآن نواحی حکومت میکرد . عمارت بزرك شیخ که اینك مخروبه است هنوز درکناره شط‌العرب و در نزدیکی خرمشهر که محل ایاب و ذهاب کشتی هاست دیده میشود . وی دراین عمارت بزرك با جلال و شکوه شرقی میان زنان حرمسرائی که برای خود تشکیل داده بود زندگی میکرد . دولت انگلیس نیز باوی قراردادی بسته وویرا بعنوان یك حکمران مستقل شناخته بود .

بموجب این عهدنامه یا قرار داد شیخ متعهد شده بود که درازای دریافت حقوق مادی نسبت بشرکت حسن نظرداشته باشد ویك‌میل از اراضی بدون سکنه ولجن‌زار مسطح جزیره آبادان را در اختیار شرکت بگذاردکه در آن پالایشگاهی برای نفت تأسیس نماید درمقابل این واگذاری دولت انگلیس نیز استقلال شیخ را تضمین نموده بود . کار لوله‌کشی از مسجد سلیمان تا آبادان با وجود دشواریهای فراوان در سال ۱۹۱۳ پایان یافت ودر آخر سال ۱۹۱٤ پالایشگاه آبادان نفت را بمقادیر زیاد تصفیه میکرد ونقشه‌هائی نیز برای توسعه‌آن تهیه شده بود .

میزان کلی نفت در سال ۱۹۱۲ به ۴۳۰۰۰ تن و در سال ۱۹۱۳ به ۸۰۰۰۰ تن ودر سال ۱۹۱٤ به ۲۷٤۰۰۰ تن بالغ شد وبدین ترتیب کشور من خواه ناخواه عامل مهم سیاست واقتصاد جهان گردید

در آن اوقات ابرهای تیره که خبر از جنك سهمناك جهانی میداد آسمان اروپا را تیره ساخته بود ودر سال ۱۹۱۲ دولت انگلیس نسبت بمنابع نفت در هنگام مخاصمه نگرانی داشت . وینستون چرچیل که در آن زمان وزیردریاداری انگلستان بودتوصیه‌کرده بودکه دولت‌انگلیس باید برای رفع نیازمندیهای دریائی خود ۵۱ درصد ازسهام شرکت نفت ایران وانگلیس را خریداری نماید و پارلمان انگلیس نیز شش روز پیش از آغاز جنك یعنی در ماه اوت ۱۹۱٤ قانون خرید این سهام را تصویب نمود

باآنکه جنك دشواریهای فراوانی پیش آورد ولی قانون مزبور اثرخود را بخشید ومیزان تولید نفت ایران را افزایش داد . در اوایل جنك‌ترکها که درآنزمان باآلمانها متحد بودندکلیه اموال و تدارکات شرکت نفت را دربغداد وبصره تصرف‌کردند ونیروی آنها آبادان را تهدید میکرد ولی نیروی اعزامی انگلیس آنهارا بعقب راند . آلمان‌ها در نظر داشتند که چند فروندکشتی درشط‌العرب غرق‌کنند وبدینوسیله راه‌حمل ونقل دریائی رامسدود سازند ولی انگلیسها نقشه آنهارا خنثی نمودند درسال ۱۹۱۵ نیز عشایر ایران بتحریك جاسوسان آلمانی وترکها در چندین موضع بین مسجد سلیمان وآبادان لوله اصلی نفت را قطع‌کردند و مدت چهار ماه جریان نفت متوقف گردید تالوله ها را مجدداً مرمت نمودند، هرچند حملات‌آنها به‌کشتیهای اقیانوس‌پیما نیز ورود آلات و ادوات و لوازم صنعتی و صدور مواد نفتی را مانـع میگردید ولی میزان تولید وصدور نفت ایران دائماً روبافزایش میرفت چنانکه در سالهای ۱۹۱۵ و ۱۹۱۷ و ۱۹۱۸ مقدار آن تـدریجاً به ۳۷۶۰۰۰ تن و ٤٤۹۰۰۰ تن و ۸۹۷۰۰۰ تن بالغ گردید

تصور میکنم عموم کارشناسان ومتخصصین در این مسئله توافق عقیده داشته باشند که نفت ایران یکی از عوامل بسیار مؤثر پیروزی متفقین در جنك اول جهانی بود و چنانکه لرد کرزن انگلیسی گفته است « در حقیقت اعقاب‌ما خواهند گفت‌که متفقین روی امواج نفت به ساحل پیروزی رسیدند » .باآنکه بسیاری از این امواج از دریای نفت ایران برخاسته بود باز مناسبات ما از نظر آنکه دولت انگلیس تا زمان ملی شدن صنعت نفت سهام دار عمده نفت ایران بود درهم وبغرنج

شده بود .

پس از پایان جنگ میزان تولیدات نفت همچنان روبتزاید میرفت وشرکت شرایط زندگی کارگران آبادان و مناطق نفت خیز را بهبودی می بخشید .

درسال ۱۹۲۰ قرارداد جدیدی که موادآن پیچیده بود بین شرکت ودولت ایران منعقدگردیدکه رویهم رفته کمی بنفع دولت ایران بود . طبق این قرارداد سهم دولت ایران همان ۱۶ درصد از منافع خالص بود که درامتیاز اولی دارسی قید شده بود ولی دراین قرارداد اخیر منافع مؤسسات تابعه شرکت نفت ایران وانگلیس (ازقبیل شرکت حمل ونقل نفت) نیز شامل این شانزده درصد میگردید .

باوصف این قرارداد پدرم از پیش اززمان زمامداری خود ازطرز عمل‌شرکت نفت‌ناراضی بودوبلافاصله پس ازکودتای سال ۱۲۹۹ شمسی یکی ازحسابداران خبره و مستقل لندن بنام سرویلیام مك‌لین توك را استخدام نمود کـه مناسبات و محاسبات شرکت و دولت ایـران را بررسی ومطالعه نماید . سرویلیام ارقامی ازاین محاسبات‌استخراج‌نمود که پدرم بعدها آنهارا در دعاوی ایران نسبت بشرکت مورد استفاده قرارداد .

پدرم درسالهای ۱۹۲۲ و ۱۹۲۳ بسرکوبی وانقیاد عشایر وطوایف خودسر پرداخت پس از آنکه کرد ها ولرها و قشقائیها را در نواحی غربی و مرکزی و جنوبی ایران مطیع ومنقاد دولت مرکزی نمود در صدد منقاد ساختن ایل‌بختیاری برآمد . دراین موقع وزیر مختـار انگلیس در تهران یادداشتی بدولت تسلیم نمودباین مضمون‌که اگر نیروی دولتی متعرض بختیاریهاکه دوستان دولت انگلیس هستند بشود دولت متبوع وی آسوده نخواهد نشست . پدرم بدون توجه باین تهدید بتهیه مقدمات کار پرداخت و رؤسای بختیاری از روی واقع‌بینی قدرت مرکزی را شناخته وباطاعت دولت در آمدند . کمی پس از آن مصمم گشت با شیخ محمره نیز پنجه نرم‌کند زیرا شیخ خزعل‌که از پیشرفت و توسعه نفوذ پدرم بسیار بیمناك بود باین خیال افتاده بودکه باتکاء دولت انگلیس در مقام مخالفت و سرپیچی از اوامر دولت مرکزی برآید. در پائیز سال ۱۳۰۴ با وجود مخالفت انگلیسها پدرم با قوائی مرکب از

۲۲۰۰۰ سرباز بسمت جنوب عزیمت نمود ودر ظرف مدت یك ماه بدون آنکه تیری شلیك شود بطغیان شیخ محمره خاتمه داد ویرا بتهران آورد ودر مرکز هرچند باوی خوب رفتار میشد ومورد اکرام وپذیرائی قرار میگرفت دیگر اجازه خروج از تهران وبازگشت بمحل سابق را نداشت. شیخ چند سالی بدین ترتیب درتهران بسربرد وعاقبت بدرود حیات گفت .

بنظر من غائله خوزستان بدون خونریزی مرهون شجاعت ذاتی و شخصی پدرم بود. چنانکه موقعی به‌نیروهای خود که درحوالی شهر که در تصرف قوای شیخ بود اقامت داشتند دستور داده بودکه از جای خود حرکت نکنند وخود شخصاً بداخل شهر رفته بود . افراد مسلح شیخ خیابانها وروی بام منازل شهر را گرفته بودند وپدرم را بخوبی میدیدند ولی او بدون کوچکترین توجهی قدم زنان طول خیابانی را عبورکرده و بحمام عمومی شهر رفت . مضروب کردن پدرم در آن میان‌کار بسیار آسانی بود ولی احدی جرئت وجسارت تیراندازی نکرده بود زیرا دربزرگان وزیردستان شهامت مرد دلیر تأثیر میکند و از آنان سلب اراده مینماید .

پس از استعفای پدرم روزی سرریدربولارد وزیر مختار انگلیس در تهران باصراحت گفت که دولت متبوع او از سقوط شیخ درس عبرت گرفته است وپس از واقعه محمره مصمم است‌که دیگر هیچگاه درامور ایلاتی وعشایری ایران مداخله نکند.

در ضمن اردوکشی به نواحی جنوبی ایران پدرم اطلاعات وسیعتری راجع بصنعت نفت این‌کشور بدست آورد. در سال ۱۳۰۱ از آبادان بازدید رسمی بعمل آورد و مورد استقبال وپذیرائی شایانی قرارگرفت ولی وی از طرز عمل شرکت نفت بشك و تردید افتاد و اطلاع حاصل کرد که مثلا بیش از یك پنجم عده کارمندان وکارگران شرکت نفت اتباع خارجی هستند و هیچگونه اقدام مؤثری هم برای تبدیل آنها بکارمندان ایرانی نمیشود . همچنین عملا مشاهده نمودکه بین سطح زندگی اعضاء عالیرتبه شرکت با اعضاء عادی تفاوت فاحشی وجود دارد وشرکت در امور داخلی آن ناحیه دخالت هائی میکند و از این که شرکت میزان‌تولید نفت رابراساس تغییرات بازار بین‌المللی ویا برمبنای

قرارهائی باشرکتهای نفتی دیگر بدون اندك توجهی باقتصاد ایـران تعیین میکرد بسیار متأثر ونگران گردید .

بعضی ها معتقدند که پدرم بدون تأمل و اطلاع قبلی امتیاز نفت را در سال ۱۳۱۱ لغو نمود ولی این مطلب بهیچوجه صحت ندارد زیرا پدرم حتی پیش از آنکه بسلطنت برسد از قرار داد ۱۲۹۸ بسیار ناراضی بود وباکمال تاکید از شرکت خواسته بودکه با دولت ایران بهترازآن معامله کنند

در سال ۱۳۰٤ دولت رضا شاه عدم رضایت خود را نسبت بـوضع موجود رسماً اعلام ودرسال ۱۳۰٦ مجدداً اعتراض نمود اما ازمذاکراتیکه با شرکت بعمل می‌آمد ومدت دوسال طول کشید نتیجه‌ای بدست‌نیامد ودراین مدت بحران اقتصادی جهانی رخ داده فروش نفت و عوائـد دولت ایران از آن ممر کاهش پیدا کرده بود . در سال ۱۳۱۱ شرکت نفت بدولت ایران اعلام داشت‌که حق‌الامتیاز دولت درسال۱۳۱۰کمتر از یك چهارم مبلغ سال قبل خواهد بود پدرم موقع را برای اقـدام مناسب یافته وکمی بعد امتیاز شرکت را لغو نمود مجلس شورای ملی هم این اقدام را تأیید وتصویب‌کرد ومردم ایران درسراسرکشور بمناسبت این اقدام جشنها برپا داشته وبدین طریق نیزروح ناسیونالیزم در ایران بوسیله پدرم تقویت یافت .

در اثر الغای امتیاز نفت طبعاً فریاد شرکت نفت و دولت انگلیس بلند شد وپس از چند روز قضیه بجامعه ملل احاله گردید . طرفین دلائل خود را درآن مرجع بین‌المللی طرح نمودند وبالاخره موافقت شد که دولت ایران وشرکت نفت مستقیماً بایکدیگرمذاکره نمایند و پس از مدتی مذاکره بالاخره درماه آوریل ۱۹۳۳ قرارداد جدیدی بامضاء رسید .

مفاد این قرارداد نیز تاحدی مبهم و پیچیده بود ولی بعقیده من وضع دولت ایران بامقایسه بقرار داد قبل بهبود یافته بود. دراین قرارداد مدت امتیاز تا سال ۱۹۹۳ تمدیدگردید واین نکته مایه تأسف بود. ولی درآن موقع از نظر معاملاتی وضع طوری نبودکه بتوان قرار داد کوتاه مدتی را منعقد نمود. از طرف دیگر از مساحت اراضی که برای اکتشافات در اختیار شرکت قرار میگرفت کاسته شده به ۱۰۰۰۰۰میل

مربع محدود گشت و دیگر هیچ شرکت واحدی نمیتوانست برای اکتشاف در تمام اراضی کشور (باستثنای استانهای شمال) حق‌انحصاری داشته باشد .

بعلاوه بموجب این‌امتیاز حق‌انحصاری حمل و نقل و توزیع مواد نفتی در داخله کشور نیز از شرکت نفت سلب گردید در مورد حق‌الامتیاز نیزدیگر میزان مبلغ پرداختی باختیار شرکت و نوسانات بازار بین‌المللی نبود و هرچند مبلغ آن کمتراز میزانی بودکه ما تقاضا داشتیم ولی در قرارداد حداقل منافع سالیانه دولت ایران تعیین شده بود ومیتوانستیم بوصول آن اطمینان داشته باشیم واین امر در سالهای بحرانی بازارنفت برای ما بسیار با ارزش بود . مسئله تبدیل کارمندان خارجی بکارمندان ایرانی وتسریع در حفر چاه و تأسیس پالایشگاه درحوالی کرمانشاه از شروط مهم این قرارداد بشمار میرفت.

پس از امضاء قرارداد سال۱۹۳۳ روابط دولت ایران با شرکت نفت روبه بهبودی نهاد وشرکت هم‌برای ابراز حسن‌نیت خود سرمایه‌های هنگفت تازه‌ای درکشورما بکار انداخت وعلاوه برسه منطقه نفت که پیش ازانعقاد این‌قرارداد موجود بود چهار منطقه وسیع جدید نفت ویك منطقه استخراج‌گاز بوجود آورد و طرز ذخیره کردن نفت را بوسیله برگرداندن محصولات بزیر زمین و حفظ‌آنها برای مواقع ضروری توسعه داد. پالایشگاه آبادان نیز وسعت یافته و مکمل تر گشت همچنین طبق این قرارداد شرکت نفت مؤسسه فرعی دیگری موسوم به‌شرکت نفت‌کرمانشاه برای استخراج منابع‌نفت شاه درنواحی کرمانشاه تأسیس نمودویك رشته لوله بطول ۱۵۰ میل بکرمانشاه‌کشید وپالایشگاه مختصری نیز در محل بکار انداخت که آنچه تولید میکند بمصرف داخله ایران برسد

داستان پالایشگاه کرمانشاه حکایت از آن میکند که مناسبات ما با شرکت همواره طبق دلخواه نبوده‌است.. در آن موقع پدرم ازشرکت نفت خواسته بودکه پالایشگاهی بظرفیت اولیه ۱۰۰۰۰۰ تن درسال ایجاد کند ولی شرکت با ساختن پالایشگاهی باین ظرفیت مخالفت میکرد و مدعی بودکه مصرف داخله نفت باین اندازه نیست . پدرم اصرارداشت که پالایشگاه بظرفیتی‌که معین کرده بود ساخته شود ووعده داده بود

که برای کلیه تولیدات نفت در داخل ایران بازار فروش تهیه نماید .
قضاوت پدرم دراین موضوع بسیاردرست بود چنانکه امروزمصرف داخلی نفت مابه ۲ میلیون تن در سال بالغ گردیده است وهر سال بطور متوسط ۱۵ در صد نیز باین میزان افزوده میشود . این افزایش نمودار روشنی ازسرعت اجرای برنامه‌هائی است که مابرای توسعه اقتصادی کشور در دست اقدام‌داریم. درسال ۱۹۳۸ میزان تولید نفت شرکت از ده میلیون تن تجاوز کرده است واین مقدار دو برابر میزان تولید ده سال قبل بوده‌است. همچنین‌شرکت‌برای تبدیل کارمندان خود بکارمندان ایرانی اقداماتی بعمل‌آورد و مؤسسه فنی آبادان وسایل آموزشی را برای تعلیم افراد ایرانی فراهم ساخت ودر نقشه ریزی شهر بطرزجدید وبهبود وضع مسکن‌وبهداشت مردم اقدام نمود وتأسیسات‌آب وفاضل‌آب وبرق را توسعه داد .

در دوران جنگ دوم‌جهانی تولیدات نفت مدتی بمناسبت دشواریهای وضع حمل‌ونقل وسایر اشکالات‌کاهش پیداکرد. باوصف‌آن هر چند درسال ۱۳۲۰ میزان تولید بحد اقل رسید باز از ٦/٦ میلیون‌کمتر نشد واین میزان درست هفت برابر حداکثر تولید در سالهای جنگ اول جهانی بود .

بعلاوه طبق ماده مربوط به حداقل عوائد که پدرم در قرار داد گنجانیده بودشرکت تضمین‌کرده بودکه سالیانه مبلغ‌چهار میلیون‌لیره انگلیسی‌بابت حق‌الامتیاز بدولت ایران بپردازد واین مبلغ برابر با حق‌الامتیاز سال ۱۳۱۷ بودکه‌از نظر منافع بهترین سال پیش ازجنگ بشمار میرفت .

پس ازسال ۱۳۱۹که مقدار تولید نفت کاهش عظیم داشت متدرجاً میزان تولید نفت بالا رفت . چنانکه درسال ۱۳۲۳ به ۱۳/۲ میلیون تن بالغ‌گردید واین مقدار از حداکثر میزان تولید قبل از جنگ هم تجاوزمیکرد ودرسال ۱۳۲٤ مقدار تولید به ۱٦/۸میلیون تن رسید.

پس ازخاتمه جنگ دوم جهانی شرکت برنامه وسیعی برای بسط وتکمیل مؤسسات خودتنظیم‌نمود درآن موقع پالایشگاه آبادان عظیم‌ترین پالایشگاه جهان شده بود و با آن که سایر پالایشگاه های عمده جهان نیز توسعه پیدا میکردند این مقام اول را برای خویش نگاه

داشت .

درسال ۱۳۳۶ مجموع تولیدات ایران به ۱۹/۲ میلیون تن و در سال ۱۳۳۷ به ۲٤/۹ میلیون تن ودر سال ۱۳۲۸ به ۳٦/۸ میلیون تن ودرسال ۱۳۲۹ به ۳۱/۸ میلیون تن بالغ گردید ولی چند سال پس ازآن میزان تولید بعلل سیاسی باین حد اخیر نرسید ودرسال ۱۳۳۰ از ۱٦/۷ میلیون تن یعنی کمی بیش از نصف میزان تولید سال قبل تجاوز نکرد و در سال ۱۳۳۱ تقریباً بیك میلیون تن ، یعنی بکمتر از یك سی‌ام مقدارتولید سال ۱۳۲۹ ، رسید وسیاست مصدق بشرحی که در فصل پنجم ذکر شد نه تنها درکار شرکت نفت تاثیر معکوس کرده بود بلکه در کار اقتصاد کشوریکه وی ادعای خدمتگزاری آنرا داشت نیز مؤثر افتاد وآنرا دچار فلج کرده بود .

پیش از آنکه صنعت نفت بدان کیفیت دچار وقفه گردد عوائد ایران از منافع نفت هر سال افزایش میافت و شرکت نفت اینطور پنداشته بودکه ممکن است با این افزایش عایدات، من ومردم کشور مرا مشغول خویش بسازد ، ولی عوامل مختلف از جمله اشغال نظامی دوره جنك و رفتار روسها پس از جنك در ملت ما یك روح اتحاد و پیوستگی بزرگ بوجود آورد . ما از رفتار تحکم آمیز بیگانگان خسته شده واز اینکه شرکت نفت بما بچشم ولینعمت مینگریست بستوه آمده بودیم . برخی از مامورین شرکت نسبت بزیر دستان ایرانی خود و مامورین دولت ایران ، یعنی همان دولتی که با آنها طبق روش میهمان نوازی معامله کرده بود، باکبر و نخوت بسیار رفتار میکردند و طرز سلوك آنها چنان بود که پنداری سرتاسر کشور ایران ملك طلق آنهاست .

ازاین گذشته بعقیده ما وسایر کشورهائیکه تازه باستخراج نفت پرداخته بودند میزان حق‌الامتیاز سابق نامعقول و غیرمنصفانه بود ، زیرا شرکت های بزرك خارجی در مقابل پرداخت مختصر حتی منابع خدادادکشور را از دل خاك بیرون‌کشیده و ثروت طبیعی آنرا تحلیل میبردند . چیزی که قضیه را یکسره کرد بنظر من این بود که دولت عربستان سعودی باشرکت نفت عربستان وامریکا(آرامکو)قراردادی برای استخراج نفت منعقد ساخت که شرائط آن از شرائطی که

تا آنوقت دول خاورمیانه بدست آورده بودند بهتر وعادلانه تر بود ، زیرا درآن قراردادکه یکسال پیش‌ازآنکه ما صنعت نفت ایران را ملی‌کنیم منعقدگردید، منافع حاصله بالمناصفه تقسیم میگردید

در فصل پنجم درباره قتل ناجوانمردانه مرحوم رزم‌آرا نخست وزیر وقت که در مجلس ترحیم یکی از روحانیون در مسجد شاه اتفاق افتاد ذکری رفته است. چند روز قبل از آن واقعه نخست وزیر فقید از انگلیس ها پیشنهادی مبنی بر تقسیم منافع نفت براساس ۵۰درصد دریافت‌کرده بود. یکی از مشاورین رزم‌آرا اظهار کرده بودکه باید پیشنهاد انگلیس ها در مجلس مطرح شود وافکار عمومی‌کمی تسکین یابد، ولی رزم‌آرا گفته بودکه بهتر آنست‌که اندکی صبر وحوصله‌بکار برد تا حرارت و احساسات مردم تخفیف یابد وآنگاه پیشنهاد را در مجلس اعلام نماید . ممکن است همین تصمیم موجب مرك اوشده‌باشد ولی در هرحال شك نیست که انگلیسها در تسلیم این پیشنهاد کمی تاخیر کرده بودند ودر آن موقع روح‌ناسیونالیسم در ملت ایران کاملا بیدارگشته وافکار عمومی متفقاً طرفدار ملی‌کردن صنعت نفت شده بود .

اگر پس از ملی شدن صنایع نفت ایران سیاست عاقلانه‌ای اتخاذ شده بود ممکن بود انتظاریکه برای افزایش فوری عوائد خود از نفت داشتیم صورت وقوع پیداکند واین خود نعمتی بود، زیرا هزینه‌کارهای توسعه و عمران را فراهم میساخت اما بطوریکه در فصل پنجم ذکر شد اوضاع کاملا برعکس انتظار ما پیش‌آمد . شاید این نکته‌خود مبین خویش‌باشدکه برخلاف رویه پدرم‌که چندین بارشخصاً از آبادان بازدیدکرده بود مصدق هیچگاه فکر مسافرت بمراکز صنعتی نفت را که درباره‌آنها اینهمه سخن سرائی‌میکرد بمغز خویش راه نداد

اینك بگذشته نظر افکنده به‌بینیم در دوره زمامداری مصدق از منابع نفت خود چه استفاده ای‌کرده‌ایم ؟. مدتی پیش از آنکه مصدق برسرکارآید یعنی درسال ۱۳۲۸ سازمان برنامه تأسیس یافت وبموجب قانون مربوط بآن شرکت نفت ایران بسرمایه دولت تشکیل گردیدتا بعملیات اکتشافی نفت اقدام نماید. وقتی درسال ۱۳۳۰ صنعت نفت را ملی اعلام‌کردیم شرکت ملی نفت ایران را تشکیل دادیم و در سال ۱۳۳۴ شرکت نفت ایران بشرکت ملی نفت ایران ملحق گردید

درسال ۱۳۳۰ که مصدق زمامدار شد شرکت ملی نفت ایران را در اختیار داشت که مشغول کار بود ودارای هشت منطقه ودو پالایشگاه و دو دستگاه و خطوط لوله نفت و محل صدور ووسائل حمل ونقل مواد نفتی در داخله کشور ولوازم اکتشاف و۵۰۰۰۰ تن کارمند و مؤسسات و وسایل رفاه آنها بود . در طول بحران نفت شرکت ملی نفت ایران در مقابل تمام موانع و مشکلات ، مناطق نفت وپالایشگاه و موسسات فرعی خود را درکمال خوبی حفظ واداره کرد وکلیه کارمندان و کارگران ایرانی خود را نگهداری نمود . همچنین احتیاجات داخلی نفت را نیز بدون وقفه مرتفع ساخت واین مسئله با توجه بسیاست مصدق که منجر به کمبود فاحش ارز خارجی شده بود اهمیت مخصوص داشت ، و در حقیقت هرچند مضیقه اقتصادی ، شرکت ملی نفت ایران را مجبور ساخته بودکه بانواع طرق در هزینه ها صرفه جوئی کند باز موفق شده بودکه وسایل حمل ونقل نفت را درداخله کشور توسعه بخشد .

از اقدامات فوق که صرف نظر شود طرازنامه عمل بسیار تیره و اسفناك بود وباید یك صنعت عظیم راکه یکی ازمراکزمهم تولید نفت جهانی بود در نظر آوریم که کارش رساندن نفت بداخله کشوری مانند ایران که تازه قدم براه پیشرفت نهاده منحصرگشته است، وبزرگترین پالایشگاه نفت گیتی را پیش چشم آوریم که عاطل وبیکار وبدون حرکت وجنبش افتاده است وآن دست تنگی عجیبی راکه در اثرآن پیش میآید درذهن خود متصور سازیم که حتی توانائی اکتشاف وتجسس ذخائر نفتی که آینده صنعت بی وجود آن غیرممکن بود وجود نداشت

در فصل پنجم اشاره شدکه پس از سقوط دولت مصدق به ترمیم خسارات ناشی از سوء سیاست وی پرداختیم ودر نتیجه میزان تولید نفت راکه درسال ۱۳۳۱ از یك میلیون تن هم پائین تر رفته بود (و تقریباً تمام بمصرف داخلی رسیده بود) بالا بردیم و در سال ۱۳۳۲ به ۱/٤ میلیون تن ودرسال ۱۳۳۳ به ۳ میلیون تن ودرسال ۱۳۳٤ به ۱٦ میلیون تن ودرسال ۱۳۳۵ به ۲۷ میلیون تن بالغ گردید .

درسال ۱۳۳٦ مقدار تولید نفت ما به ۳٦ میلیون تن رسید واین نخستین باری بودکه مقدار تولید نفت از میزان سال ۱۳۲۹ که حد اعلای تولید سالهای قبل از ملی شدن صنعت نفت بود ، تجاوزکرد

درسال ۱۳۳۷ تولید نفت به ۴۱ میلیون تن ودرسال ۱۳۳۸ به ۴۵ میلیون تن رسید . بعبارت دیگر میزان تولید نفت این سال ۴۵ برابر میزان سال ۱۳۳۱ بود . درسال ۱۳۳۹ انتظار میرود که مقدار تولید تقریباً به ۵۰ میلیون تن بالغ گردد و بعلاوه حق‌امتیاز کنونی که پنجاه در صد خالص منافع پس از وضع مالیات است از حیث مبلغ خیلی زیادتر از میزان سابق است .

در عین حال برای استفاده از منابع نفت خود که خارج از حدود منطقه عمل کنسرسیوم جدید بود (واین منطقه تنها قسمت کوچکی از مناطق نفت خیزکشور ماست) بفعالیت پرداختیم واز اواسط سال ۱۳۳۰ شرکت نفت ایران که بسرمایه دولت تشکیل یافته است بعملیات مقدماتی حفرچاه اکتشافی در نزدیکی شهر مقدس قم اقدام‌کرد وپس از خاتمه بحران دوره مصدق در حفاری آ ن‌تسریع‌گردید و بالاخره در سال ۱۳۳۵ ازچاه شماره ۵ نفت بارتفاع ۳۰۰ پا فوران نمود ودرمدت ۸۲ روزکه‌این فوران‌ادامه داشت روزانه ۱۰۰۰۰۰ بشکه نفت استخراج میشدکه درتاریخ صنعت نفت جهان بالاترین میزان است‌که ازیک‌چاه‌نفت دریک روز استخراج شده باشد .

آن روز ها واقعاً ایام هیجان انگیزی بود زیرا رودخانه‌ای از نفت در صحرا جاری شده ودراندک زمانی دریاچه‌ای بوجود آورده بود واز مسافتی اندک بدریاچه‌ای از آب مانند شده بودکه در اثروزش باد موج میزد و سطح صیقلی آن در اثر انعکاس اشعه خورشید میدرخشید برای مهارکردن این چاه وجلوگیری از فوران آن آقای میرون‌کینلی متخصص معروف امریکائی که در اطفای حریق چاههای نفت شهرت جهانی دارد دعوت شدکه معجلا با هواپیما از تکزاس بایران بیاید و این متخصص بدستیاری همکاران جسور خویش مهارکردن چاه را بعهده گرفت در مدتیکه این دسته بکار مشغول بودند هر دقیقه بیم‌آن را داشتند که‌گاز متصاعد از چاه محترق‌گشته وهمه را در اثر انفجارمتلاشی نماید ولی دیری نگذشت‌که در اثر فروریختگی اعماق زمین چاه شماره ۵ قم که مانند شیری میغرید مانند بره‌ای زبان بسته ازحرکت وجنبش افتاد وما نفتی راکه دردریاچه بشکل تالابی‌عظیم بوجود آمده بود بهر

که میخواست فروختیم ودریاچه بتدریج تهی گردید .

متخصصین امر نفت عموماً اتفاق عقیده داشتندکه آثار و علائم منطقه نفت قم حکایت از وجود ذخیره بزرگی می‌کند و از همین جهت عملیات حفاری ادامه یافت و تا اواخر سال ۱۳۳۷ چاههائی‌که مجموع‌عمق‌آنها از بیست و هفت کیلو متر تجاوز میکند در این منطقه حفرگردید. در منطقه سراجه نیزکه در ۵۵کیلو متری شرقی شهر قم واقع است نیز عملیات اکتشافی دامنه‌داری انجام یافت ودر اوائل سال ۱۳۳۸ در آن منطقه نفت بسیار مرغوبی کشف گردید. درهمان سال شرکت نفت ایران اولین نقشه ژئو فیزیك کشور را باتمام رساندو بافراهم شدن این نقشه صفحه تازه‌ای درتاریخ صنعت‌کشور ملبازگردید.

رویه من اینست‌که از فعالیت شرکتهای خصوصی ودولتی تشویق و ترغیب بعمل آید واز اینرو در سال ۱۳۳۶لایحه‌ای بتصویب مجلسین رسیدکه بموجب آن علاوه برسایر مقررات به‌شرکت ملی نفت ایران اجازه داده شدکه با شرکتهای خارجی قرارهائی ببندد‌که درتوسعه‌منابع نفت ایران‌باما همکاری نمایند. چون‌قرارداد سال ۱۳۳۳که باکنسرسیوم منعقد شده بود عنوان موافقت نامه داشت درقانون جدید مستقیماً بشرکت ملی نفت ایران اجازه داده شدکه با شرکتهای خارجی در صورت لزوم قراردادهائی منعقد سازد مشروط براینکه هرقرارداد بتصویب مجلسین ایران برسد. کمی پس از تصویب قانون جدید شرکت ملی ایران شرکتهای خارجی را دعوت کردکه برای تحصیل حق اکتشاف نفت در بعضی مناطق نفت خیز کشور در مزایده شرکت کنند. شرائطی‌که شرکت برای مزایده مزبور معین‌کرده بود در محافل نفتی جهان فوراً همان هیجانی راکه انتظار داشتیم تولید نمود .

تصمیم من این بودکه از آن به بعد در کار توسعه و استخراج منابع نفت رویه تازه‌ای اتخاذ شود یعنی اولا دیگر مسئله دادن امتیاز بمفهوم سابق‌آن از میان برود وبا توجه بروح قانون ملی شدن صنعت نفت هر شرکت یا گروه خارجی که برای جستجوی نفت بایران بیایدیا بعنوان عامل از طرف دولت ایران بکار پردازد ویا آنکه عملا با ما شریك باشد. مسئله تعیین عامل در موافقت نامه سال۱۳۳۳که بموجب آن‌کنسرسیوم با وسائل و تجهیزات شرکت سابق نفت ایران وانگلیس

بکار مشغول گشت تصریح شده ومسئله مشارکت نیزدرقراردادهائیکه بعداً انعقاد یافت بمقام عمل در آمده است .

دوم آنکه شرکتهای خارجی که میخواهند به استخراج و تولید نفت در ایران بپردازند باید نسبت بکشور و منابع نفتی آنقدر اطمینان واعتماد داشته باشندکه به تجسسات دامنه دار و مفصلی که کلیه هزینه آنرا نیز خودشان بپردازند دست بزنند. البته شرکت ملی نفت ایران در اثر تجسسات زمین شناسی که دربسیاری ازنقاط کشور بعمل آورده است میتواند باین شرکتها راهنمائی و مساعدتهائی بکند ولی هرشرکت خارجی باید خطر عدم حصول نتیجه را رأساً تحمل کرده وکلیه مخارجی راکه دراین راه میکند با توجه باین خطرازکیسه خود بپردازد.

سوم آنکه هرگاه نفت بمقدار تجارتی بدست آمد دولت ایران در تولید آن هم از نظر مالی وهم از نظر اداری شریك باشد . من از نظر ناسیونالیسم ایرانی باین مسئله اهمیت داده ومصمم بوده وهستم که دیگر هیچ مؤسسه یاگروه مؤسسات خارجی اجازه نداشته باشندکه در اداره یك قسمت مهم وحیاتی صنعت ما اختیارات بدون شرط وقید داشته باشند وباید دولت در سازمان این قبیل مؤسسات شرکت مؤثر و مثبت داشته باشد وشرکت های خارجی باید قبول کنندکه چون منافع ما و منافع آنها منوط بحسن اداره وعمل مؤسسات مورد نظر است ما در اجرای رویه‌های معقول وصحیحی که اتخاذ میشود نهایت اهتمام و مساعدت را بعمل خواهیم آورد

چهارمین تصمیم قطعی من این بودکه حق‌الامتیازی که بما میرسد از حدکنونی تجاوز کند وزیادترباشد ، زیرا بنظر من تقسیم بالمناصفه دیگر مقرون بصرفه نیست وبا روح‌ناسیونالیسم وانتظارات ملت ایران سازگاری ندارد و حتم داشتم که میتوان این تسهیم را بنفع کشور تغییر داد. بمجرد اتخاذ این تصمیم بعضی از مؤسسات ذیعلاقه و نیرومنددر مقابل این نیت ما بمخالفت برخاستند وکارتل بین‌المللی نفت باین استدلال متوسل شدکه ما میخواهیم برای بدست‌آوردن سودآنی منبع عایدات خود را خشك‌کنیم ودر واشنگتن برای مخالفت با نظر ما باقداماتی متوسل شدند باید باکمال تأسف گفته شودکه سفیرآنروزی دولت آمریکا نیز در تهران کوشش میکردکه ما را از عقد قراردادها

با این شرائط جدید منصرف سازد.

بعضی از شرکتهای نفت دربرابر آرمان های ناسیونالیسمی ما شمان رویه نامساعدی که شرکت سابق نفت ایران وانگلیس رابشکست واضمحلال کشانید پیش گرفته بودند و تامدتی ظاهرامر اینطور نشان میداد که مأمورین دولت آمریکا همان اشتباهاتی راکه انگلیسها درطی سه سال پیش ازملی شدن صنعت نفت مرتکب شده بودند تکرارمیکنند. اما پیشنهاد های ما اصولی ومنطقی بود وشرکتها دریافتند که نمیتوانند در برابر آن پیشنهاد ها با یکدیگر اتفاق عقیده داشته باشند و بنظر میرسید که وزارت امورخارجه آمریکا نیز رویه خود را در این مورد تغییر داده است

در مرداد ماه سال ۱۳۳۶ شرکت ملی نفت ایران اولین قرار داد جدید را با شرکت ایتالیائی موسوم به اجیپ مینراریا منعقد ساخت. قرار داد دوم در ماه فروردین ۱۳۳۷ باشرکت پان امریکن پترولیوم (شعبه‌ای از شرکت استاندارد اویل ایندیانا) که یك شرکت آمریکائی بود انعقاد یافت و قرار داد سوم با یك شرکت کانادائی موسوم به شرکت محدود پترولیوم سفایر بامضاء رسید. شرکتهای ایتالیائی و آمریکائی طبق مواد قرارداد خود فوراً بکار پرداختند ولی متاسفانه کار شرکت کانادائی طبق انتظارات ما پیشرفت نکرد

این هرسه قرارداد از حیث اساس یکسانند وقسمت عمده مناطق مورد اکتشاف آنها نیز درنواحی جنوبی کشور واقع ومشتمل برکرانه‌های خلیج فارس وآبهای ساحلی آن است. اما چون ازمیان سه شرکت مزبور تنها شرکت آمریکائی در فعالیت‌های مقدماتی خود پیشرفتهائی شایانی کسب نموده است بعنوان نمونه بشرح قرارداد مربوط بآن اکتفا میشود. مناطقی که بوسیله شرکت پان امریکن با همکاری شرکت ملی نفت ایران مورد اکتشاف قرارمیگیرد تماما زیر دریاست در بادی امر ممکن است کسانیکه از کیفیت استخراج نفت آگاهی ندارند از این که شرکتی حاضر شده باشد که منطقه نفتی مورد استخراج خود را در کف دریا تعیین کند دچار شگفتی شوند

ولی حقیقت این است که در کشور های متحده آمریکا و ونزوئلا

واندونزی وسایرکشور ها منـاطق عظیم نفت خیز دریائی وجود دارد و در سالهای اخیر نیز طرز استخراج اینگونه منابع دریائی ازنظرفنی و علمی پیشرفت شایان کرده است

در این قرارداد قید شده است که هر گاه در ظرف مدت دوازده سال پس از امضاء آن نفت بمقدار قابل تجارت بدست نیامد اراضی مورد قرار داد بدولت ایران برگردد وحتی مقرر است که اگر نفت در محلی هم بمیزان قابل تجارت بدست آید مقدار ۲۵ در صد از اراضی مـورد قرارداد در پایان پنج سال اول ، و۲۵ در صد پس از انقضای پنج سال دوم تقلیل یابد و درپایان سال دوازدهم فقط آن قسمت از اراضی ایران که تولید نفت درآن بمیزان قابل تجارت رسیده باشد دراختیارصاحب قرارداد باقی بماند با اندك توجهی بشرائط مندرج دراین قرارداد و آنچه در قرار داد ها وامتیازاتیکه در گذشته که برویتر ودارسی داده شده تفاوت واختلاف بارزی که بین قرارداد های قدیم وجدید موجود است مشهود خواهد گشت

بموجب این قرارداد باید شرکتی بنام شرکت پان‌امریکن ایران تشکیل شود و در تهران به ثبت برسد. سهام این شرکت باید متساویاً متعلق به‌شرکت ملی نفت ایران وشرکت پان‌امریکن باشد وهریك از این دو شرکت نیز نصف از اعضای هیئت مدیره را انتخاب و منصوب نمایند. شرکت پان‌امریکن ایران دووظیفه دارد: اول وظیفه اکتشاف است که بایدکاملا ومطلقاً بهزینه شرکت پان‌امریکن بعمل‌آید ودوم استخراج نفت بمیزان تجارتی است‌که مسئول هردو شرکت یعنی شرکت ملی نفت ایران و شرکت پان‌امریکن خواهد بو

شرکت پان‌امریکن بموجب این قرارداد متعهد است‌که در ظرف سی روز پس از امضاء قرارداد مبلغ ۲۵ میلیون دلار پذیره نقداً پرداخت کند وعملیات اکتشافی خود را آغاز نماید ونیز متعهد است که در طی مدت دوازده سال حداقل مبلغ ۸۲ میلیون دلار ازکیسه خود برای عملیات اکتشافی در این کشور خرج‌کند واگر با صرف مبلغی‌کمتر از این میزان بکشف نفت قابل تجارت موفق‌گردید مازاد آنرا باید با دولت ایران تقسیم نماید وهرگاه شرکت پان‌امریکن تا پایان دوازدهمین سال قرار داد خود بکشف مقدار نفت قابل تجارت موفق نگردد تمام

مبلغ ۸۲ میلیون دلار وحق اکتشافی راکه بموجب قرارداد دارا میباشد از دست خواهد داد از طرف دیگر اگر شرکت پان امریکن بکشف نفت بمقدار قابل تجارت (که در قرارداد بطور دقیق وصریح تعریف شده) توفیق یابد مراتب را رسماً بهشرکت ملی نفت ایران اعلام نماید بمجرد این اعلام شرکت پان امریکن ایـران بعنوان مشترك به استخراج نفت مباذرت خواهد ورزید

دراین قرارداد وسایر قرارداد های جدید طرز تقسیم منافع از نفتیکه استخراج میشود بطور واضح وصریح تعیین گشته است ومن مخصوصاً مایلمکه علاقه مندان باین صنعت متن این قرارداد ها را مورد مطالعه قرار دهند

طبق این قرار داد ۷۵ درصد ازکل منافع بما میرسد و۲۵ درصد بقیه به شرکت تعلق دارد دلیل این تقسیم نیز ساده است زیرا در قرارداد مزبور مقرراستکه شرکت ملینفت ایران وشرکت پانامریکن درمنافع حاصله ازنفت متساویاً سهیم باشند واین منافعکه بالمناصفه تقسیم میشود آن مبلغی است که هنوز مالیات وعوارض از آنکسر نشده است و چون دولت ایـران حق دارد که از کل منافع شرکت پانامریکن پنجاه درصد مالیات بر درآمد بگیرد بنابراین ازاین راهنیز بیست وپنج درصد ازکل منافع بدولت ایران میرسدکه با پنجاه در صد فوق رویهم به هفتاد وپنج درصد بالغ میگردد

تاآنجائیکه من اطلاع دارم این قرارداد و قرار دادیکه باشرکت ایتالیائی منعقد ساختهایم نخستین قرارداد هائی استکه تاکنون دردنیا براساس تقسیم ۷۵ و ۲۵ درصد منافع بینکشور صاحب نفت وشرکت استخراج منعقد شده است

جای شگفتی استکه هنوز بعضی از متصدیان امور نفت کوشش دارند اختـلاف فاحشیکه بین این قرارداد ها وقرارداد های پنجاه ـ پنجاه موجود است ناچیز شمرده وبگویندکه قرارداد هائیکه براساس مناصفه یعنی پنجاه ـ پنجاه بسته شده میزان واقعی را نشان نمیدهد و قرار داد هائیکه براساس ۷۵ و۲۵ بسته شده نیز باقراردادهای پنجاه و پنجاه تفاوت بسیار مختصری دارد این اشخاص باطناً میدانند که اظهاراتشان تاب بررسی دقیق را نخواهد آورد همین اشخاص در

هنگامیکه روح حقیقت بین آنها نخفته است میدانند که همین مقیاس جدیدیکه مابرای تسهیم سود اتخاذکردهایم ناگزیر درسایرکشورهانیز مورد عمل پیدا خواهد نمود چنانکه هماکنون نیز بمقام استفاده در آمده است. کسانیکه هنوز بهمان رویه پنجاه ـ پنجاه سابق پای بستند ظاهراً ازاین میترسند که اگر بایکدیگر برای پشتیبانی از آن متحد نشوند یکی پس از دیگری دچار آن خواهند گردید اما سخن دراین است که ترتیب سابق فریبندگی خویش را از دست داده وبازگشتنی نیستو دیری نمیگذردکه خوانندگان این کتاب خواهند دید که اصل مزبور دیگر درجهان نفت مورد عمل نیست وبکلی از میان رفته است

شاید چون این قرارداد ها درنوع خویش تازگی دارد بعضی از آنها که درکار نفت گیتی واردند ازآن هراسان باشند ، اما تاآنجاکه این امر مربوط بایران است نگرانی آنها موردی ندارد ، زیرا ماهرگز درنظر نداریم منافع دائم و مستمری راکه میخواهیم برای توسعه و پیشرفت کشور صرف کنیم فدای نفع سنگین آنی بکنیم وتمام هم ما در این است که این سرچشمه سود رابنفع کشورخویش بوضع ثابت ومعقولی درآوریم واین نکته مطلب را به شرائط مندرج در قرارداد جدید که تولید نگرانی بسیاری کرده است یعنی شرائطی که بموجب آن دولت ایران و شرکتهای تولید واستخراج باید باهم در کار شریك باشند میکشاند

کسانیکه از مواد مربوط بمشارکت ما باشرکت های استخراج مانند شرکت پان امریکن ایران نگرانند دو نکته را از نظر دور داشته اند .

اول آنکه علاقه ما در امور انتفاعی کمتر از شرکای خارجی مانیست وچون ما در واقع بیش ازآنها ازمنافع بهرهمند خواهیمشد طبعاً بیشتر از آنهاکوشش خواهیمکرکه این شرکت ها در تحصیل منافع موفقیت پیداکنند

دومآنکه سهیمبودن مادراداره امورتولیدی باید موجباطمینان خاطر شرکای خارجی ما باشد ، زیرا تجربه بار ها نشان داده است کـه شرکتهائی که درکشوری کلا بدست بیگانگان اداره میشود درمردم و دولت آن کشور نسبت بخـود مخالفت و عناد میکنند ، ولی هـر جا

نمایندگان دولت صاحب منابع دراداره امورسهیم وشریك باشند امید آن شرکت از پشتیبانی وحمایت دولت که برای پیشرفت کار از لوازم است بیشتر است شك نیست‌که مأمورین دولت هم بشر وقابل خطا و لغزشند ولی باحتمال قریب بیقین جنبه مساعدت آنها برای پیشرفت کار شرکتها ازجنبه‌اشکال تراشی‌احتمالی‌آنهابمراتب‌بیشترخواهد بودواین‌نکته براساس تجاربی‌که در ایران داشته ایم برای من بوضوح روشن‌گردیده است

نتایجی که از قرارداد شرکت پان امریکن بدست آمده اینست که مبلغ ۲۵ میلیون دلار پذیره پرداخت شده شرکت پان‌امریکن ایران بشکل یك شرکت ایرانی‌تأسیس‌گشته وبه ثبت رسیده ، ماشین آلات وابزار سنگین‌که شرح‌آنها خواهد رفت از امریکا خواسته شده، درناحیه مورد قرارداد یك بررسی در ارتعاشات زیر زمینی (بوسیله دستگاههای ضبط صوت بسیار حساس وسایر آلات‌که امواج صوتی را که زیر دریا دراثر انفجار دینامیت بوجود میآید و در نتیجه آن بستر مخازن نفت معلوم میشود ثبت میکند) با ۲،۵۰۰،۰۰۰ دلار هزینه بعمل‌آمده است، میزان‌ثقل وفشار جاذبه برای‌کسب اطلاع نسبت بوضع طبقات الارضی منطقه مورد قرارداد بوسیله دستگاههای حساس از روی کشتی‌که ۷۵۰،۰۰۰ دلار هزینه آن بوده معلوم گردیده است ، ماشین آلات وابزار سنگین مورد احتیاج بتدریج وارد و در جای خود نصب شده ودر مهرماه سال ۱۳۳۸ حفاری اکتشافی آغاز گردیده است

ماشین وادوات حفرچاههای زیردریائی واقعاًتماشائی است ازجمله سکوی‌متحرکی‌است‌که عملیات حفاری ازروی‌آن انجام‌میگیرد واین‌سکو بشکل یك‌کرجی آهنی بزرگی بطول ۲۰۰ پا وعرض ۱۰٤ پا وارتفاع ۱۵ پا است ووزن آن بانضمام وسایلی‌که روی آن نصب شده به ٦۰۰۰ تن بالغ میگردد این‌کرجی دارای هشت پایه است‌که بوسیله فشار میزان شده وطول هرپایه به ۲۲۵ پا میرسد ومیتوان‌آنهارا بکف خلیج فرو برد واین کرجی سنگین را میتوان ازسطح آب آنقدر بالانگهداشت که موجهای عظیم که درهنگام طوفان وانقلاب دریا برمیخیزد بآن لطمه وارد نیاورد روی این‌کرجی منجنیق حفر چاه که ۱٤۰ پا ارتفاع دارد قرار گرفته ومحلی برای فرود آمدن هلیکوپتر ونصب جرثقیلها

وتلمبه‌ها وسایرماشین‌آلات ووسایل‌کار دارد. زیر عرشه‌کرجی اطاقهائی که بادستگاههای تهویه‌مجهزند برای سکونت ۶۰ نفرساخته شده وسه دستگاه دیزل از نوع دیزلهای لکوموتیو بمنظور تولید نیروی برق و ماشینهای‌کوچکتر ودستگاه تقطیر آب‌که ساعتی ۱۰۰۰ گالون آب دریا را به آب شیرین مبدل مینماید وکارگاه تعمیرات و انبارهای بزرك در آن‌تعبیه‌گشته است. این‌کرجی رابزرگترین یدك‌کشهای اقیانوس‌پیمای جهان از یازده هزار میل مسافت از خلیج مکزیك که محل ساختن آن بوده تا خلیج فارس آورده‌است وهم اکنون شبانه روز از روی آن بعملیات حفاری میپردازند

یکی دیگر ازوسایل کار یك‌کشتی بزرك است‌که ویژه عملیات حفاری است ودرآن ماشین‌آلات ولوازم مولد برق وتلمبه وقفسه های جای لوله وحوضچه هائی برای جمع آوری گل ولای وانبار ملزومات و اطاقهای مسکونی ملوانان ساخته شده ومراکزعملیات ساختمانی‌سکوهای حفاری است‌که پایه های آنها برسطح خلیج کارگذاشته شده است روی این سکوها یاجزیره‌هائی‌که بدست آدمی ساخته شده منجنیق‌های حفاری وسایر ماشین های مورد احتیاج نصب گردیده است . این‌کشتی مخصوص حفاری های اکتشافی است زیرا میتوان آنرا از محلی بمحل دیگر منتقل نمود سکوهای حفاری برای استخراج نفت است‌که نه تنها باکشتی حفاری مرتبط است بلکه بوسیله کشتی های کوچکتر و هلیکوپتر نیز میتوان بآسانی بآن‌ها دسترسی یافت واگر دریکی ازاین سکوها عملیات حفاری بنفت برسد میتوان نفت آنرا بوسیله لوله های زیردریائی بساحل خلیج آورد

هزینه حفر هرچاه اکتشافی در دریا روزی ۱۵۰۰۰ دلار است و چون معمولا حفر چاه در مدت ده ماه که شبانه روز درآن‌کارکنند طول میکشد پس جمع هزینه حفر هرچاه درحدود چهار میلیون ونیم دلار خواهد بود البته برماوشرکای شرکت امریکائی ماپوشیده نیست‌که ممکن است عملیات حفاری چندین سال بدون حصول نتیجه بطول انجامد ، ولی کار استخراج نفت در تمام نقاط‌گیتی‌کاریست‌که احتمال ضرر آن بسیار است وهرکس قدم در اینراه مینهد باید دارای همان اعتقاد جازمی باشدکه پیشقدمان استخراج وکشف نفت ایران درسال

۱۹۰۸ داشتند وبه نیروی همان اعتقاد بر تمام دشواریها و موانع غالب آمدند. ما نیز حاضریم که مساعی خود را دراین راه دنبال کنیم و هیچوقت یأس بدل راه ندهیم .

باید بخاطر داشت که در عین حال که صنعت نفت خود را در نقاط بکر ودست نخورده کشور توسعه میدهیم فعالیتهای مهم خودرا در آبادان که ازمراکز بی‌نظیرنفت جهان است ادامه خواهیم داد آبادان نه تنها محل بزرگترین پالایشگاه نفت گیتی ویك مرکز عظیم صنعتی است بلکه شهری است که دارای محیط ویژه خویش است و جمعیتی درآن گردآمده است که تاآنجا که اطلاع دارم نظیرش درهیچ یك ازنقاط گیتی یافت نمیشود

کسانیکه برای سیاحت وآشنائی با تاریخ وفرهنك کهنسال ما بایران میآیند بآبادان نیز سفری خواهند کرد و شك نیست که تماشای ایران بدون دیدن آبادان کامل نخواهد بود. آبادان و تهران بوسیله راه‌آهنی که قطارهای آن باآخرین وسایل تهویه مجهزاست بیکدیگر متصل وخط هوائی نیز بین‌این دوشهر موجود است وبرای کسانی که بآبادان میروند مجال ووسایل‌سریع هست که‌آنانرا بسایرنقاط خوزستان ببرد وطرحهای بزرك عمرانی ماراکه درآن منطقه در شرف اجراست وشرح آن در فصل هفتم داده شد مشاهده کنند . ایرانیانی‌که بکشور خویش و پیشرفت آن علاقمندند نیز مسافرت باین شهر و منطقه خوزستان را بسیار سودمند وجالب و دلپذیر خواهند یافت

آبادان مرکز تولیدات صنعتی عظیم است وآدمی درآنجا احساس میکند که از محیط این شهر فعالیت وکار ثمر بخش جوش میزند شهر آبادان از روی نقشه صحیحی بناشده است بطوریکه پالایشگاه عظیم نفت در وسط آن قرار گرفته ودرکنار آن رودخانه پرآمد وشد کارون وصفوف خانه های مسکونی در کمال زیبائی بچشم میخورد آبادان را میتوان یکی ازشهر های بین‌المللی شمرد زیرا در این شهر مردم کشور های مختلف‌گیتی برای‌کارمعامله گرد آمده‌اند وکشتیهای ملل جهان همیشه درلنگرگاه های آن صف‌کشیده وبرای همه اقطار گیتی مواد گوناگون نفتی حمل میکنند وملوانان وکارکنان آن نیز درشهر آبادان باستراحت میپردازند درخیابانهای زیبای آبادان انسان

بمدیران و متخصصین وکارمندان وکارگران وخانواده های آنها و دختران ایرانی وانگلیسی و امریکائی و فرانسوی و هلندی و سایر ملل که دراداره ها کار میکند برخورد میکند اخیراً برنامه تبدیل کارمندان خارجی بایرانی آنقدر پیشرفت کرده است که امروز بیش از ۳۰۰ تن کارمند خارجی وجود ندارد و این افراد و خانواده های آنها نیز باین شهر صنعتی جنبه بین‌المللی مخصوص داده اند

هوای آبادان درفصل زمستان بسیار دلپذیر و برای ورزش های گوناگون در هوای آزاد مانند فوتبال ، رگبی ، کریکت ، والیبال ، گلف ، تنیس، اسب دوانی، قایقرانی، پرواز های تفریحی بسیار مناسب است هنگام تابستان که هوا گرم میشود مردم به‌باشگاهها وتأترهائیکه مجهز به وسایل تهویه است پناه میبرند من گاهی اندیشه میکنم که گرمای شدید آبادان درمیان اجتماعی که از ملل مختلفه تشکیل یافته است خود موجدروح همکاری‌است وساکنین‌آن شهررا بایکدیگر الفت وموأنست میدهد

مدیران وکارشناسانی که دراین شهر کار میکنند نیز معتقدندکه شهر آبادان بآنها هیجان می‌بخشد وچنانکه یکی ازآنها گفته است «هرکس ازاین دانشگاه فارغ التحصیل شود استعداد آنرا پیدامیکند که در همه جا کار کند

کارهائیکه در آبادان انجام میگیرد همه عظیم وبااهمیت است مثلا پالایشگاه آنجا دارای ده دستگاه بزرك تقطیر برای تجزیه تبدیل نفت خام وده دستگاه تولید نفت سفید ومتجاوز ازچهل دستگاه تصفیه دیگر است تنها برای سوخت تأسیسات پالایشگاه ، روزانه بیش از شصت میلیون فوت مکعب گاز طبیعی مصرف میشود مـرکز تولید نیروی برق آن یکی از بزرگترین مراکز خاورمیانه است ودودستگاه تلمبه آن که آب آشامیدنی وکارسازی کارخانه ها و مردم را تأمین میکند یکی از مجهز ترین ومعظم ترین دستگاههائیست که تاکنون ساخته شده است

از پالایشگاه آبادان متوالیاً نهری از مواد نفتی جاری است که قسمت عمده آن بنزین هواپیما وبنزین موتور وگازوئیل (برای مصرف کامیونهای دیزلی) ونفت وروغن وقیر است درپالایشگاه حتی مواد

شیمیائی لازم برای تولید مواد نفتی نیز تهیه میشود در این شهر متجاوز از ۲۳۰۰ اتومبیل واتوبوس وکامیون ۳۰ دستگاه لکوموتیو دیزلی و ۱۰۰ دستگاه اتومبیل کرایه و ۲۸ یدک‌کش و ۵۶ کرجی بزرك و ۴۲ قایق موتوری درآمدوشد است وده رشته تلفن خودکار و پانزده مرکز راهنمای تلفن در پالایشگاه نصب گردیده و باوسائل رادیوئی پیوسته با هواپیماها وکشتیها ارتباط دارد . لوله های نفت که بطول ۱۶۰ میل است پالایشگاه را با مناطق نفت خیز یعنی از نخستین چاه مسجد سلیمان که هنوز ازآن نفت استخراج میشود گرفته تا سایر چاههای عظیم اتصال داده است

چاه نفت آغاجاری را میتوان غنی ترین چاه نفت دنیا دانست ساکنین این مناطق نیز مانند اهالی آبادان از افراد ملل متنوعند وطرز ساختمان خانه‌ها ودکانها و باشگاهها وزمینهای بازی آنها هم بهمان شیوه آبادان است

مقداری از محصولات نفتی آبادان بمصرف داخلی کشور میرسد وقسمت اعظم آن به خارج حمل میشود تا باارز حاصل از فروش آن هزینه برنامه های عمرانی کشور تأمین گردد چنانکه درسال ۱۳۳۸- ۸۶۴ کشتی نفت‌کش از آبادان وبیش از ۱۲۵۰ کشتی از بندرمعشور که تأسیسات آن بسرعت توسعه مییابد نفت بخارج حمل کرده اند

محصولات نفتی آبادان بیشتر مواد تصفیه شده است ولی از بندر معشور نفت خام بخارج حمل میشود در جزیره خارك که در ۱۵۰ میلی آبادان در خلیج فارس واقع است نیز جنب وجوش عظیمی پدیدار است وتأسیسات‌آن‌در دست‌ساختمان است‌که‌بزرگترین کشتیهای نفت‌کش بظرفیت ۱۰۰،۰۰۰ تن وبزرگتر ازآن ها نیز بتوانند در آنجا لنگر انداخته ونفت حمل کنند

صاحب این همه وسایل مجهز وعظیم صنعت نفت ایران کیست ؟ برای مردم ایران که میدانند یگانه صاحب این تأسیسات کسی جز خود آنها نیست مایه‌مباهات است ووقتی بدانندکه این صنعت ازرکود سابق بدر آمده وامروز بمقداری‌که در تاریخ کشور ما سابقه نداشته مواد مختلف نفتی تولید میکند درخود غرور مخصوصی احساس میکنند

گاهی بدین اندیشه میافتم‌که در پالایشگاه عظیم آبادان وروی

اسکله هائیکه‌کشتیهای بزرك نفت‌کش درآن پهلو میگیرند و برفراز مناطق نفت خیز ومراکز توزیع نفت‌که درتمام نقاط‌کشور ایجاد شده لوحه هائی نصب شود- وروی آن بدوزبان بنویسند (متعلق بمردم ایران) تا عموم هموطنان من از پیر و جوان و کارگران خارجی و کسانیکه از نقاط مختلف گیتی بدین مناطق میآیند مفاد آنرا همواره بخاطر داشته باشند

برای ما این نکته حائز کمال اهمیت است‌که بدون خود نمائی باین حقیقت واقف باشیم‌که مالك وصاحب این دستگاه بزرك وتسهیلات گوناگون آن کسی جز ما نیست

اما تنها مالکیت منابع وتأسیسات نفت برای ملت ایران کافی نیست بلکه بایدآنرا بنحو شایسته‌ای بنفع عموم ملت اداره‌کنیم البته برکسی پوشیده نیست‌که تولید نفت‌کار بسیار دشوار وپیچیده است و باید حتماً بوسیله متخصصین عالیمقام و مدیران دانشمند اداره شود اینك‌که مالکیت منابع نفت رابرای ایران مسلم ساخته ایم درصددیم‌که اداره عملیات آنرا نیز متدرجاً بدست ایرانیان بسپاریم برای حصول این مقصود دوطریق کلی را انتخاب کرده‌ایم :

اول آنکه کارمندان را از میان ایرانیان انتخاب میکنیم وبدین منظور اولیای‌کنسرسیوم نفت را وادار ساخته ایم‌که از تعداد کارمندان خارجی خود بکاهند بطوریکه امروز تعداد این کارمندان بسیار تقلیل یافته است درحال حاضر شرکت ملی نفت ایران چند نفر مستشار ومتخصص خارجی درخدمت خود دارد وطبعاً برای اجرای قرارداد های جدید اکتشاف و استخراج نفت چند تن دیگر از خارجیان استخدام شده اند ولی رویهم در تمام دستگاههای صنعت بزرك نفت امروز بیش از چند صد نفر ازاتباع خارجی مشغول کار نیستند واین عده نیز مرتباً روبتقلیل میرود .

دوم آنکه سرپرستی ونظارت‌کارها را بایرانیان میسپاریم البته ما دراین قسمت جانب احتیاط را از دست نمیدهیم وبدون تأمل بعملی که انجام آن احتمالا هنوز از عهده ما خارج است دست نمیزنیم بلکه ابتدا ازکار های ساده وآسان شروع میکنیم وبتدریج امور مهمتر را باعضای ایرانی تفویض مینمائیم

درباره رشته های فراوان وگوناگونی که لازمه فعالیتهای پالایشگاه آبادان است قبلا اشاره کرده‌ام . شرکت ملی نفت ایران وظایف‌وخدمات اجتماعی راکم‌کم ازدست‌کنسرسیوم‌گرفته است چنانکه شرکت ملی نفت ایران هم اکنون کلیه امور پزشکی وبهداشتی وساختمان مساکن کارمندان وکارگران پالایشگاه وحفظ ومرمت آنها را اداره میکند احداث ابنیه وطرق وتهیه سایر تسهیلات مربوط بمساکن حفظ‌امنیت و انتظام تمام حوزه پالایشگاه واداره امور آموزشگاه فنی آبادان و توسعه برنامه های آموزشی در پالایشگاه نیزکلا بر عهده شرکت ملی نفت ایرانست

تا اواسط سال ۱۳۳۹ در حدود یك سوم از مجموع کارمندان کنسرسیوم در آبادان تحت نظارت مستقیم شرکت ملی نفت ایران در آمده‌اند واین اقدام مهم نتیجه حسن تفاهم وهمکاری شرکت ملی‌نفت ایران وکنسرسیوم بوده است . همین رویه نیز در سایر مناطق نفت‌خیز وابسته به‌پالایشگاه آبادان نیز مرعی است وشرکت ملی نفت ایران در آن مناطق نیز امور مربوط بخدمات اجتماعی را زیر نظر خود قرار داده است

اما طرحهائی که در نظر ماست از این حدود نیز میگذرد در فصل هفتم اشاره شد که اقدامات بدوی برای کشیدن لولهٔ نفت تادریای مدیترانه بعمل آمده است ودر فصل هشتم ازکشتی‌های نفت‌کش‌که با پرچم‌ایران دریاها راگزاره میکنند سخن رفته است. نقشه ما اینست که پس از مدتی کوتاه خود در کشور های بیگانه نمایندگیهای فروش تأسیس‌کنیم تا مواد نفتی ما را عرضه کنند ودر ضمن اینکه محصولات ویژه ایران را بدنیا میشناسانند سودی زیادتر بما عاید دارند

امروز نفت ایران‌نیازمندیهای مردم چندین‌کشور را مرتفع میکند میل من آنست‌که نفت ایران بنام‌کشوریکه صاحب آن است شناخته شود وبنام یك‌کارتل یا مؤسسه نفت معروف نباشد .

اساس صنعت جدید نفت بر تحقیقات و مطالعات وسیع علمی قرار گرفته است از همین جهت ازاقدامیکه برای تاسیس یك مرکز تحقیقات وبررسی علمی از طرف شرکت نفت ایران بعمل آمده است شادمانی مخصوص دارم . ما این برنامه را باایجاد آزمایشگاه مهندسی وحفاری

نفت که توسط علیاحضرت ملکه فرح در اوایل ۱۳۳۹ افتتاح گردید آغاز نموده‌ایم وانتظار میرود کـه در آینده نزدیك آزمایشگاههای دیگری نیز برای مهندسی تولید نفت و زمین شناسی وژئوفیزیك و ژئو شیمی و پتروفیزیك تأسیس گردد ونیت ما اینست که این مرکز با مراکز مشابه آن که درممالك مترقی بوجودآمده از هرحیث برابری کند.

باید اضافه شودکه مرکز این مطالعات در شهر ری در نزدیـکی آرامگاه پدرم واقع شده است واطمینان دارم که اگر امروز آن مـرد بزرگ درقید حیات بود اولین شخصی بودکه ازاین مظهر ترقیات ایران کنونی لب به تحسین وآفرین میگشاد

ذکر مطالب فوق برای اظهار این نکته است که باعتقاد قطعی من ، ایرانیان توانائی نگاهداری و توسعه دستگاه تولید نفت و توزیع آنرا دارند اینك باید دید در طول زمان وضع تقاضای جهانیان برای مواد نفتی برچه منوال است

امروز در نوع انسانی برای تحصیل منابع نیرو جنب وجوش عظیم مشهود است چنانکه مثلاانگلستان درمورد بکاربردن نیروی اتم پیشقدمی یافته وسایر کشورها هم نیز در صدد ایجاد وساختمان مراکزتولید این نیرو هستند. زیردریائیهای اتمی آمریکا دراقیانوس ها آمد وشد میکنند وروسها کشتی یخ‌شکن اتمی خود را بکار انداخته وآمریکائیها دراواسط ۱۹۵۹ اولین کشتی اتمی تجارتی خود راکه بدون تجدید سوخت مدت سه سال ونیم کار خواهد کرد بآب انداخته‌اند وکشورهای آلمان و انگلستان وسایر ممالك نیزبرای اینکه نفت را از شأن و شوکت فعلی خویش بیندازند در صدد ساختن کشتیهای نفت کش اتمی هستند ودیری نخواهد گذشت که احتمالا نیروی خورشید نیز رقیب زورمند نفت خواهد گردید. درضمن این عملیات فرانسویها نیز در صحرای افریقا مناطق نفت خیز جدیدی کشف کرده وتأسیسات بسیار عظیمی در آنجا فراهم آورده‌اند ودر لیبی نیز چاههای نفت جدیدی کشف شده است با وصف این افزایش محصول ، بنظر من امروز بازار نفت وگازطبیعی گرمتر از زمانهای پیش است زیرا از طرفی میزان سوخت یا نیروی محرك چنان بسرعت روبافزایش میرود که اگر منابع نیروهای جدید دیگر هم پیدا شود باز بدشواری احتیاجات روز افزون جهان راکفایت خواهد نمود

از طرف دیگر استفاده از نفت و گاز طبیعی در ساختن مواد شیمیائی نیز وسعت یافته است و این مواد بقدری در صنایع پر ارزش و مفید واقع شده است که دیگر دریغ است آنرا برای سوخت مورد استفاده قرارداد.

کارشناسان در انتظار آن روزی هستند که عده کثیری از مواد مورد احتیاج نوع انسانی از نفت ومشتقات آن و گازطبیعی فراهم گردد.
چند سال پیش یکی از متصدیان بزرگ امور نفتی گفته بود که درصنعت شیمی نفت هرگز بیش از مقدار بسیارکمی نفت که بمثابهٔ قطره‌هائی از دریائی باشد مورد استفاده قرار نخواهد گرفت اما این نظر بسیارخطا بود زیرا این صنعت چنان بسرعت پیشرفت کرده است که پیش بینی میکنند که در سال ۱۹۶۵ ارزش موادیکه این صنعت سالیانه تولیدخواهد کرد تنها درآمریکا به ده میلیون دلار بالغ گردد

اشیاء و موادیکه صنعت شیمی نفت تولید میکند عبارت است از لاستیک ، پلاستیک، الیاف مختلف مانند نایلون وداکرون، کودشیمیائی وداروهای کشنده حشرات ومایع ضدیخ ، مصالح ساختمانی ، شیشه نشکن ، ظروف غذا خوری ، رنگ و صد ها اشیاء دیگر که هر روز ببازار میآید . در سال ۱۳۳۸ بیش از ۱۵۰ کارخانه شیمی نفت درنقاط مختلفه گیتی ساخته شده ویا دردست ساختمان بوده‌است وبدیهی است که کشور ایران که منبع مواد خام اینگونه اشیاء است نسبت‌به‌توسعه آن صنعت درخارجه کمك مؤثری خواهد کرد ازآن گذشته چنانکه در فصل هفتم ذکر شد در داخلهٔ کشور ما نیز این صنعت بزودی بکار خواهد افتاد و مؤسسهٔ جدید تحقیقات شیمی نفت که باکمك دانشمندان‌و متخصصین فرانسوی درسال۱۳۳۸ تأسیس شده کمك مؤثری بتوسعه‌این صنعت درایران خواهد نمود

بطورکلی کارشناسان تخمین زده‌اند که درده سال آینده مصرف نفت درگیتی اقلا ۷۵ درصد از میزان فعلی زیاد تر خواهد بود و مصرف گاز طبیعی از این‌حد هم تجاوز خواهد کرد

اهمیتی که نفت وگاز طبیعی درجهان صنعت پیداکرده برای ما ایرانیان بسیار مغتنم است وامروز مساعی ما دراین صنعت مایه بالا بردن سطح زندگانی مردم کشور ایران وسایر ملل جهان خواهد بود و در عین حال بوسیله نظارت واداره صنعت نفت از لحاظ تولید وتوزیع آن حق مالکیت خود را بطرز دیگر هم تثبیت خواهیم نمود

فصل سیزدهم

ایران و صلح جهان

یکی از حقایق تاریخی آنستکه منطقه خاورمیانه درهیچ روزگار بدون حادثه نبوده واگر روزی اوضاع آنجا قرین آرامش باشد باید آنرا بمثابه آرامش پیش ازطوفان تلقی‌کرد. چنانکه مثلا در اردیبهشت سال ۱۳۳۹که در مدتی کوتاه بطور رسمی بچندکشور اروپائی مسافرت میکردم درهنگام بازگشت وعبور از ترکیه زمامداران جدیدی باستقبال من آمدندکه هیچ کدام را در موقع رفتن ندیده بودم ومعلوم شدکه در خلال‌آن مدت‌کودتائی در آنکشور بوقوع پیوسته ویك جنك داخلی را مانع آمده است

خاورمیانه آنقدر پراز حوادث غیرمنتظروپیش‌بینی ناشدنی است که بسیاری از اشخاص از تعیین‌اصول معینی برای حفظ روابط بین‌المللی‌با این منطقه احساس یأس میکنند ولی درعین حال باین حقیقت هم متوجه میشوندکه ارتباط خاورمیانه با سایر نقاط جهان روزبروزافزایش مییابد وهمین توسعه ارتباط ، آنها را در تجزیه و تحلیل وقایع حیران ترو سرگردان تر میسازد

مسئله خاورمیانه بعقیده مطلعین به تنهائی وبشکل مجزا خود از مسائل بسیاردشوار وپیچیده است وهرگاه با مسائل درهم وبغرنج جهانی درآمیزد مشکلی لاینحل میشود .

با وصف این بعقیده من میتوان در مسائل سیاسی خاور میانه و مسئله تأمین صلح در این ناحیه از این عجز فکری درگذشت . ولی در مرحله اول باید این سئوال را پیش آوردکه منظور از صلحی‌که همه طالب آنند چه نوع صلحی است؟ این پرسش جنبه مباحثه لفظی‌ندارد زیراآنکه شیفته آزادی است حاضر نیست‌که صلح رابهر قیمت که

باشد بدست آورد مثلاحبس وزندان خود یك نحو صلح وآرامش است وحتی بعضی از زندانیان بوده‌اندکه هیچگونه علاقه‌ای به‌بیرون آمدن از زندان نداشته‌اند و همچنین با تصفیه و شستشوی مغز چنانکه در روان شناسی معمول است ممکن است در بیماررروانی آرامش و سکونی بوجود آید از نظر ملل و اقوام نیز ممالکی که دست نشانده دول بزرگ‌کمونیست هستند در وضعی‌که در نظربعضی از اشخاص به‌صلح وآرامش تفسیر میشود بسر میبرند ، وآنها که بیش از همه در باره تخفیف تشنجات بین‌المللی واستقرار صلح‌گفتگومیکنند همین نوع‌صلح را در نظر دارند .

بنظر من آنچه مطلوب واقعی مردم روشنفکر میباشد عبارت از صلح با ثمر و خلاق است . بعضی آرزوی چنان صلحی را دارندکه در پرتو آن مردم‌گیتی و ملل متنوع بتوانند استعداد های خود را بحد کمال بمنصه بروز و ظهور برسانند و بعقیده من برای اینکه‌کشور ها و ملل خاورمیانه بتوانند بچنین صلحی نائل آیند دو شرط اساسی‌مورد لزوم دارد: اول ایجاد دموکراسی سیاسی واقتصادی واجتماعی بشرحی است‌که در فصل هشتم بیان شده است منظور من ترویج یك نوع دموکراسی خاص وغیر قابل انعطافی نیست بلکه اصرار من بر لزوم یك دموکراسی مؤثری است‌که بتوان آنرا مقایسه با رویه‌هائی‌کردکه باسامی‌گوناگون مانند (دموکراسی مردم) ونظائرآن معروف شده ودر عمل نتایج حاصل از آن با آنچه در اسم ظاهری آن ها جلب نظرمیکند متفاوت بوده است .

شرط دوم مأمونیت از خرابکاری ونفوذ تدریجی وتجاوز است واین دو شرط برای اینکه مردم باستعداد خود واقف شوند وهمانطور که بنظرمن خداوند خواسته‌است درراه‌ترقی وپیشرفت‌گام بردارند ازشرائط اساسی و ضروری است

اما در این پهنه وسیع‌گیتی ودر منطقه خاورمیانه که بشرفناناپذیر در آن سکونت دارد بدون تردید ایجاد چنین شرائطی امکان پذیر نیست ، ولی آدمی میتواند تا آنجا که در حدود توانائی وی باشد خویشتن را بآن نزدیك سازد وهرگامی‌که ویرا بچنین وضعی نزدیك‌تر کند بر شادمانی و خرسندی وی خواهد افزود .

اینك بیائید به وقایع وپیش آمد های چند سال اخیر مرور کنیم زمانیکه جنك دوم جهانی بپایان رسید برخی از ملل اروپای غربی در مضیقه شدید اقتصادی قرار گرفته بودند و زمینه برای نفوذکمونیسم در آن کشور ها از هر حیث فراهم بود. دیری نگذشت که طرح مارشال برای کمك خارجی بمیزانی که تاکنون در جهان سابقه نداشت بموقع اجرا در آمد و بوسیله آن ملل اروپای غربی بار دیگردستگاه اقتصادی خویش را منظم ساختند ودربسیاری ازموارد میزان تولید خود را از دوران قبل از جنك جهانی نیز بالاتر بردند

در آمد ملی انگلیسها با آنکه مستعمرات خود را یکی پس از دیگری ازکف میدادند از عالیترین حدی که در دورهٔ امپراطوری بآن نائل شده بودند تجاوز کرد .کشور فرانسه با وجود عدم ثبات سیاسی در اوایل بتوسعه صنعتی شگفت‌انگیزی نائل‌آمد در آلمان اوضاع اقتصادی بهبود یافت و بجای حکومت ستمگرانه هیتلر یك حکومت دموکراسی که در تاریخ‌آن‌کشور سابقه نداشت مستقرگردید و سایر کشورهای اروپای غربی از نعمت رفاه برخوردار گشتند

اساس وپایه ترقی کشورهای آزاد اروپا در حقیقت همان اقداماتی بودکه برای تامین واصلاح نیروی دفاعی خویش بعمل آوردند در سال ۱۳۲٤ سازمان ملل متحد تشکیل یافت ودر پی آن‌آثار شوم‌جنك سرد در جهان آشکار گردید .

چون مفاد مواد ۵۱ و ۵۲ منشور ملل متحد دفاع دسته جمعی را بمنظور حفظ صلح و امنیت منطقه‌ای مجاز شناخته بود در سال ۱۳۲۸ اغلب ملل آزاد اروپا وکشور های متحده آمریکا وکانادا با هم متفق و متحد شده و سازمان پیمان اتلانتیك شمالی (ناتو) را بوجود آوردند سپس‌کشورهای یونان و ترکیه وآلمان غربی نیزبآن سازمان ملحق گردیده وحوزه سازمان‌پیمان اتلانتیك‌شمالی راازآمریکای‌شمالی تاآسیا امتداد دادند واینك پانزده کشور یعنی کشورهای متحده آمریکا کانادا ، ایسلند ، نروژ ، دانمارك (بانضمام‌گروئلند) ، بریتانیا ، فرانسه ، جمهوری فدرال آلمان ، هلند ، بلژیك ، لوکزامبورك پرتقال، ایتالیا ، یونان ، ترکیه اعضاء این پیمان هستند .

سازمان پیمان اتلانتیك شمالی تنها یك اتحاد نظامی بمفهوم قدیمی

این اصطلاح نیست ، بلکه نشان یك نحو برادری و معاضدتی است که بین کشور های ملل همفکر و شیفته آزادی بوجود آمده و روحیه مردم اروپای آزاد را نیرومند ساخته و برای آنها بمثابه سپری شده است که در پناه آن به پیشرفت های شگفت انگیز اقتصادی نائل آمده‌اند این پیمان نیز برای همکاری وقبول مسئولیت مشترك نمونه و سر مشق گردیده وبرای تهیه و اجرای برنامه های منطقه اروپائی مانند اوراتم راهنما و مشوقی بزرگ بوده است

همانطور که قرنها بعد مورخین در کتب خود از طرح مارشال بعنوان نمونه بیسابقه‌ای‌ازکمکهای سخاوتمندانه بین‌المللی یاد خواهند کرد معتقدم‌که سازمان‌پیمان اتلانتیك‌شمالی هم‌بعنوان نمونه‌موفقیت‌آمیز سازمانی که بنظر من باید آن را سازمان همکاری امنیت بین‌المللی نام داد ثبت تاریخ خواهد گشت البته بعضی از بدبینان طبق رویه کمونیستی از همان بادی امر گفتند که طرح مارشال همان امپریالیسم آمریکائی است‌که نقابی نازك به‌چهره انداخته است وکمی بعد دعوی کردند که از شرکت امریکا در آن پیمان بوی خیری نمی‌آید ومنظور آن دولت چیزی جز آن نیست که در آب گل آلود ماهی بگیرد وبالمآل اروپا را زیر تسلط ونفوذ خویش درآورد . اما بنظر من کسانیکه این اتهامات را برامریکا وارد می‌آورند در تاریخ وتمدن امریکا سوء تعبیر روا داشته اند ودرکیفیت علاقه ومنافع این ملت روشنفکر قضاوتشان نادرست است وآمریکائیها آنقدر قوه تشخیص دارند که بدانند یگانه شرط سعادت وحتی بقاء ودوام آنها داشتن یاران نیرومند و قابل اعتماد است

با آنکه وضع خاورمیانه با اروپا تفاوت آشکار دارد ولی در اصل واساس یکسان وهمانندند راست است که اروپای غربی ازکشورهائی تشکیل یافته است‌که اکثراز لحاظ اقتصادی توسعه یافته‌اند وکشورهای خاور میانه توسعه اقتصادی پیدا نکرده اند وهمچنین درست است‌که پس از جنك ، تجدید حیات‌کشور های اروپائی دراثر آن بوده است که علوم وفنون جدید در آن نقاط پایه و بنیان داشته وکشور های خاورمیانه باید ازپایه وبنیان آغاز کنند ، ولی در این هر دو منطقه گیتی مردم باکمال شدت آرزومندند پیشرفت های سیاسی واقتصادی و

اجتماعی ودرپی بسط واستقرار امنیتی هستند که درپرتو آن پیشرفت‌هائی که آرزومندآنند بمقام عمل درآید

پرزیدنت ترومن بادرنظرگرفتن تفاوت بین‌کشورهای مترقی و ممالکی‌که تازه درصدد توسعه وپیشرفت بر آمده بودند برنامه خود راکه بعداً درسراسر گیتی بنام اصل ٤ خوانده شد درسال ۱۹٤۹ تدوین وتنظیم نمود و در نتیجه استقبال گرمی که من نسبت به این برنامه ابراز داشتم وی و مشاورین او برای اجرای اولین طرح این برنامه ، کشور ایران را برگزیدند سازمان ملل متحد نیز از سال ۱۹٤۷ کمکهای فنی خود را بمیزان‌نسبتاً مختصری بکشور هائی‌که تازه قدم به توسعه و پیشرفت اقتصادی نهاده بودند آغاز کرد و ازسال ۱۹٤۹ برنامه وسیع‌این سازمان بموقع اجراگذاشته شد وکشور ایران نیز از آن بهره مندگردید

درسال ۱۹۵۰ کشور انگلستان وسایر ممالك مشترك المنافع نیز طرح موفقیت آمیز کلمبورا برای کمکهای فنی ریختند وسپس آنرا توسعه داده وپاره ای ممالك را هم که جزوکشور های مشترك المنافع نبودند مشمول آن ساختند و در تاریخ حیات بشری نخستین بارکمك فنی‌اصل مسلم وعامل اساسی مناسبات بین المللی شناخته گشت

امروزه بسیاری‌از دولت ها سازمانهائی برای‌کمك فنی بکشور های دیگر دارند که بطور مستقیم ویا بوسیله سازمان ملل متحد وسایر سازمانهای بین‌المللی ویابمجموع این وسائل باین امرمهم‌اقدام میکنند درمیان ممالك جهان‌کشور‌آمریکاکه‌برای اجرای برنامه اصل ٤ هیئت‌هائی را به متجاوز از شصت کشور تازه مترقی اعزام داشته وسیع ترین برنامه کمکهای فنی رابمرحله عمل درآورده است. هیئت های‌کمك فنی وابسته بسازمان ملل متحد در بیش از سی مملکت مشغول کارند و گروههای‌کوچکتری از متخصصین آن نیز دربیشترکشور های دیگر فعالیت میکنند عده‌ای از دولتها که باز در میان آنها دولت امریکا از همه پیشتر است بکشور هائی‌که قدم بمرحله توسعه وترقی نهاده اند کمك های اقتصادی بسیار از پول ومواد غذائی وآلات و ابزار صنعتی بمنظور آن بعمل میآورند

بعقیده من اگر گفته شود که طرح مارشال اساساً بمنظور مساعدت

بکشور های اروپائی بوجود آمده و بعداً بخاورمیانه نیز توسعه یافت منافع بیشماری باین کشورها عایدداشته است سخنی بگزاف نیست وبدون شك برای ما ایرانیان این خاصیت را داشته است وهمه میدانندکه برنامهٔ کمکهای فنی و اقتصادی ، مردم سایر کشور های این منطقه گیتی را بآینده امیدوار ساخته است

در مسئله ایجاد وسائل امنیت منطقه خاور میانه وایجاد سازمانی نظیر سازمان پیمان اتلانتیك شمالی پیشرفت کار بطئی تر بوده است چنانکه اشاره کرده ام جنك سرد در حقیقت در ایران و از زمان غائله آذربایجان که بسال ۱۳۲٤ پیش آمد آغازگردید ودر اواخرسال ۱۹۵۰ اقدامات کمونیست ها برای نفوذ و خرابکاری در تمام نقاط خاورمیانه مشهود بود ولی متأسفانه ما در این قسمت ازگیتی ازکشورهای اروپائی که برای مقابله بااین تهدید بایکدیگر متحد شده بودند عقب افتادیم

درسال ۱۹۵۱کشور ترکیه بسازمان پیمان اتلانتیك شمالی (ناتو) ملحق گردیده وسه سال بعد سازمان جدید پیمان آسیای جنوبی (سیتو) تشکیل گردید وکشور پاکستان عضویت آنرا پذیرفت . درسال ۱۹۵۵ یعنی شش سال بعد از ایجاد سازمان پیمان اتلانتیك شمالی پیمان بغداد منعقد گردید و پس از جنك اولین نمودار یك سازمان مؤثر امنیت دسته جمعی در خاورمیانه بوجود آمد

موقعیت طبیعی وجغرافیائی ، سازمان های پیمان اتلانتیك شمالی و پیمان بغداد و پیمان آسیای جنوب شرقی را با یکدیگر مربوط و متصل میسازد چون انگلستان وترکیه در سازمان پیمان اتلانتیك شمالی وپیمان بغداد عضویت دارند و دول پاکستان وانگلستان نیز عضو سازمان پیمان آسیای جنوب شرقی وپیمان بغداد هستند ، این ارتباط تقویت یافته است

در فصل ششم موجبات الحاق کشور ایران بسازمان پیمان بغدادکه بعداً سازمان پیمان مرکزی (سنتو) نامیده شد و پیمان امنیت دو جانبه باکشورهای متحده امریکاکه دوسال بعد از پیمان بغداد منعقد گردید شرح داده شده وازاین که موفق بانجام این امور شده ایم خرسندیم دراینجا باید ناگفته نگذاشت که سازمان پیمان مرکزی وقرارداد ما

باکشورهای متحده امریکا بهیچوجه ما را از برقراری روابط وداد و همجواری باکشور روسیه اگر روسها مایل باشند و در هر موقع که بخواهند مانع نخواهد شد

بعضی از اشخاص ومخصوصاً دست‌چپی‌های افراطی طبعاً به‌سازمانهای سه‌گانه ناتو و سنتو و سیتو وهرگونه اتحادیه های مشابهی که برعلیه طرحهای تجاوز کارانه کمونیزم ایجاد شده بشدت حمله کرده‌اند . بحث واستدلال با افرادی که بصرف عقیده بمرام کمونیزم معتقدند فایده‌ای ندارد ، زیرا این اشخاص با هرگونه پیمان غیر کمونیست مخالفت‌دارند ولی دیده میشود که برخی از مردم که پیش از همه منکر طرفداری از کمونیزم میباشند نیز دلائلی اقامه میکنند که با استدلالات کمونیست ها شباهت آشکار دارد وبنظر من اینان باید وضع خود را مورد تحقیق وبررسی قرار دهند عقیده قطعی من اینست که در طی مدت پانزده سال اخیر مردم آزاد گیتی خویشتن را از مصیبت وبلای جنك سوم جهانی تنها بوسیله اتحاد وکمکهای متقابله که من آنرا امنیت مشترك بین‌المللی مینامم مصون داشته‌اند وتا پانزده سال آینده نیزطریقه‌ای غیر از این رویه دربرابر ملل آزادگیتی نمیتوانم دید

در برابر این رویه حتمی وناگزیر ظاهراً یك راه دیگر هم میتوان تصورکرد وآن اینست‌که ملل آزاد جهان بطیب خاطر وبانصراف طبع هر سال متوالیاً در مقابل کمونیست ها عقب نشینی کنند و بآنها اجازه دهندکه بدون مواجهه با مخالفت قسمتی از خاك آنها را در حیطه تسلط‌خویش در آورند اما همین رویه منحرف هم اگر بتوان بآن همزیستی مسالمت آمیز نام نهاد از بروز جنك سوم جهانی جلوگیری نخواهد نمود زیرا تجاوزات‌کمونیست بتدریج آنقدر نیروی ملل آزاد جهان را تحلیل خواهد برد که عاقبت بتوانند ضربه آخرین را بقهر و اعمال شدت برآنها وارد سازند ویا آنکه ملل آزاد عاقبت مصمم شوند که دست باقدام متقابل بزنند خواه چنین اقدامی منجر بجنك جهانی بشود یا نه

باید در این نکته تأکید کنم که امنیت دسته جمعی بین‌المللی بهیچوجه از هدف اصلی سازمان ملل متحد منحرف نشده و برعکس از دوجنبه اساسی ازسازمان ملل متحد استفاده میکند ازیکطرف مؤسسات

تخصصی سازمان ملل متحد با رساندن کمکهای فنی ومساعدتهای مالی سهم مهمی دراجرای برنامه‌های‌عمرانی ملی‌که برای‌روش امنیت‌دسته‌جمعی بسیار مغتنم است دارد و از طرف دیگر سازمان ملل متحد وظیفه ایجاد امنیت دسته جمعی را بعهده داردکه برای حسن اجرای روش‌فوق ازضروریات اولیه است. مثلااقدام سازمان ملل‌متحد درجلوگیری از تجاوزات کمونیزم درکشورکره ازکارهای فراموش نشدنی است‌وهمچنین فعالیتهای سازمان ملل‌متحد در مورد رفع اختلافات عرب و اسرائیل هیچگاه از خاطره‌هامحو نخواهد شد.

اما در مورد کمکهای فنی و اقتصادی چون منافع کافی در اختیار سازمان ملل‌متحد قرار نگرفته است این سازمان نمیتواند بمیزانی که برای حسن اجرای امنیت دسته جمعی بین‌المللی ضرور است کمکهای لازم بعمل آورد علاوه برآن من هرگزمعتقد نیستم‌که برای مساعدت چشم امید منحصراً بیك نقطه معطوف باشد وترجیح میدهم که درمیان مؤسسات مختلفی‌که برای تعاون تأسیس یافته رقابت دوستانه ای‌باشد تاهرکدام یك قسمت ازکار را بهتر وکاملتر انجام دهند.

یکی از منابع کمك‌که ما ازاتکای بآن خرسندیم کمکهای اصل‌چهار امریکاست. بعضی اشخاص اظهارنگرانی‌شدید میکنندکه هدف اصلی برنامه اصل چهار یعنی کمك به تأمین نیازمندیهای اساسی مردم کشورهائی‌که تازه به راه زندگی افتاده اند ازنظرها محوگشته است و استدلال میکنندکه دولت امریکا درسالهای اخیر هدف اصلی خودرا تعدیل کرده وکمکهای فنی اصل چهار رابرای جلوگیری ازکمونیزم بکاربرده است. بعقیده من‌این‌انتقادسوء تعبیری است‌که درفلسفه وجود اصل چهار میشود زیرا چنانکه اطلاع دارم یکی از هدفهای اصل‌چهار درهمان آغازکار جلوگیری از پیشرفت‌کمونیزم وبهبود رویه دموکراسی بوده‌است ویکی ازدلائلی‌که مؤید این نظراست اظهار شخص پرزیدنت ترومن است‌که درکتاب خاطرات خود مینگارد

«برنامه اصل‌چهار یك اقدام عملی برای نشان دادن رویه ما نسبت بکشور هائی بودکه مورد خطر سلطه‌کمونیزم قرارگرفته بودند. این برنامه باسیاست ما درجلوگیری ازبسط کمونیزم در جهان آزاد منطبق است‌که باید آنهاراکمك کنیم تا ازوسائل کافی

برای تهیه غذا ومسکن وسایر تسهیلات زندگانی برخوردارباشند وبطریق صحیح توسعه اقتصادی پیداکنند این برنامه یك نحو کوششی استکه نه تنها برای فهمانیدن رویه ومرام دموکراسی بمردم‌جهان‌بعمل میآیدبلکه منظورش‌آنستکه فوائد تشریك‌مساعی عاقلانه را در بهبود وضع زندگانی عملا نمایش دهد »

آیا دراین اظهار نکته نامناسبی است ؟ امروز امریکا بکشورهائی کمك مینماید که رنك های گوناگون سیاسی دارند وحتی‌کشورهای کمونیستی یوگوسلاوی و لهستان نیز بمیزان قابل توجهی ازکمکهای امریکا برخوردار هستند اما آیا میتوان مسئله کمکهای فنی رابکلی از رویه سیاسی ملل مبرا و مجزا نگاهداشت وآیا اگر منظور حقیقی آن باشدکه بمللی‌که تازه سربلندکرده اند مساعدتی بشود ممکن است سطح زندگانی سیاسی آنها راازخاطر محو ساخت وآیا این خود نمونه کمال انسانیت نیستکه بشر بهمنوع خودکمك کندکه بیك زندگانی مرفه بتمام معنی ومفهوم سیاسی واقتصادی واجتماعی نائل آیند ؟

اما استدلالات این‌اشخاص ازاین مراحل هم تجاوز میکند ووقتی بحدود سخافت میرسد که دعوی میکنند کمکهای خارجی هرگز نباید بمسئله فراهم ساختن وسائل دفاع نظامی وارد شود ومنحصراً باید برفع احتیاجات نوع انسانی برسد این استدلال خود برهان سخافت خویش است زیرا یکی ازمهمترین نیازمندیهای اساسی بشرایجاد محیط صلح وامنیت است تا بتواند بی‌دغدغه برای پیشرفت کشور خویش بذل‌مساعی نماید و از یك نظر میتوان‌گفت که نیازمندی آدمی بامنیت از احتیاج وی بغذا ومسکن بیشتر استزیرا اولین شرط تولیدی موادغذائی وتهیه مسکن چیزی جز وجود امنیت نیست

من آرزوی آن روزی را دارم‌که وصول بآن نیز چندان مربوط بعالم خیال نیست وآن روزی استکه هیچ‌کشوری دیگر احتیاج پیدا نکند که برای مقابله باتجاوز از خود نیروی دفاعی داشته باشد و سازمان ملل متحد یایك مقام صاحب اقتدار بین‌المللی دیگر مسئولیت حفظ صلح وامنیت ونظم بین‌المللی را بعهده بگیرد وهمانطورکه امروز هرفرد از افراد یك کشور برای حفظ امنیت داخلی بدولت آن‌کشور متکی است درآینده نیز هرکشوری برای نگاهداری صلح بین‌المللی

یك حکومت جهانی تکیه داشته باشد در آن روز بدون اینکه هر کشوری ازخود دارای نیروی زمینی و دریائی وهوائی باشد مردم جهان از خطر تجاوز آسوده خواهند بود واحساس ایمنی خواهند کرد اما برای پدیدار شدن طلعیه یك چنین روز باسعادتی مدتها زمان ضرور است

در این میان کشورهای تازه مترقی باید درراه تأمین امنیت که اولین نیازمندی ضروری آنهاست کوشش ومجاهدت نمایند مردم آزادیخواه گاهی ازاین نکته که مورد کمال توجه دولت های کمونیستی است غفلت میکنند که اکثر کشور هائی که از حیث امور اقتصادی رشد وترقی نیافته اند از لحاظ نظامی نیز عقب مانده اند .کمونیزم نه تنها ازضعف سیاسی واقتصادی واجتماعی کشورهای تازه مترقی بنفع خود استفاده میکند بلکه از ضعف نیروی نظامی آنها نیز فایده میبرد واگر کشوری از تأمین نیروی دفاعی غفلت ورزد کمونیست ها باوی بهمان نحو که گربه باموش رفتار میکند معامله مینمایند

در غائله آذربایجان درزمان مصدق ما ایرانیان همان حالت موش راپیدا کرده بودیم و درپی آن تصمیم جازم گرفتیم که دیگر زندگی موش بی‌پناه درحیات ملت ما مصداق پیدا نکند

باید بخاطر آورد که پدرم نه‌تنها درحفظ بیطرفی کوشش داشت بلکه سعی وی آن بود که باتمام نیروئی که ایران میتوانست در اختیار داشته باشد ازآن پشتیبانی کند .کشور ایران هرگزمردی بمیهن‌پرستی واقعی رضا شاه بیاد ندارد ولی باید دید که سیاست او برای ما و برای خودش چه نتیجه ای بخشید ؟

اینك ما ایرانیان سیاست ناسیونالیسم مثبت راکه درفصل ششم بدان اشاره کرده ام جایگزین سیاست بیطرفی نموده‌ایم شاید تفاوت بین سیاست ما باسیاست عقیم ومنفی مصدق در امور داخلی وخارجی آنقدر آشکار است که نیازمند مقایسه نباشد آنقدر باید گفت که در سیاست جدید ما پاداش شهامت امیدواریست

ازنظر صلح و ثبات بین‌المللی سیاست ناسیوسیم مثبت ما را بچهار اصل مهم اساسی راهبری میکند . اول آنکه کشور ما جزو نخستین کشورهائی است که بسازمان ملل پیوسته است باکمال صمیمیت

ازاین سازمان پشتیبانی میکند ماقداماتی راکه دستگاههای تخصصی آن بمرحله عمل گذاشته‌اند وچندین قسمت آن نیز درکشور ما دائر ومشغول کار است تأیید مینمائیم و وسائل پیشرفت آنها را فراهم میسازیم و باکمال اشتیاق مساعی سازمان را در تخفیف تشنجات بین المللی و حفظ صلح تقویت میکنیم

دوم آنکه ما از فلسفه ایکه درمواد ۵۱ و ۵۲ منشور سازمان ملل متحد مندرج است پیروی مینمائیم چنانکه خوانندگان بخاطر دارند ماده ۵۱ حقوق خصوصی وعمومی افراد ودفاع دسته جمعی اعضاء سازمان ملل متحد را محترم شناخته است وماده ۵۲ میگوید : هیچیك ازمقررات این منشور مانع ازوجود ترتیبات منطقه‌ای یاسازمانهائی برای نگاهداری صلح وامنیت واموریکه باعملیات هرمنطقه مناسب باشد نخواهد بود بشرط آنکه این ترتیبات یا سازمانها یا عملیات آنها با هدفها واصول سازمان ملل متحد موافق باشد. مانه تنها این مواد وسایر مواد منشور ملل متحد را پذیرفته ایم بلکه طبق آن مواد اقداماتی بعمل میآوریم که امنیت دسته جمعی منطقه‌ای در خاور میانه بوجود آید .

سوم آنکه ما باکمال علاقه دربرنامه های مربوط بامنیت دسته‌جمعی اجتماعی و اقتصادی وسیاسی شرکت میجوئیم وبجای اینکه با ارتباط روزافزون ملل مخالفت ورزیم از این ارتباطات در راه ایجاد صلح‌جهانی استقبال میکنیم . ما ازمنابع گوناگون بدون هیچگونه قید و شرط کمکهای فنی و اقتصادی دریافت میداریم وازطریق تشریك مساعی با دوستان خود هر روز از لحاظ سیاسی واقتصادی واجتماعی نیرومند تر میگردیم .

چهارم آنکه با جدیت خستگی ناپذیر سازمان دفاعی خود را با در نظر گرفتن مقاصد زیر مستحکم میسازیم وآن مقاصد کمك بدوستان دررعایت واحترام به‌پیمانهای امنیت دسته جمعی ، حفظ حق حاکمیت وتمامیت ارضی کشور ایران ونگاهداری امنیت داخلی برای مصونیت ملت ایران است

اکنون باید دید پیروی از این اصول چهارگانه چه موجبات عملی دارد ؟

جواب این پرسش بسیار ساده است مردم ایران منطقاً و عملا

ثابت کرده‌اند که میتوانند آن نحودموکراسی کامل وفعالی راکه در این‌کتاب شرح‌آن رفته است بوجود آورند ولی تجربه بآنها آموخته است‌که باید پیوسته دربرابر دشمنان خارجی وداخلی بیدار و هوشیار باشند ـ دشمنانی که سعی دارند زحماتی را کـه ما برای استقرار دموکراسی متحمل شده‌ایم بهمان‌نحوازبین ببرندکه روستائی ناقص‌العقلی نهالهای سالم باغ همسایه راازریشه بیرون می‌آورد.

وقتی ایرانیان به استعداد های ذاتی خود پی میبرندکه خویشتن را از نقشه های شوم فتنه جویان داخلی وخارجی حفظ وحراست‌کنند زیرا آنها با ایجاد یك‌چنین مصونیتی میتوانند مساعی خویش را در تقویت بنیان ایران آبادان متمرکز سازند

راهزنان اغلب با یکدیگـر بطور دسته جمعی حرکت میکنند مردم نیکو کار وبا حسن نیت نیز باید همین رویه‌را پیش گیرندواگر ما نیزبا دوستان قابل اعتماد داخلی وخارجی کار کنیم پیشرفت مـا سریعتر وسالمتر خواهد بود و اصول کمك وامنیت متقابل که بعقیده من برای خاورمیانه ضرورت دارد چیزی جز این نیست.

بعضی از اشخاص در عین آنکه بارتباطات و پیوستگی روز افزون ملل درعصر حاضر معترفند باز مخالف آنند کـه مابا سایرکشورها دوستی محکم وثابت داشته باشیم. این ها میگویند دوستی‌های اتفاقیو آشنائی های سطحی بین‌دسته‌ای ازملل پسندیده است ولی دوستی های عمیق ممکن است مایه وبال باشد و بهمان عاقبت عشاق دلباخته که‌از نظر محبوبه های خویش میافتند منتهی گردد این اشخاص مخصوصاً استدلال میکنندکه دوستی و صمیمیت نزدیك با ملل دور دست مانند آمریکا وانگلیس وکانادا و فرانسه خطرناك است

بدواً باید این استدلال اخیر را مورد بحث قرار داد در فصل هفتم و در قسمتهای دیگر این‌کتاب توضیح داده‌ام که روابط فرهنگی ما با دموکراسی های غرب چندین قرن سابقه دارد و مانند عشقهای افروخته آنی نیست مردم مغرب زمین از فرهنك و تمدن ما در طول قرون اقتباس بسیار کرده‌اند وما نیز بعضی از اصول نوین فرهنك و تمدن باختری را در فرهنك خویش وارد ساخته‌ایم و امروز هدف های اساسی ما وملل دموکراسی غرب یکسان واین تساوی آرمانها مایه‌افتخار

ما وملل مغرب زمین است

مردم آزاد غرب نیز ابراز علاقه کرده‌اند که بما کمك های فنی و اقتصادی بدهند و در سالهای اخیر نیز بندرت در کارهای ما دخالت کرده‌اند چنانکه مثلا کشور انگلستان نسبت بجمعیت خود بیش از سایر کشورهای جهان اقدام بکمك نموده است وما نیز خوشبختانه از این کمکها سهمی داشته‌ایم .کشورهای متحده آمریکا وفرانسه وآلمان‌غربی واطریش نیز جزوکشورهای متعددی هستندکه بنحوی از انحاء بما کمك میکنند واین مساعدتها نه تنها برای ما مفید بوده بلکه موجب مزید تحکیم روابط دوستانه طرفین گردیده است .

با این وصف بعقیده من مهمترین عامل قطعی توسعه صمیمیت ما با دموکراسی های غرب در اثر پیشرفتهای علمی وفنی است‌که دنیا را کوچك ساخته وفواصل عظیم را از بین برده است .

وجود وسائل مواصلات فوری مانند رادیو، تلفن و تله فتو بین ایرانیان و مردم غرب وسایرکشور هاآنان را بایکدیگر نزدیك ساخته واز همه مهمتر آنکه سیل مسافرین خطوط هوائی بین‌المللی که هر یك مدت یکهفته یا یکماه ویا بیشتر درایران اقامت مینمایند بکشور ما روی آورده است اگر دریکی از روزهای سال مدت کوتاهی در فرودگاه تهران توقف کنید با مشاهده آمد و شد متوالی مردم ملل مختلف احساس میکنید که بیکی از مراکز مبادلات فرهنك بین‌المللی وارد شده‌اید .

در هر فرودگاه بزرك هنگامیکه هواپیمائی بزمین می نشیند عده کثیری از وسائل موتوری دور آن گرد میایند و هریك خدمتی را برای آماده‌کردن آن تعهد میکنند میدانم یکی از ظرفاگفته است که در زمانهای قدیم نیز وقتی کاروانهای بزرك در شهری بار میگشادند وسائل نقلیه آن زمان باستقبال آنها میرفتند تا شتران را «سرویس» کنند یعنی آماده مسافرت بعدی نمایند . اما بعضی از مردم دیرباور این سخن را قبول ندارند و شتر را از هر گونه « سرویسی » بی نیاز میدانند .

بهر حال در اواخر سال ۱۳۳۸ هنگام تشکیل جلسات سنتو در تهران یك هواپیمای نظامی‌کشورهای متحده آمریکا نمایندگان آندولت

را در ظرف دوازده ساعت از واشنگتن بدون توقف به تهران رسانیدو
دیری نخواهد گذشت که هواپیما های مسافربری جدید که در اروپا و
آمریکا طرح آن ریخته شده وسرعتشان زیادتر از سرعت صوت خواهد
بود این پرواز تاریخی را بنظر کند جلوه گر سازند

این تغییرات شگرف علمی درامور دفاعی مبادلات فرهنگی نتایج
عظیمی داشته است مثلادرسال ۱۹۵۸ کشورهای لبنان و اردن یکی
پس از دیگری ازکشورهای آمریکا وانگلستان استمدادکردند وایرانی
میهن پرست هیچگاه فراموش نمیکند که نیروهای این کشور ها با چه
سرعتی بآنجا وارد شدند باوضعی که بشر درعصر تسخیر فضا پیش
میرود دیری نخواهد گذشت که موشکهای دور دست ترین متفقین مابا
نشانه گیری دقیق مراکز متجاوزین باین قسمت ازگیتی را مورد هدف
قرار دهند . با در نظر گرفتن تمام این وسائل است که ما بکمك
دوستان غربی و شرقی خود برای پیشرفت وامنیت این ناحیه متشنج
تکیه داریم .

با وصف این مطالب از اطلاعات ناقص و قصرفهم بعضی از مفسرین
آمریکائی که اخبار را تجزیه و تحلیل میکنند تعجب میکنم . درسال
۱۳۳۸ یکی ازمفسرین مشهورآمریکائی برنامه تلویزیونی مفصلی درباره
اوضاع ایران تهیه کرد و شنیده‌ام چندین میلیون نفر از مردم آمریکا
آنرا مشاهده کردند . از جمله اظهارات غیر واقعی که در آن برنامه
گنجانده شده یکی آن بود که کشور ایران بزرگترین تولید کننده
بنزین هواپیماست درصورتیکه در تولید این ماده نفتی مخصوص ما از
آمریکا خیلی عقب تریم نکته عجیبی که ازاین برنامه تلویزیونی بخاطر
من مانده آنست که از آغاز تا پایان ، از برنامهٔ قابل توجه اصل چهار
وفوائدی که برای ایران داشته ویا ازکمکهای فنی بسیار سودمندسازمان
ملل متحد در این کشور بندرت سخنی رفته بود .

حقیقت آنستکه برنامه اصل چهار در ایران نه تنها ازبرنامه های
نخستین این سازمان وسیع است ، بلکه از نظر وسعت نیز بزرگترین
برنامه اصل چهاردرجهان محسوب میشود وعده کارمندانی که مستقیماً
برای اجرای آن ماموریت دارند درسال ۱۳۳۹ به ۴۰۰ تن بالغ گردیده
است بی‌مناسبت نیست که تاریخ اخیر کشور ایران را با تاریخ کشور

کره ،که یکی دیگرازکشورهائی است که ازکمکهای اصل‌چهاراستفاده میکند، مقایسه نمائیم دو سال پس از زمانیکه کمونیستها نزدیك بود کشورکره جنوبی را متصرف شوند ،کشور ایران درزمان مصدق بلب پرتگاه کمونیسم رسید چنانکه خوانندگان این‌کتاب مستحضرند مردم‌کره جنوبی وطن خود راتنها بوسیله کشورهای متحده آمریکا و سپس باکمك سازمان ملل متحد وبقیمت خونریزیها وویرانیهای زیاد نجات دادند ومهاجمین کمونیست را از کشور خویش بیرون کردند ولی درایران ما موفق شدیم‌که باجنك مختصر وتلفات قلیل و ناچیز کشور خودرا خلاص کنیم

هنوز روی بعضی ازدیوار های عمارات شهر تهران آثار جمله « یانکی برگرد بوطنت »-که درزمان مصدق کمونیستها نگاشته بودند بچشم میخورد . دیدن این جمله کاریکاتوری را بخاطر من می‌آوردکه هنگامیکه ارتش امریکا درنتیجه استمداد کشور لبنان به شهر بیروت آمده بودند دریکی از مجلات آمریکائی چاپ شده وتصویری از یك سرباز آمریکائی بودکه باقلم مو روی دیوار محل سکنای خویش در بیروت همین جملهٔ «یانکی برگرد بوطنت» را مینوشت اغلب شعارهای ضد آمریکائی در دوره مصدق برعلیه کارمندان اصل چهار بود زیرا طبعاً کمونیستها از فعالیتهای سودمند آنها بیم داشتند . درآن زمان اعضاء وکارمندان اصل چهار وخانواده آنها باکمال شهامت دربرابر این تهدیدات از فعالیت خویش دست برنداشته وکار خویش‌را دنبال کردند

مشاورین و متخصصین فنی اصل چهار درایران از بدو کار خود تا امروز کمکهای بسیار مؤثری بماکرده‌اند . در فصول پیشین این کتاب از طرز رفتار آمریکائی ها نسبت بکشور خودم درپاره‌ای ازموارد لزانتقاد خود داری نکرده‌ام ودر آینده نیز هر جا ضرورت وحق مقام اقتضا کند همین رویه راتعقیب خواهم کرد

در میان مدیران اصل چهار در ایران طبعاً عده‌ای از حیث قوه ابتکار وطرز عمل از سایرین‌کمتر بوده ودر زیر دستان آنها نیز همین تفاوت محسوس گشته‌است وازهمین جهت چندتن از آنها را بکشور آمریکا برگردانده‌اند همینطور دربرخی ازطرحهای اصل چهارنسبت

بسایر طرحها کمتر دقت شده وپاره‌ای هم بعلت آنکه خلاف مصلحت بوده بمقام اجرا درنیامده است اما رویهمرفته اصل چهار در ایران ما را درکوششهای موفقیت آمیزی که برای ایجاد ایران نوین بعمل می‌آوریم متوالیاً مساعدت کرده و بشوق آورده است

بنظرمن این محبتی‌که درمردم عادی ایران نسبت بدستگاه اصل‌چهار بوجود آمده بر عبث و بر سبیل تصادف نیست بلکه علت آن این بوده است که بسیاری از طرحهائی‌که بوسیله این‌دستگاه بمرحله اجرا درآمده برای مردم منافع‌مستقیم داشته است. زیرا طرح اصلی و اساسی اصل چهار برای اصلاح و بهبود امور روستائی بوده و این دستگاه همواره در این نکته مؤکد بوده است که طرحهای کشاورزی وآموزش‌و بهداشت پیوسته باید هدفشان رفع نیازمندی های مردم روستا باشد کسانیکه ازخانه خویش‌گامی بیرون ننهادهوازهمانجا بانتقاد وخرده‌گیری میپردازند گاهی گفته‌اند که اقدامات اصل چهار در مردم عادی اثر نداشته ومستقیماً شامل حال‌آنان نشده است . ولی‌بنظر من تجربه‌ای که مردم عادی درسراسرکشور ازاین‌دستگاه داشته‌اند خلاف این‌گفتار را ثابت کرده است

فعالیتهای اصل چهار بامور دیه‌ها و روستا ها منحصر نیست زیرا ما باید برنامه های گوناگون عمرانی خود را با یکدیگر هم آهنك سازیم طرحهای بزرك آبیاری وحمل ونقل و ارتباطات و مواصلات وحسن تنظیم مؤسسات دوایر دولتی هر یك کمك مؤثری بکشاورزان ما میکند . بعلاوه توسعه امور صنعتی نیز برای روستائیان این کشور اهمیت اولین‌درجه‌دارد زیرا باتوسعه روزافزون‌کشاورزی بوسیله‌ماشین، عده کمتری از مردم روستا برای امرکشت وزرع مورد نیاز خواهند بود وهمانطورکه پس از مکانیزه شدن کشاورزی درامریکا هزاران نفر کشاورز وارد کارهای صنعتی شدند در ایران نیز خواه ناخواه همین ترتیب پیش خواهد آمد و چون جمعیت ایران روزبروز افزایش پیدا میکند و تصمیم قطعی ما برآن است که سطح زندگی افراد عادی را بالا ببریم چاره‌ای جزصنعتی‌کردن کشورنداریم و برنامه اصل چهار نیز باید با همین هدف سازگار وهم آهنك باشد .

من غالباً از استدلال‌کمونیستها بخنده میافتم که میگویند کشور

آمریکا میخواهد ممالك عقب‌افتاده را از صنعتی شدن مانع‌آید تاهمواره مطیع وفرمانبردار وی باشند . مادر معاملات وارتباطی که در طی مدت مدید باآمریکاداشته‌ایم هرگزچنین کیفیتی‌رامشاهده نکرده‌ایم وبرعکس آمریکا در تهیه واجرای طرحهای گوناگون‌که پاره‌ای ازآنها با صنایع آمریکا مستقیماً رقابت میکنند با ما دستیاری و مساعدت کرده است آمریکائیها آنقدر عقل معاملاتی دارندکه دوستان قوی و ثروتمند رامرجح بشمارند واین نکته را بخوبی دریافته‌اندکه سودمندترین منبع‌بازرگانی آنها ممالك ضعیف وعقب افتاده نیست بلکه کشورهای صنعتی وبسیار مترقی است

کمکهای فنی معمولا بی‌سروصدا انجام میگیرد وبسیاری ازمردم اهمیت آن راکاملا درك نمیکنند. چنانکه ظریفی میگوید کمکهای فنی برای اینکه عنوان مقاله واقع شود چندان جالب نظر نیست ولی برای اینکه متن مقاله قرار گیرد مناسب تر است و همه میدانندکه متن از عنوان همیشه مهمتر بوده است .گروهی از مردم درپی خواندن اخبار هیجان انگیزند و همانطورکه مبتلایان بافیون همواره در آرزوی بدست آوردن آنند آنها نیزکه بی‌هیجان نمیتوانند زندگی کنند از اخبارمحرك لذت میبرند وخواندن اخبارکمکهای فنی، غریزه کنجکاوی آنان را اقناع نمیتواند کرد . مثلا یکی ازکارهای مهم اصل چهارکه در عین حال بی‌سروصدا وعاری از تظاهرمیباشد اصلاح فنی ادارات دولتی است درفصل هفتم‌این‌کتاب دربارهٔ تنظیم دفترچه‌ساده و مفید راهنمای اداره مالیاتها اشاره‌ای کرده‌ام . ولی اشخاصی‌که دوست‌دارند ازوضع وصول مالیاتها شکایت کنند حوصله قرائت آنرا نخواهندداشت زیرا هیجان انگیز نیست درصورتیکه این کارنمونه کمکهای مهم فنی وبدون تظاهر اصل چهار است که‌دربسیاری از رشته‌ها برای ما انجام داده‌اند.

از لحاظ روانشناسی بعضی اوقات گرفتن از بخشیدن دشوارتر است ودر چند مورد متوجه شده‌ام‌که بعضی ازکشورهاکه بتازگی استقلال یافته‌اند در اعتراف بدریافت کمکهای خارجی بسیار حساسند میدانم که دردوره مصدق حس تنفرکودکانه‌ای نسبت به بیگانگان‌در نهاد ما ایجادگردیده بود ولی رویهمرفته تاریخ طولانی و مستمر این کشور در

ما یك توسعه صدروبلوغ فکری بوجود آورده است که برخی ازکشورها از آن بهره مندنیستند شاید بی‌جهت وتنها برسبیل تصادف یا مجامله نباشد که ایرانیان راملت «متشخص» خاورمیانه لقب داده‌اند ووقتی مسئله کمك خارجی پیش آید تصور میکنم نشان داده باشیم که میتوان کمك را یا لطف وبزرگ منشی پذیرفت وبا هوشمندی‌ودرایت بمصرف رسانید واز دهندگان قدرشناسی کرد.

ازطرف دیگر بنظرمن باید درمسئله کمك بخاطر داشت که طرف گیرنده ودهنده کیست ؟

پدرم عده زیادی از متخصصین خارجی را استخدام کرده بود ولی پیوسته بآنها گوشزد میکرد که آنها فقط درکارهائی‌کمك میکنند که یك دستگاه اداری کاملا ایرانی اجرای آنرا بعهده دارد وهرگز نباید این فکر را بخاطر خویش راه دهندکه شخص آنها بهر عنوان ازمستشاری یا مدیـری یکی از دستگاههای رسمی اداری مـا را از پشت پـرده میگردانند

درموارد بسیار نادری هم‌که تصدی یکی از امور دولتی را بخارجی‌ها میسپردطولی نمیکشید که ازآن خسته شده وآن ترتیب را تغییر میداد . امروز نیز رویه ما دراین مسئله همان روش رضاشاه است که چون از زمان وی تاکنون مراحل متعدد ترقی وپیشرفت را پیموده ایم بسط وتوسعه یافته است

اصطلاح معمولی (کشور عقب افتاده)که گاهی خود ما هم نسبت بکشور خود بکار میبریم ممکن است در اذهان دیگران درجه تـرقی و پیشرفت کشور ما را روشن نسازد واثر غلطی بگذارد

ما مسئول مستقیم ومنحصر بفرد ترقیات و پیشرفتهای کشور خویش هستیم وتعیین سرنوشت مابدست‌خود ماست‌وبرای من‌مایه خرسندی‌است که می‌بینم متخصصین فنی خارجی ازاین نکته آگـاهند ومیدانند کـه هردستور وامری‌که درکشور ما صادر میشود منحصراً وبدون هیچ استثناء حق ماست وبهیچ مقامی جز خود ما تعلق ندارد

باتوجه بآنچه‌گفته شد بکمکی‌که مامورین اصل چهار بما درامر کشاورزی وفرهنك بعمل آورده اند ودر فصل نهم ویازدهم بدانها اشاره شده بامسرت خاطر اعتراف میکنیم . در قسمت بهداشت عمومی پزشگان

وپرستاران اصل چهار بامتخصصین ایرانی دست بدست هم داده ووظیفه خود را باجدیت وعلاقه مخصوصی حتی در دور ترین نقاط کشور انجام میدهند

بمناسبت این مقام داستانی بخاطرم میگذرد که برای یك عده از مأمورین اصل چهارکه در یکی ازکشور های تازه مترقی که سرگرم مبارزه بابیماری طاعون بودند پیش آمده است ازآنجائیکه موش وسیله انتقال شپش ناقل میکرب طاعون است مأمورین مزبور به نسبت بمقدار موشی‌که مردم زنده یامرده تحویل میدادند جایزه ای میپرداختند ولی پس از چندی متوجه شدند که بجای اینکه عده موش تقلیل یابد روزبروز افزایش پیدا میکند و معلوم شد چند نفر از استفاده جویان به تربیت وپرورش موش مشغول‌گشته واز این راه تازه‌کسب منفعت میکنند !

اما درکشور ایران عملیات بهداشتی همواره باموفقیت ادامه داشته است چنانکه در مبارزه بامالاریا درنواحی ساحلی بحرخزر اصل چهار باوزارت بهداری ایران چنان کمك مؤثری‌کرده است‌که از حیث رفع نقیصه‌کارگر سالم یك نحو انقلابی بوجود آمده است ، زیرا تاچند سال پیش اکثریت عظیم مردم آن نواحی دچار مالاریای مزمن بودند وامروز این بیماری درآن نقاط ریشه‌کن‌گشته ومیزان استعداد بدنی‌وکارکرد افراد آنقدر افزایش یافته است که گرفتاری ناشی از کمبود کارگر سالم ازمیان رفته و در عوض عده کارگران مورد احتیاج آن نواحی افزونی گرفته واینك میتوان آنهارا بکار های صنعتی مختلف‌گماشت

مواردی‌که در فوق برسبیل نمونه ذکر شد تأثیر کارهائی راکه این هیئت در ایران انجام داده است بحدکفایت نشان نمیدهد واقدامات متنوع دیگری نیز انجام یافته است‌که هریك در حد خود باارزش بوده است چنانکه مثلا اصل چهار دربسط صنعت واصلاح وضع حمل و نقل وارتباطات کشور بامساعدت نموده وصد ها نفر ازافراد ایرانی را برای تحصیل و مطالعه در رشته های مخصوص بکشور های خارج گسیل داشته ومتجاوز از صدحلقه فیلم برای تعلیم اصول اولیه عملیات کشاورزی وبهداشت عمومی تهیه نموده است‌که در عموم مردم ومخصوصاً درمیان روستائیان تأثیر فراوان داشته است .

درفصول پیشین این‌نکته را روشن کرده ام که غرور ملی ملت ایران بسیار است ولی از لحاظ روانشناسی در نهاد آنها نیز صفتی که جلوگیرقدر شناسی ازکمك های بدون قید وشرط باشد وجود ندارد و در حقیقت میل داریم میزان کمکهای اصل چهار افزایش یابد زیرا چنین افزایش بصلاح ونفع هر دو طرف دهنده و گیرنده خواهد بود

درهنگام قدر شناسی از عملیات اصل چهار میل دارم خوانندگان این‌کتاب بخاطر بسپارند که درکناره‌کوههای شامخ البرز درنزدیکی های شهر تهران ستون ساده ای بیاد بود دکتر هنری - ج بنت نخستین رئیس اداره اصل چهار برپاشده است که‌کار خودرا از ایران آغازکرد و بتدریج دامنه آن در سراسرگیتی وسعت یافت دکتر بنت‌که در یکی از روزهای طوفانی وبرفی آذرماه سال ۱۳۳۰ در اثر سانحه هوائی نزدیك همین ستون فعلی چشم از جهان فروبست از جمله مردان واقعی بین‌المللی بود ومن بار ها در این فکر بوده ام‌که مرك او خود بمنزله یکی از حلقه‌های پیوند میان دوکشور ماست .

کمکهای فنی سازمان ملل متحد درایران نیزمایه تشویق وتحریص مادرکار بوده‌است برنامه سازمان ملل متحد درایران نیز مانند اصل چهار از بزرگترین برنامه های‌آن سازمان درجهان است ودر سال ۱۳۳۹ عده‌کارمندان آن در این کشور از صد تن متجاوز بوده است میزان کمکهای سازمان ملل‌متحد رویهمرفته بپایه‌کمکهای مالی ومادی‌اصل‌چهار نرسیده است ولی در بکار بردن فنون جدیده برای رفع نیازمندیهای مردم همان علاقه وشور وتوجه را داشته است

یکی دیگر ازوجوه شباهت این دوبرنامه آنست‌که از آغاز فعالیت خود امور کشاورزی را برهرکار دیگر مقدم داشته اند ، چنانکه بیش ازیك چهارم از متخصصین سازمان ملل متحد درایران درکار های مربوط به‌کشاورزی مانند حاصلخیزی زمین ، تهیه آب ، بهبود بذر ونباتات ، تولید غلات و پنبه ، دامپروری ، توسعه محصولات لبنی ، جنگلبانی ، تهیه آمار و ترتیب فروش محصولات کشاورزی مشغول بوده و هردو سازمان بفرهنك وبهداشت عمومی توجه خاص مبذول داشته اند. سازمان ملل متحد در طرز امور فرهنگی ما مطالعات سودمندی بعمل آورده و

در تدوین برنامه های کارآموزی ماکمکهای مفیدی نموده است وهرسال درحدود پنجاه جایزه تحصیلی در اختیار ما گذاشته است که بوسیله آن عده ای از ایرانیان درکشور های خارج بکسب علم وهنر میپردازند .

دررشته های آموزش وپرورش قابله وپرستار، تجزیه مواد غذائی وداروئی ، مبارزه بامالاریا وتراخم وکرمهای ناقل میکروبهای بیماری که مخصوصاً در نواحی جنوبی کشور وجود دارد از متخصصینی که سازمان ملل بکشورما اعزام داشته است استفاده شایان کرده‌ایم وطبق نیت ما درموازنه وهم‌آهنك ساختن عملیاتی که درتوسعه وبهبود اقتصادی وصنعتی آغازکرده‌ایم کارشناسان این سازمان برای تربیت کارمندان دفتری واداری‌وتهیه‌نیروی‌انسانی، احیاء وتوسعه‌صنایع کوچك وسفالسازی، بافندگی منسوجات ریسمانی ، ساختن آلات ماشین ، زمین شناسی ، تجزیه مواد معدنی وفلزات ، مهندسی معدن ، تراش سنگهای معدنی، ساختن فولاد وآهن ، مخابرات راه آهن ، آمار های اقتصادی واجتماعی، احداث ومرمت شاهراهها باماهمکاری کرده‌اند. این متخصصین مخصوصاً دراثر تقاضای مخصوص مااعزام شده اند وبنظر من تنوع کار ورشته های تخصصی آنها نمودار برنامه های گوناگون ودامنه داری است که ما برای عمران کشور طرح کرده و بموقع اجراگذاشته ایم ضمناً باید ناگفته نگذاشت که متخصصین سازمان‌دررشته های‌صنعتی وکشاورزی دردستگاه های دولتی یاوابسته بدولت ومؤسسات خصوصی وشخصی‌نیز مشغول کار هستند

یکی دیگر از سازمان های خارجی که بماکمك قابل توجهی کرده است سازمان تعاونی امداد جهانی امریکائی است که بطور اختصار (کر) نامیده میشود ودر بیش از بیست وپنج کشور بفعالیت مشغول است .کمك این سازمان بکشور ایران اززمان وقوع زمین لرزه شدید کرمانشاه در سال ۱۳۳۶ آغاز گردید که مواد لازم و ضروری برای آسیب دیدگان ارسال داشتند واز آن پس یك هیئت دائمی درایران مستقر ساختند که خدمات پرارزشی در مناطق روستائی که مورد توجه ویژه من است انجام داده است

کمکهای این سازمان بیشتر ازطریق ارسال مواد غذائی مانند آرد وشیر خشك وچیز های دیگر برای کسانی است که درآمد آنها اندك

است ، چنانکه مثلا درسال ۱۳۳۹ درحدود چهار میلیون ونیم کیلوآرد در ایران توزیع کردند که قسمت اعظم آن بوسیله مؤسسات خیریه کشور بین افراد تقسیم شده است این سازمان در نظر دارد برنامه ای نیز برای فراهم ساختن غذای دنشجویان طرح کند که امیدواریم بزودی بموقع اجراگذاشته شود

از تازه ترین کارهای این سازمان ، برنامه ایست که برای کمك افراد بیکدیگر تهیه و تدوین کرده است که چون مکمل برنامه های عمرانی ماست بسیار مغتنم است نظر این سازمان آنست که در نقاط مختلف کشور انبار هائی برای اسباب و ابزار ایجاد کند که مردم همانطور که ازکتابخانه کتاب عاریه میکنند در این مراکز نیز اسباب وآلات مورد لزوم را بعاریه ببرند وپس از رفع حاجت بازگردانند .

درهر یك ازاین مراکز بیش از یکصد قسم آلات وادوات کشاورزی وماشین های سنگین مانند گاو آهنهای جدید که در خود کشور به تناسب احتیاجات وخصوصیات زمین های ایران ساخته خواهد شد گرد خواهد آمد تا نیازمندیهای کشاورزان بطریق سهل وساده‌ای مرتفع گردد

این سازمان عده محدودی کتاب درسی مفید ووسایل دیگر تحصیلی که دربرنامه های آموزش وپرورش مورد لزوم است بنقاط مختلف کشور فرستاده ودر مواقع اضطرار مانند زمین لرزه شدید لار که درسال ۱۳۳۹ اتفاق افتاد وسایل امدادی فوری بآن ناحیه رسانده وهمین سرعت عمل موجب شهرت این مؤسسه در ایران گشته است

دولت امریکا بموجب قانون فولبرایت و سایر مقررات مربوط از طریق مبادله اشخاص در رشته های مختلف علوم وفنون بما کمکهای علمی وفنی کرده است

طبق برنامه‌ای که برای اجرای این قانون مدون گشته است دانشمندان ایرانی برای مطالعات وتحقیقات علمی ودبیران وفارغ التحصیلان برای مشاهده روش های آموزش وپرورش بکشور امریکا رفته اند ودر مقابل استادان دانشگاهها و دبیران و دانشجویان امریکائی بایران آمده و محیط دانشگاههای ما را تنوع وانبساط بخشیده‌اند انجمن فرهنگی ایران وانگلیس ومؤسسه فرهنگی ایران وفرانسه وسازمانهای فرهنگی

سایر کشور های جهان آزاد نیز برنامه های مشابه برای مبادلات فرهنگی دارند وهریك برای تدریس زبان ونمایش مظاهر فرهنك کشور خویش مؤسساتی دارندکه در واقع یك نوع کمك فرهنگی بجوانان دانش طلب کشور ماست .

در اوایل این فصل درباره فعالیتهای « دوستداران امریکائی خاورمیانه » وراهنمائی هائی که این مؤسسه به محصلین ایرانی عازم کشور های متحده امریکابعمل میآورد ذکری رفته است. این دانشجویان درهنگام بازگشت بایران نیز از راهنمائی های این مؤسسه برای معرفی وآشنائی بدوائر استخدامی کشور وتهیه وسایل زندگانی برخوردارند

ذکر تمام برنامه های کمك خارجی که بنحوی برای کشور وملت ایران سودمند بوده است دراین کتاب مقدور نیست وتنها میتوان برسبیل مثال از بنیاد فورد نام بردکه عده ای از متخصصین فنی خود رابرای مساعدت درتنظیم برنامه هفت ساله سوم دراختیار ماگذاشته وطرحهای گرانبهای دیگری در رشته های تعلیمات حرفه ای وعمران روستائی و ترجمه دایرة المعارف امریکائی بزبان فارسی بموقع اجرا نهاده است

دولت اطریش نیز در توسعه تعلیمات فنی درکشور ایران کمکهای مفیدی کرده وکشور های بلژیك وفرانسه وایتالیا وسوئد و آلمان غربی نیز کمکهای فنی ذیقیمتی در رشته های مختلف بعمل آورده اند . گروههای انگلیسی وامریکائی و آلمانی نیز فعالیتهای نوع پرورانه ای درکمك به نابینایان اینکشور ابراز داشته اند

سازمان عمران خاورمیانه دولت انگلستان نیز دربسیاری از امور مانند آمار ، جنگلبانی، حفظ اراضی ومراتع، تعاون روستائی ونگاهداری زمین ومبارزه با ملخ بما راهنمائی های فنی نموده و بسیاری از دول درمواقع ضرورت مانند زمین لرزه لار بکمك ما شتافته ووسایل آسایش افراد مصیبت دیده را فراهم ساخته اند .

مؤسسات بازرگانی خصوصی خارجی نیز درموارد بسیار اعتباراتی دراختیار ماگذاشته و راهنمائی فنی ذیقیمتی در رشته مخصوص خود بما نموده اند

پس از مسافرتی که در سال ۱۳۳۵ بمسکو کردم و مذاکرات دوستانه‌ایکه باآقای خروشچف وسایر همقطاران وی بعمل‌آمد ازروسها

کمکهای محدودی برای مبارزه باملخ ولاروبی یکی از بنادر ایران در ساحل بحر خزر پذیرفتیم ، باوصف سخنان ناروائیکه از رادیو روسیه برخلاف رهبران ومؤسسات ایران پخش میشود دردل من برای مردم آن کشور بطورکلی مهربان ترین احساسات وجود دارد .

شاید مردم عادی کشور روسیه بهتر از طبقه حاکمه خود این نکته رادرك میکنندکه هیچ کشوری که شیفته آزادی است حاضر نیست از حکومت همسایه خود که علائم وآثار امپریالیزم وی بارز وبرملاست کمك قبول کند

قبلاً توضیح داده‌ام که سازمان پیمان مرکزی یکی از وسایل حفظ وحراست کشور ایران درمقابل چنین امپریالیزمی است باآنکه جنبه نظامی سازمان مهم است ولی هدف آن بمعنی وسیعتر تشریك مساعی در تأمین امنیت بین‌المللی است برای توضیح این مطلب موضوع الحاق راه آهن ایران وترکیه که بدستیاری سنتو انجام میگیرد مثال روشنی است . کسانی که از رموز جنك های عصر کنونی آگاهی دارند میدانند که در موقع بروز جنك اینگونه راه آهن ها را میتوان ازکار انداخت ومنهدم کرد وبا این وصف باید دید چه موجبی کشور ایران وسایر اعضاء پیمان سنتورابساختن آن مصمم ساخته‌است ؟. پاسخ این سئوال آنست که توجه وعلاقه ما بآبادانی واحیاء کشور است نه به تهیه مقدمات ووسایل جنك ونبرد این نکته درباره ارتباط شاهراهها که درهنگام مخاصمه از خرابی مصون ومأمون نیست نیز صدق میکند ، ولی کشور های عضو سازمان پیمان مرکزی میدانندکه احداث شاهراه نه تنها یکی از عوامل پیشرفت امور اقتصادی است بلکه وجود راه ووسایل ارتباط سلسه جنبان پیشرفتهای گوناگون دیگر است که هدف وغایت منظورکلیه کشورهای عضو پیمان مرکزی است . مثال دیگری که برای روشن ساختن هدفهای سازمان پیمان مرکزی میتوان آورد مسئله ارتباطات مخابراتی بین کشور های عضو است که سازمان درصدد ایجاد آنست واگر نقشه یاکره جغرافیائی دربرابر دیدگان خواننده باشد میتواند دستگاههای فرستند وگیرنده ای راکه بفواصل چهل کیلو متری بین آنکارا وکراچی احداث خواهد شد درنظرخویش مجسم سازد . البته برصاحبان عقل‌سلیم پوشیده نیست که یك چنین شبکه مفصلی که دراواخر سال ۱۳۴۰ باتمام خواهد

رسید در مقابل حملات نظامی پای برجا نخواهد ماند ولی در این مورد نیز منظور ماتأمین سعادت وصلح آینده است واین دستگاهها را برای جنك و ویرانی وانهدامیکه از آن ناشی میشود نمیسازیم .

براعضاء سازمان پیمان مرکزی پوشیده نیست که برخلاف آرزوها ومنویات ما باز ممکن است جنك جهانی درگیرد ولی ما هرگز اجازه نخواهیم دادکه این افکارشوم وبدبینانه سد راه‌پیشرفت وترقی ملت های ما بشود .

بعقیده من مؤسسه علوم اتمی وابسته به سازمان پیمان مرکزی‌که نیروی اتم را منحصراً برای منظور های صلح طلبانه بکار میبرد نمودار آشکار فکر وعقیده ماست . من این مؤسسه را دراوایل سال ۱۳۳۸ در دانشکده علوم دانشگاه تهران افتتاح کردم لوازم و تجهیزات آنرا دولت انگلیس فراهم ساخته است واستادان این مؤسسه از دانشمندان انگلیسی وترك وپاکستانی وایرانی هستند ودانشجویان کشورهای عضو سازمان پیمان مرکزی ازآن استفاده میکنند. اولین قسمت برنامه یك ساله آن تدریس مواد مربوط باستفاده ازتشعشع غیرثابت عناصرمختلف است‌که بطور اختصار آنرا رادیو ایزوتوپ مینامند. پس از پایان این برنامه دانشجویان اطلاعات و معلوماتی راکه کسب‌کرده‌اند در مسائلی که درکشور های عضو سازمان پیمان مرکزی مورد پیدا میکند بمقام عمل درمی‌آورند. دروسی‌که دراین مؤسسه‌تدریس میشود ازلحاظ‌کیفیت باآنچه در انگلستان و کشورهای متحده آمریکا تعلیم داده میشود یکسان است .

رادیو ایزوتوپ ممکن است ازطرق متعدد موجبات ترقی و پیشرفت این قسمت ازگیتی را فراهم آورد . چنانکه در قسمت طبی اگر بیمار مقدار مختصری ید رادیواکتیو که بی ضرراست بنوشد قسمت اعظم‌آن درغده درقی وی جمع میشود وبوسیله آزمایشهای مخصوصی هرگونه اختلافی که درغددپیدا شده‌باشد معلوم‌میگردد ومعالجه راآسان میکند. همینطور اگر رادیو ارسنیك را وارد بدن نمایند در هر نقطه بدن حتی مغزکه آماس کرده باشد جمع میگردد وباینوسیله نقطه ورم فوراً مشخص میشود وهنگام عمل جراحی اگر کوچکترین ذره‌ای از ریشه های سرطان مانند درالیاف آن باقی مانده باشد بوسیله آلات اتمی معلوم

میگردد ونیز رادیو فسفور را ممکن است در معالجه افزایش سلولهای سرخ خون مورد استفاده قرار داد .

درقسمت کشاورزی بوسیله رادیو ایزوتوپ میتوان مقدار رشوه‌ایکه به نباتات وارد میگردد دقیقاً معین وچگونگی جذب آنرا معلوم نمود اینگونه اطلاعات بکشور ایران وسایر اعضاء سازمان پیمان مرکزی در مسئله استفاده ازکود شیمیائی کمك فراوانی میکند همینطور بوسیله رادیو ایزوتوپ میتوان طرز تأثیر دقیق مواد و داروهای دفع حشرات وعلفهای هرزه را مشاهده نمود وحتی ممکن است با استفاده از رادیو اکتیویته حشرات موذی را نشان کرد وطرز زندگی ونقل وانتقال آنها را ازنقطه‌ای به نقطه دیگرمطالعه نمود وشاید بتوان حشرات ماده را باحشرات نری که بوسیله رادیواکتیو سالم شده‌اند جفت گیری نمود . دانشمندان آمریکائی با بکار بردن این وسیله برخی ازحشرات موذی را در بعضی ازنقاط کشور خود از میان برده‌اند

استفاده از رادیو ایزوتوپ در امور صنعتی وبازرگانی درکشورهای عضو سازمان پیمان مرکزی تازه آغاز گردیده است چنانکه مثلا بوسیله رادیو ایزوتوپ ضخامت الواح بسیار نازك و قطر روکش های فلزی و میزان فرسودگی تسمه های فلزی را میتوان فورا معلوم ساخت واگر نقصی درجوشکاری ویا ریخته گری وجود داشته باشد پیدا کرد . رادیو ایزوتوپ را میتوان برای تشخیص میزان جریان آب وسایر مایعات وپیداکردن رخنه سدها ولوله و رسوب وجریان گل ولای لنگرگاه ها و رودخانه‌ها وتغییرجریان متوالی مواد مختلف نفتی نیزمورد استفاده قرارداد.

امکانات نیروی اتم برای مقاصد صلح طلبانه آنقدر وسیع واطمینان بخش است که اعضاء سازمان پیمان مرکزی ممکن است درهریك از کشورهای خود مراکز رادیو ایزوتوپ دیگری تأسیس نمایند و ازمرکز تهران بیشتر برای تحقیقات اساسی استفاده کنند

همکاریهای فنی که در منطقه سازمان پیمان مرکزی بعمل میآید منحصر باستفاده از نیروی اتم نیست بلکه سازمان مزبور طرحهای کمك فنی مختلفی را مخصوصا درکارهای کشاورزی و فرهنگی و بهداشت عمومی و امور مختلف دیگر مانند بازرگانی و جلب سیاحان بمقام عمل در آورده است . بعضی از این طرحها بوسیله کمك کشور های

غربی عضو سازمان بمرحله اجرا رسیده است چنانکه مثلا آمریکا برای نظافت وجلوگیری از بیماری های حیوانات در منطقه سازمان یکنفر مشاور اعزام داشته وانگلیسها سی‌وسه هزینه تحصیلی برای دانشجویان این منطقه‌که در رشته دامپزشکی تحصیلات عالیه خواهندکرد اختصاص داده‌اند .

بنظر من درمیان این طرحهای مختلف آنهائی بیشتر قابل توجه است‌که برای اعضاء سازمان مجال همکاری ومعاضدت بایکدیگر را فراهم میسازد مثلاکشور من باکمال میل درخواست دولت ترکیه را پذیرفته ودو نفر از مطلعین ترك را در امر پرورش نهال پسته و دفع آفات آنی تعلیم داده است .کشور ایران نیز برای اجرای طرحی دیگر ازکشور ترکیه تقاضا نموده است‌که طریق علمی طبقه بندی خشکبار را بما بیاموزد همچنین کشور پاکستان آخرین طریقه فنی مبارزه باآفت سن راکه بمحصولات خسارت بسیار وارد میکند بکشورهای عضو سازمان می‌آموزد .

امیدوارم روزی‌که کشورهای خاورمیانه عضو سازمان پیمان مرکزی بمرحله بلوغ‌کامل علمی وفنی برسند این‌گونه همکاری افزایش یابد و همین معاضدت اجتهاد علمی و رشد فنی آنها را تسریع‌کند

گذشته از این مقاصد وبرنامه های مربوط بصلح وسلم، سازمان جهانی مرکزی بیشتر نسبت بمسئله دفاع توجه مستقیم دارد . ما ازبیان این حقیقت احساس هیچگونه شرمساری نمیکنیم بلکه این نکته را مایه مباهات خود میدانیم‌که درراه آزادی دست بدست یکدیگرداده‌ایم. سازمان ما درسازمان ملل متحد به ثبت رسیده وفعالیتهائی را که در تأمین وپشتیبانی از صلح داریم باطلاع‌آن سازمان وجهانیان میرسانیم و حتی دوستان کمونیست ما هم تازه متوجه شده‌اندکه پیداکردن دلیل براینکه سازمان پیمان مرکزی توطئه‌ای نظامی وتجاوزکارانه و موجب تهدید صلح وآرامش خاورمیانه است بسیار دشوار است

بموجب دستور عمومی شورای عالی سازمان پیمان مرکزی ، امور مربوط به دفاع وامنیت به سه سازمان فرعی محول شده است. سازمان اول‌گروه نمایندگان دائمی نظامی است‌که از اواخر سال ۱۳۳۸ متوالیاً در آنکارا مشغول انجام وظیفه بوده است این گروه از نمایندگان

عالیرتبه ارتشی کلیه کشورهای عضوسازمان پیمان مرکزی وکشور های متحده آمریکا تشکیل گردیده است وطرحهای نظامی کشور های عضو سازمان را مورد رسیدگی دقیق قرار میدهد ونقشه‌هائی راکه متوالیاً بوسیله هیئت مشترك طرحهای نظامی تهیه وتنظیم میشود مطالعه و بررسی مینماید تاآنجائیکه اطلاع دارم در تاریخ کشور های عضو سازمان پیمان مرکزی این گروه نخستین دسته‌ای است که تاکنون برای همکاری نزديك ومستمر درامر دفاع وامنیت دسته‌جمعی در این منطقه تشکیل یافته است. دومین سازمان فرعی سازمان پیمان مرکزی که مربوط بدفاع وامنیت میباشد سازمان کمیته ضد خرابکاری است . من به بعضی از عملیا تعجیب وبداندیشانه‌ای که درجنك رادیوئی درخاورمیانه پیش آمده اشاره‌ای کرده‌ام واین سازمان فرعی مقابله با این عملیات تخریبی ونظائر آن را نیزوجهه همت خویش قرار میدهد سازمان فرعی سوم عبارت ازکمیته ارتباطات میباشد که وسایل مؤثر وسریعی برای مبادله اطلاعات بین کشورهای عضو سازمان در مسائل مربوط بامنیت منطقه در اختیار اعضاء قرار میدهد

باآنکه سازمان پیمان مرکزی مانند سازمان پیمان اتلانتیك شمالی پیشرفت نکرده است ولی باز پیشرفتهای آن مخصوصاً در طی دو سال اخیر قابل توجه بوده است ودر بعضی از موارد دامنه فعالیت های آن ازسازمان پیمان اتلانتیك شمالی بیشتر وسعت داشته است، چنانکه در پیشرفت اقتصادی کشور های این منطقه ایجاد هم‌آهنگی نموده و با اجرای برنامه‌های همکاری فنی و علمی بحل بسیاری ازدشواریهای علمی توفیق یافته و ذوق واستعداد فنی مردم این سرزمین را پرورش داده وپایه‌های ترقیات سریع آینده را استحکامی دیگر بخشیده است و در مسائل مربوط بامنیت برای مقابله باکوششهای مداوم تخریبی که بزعم کمونیستها از اصول «همزیستی مسالمت‌آمیز» بشمار میرود طرحهای دقیق تهیه و تنظیم نموده است. همینطور برای مقاومت دربرابر تجاوزات علنی واحتمالی نسبت باین بخش گیتی طرحهای مفصلی تهیه نموده و پاره‌ای ازآنها را درمانورهای متعدد نظامی زمینی ودریائی و هوائی مورد آزمایش قرار داده است

در قسمت تصمیمات ونقشه های ستاد و تمرینات نظامی ،کشور های

عضو سازمان بطور کلی بایکدیگر هم‌آهنگی دارند و مانند دوستان وبرادرانی که همه شیفته آزادی هستند واز هردسیسه وتوطئه‌ای که‌صلح را بخطراندازد بیزاری دارند کار میکنند

در طی چند سال اخیر نیروی نظامی‌کشور ایران پیشرفتهای شایانی کرده وبنیه جنگی سربازان چندین برابر شده وسرعت عمل وقابلیت آنها بمراتب افزایش یافته است ما به تعلیم وتربیت درارتش اهمیت بسیار میدهیم وبسیاری از افراد روستائی که بخدمت ارتش وارد شده وسواد نداشته وبهیچ حرفه‌ای آشنا نبوده‌اند درپایان خدمت خود با معلوماتی که در زندگانی عصر امروز در محیط دموکراسی مورد نیاز آنهاست خارج شده‌اند .

اخیراً بمنظور آگاهی وآشنائی مردم از طرز کار ارتش در سراسر کشور مردم را به بازدید و مشاهده مراکز نظامی دعوت کرده‌ایم و هزاران خانواده ایرانی فرزندان خود را در هنگام تعلیم و آموزش دیده‌اند ونتیجه این عمل بسیار رضایت بخش بوده است

سازمان ژاندارمری که با ارتش ارتباط نزدیك دارد برای بسط نظم وامنیت در نواحی روستا تشکیل یافته است این سازمان در زمان پدرم برای استقرار نظم در نقاط مختلف‌کشور خدمات پر ارزشی را انجام داد وامروز نیروئی است‌که ازیکهزار افسر وسی‌هزار ژاندارم تشکیل پیداکرده ودر بیش از ۲۰۰۰ نقطه دور دست این‌کشور مستقر و در معابر کوهستانی نقاط تقاطع جاده ها وسایر نواحی بعید و دور از یکدیگر ایستگاه دارد‌که در هرکدام از شش تا هیجده نفر ژاندارم مشغول انجام وظیفه هستند این ژاندارمها در واقع مجری قانون و نگاهبان انتظامات در سراسرکشورند و وظائف آنها حراست و تعقیب راهزنان وقاچاقچیان و قاتلین و فراریان از خدمت نظام وظیفه وسایر بزهکاران واجرای‌احکام‌دادگستری مانندبازداشت ونظائرآن‌است ووظائف دیگری نیزازقبیل جلوگیری کشت خشخاش ونظارت درکوچ ایلات‌بآنها محول است. حوزه ماموریت ژاندارمها تقریباً هشتاد در صد از کلیه ایران است‌که سه‌چهارم جمعیت بیست میلیونی این‌کشور درآن زندگانی میکنند سازمان ژاندارمری شبکه رادیوئی مجهزی در اختیار دارد که بوسیله ایستگاههای ثابت وسیار خود بین تهران ودور ترین نقاط

کشور ارتباط سریع برقرار میسازد وهم‌اکنون مشغول مجهزساختن این افراد با اسلحه سبك وسایر تجهیزات ضروری مانند هلیکوپتر و غیر آن هستیم

ژاندارمری رابط مستقیم بین روستائیان و دولت مرکزی است و بهمین جهت سخنی‌که در میان مردم زبانزد است مصداق پیدا میکند که میگویند «ژاندارم صالح علامت دولت صالح وژاندارم فاسد مظهر دولت فاسد است» . خوشبختانه اکثرافسران وافراد ژاندارمری مردمانی شجاع ودرست‌کارند وازهمین جهت میل دارم کسانیکه ازگوشه خانه خود بیرون نرفته و زبانشان بعیب جوئی میگردد ماهی چند با این مأموران درایستگاههای دور دست زندگی کنند و چیزی از وظیفه‌شناسی دشوار آن ها دستگیرشان شود البته در گذشته ژاندارمها غالباً از مقام خود سوء استفاده میکردند و حتی پدرم باوجود اقدامات شدید وسختگیری های مخصوصی‌که داشت در بر طرف ساختن فسادی که در این دستگاه راه یافته بود توفیق قطعی پیدا نکرد . رضاشاه که هیچگاه بآسانی فریب نمیخورد باین حقیقت آگاه بود یاد دارم روزی پدرم باتفاق چند نفر از وزیران از ایستگاههای ژاندارمری سرکشی میکرد ودریکی ازاین ایستگاهها دستها را روی جیبخود گذاشت وبهمراهان خود گفت «مواظب جیب‌هایتان باشید» . ازآن تاریخ ببعد و مخصوصاً در دو سال اخیر در طرز رفتار و حسن عمل مأمورین ژاندارمری پیشرفت های واقعی ومحسوس بعمل آمده وامروز خدمات این مأموران مورد قدرشناسی مردم نقاط مختلف ایران واقع شده است . ما بافسادی که احتمالا بروز میکند بدو طریق مبارزه میکنیم یعنی هم دستگاه ژاندارمری را از داخل مورد بازرسی دقیق قرار میدهیم و هم بشکایات مردم بوسیله دستگاه دولت وسازمان بازرسی شاهنشاهی رسیدگی‌کامل میکنیم

مسئله تقسیم املاك نیز درکمك به بهبود اوضاع سهم مهمی داشته است زیرا هرگونه فساد ونادرستی‌که در سابق در ژاندارمری رخ میداد غالباً ناشی ازآن بودکه مالکین بزرك این مأمورین راتحت سلطه خود در می‌آوردند و بتعدیات خود ادامه میدادند .

امروز ژاندارمری بتدریج در حسن سلوك وخدمت بمردم و مواظبت

در بهداشت عمومی برای کسانیکه در ناحیه مأموریت آنها زندگی میکنند سرمشق واقع‌شده استومن مخصوصاً مایلم‌که‌مردم شهرستانها وخارجیانی‌که برای سیاحت باین سرزمین می‌آیند پیشرفتهائی را که در این سازمان پیدا شده مشاهده‌کنند واین مأموران را در سرخدمت و هنگام انجام وظایف از نزدیك بنگرند .

کشورماگذشته ازنیروی زمینی‌دارای یك نیروی دریائی مختصری است‌که دربحرخزر وخلیج‌فارس انجام وظیفه میکند هیچکس دعوی نمیکند که نیروی دریائی ما حتی با نیروی دریائی بعضی از کشورهای درجه دوم‌گیتی قابل مقایسه است ولی همین نیرو در محافظت سواحل ایران وجلوگیری ازدزدی دریائی وقاچاق ورساندن‌کمك بدریا نوردانی که دچار خطر میشوند خدمت مؤثری انجام میدهد واگر روزی برخلاف میل خویش دچار مخمصه جنگهای کوچکی بشویم این نیرومیتواندبا نیروی دریائی دوستان متفق ماکمك وهمکاری مؤثری بعمل آورد باید ناگفته نگذاشت که چون کشور ایران بزرگترین کشور مسلط برخلیج فارس است طبعاً باید نیروی دریائی خود را سریعاً تقویت نمائیم

کشور ما نیز دارای نیروی هوائی کوچکی است‌که بیشتر برای پشتیبانی از نیروی زمینی ما در عملیات جنگی که دامنه آن محدود باشد بوجود آمده است. درطی چندسال اخیر سطح تعلیمات نیرو های هوائی و دریائی ما ترقیات زیادکرده است و هنر و مهارت خلبانان جت‌های جنگنده مادر نمایشهای مختلف در ناظرین متخصص تأثیر عمیقی داشته است . در عین حال‌کسی جز مردم ریاکار هرگزاین تصور را در ذهن خود راه نمیدهدکه نیروی هوائی و در واقع تمام سازمان ارتشی ما قدرت آنرا دارد که در مقام تهدید دولت بزرك همسایه‌ای برآید. نیروی هوائی ما مخصوصاً بیش از حد ضعیف وکوچك استو باید آنرا بسیار توسعه داد .

در بسیاری از اصلاحاتی‌که در نیروهای مسلح ایران بعمل آمده ما مرهون‌کمك آمریکائیها هستیم از سال ۱۳۲۱ یك هیئت کوچك آمریکائی در اداره سازمان ژاندارمری بما راهنمائی هائی‌کردند ودرسال ۱۳۲۹ یك هیئت کامل مستشاری نظامی آمریکائی درایران مستقرگردید

که راهنمائیهای ذیقیمتی در مورد سازمان وتعلیمات ارتشی بمانموده‌اند وبوسیله همین هیئت بدریافت تدارکات و ساز و برك نظامی بلاعوض نائل آمدیم وبدینطریق قسمتی ازمشکلات مالی ماکه هر ملت تازه مترقی بدان روبروست تخفیف یافت بعلاوه ازآغاز کار برای طرفین مسلم بودکه آمریکائیها درایران فقط وظیفه مشورتی دارند ودر عملیات نظامی ما هیچگونه مداخله نخواهند داشت

هر چندکمك آمریکا بدون شك ما را موفق ساخت که بر حسن انتظام نیروهای مسلح محدود خود بیفزائیم وامنیت کشور ومردم آن را تأمین کنیم ولی بنظر من باید فواید غیر مستقیمی را نیز که از کمکهای نظامی بدست آوردیم بخاطر داشت ، زیرا در هر حال یعنی با کمك آمریکا وبدون مساعدت‌آن دولت برای حفظ خود ناگزیر بوده‌ایم که یك نیروی نظامی کافی دراختیار داشته‌باشیم وبنابراین‌کمك نظامی آمریکا بما مجال دادکه قسمت اعظم از درآمد خود را برای ایجاد سایر لوازم امنیت که درفصول پیشین بآنها شاره شد صرف کنیم . چنانکه مثلا بدون‌کمك نظامی آمریکا قدرت نداشتیم‌که یك پنجم ازبودجه‌کل کشور را بمصرف امور فرهنگی برسانیم .

چون‌کمکهای نظامی و غیر نظامی آمریکا بطور مستقیم و غیر مستقیم منافع مهمی بکشور ایران عاید ساخته است امیدوارم اگراظهارکنم که ازکمکهائی که آمریکا در اختیار کشورهای مختلف گذاشته مبلغ بسیارکم وناچیز بما رسیده است حمل برناسپاسی نشود

پیش از آنکه در این موضوع توضیحات بیشتری بدهم باید باهمیت سوق‌الجیشی کشور ایران اشاره‌کنم وچون متجاوزین بالقوه از آنچه در صدد ذکر آن هستم کاملا آگاهند بنا براین راز نهفته‌ای را فاش نکرده‌ام

بقول یکی از ظرفا در عصر حاضر تمام کشور های گیتی اهمیت سوق‌الجیشی دارند واین لطیفه بسیار بحقیقت نزدیك است چنانکه مثلا قاره استرالیا که ظاهراً دور دست واقع شده بسهولت مورد اصابت موشکهای روسی قرار میگیرد وهمین کیفیت هم در باره موشکهای هدایت شونده طرف دیگر صادق است از آن گذشته در عصر اتم موشکها وهواپیما های دورپرواز وکشتیها و زیر دریائیها واقمار مصنوعی

هم‌وضع سوق‌الجیشی پیدا خواهندکرد وهم مانند ولگردان دوره گرد خانه‌بردوش خواهند بودکه پیداکردن نشانی صحیح آنها دشوار است هر چند اقمار مصنوعی دریك مدار معین حرکت میکنند باز وضعشان مانندکشورهائیکه درگوشه‌ای از این جهان در قرون واعصار بیشمار برپشت خاك قرار وآرام گرفته‌اند ثابت و پای برجا نیست .

بهر حال از نظر حقیقت جغرافیائی ، کشور ایران پیوسته محل تقاطع راههای بازرگانی و سوق‌الجیشی بوده واین‌کیفیت امروز ازهمه وقت آشکار تر و محسوس تر است زیرا این بر سبیل تصادف نبوده است‌که در ادواری که مسافرتهای زمینی از باختر بخاور دور بوسیله کاروان انجام میگرفت وطریق معروف بشاهراه ابریشم شرق و غرب گیتی را بهم متصل میکردکاروانها ازکشور ایران میگذشتند و امروز نیز خطوط هوائی‌که قاره های جهان رابه‌یکدیگر وصل میکنند غالباً از تهران عبور میکنند .

در طی ادوار تاریخی اکثر لشگرکشی های مهم که از خاور میانه بعمل آمده است یا از ایران آغاز شده ویاآثار مستقیم‌آن متوجه‌کشور من بوده است وامروز نیز از لحاظ جغرافیائی ووضع سوق‌الجیشی اگر کشور ایران را مرکز سازمان پیمان مرکزی بخوانیم سخنی بگزاف نگفته‌ایم وچون سازمان پیمان مرکزی دروسط سازمانهای پیمان‌اتلانتیك شمالی وپیمان جنوب شرقی آسیا قرارگرفته است بنابراین کشورمن نقطه اتکا ومحور اصلی این سازمانها بشمار می‌آید

اگر کشور ایران ازپادرآید جناحهای سازمان پیمان اتلانتیك شمالی و سازمان پیمان‌جنوب شرقی آسیا وسایرکشور های عضو سازمان‌پیمان مرکزی مورد تهدید قرارمیگیرد وبدیهی است‌که اگرکشورایران از جانب شمال ویا از جهت دیگری که ازشمال دستورگرفته باشد مورد حمله وتجاوز قرارگیرد واز آن جلوگیری نشود برای متجاوزین‌غنیمت عظیمی خواهد بود وبنادر آبهای‌گرم ومناطق نفت خیز وسایر منابع سرشارکشور ایران مورد تسلط ناقضین صلح‌بین‌المللی واقع‌میشودوراه برای‌آنها بازخواهد شد تا نیروهای خود را بشکل گازانبر ازیك طرف به شبه جزیره عربستان واز طرف دیگر از طریق ترعه سوئزبقاره افریقا گسیل دارند و این برای کسانیکه اتصالا دم از صلح میزنند ولی

بنابه تجربه‌ای‌که داریم باستقرار یا ایجاد صلح جهانی معتقد نیستند بسیار فریبنده و اغوا کننده است. اما اگر بقضیه از جهت دیگربنگریم باید ناگفته‌نماندکه هرچندکشور ایران نقطه اتکاء سازمانهای پیمان اتلانتیك شمالی وپیمان مرکزی و پیمان جنوب شرقی آسیا بشمار آمده است ولی در عین حال دررشته ارتباط بین‌آنها ضعیف ترین‌حلقه‌هاست وعلت آن اینست‌که ما از یکطرف کشوری دارای افتخارات درخشان تاریخی هستیم‌که از وحدت ملی وثبات برخوردار است واز تجربیات مستقیمی که‌برگرفته‌ایم از خطرات تجاوزکمونیزم آگاهیم ولی ازطرف دیگر نیروی مسلح ومخصوصاً نیروی هوائی ما ضعیف است و تجهیزات بسیار جدید را ندارد

در این موردکشور عراق را که میل داریم صمیمیترین روابط را باآن‌کشور داشته باشیم برای مقایسه در نظرمیگیرم جمعیت کشور عراق در حدود یك چهارم نفوس ایرانست ومساحت آن‌کشور مساوی با یك پنجم خاك این‌کشور است. بااین وصف نیروی هوائی آن‌کشور بمراتب قویتر از نیروی هوائی ماست زیرا نیروی هوائی عراق مجهز به تازه ترین جتهای جنگنده است‌که‌بآسانی میتوانند برهواپیماهای ما که از نمونه‌های‌سابق آمریکائیست برتری یابند وهمچنین دارای جتهای بمب افکن جدید است که ما نداریم

ازآن گذشته نیروهای مسلح عراق رویهمرفته از نیروی مسلح ما مجهزتر است زیرا دولتهای انگلستان و روسیه بآن‌کشور تجهیزات جنگی میدهند وحال‌آنکه ازپایان جنك دوم جهانی اکثر وسایل و تجهیزات نظامی ما مستقیماً از آمریکا فراهم شده است هرچندنسبت بآنچه بما رسیده است سپاسگزاری بسیار داریم ولی باید از اظهار این حقیقت نگذشت که این‌کمکها احتیاجات ما وجهان آزاد را دراین ناحیه مهم گیتی مرتفع نمینماید

در واقع باید از این هم فراتر رفته و تاکید کنم کـه هر چند کشور من یکی از دریافت کنندگان مهم‌کمك فنی واقتصادی و نظامی آمریکا بوده است ولی اگر این‌کمکها را باکمکهائی که آمریکا به بعضی ازکشور هاکرده است مقایسه کنید تفاوتهای عجیبی مشاهده خواهیم کرد

دراین مورد جای بحث علنی و آشکار نیست زیرا رویه دولت آمریکا که قابل تصدیق هم هست اینست که ارقام کمکهای نظامی کشور های مختلف را جزو اطلاعات محرمانه محسوب دارد. اما تصورمیکنم از خلال یك بیان اجمالی حقایق روشن گردد والبته اعضای کنگره آمریکا ومأموران آمریکائی میتوانند صحت وسقم آنرا مورد رسیدگی قراردهند.

طبق آماریکه از عطایا واعتبارات خارجی کشور آمریکا تهیه شده وموجود است از پایان جنك دوم جهانی کمکهای مستقیم غیر نظامی آمریکا به اتحاد شوروی بیش از میزان کمکهای آن دولت بایران بوده است

میدانیم که کار دنیا برعکس است وکمکهائی هم که آمریکا بروسیه کرده بلافاصله پس از پایان جنك وهنگامی بودکه روسیه تقریباً از پا درآمده وروابط سیاسی وی باآمریکا نیزتیره نشده بود ولی امروزکه سالها ازپایان جنك میگذرد بنظر ما عجیب است که ایران که ازمتفقین باوفای آمریکا وجهان آزاد است درطی اینمدت کمتر ازروسها بدریافت کمك نائل شده باشد

از آن گذشته کمکهائی که آمریکا درطی اینمدت بکشورکمونیستی یوگوسلاوی نموده بیش ازدوبرابر میزان کمك بایران است ودرموردکشور یوگوسلاوی کمکهای غیر نظامی آمریکا باکمکهای نظامی قابل توجهی توأم بوده است که ارقام آنراکشورهای متحده آمریکا فاش نکرده است وتصور میکنم دوستان آمریکائی من تصدیق کنندکه کشوریوگسلاوی از زمان جنك تا حال بمراتب بیش ازما از کمکهای نظامی آمریکا برخوردار شده است من بهیچوجه اعتراضی بکمك آمریکا به کشور یوگوسلاوی ندارم ولی آیا شگفت انگیز نیست که میزان کمك آمریکا به کشورکمونیستی یوگوسلاوی بمراتب بیش ازکمکهائی باشد که بایران شده است ؟

جای آن است که یك کشور دیگرکه درصف کشور های جهان آزاد قرارگرفته است مورد مقایسه قرارگیرد وآن کشور تایوان است که از پایان جنك دوم جهانی تاکنون چهار برابر بیش از ایران از آمریکا کمکهای غیر نظامی دریافت داشته است وباآنکه در اینمورد نمیتوان ارقامی منتشر ساخت ولی مقامات مسئول آمریکائی تصدیق خواهندکرد

که در همین مدت کمکهای نظامی آمریکا به تایوان نیز بمراتب بیش از کمکهای نظامی بکشور ایران بوده است

بدون شك کشور تایوان درخاور دوردارای اهمیت سوق‌الجیشی ولی بعقیده من اهمیت سوق‌الجیشی کشور ما در خاورمیانه از تایوان کمتر نیست

نمیگویم کشور های تایوان و یوگوسلاوی وحتی کشور روسیه لزوماً باید از کمکهای امریکائی کمتر برخوردار شوند ، بلکه من برهبران امریکا پیشنهاد میکنم که نسبت به وظیفه ای که کشور ایران دردفاع جهان آزاد دارد بیشتر مطالعه وتأمل کنند وبنظر من نتیجه مطالعات آنها چیزی جز آن نخواهد بود که کشور ایران باید از حیث دریافت کمك در ردیف اول قرار گیرد

اما افزایش کمکهای آمریکا بایران وسایر اعضای سازمان پیمان مرکزی تنها یکی از طرق تقویت صلح وامنیت این ناحیه است مدتهاست که باین فکر عادت کرده ایم که باید کشورهای غرب بوسیله سلاحهای اتمی وغیر اتمی خود از تجاوز کمونیستها جلوگیری بعمل آورند ولی بعقیده من باید این نکته نیز برای ما مسلم باشد که باید یك وسیلهٔ جلوگیری مخصوص نیز درخاورمیانه بوجود آید ومؤثر بودن این وسیله بسته به نیرو وحدود توانائی آن است که اگر بطریق صحیح ایجاد شود بدون شك موفق خواهد بود

برای اجرای این منظور سه اقدام فوری رابطور اختصار در این جا ذکر میکنیم

اول آنکه کشور های متحده امریکا بعضویت رسمی سازمان پیمان مرکزی درآید من مدتی است که ازاینموضوع پشتیبانی کرده‌ام وبنظر من هیچگونه دلیل موجهی برای خودداری امریکاوجود ندارد، مخصوصاً که کشور های متحده آمریکا در تمام کمیته های اصلی سازمان پیمان مرکزی عضویت دارد. دوم آنکه بایدکلیه برنامه پیشرفت وامنیت غیر نظامی ونظامی سازمان پیمان مرکزی توسعه یابد بعقیده من اگر اعضاء غربی سازمان پیمان مرکزی باوصف تعهدات دیگری که دارند تعهدات مالی خودرا نسبت بسازمان بیفزایند بنفع خود آنها و جهان آزاد خواهد بود

سوم آنکه سازمان پیمان مرکزی چنانکه سابقاً نیز ذکرشده است باید ترتیبی فراهم آورد که ازگروه نمایندگان دائمی نظامی خود یك فرماندهی حقیقی واحدکه نماینده کلیه کشورهای عضو سازمان باشد ایجاد نماید

جنك جهانی سوم ممکن است درخاور میانه آغاز شود وکسانی هم ممکن است میل داشته باشندکه این جنك درکشور سوق‌الجیشی ایران رخ دهد اما باید از بروز جنك جدید جهانی چه دراین‌کشور وچه درسایر نقاط جلوگیری کرد امروز میلیونها ازافراد کمونیست نوشته ها وآثار مارکس‌وانگلس ولنین را بنحوی مطالعه وقرائت‌مینمایند که بعقیده آنها جنك باجهان غیرکمونیستی اجتناب ناپذیر است ولی سایر افرادکمونیست‌کم وبیش باین نکته متوجه شده‌اندکه علوم و فنون جدید ووجود سلاحهای اتمی عقاید حزبی وافکار وفرضیه های بنیان گذاران کمونیست را تحت الشعاع خویش قرارداده است

بااطلاعاتی که من درباره آقای خروشچف دارم معتقدم‌که وی کمتر ازسایرهم مسلکان خود اسیر فرضیه‌ها وافکار غیرقابل انعطاف مارکس است وحتی اگر دوران خروشچف موقتی‌باشد (زیرا پیشوایان مکتب مارکسی هم مانند سایرافراد بشر درمعرض فناقرارگرفته‌اند) باز درکشوراتحاد جماهیر شوروی عوامل عمیقتری برای ایجاد صلح در حال نمو وفعالیت است ومیتوان‌گفت روسها سال بسال محافظه‌کارتر میشوند ومردم آن‌کشور اعم ازکارمندان دولت ومیکرب شناسان و رانندگان اتوبوس ومعماران روسی دارای همان آرزو هائی هستندکه همکاران وهمقطاران آنها درسایر کشور های غیرکمونیست در مخیله خویش میپرورانند عقاید متحققین ودانشمندان روسی بیش از پیش قابلیت انعطاف یافته وبتدریج باین حقیقت متوجه‌گشته اندکه ممکن است دشمن‌واقعی‌آنها دولت های سرمایه‌دارکه مورد حمله‌ودشنام آنها واقع شده اند نباشد بلکه آن غول مهیبی که درخاور دور پشت سر آنها اتصالا بر وسعت خاك و جمعیت خویش میافزاید خصم اصلی آنهاست

تحولات داخلی روسیه بطور غیر محسوسی در روابط آن‌کشور بادنیای آزاد مؤثر خواهد بود ودر دوران تغیر وتحول خطر حملات

اتمی‌وتهدیدوارعاب ونفوذ تدریجی‌وخرابکاری وسایراعمال تجاوزکارانه ویا تهدید بتجاوز موجود وآشکار خواهد ماند و برای جلوگیری از امپریالیسم کمونیستی وسایل نیرومندی مورد لزوم خواهد بود

ولی‌من ازاین پیش بینی نمیگذرم‌که روسها روزی متوجه حقایق وواقعیات خواهند شد امروز جمعیت چین بمراتب بیش از جمعیت کشور همقطاران روسی آنهاست واین‌اختلاف عده بین نفوس دوکشور مستمراً زیادتر میشود. چینی‌ها علیرغم روسها بسلاحهای اتمی‌وموشك مسلح خواهند شد وسعی خواهند کردکه رهبری مرامی ونظامی خود را برتمام دنیای کمونیست تحمیل نمایند وبرفرض هم‌که آشکار نشود محققاً اختلاف عقاید بین این دوکشور شدید تر خواهدگشت وهر چه ملل غربی افکار ورویه خودرا باوضع جامعهٔ مترقی هم آهنك سازند رقابت های فکری تازه‌ای بوجود خواهد آمد

روسها درحالیکه دم از دوستی دائمی نسبت به همقطاران چینی خود میزنند متدرجاً مجبور خواهند شدکه باکشور های غیرکمونیستی تفاهم پیداکنند وممکن است‌که روابط صمیمانه نیز باروسها برقرار گردد وگروه عظیم ملل تمام‌کوشش وتوانائی خویش رابرای‌جلوگیری از بسط تسلط چین ومساعدت بآنهاکه دست از تعصب برداشته وراه مدارا واعتدال را پیش گیرند بکار برند ایجاد این تغییرات سالیان دراز وقت میخواهد وتاوصول بچنان زمانی مردم آزادیخواه باید در عقیده خویش مصمم وثابت باشند وهمواره این نکته رابخاطر بسپارند که صلح مبهم وغیرصریح مفهوم‌واقعی ندارد وازبهترین ومقدس‌ترین افکار انسانی تاآن حالتی که دربیمارستان برای مرضای روانی بوجود میآید واحساس‌راحت میکنند درچنین صلح مبهمی‌مندرج خواهد بود

فصل چهاردهم

شاه و کشور

زندگانی روزانه شاه چگونه‌میگذرد وآیا درکاراو وسایر مردم تفاوتی است ودر آن احساس تنهائی میکند ؟ شاید خوانندگان این کتاب پاسخ این پرسش ها را از من انتظار داشته باشند وبخواهند از وظیفه‌ای‌که بنظر من به عهدهٔ مقام سلطنت دراین کشوری است که اینهمه کهنسال ودر عین‌حال اینقدر تازه ودرشرف ترقی است آگاه گردند

زندگانی روزانه من ترتیب وتنظیم معینی دارد وگاهی هم بمناسبت اوضاع وکیفیات مختلف تغییر میکند. من در حوالی ساعت هفت و نیم صبح از خواب برمیخیزم هنگام استحمام واصلاح صورت غالباً درباره امورکشور اندیشه میکنم ویا برنامه کارهای روزانه را در ذهن مورد بررسی قرار میدهم وهمیشه پس از پوشیدن لباس تنها بصرف ناشتا میپردازم‌که معمولا بسیار ساده ومنحصربکمی آب میوه ویك فنجان قهوه‌ویك تکه نان برشته است. هرچند مدت‌صرف این ناشتای مختصر از دو سه دقیقه تجاوز نمیکند ولی عادتاً سه ربع سر میز نشسته بمطالعه روزنامه میپردازم وهرصبح‌تمام روزنامه‌های مهم ایران وروزنامه‌هائی‌راکه ازامریکا وانگلستان وفرانسه میرسدمطالعه میکنم. ترجمه روزنامه های آلمانی و ایتالیائی نیز از نظر من میگذرد

درحدود ساعت نه بدفتر خود میروم وکار روزانه را آغاز میکنم بدواً وزیردربار شاهنشاهی رامی‌پذیرم وبامور متنوع وگوناگون مانند اجازه شرفیابی‌اشخاص وملاقات باشخصیتهای خارجی‌ومطالعه عرایض استمداد ونظائر آنها رسیدگی میکنم نخست وزیر ووزیر خارجه هروقت لازم باشد بحضور میآیند وسایر وزیران ورؤسای دوایردولتی

نیز غالباً اجازه ملاقات پیدا میکنند

ازنظرمقام فرماندهی کل قوای مسلح هفته‌ای دوروز صبحها را بپذیرفتن رؤسای سازمانهای نظامی وسایر افسرانی که گزارشهای مستقیم رااز نقاط مختلف آورده اند اختصاص داده‌ام وبرای اینکه افسران مزبور تشویق شوند که آزادانه وبی پرده مطالب خود را اظهار دارند معمولا اینگونه افسران را بطور انفرادی احضار میکنم

ازاین گذشته بسیاری از افراد مردم تهران وشهرستان‌ها اجازه شرفیابی پیدا میکنند بعضی ازاین ملاقاتها نتیجه ای جز اتلاف وقت ندارد زیرا ملاقات کنندگان مطلب مهمی ندارند ، اما چون شایعات در کشور ایران زود و بلامانع منتشر میشود رویه من آنست که از نظرات گوناگون ومنابع مختلف اخبار آگاهی یابم و خوشبختانه از ملاقات اشخاص مسرت پیدا میکنم واین کار نه تنها برای من ملال‌آور نیست بلکه موجب نشاط‌هم هست وطینت‌من بدیدارومصاحبه با اشخاص از مطالعه نوشته ها وگزارشها راغب‌تر است

با این وصف حجم‌کارهای نوشتنی من هم زیاد است. در پایان هرصبح رئیس دفتر مخصوص را احضار میکنم ودرباب توده متراکم نامه ها و یادداشت ها وگزارشهائی که رسیده است دستور اقدام میدهم دربسیاری از موارد مفاد آنچه راباید درپاسخ نگاشته شود بوی میگویم ودر پاره‌ای از مواقع نیز تمام نامه ویایادداشت را املاء میکنم

چون خط فارسی خود یك نوع مختصر نویسی است از دستگاه ضبط جواب ویا از تند نویس استفاده نمیکنم. گاهی نیز ، مثلا در نوشتن پاسخ بنامه ملکه الیزابت ، خود به نگارش جواب میپردازم ولی چون کارهای کشور بسیار زیاد است و باید نامه های رسمی و گزارشهای کشوری بسیار را مطالعه کنم مجال مکاتبه خصوصی بندرت پیدا میشود

درحدود ساعت یك ونیم بعد از ظهر از دفتر کار بیرون میآیم و برای صرف ناهار باملکه وگاهی باخویشاوندان و یا با شخصیتهای داخلی ویاخارجی میروم ناهارما خوراك های معمولی ایرانی یااغذیه فرنگی ویا مخلوطی از هردو نوع است ولی برخلاف بیشتر هموطنان

خود میل دارم ناهار من سبک باشد واز آشامیدن مشروبات الکلی چه درهنگام ناهار وچه درمواقع دیگر پرهیز میکنم

بعد از صرف ناهارمعمولا بازمدت سه ربع ساعت روزنامه مطالعه میکنم واگر فرصتی باشد درحدود سه ربع ساعت استراحت میکنم و پس از آن اغلب بدفتر خویش برمیگردم و دو سه ساعت بخواندن گزارشهای رسیده میپردازم روزهای دوشنبه بعد از ظهر شورایعالی اقتصاد وجلسه هیئت وزیران در حضور من تشکیل میگردد و چندین ساعت ادامه دارد

هر ماه یکبار جلسه مطبوعاتی من تشکیل میشود وعده ای از ارباب جراید وخبرنگاران ایرانی وخارجی در آن شرکت میجویند هر ماه چندین بار بسرکشی واحد های نظامی متوقف در تهران ویا افتتاح کارخانه وبیمارستان وپرورشگاههائی که تازه احداث شده باشد میروم و در ضمن مسافرتهائی باستانهای کشور میکنم تا از نزدیک اوضاع را مشاهده کنم و از پیشرفت کارهای عمرانی وتوسعه آگاه گردم .گاهی نیز مسافرت هائی‌که اغلب جنبه رسمی دارد بکشورهای خارج میکنم

میل من آنست‌که اگر مانعی پیش نیاید عصر ها یک ساعت ونیم بورزش بپردازم معمولا شام راکه اغلب اغذیه اروپائی است تنها یا باملکه صرف میکنم

اوایل شب را بشنیدن موسیقی ویا بتماشای فیلمهائی که در کاخ مسکونی نمایش میدهند میگذرانیم و عموماً شبها زود میخوابیم و معمولا پیش از استراحت براز و نیاز بدرگاه پروردگار میگذرانیم

روزهای جمعه وایام تعطیل چند تن از دوستان پیش ما میآیند وببعضی از ورزشهای دسته‌جمعی مانند والیبال و نظائر آن میپردازیم ولی این ایام نیز معمولا تانیمروز بمطالعه گزارشها و تمشیت امور مختلف مملکتی سپری میشود .

این برنامه ممکن است در نظر پاره ای از مردم یکنواخت و کسالت آور بیاید ولی من بکار خود دلبستگی زیاد دارم و از آن خوشم میآید. درفصل هفتم اشاره‌شدکه من بحل مسائل دشواراقتصادی وسایر امور معضله علاقه بسیار دارم واز آن گذشته از صحبت باافراد

مختلف لذت میبرم واز همین جهت از اینکه هرروز بعده زیادی از اشخاص اجازه ملاقات میدهم یك نحو مسرتی درخود احساس میکنم و از سفر های کوتاهی که بمنظور سرکشی به برنامه های عمرانی کشور می‌نمایم واز افتتاح دستگاه هائی که برای پیشرفت امور تولیدی و رفاه ساخته میشود خرسندی و فرح و انبساطی مخصوص در من بوجود میآید

بارها درهنگامی که اسناد مالکیت رابدست کشاورزان میدهم ویا نخستین سنك بنای کارخانه تازه ایرا نصب میکنم یادکمه کارخانه جدید برق را میفشارم ویا نوار افتتاح درمانگاه تازه ایرا قطع میکنم دردل من مسرت وشادمانی سرشاری پدید میآید .

ممکن است برخی تصور کنند که اینکار ها تنها جنبه تشریفاتی دارد ولی در نظر من نمودار های مسرت انگیزی از فعالیتهای خلاقه ایران نوین محسوب میشوند وتصور میکنم که من نیز درین روش مانند پدرم هستم که در ذهنم همواره فکر ایجاد وسایل پیشرفت ورفاه کشور ایران ومردم آن در جنبش وهیجان است براستی که من از همان تفکر در این امور بشوق میآیم و وقتی افکار من بمقام عمل درمیآید و واقعیت پیدا میکند این شوق و مسرت روحانی شدید تر میگردد

از همین جهت است که باوصف موانعی که گاهگاه در برابرم پیدا میشود درکارخویش احساس کسالت وخستگی نمیکنم باوجود این باید بگویم که اگر راه و رسم بردباری وآسان گرفتن دشواریها را نیاموخته بودم هرگز توانائی ادامه کار را پیدا نمیکردم در سالهای اول سلطنت ومخصوصاً در زمان مصدق روزهای پرنگرانی واضطرابی را گذراندم وشاید جای شگفتی نباشد که موی سرم زود سفید گشته باشد وشك نیست که اگر نیروی سهل گرفتن شدائد در من نبود توانائی بدنی و معنوی تحلیل رفته و آتش شوق و علاقه من افسردگی پیدا کرده بود

همه کس از علاقه واشتیاق من بهورزش آگاه است من از شناوری وتنیس و والیبال واسب سواری و شکار و پیاده روی و اسکی بازی روی برف وروی آب وگلف وپرواز و رانندگی اتومبیل های با سرعت تند

میبرم اما ورزش تنها وسیله تفریح من نیست چنان‌که مثلا از صحبتهای ساده وشیرین لـذت میبرم و از شطرنج و خواندن داستان مخصوصآ داستانهای فرانسوی محظوظ میشوم هر چند در این اواخر فرصت مطالعه اینگونه‌کتب تفریحی‌راپیدا نکرده‌ام. تماشای‌فیلمهائی‌را که در ایران تهیه شده است‌برای گذراندن وقت وانصراف فکر مغتنم میشمارم ومخصوصآ بمشاهده فیلمهای خوب پلیسی علاقه مخصوص‌دارم واز فیلمهای خنده‌انگیز وهمراه با موسیقی نیز بدم نمی‌آید. هر چند بعقیده من فیلمهای آمریکائی رویهمرفته از لحاظ فنی بسیار خوب تهیه میشود ولی برخی از فیلمهای انگلیسی و فرانسوی وایتالیائی را نیز از لحاظ هنرمندی‌بازیگران ومهارت تهیه کنندگان جالب توجه یافته‌ام. باآنکه صنعت سینما در ایران تازه آغاز شده ولی اخیرآ فیلمهای‌خوبی ببازار عرضه شده است که تماشای آنها دلپذیر است

من موسیقی دان نیستم ولی شیفته‌آنم وازآن لذت سرشار میبرم موسیقی ایرانی را دوست میدارم ولی باید بگویم‌که تنوع موسیقی‌غربی بیشتر است قطعات سبك والتز بـرای مـن دلپسند است و شنیدن آهنك های (جاز) را مطبوع یافته‌ام ولی علاقه وعشق واقعی من بموسیقی کلاسیك واصیل و آثار استادان بزرك مانند شوپن و بتهوِن و شوبرت ولیست وهم طرازان آنهاست بعضی اوقات فکر میکنم‌که در عصر امروز خلق اینگونه آثار موسیقی محال است ولی این فکر احتمالی بیش نیست واز کجا که عصر طلائی موسیقی و فرهنك جهان تجدیـد حیات پیدا نکند ؟

مـن از راههای دیگر هـم بتفریح و رفع خستگی میپردازم مثلا درکاخ سعد آباد که محل سکونت تابستانی من است گاو و مرغ داریم و درایامی که آنجا هستم چند بار بآنها سرکشی میکنم .گاهی نیزمانند کودکان ببازی با راه‌آهن و قطار برقی که دو سال پیش از سویس خریده‌ام سرگرم میشوم . هنگامیکه در دبیرستان بتحصیل اشتغال‌داشتم مدت یکسال در فن درودگری وکارهای دستی چوبی تعلیم گرفتم و گاهی هوس میکنم‌که برای انصراف خاطر قسمتی از اوقات فراغت را باین کارها بپردازم ازاین هاگذشته ازگفتار وهم‌صحبتی با مـردم فروتن وبدون خود نمائی و غیر متظاهر وساده وطبقه عادی آرامش و

گشایش روح در من بوجود میآید

در سالهای اخیر پیشرفت های ما در امور سیاسی و اقتصادی و اجتماعی بطوری سریع بوده است که نگرانیهای گذشته راکمتر احساس کرده‌ام ولی هنوز با دشواریهای گوناگونی روبرو هستم بنظر من آنچه بیش از همه چیز موجب ناراحتی من است مسئله سستی و کاهلی عدم توجه وعلاقه بکار وکمیابی افرادکاردان و آشنا بوظیفه است که بزرگترین گرفتاری امروزی ماست وهرگاه این نقص بزرك اصلاح شود مسائل دیگر طبعاً حل و فصل خواهدگشت . از همین جهت موجب آنهمه تاکیدی که در نکات مندرج درفصل یازدهم کرده‌ام وعلت آنکه تربیت وآماده ساختن جوانان را برای پیشرفت های آینده ضروری و والزامی میدانم آشکار میگردد

بارها تاکید کرده‌ام که یکی ازوسایل مبارزه مداوم وموفقیت‌آمیز ما برعلیه فساد دستگاههای دولتی آنست که معاش کارمندان بحدکفایت تامین شود تادیگر درا ثر احتیاج ومضیقه زندگانی باعمال ناروا ونادرست نگرایند . بااین وصف حق واقع اینست که بعضی از فاسد ترین افراد ما مردم باثروت وصاحب دستگاهی هستندکه بانداشتن هیچگونه احتیاج واقعی تنها ازنظر پستی فطرت وانحطاط اخلاقی که دارند ازگرفتن رشوه وهدیه مضایقه نمیکنند. اینگونه نابکاران که مانع پیشرفت امورند موجب ناراحتی من میشوند ولی بجای آنکه نسبت بآنها خشم من طغیان کند ونیروی خود را بیهوده تلف سازم باآنها بطریق اصولی وعملی مبارزه میکنم .

همینطور ممکن بود در برابر هتاکی ها و یاوه سرائیهای نارواثی که از رادیوی کشور همسایه پخش میشود مقهور احساسات خویش گشته برناراحتیهای خویش بیفزایم ونیروی خودرا هدر دهم ، اما بدستور خرد با بی‌اعتنائی وتحقیر بآن سخنان ناشایست گوش میدهم ودر مطالبی که گزارش میدهند امعان نظر مینمایم

آنچه تاکنون در این فصل نگارش یافته مختصری از زندگانی روزانه ورویه من درمواجهه با نگرانی ها و موانعی بوده است که اگر باحوصله وتدبیر برفع آنها نپرداخته بودم شاید مراازپای درآورده بودند. اینك میخواهم کلمه ای چند درباره رویه وطرز عمل خویش درحل وعقد

اموركه بگمان من هر موفقیتی‌که درتعهد مقام سلطنت برای من پیش آمده ناشی از آن بوده است برشته تحریر درآورم . یکی از ظرفا برای ناراحتی مانند سایر مسائل ریاضی ضریبی اختراع کرده‌است. آنچه من دراین مورد میتوانم بگویم آنست‌که ضریب ناراحتی من بامیزان پیشرفت هائی‌که میکنیم نسبت معکوس دارد وبنظر من این نکته درباره هموطنان من نیز بطور کلی صادق است . چون رویه من بااحتیاجات تمدن ویژه این سرزمین وفق‌میدهد ممکن استدرنظرخوانندگان غریب وبی‌سابقه جلوه‌کند ولی تجربه نشان داده است که رویه من درامور عملابه نتیجه میرسد وباعث ایجاد یك‌نوع پیشرفتی است‌که میزان نگرانی وناراحتی را تنزل میدهد

مثلا درجریان اموربه تعدد وسایل ومجاری اداری وایجاد طریقه علی‌البدل برای اجرای هرامری معتقدم تااگرمأموری دراثر جهل یاسستی وتنبلی یا غرض شخصی کاری را چنانکه باید انجام ندهد آن وظیفه بدیگری محول گردد . بدین ترتیب هم‌کار بر وفق دلخواه انجام‌میگیرد وهم ازاشخاصی‌که نمیخواهند درخدمت ملت‌قدمی بردارند سلب‌آبروو اهمیت میشود غالباً بمامورین جزء امرمیکنم‌که بروسای خود دستورهای مرا که مربوط بطرز کارومدت اجرای آنست ابلاغ کنند . گاهی این رویه برای تسهیل امور است چنانکه مثلا هنگامی‌که فرودگاه جدیدی را بازرسی میکنم ودر نظر من مناسب میآیدکه در اطراف آن چمنی احداث شود بهر مأموری که درآن موقع نزدیك باشد امر میدهم دستور مرا برئیس خود اطلاع دهد . گاهی نیز عامداً این رویه را اتخاذ میکنم تا ازکبر وغرور خود فروشی مأمورین تنبل کاسته شود

چنانکه ذکر شد عادت من آنستکه از نظریات اشخاص مختلف آگاه شوم واز طرق متعدد ازاوضاع ادارات ودستگاه ها مطلع‌گردم اگر ازکارخانه ای بازدیدکنم ازشخصی‌که سردستگاه تراش ویاماشین کار میکند ازکار خودش ویا وضع تحصیلی دخترش سئوالاتی میکنم درهنگام افتتاح آموزشگاه جدید از آموزگاران درباره وضع زندگی و محل سکونت آنها پرسش بعمل میآورم و از کشاورزان طرز سلوك ادارات و ژاندارمهای محل را جویا میشوم و از کارمندان جزء دولت

درباره تأثیرهزینه زندگی وروحیه کارمندان تحقیق بعمل میآورم

من مشاورینی بمفهوم معمولی این کلمه در خدمت خویش ندارم زیرا بنظر من چنین رویه ای برای رؤسای کشور ها خطرناک است . یکی از اشتباهات پدرم آن بود که در امور بآراء عده محدودی از مشاورین خود تکیه داشت که چون ازاومیترسیدند حقایق رابسمع وی نمیرساندند وبه‌چاپلوسی ومداهنه‌میپرداختند ومتأسفانه‌اغلب‌ازفساد نیزبرکناربنودند. اما من رویه دیگری را پیروی میکنم زیرا میدانم که مشاورین هرچند صلاحیت فنی داشته باشند گاهی اغراض شخصی را بر منافع ملی مقدم میشمارند وگذشته از آن میخواهند هرگونه اطلاعاتی بوسیله آنها بمن برسد ومنابع مستقل کسب اطلاع را مسدود میکنند . ازهمین جهت‌بجای مشاورین مخصوص اطلاعات خودرا ازمنابع‌گوناگون بدست میآورم وپس از سنجش آنها منحصراً بنفع عموم ملت تصمیم لازم در هرمورد اتخاذ میکنم . باید بگویم که من بهیچوجه خویشتن راگنجینه حقایق افکار روشن نپنداشته ام وبرعکس از اطلاعات گوناگونی‌که بمن میرسد وقضاوت عده زیادی از اشخاص بصیر ودانااستفاده میکنم

گذشته ازاین اگر مشاهده‌کنم‌که قضیه‌ای‌فوق‌العاده دشوار وبغرنج است فوراً شبکه اطلاعات خود را وسعت میدهم وبوسیله کسب نظراز منابع مختلف آن مشکل را حل میکنم و سپس اغلب اینگونه قضایا بادارات مربوطه و مسئول احاله میشود . از نظر همین اظهار نظر های مختلف تصمیمی که پس از مداقه اتخاذ میشود معمولا برای کشور و مخصوصاً برای مردم عادی سودمند است .

همینکه نسبت بمسئله ای تصمیم قطعی اتخاذ شد اجرای آنرا به نخست‌وزیر ویا یکی از وزیران یارئیس سازمان مستقل دستور میدهم . غالباً اداره ای‌که کار بدان محول شده باسرعت و اطمینان دستور را بموقع اجرا میگذارد ولی گاهی نیز بتانی ومسامحه میگذراند ودر این صورت از شخص مسئول توضیح میخواهم و جمله معمولی و مبتذل « تقصیر من نیست » را نمیپذیرم من بندرت خشمگین میشوم ولی مأمور خاطی از طرز نگاه ولحن ادای سخن من درجه عدم رضایت مرا استنباط میکنند واین چنین ماموری بطریق قانونی ازکار منفصل میشود

وبدولت دستور داده میشودکه شخص شایسته تری رابجای وی برگزینند واین امردرمورد سازمانهائی‌که بایددرآنها تغییرات داده شود بهمین نحو بموقع عمل واقدام در میآید .

هرچند برای بدست آوردن اطلاعات یابرگزاری امورتماس بامنابع مختلف واحضار یك یاچند نفر ازمطلعین را ضروری میدانم ولی از دو هیئت رسمی‌که سابقاً بدان اشاره شده است یعنی هیئت وزیران وشورای عالی اقتصاد نیز استفاده کامل میشود .

بنظر من ذکر طرز کار هیئت وزیران که از نخست وزیر وکلیه وزیران مسئول ترکیب یافته برای روشن ساختن رویه کار من بی‌مورد نباشد جلسه هیئت وزیران در اطاق مخصوص ومجهزی درکاخ مرمر تشکیل میگردد قبل از ورود نخست وزیر و اعضاء کابینه او هریك در جاهای خود قرار گرفته اند و چون منتظر وروه من هستند نیازی باعلام رسمیت جلسه نیست ومذاکرات بلافاصله باحضور من‌آغاز میشود . درطی مذاکرات هرگز بزدن زنك ونظائر آن مذاکرات را اداره نمیکنم بلکه تنها بانگاه و تغییر قیافه جلسات را هدایت و رهبری مینمایم . هرگاه در ذهن من مطلبی خطورکرده باشد یا اهمیت موضوعی ایجاب کند هیئت وزیران را مجتمعاً مخاطب قرار میدهم ویا به نخست وزیر ویایکی از وزیران دستور میدهم تاگزارشی راکه قبلا خواسته ام قرائت کند ویا حضوراً درباره یك مسئله جاری توضیحاتی بدهد من بآنها اجازه میدهم وحتی تشویق میکنم‌که درباره هرموضوعی‌که طرح میشود آزادانه اظهار عقیده کنند ولی دائماً جریان مذاکرات را طوری رهبری میکنم‌که مسائل به نتیجهٔ قطعی و مثبت برسد گاهی ممکن است اصولی را برای راهنمائی کلی اظهار نمایم و یا در موردی امری مخصوص بدهم

مثلا دریکی از جلسات در اهمیت نمایش فیلمهای مستند برای اطلاع مردم ازپیشرفت برنامه های عمرانی تأکیدکردم وپس از آنکه لزوم وفوراسباب بازیهائی راکه‌وسیله تربیت ذهنی‌کودکان‌است‌گوشزد نمودم درباره پیشنهادی‌که برای منع ورود بازیچه های‌کودکان شده بود بشدت انتقاد کردم. درمورد رسیدگی که از یکی ازفروشگاههای دولتی بعمل آمده بود اظهار داشتم‌که علاقه اساسی من برآن است‌که بهای

خرده فروشی کالاها کاهش پیدا کند پس ازآن درباره افزایش حقوق مستخدمین که آنها را قدرت دهد که در برابر افزایش سریع قیمتها زندگی خود را اداره کنند تأکید کردم و از وزیر مسئول خواستم که برای اتمام یکی ازخطوط آهن تاریخ معینی را معلوم کند ودر مورد طرح کارخانه فولاد سازی درایران دستور دادم درکار تسریع کنند

در جلسه دیگر که مسئله بودجه سال آینده مطرح بود درباره تخصیص عواید نفت به برنامه عمرانی راهنمائی های کلی واصولی کردم ومسئله فوریت ازدیاد حقوق کارمندان دولت و ژاندارمری و افزایش بودجه بهداری وفرهنك وسازمان امنیت ملی راگوشزد نمودم وبرای تأمین این اضافات گفتم باید اصلاحاتی درامر وصول حقوق گمرکی بشود ونسبت به صرفه جوئی در هزینه های عمومی دقت و مواظبت بیشتری بعمل آید وتعلیماتی درباره اعطای اختیارات بشهرداری ها برای نظارت در امر تحصیلات ابتدائی دادم و از وزیر فرهنك خواستم کـه برای افزایش اعتبار فرهنك راههائی پیداکند سپس دستور هائی درباره تولید چای وشکر مخصوصاً باتوجه به نیازمندیهای عمومی صادرکردم.

بچند نفر ازاعضاء هیئت گفتم درمسئله فروش قسمتی ازاراضی متعلق بوزارت خانه‌های خود وتهیه عوائدی برای ساختن منزل کارمندان دولت مطالعه نمایند

درجلسه دیگر درباره گزارشهائی که راجع بقاچاق تریاك دریکی از استانهای شمالی بمن رسیده بود اظهار نظرکرده دستورمؤکد برای جلوگیری فوری ازاین کارخلاف قانون صادرکردم. آنگاه بوزیر مسئول بهداری درباره گزارشی که ازوضع نامرتب یکی ازشیرخوارگاهها بمن رسیده بود تذکاراتی دادم واز وی خواستم وضع آن بنگاه را بسرعت اصلاح کند درمورد ترمیم حقوق کارمندان دولت تاکیدکردم وبهیئت دولت دستور دادم که در بودجه‌ای که پیشنهاد میکنند این ترمیم را منظوردارند. وازهیئت‌وزیران خواستم که نسبت بوضع مالیات مطالعات فوری بعمل آورند که بارعایت عدالت اجتماعی عایدات دولت افزایش یابد میتوانم موارد متعددی را بعنوان مثال ذکرکنم که در خط مشی وتصمیماتی که دولت میگیرد نسبت به بسط وتحکیم عدالت اجتماعی کوشش بعمل‌آورده ایم مثلا بارها هیئت وزیران را باصول پنجگانه

عدالت اجتماعی که درفصل هشتم این کتاب بآن اشاره شد متوجه ساخته‌ام وهمین اصول وطرق رسیدن بآنها درکلیه دستور ها و بیاناتی که در هیئت وزیران کرده‌ام انعکاس داشته است. چنانکه نسبت بمؤسسات صنعتی که بیش از یکصد نفر کارگردارند خواسته‌ام که قانون مربوط بآن را بهتر اجراکنند تابرای کارگران مساکنی که باسطح‌زندگی امروزی متناسب باشد ساخته شود دربرنامه صنعتی کشور اظهار عقیده کرده‌ام که دردرجه اول باید توجه بایجادکارخانه‌هائی بشودکه محصول آنها مورد نیاز طبقات کم درآمد ومایه‌پائین آمدن هزینه زندگی آنها باشد وبرای اجرای همین نظر بوده است که کارخانه جدید نان ماشینی و کارخانه داروسازی که قبلابآن اشاره شده احداث کرده‌ایم

در یکی از جلسات به هیئت وزیران دستور دادم دربرنامه ایجاد مدارس متعدد حرفه‌ای در سراسرکشور تسریع کنند و خاطرنشان کردم که این اقدام برای جوانان کشوربدون‌آنکه قدرت‌مالی یانفوذ خانوادگی آنها مؤثر باشد فرصت‌های تازه ایجاد میکند ودر ضمن کمبود متخصصین فنی واستادکار راکه امروز درکشور محسوس است جبران مینماید در پیروی این نظر هیئت دولت را راهنمائی کردم که ازکمکهای خارجی که برای اجرای برنامهٔ آموزش فنی ما داده میشود حسن‌استقبال کنند. امرکردم هزینه‌های تحصیلی راکه دستگاه سلطنت ودولت در اختیار دانشجویان میگذارد بیشتر بدانشجویان بی‌بضاعتی که مایل به ادامه تحصیلات فنی ونظائر آن درکشورهای خارج هستند اختصاص دهند و برعده این هزینه‌های تحصیلی بیفزایند. دستور دادم که وسایل‌تشویق پزشگان را برای رفتن‌بنواحی دوردست‌کشور فراهم سازند وچون در ایران نیز مانند سایر کشورهای مترقی پزشگان میل‌دارند درشهرهای بزرگ متمرکزشوند بدولت تأکید کردم که برای پزشگانیکه داوطلب خدمت درخارج از تهران و نقاط دوردست میگردند تسهیلات بیشتر قائل شوند

درباره خریدگندم برای‌کمك بکشاورزان و توسعه ذخیره غذائی کشور بوزیر مسئول دستورهائی دادم وازوزیرکشاورزی خواستم که مساحت زمین‌های زراعتی ومشروب اطراف تهران را توسعه دهد تا برای جمعیت روز افزون پایتخت محصولات ارزان قیمت بحد وفور

فراهم باشد

برای اینکه بکشاورزان در ازدیاد محصول و افزایش در آمدشان کمك لازم بشود ببانك کشاورزی دستور دادم شعب خود را درشهرهای کوچك و قصبات افزایش دهد .

همچنین مقرر داشتم که یکروز را در سال روز ملی درختکاری در کشور اعلام کنند وتاکیدکردم که اقدامات دیگری نیز برای توسعه جنگل ها بعمل آورند تا هم روستائیان چوب بـرای ساختن خـانه و سوخت برای طبخ غذا داشته باشند وهم رطوبت خاك وآب های جدولها موجب اعتدال هواگردد وضمناً درباره امکان تولید باران مصنوعی در ایران مطالعات وآزمایشهائی نظیر تجربیات موفقیت انگیزی، که در استرالیا وامریکا وسایرکشور ها شده بعمل آورند

اینها نمونه‌ای ازراهنمائی‌ها ودستور هائی‌است‌که متوالیاً بمسئولین امور میدهم ولی شك نیست‌که دستور دادن ومراقبت دراجرای آنها دوکار متمایز است دیری نخواهد گذشت که پیشرفت فـرهنك و انضباطی‌که درنتیجه‌گردش امور کارخانه ها بوجود میآید عادت مذموم تنبلی ودفع‌الوقت را ازکشور ما برطرف خواهد ساخت ولی تا وصول بچنان روزی باید من و دیگران اتصالا مراقبت کنیم وکارمندان را بکوشش ومجاهده وادار سازیم

برای حسن اجرای امور باید سختی و استقامت داشت و همین نکته موجب آن است که من باطبقات مختلف تماس شخصی داشته باشم برخی از زمامداران و مدیران کشور های غربی معتقدند که درجه نظارت در امور باید محدود و هر مدیر با بیش از هشت تا دوازده نفر متصدی مسئول سروکار نداشته باشد ولی این روش بهیچوجه باوضع تربیتی ما متناسب نیست‌واز آن گذشته اگر مجاری اطلاعاتی که من معمولا بدان ها متکی هستم محدود گردد برای کشور خطرناك خواهد بود. دائره ارتباطات من باید وسعت بسیار داشته باشد تااز نیازمندیها ونشواریهای مردم ایران‌کاملا آگاه شوم و همین نکته درباره وظیفه دیگر من که مراقبت ونظارت مداوم درترقی است صادق است

بایدناگفته نگذاشت‌که تدوین‌کنندگان قانون‌اساسی ایران‌ازروی کمال خرد و دور اندیشی شاه را از هرگونه مسئولیتی مبرا شناخته‌اند

و منظور آنها این بوده است‌که شاه مافوق آنست‌که بهمان مفهومی که وزیران او دربرابر مجلس مسئولیت دارند مسئول باشد.

اما وقتیکه قانون اساسی شاه را مسئول نمیشناسد منظورش آن نیست‌که شاه شخص غیر مسئولی است بلکه برعکس وظیفه دارد که اختیارات مهم مقام سلطنت راکه درفصل هشتم بطور خلاصه بیان‌شده است خردمندانه اعمال نماید. از این‌گذشته اگر شاه واقعاً نسبت بمردم ورفاه آنها علاقه داشته باشد وظیفه اوحکم میکندکه در تعیین سیاست ملی واجرای آن رهبر حقیقی ملت باشد .

طبعاً در میزان رهبری وقیادت شاه در پیشرفت وترقی سریع کشور کشور حدودی است . چنانکه توضیح داده‌ام ما مانند تمام مللی‌که تازه قدم در راه پیشرفت و توسعه نهاده‌اند با دشواریهای بزرك ومخصوصاً باکمبود کارمند برای انجام امور عمرانی مواجهیم ودر اجرای طرحهای بزرك خود نیز سرمایه کافی برای تهیه وسائل وتسهیلات لازم دراختیار نداریم . ولی سخن دراین است‌که من وتمام هموطنان میهن‌پرست من کوشش میکنیم‌که درپیشرفت های خود تسریع کنیم و تصور میکنم شواهد بسیاری ثابت میکندکه مجاهدت عمومی وروزافزون ماباموفقیت مقرون بوده است .

آبراهام لینکلن وبسیاری از پیشوایان و رؤسای کشور ها به‌این تنهائی که مقام وموقعیت برای آنها بوجود آورده‌است اشاره کرده اند درایران نیز سنن‌کهن و باستانی ما برای شاه همین حالت عزلت و تنهائی را بوجود آورده است وهرچند دسترس مردم بمن بیشتر وقیافه من بمهابت قیافه رضاشاه نیست ولی‌مقام سلطنت خواه‌ناخواه مرااز‌مردم دور نگاه میدارد . در جلسات هیئت وزیران ویا در هنگام بار یافتن اشخاص ممکن است خنده‌یامزاح‌کنم ولی برهمه‌مسلم است‌که ارتباطی که بدین‌کیفیت پیدا میشود سطحی‌وعارضی است وچون مایل باستخدام مشاور نیستم وعادت من براین است‌که چنانکه درمیان رؤسای سایر ممالك معمول است تصمیمات نهائی رادرقضایا بشخصه اتخاذکنم این عزلت وتجرد شدید میشود و وضع من طوری است‌که جز در مسائل جزئی وساده در امورکشوری حتی باخویشاوندان بسیار نزدیك خود مذاکره‌ای نمیکنم .

پس آیا با این حال احساس تنهائی میکنم؟ جواب این پرسش بعقیده من منفی است زیرا انس وعلاقه من نسبت بهمسرم وملت ایران و فرح وانبساطی که از مشاهده آثار طبیعت پیدا میکنم ازاین تنهائی و عزلت جلوگیر است .

گذشته از آن من بکار از نظر آنکه مرا بمبارزه با دشواریهای گوناگون میطلبد شیفتگی مخصوص دارم واز آثار بارز ترقی که درهر گوشه کشور که میروم بچشم من میآید وحاکی ازآن است که مادرطریق صحیح گام برمیداریم محظوظ میشوم . من میل ندارم که خود را اسیر احساسات جلوه دهم ولی منظره دختران دانش آموز که در خیابانها صحبت کنان وباتبسمی درلب عبور میکنند احساس تنهائی را از دلم بیرون میکند وآنرا بشعف میآورد و دراثر این کیفیت معنوی تعجبی ندارد اگر آرزو داشته باشم روزی برسد که دولت جهیز هر دوشیزه ایرانی راکه بسن قانونی رسیده ومایل بازدواج باشد فراهم سازد زیرا ازدواج بسیاری از دوشیزگان ما بعلل مادی بتاخیر میافتد و بنظرمن این عمل غیر عادلانه است . بهمین ترتیب نقشه ایرا در ذهنم میپرورانم که خانه های تازه ساخت بافضای وسیع و منزه برای تمام پیران بی سر وسامان ساخته شود و هریك در قسمتی از آن ایام باقی عمررا بفراغ خاطر بگذرانند ، زیرا هنگام زوال آفتاب عمر موقع آسایش و آرامش است ومیتوان چنین ایام بدون نگرانی را برای آنها که پیمانه زندگانیشان نزدیك به لبریزیست فراهم ساخت .

عامل نیرومند دیگری درحیات من مؤثر است که مرا در مقام سلطنت ازتنهائی نجات میبخشد و آن اتکاء بمدد پروردگار است که چنانکه سابقاً ذکر کرده ام معتقدم مرا در هرکار یاری و دستگیری میفرماید .

این ایمان واعتقاد هرگز مرا مغرور وخود بین نساخته است و برعکس درمن اطمینان خاطری بوجود میآورد که دراین جهان کوشش وتلاش مصدر خدمت ووظیفه ای هستم وازهمین جهت گذشته از انجام فرائض روزانه مذهبی گاهگاه از درگاه ایزد چاره ساز درخواست کمك و یاوری میکنم . من دعوی ندارم که باعالم علوی ارتباط غیر عادی دارم ولی بطور ساده وبی هیچگونه گزافه ای میگویم که دعاهای

بیریای من هیچوقت بدون اجابت نبوده‌است واز همین روی فکر تنهائی بمشواری در ذهن من بوجود میآید . من دراین فصل نمیخواهم درباره مقام سلطنت خود ویا سنن وتمدن باستانی این‌کشور که خویشتن را وقف خدمت بآن کرده‌ام اطاله کلام دهم ودرفصول پیش درباره عقاید و برنامه کار واقدامات مداومی‌که برای اجرای آن عقاید وافکار بعمل میآورم سخن‌گفته‌ام از همین جهت تصور میکنم بااشاره مختصری بدستگاه شاهنشاهی‌کشور ایران میتوانم خامه را برزمین نهاده واین مقال را پایان بخشم .

من این درس‌رافراگرفته ام‌که باید بمقام خود ووظیفه سلطنت بابیطرفی محض نگریست واگر تاکنون احساس کرده بودم‌که سلطنت ایران از نظر طول دوران از انتفاع افتاده است باخرسندی ازآنمقام استعفا میدادم وخودم نیز برای برانداختن آن مساعدت میکردم . ولی وقتی منطق مانند روشنائی بامدادی حاکم میشود میبینم این دستگاه شاهنشاهی بکشور ایران خوب خدمت کرده است و همانطورکه در دوران عظمت نخستین برای مردم این‌کشور سودمند بوده است امروز یعنی درعصراتم نیزاین فایده وثمربخشی باقی وپای برجاست

چنانکه ذکر شد دوران شاهنشاهی مابدو هزارو پانصدمین سال خود رسیده است واگر این رقم قطعی نباشد تفاوت در طرز محاسبه آنست بهرحال کوروش بزرك ۲۵۰۵ سال پیش بسلطنت رسید وچند سال طول‌کشید تانواحی مختلف‌کشور راتحت حکومت واحد در آورد ومقام شاهنشاهی خویش را مستحکم ساخت پس ازدوران کوروش ایران چندین قرن هم مورد هجوم وتجاوز بیگانگان بود وهم ایرانیان به تسخیر وگشودن کشورهای دیگر پرداختند ودرهردوحال شاهنشاهی مابردوام بود واین رشته محکم هرگز گسسته نگشت

درطی اینمدت دراز دستگاه شاهنشاهی ماآشوب ها رابامنیت و اختلافات را باتحاد مبال ساخت در ایران همیشه اختلافات نژادی و مذهبی وسیاسی واقتصادی وجود داشته است ولی درپرتو مقام سلطنت همه این اختلافات بیك نوع‌کمال ووحدتی‌که شخص شاه مظهرآن است مبدل‌گشته است

اینك میگویم‌که درتاریخ‌کشور ایران من اولین شاهنشاهی هستم

که از قدرت قانونی خود بحد کمال استفاده کرده‌ام وصدق این سخن که دربادی امر بذهن شگفت انگیز میآید با اندك تعمق آشکار و روشن خواهد گشت

تا سال ۱۳۲٤ هجری قمری قانون اساسی مدونی نداشتیم بنابراین اختیارات قانونی پادشاهان ایران بسیار مبهم بود . ازسال ۱۳۲٤ هجری قمری تازمانیکه پدرم سلطنت ایران را بچنك آورد قاجاریه مشروطیت ایران رابشوخی گرفته بودند ودرعین حال نیز ازقدرتی که قانون اساسی بآنان تفویض کرده بود استفاده نمیکردند رضاشاه نیز که خدمات عظیم وگرانبهائی بایران کرد مجلس شورای ملی را منقاد خویش ساخته وبا این رویه خویشتن را از اختیارات قانونی خویش نسبت بمجلس محروم داشته بود از آن گذشته هر چند تشکیل مجلس سنا جزو مقررات قانون اساسی بود ولی این مجلس تازمان شاهنشاهی من تشکیل نیافت. پس باآنچه ذکرشد مسلم است که من اولین پادشاه ایران هستم که از قدرت قانونی خود بهمان نحوکه واضعین قانون اساسی در نظر داشته‌اند استفاده نموده‌ام علاوه بشرحی که ذکرآن رفت ملت ایران صلاح دانسته‌است که اصلاحاتی درقانون اساسی مصوب سال ۱۳۲٤ هجری قمری بعمل آورد واختیارات قانونی مرا توسعه دهد

بعضی ازمخبرین سیارجراید خارجی مرا پادشاه مشروطه متمایل به دیکتاتوری خوانده‌اند ودر همین حال برخی از هموطنان من وعده ای از خارجیان میل داشته اندکه رویه من درکار سخت تر باشد ومانند پدرم مطلق العنان باشم بنظر من این کتاب بتواند از آن تعادلی که کوشش کرده‌ام بین این دورویه بوجودآورم شرح روشنی بدهد ومخصوصاً تصور میکنم باتشکیل احزاب سیاسی بتوانم سنن سلطنتی باستانی رابر رویه های تازه بمقام عمل درآورم

مادر زمانهای گذشته هم پادشاهان بزرك وهم پادشاهانی داشتیم که یااز قدرت خویش سوء استفاده مینمودند ویا درخدمت بمردم قصور میکردند ولی امروز یك چنین وضعی امکان پذیر نخواهد بود در عصر کنونی باتوسعه فرهنك وایجاد احزاب سیاسی پادشاه خوب میتواند بطریق مؤثر تراز دوره های گذشته بمردم کشور خدمت کند ولی پادشاه بد یا شاهی که لیاقت وی متوسط باشد دیگر وسیله زیان واضرارمردم کشور

خویش رانخواهد داشت ، زیرا مردم منورالفکر کشور زیربار اونخواهند رفت وناگزیرش خواهند ساخت که یاخود را اصلاح کند ویا تخت تاج رابدیگری واگذارد. سلسله قاجاریه رااحساسات عمومی که ازطرز کشورداری آنها خسته شده وبجان آمده بودند برانداخت و رضاشاه بتخت سلطنت مستقر ساخت . در آینده نیز همین افکار عمومی احزاب سیاسی ناشر آنند بیش ازپیش نسبت بکشور ونیازمندیهای بیدار وهوشیار خواهد بود.

وقتی اصول حزبی اساس کار باشد شاه مانند کانون یامرکز وحدتی خواهد بودکه همه گونه اغراض ومطامع شخصی وخصوصی تحت الشعاع خویش قرار میدهد . ما ایرانیان جزو مللی هستیم آزادی انفرادی ازخصایص آنهاست ولی درتمادی قرون نشان داده که هر وقت احتیاج بوفاداری و از خود گذشتگی بزرگ پیش آید آزادی فردی میگذریم وتصورمیکنیم درآینده نیز درابراز این خصیصه قابل ستایش از نیاگان خویش های کم نداشته باشیم .

امروز سرعت تحولات درجهان بدرجه‌ای شدیداست که هراجتماع ممکن استدرکمال سهولت محو ومستحیل گردد . بنظر من پیشرفت ها شگفت آوری که دراین چند سال اخیر در ایران متجلی است دلیل مسلمی استکه ماهم ازتحولات وترقیات استقبال میکنیم وهم در حفظ معنویاتی که ویژه تمدن کهنسال ماست ثابت واستواریم . مابه باغها ایران وشعر وادبیات وزندگی خانوادگی و میهمان نوازی که از عادا دیرین ماست شیفته‌ایم : مابه این کشور منزه وسرزمینی که ازکویرو کوههای پراز برف وصحاری حاصلخیز مستور است افتخار میکنیم ؛ باین خطه دلکش وسرو چنار ومیوه های پرآب ورودخانه ها وچشمه و وجویهای مفروش از کاشی و بهار نارنج وسوری وبلبل آن دلبستگی عاشقانه داریم و دستگاههای سیاسی واجتماعی خویش را مایه مباهات میدانیم .

